تذکراین کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکة الامامین الحسنین عليهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده است.

اهدا

به چهارده معصوم پاک عليهم‌السلام

که دوازده ماه سال را بر گرد نور وجودشان در طوافیم؛

و خورشید و ماه و ستاره ما آنانند؛

و لحظه ها و ساعات و روزها و هفته ها و ماه ها و سالهای خود را، به یاد آن ستارگان تابناک وجود سپری می کنیم؛

در سرور آنان شادیم، و در حزن آنان اندوهناک؛

و این چنین حرمت ماه های الهی را به نمایش می گذاریم.

عبدالحسین

آنچه حیات شیعه را با ارزش می کند

«شیعَتُنا جُزءٌ مِنّا خُلِقُوا مِن فَضلِ طینَتِنا، یَسوُؤُهُم ما یَسوؤُنا و یَسُرُّهُم ما یَسُرُّنا». امام صادق عليه‌السلام می فرماید: «شیعیان ما جزئی از ما هستند، که از اضافه طینت ما خلق شده اند. آنچه ما را ناراحت کند آنان را ناراحت می کند و آنچه ما را مسرور کند آنان را مسرور می نماید». (1)

عمر ما شیعیان را با محاسبه ساعاتی که در یاد اهل بیت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم باشیم می توان محاسبه کرد. برای به دست آوردن ارزش و بهای حقیقی سال و ماه و روزمان، لحظاتی را باید محاسبه کنیم که نام مقدّس محمّد و علی و فاطمه و یازده امام از فرزندانشان عليهم‌السلام در آنها درخشیده است، و باید ساعاتی را به شماره آوریم که نام حسین عليه‌السلام به آنها جان داده است. و باید روزهائی را به حساب آوریم که با یاد مهدی صاحب الزمان عليه‌السلام سپری کرده ایم.

سرور و غم در شادی و حزن اهل بیت عليهم‌السلام

در اعتقاد ما دین جز حب و بغض نیست، (2) و این محبّت است که نمی گذارد روزهای شیرین و تلخ در رابطه با ولایت و برائت از خاطره ها محو شود. در ولادت

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار، ج 65، ص 24. امالی شیخ طوسی: ص299. بشارة المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص196. غایة المرام: ج16 ص72. ارشاد القلوب: ج2 ص257.

2. کافی: ج2 ص125. محاسن: ج1 ص262. بحار النوار: ج65 ص63، ج66 ص241.

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم تبسمی روح انگیز بر لب می نشانیم و در رحلت او مظلومیت علی و فاطمه عليهم‌السلام را در دل تازه می کنیم. در ولادت علی عليه‌السلام با جمع بهشتیان به استقبال او در کعبه می رویم، و در شهادت او خون دل سی ساله علی عليه‌السلام از ظلم سقیفه را با تمام وجود احساس می کنیم.

در ولادت زهراء عليها‌السلام با لبخند پیامبر و خدیجه عليهما‌السلام، غنچه روحمان می شکفد و بی اختیار متبسم می شویم، و در شهادت او ضربه در را بر پهلوی خود احساس می کنیم، و به یاد آن سیلی صورت خود را سرخ می کنیم. بر جود حسن عليه‌السلام می بالیم و بر تنهائی مظلومانه او می نالیم. در غدیر اوج سرور را در می نوردیم و تابلوی بزرگترین عید الهی را بر بلندترین قلّه جهان نصب می نمائیم. در عاشورا از قلّه غم قصّه عظیم ترین غصّه را مرور می کنیم و اشک می ریزیم و از خود بی خبر می شویم.

شیعه جنازه مقدّس پیامبرش را رها نمی کند و به سقیفه نمی رود. شیعه فاطمه عليها‌السلام را در پشت در و علی عليه‌السلام را طناب بر گردن تنها نمی گذارد. شیعه با خاموش شدن چراغ خیمه ها در شب عاشورا خود را در تاریکی شب گم نمی کند. شیعه با لبیک دائمی خود ندای «هل من ناصر» حسین عليه‌السلام را پاسخ مثبت می دهد. شیعه سم اسبها را بر سینه خود احساس می کند. شیعه به یاد خیمه های سوخته در آتش می دود و «یا حسین» می گوید.

شیعه کنار محمل زینب عليها‌السلام سر می شکند. شیعه به یاد کودکان در بیابان دویده کربلا در روز عاشورا پابرهنه می گردد. شیعه چشمان اشکبار خاندان حسین عليه‌السلام را کنار سر بریده تنها نمی گذارد. شیعه مانند زینب و رباب عليهما‌السلام با مشاهده چوب خیزران طاقت از کف می دهد. شیعه هنوز برای رقیه سه ساله عليها‌السلام در خرابه مرهم می برد.

شیعه همچنان اربعین را در کربلا حاضر است. شیعه با زینب بر حسین می گرید، و با سکینه بر علی اکبر اشک می ریزد، و با رباب برای علی اصغر سینه داغ می کند، و با اطفال حرم «یا اباالفضل» می گوید. شیعه همراه کاروان اسیران حسینی و زینبی از کربلا تا کوفه و از کوفه تا شام و از شام تا کربلا و از کربلا تا مدینه

می رود. شیعه بر امامان مظلومی که به دست میراث خواران سقیفه محبوس و مسموم شدند می سوزد.

و این گونه اشک شیعه در سوگ اهل بیت عليهم‌السلام است و سرورش در شادی آنان!! شیعه از امامش این درس ابدی را گرفته است که «اِن سرَّک ان تکون معنا فی درجات العُلی فی الجنان فاحزن لحزننا و افرح لفرحنا»: «اگر دوست داری در درجات عالی بهشت با ما باشی برای حزن ما محزون باش و برای شادی ما شاد باش». (1)

ای کاش تاریخ دقیقی از لحظه به لحظه و ساعت به ساعت زندگی اهل بیت عليهم‌السلام در دست داشتیم، و می توانستیم همه لحظات زندگی خود را با یاد شادی و احزان آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم منطبق نماییم؛ و این گونه تمام همه عمرمان «یَفرَحونَ لِفَرَحِنا وَ یَحزَنونَ لِحُزنِنا» را به تصویر می کشید. افسوس که دشمنان چنین فرصتی را از ما گرفتند و بسیاری از سرور و احزان چهارده معصوم عليهم‌السلام بر ما پوشیده ماند، تا روزی که مهدی موعود عليهم‌السلام بیاید و پرده از تلخ و شیرین هزار و چهارصد ساله بر دارد.

دوازده ماه در قرآن

خداوند در قرآن می فرماید: (إنَّ عِدَّهَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً فی کِتابِ اللَّهِ یَوْمَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ اْلأَرْضَ مِنْها أرْبَعَهٌ حُرُمٌ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ فَلا تَظْلِمُوا فیهِنَّ أنْفُسَکُمْ...)

«عدد ماهها نزد خدا در کتاب الهی از روزی که آسمانها و زمین را آفریده دوازده ماه، است که چهار ماه از آنها حرام است. این است دین ثابت و پابرجا، پس در این چهار ماه به خود ستم نکنید...». (2)

از امام باقر عليه‌السلام در باره معنای این کلام خداوند پرسیدند که می فرماید: «اِن عده الشهور عند اللَّه اثنا عشر شهراً...». حضرت فرمود: منظور از سال جدم پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم است، و

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار، ج 98، ص 103، ج44 ص285، از امام رضا عليه‌السلام، عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج1 ص234-233. امالی صدوق: ص193. اقبال الاعمال: ج3 ص29. وسائل الشیعة: ج14 ص503.

2. سوره توبه: آیه 36.

ماه های آن دوازده تاست که عبارتند از امیر المؤمنین، امام حسن، امام حسین، امام علی بن الحسین، خود من (یعنی امام باقر)، و بعد از من پسرم جعفر، و پسر او موسی، و پسر او علی، و پسر او محمّد، و پسر او علی، و پسر او حسن، و پسر او مهدی عليهم‌السلام، که دوازده امام اند، و حجتهای خدا در خلق او و امینانش بر وحی و علم هستند.

چهار ماه که خدا آنها را ماههای حرام و محترم شمرده و دین محکم الهی هستند، چهار امام اند که نام آنها علی است: علی امیر المؤمنین، پدرم علی بن الحسین، علی بن موسی و علی بن محمد عليهم‌السلام. اقرار به این امامان دین محکم است. به امامت همه آنان معتقد باشید تا هدایت یابید. (1)

روش تنظیم کتاب حاضر

در تنظیم کتاب حاضر نکات زیر در نظر گرفته شده است:

1. تقسیم اصلی کتاب بر اساس ماه های دوازده گانه قمری در 12 بخش است. در هر بخش روزهای هر ماه عنوان اصلی قرار داده شده، و وقایع هر روز با شماره گذاری و عنوان فرعی آورده شده است.

2. در پایان روزهای هر ماه، به ذکر وقایعی می پردازیم که در آن ماه رخ داده ولی روز آن تعیین نشده است.

3. در اکثر ولادت ها و شهادتها قولهای نادر و خلاف مشهور وجود دارد، که ما با انتخاب قول اقوی بقیه اقوال را در ذیل آنها یادآور شدیم. در مواردی مانند شهادت حضرت زهرا عليها‌السلام که چند روز در سال رسماً مطرح است همه آنها ذکر می شود.

4. وقایع مذکور در این تقویم از ولادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم تا آغاز غیبت کبری است.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار، ج 24، ص 240. الهدایة الکبری: ص377. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج1 ص346. الغیبة (شیخ طوسی): ص149.

5. همچنین وقایع تاریخی بسیاری با سند و مدرک وجود دارد، که به خاطر ربط نداشتن به معصومین عليهم‌السلام ذکر نشده است.

6. در برخی موارد با توجه به اهمیّت آنها تفصیل بیشتری داده شده است.

7. در آغاز هر بخش خلاصه ای از وقایع آن ماه و دورنمائی از آنها ذکر شده است.

ویرایش دوم

طی پنج سالی که از چاپ اول کتاب حاضر در سال 1424 ق - 1382 ش می گذرد و تاکنون شش بار تجدید چاپ شده، مطالب مناسبی برای بخش های مختلف آن جمع آوری شده است. این استدراکات در ترجمه عربی در جای خود قرار داده شد، و اینک در چاپ هشتم متن فارسی اضافه می شود و به عنوان ویرایش دوم کتاب تقدیم می گردد.

امید است این تقویم، به پیوند زندگی هایمان با اهل بیت عصمت و طهارت عليهم‌السلام تحکیم بیشتری ببخشد، و با تذکر روزهای غم آنان اندوهناک و با یاد روزهای خوش آنان شاد باشیم. در اعتقاد ما لذّت بردن از زندگی این گونه است، و معنادار بودن زندگی جز این نیست.

عبدالحسین نیشابوری

قم، محرم 1430، فروردین 1388

1. محرم الحرام

ماه محرم ماه پر حادثه ای است که اعظم آنها شهادت سیّد الشّهداء عليه‌السلام است. در روزهای 1، 2، 3، 4، 6، 7، 8، 9، 10، 11، 12، 13، 15، 19، 20، 23، 25، 26، 28 و 29 این ماه وقایعی رخ داده که اکثر آنها مربوط به واقعه کربلاست.

نزدیک شدن امام حسین عليه‌السلام به کربلا، ورود حضرت به این سرزمین و نامه برای اهل کوفه، ورود عمر بن سعد به کربلا، فتوای شریح قاضی به قتل امام حسین عليه‌السلام و تراکم لشکر یزید، ملاقات امام حسین عليه‌السلام با ابن سعد، منع آب از امام حسین عليه‌السلام، محاصره خیمه ها در کربلا، آندن امان نامه برای فرزندات امّ البنین عليها‌السلام، درخواست تأخیر جنگ، آمدن لشکر تازه نفس به کربلا، خطابه امام حسین عليه‌السلام برای اصحابش، سخنان امام حسین عليه‌السلام با اهل بیتش، سخنان زینب کبری عليها‌السلام با امام حسین عليه‌السلام، همه اینها مراحلی از واقعه کربلاست که قبل از شهادت امام حسین عليه‌السلام در ماه محرم بوقوع پیوسته است.

شهادت سیّد الشّهداء امام حسین عليه‌السلام، شهادت قمر بنی هاشم حضرت عباس عليه‌السلام، شهادت حضرت علی اکبر عليه‌السلام، شهادت قاسم بن حسن عليه‌السلام، شهادت باب الحوائج علی اصغر عليه‌السلام، شهادت عبداللَّه بن حسن عليه‌السلام شهادت حبیب بن مظاهر اسدی و مسلم بن عوسجه، شهادت حر بن یزید ریاحی و جون غلام ابی ذر غفاری، و شهادت اصحاب با وفای امام حسین عليه‌السلام، شهادت زوجه وهب به دست غلام شمر، جلوه های بزرگترین پرونده شهادت است که در ماه محرم تحقق یافته است.

آمدن ذوالجناح با یال خونین به خیمه فاطمیات، ماتم و ناله و گریه پردگیان حرم بر سیّد الشّهداء عليه‌السلام و اولاد او، غارت اموال از خیام امام

حسین عليه‌السلام، غارت لباس و زره از بدن مطهر شهدای کربلا، به آتش کشیدن خیمه های آل اللَّه، فرار فاطمیات و علویات در بیابانها، شهادت دختران کوچک در کنار خیمه ها، جدا شدن سرهای مطهر امام حسین عليه‌السلام و اهل بیت و اصحاب، وقایعی است که پس از شهادت امام حسین عليه‌السلام بوقوع پیوسته، و همه در ماه محرم بوده است.

رأس مطهر امام حسین عليه‌السلام در تنور خولی در کوفه، حرکت کاروان اسرا از کربلا، حرکت اهل بیت امام حسین عليه‌السلام به سوی کوفه، دفن شهدای کربلا، ورود اهل بیت عليهم‌السلام به کوفه، اسرای اهل بیت عليهم‌السلام در مجلس ابن زیاد، اسرای اهل بیت عليهم‌السلام در زندان کوفه، خبر شهادت امام حسین عليه‌السلام در مدینه و شام،

شهادت عبداللَّه بن عفیف، وقایعی است که در ماه محرم کوفه به خود دیده است و سپس اهل بیت عليهم‌السلام در شهرهای عراق و شام گردانده شدند و در همین ماه بود که به شام رسیدند.

وقایع دیگری در ماه محرم اتفاق افتاده که برخی قبل و بعضی دیگر بعد از واقعه کربلا بوده است. ماجرای شعب ابی طالب عليه‌السلام جنگ ذات الرقاع، اولین جمع آوری زکات، نوشتن صحیفه ملعونه، وفات حذیفه بن یمان قبل از ماجرای کربلا در ماه محرم بوقوع پیوسته است.

قیام مردم مدینه بر علیه یزید پس از شهادت امام حسین عليه‌السلام، قتل ابن زیاد، وفات امّ سلمه و ماریه قبطیه دو همسر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، شهادت حضرت سجاد عليه‌السلام، خروج زید بن علی بن حسین عليه‌السلام، کلام عاشورائی امام رضا عليه‌السلام، تبعید امام جواد عليه‌السلام، وقایعی است که پس از شهادت امام حسین عليه‌السلام در ماه محرم اتفاق افتاده و انشاء اللَّه قیام حضرت مهدی نیز در ماه محرم و در روز عاشورا خواهدبود.

اینها خلاصه وقایعی بود که در ماه محرم الحرام رخ داده، که در این بخش به تفصیل آنها خواهیم پرداخت.

1 محرم

### 1. آغاز ایام حسینی

اولین روز از ماه حزن و اندوه آل محمد عليهم‌السلام است، که همه انبیاء و ملائکه و شیعیان و دوستان اهل بیت عليهم‌السلام محزون اند. باید گفت: کاه حزن و اندوه تمام عالم است، چرا که همه ساله از اول محرم تا روز عاشورا پیراهن پاره پاره سیّد الشّهداء عليه‌السلام را از عرش خدا به رو به زمین می آویزند و حزن و اندوه عالم را فرا می گیرد. (1)

همچنین آغاز مجالس عزاداری حضرت اباعبداللَّه است، که مردم را به امور اعتقادی خویش آشنا می کند، و دستورات دین خود را از حسینیه ها و تکایا و مساجد به خانه های فکر و دل خود به ارمغان می برند. شرکت در مراسم عزاداری امام حسین عليه‌السلام و اشک بر آن حضرت، از وظائف ما در زمان غیبت امام زمان عليه‌السلام است.

### 2 - ماجرای شعب ابی طالب عليه‌السلام (2)

در پی بالا گرفتن قدرت اسلام پس از بعثت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، قریش پیمان نامه ای نوشتند و طی آن قرار گذاشتند با بنی هاشم تکلم نکنند و با آنان هم سفره و همنشین نشوند و معامله ننمایند، و آنان را به گونه ای در فشار قرار دهند که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را به قریش تحویل دهند تا آن حضرت را به قتل برسانند. حضرت ابوطالب عليه‌السلام بنی هاشم را به دره ای که منتسب به آن حضرت بود برد، و اطراف آن را محکم کرده و برای حفظ جان پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شبانه روز کمر همّت بست.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. خصائص الزینبیه: ص 49 (131)، خصیصه نوزدهم. درباره سابقه این پیراهن به ص؟؟ کتاب مراجعه شود.

2. الغدیر: ج7 ص363. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص9. عیون الاثر: ج1 ص168. طبقات الکبری: ج1 ص208. سبل الهدی و الرشاد: ج10 ص59.

آن حضرت شب ها با شمشیر پروانه وار گرد شمع وجود پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم می گردید و می فرمود: «تا زنده ام دست از یاری او بر نمی دارم. او در هر شب چند بار محل خواب پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را تغییر می داد و عزیزترین فرزند خود یعنی امیر المؤمنین را به جای آن حضرت می خوابانید، و روز فرزندان خود و فرزندان برادرانش را به حفاظت از آن حضرت می گماشت. در مدتی که در شعب بودند بر آن حضرت و مسلمانان بسیار سخت گذشت، تا آنجا که شبها صدای گریه اطفال گرسنه بنی هاشم را ساکنین اطراف شعب می شنیدند.

پس از دو سال و چند ماه خداوند موریانه ای را مأمور کرد، و پیمان نامه آنان را از بین برد بجز اسماء الهی که در آن بود. حضرت ابوطالب عليه‌السلام این خبر را به کفار داد، و آنان با دیدن چنین معجزه ای دست از تصمیم خود برداشتند و بنی هاشم به خانه های خود بازگشتند. (1)

### 3 - جنگ ذات الرقاع

در سال چهارم هجرت به تحریک کفار قریش بین مسلمانان و قبائلی که اطراف مدینه زندگی می کردند و قصد محاصره مدینه را داشتند جنگی در گرفت. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم با 400 یا 790 نفر از مدینه بیرون رفتند. در این غزوه حضرت نماز خوف خواندند و جنگ تا سه روز طول کشید تا شر آنان دفع شد.(2) این واقعه به قولی در 15 جمادی الاولی بوده است. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج1 ص97. الغدیر: ج7 ص365-362. بحار النوار: ج19 ص20 - 1، ج35 ص98 -91. حلیة الابرار: ج1 ص105-95. الدرجات الرفیعة: 48-42. الصحیح من السیرة: ج3 ص201 - 193. قلائد النحور: جلد محرم و صفر ص 13-9. السیرة النبویة: ج2 ص50-43. سبل الهدی و الرشاد: ج2 ص377. عیون الاثر: ج1 ص168 -165. شرح نهج البلاغة: ج13 ص256.

2.الوقایع و الحوادث، ج 2، ص 45. توضیح المقاصد: ص 3 - 2. وقایع المشهور: ص 6. فتح الباری: ج7 ص321.

3. وقائع الشهور: 98.

### 4. اولین جمع آوری زکات

در روز اول محرم پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم برای اولین بار مأمورانی را برای جمع آوری زکات و صدقات به اطراف مدینه فرستاد. (1)

### 5. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 21 «قصر مقاتل»

در این روز که چهارشنبه بود امام حسین عليه‌السلام به قصر بنی مقاتل نزول اجلال فرمودند. (2) مشهور است که در این منزل امام حسین عليه‌السلام با عبیداللَّه بن حر جعفی ملاقات نمودند، و دعوت به یاری نمودند، ولی او اجابت نکرد و بعداً پشیمان شد. (3)

### 6. کلام عاشورایی امام رضا عليه‌السلام (4)

در روز اول محرم ریّان بن شبیب خدمت امام رضا عليه‌السلام رسید. حضرت به او فرمود: ای پسر شبیب، مردم عرب در زمان جاهلیت جنگ را در ایام محرم حرام می دانستند؛ ولی این امت احترام این ماه را از بین بردند و حرمت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را رعایت نکردند. در این ماه خون ما را حلال دانستند، و هتک حرمت ما کردند و فرزندان و زنان ما را اسیر نمودند، و سراپرده ما را آتش زدند و اموال ما را غارت کردند و رعایت احترام رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را در باره ما ننمودند.

همانا روز شهادت حسین عليه‌السلام پلک چشمان ما را مجروح کرد و اشکهای ما را روان ساخت و دل ما را سوزاند؛ و عزیز ما را در زمین کربلا ذلیل کرد و نزد ما محنت و بلا را

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مکاتب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج1 ص8. الوقایع و الحوادث: ج2 ص42. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص15. الطبقات الکبری: ج2 ص160. تاریخ دمشق: ج18 ص23، ج40 ص 79.

2. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص186. ارشاد: ج2 ص81. بحار الانوار: ج44 ص379. اخبار الطوال: ص250.

3. ارشاد: ج2 ص81. نفس المهموم: ص197 - 196. معالی السبطین: ج1 ص279 - 278.

4. بحار النوار ج 98 ص102، ج14 ص164، ج44 ص283. امالی صدوق: ص191. اقبال: ج3 ص28. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج1 ص233.

تا روز جزا به ارث گذارد. پس گریه کنندگان باید بر حسین عليه‌السلام بگریند، زیرا که گریه بر او گناهان بزرگ را از بین می برد.

ای پسر شبیب، اگر خواستی بر چیزی گریه کنی بر حسین بن علی عليه‌السلام گریه کن، چه اینکه آن حضرت را کشتند چنانچه گوشفند را می کشند، و با آن حضرت 18 نفر از اهل بیت او کشته شدند که روی زمین شبیه و نظیری نداشتند. آسمان های هفتگانه و زمین ها در شهادت آن حضرت گریستند. چهار هزار ملک روز عاشورا برای نصرت آن حضرت آمده بودند و دیدند حضرت شهید شده است. لذا پریشان و غبارآلود به مجاورت آن قبر مطهر مأمور شدند، تا حضرت قائم عليه‌السلام ظهور کند و از یاران او باشند و شعارشان «یا لثارات الحسین» است.

ای پسر شبیب، اگر دوست داری که با ما در درجات عالی بهشت باشی محزون باش برای حزن ما و شاد باش در شادی ما؛ و بر تو باد به ولایت ما که اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد خداوند متعال او را با همان سنگ محشور می کند...

2 محرم

### 1. ورود امام حسین عليه‌السلام به کربلا

بنابر مشهور در این روز در سال 61 ه آقا و مولایمان حضرت اباعبداللَّه الحسین سیّد الشّهداء عليه‌السلام با اهل بیت و اصحابشان وارد کربلای معلی شدند. (1)

در آنجا اسب حضرت حرکت نکرد. امام عليه‌السلام پرسیدند: نام این زمین چیست؟ گفتند: «غاضریه». نام دیگرش را پرسیدندگفتند: «شاطی الفرات». فرمودند: اسم دیگری هم

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ارشاد: ج 2، ص 84. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج4 ص105. بحار الانوار: ج44 ص382. نفس المهموم: ص209. مثیر الاحزان: ص35. لهوف: ص139. جلاء العیون: ص 379. معالی السبطین: ج 1ص 285. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص24. الوقایع و الحوادث: ج2 ص89. تاریخ طبری ج4 ص309.

دارد؟ گفتند: «کربلا» هم می گویند. در این هنگام حضرت آهی از دل کشیدند و گریه شدیدی نمودند و فرمودند: «اللهم انی اعوذ بک من الکرب و البلاء. به خدا قسم زمین کربلا همین است. بخدا اینجا مردان ما را می کشند! بخدا قسم اینجا زنان و کودکان ما را به اسیری می برند! بخدا قسم اینجا پرده حرمت ما دریده می شود. ای جوانمردان، فرود آیید که محل قبرهای ما اینجاست». (1)

### 2. نامه امام حسین عليه‌السلام برای اهل کوفه

در این روز امام حسین عليه‌السلام برای بزرگان کوفه نامه ای نوشتند و آن را به قیس بن مسهّر صیداوی دادند که به کوفه برساند. مأمورین در بین راه قیس را گرفتند، و پس از آنکه او بر ضد یزید و ابن زیاد سخن گفت، او را به شهادت رساندند.

هنگامی که خبر شهادت قیس به امام حسین رسید آن حضرت گریستند و فرمودند: اللهم اجعل لنا و لشیعتنا عندک منزلاً کریماً، و اجمع بیننا و بینهم فی مستقرٍّ من رحمتک اِنک علی کل شیء قدیر. (2)

3 محرم

### 1. ورود عمر بن سعد به کربلا

در این روز عمر بن سعد با چهار (3) یا شش یا نه هزار سوار برای قتل پسر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم وارد کربلا شد و در مقابل آن حضرت لشکرگاه ساخت و خیمه برافراخت. (4) ورود ابن

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کلمات الامام الحسین عليه‌السلام: ص376-374. لهوف: ص139. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص199. معالی السبطین: ج1 ص285. نور العین: ص 32. از مدینه تا مدینه: ص 326. فیض العلام: ص 142.

2. بحار الانوار: ج44 ص382. نفس المهموم: ص207. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص41.

3. ارشاد: ج2 ص84. بحار الانوار: ج44 ص384. نفس المهموم: ص212. مقتل الحسین عليه‌السلام: ص94.

4. معالی السبطین: ج1 ص301. نورالعین: ص34. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص40. از مدینه تا مدینه: ص343. فیض العلام: ص143.

سعد به کربلا در روز چهارم هم نقل شده است. (1)

4 محرم

### 1. فتوای شریح قاضی به قتل امام حسین عليه‌السلام

در این روز از سال 61 ه ابن زیاد با استناد به فتوائی که از شریح قاضی گرفته بود، در مسجد کوفه خطبه خواند و مردم را به کشتن امام حسین عليه‌السلام تحریص کرد. (2)

5 محرم

### 1. ورود حصین بن نمیر به کربلا

در این روز حصین بن نمیر به دستور عبدالله بن زیاد با چهار هزار سواره وارد کربلا شدند. (3)

6 محرم

### 1 - یاری طلبیدن حبیب بن مظاهر از بنی اسد

در شب ششم جناب حبیب بن مظاهر اسدی با اذن امام حسین عليه‌السلام برای آوردن یاور و کمک، به قبیله بنی اسد رفت. اسدیان پذیرفتند و حرکت کردند، ولی جاسوسان به عمر سعد خبر دادند و او عده ای را فرستاد تا مانع آنها شوند. لذا درگیری

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 48.

2. الوقایع و الحوادث: ج 2، ص 124.

3. وسیلة الدارین فی انصار الحسین عليه‌السلام: ص77.

رخ داد که در این میان جمعی از بنی اسد شهید و زخمی و بقیه ناگزیر به فرار شدند و حبیب به خدمت حضرت آمد و جریان را عرض کرد. (1)

### 2. بازار آهنگران کوفه

از روز ششم محرم بازار آهنگران کوفه محل رفت و آمد و خرید و فروش زیادی بوده است. هر کسی را می دیدی یا شمشیر یا نیزه و یا تیری می خرید و یا آنها را نزد آهنگران تیز می کرد و به سم آغشته میکرد؛ برای ریختن خون جگر گوشه رسول خدا و علی مرتضی و فاظمه الزهرا عليهم‌السلام و تمام تیرها مسموم بود، و بعضی از تیرها یک شعبه و بعضی سه شعبه بود. (2)

### 3. تراکم لشکر یزید در کربلا

در این روز لشکر زیادی برای جنگ با حضرت اباعبداللَّه عليه‌السلام جمع شدند. (3)

7 محرم

### 1. ملاقات امام حسین عليه‌السلام با ابن سعد

در شب هفتم امام حسین عليه‌السلام با عمر سعد ملعون ملاقات و گفتگو کردند. خولی بن یزید اصبحی چون عداوت شدیدی با امام عليه‌السلام داشت ماجرا را به ابن زیاد گزارش داد و آن ملعون نامه ای برای عمر سعد نوشت و او را از این ملاقاتها بر حذر داشت و دستور منع آب را صادر کرد. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج45 ص386. کلمات الامام الحسین عليه‌السلام: ص237. الوقایع و الحوادث: ج2 ص149. الوقایع و الحوادث: ج 2، ص 149. از مدینه تا مدینه: ص 368 - 370. مقتل الحسین عليه‌السلام (خوارزمی): ج1 ص345.

2. وسیلة الدارین فی انصار الحسین عليه‌السلام: ص79. معالی السبطین: ج1 ص345.

3. لهوف:ص145. معالی السبطین: ج1 ص311. الوقایع و الحوادث: ج 2، ص 153.

4. کلمات الامام الحسین عليه‌السلام: ص387. بحار الانوار: ج44 ص389. معالی السبطین: ج1 ص315. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص63. الوقایع و الحوادث: ج2 ص150.

### 2. منع آب از امام حسین عليه‌السلام

در این روز آب را بر اهل بیت سیّد الشّهداء عليه‌السلام بستند، چه اینکه نامه ابن زیاد بدین مضمون رسید که نگذارید حتّی یک قطره آب هم به آنها برسد. عمرو بن حجاج زبیدی با چهار هزار تیرانداز مأمور منع آب فرات شدند، که به هیچ وجه آبی به خیمه گاه پسر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم برده نشود. (1)

8 محرم

### 1. قحط آب در خیمه های حسینی

در این روز آب در خیمه های سیّد الشّهداء عليه‌السلام نایاب شد. (2)

9 محرم (تاسوعا)

### 1. محاصره خیمه ها در کربلا

امام صادق عليه‌السلام فرمودند: تاسوعا روزی بود که حسین عليه‌السلام و اصحابش را در کربلا محاصره کردند و سپاه شام بر قتال آن حضرت اجتماع نمودند و پسر مرجانه و عمر سعد به خاطر کثرت سپاه و لشکری که برای آنها جمع شده بود خوشحال شدند، و آن حضرت و اصحابش را ضعیف شمردند و یقین کردند که یاوری از برای او نخواهد آمد و اهل عراق حضرتش را مدد نخواهند نمود. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الوقایع و الحوادث: ج 2، ص 153. فیض العلام: ص 146.

2. لهعوف: ص145. معالی السبطین: ج1 ص319. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 81. الوقایع و الحوادث: ج 2، ص 154.

3. کافی: ج 4، ص 147. بحار الانوار: ج45 ص95. الامام الحسین عليه‌السلام فی احادیث الفریقین: ص21.

### 2 - آمدن امان نامه برای فرزندان امّ البنین عليه‌السلام

در این روز شمر ملعون برای حضرت عبّاس عليه‌السلام و برادرانش امان نامه آورد. آن لعین خود را نزدیک خیام با جلالت حضرت اباعبداللَّه عليه‌السلام رسانید و بانگ برآورد: «أین بنو اختنا»: «پسران خواهر ما کجایند»؟ ولی آن بزرگواران جواب ندادند. امام حسین عليه‌السلام فرمود: جواب او را بدهید اگرچه فاسق است.

حضرت عبّاس عليه‌السلام در جواب فرمودند: چه می گوئی؟ شمر گفت: من از جانب امیر برای شما امان نامه آورده ام. شما خود را به خاطر حسین عليه‌السلام به کشتن ندهید.

حضرت عبّاس عليه‌السلام با صدای بلند فرمود: «لعنت خدا بر تو و بر امیر تو (و بر امان تو) بد. ما را امان می دهید در حالیکه پسر رسول خدا را امان نباشد»؟! (1)

### 3 - درخواست تأخیر جنگ از سوی امام حسین عليه‌السلام

در عصر تاسوعا امام عليه‌السلام برای به تعویق انداختن جنگ یک شب دیگر مهلت گرفتند. چون عمر سعد لشکر را آماده جنگ با امام عليه‌السلام نمود و معلوم شد که قصد جنگ دارند، حضرت به برادرش عبّاس عليه‌السلام فرمود تا یک شب دیگر مهلت بگیرد. آنها در ابتدا قبول نکردند، ولی بعد قبول نمودند که شبی را صبر کنند. (2)

### 4 - آمدن لشکر تازه نفس به کربلا

در این روز لشکر مجهزی به دستور ابن زیاد از کوفه وارد کربلا شد، (3) و شمر نامه ابن زیاد را آورد. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. امالی صدوق: ص220. ارشاد: ج2 ص89. لهوف: ص150. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج4 ص107. اعلام الوری: ج 1، ص 455. فیض العلام: ص 146. بحار الانوار: ج 44، ص 361. کلمات الامام الحسین عليه‌السلام: ص391 - 390. ازمدینه تا مدینه: ص382 - 377. تاریخ طبری: ج4 ص315. البدایة و النهایة: ج8 ص190. مقتل الحسین (خوارزمی): ج1 ص354-349.

2. همان.

3. امالی صدوق: ص220. بحار النوار: ج44 ص315. از مدینه تا مدینه: ص 378.

4. امالی صدوق: ص220. ارشاد: ج2 ص89. بحار النوار: ج4 ص316، 319. لهوف: ص150. اعلام الوری: ج 1، ص 455. فیض العلام: ص 146. تاریخ طبری: ج4 ص315. البدایة و النهایة: ج8 ص190.

### 5. خطابه امام حسین عليه‌السلام برای اصحابش

در عصر این روز امام حسین عليه‌السلام در جمع یاران خطبه ای قرائت فرمودند، و اصحاب اعلام وفاداری نمودند. (1)

شب عاشورا

### 1. سخنان امام عليه‌السلام با اهل بیت و اصحابش

در این شب امام حسین عليه‌السلام اصحاب و اهل بیت خود را جمع نمودند و کلماتی را به آنان فرمودند. خلاصه کلمات حضرت این بود که من بیعت خود را از شما برداشتم و شما را به اختیار خود گذاشتم تا به هرجا که می خواهید کوچ کنید. پس از فرمایشات حضرت اهل بیت عليهم‌السلام و اصحاب کلماتی در وفاداری و جان نثاری خود نسبت به آن حضرت ابراز داشتند. (2)

### 2. سخنان زینب کبری عليه‌السلام با امام حسین عليه‌السلام

در این شب بود که زینب کبری عليها‌السلام اشعار «یا دهر اف لک من خلیل... » را از زبان برادرش امام حسین عليه‌السلام شنیدو هنگامی که متوجه شد فردا روز شهادت حضرت است فرمود: «ای کاش مرگ مرا نابود ساخته بود و این روز را ندیده بودم». سپس سیلی به صورت زد و بیهوش شد. امام عليه‌السلام خواهر عزیز و مکرمه خود را به هوش آوردند و مطالبی فرمودند. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. همان. و مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 4، ص 107. مثیر الاحزان: ص38. روضة الواعظین: ص182. مقتل الحسین عليه‌السلام (ابی مخنف): ص107. ینابیع المودة: ج3 ص65. مقاتل الطالبیین: ص74.

2.همان. و فیض العلام: ص 147. وسیلة الدارین: ص 298 - 299.

3. مثیر الاحزان: ص35. لهوف: ص140. بحار الانوار: ج 45 ص2. ارشاد: ج2 ص93. کلمات الامام الحسن عليه‌السلام: ص404. فیض العلام: ص149. وسیلة الدارین: ص302-303. ینابیع المودة: ج3 ص 64. تاریخ طبری: ج4 ص319. تاریخ یعقوبی: ج2 ص244. جواهر المطالب: ج2 ص283. البدایة و النهایة: ج8 ص191. مقاتل الطالبیین : ص75 . سبل الهدی و الرشاد: ج11 ص77.

10 محرم (عاشورا)

### 1. شهادت امام حسین عليه‌السلام

در این روز در سال 61 ه (1) که روز شنبه (2) یا جمعه (3) بوده، آقا و مولایمان حضرت اباعبداللَّه الحسین عليه‌السلام در سن 58 سالگی (و یا 56 و یا 57 سالگی) بعد از نماز ظهر، مظلومانه و با حالت تشنگی و گرسنگی در زمین کربلا به شهادت رسیدند. (4) این روز، روز باریدن خون از آسمان است، و روزی است که شهادت اهل بیت و اصحاب امام حسین عليه‌السلام در آن به وقوع پیوسته است. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بعضی از مصادر مخالفین: مستدرک حاکم، سنن کبری بیهقی، مجمع الزوائد، فتح الباری، تحفة الحوذی، عون المعبود، المصنّف ابن ابی شیبة، الآحاد و المثانی، المعجم الکبیر، نظم درر السمطین، الطبقات و تاریخ خلیفة بن خیاط، معرفة الثقات، اخبار الطول، مشاهیر علماء الامصار، الثقات ابن حبان، تاریخ بغداد، التعدیل، و الترجیح، اسد الغابة، تهذیب الکمال، تاریخ دمشق، جواهر المطالب فی مناقب الامام علی عليه‌السلام، سیر اعلام النبلاء، لسان المیزان، تقریب التهذیب، الاصابة، انساب سمعانی، البدایة و النهایة، سبل الهدی و الرشاد، ینابیع المودة، الذریة الطاهرة، رجال مسلم، تعجیل المنفعة، الاستیعاب، تاریخ طبری، مقاتل الطالببین، فیض القدیر، مولد العلماء و وفیاتهم، معرفة الثقات، رجال صحیح بخاری، صفوة الصفوة، تهذیب الاسماء، تلخیص الحبیر، تذکرة الخواص، مقتل الحسین عليه‌السلام (خوارزمی).

2. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج3 ص231. تهذیب الاحکام: ج4 ص333. کامل الزیارات: ص153. الهدلیة الکبری: ص201، 203. مقتل الحسین عليه‌السلام: ص113. ارشاد: ج 2، ص 133،379. عیون المعجزات: ص61. تاج الموالید: ص30. الخرائج و الجرائح: ج3 ص1159. عدد القویة: ص65. وسائل الشیعة: ج13 ص248. بحار الانوار: ج44 ص198، 331، ج45 ص87، ج52 ص285، 290. لهوف: ص129. روضة الواعظین: ص263. الغیبة طوسی: ص453. حدائق الناضرة: ج17 ص434. اعلام الوری: ج 1، ص 420.

3. تاریخ موالید الائمة عليه‌السلام: ص20. عیون المعجزات: ص61. بحار الانوار: ج44 ص199. تاریخ دمشق: ج14 ص250. مستدرک حاکم: ج3 ص177.

4. کافی: ج1 ص463. ارشاد: ج2 ص133. اعلام الوری: ج1 ص420. کشف الغمة: ج2 ص40. توضیح المقاصد: ص3. مسار الشیعة: ص24. تهذیب شیخ طوسی: ج6 ص42. زاد المعاد: ص306. معالی السبطین: ج2 ص5. مصباح کفعمی: ج2 ص594. مصباح المتهجد: ص712. مقاتل الطالبیین: ص78.

5. زاد المعاد: ص306-307.

چهار هزار ملک در این روز به زمین کربلا برای نصرت آن حضرت آمدند، و چون اجازه نیافتند تا ظهور حضرت مهدی عليه‌السلام گریه کنان نزد قبر آن حضرت ماندگارند. (1) در این روز ترک خوردن و آشامیدن بخصوص از غذاهای لذیذ مناسب است. (2)

### 2. شهادت حبیب بن مظاهر اسدی کوفی. (3)

### 3. شهادت مسلم بن عوسجه. (4)

### 4. شهادت حر بن یزید ریاحی.

### 5. شهادت جون مولی ابی ذر الغفاری. (5)

### 6. شهادت همسر وهب، به دست رستم غلام شمر. (6)

### 7. شهادت شبیه ترین مردم به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، علی اکبر عليه‌السلام فرزند بزرگ سیّد الشّهداء عليه‌السلام

عموی والامقام حضرت صاحب الامر عليه‌السلام.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کامل الزیارت: ص234، 235. کمال الدین: ص672. مستدرک الوسائل: چ10 ص245. بحار الانوار: ج45 ص226، ج52 ص326. 2.توضیح المقاصد: ص 3. مسار الشیعة: ص 25.

3. مثیر الاحزان: ص32. بحار الانوار: ج45 ص27-26، 71، 74-65، ج98 ص274-269. ابصار العین: ص56، 61. وسیلة الدارین: ص119، 126. فرسان الهیجاء: ج1 ص87، 101. اعیان الشیعة: ج4 ص555. رجال البرقی: ص34، 41. مزار ابن مشهدی: ص496 -486. رجال شیخ طوسی: ص60، 93، 100. نفس المهموم: ص270. الاصابه: ج2 ص142. الاعلام زرکلی: ج2 ص166.

4. بحار الانوار: ج45 ص22، 23، 71. مثیر الاحزان: ص33. اعیان الشیعة: ج4 ص297. فرسان الهیجاء: ج1 ص78. نفس المهموم: 290. ابصار العین: ص105. وسیلة الدارین فی انصار الحسین عليه‌السلام: ص108. الاعلام زرکلی: ج7 ص222.

5. بحار الانوار: ج45 ص22، 23، 71. مثیر الاحزان: ص33. اعیان الشیعة: ج4 ص297. فرسان الهیجاء: ج1 ص78. نفس المهموم: 290. ابصار العین: ص105. وسیلة الدارین فی انصار الحسین عليه‌السلام: ص115. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج2 ص246. 6. مقتل الحسین عليه‌السلام (ابی مخنف): ص141. لواعج الاشنان: ص139. منتخب التواریخ: ص288. تاریخ طبری: ج4 ص334. مثیر الاحزان: ص32. ابصار العین انصار الحسین عليه‌السلام: ص106، 107. فرسان الهیجاء: ج1 ص142، ج2 ص 138-136. بحار الانوار: ج45 ص 17-16.

### 8. شهادت قاسم بن الحسن عليه‌السلام. (1)

### 9. شهادت عبداللَّه بن الحسن عليه‌السلام.

### 10. شهادت قمر منیر بنی هاشم حضرت عباس بن علی بن ابی طالب عليه‌السلام.

### 11. شهادت مولانا الرضیع باب الحوائج علی اصغر عليه‌السلام.

### 12. آمدن ذوالجناح با یال و کاکل خونین

به سوی خیمه فاطمیات برای آوردن خبر شهادت آن حضرت.

### 13. ماتم و ناله و گریه پردگیان حرم

بر سیّد الشّهداء عليه‌السلام و اولاد و بستگان و اصحاب آن حضرت.

### 14. غارت اموال از خیام امام حسین عليه‌السلام.

### 15. فرار فاطمیات و علویات در بیابانها

بعد از شهادت آقا و سرورشان اباعبداللَّه عليه‌السلام.

### 16. غارت کردن لباس و زره و... از بدن مطهر شهدای کربلا.

### 17. جدا شدن سرهای مطهر امام حسین عليه‌السلام و اهل بیت و اصحاب آن حضرت.

### 18. به آتش کشیدن خیمه های آل اللَّه، فرزندان رسول خدا و علی مرتضی و فاطمه زهراء عليهم‌السلام.

### 19. شهادت دختران کوچک در کنار خیمه ها.

### 20. گریه و ماتم بر سیّد الشّهداء عليه‌السلام

و عزای زمین و زمان، عرش و آسمان، جن و انس و ملک و وحوش بر آن حضرت.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ارشاد: ج2 ص107، 108. مثیر الاحزان: ص36. بحار الانوار: ج45 ص34، 36، 68، 69. ابصار العین: ص36، 37. وسیلة الدارین: ص251، 253. فرسان الهیجاء: ج2 ص26، 30.

در این روز ملکی ندا کرد: ای امت ظالمی که عترت پیامبر خود را کشتید، خداوند شما را موفق به درک عید فطر و قربان نفرماید. (1)

### 21. رأس مطهر امام حسین عليه‌السلام در کوفه

عصر عاشورا رأس مطهر و نورانی امام حسین عليه‌السلام را توسط خولی بن یزید اصبحی ملعون و حمید بن مسلم ازدی به کوفه فرستادند. (2)

### 22. خونین شدن ریشه هر گیاهی که از زمین می کشیدند، از مصیبت عظمای آن روز. (3)

### 23. قتل ابن زیاد

ابن زیاد در روز عاشورای سال 67 ه به فرمان مختار به جزای ظاهری اعمالش رسید و کشته شد. حصین بن نمیر و جمعی از قتله امام حسین عليه‌السلام نیز همراه ابن زیاد به قتل رسیدند. (4)

ابن زیاد ملعون به دست ابراهیم پسر مالک اشتر نخعی کشته شد، و سر نحسش را برای مختار فرستادند. مختار هم سر او را برای امام زین العابدین عليه‌السلام فرستاد. هنگام وارد کردن سر ابن زیاد حضرت مشغول غذا خوردن بود. لذا سجده شکر به جای آورده

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1.کافی: ج4 ص170. بحار الانوار: ج 45، ص 217، 218. وسائل الشیعه: ج 10، ص 296. من لا یحضره الفقیه: ج2 ص89، 175. مستدرک الوسائل: ج6 ص152.

2. بحار الانوار: ج45 ص62، 107. ارشاد: ج2 ص113. مقتل الحسین عليه‌السلام (ابی مخنف): ص203. اعلام الوری: ج1 ص470. منتهی الآمال: ج1 ص401. فیض العلام: ص155. تاریخ طبری: ج5 ص348.

3. کامل الزیارات: ص159. بحار الانوار: ج45 ص89، 204، 216، 305. مدینة المعاجز: ج4 ص105، 116، 187. شرح احقاق الحق: ج11 ص483-481. ترجمة الامام الحسین عليه‌السلام من طبقات ابن سعد: ص90. ینابیع المودة: ج3 ص 15، 20، 102. تاریخ دمشق: ج14 ص230. الصواعق المحرقة: ص116، 192. تفسیر ابن کثیر: ج4 ص154. تذکرة الخواص: ص246. نظم درر السمطین: ص221.

4. بحار الانوار: ج45 ص383، 385. تتمه المنتهی: ص 90. قلائد النحور: ج ذی الحجه، ص 424. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 215. وقائع الشهور: ص227. لطائف المعارف: ص145. استیعاب: ج 1، ص 396. البدایه و النهایه: ج 8، ص 310. التاریخ الصغیر: ج1 ص155.

فرمودند: «روزی که ما را بر ابن زیاد وارد کردند غذا می خورد. من از خدا خواستم که از دنیا نروم تا سر او را در مجلس غذای خود مشاهده کنم، همچنان که سر پدر بزرگوارم مقابل او بود و غذا می خورد. خداوند به مختار جزای خیر دهد که خونخواهی ما را نمود». سپس حضرت به اصحاب خود فرمود: همه شکر کنید.» (1)

24. قیام حضرت مهدی عليه‌السلام

به روایتی حضرت بقیه اللَّه الاعظم حجه بن الحسن العسکری ارواحنا له الفداه در این روز قیام خواهند کرد. (2)

### 25. وفات امّ سلمه

در این روز در سال 62-63 ه امّ سلمه همسر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از دنیا رحلت فرمود. (3) نام او هند، پدرش ابی امیّه، مادرش عاتکه دختر عبدالمطلب بود. شوهر اول او پسر خاله اش ابوسلمه بن عبدالاسد بن مغیره بود. چون به شرف اسلام مشرف شد با همسرش امّ سلمه به حبشه مهاجرت کردند. پس از بازگشت از حبشه بر اثر زخمی که در جنگ احد بر او وارد شده بود، بعد از مدتی شهید شد. (4)

سلمه، عمر، زینب و درّه، فرزندان او بودند، و عمر در جمیع جنگهای امیر المؤمنین عليه‌السلام شرکت کرد و مدتی از طرف آن حضرت والی بحرین بود. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ذوب النضار: ص144. بحار الانواز ج45 ص336، 342، 386. امالی طوسی: ص243. مدینة المعاجز: ج4 ص328.

2. الغیبة (نعمانی): ص282. تهذیب الاحکام: ج4 ص323. کمال الدین: ص654. اعلام الوری: ج2 ص286. بحار الانوار: ج52 ص297، ج95 ص190. عدد القویة ص65. کشف الغمة: ج2 ص462، 534.

3. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 215. تاریخ دمشق: ج3 ص211.

4. بحار الانوار: ج20 ص143، 185. سفینة البحار: ج2 ص691. الصحیح من السیرة: ج7 ص73. ذخائر العقبی: ص253. طبقات الکبری: ج3 ص240. البدایة و النهایة: ج4 ص71.

5. بحار الانوار: ج32 ص169- 168. الدجات الرفیعة: ص198. سفینة البحار: ج3 ص648. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج6 ص74. شرح نهج البلاغة: ج6 ص219. استعیاب: ج3 ص1160.

بعد از اینکه عدّه امّ سلمه در وفات شوهرش سر آمد، ابوبکر و عمر جداگانه به خواستگاری او رفتند، ولی امّ سلمه اجابت نکرد. سپس پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از او خواستگاری کرد و امّ سلمه قبول کرد، (1) و به فرزند خود عمر بن ابی سلمه گفت: عقد را جاری کن. (2)

عایشه وقتی دید پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم امّ سلمه را به عقد خویش در آورده بسیار ناراحت شد، چه اینکه امّ سلمه در جمال کم نظیر بود. عایشه به حفصه گفت: امّ سلمه چقدر زیباست! او باور نکرد تا اینکه امّ سلمه را دید. از همین جهت حسادت این دو با امّ سلمه بسیار زیاد بود. (3)

امّ سلمه فضائلی دارد که او را از دیگر همسران پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به جز خدیجه کبری عليها‌السلامممتاز کرده است:

1. بارها امّ سلمه عایشه را نصیحت می کرد در پیروی از علی بن ابی طالب عليه‌السلام، ولی او نمی پذیرفت. فضائل و مناقب آن حضرت را برای عایشه می گفت ولی او قبول نمی کرد، (4) او تا لحظه ای که زنده بود با عایشه سخن نگفت چون مردم را برای جنگ با علی بن ابی طالب عليه‌السلام در جنگ جمل جمع کرد. (5)

2. امّ سلمه شهادت داد که عایشه دشمن امیر المؤمنین عليه‌السلام است. (6)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الصحیح من السیرة: ج5 ص245. مسند احمد: ج6 ص313. سیر اعلام النبلاء: ج1 ص152. طبقات الکبری: ج8 ص89.

2. بحار الانوار: ج22 ص203، 224. سفینة البحار: ج2 ص692. مستدرک حاکم: ج4 ص17. سیر اعلام النبلاء: ج2 ص204.

3. الصحیح من السیرة: ج3 ص249، ج5 ص246. موسوعة التاریخ الاسلامی: ج2 ص445. طبقات الکبری: ج8 ص94.سیر اعلام النبلاء: ج2 ص209. الاصابة: ج8ع ص343، 406.

4. بحار الانوار: ج32 ص170-149. احتجاج: ج1 ص241. معانی الاخبار: ص375. الجمل شیخ مفید: ص125. مجمع النورین: ص264. الجمل ابن شدقم: ص28.بلاغات النساء: ص7. العقد الفرید: ج2 ص277. الامامة و السیاسة: ج1 ص76. جواهر المطالب فی مناقب الامام علی عليه‌السلام: ج2 ص10.

5. الصحیح من السیرة ج5 ص247. شرح الاخبار: ج1 ص396. المحاسن و المساوی: ج1 ص481.

6. الهدایة الکبری: ص197. مدینة المعاجز: ج3 ص412.

3. امّ سلمه شنید که یکی از آزاد شده هایش امیر المؤمنین عليه‌السلام را ناسزا گفته است. آن شخص را فرا خواند و آنقدر از فضائل و مناقب علی عليه‌السلام که از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شنیده بود برای آن شخص بازگو کرد، تا او توبه کند. (1)

4. امّ سلمه حدیث «نحن معاشر الانبیاء لانورّث... » را که ابوبکر آن را به دروغ به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نسبت داد تکذیب کرد. (2)

5. هنگامی که امیر المؤمنین عليه‌السلام برای جنگ جمل حرکت کردند، امّ سلمه پسرش عمر بن ابی سلمه را برای یاری آن حضرت فرستاد، و به آن حضرت پیغام داد: «اگر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم همسرانش را به ملازمت خانه ها امر نفرموده بود می آمدم و در نصرت و یاری شما کوتاهی نمی کردم». (3)

6 بعد از رحلت خدیجه کبری عليها‌السلام مراقبت حضرت زهراء عليها‌السلام با فاطمه بنت اسد عليها‌السلام بود. بعد از رحلت فاطمه بنت اسد این مهم از طرف پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به امّ سلمه سپرده شد، و عایشه از این ماجرا بسیار خشمناک بود. امّ سلمه می گفت: «مردم گمان می کنند من آموزگار فاطمه عليها‌السلام هستم! بخدا قسم که آن حضرت آموزگار من است».

7 روزی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پوست گوسفندی را طلبیدند و مطالبی را فرمودند و امیر المؤمنین عليه‌السلام نوشتند. بعد آن پوست را به امّ سلمه دادند و فرمودند: «هرکس بعد از من فلان و فلان نشانه را به تو داد، این پوست را به او تسلیم کن». آن سه نفر آن نشانه ها را نداشتند، و امّ سلمه آن پوست را در خلافت ظاهری امیر المؤمنین عليه‌السلام به آن حضرت - که

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. امالی صدوق: ص462. امالی طوسی: ص425. بشارة المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص58. کشف الغمة: ج1 ص296. سفینة البحار: ج2 ص692. بحار الانوار: ج22 ص221، ج38 ص309. کشف الیقین: ص468. ینابیع المودة: ج1 ص242.

2. دلائل الامامة: ص124. سفینة البحار: ج2 ص693. بیت الاحزان: ص153، از «الدرّ النظیم».

3. بحار الانوار: ج32 ص168. سفینة البحار: ج3 ص684. الدجات الرفیعة: ص198. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج6 ص74. شرح نهج البلاغة: ج6 ص219. استیعاب: ج3 ص1160. المیعار و الموازنة: ص30. تذکرة الخواص: ص67.

4.دلائل الامامة: ص82. بحار الانوار: ج43 ص10. مجمع النورین: ص52. اللمعة البیضاء: ص234.

همه نشانه ها را دارا بود تسلیم نمود. (1)

8 هنگام حرکت امام حسین عليه‌السلام از مدینه به مکه امّ سلمه آمد و خبر شهادت آن حضرت را که از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شنیده بود با اندوهی

فراوان بازگو کرد. امام حسین عليه‌السلام محل شهادت و موضع دفن خود و اصحابشان و... را به معجزه نشان دادند. سپس مقداری از خاک آن بقعه طیّبه را به امّ سلمه دادند و در نزد آن حضرت بود تا روز عاشورا که امّ سلمه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را با حالتی گردآلود و ژولیده مو در خواب دید، و عرض کرد: یا رسول اللَّه، این چه حالت است که در شما می نگرم؟ فرمودند: «ای امّ سلمه، حسین مرا کشتند و دیشب برای او و اصحاب او قبر می کندم».

وقتی از خواب بیدار شد خاکی که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و امام حسین عليه‌السلام به او داده بودند به خون تازه تبدیل شده است. (2)

شب یازدهم محرم

### 1. شام غریبان کربلا

نخستین شب عزا و سوگ خاندان پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پس از شهادت سیّد الشّهداء عليه‌السلام است. شبی تیره تر از سیاهی! شبی جانسوز که در آن تلخترین لحظات بر خاندان امام حسین عليه‌السلام گذشت.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بصائر الدرجات: ص183. الامامة و التبصرة من الحیرة: ص45. بحار الانوار: ج22 ص224، ج26 ص49، ج38 ص132. مدینة المعاجز: ج2 ص248.

2. بحار الانوار: ج44 ص225، 241، ج45 ص89، 230. امالی صدوق: ص203. امالی طوسی: ص315. کلمات الامام الحسین عليه‌السلام: ص292. مدینة المعاجز: ج4 ص192. ریاحین الشرعیة: ج2 ص305 - 283. ذخائر العقبی: ص148. ینابیع المودة: ج3 ص12. تاریخ یعقوبی: ج2 ص246. مجمع الزوائد: ج9 ص189. المعجم الکبیر: ج3 ص108. تاریخ دمشق : ج14 ص193. تهذیب الکمال: ج6 ص409. تهذیب التهذیب: ج2 ص301.

آیا می شود رنج و سوز و مصیبت بازماندگان حضرت را در آن شب بیان کرد و یا حتّی تصّور نمود؟ آیا کسی درک می کند که دیدگان خونفشان عمه امام زمان عليه‌السلام و اهل بیت چقدر و چگونه بر آن حضرت گریستند؟ آیا می تواند تصویر کند که آه و ناله سوزناک آن عزیزان چگونه بوده است؟

با چه زبانی و با چه لفظی می توان دلهای شکسته، قلبهای جریحه دار، ناله و نوای بلبلان بال و پر سوخته گلستان نبوی و علوی، و سوز دل یتیمان و بانوان حسینی را بیان کرد؟

شام غریبان است! کودکان یتیم که دیشب پدر داشتند، و بانوان بی سرپرست که دیشب سرپرست و کاشانه داشتند، امشب با آشیانه سوخته و دلهای داغدار، بدون سرورشان حضرت اباعبداللَّه چه می کنند؟

تفاوت بین این دو شب چقدر است: شب عاشورا و شب یازدهم؟ دیشب چه سالاری داشتند؟ دیشب چه کسی از خیمه ها محافظت می کرد؟ دیشب چه کسانی در خیمه ها بودند؟ امروز اما بدن مبارکشان بدون سر روی زمین است!آن شب چه کسی سرپرستی علویات و فاطمیات را بر عهده داشت؟ زینب کبری عليها‌السلام آن شب چه حالی داشت؟ از یک سو مراقبت از حجّت خدا زین العابدین عليه‌السلام و همسران و یتیمان برادر، و از سوی دیگر به دنبال دخنران گمشده!! همه اینها در سرزمینی که بدن برادرش و عزیزانش با آن وضع روی زمین افتاده باشند!

آه چه شبی بود آن شب و چه حالی داشت دختر امیر المؤمنین عليه‌السلام. «سلام علی قلب زینب الصبور و لسانها الشّکور». (1)

### 2. سر امام حسین عليه‌السلام در تنور خولی

شب یازدهم شبی است که سر مطهر امام حسین عليه‌السلام در تنور منزل خولی بود در

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. از زیارت حضرت زینب عليها‌السلام

حالیکه نورانیّت آن سر فضا را روشن نموده بود. (1)

11 محرم

### 1. حرکت کاروان اسرا از کربلا

عمر سعد ملعون روز یازدهم تا وقت ظهر در کربلا ماند، و بر کشتگان سپاه خود نماز گذارد و آنان را به خاک سپرد. وقتی روز از نیمه گذشت فرمان داد تا دختران پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را بر شتران بی جهاز سوار کردند (2) و سیّد سجّاد عليه‌السلام را نیز با غل جامعه بر شتر سوار کردند. هنگامی که آنان را از قتلگاه عبور دادند و نظر بانوان بر جسم مبارک امام حسین عليه‌السلام افتاد، لطمه ها بر صورت زدند و صدا به صیحه و ندبه برداشتند. (3)

### 2. تشکیل مجلس ابن زیاد

روز یازدهم عمر سعد به کوفه آمد. ابن زیاد اذن عمومی داد تا مردم در مجلس حاضر شوند. سپس رأس مطهر امام حسین عليه‌السلام را نزد او گذاشتند و او نگاه می کرد و تبسّم می نمود و با چوبی که در دست داشت جسارت می نمود. (4)

### 3. حرکت اهل بیت امام حسین عليه‌السلام به سوی کوفه

عصر روز یازدهم اهل بیت عليهم‌السلام را با حالت اسارت به کوفه بردند. نزدیک

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مقتل الحسین عليه‌السلام (مقرّم): ص 304. از مدینه تا مدینه: ص770. فیض العلام: ص156-155. در بعضی از مصادر به جای تنور خولی، زیر ظرف خمیر آمده است: مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام:ج4 ص68. بحار الانوار: ج45 ص126. مثیر الاحزان: ص66. مدینة المعاجز: ج4 ص114. تاریخ طبری: ج4 ص348.

2. ارشاد: ج2 ص114. اعلام الوری: ج1 ص470. لهوف: ص189. بحار الانوار: ج45 ص07.

3. مقتل الحسین عليه‌السلام (ابی مخنف): ص203. مثیر الاحزان: ص64. معالی السبطین: ج2 ص90. قلائد النحور: ص 184. فیض العلام: ص 156. تاریخ طبری: ج4 ص348. البدایة و النهایة: ج8 ص210. 4. اعلام الوری: ج 1، ص 471.

5. ارشاد: ج2 ص114. مثیر الاحزان: ص64. بحار الانوار: ج45 ص62. اعلام الوری: ج 1، ص 471. لهوف: ص189.

غروب حرکت کردند و شبانه به کوفه رسیدند. لذا آن بزرگواران داغدار و مصیبت زده را تا صبح پشت دروازه های کوفه نگه داشتند. هنگام صبح عمر سعد ملعون از کوفه خارج شد، و بسان فرماندهی که از فتوحات خویش خوشحال است همراه اسرائ وارد کوفه شد. (1)

12 محرم

### 1. دفن شهدای کربلا

روز دفن بدنه ای مطهر سیّد الشّهداء عليه‌السلام و اهل بیت و اصحاب آن حضرت، (2) توسّط امام سجّاد عليه‌السلام به یاری جمعی از بنی اسد است. (3) و بنا بر قولی دفن شهدای کربلا در سیزهم محرم بوده است. (4)

### 2. ورود اهل بیت عليه‌السلام به کوفه

روز دوازدهم روز ورود اهل بیت عليهم‌السلام با حالت اسارت به کوفه است. (5)

در این روز ابن زیاد فرمان داد که احدی حق ندارد با اسلحه از خانه بیرون آید، و ده هزار سوار و پیاده بر تمام کوچه ها و بازارها موکل گردانید، که احدی از شیعیان امیرالمؤمنین عليه‌السلام حرکتی نکند.

سپس فرمان داد سرهایی را که در کوفه بود برگردانند و در پیش روی اهل بیت عليه‌السلام حرکت دهند، و با هم وارد شهر کرده در کوی و بازار بگردانند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 204.

2. ارشاد: ج2 ص114. اعلام الوری: ج 1، ص 470. بحار الانوار: ج45 ص108. مثیر الاحزان: ص65.

3. تذکرة الشهداء (مترجّم): ص447- 445. الوقایع و الحوادث: ج 6 ص 61-59. وقایع الایّام: تتمه محرم، ص 132. علی الاکبر عليه‌السلام (مقرّم): ص94.

4. علی الاکبر عليه‌السلام: ص94. تذکرة الشهداء (مترجَم):ص445.

5. ارشاد: ج2 ص114. اعلام الوری: ج1 ص471. درجات الرفیعة: ص451. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 204. الوقایع و الحوادث: ج 4 ص 25.

مردم با دیدن حالت زار ذریه ی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و سرهای بر نیزه و بانوان و مخدرات در هودجهای بدون پوشش، صدا به گریه بلند نمودند. زینب کبری، ام کلثوم، فاطمه بنت الحسین و امام زینالعابدین عليه‌السلام به ترتیب با جگرهای سوزان و قلوب دردناک ایراد خطبه نمودند، که عده ای از لشکر با دیدن این اوضاع از کرده خود پشیمان شدند، اما هنگامی که خیلی دیر شده بود!! (1)

### 3. روز شهادت حضرت سجّاد عليه‌السلام

شهادت امام زین العابدین عليه‌السلام بنابرقولی در این روز (2) در سال 94 هجری در سن 57 سالگی واقع شده است، و قول دیگر 25 محرم است که خواهد آمد.

13 محرم

### 1. اسرای اهل بیت عليه‌السلام در مجلس ابن زیاد (3)

پس از آنکه اسرا و سرهای مقدس شهدا را در کوفه گردانیدند، ابن زیاد در کاخ خود نشست و دستور داد سر مطهر امام حسین عليه‌السلام را در برابرش گذاشتند. آنگاه زنان و کودکان آن حضرت را به همراه امام سجّاد عليه‌السلام در حالیکه به طناب بسته بودند وارد مجلس نموده، در برابر تخت آن ملعون ایستاده نگه داشتند. در این حال درباریان آن ملعون به تماشا ایستاده بودند. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مثیر الاحزان: ص66. لهوف: ص200. بحار الانوار: ج45 ص114. قمقمام زخّار: ص515. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 205.

2. توضیح المقاصٌد: ص 3. الدروس: ج2 ص12. وصول الاختیار: ص42. منتهی الآمال: ج2 ص38.

3. امالی صدوق: ص229. روضة الواعظین: ص190. بحار الانوار: ج45 ص154.

4.الوقایع و الحوادث: ج 4 ص 63-62. وقایع الایّام: تتمه محرم، ص 256.

### 2. اسرای اهل بیت عليه‌السلام در زندان کوفه

پس از مجلس شوم ابن زیاد، اهل بیت عليهم‌السلام را با غل و زنجیر وارد زندان کوفه نمودند. (1)

### 3. خبر شهادت امام حسین عليه‌السلام در مدینه و شام

ابن زیاد به مدینه و شام نامه نوشت و خبر شهادت امام حسین عليه‌السلام را منتشر ساخت. (2)

### 4. شهادت عبداللَّه بن عفیف

عبداللَّه بن عفیف ازدی بزرگواری از اصحاب امیر المؤمنین عليه‌السلام بود و در جنگهای جمل و صفین دو چشم خویش را از دست داده بود. لذا مشغول عبادت بود.

او هنگامی که شنید پسر زیاد ملعون به امیر المؤمنین و امام حسین عليه‌السلام نسبت کذب می دهد، از میان جمعیت برخاست و گفت: ساکت باش ای پسر مرجانه، دروغگو تویی و پدر تو که به تو این مقام را داد. ای دشمن خدا! فرزندان پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را می کشی و در منابر مؤمنین این چنین سخن می گویی؟ مأموران خواستند متعرض او شوند که با کمک قبیله اش به خانه رفت، ولی بعد آمدند و خانه او را محاصره کردند. پس از رشادتهای او و دخترش دستگیر شد و همانطور که از خدا خواسته بود به دست بدترین خلق یعنی ابن زیاد به شهادت رسید. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. امالی صدوق: ص229. روضة الواعظین: ص190. بحارالنوار: ج45 ص154. الوقایع و الحوادث: ج 4 ص 89. وقایع الایّام: تتمه محرم، ص 263.

2. لهوف: ص207. الوقایع و الحوادث: ج محرم، ص 96. وقایع الایّام: تتمه محرم، ص 264.

3. ارشاد: ج2 ص117. مثیر الاحزان: ص72. لهوف: ص203. مقتل الحسین عليه‌السلام (ابی مخنف): ص207. بحار النوار: ج45 ص119. سفینة البحار: ج3 ص342. الوقایع و الحوادث: ج 4، ص 80، 87 - 88. تاریخ طبری: ج4 ص351.

15 محرم

### 1. فرستادن سرهای مطهر شهدا به سوی شام

بنابر بعضی اقوال، در این روز سرهای مطهر اهل بیت عصمت و طهارت عليهم‌السلام را به سوی شام حرکت دادند. (1) البته بعداً اهل بیت عليهم‌السلام سرهای مطهر را به بدنها ملحق کردند. (2)

19 محرم

### 1. حرکت کاروان کربلا به سوی شام

در این روز اهل بیت سیّد الشّهداء عليه‌السلام را از کوفه به سوی شام حرکت دادند. (3) زنهای غیر هاشمیه از انصار امام حسین عليه‌السلام که در کربلا اسیر شدند با شفاعت اقوام و قبایلشان نزد ابن زیاد از قید اسیری خلاص شدند، و فقط زنهای هاشمیات برای اسارت به شام برده شدند. (4)

20 محرم

### 1. دفن بدن جون در کربلا

بعد از ده روز از واقعه عاشورا جمعی از بنی اسد بدن شریف جون غلام ابی ذر غفاری

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ارشاد: ج2 ص118. کشف الغمة: ج2 ص67. وقایع الایّام: تتمه محرم، ص 281. البدایة و النهایة: ج8 ص208. تذکرة الخواص: ص234.

2. امالی صدوق: ص232. روضة الواعظین ص192. بحار النوار: ج45 ص140.

3.الوقایع و الحوادث: ج 4، ص 114.

4. ابصار العین فی انصار الحسین عليه‌السلام: ص 133.

را پیدا کردند در حالی که صورتش نورانی و بدنش معطر بود و سپس او را دفن کردند. (1)

جون کسی بود که امیر المؤمنین عليه‌السلام او را به 150 دینار خرید و به ابوذر بخشید. هنگامی که ابوذر را به ربذه تبعید کردند این غلام برای کمک به او به ربذه رفت و بعد از رحلت جناب ابوذر به مدینه مراجعت کرد و در خدمت امیر المؤمنین عليه‌السلام بود تا بعد از شهادت آن حضرت به خدمت امام مجتبی عليه‌السلام و سپس به خدمت امام حسین عليه‌السلام رسید و همراه آن حضرت از مدینه به مکه و از مکه به کربلا آمد.

هنگامی که جنگ در روز عاشورا شدّت گرفت او خدمت امام حسین عليه‌السلام آمد و برای میدان رفتن و دفاع از حریم ولایت و امامت اجازه خواست. حضرت فرمودند: در این سفر به امید عافیت و سلامتی همراه ما بودی! اکنون خویشتن را به خاطر ما مبتلا مساز.

جون خود را بر قدمهای مبارک امام حسین عليه‌السلام انداخت و بوسید و گفت: ای پسر رسول خدا، هنگامی که شما در راحتی و آسایش بودید من کاسه لیس شما بودم، و حال که به بلا گرفتار هستید شما را رها کنم؟

جون با خود فکر کرد: من کجا و این خاندان کجا؟ لذا عرضه داشت: آقای من، بوی من بد است و شرافت خانوادگی هم ندارم و نیز رنگ من سیاه است. یا اباعبداللَّه، لطف فرموده مرا بهشتی نمائید تا بویم خوش گردد و شرافت خانوادگی به دست آورم و روسفید شوم. نه آقای من، از شما جدا نمی شوم تا خون سیاه من با خون شما خانواده مخلوط گردد. جون می گفت و گریه می کرد به حدّی که امام حسین عليه‌السلام گریستند و اجازه دادند.

با آنکه جون پیرمردی 90 ساله بود، ولی بچه ها در حرم با او انس فراوانی داشتند. او به کنار خیمه ها برای خداحافظی و طلب حلالیّت آمد، که صدای گریه اطفال بلند شد

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج45 ص22، 71. وسیلة الدارین: ص115. منتخب التواریخ: ص291، 311.

و اطراف او را گرفتند. هریک را به زبانی ساکت کرد و به خیمه ها فرستاد و مانند شیری غضبناک روی به آن قوم ناپاک کرد. او جنگ نمایانی کرد، تا آنکه اطراف او را گرفتند و زخمهای فراوانی به او وارد کردند. هنگامی که روی زمین افتاد، امام حسین عليه‌السلام سر او را به دامن گرفت و بلند بلند گریست، و دست مبارک بر سر و صورت جون کشید و فرمود: «اللهم بیّض وجهه و طیّب ریحه و احشره مع محمد و آل محمد عليهم‌السلام: بار الها رویش را سفید و بویش را خوش فرما و با خاندان عصمت عليهم‌السلام محشورش نما.

از برکت دعای حضرت روی غلام مانند ماه تمام درخشیدن گرفت و بوی عطر از وی به مشام رسید. چنانکه وقتی بدن او را بعد از ده روز پیدا کردند صورتش منّور و بویش معطر بود. (1)

(وسیله الدارین فی انصار الحسین عليه‌السلام: ص 115)

23 محرم

### 1. ویران نمودن حرم عسکریین عليهما‌السلام

در روز چهارشنبه 23 محرم 1427 در ساعت 45/6 یا 7 صبح، به وقت محلی شهر بغداد عده ای از دشمنان قسم خورده اهل بیت عليهما‌السلام، حرم عسکریین عليهما‌السلام را خراب کردند. آنها با پوشیدن لباس پلیس عراق وارد حرم مطهر شدند، اسلحه نگهبانان را گرفته همراه با خدام مرقد شریف - که حدود 7 تا 10 گفته اند - در یکی از غرفه های صحن مطهر عسکرین عليهما‌السلام با دست و پای بسته زندانی نمودند و اطراف حرم شریف و روضه منوره را با مواد منفجره - که نزدیک به 200 کیلو گرم می شد- منفجر کردند.

در پی این حادثه عراق و ایران یک هفته عزای عمومی اعلان شد و دروس حوزه های علمیه تعطیل شد و بازارها در اکثر شهر های بزرگ بسته شد و دسته جات

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. وسیلة الدارین فی انصار الحسین: عليه‌السلام ص115.

عزا از حسینیه ها و مساجد در حاتی که به سر و صورت و سینه می زدند و بعضی با پای برهنه و در پیشاپیش بعضی دسته جات مراجع به خیابان ها آمدند و به ساحت مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عرض تسلیت نمودند.

عاشقان اهل بیت عصمت و طهارت عليهم‌السلام با جمع آوری نقدینه و هدیه طلا و جواهرات و ثبت نام عده زیادی از مهندسین و معماران و کارگران، آمادگی خود را برای تجدید بنای حرم عسکریین عليهما‌السلام اعلان نمودند.

مخفی نماند که حرم مطهر فعلی سامراء منزل شخصی امام هادی عليه‌السلام است که هنگام ورود به این شهر خریداری نمودند. این مکان شریف مدفن حضرت هادی و امام حسن عسکری عليهما‌السلام و محل ولادت آقا و مولایمان حضرت صاحب الزمان عليه‌السلام و مدفن جناب حکیمه خاتون دختر امام جواد عليه‌السلام و حضرت نرجس خاتون همسر امام عسکری عليه‌السلام و والده ماجده امام عصر عليه‌السلام و مدفن سید حسین پسر امام هادی عليه‌السلام است.

این حرم شریف تا این زمان که به دست ناصبیان تخریب شد 13 بار تجدید بنا شده است، (1) و اکنون که سال 1429 ه است در حال ساخت بنای جدید حرم مطهر می باشند.

25 محرم

### 1. شهادت امام سجّاد عليه‌السلام

در سال 94 بنابر مشهور یا 95 ه (2)، امام زین العابدین عليه‌السلام در سن 57 سالگی با زهری

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. تاریخ سامراء: ج2 ص300-298.

2. کافی: ج1 ص466، 468. مسار الشیعه: ص 26. العدد القویه: ص 315. زاد المعاد: ص 328. مصباح کفعمی: ج 2، ص 594. مصباح المتهجد: ص 729. عیون المعجزات: ص65. فیض العلام: ص 165. بحار الانوار: ج 59، ص 199. اختیارات: ص33. تقویم المحسنین: ص15. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 315. تذکرة الخواص: ص298.

که ولید بن عبدالملک یا هشام لعنهما اللَّه به آن حضرت دادند به شهادت رسیدند. این در حالی بود که 34 یا 35 سال بعد از واقعه کربلا در مصائب جان گداز شهادت پدر و برادران و عمو و بستگان و اسارت عمه ها و خواهرانش، گریان بودند.

امام باقر عليه‌السلام آن حضرت را تجهیز نمودند و در بقیع کنار قبر عموی مظلومش حضرت مجتبی عليه‌السلام به خاک سپردند. سال شهادت آن حضرت را به خاطر کثرت فوت فقهاء و علماء «سنه الفقهاء» گفتند.

در شهادت آن حضرت اقوال دیگری نیز وجود دارد: 12 محرم، (1) 18 محرم، (2) 19 محرم، (3) 1 صفر. (4)

26 محرم

### 1. شهادت علی بن الحسین المثلث

در سال 146 ه علی بن حسن بن حسن بن حسن بن علی عليه‌السلام، در سن 45 سالگی در زندان منصور -که شب و روز در آن تشخیص داده نمی شد- در حال سجده و در حالیکه غل و زنجیر بر دست و پایش بود، به شهادت رسید، (5) و بنا بر قولی شهادت آن بزرگوار در 23 محزم بوده است. (6)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. توضیح المقاصد: ص3. الدروس: ج2 ص12. وصول الاخیار: ص42. منتهی الآمال: ج 2، ص 38.

2. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج4 ص189. اعلام الوری: ج1 ص481. العدد القویة: ص316. روضة الواعظین: ص201. بحار الانوار: ج46 ص154. منتهی الآمال: ج2 ص38.

3. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج4 ص189.

4. اختیارات: ص33.

5. مستدرک سفینة البحار: ج6 ص295. منتهی الآمال: ج1 ص 260-259. الوقایع و الحوادث: ج4 ص289. مقاتل الطالبیین: ص132.

6. شجره طوبی: ج1 ص162.

28 محرم

### 1. وفات حذیفه بن یمان

حذیفه از بزرگان اصحاب پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و از خواص اصحاب امیر المؤمنین عليه‌السلام بود. پدر حذیفه در جنگ احد اشتباهاً به وسیله یکی از مسلمانان کشته شد. (1)

حذیفه یکی از هفت نفری بود که بر صدیقه طاهره عليها‌السلام نماز خواندند. (2) او صحابه منافق را می شناخت. (3) منافقینی که پس از غدیر خم توطئه قتل پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را چیدند و می خواستند در بازگشت از غدیر خم در راهی که از کوه می گذشت شتر حضرت را بترسانند تا برمد و حضرت به دره سقوط کند و به قتل برسد. اما جبرئیل این نقشه را بسمع مبارک نبوی رسانید.

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم چون به محل مورد نظر رسیدند، منافقین با چهره های بسته هر کدام ظرفی که داخل آن سنگریزه بود از بالا رها نموده و شروع به داد و فریاد و نعره زدن کردند. اما عمار مهار تاقه را گرفته بود و حذیفه هم در کنار آن حضرت بود و سرانجام نقشه آن کوردلان نقش بر آب شد.

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آن منافقین را به حذیفه معرفی فرمودند که عبارت بودند تز اولی و دومی و سومی و ابوعبیده و معاذ بن جبل و سالم و معاویه و عمروعاص

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الدرجات الرفیعة: ص309-283. الفوائد الرجالیة: ج2 ص179 -162. استیعاب: ج1 ص355-334. الکنی و و الالقاب: ج2 ص236-234. مستدرک حاکم: ج3 ص381- 379. سفینة البحار: ج2 ص571-566.

2. الاختصاص: ص5. بحار الانوار: ج22 ص345، 351. تفسیر فرات: ص570. اختیار معرفة الرجال: ج1 ص34. درجات الرفیعة: ص209. روضة الواعظین: ص280. مستدرک سفینة البحار: ج4 ص425.

3. احتجاج: ج1 ص388. دلائل الامامة: ص97. المسترشد: ص591، 592. الطرائف: ص470. بحار الانوار: ج28 ص99. الکنی و الاقاب: ج2 ص235. الغدیر: ج6 ص241. صحیح البخاری: ج8 ص100. فتح الباری: ج13 ص31، 62. صفة المنافق: ص63. المصنف (ابن ابی شیبة): ج8 ص637. کنز العمال: ج1 ص368. تاریخ دمشق: ج12 ص275. سنن بیهقی: ج8 ص200، ج9 ص33. المحلّی: ج11 ص220. اسد الغابة: ج1 ص391.

و طلحه و سعد بن ابی وقاص و عبدالرحمن بن عوف و ابوموسی اشعری و مغیره بن شعبه و ابو هریره و اوس بن الحدثان و ابوطلحه و ابو قتاده انصاری و ابو مسعود (1)، و حذیفه همه را به خاطر سپرد. به همین دلیل بود که غاصبیم خلافت بعد از آن واقعه از حذیفه می ترسیدند که مبادا آنان را به مردم معرفی کند.

لذا حذیفه بر جنازه هرکس حاضر نمی شد دیگران می فهمیدند که میّت از منافقین بوده است. نکته جالب آنجا بود که حذیفه بر ابوبکر نماز نخواند، (2) و دومی برای سرپوش گذاشتن بر نفاق خویش و تبرئه خود، از حذیفه می پرسید: «اگر این شخص از منافقین است بگو تا من بر او نماز نخوانم»! (3)

این بزرگوار چهل روز پس از خلافت ظاهری امیر المؤمنین در مدائن از دنیا رحلت فرمود. (4) او قبل از رحلت به دو فرزندش صفوان و سعید وصیت کرد که همیشه ملازم امیر المؤمنین عليه‌السلام باشند و ایشان هم به وصیت پدر عمل نمودند تا در جنگ صفین به شهادت رسیدند. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کتاب سلیم بن قیس هلالی: ج2 ص730. ارشاد القلوب: ج2 ص332. خصال: ص499. الهدایة الکبری: ص79. المستر شد: ص597. بحار الانوار: ج21 ص223، ج28 ص100، ج31 ص632، ج37 ص119، ج82 ص267. الصراط المستقیم: ج3 ص44. مکاتیب الرسول: ج1 ص602، 603، 607. درجات الرفیعة: ص299. اختیارات: ص17. انوار العلویة: ص74. منتخب التواریخ: ص63. کشف الهاویة: ص289.

2. اغتیال النبی: ص71، بنقل از مختصر تاریخ دمشق: ج6 ص253، المحلّی (ابن حزم): ج11 ص225.

3. الغدیر: ج6 ص242-241. منتهی الآمال: ج1 ص120. اسد الغابة: ج1 ص391. الاعلام زرکلی: ج2 ص171. احیاء العلوم غزالی.

4. الفوائد الرجالیة: ج2 ص176. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص212. الوقایع و الحوادث: ج4 ص308. مراقد المعارف: ج1 ص242. سفینة البحار: ج2 ص571. تاریخ دمشق: ج12 ص621. مستدرک حاکم: ج3 ص380.

5. درجات الرفیعة: ص288. الفوائد الرجالیة: ج2 ص176. سفینة البحار: ج2 ص571. ج2 ص571. الکنی و الالقاب: ج2 ص236. مروج الذهب: ج2 ص394. استیعاب: ج1 ص335.

### 2. تبعید امام جواد عليه‌السلام به بغداد

در سال 220 ه امام جواد عليه‌السلام به دستور معتصم از مدینه به بغداد تبعید شدند. (1)

### 3. ورود اسرای اهل بیت عليه‌السلام به بعلبک

بنابرنقلی ورود اسرای اهل بین عليهم‌السلام به شهر بعلبک و استقبال مردم آن شهر از نیزه داران با شکر و سویق و آذوقه و علف در این روز بوده است، (2) که حضرت امّ کلثوم عليها‌السلام با دیدن این منظره در حق آنان نفرین کردند. (3)

29 محرم

### 1. رسیدن کاروان اسرا به شام

در این روز اسرای اهل بیت عليهم‌السلام به حوالی شام رسیدند. (4) ابراهیم بن طلحه بن عبداللَّه جلو آمد و به امام زین العابدین عليه‌السلام نزدیک شد، و کینه هائی که از جراحت شمشیرهای جنگ جمل در سینه ذخیره کرده بود ظاهر ساخت و به حضرت گفت: دیدی غلبه با کیست؟ حضرت فرمود: اگر می خواهی بدانی غالب کیست صبر کن تا هنگام نماز اذان و اقامه بگو، آن وقت می دانی آوازه چه کسی تا قیامت باقی است. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ارشاد: ج 2، ص 295. تاریخ قم: ص200. بحار الانوار: ج50 ص8. شرح احقاق الحق: ج19 ص599. ینابیع المودة: ج3 ص127.

2. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 332-331.

3. بحار الانوار: ج45 ص126. عوالم: ص427. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 332-331. نور العین: 263. ینابیع المودة: ج3 ص89.

4. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص336.

5. بحار الانوار: ج45 ص177. امالی طوسی: ص677. عوالم (ج الامام الحسین): ص414. قلائد النحور: ج محرم و صفر: ص332-331.

تتمه محرم

### 1. نوشتن صحیفه ملعونه

در این ماه در سال 11 ه صحیفه ملعونه دوم نوشته شد و به امضاء منافقین رسید. (1) محتوای آن چنین بود که نگذارد خلافت و امامت مسلمین بعد از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به علی بن ابی طالب عليه‌السلام برسد، و بر اساس آن مقدمات و زمینه های غصب خلافت و گرفتن بیعت از آن حضرت به هر صورت ممکن را فراهم نمودند. با نوشتن آن صحیفه اساس ظلم و ستم به اهل بیت عليهم‌السلام را بنا نهادند، که به فرموده امام صادق عليه‌السلام: «اذا کتب الکتاب قتل الحسین عليه‌السلام» (2): «هنگامی که صحیفه ملعونه نوشته شد امام حسین عليه‌السلام به شهادت رسید».

### 2. وفات ام المؤمنین ماریه قبطیه رضوان الله علیها

در ماه محرم سال 15 ه (یا 16 ه) ماریه قبطیه رحلت فرمود. (3)

ماریه دختر شمعون قبطی بود که همراه با خواهرش شیرین و یک خواجه که برادر ماریه به نام ماپور بود و هزار مثقال طلاو بیست جامه حریر و درازگوشی به نام یعفور و قاطری به نام دلدل، در سال هفتم از سوی پادشاه اسکندریه به رسم هدیه خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرستاده شد.

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ماریه را به همسری خود برگزید، و در محله «عالیه» که آن را «مشربه ام ابراهیم» می گویند منزلی برای آن حضرت تهیه کرد و خداوند جناب ابراهیم عليه‌السلام را از این بانو به آن حضرت عنایت فرمود.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ارشاد القلوب: ج2 ص335. بحار الانوار: ج 28، ص 104. درجات الرفیعة: ص302. الصوارم المهرقة: ص77. انوار العلویة: ص76.

2. کافی: ج8 ص179. بحار الانوار: ج 24، ص 366، ج 28، ص 123، ج 31، ص 635. تفسیر نور الثقلین: ج 4، ص 616. تأویل الایات: ج 2، ص 672. البرهان: ج4 ص884.

3. ریاحین الشریعین: ج 2، ص 342. البدایه و النهایه: ج 5، ص 326. طبقات الکبری: ج8 ص216. استیعاب: ج4 ص1912. السیرة النبویة (ابن کثیر): ج4 ص603. تاریخ طبری: ج3 ص144. تاریخ دمشق: ج3 ص238.

حضرت امیر المؤمنین عليه‌السلام به خاطر ولادت ابراهیم عليه‌السلام بسیار اظهار سرور می فرمود و به آنان خدمت می نمود، و بدین جهت عایشه از حضرت امیر المؤمنین بسیار ناراحت و ملول بود. (1)

از عایشه نقل شده که می گفت: «من به ماریه حسد می بردم، چون زنی بسیار زیبا بود.» (2) سرانجام این حسادت باعث شد که تهمتی به جناب ماریه زد (3) و آیه ای در تقبیح این کار عایشه نازل شد، که در تفاسیر شیعه و سنّی به تفصیل توضیح داده شده است. جناب ماریه بعد از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در مدینه طیّبه رحلت فرمود.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید): ج 9، ص 195.

2. ریاحین الشریعه: ج 2، ص 342. الصحیح من السیرة: ج3 ص295.ازواج النبی . بناته: ص57. الطبقات الکبری: ج 8، ص 212. الاصابه: ص 311.

3. بحار الانوار: ج22 ص155- 153، 242، ج52 ص315. تفسیر قمی: ج2 ص99، 318. المحاسن: ج2 ص339. علل الشرائع: ج2 ص580. دلائل الامامة: ص485. الهدایة الکبری: ص296. المحتضر: ص213. الصحیح من السیرة: ج3 ص296. رسالة حول خبر ماریة (شیخ مفید).

4. سوره نور: آیه 11.

2. صفر الخیر

در ماه صفر ثقل حوادث بر دوش سنگینی می کند. ادامه عزای امام حسین عليه‌السلام از یک سو، شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و امام مجتبی و امام رضا عليهما‌السلام از سوی دیگر، آغاز غصب خلافت از جهت دیگر مصائب پشت سرهمی است که در این ماه باید سوگوار آن باشیم. در روزهای 1، 2، 5، 7، 8، 9، 11، 12، 14، 15، 19، 20، 24، 26، 27، 28، 29، 30 این ماه وقایعی رخ داده که در یک نگاه به این صورت قابل تقسیم است:

وقایع مربوط به کربلا، که از وارد کردن سر مطهر امام حسین عليه‌السلام به شام آغاز می شود. در پی آن ورود اهل بیت عليهم‌السلام به شام و سپس مجلس یزید است. شهادت حضرت رقیه عليها‌السلام نیز پیرو آن اتفاق افتاده است. آزادی اهل بیت عليهم‌السلام از زندان شام و بازگشت اهل بیت عليهم‌السلام از شام به کربلا، و ورود جابر در اربعین برای زیارت سیّد الشّهداء و ملحق شدن رأس مطهر امام حسین عليه‌السلام به بدن مطهر در کربلا وقایع بعدی است.

مصائب معصومین دیگر از بیماری رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آغاز می شود. شهادت آن حضرت و آغاز مصائب حضرت زهراء مرحله اول آن است. شهادت امام مجتبی عليه‌السلام و امام رضا عليه‌السلام نیز مصائب بعدی است.

وفات حضرت سلمان، شهادت عمار یاسر، شهادت محمد بن ابی بکر و شهادت زید بن علی بن الحسین عليه‌السلام وقایع دیگری است که در این ماه اتفاق افتاده است.

در کنار این مصائب، ولادت موسی بن جعفر عليه‌السلام خبر خوشی است که در این ماه باعث سرور دوستان اهل بیت عليهم‌السلام می گردد.

درخواست کتف توسط پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و تشکیل لشکر اسامه از وقایع آخرین سال عمر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم است. آغاز امامت امیر المؤمنین عليه‌السلام که در واقع آغاز غصب خلافت آن حضرت است دنباله همان روزهای تلخ است. شروع جنگ صفین، لیله الهریر در پایان جنگ صفین، مسئله حکمین، و سپس جنگ نهروان برگهائی از روزگار خلافت امیر المؤمنین عليه‌السلام است.

1 صفر

### 1. وارد کردن سر مطهر امام حسین عليه‌السلام به شام

بنی امیه این روز را به خاطر ورود سر مطهر امام حسین عليه‌السلام به شام عید قرار دادند. (1)

### 2. ورود اهل بیت عليه‌السلام به شام (2)

با رسیدن خبر نزدیک شدن اسرای اهل بیت عليهم‌السلام به دمشق، یزید دستوراتی صادر کرد:

1. تاجی جواهر نشان و تختی مرصّع به سنگهای قیمتی آماده کنند.

2. بزرگان هر صنف با کمک یکدیگر شهر را در کمال زیبائی زینت نمایند.

3. تمام اهل شهر لباسهای زینتی بپوشند و خود را بیارایند.

4. همگی در معابر رفت و آمد نموده، به یکدیگر تبریک بگویند.

5. پس از آمادگی کامل با طبل و شیپور به استقبال اسرا بروند.

6. جارچیان در شهر جار بزنند: سرهای بریده و اطفال کسانی بر شهر وارد می شوند که به قصد براندازی حکومت عازم عراق بوده اندولی عامل خلیفه یعنی ابن زیاد آنها را کشته است. هرکس خلیفه را دوست دارد امروز شادی نماید.

شامیان پست نیز کوتاهی نکرده بر فراز بامها بیرقهای رنگارنگ برافراشتند و در هر گذری بساط شراب پهن کردند. نغمه آوازه خوانان بلند بود، و مردم دسته دسته به سوی دروازه کوفه در دمشق می رفتند و عده ای از شهر خارج شده بودند. این در حالی بود که اهل بیت مصیبت زده و داغدار پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را که جبرئیل امین پاسبان حریم

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. توضیح الماقصد: ص5. مصباح کفعمی: ج2 ص596. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص341. الوقایع و الحوادث: ج 5، ص 5. تقویم المحسنین: ص 15. اختیارات: ص 3.

2. معالی السبطین: ج 2، ص 140. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 294. الوقائع و الحوادث: ج5 ص 5.

محترمشان بود همراه با نیزه داران تازیانه به دست و بی رحم وارد دروازه ساعات کردند. آن نابخردان پست همینکه جمع نورانی اسرا را دیدند زبان به جسارت گشودند. در آن شهر چه گذشت و با آن بزرگواران چه کردند قلم را یارای نوشتنش نیست. (1)

### 3. شروع جنگ صفین (2)

پس از بی نتیجه ماندن نامه ها و موعظه های امیر المؤمنین عليه‌السلام به معاویه در ماه محرم، در روز چهارشنبه اول صفر سال 38 ه لشکر امیر المؤمنین در مقابل لشکر شام صف کشیدند. لشکر حضرت 90 هزار نفر و لشکر معاویه 85 هزار نفر بودند.

لشکر کفر، آب را بر لشکر حضرت امیر المؤمنین عليه‌السلام بستند، ولی پس از گرفتن و باز نمودن آب توسط امام حسین عليه‌السلام لشکر حضرت مانع از رسیدن آب به لشکر معاویه نشدند.

حضرت پس از شهادت تعدادی از اصحابشان یکباره با ده هزار نفر از طائفه ربیعه به لشکر معاویه حمله کردند و صفوف آنان را بر هم ریختند و تا قبّه معاویه رسیدند و فرمودند: ای معاویه، برای چه مردم را به کشتن می دهی؟ بیا با من مبارزه کن تا هر کدام از ما کشته شود خلافت از دیگری باشد!!

عمروعاص به معاویه گفت: علی با تو به انصاف سخن گفت. معاویه گفت: اما تو در این مشورت انصاف ندادی، چه اینکه هر کس به مصاف او بیرون رود به سلامت

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الوقایع و الحوادث: ج 5، ص 30-6. از مدینه تا مدینه: ص 899-896. همچنین اقتباس از ناسخ التواریخ، معالی السبطین: ج2 ص140، عوالم العلوم، مهیج الاحزان، ریاض المصائب، لهوف، امالی صدوق، الدمعه الساکبة.

2. توضیح المقاصد: ص5. بحار الانوار: ج32 ص458. تتمة المنتهی: ص24. فیض العلام: ص176. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 339. وقعة صفین: ص214. شرح نهج البلاغة: ج4 ص29. مروج الذهب: ج2 ص387. فتح الباری: ج13 ص75.

3. تتمه المنتهی: ص 23.

4. بحار الانوار: ج44 ص266. عوالم (ج الامام الحسین): ص150. مدینة المعاجز: ج3 ص139.

باز نگردد! از اینجا بود که معاویه عمروعاص را به اجبار به جنگ حضرت فرستاد. حضرت همینکه او را شناخت شمشیر را بلند کرد تا او را به درک بفرستد، ولی عمروعاص حیله کرد و عورت خود را مکشوف ساخت. آن حضرت رو از آن بی حیا برگردانید و آن خبیث فرار کرد. (1)

سرانجام با حیله چند برگ از قرآن بر سر نیزه کردند، و ماجرای حکمین پیش آمد.

2 صفر

### 1. مجلس یزید

در این روز بنابرنقلی اسرای آل رسول را وارد مجلس یزید کردند. (2) جا دارد فکر کنیم چه کسانی را با چه حالتی وارد بر چگونه مجلسی کردند؟

### 2. شهادت زید بن علی بن ال حسین عليه‌السلام

در سال 121 ه زید بن علی بن الحسین عليه‌السلام در کوفه به شهادت رسید. (3) بنا بر قولی شهادت او در اول صفر (4) یا سوم صفر (5) بوده است. خروج او در اول صفر (6) یا اول محرم

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج32 ص512، 585، 599، ج33 ص230. الغدیر: ج2 ص161، 169. درجات الرفیعة: ص120. انساب الاشراف: ص330. وقعة صفین: ص407. اخبار الطول: ص177 - 176. شرح نهج البلاغة: ج6 ص299، 316، ج8 ص60. استیعاب: ج1 ص162.

2. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص353.

3. ارشاد: ج2 ص174. بحار الانوار: ج46 ص186. سفینة البحار: ج2 ص522. الطبقات الکبری: ج5 ص326. تاریخ طبری: ج5 ص499، 503. تاریخ دمشق: ج19 ص456، 476.

4. مسار الشیعة: ص26. مصباح المجتهد: ص729. مصباح کفعمی: ج2 ص596. بحار الانوار: ج46 ص203، 208. تقویم المحسینین: ص15. اختیارات: ص3.

5. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج2 ص228. بحار الانوار: ج46 ص175.

6. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج2 ص228. بحار الانوار: ج46 ص175. تاریخ طبری: ج5 ص499.

بوده است. (1) پس از دفن در این روز (2) یا 19 ربیع الاول (3) قبر او را شکافتند و بدن آن بزرگوار را از قبر خارج نمودند و به زمین کشیده به دار زدند.

5 صفر

### 1. شهادت حضرت رقیّه عليه‌السلام

در روز پنجم ماه صفر سال 61 ه حضرت رقیه مظلومانه به شهادت رسید. (4) نام شریفش «رقیه»، «فاطمه» و «زینب» است. پدرشان مولانا الشهید اباعبداللَّه الحسین عليه‌السلام و مادرشان ام اسحاق است.

ولادت آن حضرت در مدینه بود و در سن سه سالگی یا بیشتر در محرم 61 هجری با پدر بزرگوارش به کربلا آمد. قبل و بعد از عاشورا بارها مورد تفقد و دلجوئی اباعبداللَّه قرار گرفت تا آنجا که به خواهرش حضرت زینب عليهما‌السلام در مورد او سفارش فرمود. بعد از شهادت امام حسین عليه‌السلام و اهل بیت و اصحاب، همراه با اسرا به کوفه و شام برده شد و در مسیر چهل منزل راه شام رنجهای فراوانی دید.

در شام بعد از دیدن سر نورانی پدر با پیشانی شکسته در خرابه، آنقدر ناله زد و گریست تا به ملکوت اعلا پیوست، و بدن شریف آن حضرت را شبانه دفن کردند.

از کهن ترین منابعی که نام آن حضرت با لفظ یاد شده قصیده سیف بن عمیره نخعی کوفی از اصحاب امام جعفر صادق و امام موسی کاظم عليهما‌السلام است:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1.قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 15. البدایة و النهایة: ج9 ص361.

2. تاریخ طبری: ج5 ص304.

3. مستدرک سفینه البحار: ج 4، ص 67.

4. وقائع الشهور: ص47.

5. کامل بهائی: ج2 ص179. نفس المهموم: ص457-456. الوقایع و الحوادث: ج 5، ص85 -70. از مدینه تا مدینه: ص 966- 955. منتخب التواریخ: ص388.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| و عبدکم سیف فتی ابن عمیره |  | عبد لعبد عبید حیدر قنبر |
| و سکینه عنها السکینه فارقت |  | لما ابتدیت بفرقه و تغیر |
| و رقیه رق الحسود لضعفها |  | و غدا لیعذرها الذی لم یعذر |
| و لامّ کلثوم یجد جدیدها |  | لثم عقیب دموعها لم یکرر |
| لم أنسها و سکینه و رقیه |  | یبکینه بتحسر و تزفر |

شواهد و مدارک در باره وجود شریف آن حضرت، و بودن قبر آن حضرت در مکان فعلی حرم مطهر، همراه با معجزات و کراماتی از آن مخدره مظلومه بسیار است که در پاورقی به قسمتی از آنها اشاره می شود. (2)

7 صفر

### 1. شهادت امام مجتبی عليه‌السلام

در این روز در سال 50 ه امام مجتبی عليه‌السلام در سن 47 سالگی در مدینه به شهادت

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. دائره المعارف تشیع: ج 8، ص 314 - 313. دائره المعارف الاسلامیه الشیعه: ج 1، جزء 2، ص 25. کتاب المنن (عبدالوهاب بن احمد شافعی مصری شعرانی) متوفی 973 ق. 2. ابصار العین فی انصار الحسین عليه‌السلام: ص 368. کشف الغمه: ج 2، ص 216. عوالم: جلد امام حسین عليه‌السلام، ص 331. زندگانی چهارده معصوم عليهم‌السلام عماد زاده: ج 1، ص 633. نفس المهموم: ص 414. کتاب المنن (عبد الوهاب بن احمد شافعی مصری شعرانی) متوفی 973 ق. معالی السبطین: ج 2، ص 170. لهوف سید بن طاووس. مبکی العیون. ستاره درخشان شام: ص 16. سرگذشت جانسوز حضرت رقیّه عليها‌السلام: ص 27. الوقایع و الحوادث: ج 3، ص 192. حضرت رقیّه عليها‌السلام چاووش کربلا. سوگنامه آل محمد عليهم‌السلام: ص 341. ثمرات الحیات: ج 2، ص 38. مختصر تاریخ دمشق: ج 9، ص 174. بحر الغرائب: ج 2. ریاض القدس: ج 2، ص 237. زینب عليها‌السلام فروغ تابان کوثر: ص 370. رقیّه عليها‌السلام: ص 26. انوار الشهاده: ص 242. تحقیق در باره اولین اربعین حضرت سیّد الشّهداء عليه‌السلام: ص 685. ناسخ التواریخ. کامل بهائی: ج2 ص179. وسیلة الدارین: ص394-393. اعیان الشیعة: ج7 ص34. شرح احقاق الحق: ج11 ص451، 633، ج26 ص287، ج27 ص466. تراجم الام النساء: ج2 ص103. اعلام النساء المؤمنات: ص350. تاریخ و اماکن سوریه: ص69. مصباح الحرمین. و قائع عاشورا: ریاحین الشرعیة: ج3 ص312-309، ج4 ص245. اسرار الشهادة: ص406. تذکرة الشهاداء. حضرت رقیه عليه‌السلام (شیخ علی فلسفی). السیدة رقیه عليه‌السلام. سرگذشت حضرت رقیه عليه‌السلام.

رسیدند. ولی اشهر بین علمای امامیه شهادت حضرت در 28 ماه صفر است. رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم درباره حضرت مجتبی عليه‌السلام فرموده اند: کسی که بر آن حضرت محزون باشد دلش محزون نمی شود روزی که دل ها محزون است، و کسی که آن حضرت را در بقیعش زیارت کند قدمش بر صراط ثابت می ماند روزی که قدم ها بر صراط میلغزد...(2)

### نسب شریف آن حضرت عليه‌السلام

از طرف مادر، جدشان خاتم الانبیاء و المرسلین محمد بن عبدالله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، جده شان جناب خدیجه بنت خویلد ام المؤمنین عليها‌السلام است.

از طرف پدر جدشان سید بطحاء حضرت ابو طالب عليهما‌السلام، جده شان جناب فاطمه بنت اسد عليها‌السلام است.

پدر: مولی الموالی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عليهما‌السلام. مادر: سیدة النساء فاطمه زهراء عليهما‌السلام. برادرانی مانند حضرت سید الشهداء عليه‌السلام و اباالفضل العباس عليه‌السلام، و خواهرانی و همچون زینب کبری و ام کلثوم عليهما‌السلام.

### بعضی از صفات آن حضرت عليه‌السلام

در وجود و سخاوت زبانزد همگان بود، به حدی که در طول عمر شریف سه بار مالشان را - حتی کفش خود را - در راه تقسیم کردند.

حلم و صبر آن حضرت تعجب همگان را بر انگیخته بود. مروان با آن بغض و عنادی که داشت بعد از تیر باران شدن جنازه می آید و تابوت آن حضرت را به دوش می کشد. هنگامی که امام حسین عليه‌السلام از او سؤال می کند: تا دیروز غیظ و کینه او را داشتی

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. توضیح المقاصد: ص 6. مصباح کفعمی: ج 2، ص 598. بحار الانوار: ج 44، ص 134. الدروس: ج2 ص8. اختیارات: ص33. تقویم المحسنین: ص15. فیض العلام: ص184. وفیات الائمة عليهم‌السلام: ص123.

2. امالی صدوق: ص177. المحتضر: ص110. بحار الانوار: 28 ص39، ج44 ص148. بشارة المصطفی عليه‌السلام: ص 199.

و امروز تابوت او را حمل می کنی؟ در پاسخ می گوید: با کسی این کار ها را کردم که حلم او برابر با کوه ها بود. (1)

### عمر شریف آن حضرت عليه‌السلام

مشهور طبق روایت حضرت باقر و حضرت صادق عليهما‌السلام عمر شریف آن حضرت عليه‌السلام 47 سال و چند ماه بوده است. (2)

### شهادت آن حضرت عليه‌السلام

بعد از آتش بس بین حضرت و معاویه، امام عليه‌السلام به مدینه بازگشتند و ده سال در آن جا بودند تا اینکه معاویه توسط جعدة دختر اشعث کندی آن حضرت را مسموم کرد. مدت مسمومیت حضرت عليه‌السلام چهل روز کشید. هنگامی که ارتحال حضرت نزدیک شد امام حسین عليه‌السلام را با دیگر فرزندان امیر المؤمنین عليه‌السلام طلبید، و ودایع امامت و کتب رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین عليه‌السلام و سلاح آن حضرت را به امام حسین عليه‌السلام سپردند و آن چه امیر المؤمنین عليه‌السلام به آن حضرت وصیت فرموده بودند اهل بیت و شیعیانش را وصیت فرمود که امام بعد از من برادرم امام حسین عليه‌السلام است، دستوراتش را اطاعت کنید و از مخالفت با او بپرهیزید.

سپس فرمود: شما را به خدا می سپارم و او خلیفه من بر شماست، چشمان مبارک خود را بست و دو دست و پا را دراز کرد و از دنیا رفت در حالی که می فرمود: لا اله الا الله.

صدای گریه و ناله از منزل آن حضرت بلند شد، و مدینه از ناله و ضجّه مانند روزی شده بود که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از دنیا رفت. برادران، اولاد، شیعیان صدا به نوحه و ناله بلند

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج44 ص145. وفیات الائمة عليه‌السلام: ص127. مقاتل الطالبیین: ص49. شرح نهج البلاغة: ج16 ص13، 51.

2. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج4 ص34. اعلام الوری: ج1 ص403. کشف الغمة ج1 ص516، 583. تتمة المنتهی: ص41.

کرده، امام حسین عليه‌السلام در حالتی که اشک میریخت متوجه غسل و حنوط و کفن برادر شدند، سپس بر آن مظلوم نماز خواندند و جنازه را برای تجدید عهد با رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به طرف روضه منوره نبویه بردند و آن وقایع اتفاق افتاد. بدن را به بقیع آوردند، امام حسین عليه‌السلام داخل قبر شد و بدن برادر را دفن کرد و هنگام خروج از قبر در حالت گریه می فرمود:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| أَدهن رأسی اَم اَطیب محاسنی |  | و رأسک معفور و اَنت سلیب؟ |
| بکائی طویل و الدموع غزیرة |  | اَنت بعید و المزار قریب |

یاد آوری می شود: بعضی از مصادر تاریخی شیعه ولادت امام کاظم عليه‌السلام را در این روز (17 صفر) ذکر کرده اند. (1) در روایتی حضرت عسکری عليه‌السلام می فرمایند: حضرت کاظم موسی بن جعفر عليه‌السلام در ابواء بین مکه و مدینه در ماه ذی الحجه سال 127 ه به دنیا آمدند.اما با این همه قول صحیح در ولادت آن حضرت در ماه ذی الحجه است که در تتمه ماه ذی الحجه ذکر می شود.

از سوی دیگر شیخ مفید و شهید اول و کفعمی فرموده اند که شهادت امام مجتبی عليه‌السلام در هفتم صفر بوده است. تصریح این بزرگوار مقدم است بر دیگر اقوال، اضافه بر اینکه در نجف اشرف و دیگر اعتاب عالیه در عراق و بعضی از کشورهای دیگر در بلاد شیعه روز هفتم صفر را به عنوان امام مجتبی عليه‌السلام اقامه عزا می کنند.

بنابر این اگر ولادت امام کاظم عليه‌السلام در ماه صفر صحیح هم باشد، اما اگر در روز شهادت امامی ولادت امام دیگر اتفاق افتاده باشد علما تصریح به اقامه عزا فرموده اند نه برگزاری جشن و سرور؛ مخصوصاً امام حسن مجتبی عليه‌السلام که مظلومیت حضرت آشکار است.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. دلائل الامامة: ص303.

8 صفر

### 1. وفات حضرت سلمان رحمه‌الله

حضرت سلمان رحمه‌الله در سال 36 ه (1) در سن 250 سالگی -و بنابر نقلی 350 سالگی یا بیشتر (2) - در مدائن از دنیا رفت. او را سلمان بن الاسلام (3) و سلمان پاک و سلمان خیر (4) و سلمان محمدی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم (5) لقب داده اند، و خطاب به او گفته اند: «السلام علیک یا من خلطه ایمانه بأهل البیت الطاهرین عليه‌السلام». (6) امیر المؤمنین عليه‌السلام فرمودند: «سلمان از کسانی بود که بر حضرت زهراء عليها‌السلام نماز خواند.» (7)

همچنین امام صادق عليه‌السلام فرمودند: «سلمان علم اول و آخر را درک کرد، و او دریائی است که هر کسی را بهره ای از آن نیست، و او از ما اهل بیت است». (8)

جبرئیل به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم عرضه داشت: «اشتیاق بهشت به سلمان بیشتر از اشتیاق او به بهشت است».(9)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الوقایع و الحوادث: ج 5، ص 270، 328. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 294. وقایع الشهور: ص48.

2. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص137. مراقد المعارف: ج 1، ص 363. الوقائع و الحوادث: ج5 ص328.

3. بحار الانوار: ج 22 و ص 390. نفس الرحمان فی فضائل سلمان عليه‌السلام: ص28. سلمان بن الاسلام: ص1. شرح نهج البلاغة ج18 ص34. اسد الغابة: ج2 ص328. 4. نفس الرحمن فی فضائل سلمان: ص 28. المعجزات النبیوة: ص335. الاصابة: ج3 ص118.

5. امالی طوسی: ص133. اختیار معرفة الرجال: ج1 ص54. بحار الانوار: ج22 ص327، 349.

6. قسمتی از زیارت حضرت سلمان رحمه‌الله. بحار الانوار: ج 99، ص 289. نفس الرحمان: ص640.

7. الاختصاص: ص5. خصال: ص361. تفسیر فرات: ص570. بحار الانوار: ج22 ص326، 345، ج43 ص210. روضة الواعظین: ص280. اللمعة البیضاء فی شرح خطبة الزهراء عليه‌السلام: ص883.

8. الاختصاص: ص11. امالی صدوق:ص324. اختیار معرفة الرجال: ج1 ص52. بحار الانوار:ج22 ص319، 373، درجات الرفیعة: ص209. و از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: مناقب امیر المؤمنین عليه‌السلام: ج2 ص421. شرح نهج البلاغة: ج18 ص36. المعیار و الموازنة: ص300. المصنف: (ابن ابی شیبة): ج7 ص536. معجم الکبیر: ج6 ص213. طبقات الکبری: ج2 ص346. کنز العمال: ج13 ص254. سیر اعلام النبلاء: ج1 ص541، 543، ج2 ص388. تاریخ دمشق: ج21 ص413، 420، 422، ج32 ص61، 62. اسد الغابة: ج2 ص331. 9. بحار الانوار: ج22 ص341. عوالی اللئالی: ج4 ص101. روضة الواعظین: ص282. درجات الرفیعة: ص207. تاریخ دمشق: ج21 ص411. طبقات المحدثین باصبهان: ج1 ص232.

شرح حال آن بزرگوار در کتابهای مختلف بیان شده، و در بزرگی مقام و قدر او همین اندازه بس که مولانا امیر المؤمنین عليه‌السلام وسائل غسل و کفن او را آوردند و او را غسل داده کفن نمودند و بر او نماز خوانده دفن نمودند. (1)

او از کسانی است که درباره امر خلافت و غصب آن بر ابوبکر اعتراض کردند. سلمان بپا خاست و گفت: ای ابابکر! هنگامی که مرگ به سراغت آید امرت را به که می سپاری؟ هنگامی که از احکام امّت از آنچه که نمی دانی سؤال کنند به که پناه می بری؟ آیا تو امام بر کسی هستی که اعلم از توست؟! مقدّم بدار هر آنکه خدا او را مقدم داشته و همواره رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را فراموش کرده ای که فرمود: تو را نفع نمی رساند مگر علمت و چیزی را به دست نمی آوری مگر آنچه جلو تر فرستاده باشی؟ پس اگر برگردی نجات میابی! تو هم شنیده ای آنچه ما شنیده ایم؛ ولی آن را انکار کردی و ما بدان اقرار نمودیم! پس تو و ما بر خدا وارد خواهیم شد؛ و خدا هرگز بر بندگانش ظلم نمی کند»! (2)

9 صفر

### 1. شهادت عمار و خزیمه رحمهما‌الله

در این روز در سال 37 ه عمار یاسر به سن 93 سالگی و خزیمه بن ثابت در جنگ صفین به شهادت رسیدند. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج22 ص368، 372، ج39 ص142. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص337. الوقایع و الحوادث: ج5 ص325. مدینة المعاجز: ج2 ص14، 418.

2. رجال برقی: ص150. احتجاج: ج1 ص100. خصال: ص463. بحار الانوار: ج28 ص193، 211. الیقین: ص339. مواقف الشیعة: ج1 ص425، 434. نهج الایمان: ص581. مجمع النورین: ص75.

3. توضیح المقاصد: ص 6. فیض العلام: ص 189. مراقد المعارف: ج 2، ص 100. مستدرک سفینة البحار: ج6 ص294. جواهر المطالب: ج2 ص64. تذکرة الخواص: ص89. مروج الذهب: ج2 ص391.

پدر عمار جناب یاسر بن عامر است، و او اول مردی در اسلام بود که در مکه به دست مشرکین به شهادت رسید. مادر عمار جناب سمیّه بود که بر اذیت کفار مکه صبر فراوان کرد، و اولین زن شهیده در اسلام بود که به دست ابوجهل به شهادت رسید.

اما عمار را ابوالعادیه و ابوحواء سکسکی شهید کردند. زمانی که خبر به امیر المؤمنین عليه‌السلام رسید بسیار محزون شد و بر بالین عمار آمد و سر او را بر زانو نهاد و با حزن و اندوه فراوان اشعاری در بی وفائی دنیا و دوری از دوستان قرائت فرمود. سپس فرمود: «انا لله و انا الیه راجعون. هر کس بر قتل عمار غنگین نباشد او را از مسلمانی بهره ای نیست. بهشت نه یک بار بلکه بارها بر عمار واجب شده است». (1)

### 2. جنگ نهروان

در نهم صفر سال 39 ه فتح نهروان واقع شد، و ذوالثدیه رئیس خوارج به جهنّم واصل شد. (2)

11 صفر

### 1. لیله الهریر در جنگ صفین

خاتمه جنگ صفین نبرد «لیله الهریر» در شب جمعه یازدهم ماه صفر سال 38 ه بود. (3) در آن شب سپاه معاویه از شدت سرما مانند سگ صدا می کردند، چون «هریر» به صدای سگ می گویند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الدرجات الرفیعة: ص282. نهج السعادة: ج2 ص238. بحار الانوار: ج33 ص20. سفینة البحار: ج3 ص690. منتخب التواریخ: ص163. تتمه المنتهی: ص 27-26. الفتوح: ج2 ص157. کنز العمال: ج13 ص593. طبقات الکبری: ج3 ص262. تاریخ دمشق: ج43 ص476.

2. بحار الانوار: ج 56، ص 138. مناقب آل ابی طالب: ج 3، ص 220. معجم رجال الحدیث: ج14 ص367. نفس الرحمان فی فضائل سلمان رحمه‌الله: ص 261.

3. مستدرک سفینة البحار: ج6 ص294. وقائع الشهور: ص48. نهج السعادة: ج2 ص282. منتخب التواریخ: ص165. جواهر المطالب: ج2 ص64. انساب الاشراف: ص323.

امیر المؤمنین عليه‌السلام ذوالفقار به دست و سوار بر اسب پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شمشیر می زد و به هر شمشیری که می زد تکبیر می گفت و شجاعی را به خاک می افکند. مقتولین به دست آن حضرت در آن شب بیش از 500 نفر نقل شده است، و تا صبح مشغول جنگ بودند به گونه ای که ذوالفقار چند مرتبه خمیده شد و آن بزرگوار با زانوی مبارک آن را راست نمودند.

در این جمگ جمعی از لشکر امیر المؤمنین عليه‌السلام به شهادت رسیدند که از جمله آنها عمار یاسر، اویس قرنی، هاشم مرقال، پسر هاشم، خزیمه بن ثابت، صفوان بن حذیفه و عبداللَّه بن بدیل با برادرش عبدالرحمن بن بدیل، عبداللَّه بن حارث برادر مالک اشتر، که از خواص امیر المؤمنین عليه‌السلام بودند.

از لشکر معاویه جمع کثیری به درک واصل شدند، و این جنگ 14 ماه به طول انجامید. سرانجام با حیله عمروعاص و نفاق عده ای مثل اشعث بن قیس کندی کار به حکمیت کشید. (1)

12 صفر

### 1. حکمین در صفین

صبح دوازدهم (2) یا سیزدهم (3) ماه صفر سال 38 ه، لشکر امیر المؤمنین عليه‌السلام مهیای جنگ شدند، اما عمروعاص حیله نمود و دستور داد تا قرآن ها را بر سر نیزه کنند.

صفوف جلو لشکر کفر ورقهائی از قرآن و در دیگر صفوف هر کس هر چه داشت بر سر نیزه کرد!! و فریاد می زدند: «لا حکم الا للَّه»! منافقین مانند اشعث بن قیس، یا

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. منتخب التواریخ: ص 166 - 163.

2. نهج الساعادة: ج2 ص282. منتخب التواریخ: ص165. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 384. جواهر المطالب: ج4 ص64. تاریخ ابن خلدون: ج2 ص174. انساب الاشراف: ص323.1

3. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 295. وقائع الشهور: ص49-48.

تضعیف روحیه لشکر حضرت آنان را به اختیار حکمین ترغیب کردند. هرچه امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمودند که این نیرنگ است، و من کلام اللَّه ناطق هستم نتیجه نداد. سرانجام قرار بر این شد که هر لشکر حکمی از جانب خود معین کند تا حکم ایشان را هر دو طرف بپذیرند.

معاویه عمروعاص را معرفی کرد و امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود: «اگر ناچار هستیم، عبداللَّه بن عباس، و الاّ مالک اشتر نخعی حکم باشد».

اشعث و جماعت قرّاء و حافظین که بعداً جزء خوارج شدند راضی به هیچکدام از این دو نشدند و گفتند: «فقط عبداللَّه بن قیس یعنی ابوموسی اشعری». نفاق منافقین نتیجه داد و ابوموسی و عمروعاص در «دومه الجندل» که قلعه ای است بین مدینه و شام، جمع شدند، و با توجه به عداوتی که هر دو نسبت به بنی هاشم خصوصاً حضرت امیر المؤمنین عليه‌السلام داشتند و با مکر و حیله عمروعاص حضرت را به ظاهر عزل نمودند.

بدین ترتیب فردای آن روز در بین جمعیت ابوموسی به عمرو گفت: تو بایست و معاویه را از امارت خلع کن، تا من هم علی بن ابی طالب عليه‌السلام را خلع نمایم. عمروعاص گفت: من هرگز بر تو که عامل ابوبکر و عمر بوده ای و در ایمان و هجرت بر من تقدم داشته ای سبقت نمی گیرم! ابن عباس گفت: ابوموسی! پسر نابغه تو را فریب ندهد، ولی او به گفته ابن عباس گوش نداد و ایستاد و انگشتر از دست بیرون کرد و گفت: من علی و معاویه را از خلافت عزل نمودم و ساکت شد.

عمروعاص ملعون ایستاد و گفت: «مردم شنیدید که ابوموسی، علی را از خلافت عزل کرد. من هم او را از خلافت عزل نموده، و آن را برای معاویه بن ابی سفیان ثابت می نمایم که او سزاوارتر است، و من بعنوان منصوب کردن معاویه انگشتر به دست می کنم»!

حکمین برای عوامفریبی فحش و دشنام بسیاری به یکدیگر دادند و دست به گریبان یکدیگر شدند و شریح قاضی تازیانه ای بر سر عمروعاص زد. ابوموسی از

ترس اصحاب حضرت امیر المؤمنین عليه‌السلام به مکه پناهنده شد. (1) همه این مطالب در حالی بود که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در غزوه دومه الجندل ابوموسی را از اینکار خبر دادند و فرمودند: «حکمین در دومه الجندل گمراهند و گمراه می کنند کسانی را که از آنها تبعیت کنند». (2)

امیر المؤمنین عليه‌السلام پس از این واقعه در قنوت نوافل ابوموسی و سه نفر دیگر را این گونه لعن می فرمود: «اللهم العن معاویه و عمراً و اباالاعور السلمی و ابا موسی الاشعری». (3)

ابوموسی از جمله منافقینی بود که در شب عقبه (عید غدیر) قصد قتل پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را داشت. (4)

14 صفر

### 1. شهادت محمد بن ابی بکر

در این روز در سال 38 ه محمد بن ابی بکر در سن 28 سالگی به دستور معاویه وعمروعاص تشنه به شهادت رسید، و به قولی در نیمه جمادی الثانی بوده است. (6)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج33 ص324-297. شجره طوبی: ج2 ص346. انوار العلویة: ص253 - 243. قلائد النحور: ص 398. شرح نهج البلاغة: ج2 ص256-224. وقعة صفین: ص546-497. ینابیع المودة: ج2 ص25-12. اخبار الطول: ص201-188. تاریخ طبری: ج4 ص52-34.

2. الایضاح: ص62. المستر شد: ص159. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج3 ص211. بحار الانوار: ج33 ص311. الصحیح من السیرة: ج8 ص398. تتمة المنتهی: ص31-30. شرح نهج البلاغة: ج13 ص315، 316. کنز العمال: ج5 ص794. مختصر تاریخ دمشق: ج13 ص251. مجمع الزوائد: ج7 ص246. مهجم البلدان: ج2 ص489. سبل الهدی و الرشاد: ج10 ص150.

3. الایضاح: ص63، 234. امالی طوسی: ص725. بحار الانوار: ج33 ص185، 197، 303. مستدرک الوسائل: ج4 ص410. الغدیر: ج2 ص132. وقعة صفین: ص552. مناقب امیر المومنین عليه‌السلام: ج2 ص319. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید):ج2 ص260، ج13 ص315.

4. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج13 ص314، 315. به تتمه ذی الحجه و 28 محرم رجوع شود.

5. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص212، ج6 ص295. وقائع الشهور: ص50. قلائد النحور: ص395.

6. العدد القویة: ص56. بحار الانوار: ج95 ص193. فیض العلام: ص249.

او از طرف امیر المؤمنین والی مصر بود. بعد از شهادت، او را در شکم حمار مرده ای گذاشتند و سوزاندند. (1) محل شهادت او در مصر به نام «کوم شریک» بوده است. قبر منصوب به او از مابقی بدن سوخته آن بزرگوار است. دشمنان اهل بیت عليهم‌السلام هنگامی که کنار قبر آن بزرگوار می روند پشت به قبر می کنند و برای ابوبکر فاتحه می خوانند!؟ (2)

15 صفر

### 1. ابتدای بیماری صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم (3)

بیماری پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم که منجر به رحلت آن حضرت شد از نیمه ماه صفر آغاز شد.

17 صفر

### 1. شهادت امام رضا عليه‌السلام

بنا بر قولی در این روز در سال 203 هجری در روز سه شنبه امام رضا عليه‌السلام به دست مأمون با انگور زهر آلود به شهادت رسیدند، و از سن آن حضرت عليه‌السلام 51 سال می گذشت. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج 33، ص 533. الغدیر: ج11 ص70-64. قلائد النحور: ص395. مستدرک سفینة البحار: ج6 ص294. انساب الاشراف: ص403. تاریخ طبری: 79- 78. شرح نهج البلاغة: ج6 ص87.

2. فیض العلام: ص250-249.

3. تفسیر قمی: ج1 ص175. بحار الانوار: ج31 ص633، ج37 ص116.

4. بحار الانوار: ج49 ص223، به نقل از مرحوم کفعمی.

20 صفر (اربعین)

### 1. اربعین سیّدالشّهداء عليه‌السلام

در چنین روزی چهل روز از فاجعه مولمه شهادت امام حسین عليه‌السلام و اهل بیت و اصحاب باوفایش می گذرد. بر دوستان و شیعیان اهل بیت عليهم‌السلام لازم است که با پوشیدن لباس مشکی، تعطیل کار و برپائی مجلس عزا و شرکت در مجالس سینه زنی و ذکر مصیبت این روز را تعظیم نمایند.

امام حسن عسکری عليه‌السلام می فرمایند: علامات مؤمن پنچ چیز است: نماز 51 رکعتی (نماز های واجب و مستحب در شبانه روز)، و زیارت اربعین، و انگشتر در دست راست کردن، و پیشانی به خاک گذاشتن، و بلند بسم الله الرحمن الرحیم گفتن (1).

### 2. زیارت جابر از کربلا

در این روز در سال 61 ه جناب جابر بن عبداللَّه انصاری و همراهانش قریب به چهل روز بعد از شهادت امام حسیت عليه‌السلام از مدینه به کربلا وارد شدند. او به همراه عطیه قبر حبیبش سیّدالشّهداء عليه‌السلام را زیارت کرد. (2)

### 3. بازگشت اهل بیت عليه‌السلام به کربلا

بنابرمشهور در چنین روزی اهل بیت عليهم‌السلام از شام به کربلا بازگشتند. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. وسائل الشیعه: ج 14، ص 478. مصباح المنجهد: ص 788. تهذیب الاحکام: ج6 ص52. بحار الانوار: ج 82، ص 75، ج95 ص348، ج98 ص106، 329. مزار شیخ مفید: ص53. مزار ابن مشهدی: ص352. اقبال: ج3 ص100. عوالی اللئالی: ج3 ص37. روضة الواعظین: ص195.

2. توضیح المقاصد: ص6. مسار الشیعه: ص 26. مصباح المجتهد: ص730. العدد القویه: ص 219. مصباح کفعمی: ج 2، ص 596. بحار الانوار: ج98 ص335. وسائل الشیعة: ج14 ص478. زاد المعاد: ص 328.

3. توضیح المقاصد: ص 6 - 7. معالی السبطین: ج 2، ص 191. بحار الانوار: ج98 ص334. اقبال الاعمال: ج3 ص100. زاد المعاد: ص332. کتاب «تحقیقی پیرامون اولین اربعین سید الشهداء عليه‌السلام». حبیب السیر.

### 4. ملحق شدن رأس مطهر امام حسین عليه‌السلام به بدن مطهر

در این روز (1) بنابرقول سیّد مرتضی رأس شریف امام حسین عليه‌السلام توسط امام زین العابدین عليه‌السلام از شام به کربلا آورده شد و به بدن مطهر آن حضرت ملحق گردید. (2)

24 صفر

### 1. طلب کتف توسّط صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

در این روز (3) یا در روز 28 صفر (4) پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دوات و کتف طلبیدند تا بنویسند که خلافت بلافصل برای امیر المؤمنین عليه‌السلام است، ولی عمر مانع از این کار شد و به ساحت اقدس نبوی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم جسارت کرد و گفت: «ان الرجل لیهجر»: «این مرد هذیان می گوید»!

روز های آخر عمر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بود. مهاجرین و انصار اطراف بستر آن حضرت نشسته بودند، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نظری به آنان فرمود در حالی که می دیدید بعد از آن حضرت فتن، گمراهی، انحرافات فکری، تفرقه بین مسلمین که از ظلم اهل بیت آن حضرت و خلیفه بلا فصل الهی علی بن ابی طالب عليهم‌السلام پیش می آید، چه می کند؟ لذا برای حفظ امت از لغزش ها و هرج و مرج فرمود: «ایتونی بدواة و بیاض اَکتب لکم ما

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج 44 ص 199، ج98 ص334. لهوف: ص225. اقبال الاعمال: ج3 ص98. شرح احقاق الحق: ج33 ص703. الاتحاف بحب الاشراف: ص12.

2. بحار الانوار: ج44 ص199، ج45 ص140، 145. امالی صدوق: ص232. وسائل الشیعة: ج34 ص403. رسائل المرتضی: ج3 ص130. شرح احقاق الحق: ج33 ص705، 706، 719. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج4 ص85. روضة الواعظین: ص192. مثیر الاحزان: ص85، ص144. معالی السبطین: ج2 ص191. تاج الموالید: ص33. جواهر الکلام: ج20 ص93. لواعج الاشنان: ص247. تذکرة الخواص: ص238.

3. این مطلب از کلام ابن عباس که گفت: «یوم الخمس و ما یو الخمیس، الرزیّة کلّ الرزیّة ما حال بین رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و بین کتابه» استفاده شده است. خاصه و عامه این کلام را از ابن عباس نقل کرده اند.

4. کتاب سلیم بن قیس رحمه‌الله: ج2 ص794. غایة المرام: ج6 ص95، 97. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص697، 699.السقیفة و فدک: ص76. الطبقات الکبری: ج2 ص235 -243. شرح نهج البلاغة: ج6 ص51.

لن تضلّوا بعدی اَبداً؛» «کاغذ و دوات برای من بیاورید تا مطلبی برای شما بنویسیم که هرگز بعد از من گمراه نشوید»؛ در این هنگام عمر گفت: اِن الرجل لیهجر (العیاذ بالله) حسبنا کتاب الله یا به عبارت های دیگر از رسول الله یهجر و... همانا این مرد هذیان میگوید، همانا رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم هذیان میگوید، کتاب خدا ما را بس است.

با این کلام عمر اختلاف و سر و صدا بین اصحاب به وجود آمد، عده ای (از منافقین) گفتند: قول، قول عمر است. عده دیگر گفتند: کاغذ و قلم بیاورید. در این هنگام رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم صورت مبارک از آن ها برگرداند و فرمود: از نزد من دور شوید نزاع و سر وصدا نزد من جائز نیست. آنان رفتند و شیطان کار خودش را کرد و شد در امت آنچه نباید می شد.

ذکر چندین مطلب شایان توجه است:

1. در این حدیث به عبارات مختلف در کتب مختلف شیعه و اهل خلاف نقل شده است. این عبارت که جسارت به اشراف مخلوقات را در بر دارد به عبارت های مختلف نقل شده است: «ان الرجل لیهجر». (1) «ان النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم یهجر کما یهجر المریض». (2) «انما یهجر (رسول الله)». (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الرسالة السعدیة: ص72. کشف الغمة: ج2 ص48. نهج الحق و کشف الصدق: ص333. کشف القیین: ص472. تذکرة الفقهاء: (ط ق): ج2 ص469. شرح اصول کافی: ج7 ص241. الطرائف: ص432. الصوارم المهرقة: ص224. الاربعین (قمی): ص534. الغدیر: ج5 ص340. ماذا تقضون؟: 494. ابوبکر بن ابی قحافة: ص46، 59، 244، 252. مجمع النورین: ص203. احقاق الحق: ص236، 264، 280، 284. شرح احقاق الحق: ج2 ص244، ج3 ص373. غایة المرام: ج6 ص97. سفینة النجاة (تنکابنی): ص206. فلک النجاة: ص149. تشیید المطاعن: ج1 ص431-359. بحار الانوار: ج30 ص586-529، 466، 467، 513، 535. حلیة الابرار: ج2 ص321. منهاج الکرامة: ص103. مجلة تراثنا: ج53 ص179-126. مکاتب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص713، 715، 724. السقیفة امّ الفتن: ص97، 114. الامام علی عليه‌السلام فی آراء الخلفاء: ص91. المسانید: ج2 ص354. الملل و النحل (شهرستانی): ج1 ص22.

2. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم:ج3 ص698. اغتیال النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص154. غایة المرام: ج6 ص99.

3. اعیان الشیعة: ج1 ص294، 425، 427. معالم المدرستین: ج2 ص41. المعجم الکبیر: ج11 ص352. طبقات الکبری: ج2 ص243. عمر بن الخطاب: ص109.

«اِن نبی الله یهجر (لیهجر)». (1) «ان النبی یهجر». (2) « (ان) رسول الله یهجر». (3)

«دعوا ارجل (دعوه) فإنّه یهجر». (4) «اِنّه یهجر». (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کتاب سلیم بن قیس الهلالی رحمه‌الله: (211) ج2 ص. احتجاج ج1 ص223. بحار الانوار: ج31 ص425. مصباح البلاغة: ج1 ص343. اعیان الشیعة: ج1 ص294، 425، 427. معجم الرجال و الحدیث: ج1 ص127. النص علی امیرالمؤمنین عليه‌السلام: ص241. عبدالله بن سبأ: ج1 ص99. الطبقات الکبری: ج2 ص242. فتح الباری شرح صحیح البخاری: ج8 ص101. عمر بن الخطاب: ص109.

2. نهج الحق: ص332، 333. احقاق الحق: ص236. المراجعات: ص353. النص و الاجتهاد: ص150. فدک فی التاریخ: ص111. سبیل النجاة فی تتمة المرجعات: ص267. مواقف الشیعة: ج3 ص451. اعیان الشیعة: ج1 ص61. مأساة الزهراء عليه‌السلام: ج1 ص131، 227، 231، 234، 297. تدوین فرآن: ص57. ابوبکر بن ابی قحافة: ص207. عمر بن الخطاب: ص119، 444. اضواء علی السنة المحمدیة: ص55. الشفا بتعریف حقوق المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم (قاضی عیاض): ج2 ص192. شرح الشفا (خفاجی): ج4 ص218.

3. کتاب سلیم بن قیس الهلالی رحمه‌الله: (324) ج2 ص. الغیبة (نعمانی): ص84. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج1 ص202. نهج الحق: ص273. الاربعین (قمی): ص534. الطرائف: ص432. بحار الانوار: ج22 ص472، 498، ج30 ص533، ج36 ص277. غایة المرام: ج3 ص167، ج6 ص99. مناقب اهل البیت عليهم‌السلام: ص389. اعیان الشیعة: ج1 ص294، 425، 427. المراجعات: ص355. النص و الاجتهاد: ص152. سبیل النجاة: ص264. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج2 ص173، ج3 ص692، 699، 701، 702، 713. عمر بن خطاب: ص108، 109. فضائل امیر المؤمنین عليه‌السلام (ابن عقده کوفی): ص156. مسند احمد: ج1 ص355. صحیح مسلم: ج5 ص435. شرح مسلم: ج11 ص90. الکامل فی التاریخ: ج2 ص320. السنن الکبری (نسائی): ج3 ص435. المعجم الکبیر: ج11 ص352. تاریخ طبری:ج2 ص436.

4. ارشاد: ج1 ص184. التعجب من اغلاط العامة: ص89. اعلام الوری: ج1 ص265. قصص الانبیاء (راوندی): ص356. وصول الاخیار الی اصول الاخبار: ص72. بحارالانوار: ج22 ص468. اعیان الشیعة: ج1 ص293، 424. الاربعین (قمی): ص284. السقیفة امّ الفتن: ص84. مکاتب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص713. حق الیقین (شبّر): ج1 ص214. موسوعة الامام علی بن ابی طالب عليهم‌السلام: ج2 ص390. الهجوم علی بیت فاطمة عليهم‌السلام: ص62، 478. مواقف الشیعة: ج3 ص208. ابوبکر بن ابی قحافة: ص245، 329. عمر بن الخطاب: ص118. سر العالمین (غزالی): المقالة الرابعةريال ص10 (20). تذکرة الخواص: ص62.

5. الطرائف: ص432، 433، 436. المسترشد: ص553. الیقین: ص522. فرج المهموم: ص228. کشف المحجة: ص64. الصراط المستقیم: ج3 ص3، 100. وضوء النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج2 ص19. الاربعین (قمی): ص535، 538. بحار الانوار: ج30 ص529، 547، 548، 594. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص712، 717. قاموس الرجال: ج11 ص235. ابوبکر بن ابی قحافة: ص340. جواهر التاریخ: ج1 ص84. احقاق الحق: ص281. غایة المرام: ج6 ص98. اغتیال لنبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص93، 143، 154، 159، 160.

«قد غلبه الوجع». (1) «قد غلب علیه الجوع». (2) «اشتدّ به الوجع». (3)

«رسول الله هجر». (4) «هجر رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم». (5) «هجر هجر رسول الله». (6) «هجر هجر استفهموه». (7)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. امالی مفید: ص36. احقاق الحق: ص234، 235، 236، 237. الغدیر: ج5 ص340، 341. اضواء علی الصحیحین: ص388. بحار الانوار: ج22 ص474، 531، 532، 535، 538، 542، 548، 551، 552. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج1 ص608، ج3 ص693، 794، 714، 715، 717، 723. صحیح بخاری: ج1 ص37، ج5 ص138، ج8 ص161. مسند احمد: ج1 ص325. فتح الباری: ج1 ص186، ج8 ص101. مقدمة فتح الباری (ابن حجر): ص307. عمدة المقاری: ج2 ص170، ج14 ص298، ج18 ص63، ج25 ص76. شرح نهج البلاغة: ج11 ص49. الاحکام: (ابن حزم): ج7 ص984. البدایة و النهایة: ج5 ص247. طبقات الکبری: ج2 ص 247. عمر بن خطاب: ص105. امتاع الاسماع: ج2 ص132، ج14 ص446، 447. الشفا بتعریف حقوق المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج2 ص192. السیرة النبویة (ابن کثیر): ج4 ص451.

2. المستر شد: ص681. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج1 ص202. سعد السعود: ص297. نهج الحق: ص33. الطرائف: ص432. احقاق: الحق: ص280. بحار الانوار: ج22 ص473. اضواء الصحیحین: ص387، 388. غایة المرام: ج6 ص95. اعیان الشیعة: ج1 ص294، 424، 425، 427. مسند احمد: ج1 ص336. صحیح بخار: ج7 ص9. صحیح مسلم: ج5 ص76. شرح مسلم: ج11 ص90، 92. عمدة القاری: ج2 ص171، ج21 ص224. الدیباج علی مسلم: ج4 ص232، 233. المنصف (صعنانی): ج5 ص438. السنن الکبری (نسائی): ج3 ص433، ج4 ص360. صحیح ابن حبان: ج14 ص562. شرح نهج البلاغة: ج2 ص55. امتاع الامساع: ج14 ص450. عمر بن الخطاب: ص106، 107، 116، 118.

3. بحارالانوار: ج30 ص538، 540. احقاق الحق: ص236. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص 413، 714، 715، 723. الشفا بتعریف حقوق المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج2 ص192، 194.

4. الیقین: ص522. سعد السعود: ص297. امتاع الاسماع (مقریزی): ج14 ص448، 449.

5. المستر شد: ص681. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام:ج1 ص202. بحارالانوار:ج22 ص472، ج30 ص530، 531. المرجعات: ص322، 354، 355، 360. النص و الاجتهاد: ص151، 152، 153، 160. سبیل النجاة: ص243. اضواء علی الصحیحین: ص388، 389، 391. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص694، 696، 713، 718. السقیفة امّ الفتن: ص98. معالم المدرستین: ج1 ص112، 365. عمر بن الخطاب: ص107، 117. صحیح بخاری: ج4 ص31. فتح الباری: ج8 ص101. عمدة القاری: ج14 ص298، ج18 ص62.

6. فتح الباری: ج8 ص101. عمدة القاری:ج18 ص62.

7. الایضاح (فضل بن شاذان): ص360. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص713.

«ما له؟ اَهجر»؟ (1) «ما شأنه؟ اهجر»؟ (2)

« ما له؟ اَهجر؟ استفهموه». (3) « ما شأنه؟ اَهجر؟ استفهموه». (4)

2. آن قدر مطلب واضح و اسناد فراوان است که عده ای بر آن شده اند که معنای این عبارت را نقل کنند تا شاید از وقاحت کلام گوینده آن بکاهند. (5) به عنوان نمونه: ابن ابی الحدید می گوید: عمر کلمه ای گفت که معنایش این است: «ان الوجع قد غلب علی رسول الله»: «همانا درد بر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم غلبه کرد»!!؟ در حای دیگر ابن ابی الحدید می گوید: لقد غلبه الوجع، به تحقیق درد بر او غلبه کرده. اما این ماجرا قابل انکار نیست.

3. جسارت و نسبت هذیان به اشرف مخلوقات مخالف آیات قرآن کریم است، که آیات زیر به عنوان نمونه ذکر شود:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج30 ص547. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص417. الاحکام (ابن حزم): ج7 ص984. امتاع الاسماع (مقریزی): ج14 ص449. 2. الطرائف: ص432. الیقین: 19، 521. مناقب اهل البیت عليهم‌السلام: ص389. بحار الانوار: ج30 ص535. مسند احمد: ج1 ص222. فتح الباری: ج8 ص101. عمدة القاری: ج18 ص62. الفائق فی غریب الحدیث: ج3 ص391. النهایة فی غریب الحدیث: ج5 ص246. لسان العرب: ج5 ص254.

3. بحار الانوار: ج30 ص542. سبیل النجاة فی تتمة المراجعات: ص266. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص713. صحیح بخاری: ج4 ص66. عمدة القاری: ج15 ص90. الشفا بتعریف حقوق المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج2 ص192. امتاع الاسماع (مقریزی): ج2 ص132، بجای «استفهموه»، «استبعدوه» دارد.

4. الیقین: ص521. بحار الانوار: ج30 ص530، 534، 538، 844. اضواء علی الصحیحین: ص387. سبیل النجاة فی تتمة المراجعات: ص265. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص713، 723. غایة المرام: ج6 ص85، 96. فلک النجاة: ص146، 147. صحیح بخاری: ج5 ص137. ج5 ص75. عمدة القاری: ج18 ص61. المصنف (صنعانی): ج6 ص57، ج10 ص361. مسند الحمیدی: ج1 ص242. السنن الکبری (نسائی): ج3 ص434. شرح نهج البلاغة: ج2 ص55، ج13 ص31. نصب الرایة: ج4 ص343. طبقات الکبری: ج2 ص242. تاریخ طبری: ج2 ص436. البدایة و النهایة: ج5 ص247. امتاع الاسماع: ج14 ص447. السیرة النبویة (ابن کثیر): ج4 ص450. سبل الهدی و الرشاد: ج12 ص247.

5. النص و الاجتهاد: ص150. المراجعات: ص353. ماذا تقضون: ص494.

6. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج3 ص17، ج6 ص51. غایة المرام: 596. النص و الاجتهاد: ص170. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص691.

(وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ). (1)

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ). (2)

(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا) (3)

(وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا). (4)

4. گوینده این کلام شامل این آیات قرآنی می شود:

(وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَأَتْ مَصِيرًا) (5)

(إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا). (6)

5. اضافه بر عبار ان الرجل لیهجر که در کتب مختلف ذکر شده، گوینده این کلام در جا های مختلف در دوران حکومت خود و قبل از آن در جواب سؤال کنندگان - و گاهی هم در کلام خودش که به ابن عباس گفت: می دانی چرا آن روز مانع آوردن کاغذ و قلم و شدم؟ چون می دانستم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در آن وصیت می خواهد خلافت و امامتِ خلق بعد از خود را با علی بن ابی طالب عليه‌السلام بیان کند. لذا مانع آوردن کاغذ و قلم شدم!! (7)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. سوره نجم: آیه 3 و 4.

2. سوره های نساء: آیه 59. مائده: آیه 92. نور: آیه 54. محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: 33. تغابن: آیه 12. آل عمران: آیه 32، 132. انفال: آیه 1، 20، 46. مجادله: آیه 13.

3. سوره حشر: آیه 7. 4. سوره احزاب: آیه 36.

5. سوره نساء: آیه 115. 6. سوره احزاب: آیه 57.

7. التحفة العسجدیة: ص144. کشف الیقین: ص471. کشف الغمة: ج2، ص47. حلیة الابرار: ج2 ص321. بحار الانوار:ج29 ص639، 30 ص244، 554، 555، ج31 ص75، ج38 ص157. مواقف الشیعة: ج1 ص150، ج2 ص5. مکاتب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج1 ص610، ج3 ص706، 707. الدرجات الرفیعة: ص106. غایة المرام: ج1 ص242، ج2 ص55، ج6، ص92، 93. مناظرات فی العقائد و الاحکام: ج1 ص484. نفحات اللاهوت: ص81، 121-118. ابوبکر بن ابی قحافة: ص169. موسوعة الامام علی بن ابی طالب عليه‌السلام: ج2 ص90، 391. شرح نهج البلاغة: ج12 ص21، 78، 79.

25 صفر

### 1. دستور پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به پیروزی از ثقلین

در این روز پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در جمع مسلمانان بر منبر رفتند و طی خطبه ای مردم را موعظه کرده، آنان را به پیروی از کتاب و عترت وصیت فرمودند. (1)

26 صفر

### 1. تجهیز لشکر اسامه (2)

در این روز در سال 11 ه (3) پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به عده ای خاص از صحابه و به خصوص

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مستدرک سفینة البحار: ج6 ص295. وقائع الشهور: 56. بحار الانوار: ج22 ص474، 476، 477، 478. حدیث ثقلین با بیشتر از 120 طریق موجود است و کتاب های مستقلی درباره آن نوشته شده است. به کتاب های زیر مراجعه کنید: نفحات الازهار: ج3-1. شرح احقاق الحق: ج9، 18، 24، 33 و.... کتاب الله و اهل بیت عليهم‌السلام فی حدیث الثقلین (مدرسة الامام باقر العلوم عليه‌السلام). غایة المرام: ج2. الصراط المستقیم: ج2 ص102. محاضرات فی الاعتقادات: ج1.

2. کتاب سلیم رحمه‌الله: ج2 ص683. الاستغاثة: ص21. الایضاح: ص361. خصال: ص171، 372. الشافی فی الامامة: ج4 ص152-144. احتجاج: ج1 ص90. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص36، ج6 ص295. نهج السعادة: ج5 ص205، 258. التعجب ص42، 89. بحار الانوار: ج21 ص410، ج28 ص178، ج30 ص442-427. غایة المرام: ج6 ص135 -110. المستر شد: ص112. دعائم الاسلام: ج1 ص41. سفینة النجاة: ص202 -196. الصراط المستقیم: ج2 ص297. احقاق الحق: ص220-218. مجلة تراثنا: ج24 ص76-7. تثبیت الامامة: ص19. المعیار و الموازنة: ص211. طبقات الکبری: ج2 ص248، ج4 ص69-65. التنبیه و الاشراف: ص214. شرح نهج البلاغة: ج1 ص159، ج6 ص52، ج9 ص156، ج12 ص83، 17 ص195-175. فتح الباری: ج7 ص69، ج8 ص115. تاریخ دمشق: ج7 ص65- 46، ج10 ص139. تاریخ یعقوبی: ج2 ص113. السقیفة و فدک: ص77. عمر بن خطاب: ص37-34. الملل و النحل شهرستانی: ج1 ص23. شرح مواقف: ص376. المصنف ابن ابی شیبة: ج7 ص532، ج8 ص549. سیرة الحلبیة: ج3 ص207. مغازی الواقدی: ج3 ص1118.

3. بحار الانوار: ج 21، ص 410، ج 30، ص 428. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص36، ج6 ص295. کنز العمال: ج10 ص582. طبقات الکبری: ج2 ص189. تاریخ دمشق: ج2 ص54-47. تاریخ طبری: ج2 ص 431. عیون الاثر: ج2 ص352. سبل الهدی و الرشاد: ج6 ص248.

ابوبکر ابوبکر و عمر و عثمان امر فرمودند برای سفر به روم و جنگ با رومیان به امیری اسامه بن زید آماده شوند. آنان از این امر کراهت داشتند و نسبت به فرماندهی اسامه بر سپاه اسلام به خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم اعتراض کردند. حضرت فرمودند: «خدا لعنت کند کسی را که از لشکر اسامه تخلف کند»، ولی با این همه ابوبکر و عمر و عثمان تخلف کردند و بازگشتند!

28 صفر

### 1. شهادت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

شهادت جانگداز و مظلومانه اشرف مخلوقات خاتم الانبیاء محمد بن عبداللَّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در سال 11 ه در سن 63 سالگی (1) به وسیله سم (2) بوده است، و طبق روایاتی عایشه و حفصه آن حضرت را مسموم کرده اند!

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مسار الشیعة: ص27. المقنعة: ص456. ارشاد: ج1 ص189. تهذیب الاحکام: ج6 ص2. جامع الاخبار:ص24. اعلام الوری: ج 1، ص 45، 53، 269. تاج الموالید: ص7. معالم الزلفی: ج1 ص426. بحار الانوار: ج22 ص529، ج97، ص168. مجمع البیان: ج2 ص214. قصص الانبیاء راندوی: ص357. شرح احقاق الحق: ج10 ص435. کشف الغمةج1 ص16. تحریر الاحکام: ج1 ص130. روضة الواعظین: ص71. الدروس: ج2 ص6. تقویم المحسنین: ص15. اختیارات: ص22. ینایبع المودة: ج2 ص339. شرح نهج البلاغة: ج10 ص184.

2. کتاب سلیم رحمه‌الله: ج2 ص838-837. بصائر الدرجات: ص503. کافی: ج1 ص533. المحاسن: ج2 ص262. المقنعة: ص456. تهذیب الاحکام: ج6 ص2. اعلام الوری: ج1 ص80. بحارالانوار: ج17 ص 405، 406، ج33 ص267، ج43 ص327. الخرائج و الجرائح: ج1 ص38، 224، 241. مصائب رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص21. معالم الزلفی: ج1 ص425. جامع الاصول: ج11 ص38. مستدرک سفینة البحار: ج6 ص296. الطبقات الکبری: ج2 ص200. سنن ابی داوود: ج4 ص174. شرح نهج البلاغة: ج10 ص221.

3. تفسیر قمی: ج 2، ص 376. تفسیر عیاشی: ج1 ص200. الصراط المستقیم: ج3 ص168. تفسیر صافی: ج1 ص390-389، ج5 ص194. بحار الانوار: ج22 ص239، 246، 516، ج28 ص21.97، ج31 ص641. اربعین قمی: ص627. معالم الزلفی: ج1 ص426. تفسیر برهان: ج1 ص320. ارشاد القلوب: ج2 ص331 -330. تفسیر کنز الدقائق:ج2 ص251. تفسیر نور الثقلین: ج1 ص401، ج5 ص367.

در 24 صفر بیماری پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شدت یافت. (1) پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم هنگام بیماری فرمودند: حبیبم را نزد من حاضر کنید. عایشه و حفصه پدران خود را نزد آن حضرت حاضر نمودند. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم روی مبارک خویش را از آنان برگردانید و فرمود: «حبیبم را نزد من حاضر کنید». سپس دنبال علی بن ابی طالب عليه‌السلام فرستادند. چون نظر مبارک به آن حضرت افتاد او را نزد خود خواند و کلماتی به حضرت فرمود. هنگامی که علی بن ابی طالب عليه‌السلام از نزد آن حضرت خارج شد، عمر و ابوبکر به او گفتند: «خلیلت به تو چه گفت»؟ فرمود: «هزار باب علم به من حدیث کرد که از هر باب هزار باب دیگر باز می شود». (2)

### وصایای پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در لحظات آخر عمر خود وصیتهایی به امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمودند و جبرئیل و میکائیل و ملائکه مقربین را بر آن وصیت شاهد گرفتند. از جمله آن کلمات که جبرئیل به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم می فرمودند و امیرالمؤمنین عليه‌السلام می شنید این بود: «حقّت را می برند و خمست را غصب می کنند و پرده احترامت (حرمتت) را می درند و محاسنت به خون سرت رنگین می شود».

امیرالمؤمنین عليه‌السلام می فرمایند: «هنگامی که آن کلام را فهمیدم، فریاد زدم و بر روی زمین افتادم». بعد فرمایشاتی به حضرت زهرا عليها‌السلام و حسنین عليهما‌السلام فرمودند. سپس آن وصیت با چند مهر از طلا که آتش به آن نرسیده بود (و ساخته دست بشر نبود) مهر شد و به امیرالمؤمنین عليه‌السلام تحویل داده شد. (3)

### غسل و نماز بر بدن صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

امیرالمؤمنین عليه‌السلام پس از غسل دادن آن حضرت به تنهایی بر ایشان نماز

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 295. وقائع الشهور: ص55.

2. کافی: ج1، ص 296، ج8 ص147. بحارالانوار: ج 22، ص 465-461.

3. کافی: ج1، ص 282-281. بحارالانوار: ج 22، ص 481. مجمع النورین: ص94، 349.

خواندند. (1) مردم به جز اصحاب سقیفه در مسجد جمع شده بودند و در فکر نماز بر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و دفن حضرت بودند. امیرالمؤمنین آمدند و فرمودند: «رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم امام ما است در زمان حیات و پس از وفاتش»، کنایه از اینکه برای نماز بر بدن آن بزرگوار نماز به صورت جماعت نمی خوانیم. در این هنگام مردم دسته دسته داخل می شدند و بدون امام آیه (إِنَّ اللهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَى النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلیما) (2) را سه بار می گفتند و بیرون می آمدند.

### دفن بدن مبارک صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

بعد حضرت مولی الموحدین عليه‌السلام فرمودند: خداوند در هر مکانی که روح پیامبرش را قبض می کند راضی است که در همان مکان دفن شود، و من آن حضرت را در حجره ای که از دنیا رفته دفن می کنم. و آن حجره، حجره حضرت زهرا عليه‌السلام بود؛ که دلیل بر این مطلب زیاد است. (3)

امیرالمؤمنین عليه‌السلام با کمک دیگران قبری حفر کردند و بدن حضرت را داخل قبر قرار دادند. سپس آن حضرت داخل قبر رفت و صورت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را باز کرد و گونه راست را بر زمین گذاشته در لحد را بستند و خاک روی آن ریختند. (4)

### خلاصه ای از زندگی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

آن حضرت دو ماه - و بنابر نقلی در حمل بودند که پدر بزرگوارشان جناب عبداللَّه بن عبدالمطلب از دنیا رحلت فرمود. 4 یا 7 و یا 8 ساله بودند که

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کتاب سلیم بن قیس رحمه‌الله: ج2 ص571، 578. فقه الرضا عليه‌السلام: ص189. ارشاد: ج1 ص189-187. اعلام الوری: ج1 ص270. بحار الانوار: ج22 ص517، 518، 529. کفایة الاثر: ص125. ینابیع النودة: ج2 ص339. غایة المرام: ج2 ص240.

2. سوره احزاب: آیه 56.

3. به کتاب اَین دفن النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مراجعه شود.

4. ارشاد: ج 1، ص 188. اعلام الموری: ج1 ص270. قصص النبیاء راوندی: ص357. بحار الانوار: ج22 ص518، 529. ینابیع المودة: ج2 ص339.

مادرشان آمنه بنت وهب در ابواء رحلت فرمود. 8 سال و دو ماه و ده روز از سن شریفش گذشته بود که جد بزرگوارش جناب عبدالمطلب عليه‌السلام از دنیا رحلت فرمود.

25 ساله بودند که با جناب خدیجه کبری عليه‌السلام ازدواج کردند و حضرت خدیجه عليها‌السلام 40 ساله بودند.

30 سال از سن مبارک آن حضرت گذشته بود که حضرت امیر المؤمنین عليه‌السلام متولد شدند. در 40 سالگی خداوند آن حضرت را به نبوت مبعوث فرمود. در 45 سالگی به معراج تشریف بردند و در سال پنجم از بعثت، حضرت فاطمه زهرا عليها‌السلام متولد شدند.

50 سال از عمر مبارکشان گذشته بود که جناب ابوطالب و خدیجه کبری عليها‌السلام از دنیا رحلت نمودند.

52 سال و یازده ماه و سیزده روز از سن مبارکشان گذشته بود که به مدینه منوره هجرت فرمودند. بعد از هجرت تقریباً ده سال در مدینه شرف حضور داشتند، تا آنکه در 28 صفر سال 11 ه مسموماً از دنیا رحلت فرمودند. (1)

هنگام رحلت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حضرت زهرا عليها‌السلام بسیار می گریست. حضرت او را نزد خود فرا خواند و مطلبی فرمود که حزن و اندوه فاطمه عليها‌السلام فرو نشست. وقتی علت را سؤال کردند آن حضرت فرمود: «پدرم به من خبر داد که اولین نفر از اهل بیتش که به او ملحق می شود منم و مدت این فراق طولانی نیست». (2)

### 2. آغاز امامت امیر المؤمنین عليه‌السلام

اولین روز امامت حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عليه‌السلام است، و زیارت آن حضرت در این روز مستحب است. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج1 ص226-222. اعلام الوری: ج1 ص53-52. کشف الغمة: ج1 ص16. منتخب التواریخ: ص 36 تا 46.

2. ارشاد: ج 1، ص 187. امالی صدوق: ص692. دلائل الامامة: ص131. شرح الاخبار: ج3 ص40. بحار الانوار: ج22 ص470، 553، ج43 ص51، 207. صحیح بخاری: ج4 ص183، 210. صحیح مسلم: ج7 ص143. مسند احمد: ج6 ص282. طبقات الکبری: ج8 ص27.

3. بحار الانوار: ج 97، ص 384. تحفة الزائر: ص142.

### 3. آغاز غصب خلافت

اولین روز غصب ظالمانه خلافت و خانه نشین کردن امیر المؤمنین عليه‌السلام و شکستن بیعت روز عید غدیر توسّط اهل سقیفه بنی ساعده است. (1)

### 4. اجباری مردم بر بیعت کردن (2)

### 5. شهادت امام حسن مجتبی عليه‌السلام

در این روز در سال 50 ه امام حسن مجتبی عليه‌السلام به شهادت رسید. (3) بنابر قولی شهادت آن حضرت در 7 صفر و بنابر قولی در آخر سفر و بنابر قولی دیگر در 5 ربیع الاول واقع شده است. (5)

جعده دختر اشعث بن قیس با زهری که معاویه برای او فرستاده بود آن حضرت را مسموم کرد. معاویه همراه با زهر صد هزار درهم فرستاد و وعده کرد که او را به عقد یزید درآورد؛ ولی به وعده خود وفا نکرد. (6)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الهجوم علی بیت فاطمة عليه‌السلام: ص84. خصال: ص385. اختیارات: ص22. تتمه المننهی: ص 9. تاریخ طبری: ج2 ص442. اسد الغابة: ج3 ص219.

2. کتاب سلیم بن قیس هلالی: ج2 ص572. بحارالانوار: ج 28، ص 204، 286-285. الهجوم علی بیت فاطمة عليه‌السلام: ص83. احتجاج: ج1 ص105. بیت الاحزان: ص79. مجمع النورین: ص80. شرح نهج البلاغة: ج1 ص218. تاریخ یعقوبی» ج2 ص124.

3. مسار الشیعه: ص 27. مصباح المجتهد: ص790. اعلام الوری: ج 1، ص 403. بحارالانوار: ج95 ص200، ج97 ص210. فیض العلام: ص 199. منتهی الامال: ج 1، ص 231. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 296. العدد القویة: ص350. تاج الموالید: ص26. کشف الغمة: ج1 ص516.

4. کافی: ج 1، ص 461. کفایة الاثر: ص229. روضة الواعظین: ج1 ص168. بحار الانوار: ج44 ص139، 140، ج97 ص210.

5. بحار الانوار: ج44 ص161. کشف الغمة: ج1 ص584. شرح احقاق الحق: ج26 ص576، ج33 542. تاریخ دمشق: ج13 ص302. تاریخ الخلفاء: ص192. مستدرک حاکم: ج3 ص173.

6. کافی: ج2 ص418. ارشاد: ج2 ص15. بحار الانوار: ج 44، ص 149، 158. الغدیر: ج11 ص11. کشف الغمة: ج1 ص584. العدد القویه: ص 351. تاج الموالید: ص27. تاریخ الخلفاء: ص192.

### مسمومیت حضرت

مسمومیت حضرت امام حسن عليه‌السلام چهل روز طول کشید. پس از ظهور اثرات سم بر بدن مبارک و فرا رسیدن وقت شهادت، به سیّد الشّهداء عليه‌السلام فرمودند: «مرا مسموم کرده اند و پاره های جگرم داخل طشت است. من از شما جدا می شوم و به خداوند ملحق می گردم، و می دانم چه کسی مرا مسموم کرده است، ولی به حقی که بر شما دارم در این باره حرفی نزنید. وقتی من از دنیا رفتم چشمانم را ببند و غسلم بده و کفنم نما و مرا کنار قبر جدم پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ببر تا با او تجدید عهد کنم. سپس مرا در بقیع کنار جده ام فاطمه بنت اسد سلام اللَّه علیها دفن کنید. می دانم مخالفین و معاندین گمان می کنند شما می خواهید مرا کنار پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دفن کنید و مانع شما می شوند. شما را به خدا قسم می دهم که مبادا به خاطر من حتّی به اندازه خون حجامت ریخته شود». سپس آن حضرت مثل آنچه امیر المؤمنین عليه‌السلام وصیت فرموده بود به اولاد و اهل خود وصیت نمود و از دنیا رفت.

### تشییع جنازه حضرت

امام حسین عليه‌السلام بعد از غسل و کفن و نماز، آن حضرت را به طرف مرقد شریف پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حمل کردند. با دیدن این منظره برای مروان و بقیه بنی امیّه که با سلاح و به همراهی عایشه آمده بودند شکی باقی نماند که می خواهند آن حضرت را در کنار پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دفن نمایند.

لذا آمدند و مانع شدند و عایشه در حالی که سوار درازگوشی بود گفت: «مرا با شما چه کار است که می خواهید کسی را که من او را دوست ندارم در خانه من دفن کنید». مروان ملعون هم نظیر این مطالب را گفت، و ابن عباس به او و عایشه جواب داد. فرزندان عثمان هم مانع شدند و گغتند: «هرگز نمی شود که عثمان در بدترین مکانها دفن

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. دلائل الامامة: ص162. بحار الانوار: ج44 ص158. ارشاد: ج2 ص15. تتمة المنتهی: ص41. کشف الغمة: ج1 ص583. تاج الموالید: ص26. ینابیع المودة: ج2 ص427. تاریخ دمشق: ج13 ص283.

شود و حسن با رسول خدا به خاک سپرده شود». (1)

امام حسین عليه‌السلام فرمود: به خداوندی که مکه و حرم را محترم گردانیده، حسن عليه‌السلام فرزند علی و فاطمه عليهما‌السلام سزاوارتر است بر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از کسانی که بدون اجازه داخل خانه او شده اند. بخدا قسم او سزاوارتر است از حمال خطاها عثمان، که ابوذر را از مدینه بیرون کرد. (2)

عایشه جلو قبر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم رفت و گفت: «تا یک مو در سر من است نخواهم گذاشت او را در این خانه دفن کنید!» (3) و از کسانی که با او بودند درخواست تیر و کمان کرد و به طرف جنازه مطهر امام مجتبی عليه‌السلام پرتاب نمود: گفت: پسر دشمنم را از خانه من بیرون کنید! (4) سپس دیگران را امر به پرتاب کرد. (5) در اینجا بنی مروان جنازه آن حضرت را تیر باران کردند. بنی هاشم دست به شمشیر بردند، ولی امام حسین عليه‌السلام مانع شده فرمودند: «وصیت برادرم نباید ضایع شود». سپس 70 تیر از جنازه آن حضرت بیرون کشیدند! (6) و این در حالی بود که امام مجتبی عليه‌السلام به امام حسین عليه‌السلام خبر داده بودند که عایشه بعد از شهادت ایشان چه جنایتی را مرتکب می شود. (7)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ارشاد: ج2 ص17. بحار الانوار: ج44 ص154. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص50. امالی طوسی: ص161-160. الخرائج و الجرائح: ج1 ص242. کشف الغمة: ج1 ص586. روضة الواعظین: ص167.

2. امالی طوسی: ص161-160. بحار الانوار: ج44 ص152. مدینة المعاجز: ج3 ص378. بشارة المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص419. کلمات الامام الحسین عليه‌السلام: ص220. مواقف الشیعة: ج1 ص372.

3. عیون المعجزات: ص58. بحار الانوار: ج44 ص141. مدینة المعاجز: ج3 ص373. کلمات الامام الحسین عليه‌السلام: ص228.

4. کامل بهائی: ج2 ص269. اسرار الامامة: ص391. الوقائع و الحوادث: ج1 ص239.

5. تحفة الابرار فی مناقب الائمة الاطهار عليهم‌السلام: ص257. شرح احقاق الحق: ج33 ص544. مصائب رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص22.

6. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص50. مزار بن مشهدی: ص298. بحار الانوار: ج44 ص157، ج99 ص167. الصوارم المهرفة: ص162. انوار البهیة: ص93. شرح احقاق الحق: ج33 ص544. منتهی الآمال: ج1 ص235. وفیات الائمة عليهم‌السلام: ص449.

7. کافی: ج1 ص300، 302. مجمع البحرین: ج1 ص454. بحار الانوار: ج44 ص142. وسائل الشیعة: ج3 ص163، 164.

پس از آن حضرت سیّد الشّهداء عليه‌السلام کلماتی فرمودند که اگر وصیت برادرم نبود می دانستید که شمشیرهای الهی در کجا و چگونه بر شما فرود می آمد. سپس بدن مطهر آن حضرت را به بقیع آوردند و در کنار جده اش فاطمه بنت اسد عليها‌السلام دفن نمودند.

امام حضرت مجتبی عليه‌السلام دارای 15 فرزند دختر و پسر بودند، ولی از جعده هیچ فرزندی نداشتند.

آخر صفر

### 1. شهادت امام رضا عليه‌السلام

حضرت ثامن الحجج مولانا علی بن موسی الرضا عليه‌السلام در سال 203 ه بنابر اصح (3) دو سال پس از وفات حضرت معصومه عليها‌السلام به شهادت رسیدند. سن مبارک حضرت 49 یا 51 یا 55 سال بوده است. (4) بنابر نقلی در 27 صفر حضرت امام رضا عليه‌السلام به شهادت رسیده اند، (5) ولی مشهور آخر ماه صفر است. در 28 صفر مأمون انگور مسموم یا آب انار زهرآلود را به اجبار به حضرت امام رضا عليه‌السلام خورانید.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ارشاد: ج 2، ص 19-17. بحار الانوار: ج 44، ص 157-156. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص50. روضة الواعظین: ص168.

2. ارشاد: ج 2، ص 20. تاج الموالید: ص27.

3. کافی: ج 1، ص 486. بحار الانوار: ج 49، ص 292، ج99 ص43. اعلام الوری: ج2 ص41. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 295. منتخب التواریخ: ص 578 فیض العلام: ص 200. شرح احقاق الحق: ج12 ص347، ج28 ص596. تاریخ طبری: ج7 ص150. تاریخ خلیفة بن خیاط: ص387.

4. کشف الغمه: ج 2، ص 267. بحار الانوار: ج 49، ص 292، 293.

5. تاج الموالید: ص 50. شرح الاخبار: ج3 ص343.

6. ارشاد: ج 2، ص 270. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 295. جلاء العیون: ص 551. بحار الانوار: ج 49، ص 298. مروج الذهب: ج 4ص 28.

### آزارهای مأمون نسبت به حضرت

مأمون از آزار و جسارت نسبت به حضرت کوتاهی نکرد، و حتّی حضرت را سه ماه در سرخس مقیداً زندانی کرد. (1)

پس از ولایتعهدی، ابتدای گرفتاری آن حضرت به خاطر معاشرت با مأموران منافق ملعون بود. او به حسب ظاهر در تعظیم و احترام حضرت می کوشید، اما در باطن با آزار و اذیت حجت خدا را به مرگ خویش راضی نموده بود.

یاسر خادم می گوید: هر جمعه که آن حضرت از مسجد جامع مراجعت می کرد، با بدنی عرق دار و غبار آلود دستها را به درگاه الهی بر می داشت و می فرمود: «بار الها اگر فرج و گشایش کار من در مرگ من است، مرگ مرا برسان». آن حضرت پیوسته در غم و حزن بود تا در غربت رحلت فرمود. (2)

مأمون پس از آنکه یک شبانه روز امر شهادت آن حضرت را کتمان کرد سراغ محمد پسر امام صادق عليه‌السلام و جماعتی از آل ابوطالب فرستاد تا سلامت بدن امام را ببینند، و پس از آن شروع به گریه و زاری نمود!! (3)

### دفن بدن مبارک حضرت

پس از غسل و کفن و نماز بر بدن شریف حضرت که توسط امام جواد عليه‌السلام انجام شد (4) آن حضرت را جلوی قبر هارون در خانه حمید بن قحطبه، مکان فعلی دفن

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج1 ص197. بحار الانوار: ج49 ص91، 170. وسائل الشیعة: ج4 ص98. منتخب التواریخ: ص580.

2. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج1 ص18. بحار الانوار: ج49 ص140. وسائل الشیعة: ج2 ص450. فیض العلام: ص 97. تتمه المنتهی: ص 280.

3. ارشاد: ج 2، ص 271. بحار الانوار: ج49 ص309. روضة الواعظین: ص233. کشف الغمة: ج2 ص282.

4. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج1 ص273، 276. املی صدوق: ص761. دلائل الامامة: ص352. عیون المعجزات: ص102. هدایة الکبری: ص283. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص404. ارشاد: ج2 ص271. بحار الانوار: ج49 ص249، 301. مدینة المعاجز: ج7 ص161.

کردند. (1) بنابر بعضی روایات مأمون از ترس فتنه مردم دستور به دفن شبانه حضرت داد. (2)

مدّت امامت آن حضرت 20 سال بود. (3) سن شریف امام جواد عليه‌السلام هنگام شهادت امام رضا عليه‌السلام 7 سال و چند ماه بود. (4)

اقوال شهادت آن حضرت عبارتند از: اول ماه رمضان (5)، 21 ماه رمضان (6)، 23 ماه رمضان (7)، 24 ماه رمضان (8)، 14 صفر (9)، 17 صفر (10)، شش روز مانده از صفر (23 یا 24) (11)، 27 صفر (12)، 18 جمادی الاولی (13)، و 23 ذی القعده. (14) بزرگان شیعه در کتب مختلف ماه شهادت را صفر و روز آن را اکثراً آخر صفر ذکر کرده اند، ولی 29 یا 30 روز بودن ماه صفر در سال شهادت را ذکر ننموده اند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج1 ص219، ج2 ص28. ارشاد: ج2 ص271. تاج المولید: ص51. بحار الانوار: ج49 ص11، 131، 284، 304. فیض العلام ص99.

2. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج1 ص270. بحار الانوار: ج49 ص299، 300. مستدرک الوسائل: ج2 ص306. فیض العلام: ص99.

3. ارشاد: ج2 ص247. بحار الانوار: ج49 ص4. تاج الموالید: ص49. کشف الغمة: ج2 ص270، 297.

4. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج2 ص28. بحار الانوار: ج49 ص222، 304، 309. ارشاد: ج2 ص271. تاج الموالید: ص51.

5. العدد القویة: ص276. بحار الانوار: ج49 ص239، ج95 ص198.

6. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج2 ص28، 274. بحار الانوار: ج49 ص131، 303. منتخب التواریخ: ص577. شرح احقاق الحق: ج28 ص594. سیر اعلام النبلاء: ج9 ص393.

7. کشف الغمة: ج2 ص297. العدد القویة: ص276. بحار النوار: ج49 ص3، 293. اعلام الوری: ج2 ص41.

8. بحار الانوار: ج99 ص43.

9. العدد القویة: ص276. منتهی الامال: ج 2، ص 312.

10. مصباح کفعمی: ج2 ص596. بحار النوار: ج49 ص293، ج99 ص43. اختیارات: ص34.

11. تاریخ قم: ص199.

12. تاج الموالید: ص50. شرح الاخبار: ج3 ص343.

13. رجال النجاشی: ص100. خاتمه المستدرک: ج1 ص222. تهذیب المقال: ص532. معجم الرجال الحدیث: ج2 ص139.

14. منتخب التواریخ: ص577. العدد القویة: ص275. مسار الشیعة: ص16. بحار الانوار: ج49 ص293، ج95 ص1198. تقویم المحسنین: ص13.

3 ربیع الاوّل

ماه ربیع الاول سرور و حزن را با هم در خود جای داده است. روزهای 1، 3، 4، 5، 8، 9، 10، 12، 14، 16، 17، 19، 22، 23، 25 این ماه ایام پر خاطره ای از شادی و اندوه اهل بیت عليهم‌السلام است، که ذیلاً به تفصیل آنها می پردازیم.

خبرهای خوشی همچون ولادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، لیله المبیت و هجرت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، ورود حضرت به مدینه آغاز امامت امیر المؤمنین عليه‌السلام پس از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ولادت امام جعفر صادق عليه‌السلام، آغاز امامت حضرت ولی عصر عليه‌السلام پس از شهادت امام حسن عسکری عليه‌السلام، روزهای بیاد ماندنی این ماه است. ازدواج پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم با حضرت خدیجه عليها‌السلام، و ورود حضرت معصومه عليها‌السلام به قم روزهای دیگری است که خاطره های خوشی را بر جای گذاشته است. مرگ عمر بن خطاب و یزید بن معاویه و عمر بن سعد برگهای دیگری از دفتر شادی اهل بیت عليهم‌السلام در این ماه است.

آغاز وجوب نماز، عمود دین اسلام روز دیگری است که هیچگاه فراموش نخواهد شد.

از سوی دیگر واقعه وحشتناکی در این ماه رخ داده که سر آغاز همه مصائب اهل بیت عليهم‌السلام است، و آن هجوم به خانه وحی پس از دفن بدن مطهر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم است. اولین روز خلافت غاصبانه معاویه، ورود اهل بیت امام حسین عليه‌السلام به شام تخریب کعبه توسط یزید، نیز از آثار شوم سقیفه است که در این ماه رخ داده است. شهادت امام عسکری عليه‌السلام، وفات حضرت سکینه عليها‌السلام نیز از حوادث این ماه است.

از جنگهای پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم جنگ بنی النضیر و جنگ دومه الجندل در این ماه بوده است. همچنین صلح امام حسن عليه‌السلام در این ماه اتفاق افتاده است.

مرگ موسی خلیفه عباسی، معتصم عباسی، داود بن علی حاکم ظالم مدینه، مالک بن انس و احمد بن حنبل نیز در این ماه به وقوع پیوسته است.

1 ربیع الاول

### 1. دفن بدن مطهر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

در نیمه شب اول ربیع الاول بدن مطهر خاتم الانبیاء و المرسلین صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عليه‌السلام دفن فرمودند. (1)

مصیبت و فاجعه رحلت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از یک طرف و بی احترامی به آن حضرت و توجه نداشتن مردم به غسل و کفن و دفن حضرت از طرف دیگر، داغ هایی بود که بر دل مبارک امیر المؤمنین عليه‌السلام سنگینی می کرد. (2) چنانکه با یاد تلخ آن روزها فرموده اند: «آیا بدن شریف پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را رها می کردم و او را دفن ننموده برای خلافت و سلطنت بعد از او نزاع می کردم»؟ (3)

شیخ مفید می فرماید: «اکثر مردم در دفن پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حاضر نشدند، و نماز بر آن حضرت نخواندند، چه اینکه بین انصار و مهاجرین مشاجره در امر خلافت بود. (4) اعمش می گوید: پیامبرشان از دنیا رفت و مردم هم و غمی نداشتند جز آنکه عده ای بگویند: «امیر از ماست» و طایفه دیگری بگویند: «امیر از ماست». (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. تقریب المعارف: ص251. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج1 ص227. کشف المحجة: ص125. مستدرک الوسائل: ج2 ص486. بحار الانوار: ج22 ص521، 543، ج30 ص386. بیت الاحزان: ص76. الغدیر: ج7 ص75. التنبیه و الاشراف: ص245. شرح نهج البلاغة: ج13 ص35. سبل الهدی و الرشاد: ج10 ص482. تاریخ طبری: ج2 ص450. طبقات الکبری: ج2 ص305-304. السیره النبویه (ابن کثیر): ج 4، ص 540. البدایة و النهایة: ج5 ص292. مختصر تاریخ دمشق: ج1 ص388. حاشیة الدسوقی: ج1 ص415. الکامل (ابن اثیر): ج2 ص332.

2. خصال: ص 372. اختصاص: ص171. ارشاد القلوب: ج2 ص349. بحار الانوار: ج28 ص207، ج38 ص173.

3. احتجاج: ج1 ص96. بحار الانوار: ج28 ص355. الغدیر: ج5 ص372، ج7 ص81. الهجوم علی بیت فاطمة عليهم‌السلام: ص120. بیت الاحزان: ص82. الامامة و السیاسة: ج1 ص30.

4. ارشاد مفید: ج1 ص189. بحار الانوار: ج22 ص519. بیت الاحزان: ص76.

5. تقریب المعارف: ص256. بحار الانوار: ج30 ص290. الهجوم علی بیت فاطمة عليهم‌السلام: ص 72.

هنگام رحلت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مغیره خطاب به ابوبکر و عمر گفت: اگر بعداً با مردم کاری دارید آنها را دریابید. (1) لذا ابوبکر و عمر هنگام دفن پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حاضر نبودند، بلکه میان دیگران بودند که در سقیفه برای خود امیر انتخاب می کردند، و قبل از آنکه کنار بدن حضرت حاضر شوند، بدن مطهر دفن شد. (2)

عبداللَّه بن حسن می گوید: به خدا قسم ابوبکر و عمر بر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نماز نخواندند، و سه روز بدن مبارک آن حضرت دفن نشد، ولی با این همه اهل سقیفه مشغول کار خود بودند. (3)

حضرت باقر عليه‌السلام می فرمایند: مردم روز دوشنبه و شب سه شنبه را بر بدن آن حضرت نماز می خواندند، و عموم مردم حتّی خواص و نزدیکان حضرت بر بدن مبارک نماز خواندند، اما هیچیک از اهل سقیفه بر غسل و کفن و دفن حضرت حاضر نشدند. امیر المؤمنین عليه‌السلام بریده اسلمی را برای خبر دادن نزد آنان فرستاد، ولی اعتنائی نکردند و بعد از دفن آن حضرت بیعت آنان هم تمام شد. (4)

عایشه در این باره رقراری دارد که جالب توجه است. (5) او گفته است: «بخدا قسم ما از دفن پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم با خبر نشدیم تا اینکه صدای بیل و کلنگ را در شب چهارشنبه از حجره

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الهجوم علی بیت فاطمة عليهم‌السلام: ص69. البدء و التاریخ: ج5 ص65.

2. الهجوم علی بیت فاطمة عليهم‌السلام: ص69. المصنف (ابن ابی شیبة): ج8 ص572. جامع الاحادیث (سیوطی): ج13 ص267. کنز العمال: ج5 ص652.

3. تقریب المعارف: ص251. بحار الانوار: ج30 ص386. الهجوم علی بیت فاطمة عليهم‌السلام: ص68.

4. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج1 ص297. بحار الانوار: ج22 ص525-524، 518. الهجوم علی بیت فاطمة عليهم‌السلام: ص67. مستدر ک الوسائل: ج2 ص263. اعلام الوری: ج1 ص270. انوار البهیة: ص48.

5. الهجوم علی بیت فاطمة عليهم‌السلام: ص72. سنن بیهقی: ج3 ص409. تاریخ الاسلام (ذهبی): ج1 ص582. السیرة النبویة: (ابن کثیر): ج4 ص538. مسند احمد: ج6 ص62، 242، 274. تاریخ طبری: ج2 ص452. سیرة النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم (ابن هشام): ج4 ص1078. المنصف (ابن ابی شیبة): ج3ص227. تنویر الحوالک: ص240. نیل الاوطار: ج4 ص137. مسند ابن راهویه: ج2 ص430. شرح نهج البلاغة: ج13 ص39. البدایة والنهایة: ج5 ص291. التمهید (ابن عبد البر): ج23 ص396. شرح رزقانی: ج2 ص93. شرح معانی الآثار: ج1 ص5144. اسد الغابة: ج1 ص34.

آن حضرت شنیدیم»، یعنی بعد از دفن متوجه شدیم.

باید از اینان که بر سر غصب خلافت همه چیز را فراموش کرده بودند پرسید: آیا سقیفه در حضور پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و به سفارش حضرت بود یا غدیر؟

آیا برای تشکیل شورای سقیفه دستوری از طرف خداوند آمده بود یا در باره غدیر؟

آیا در سقیفه از اکثر بلاد مسلمین حضور داشتند یا در غدیر؟

آیا در سقیفه همه مردم حاضر بودند یا در غدیر که حتّی زنها هم بیعت کردند؟

### 2. لیله المبیت

شب اول این ماه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از شر کفار از مکه به مدینه هجرت کردند. در آن شب آقا و مولایمان امیر المؤمنین عليه‌السلام جان نثاری فرموده به جای رسول گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در بستر ایشان خوابیدند (1)، چه اینکه کفار قریش قصد کشتن حضرتش را داشتند. به این مناسبت آیه: (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ...): (2) «از مردم کسی هست که جان خویش را در راه رضایت خداوند می فروشد و خدا بر بندگان مهربان است» در شأن علی بن ابی طالب عليه‌السلام نازل شد. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج8 ص339. مسار الشیعة: ص27. مصباح المجتهد: ص732. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص8. فیض العلام: ص201. زاد العماد: ص332. بحار الانوار: ج19 ص115، ج97 ص168. مصباح کفعمی: ج2 ص596. مختصر بصائر الدرجات: ص129. اقبال الاعمال: ج3 ص106. تقویم المحسنین: ص15. اختیارات: ص34.

2. سوره بقره: آیه 207.

3. ارشاد: ج1 ص53. امالی طوسی: ص252، 449-446. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج2 ص78-68. الثاقب فی المناقب: ص146. العمدة: ص237. کنز الفوائد: ص207. شرح الاخبار: ج2 ص345. الفضائل: ص137. الجواهر السنیة: ص308. حلیة الابرار: ج1 ص136، ج2 ص103. الطرائف: ص36. اقبال الاعمال: ج3 ص109. بحار الانوار: ج19 ص28، ج31 ص380، ج36 ص40، ص38 ص289. الغدیر: ج2 ص47. شرح احقاق الحق: ج3، 14، 20، 22،30. الصحیح من سیرة: ج4 ص33. شرح نهج البلاغة: ج13 ص262. شواهد التنزیل: ج1 ص123. تاریخ دمشق: ج42 ص67. اسد الغابة: ج4 ص25. مستدرک حاکم: ج3 ص4. جواهر المطالب: ج1 ص217. ینابیع المودة: ج1 ص273. تفسیر کبیر: ج5 ص204. و مراجعه شود به تفاسیری که سبب نزول این آیه شریفه را ذکر کرده اند.

غزالی در کتابش (1) آورده است: در شبی که امیر المؤمنین عليه‌السلام به جای پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم خوابید به جبرئیل و میکائیل خطاب رسید که من بین شما دو نفر برادری قرار دادم و عمر یکی از شما را بیش از دیگری قرار دادم. کدامیک از شما ایثار می کند که عمر طولانی از آن دیگری باشد؟ هر دو عمر طولانی را اختیار کردند.

خطاب آمد: «به زمین نگاه نید و ببینید که چگونه علی عليه‌السلام حیات خود را به برادرش پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ایثار نموده و به جای او خوابیده و جان خود را فدای او نموده است. به زمین بروید و او را از دشمنان حفظ کنید». آنان آمدند و جبرئیل بالای سر امیر ال مؤمنین علیع السّلام و میکائیل سمت پاهای آن حضرت نشست و ندا کرد: «بخ بخ من مثلک یابن ابی طالب، خداوند در جمع ملائکه به تو مباهات فرمود». (2) اینجا بود که آیه شریفه «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات اللَّه» نازل شد.

### 3. هجرت صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 13 سال پس از بعثت به مدینه طیّبه هجرت فرمود. (3)

### 4. ابتدای وضع تاریخ هجری قمری

اولین کسی که دستور تاریخ هجری قمری را داد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بود. در زمان حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عليه‌السلام آن را به تفصیل بیان نمود و تقویم هجری

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. احیاء العلوم: کتاب هفتم، در بحث ایثار نفس.

2. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج2 ص77. الجواهر السینة: ص308. المحتضر: ص40. بحار الانوار: ج19 ص39، 64، 85، 86، ج36 ص41، 43. الصراط المستقیم: ج1 ص174. مدینة المعاجز: ج1 ص463. غایة المرام: ج4 ص17، 18، 20. الغدیر: ج2 ص48. شرح احقاق الحق: ج22 ص31، 443 -437، 569 -502. الصحیح من السیرة: ج4 ص33. العمدة: ص240. الفظائل (قمی): ص94. تاریخ یعقوبی: ج2 ص38. اسد الغابة: ج4 ص24. تذکرة الخواص: ص40. ینابیع المودة: ج1 ص274. کفایة الطالب: ص239. جواهر المطالب: ج1 ص217. شواهد التنزیل: ج1 ص123. خصائص الوحی المبین: ص130.

3. همان.

قمری اسلامی از هجرت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم قرار داده شد و نسبت وضع تاریخ هجری قمری به دیگران اشتباه است. (1)

### 5. هجوم به خانه وحی

در این روز اولین هجوم به خانه امیر المؤمنین عليه‌السلام صورت گرفت. هنگامی که امیر المؤمنین عليه‌السلام متوجه غسل و کفن و دفن پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شد و غاصبین خلافت در سقیفه بودند، در شب چهارشنبه که اول ربیع الاول بود بدن مبارک آن حضرت را دفن فرمود و طبق وصیت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم متوجه جمع آوری قرآن شد. (2) آن حضرت فرموده بودند: «علی جان، تا سه روز از خانه خارج مشو و قرآن را جمع آوری کن...». (3)

در این ایام، سه بار به منزل آن حضرت هجوم آوردند: بار اول در روز اول ربیع بود که برای بیعت آمدند و آن حضرت فرمود که قسم یاد کرده ام که تا جمع قرآن تمام نشود از خانه بیرون نیایم و آنان بازگشتند. پس از آن امیر المؤمنین شبها صدیقه طاهره و حسنین عليهم‌السلام را بر در منازل اصحاب می بردند و طلب یاری می نمودند. (4)

بار دوم (5) هفت روز بعد از دفن پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بود که زبیر و عده ای دیگر در منزل امیر المؤمنین عليه‌السلام جمع شده بودند. آن روز زبیر شمشیر کشید تا عمر را بکشد ولی به

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. برای روشن شدن این موضوع به کتب زیر مراجعه شود: بحار الانوار: ج 55، ص 351-350. الصحیح من السیرة: ج4 ص206-174. اقبال الاعمال: ج3 ص22. صبح الاعشی: ج6 ص240. تاریخ العلوم عند العرب: ص432. تاریخ طبری: ج2 ص112-110.

2. بحار الانوار: ج28 ص191، 204، 231، 264، 356، ج39 ص419، ج40 ص155. الغدیر: ج5 ص372. الامامة و السیاسیة: ج1 ص30.

3. تفسیر فرات: ص 398. در روایتی دیگر (خظبة الوسیلة) در کافی: ج8 ص18، و توحید صدوق: ص 73، هفت روز، و در امالی صدوق: ص399، نُه روز امیر المؤمنین عليه‌السلام مشغول جمع آوری قرآن بودند.

4. کتاب سلیم رحمه‌الله: ص 128 (ج2 ص665). احتجاج: ج1 ص 95،281. بحار الانوار: ج28 ص191، ج39 ص419.

5. احتجاج: ج1 ص95، 111. الجمل شیخ مفید: ص57. الطرائف: ص238. بحار الانوار: ج28 ص184، 315، 321. الغدیر: ج7 ص86. السقیفة و فدک (جوهری): ص53، 73. تاریخ طبری: ج2 ص444-443. شرح نهج البلاغة: ج2 ص56، ج6 ص48.

امر عمر شمشیر را گرفته شکستند.

بار سوم به منزل حضرت هجوم آوردند، و پس از آتش زدن در منزل و ضرب و جرح صدیقه طاهره عليها‌السلام و کشتن حضرت محسن عليه‌السلام، امیر المؤمنین عليه‌السلام را با دست بسته بیرون بردند.

### 5. مسمومیت امام عسکری عليه‌السلام

امام حسن عسکری عليه‌السلام در اثر زهر مسموم شد و بیماری حضرت آغاز گردید. (2) بنابرقولی شهادت امام حسن عسکری عليه‌السلام در سال 260 ه در چنین روزی بوده است، (3) و به قولی دیگر در چهارم ربیع الاول (4) و به قولی دیگر در هشتم ربیع الاول بوده است.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کتاب سلیم رحمه‌الله: ص82-249. الهجوم علی بیت فاطمة عليها‌السلام. مأساة الزهراء عليها‌السلام. بصائر الدرجات: ص295. تقریب المعارف: ص233. اختصاص: ص11، 186، 275. احتجاج: ج1 ص109. ایضاح: ص367. المستر شد: ص380-377. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج2 ص281. بحار الانوار: ج28 ص220، 227، 229، 261، 268، 270، 283، 300، 314، 317، 322، 368، 393، ج29 ص621، 631، ج30، ص293، ج33 ص59، ج43 ص198، ج53 ص19. الشافی فی الامامة: ج3 ص241. غایة المرام: ج5 ص317، 326، 327، 335، 338. نهج البلاغي: کتاب 28. مؤتمر علماء بغداد: ص181. نهج الایمان: ص492. کامل بهائی: ج1 ص305. الهدایة الکبری: ص187، 407. المحتضر: ص44، 61، 109. الکوکب الدری: ج1 ص194. بیت الاحزان: ص110، 115. الغدیر: ج5 ص369، ج7 ص77-86. شرح نهج البلاغة: ج2 ص50، 57، 60، ج6 ص45، 47، 49، ج15 ص183. الجمل: ص117. السقیفة و فدک: ص71، 74. انساب الاشراف: ص278. جواهر المطالب: ج1 ص357، 374. کامل بن اثیر: ج2 ص326. تاریخ طبری: ج2 ص443، 444. الامامة و السیاسیة: ج1 ص30.

2. ارشاد: ج2 ص336. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص455. روضة الواعظین: ص251. کشف الغمة: ج2 ص415. بحار الانوار: ج50 ص334-335. قلائد النحور: ج ربیع الاول ص 2. فیض العلام: ص201.

3. مصباح المتهجد: ص732. مصباح کفعمی: ج2 ص533. توضیح المقاصد: ص7. بحار الانوار: ج50 ص335. اختیارات: ص34. فیض العلام: ص201. قلائد النحور: ج ربیع الاول: ص2.

4. مسار الشیعه: ص 28-29. فیض العلام: ص 205.

3 ربیع الاول

### 1. احتجاج سلمان فارسی رحمه‌الله بر مردم

امام صادق عليه‌السلام از پدر بزرگوارشان نقل می فرماید:

سه روز بعد از دفن رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم سلمان خطاب به مردم گفت: آگاه باشید ای مردم، و گوش فرا دهید به کلام من، و سپس فکر کنید. بدانید که به من علم زیادی داده شده است. اگر من درباره تمام فضائلی که از علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین عليه‌السلام می دانم سخن بگویم عده ای خواهند گفت: او دیوانه است و عده ای دیگر میگویند: خدایا قاتل سلمان را ببخش!

... پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به او فرمود: تو وصی من هستی در اهل و خانواده ام و خلیفه و جانشین من هستی در امتم و مقام و منزلت تو نزد من به مانند حضرت هارون است نزد موسی عليه‌السلام. اما ای مردم! شما سنت بنی اسرائیل را پیشه کردید و اشتباه کردید و حق را نپذیرفتید.

... قسم به آن کسی که جان سلمان در دست اوست، اگر از علی بن ابی طالب عليه‌السلام پیروی کنید نعمت از زمین و آسمان فرود می آید که اگر پرنده در در آسمان صدا بزنید شما را اجابت می کند و اگر ماهی را در دریا بخوانید به شما گوش فرا می دهد و دو نفر با هم اختلاف نمی کنند...

مردم! آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم راهنمایان به بهشت هستند... مردم! بر شما باد به امیرالمؤمنین عليه‌السلام. به خدا قسم (پیش از امروز) ولایت او قبول نموده ایم، و بارها دسته جمعی در حضور پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و دستور و تاکید آن حضرت بر او به امارت مؤمنین سلام کردیم.

چرا مردم فضیلت او را می شناسند و به او حسد می ورزند؟ قابیل به هابیل حسد ورزید و او را کشت. قوم موسی مرتد شده از دستور موسی بن عمران برگشتند، و امر این امت مانند بنی اسرائیل است (که بار ها پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند).

شما را کجا می برند؟ وای بر شما من کجا و ابوفلان و فلان؟ آیا نمی دانید یا خود را به ندانستن می زنید؟ حسادت می کنید یا خود را به حسادت می زنید؟ به خدا قسم بر می گردید به حالت کفر و با شمشیر گردن یکدیگر را می زنید؟

سلمان در پایان سخنش فرمود: بدانید من عقیده خود را اظهار کردم و تسلیم فرامین پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شدم و از مولای خودم و هر مرد و زن مؤمنی علی بن ابی طالب عليه‌السلام تبعیت کردم. (1)

### 2. تخریب کعبه توسط یزید

در سال 64 ه به دستور یزید خانه کعبه را با منجنیق خراب کردند. (2) این فاجعه یازده روز قبل از هلاکت یزید به وقوع پیوست.

5 ربیع الاول

### 1. وفات حضرت سکینه عليه‌السلام

حضرت سکینه عليها‌السلام دختر امام حسین عليه‌السلام 56 سال پس از واقعه کربلا، در شب پنجم ربیع الاول سال 117 ه در مدینه وفات کرد. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. احتجاج: ج1 ص151. بحار الانوار: ج29 ص79. مواقف الشیعة: ج1 ص452. غایة المرام: ج2 ص120، ج6 ص179. اربعین ماحورزی: ص341.

2. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص215. شجرة طوبی: ج1 ص113. تتمة المنتهی: ص63. فیض العلام: ص203. تاریخ طبری: ج4 ص383، 446. تاریخ یعقوبی: ج2 ص252.

3. معالی السبطین: ج2 ص217. نفس المهموم: ص530. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص 26. فیض العلام: ص 206. مستدرک سفینه البحار: ج 4، ص 67. مستدکات علم رجال الحدیث: ج 8، ص 580. ریاحین الشریعه: ج 3، ص 280. السیدة سکینة (مقرّم): 112، از کواکب الدریة: ج1 ص58. منتخب التواریخ: ص244. قمقام زخار: ج2 ص660. اعلام النساء: ج2 ص224. تاریخ دمشق: ج69 ص218. وفیات الاعیان: ج2 ص396. تهذیب الاسماء: ج1 ص167. نور الابصار شبلنجی: ص160.

مادر ایشان حضرت رباب عليها‌السلام است که با هم در واقعه کربلا حضور داشتند، و همراه با اسرا به کوفه و شام رفتند.

آن حضرت فقط با پسر عموی خود جناب عبد الله گسر امام مجتبی عليه‌السلام ازدواج نمود و ادعاهای دیگر در این زمینه مردود است. لازم به یادآوری است که امام مجتبی عليه‌السلام چند پسر به نام عبدالله داشته که آخرین آنها در کربلا در قتلگاه به شهادت رسیده، و این عبدالله برادر اوست. (1)

در صبح روز رحلتش محمد بن عبداللَّه (نفس زکیه) چهار صد دینار عطر و عود خرید و پیرامون تابوت آن حضرت در مجمره ها سوزانید. خالد بن عبدالملک حاکم مدینه که در نظر داشت با به تعویق انداختن تشییع جنازه بر اثر گرمی هوا به بدن مطهر جسارت شود، گفت: «صبر کنید من برای نماز خواندن بر جنازه می آیم»، ولی نیامد. لذا جنازه مبارک آن حضرت تا شب دفن نشد. پس از آن حضرت سجاد عليه‌السلام و به قولی یحیی بن حسن عليه‌السلام و به قولی محمد بن عبداللَّه نفس زکیه بر جنازه آن حضرت نماز خواندند و آن حضرت را با احترام به خاک سپردند. (2)

8 ربیع الاول

### 1. شهادت امام عسکری عليه‌السلام

امام حسن عسکری عليه‌السلام در سال 260 ه در سن 28 سالگی به دست معتمد عباسی به شهادت رسید. (3) قول دیگر 13 محرم است. (4) معتمد به عباسیین سفارش می کرد که بر

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. العقیلة و الفواطم علیهن السلام: ص187-185.

2. فیض العلام: ص206-205. ریاحین الشریعة: ج3 ص282-280. انساب الاشراف: ص197.

3. کافی: ج1 ص503. کمال الدین: ص474. دلائل الامامة: ص424. ارشاد: ج2 ص336، 313. کشف الغمة: ج2 ص402. مستجاد: ص 226. اقبال الاعمال: ج3 ص 13. فیض العلام: ص 207. زاد المعاد: ص 336. مصباح کفعمی: ج 2، ص 523. بحار الانوار: ج 50، ص 334، ج95 356-355. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص455. تقویم المحسنین: ص16. روضة الواعظین: ص251. تاج الموالید: ص58.

4. تهذیب المقال: ج3 ص532. خاتمة المستدرک: ج1 ص222. معجم الرجال الحدیث:ج2 ص139.

آن حضرت تنگ بگیرند. او و معتز و مهتدی چندین مرتبه امام عسکری عليه‌السلام را حبس کرد. (1)

آن حضرت 22 ساله بودند که امام هادی عليه‌السلام به شهادت رسیدند، و مدت امامت آن حضرت شش سال بود. در شبی که فردای آن روز به شهادت رسیدند نامه های زیادی به مردم مدینه نوشته بودند.

هنگام نماز صبح، بعد از آنکه امام عصر عليه‌السلام آن حضرت را وضو دادند و جوشانده ای به حضرتش دادند، به شهادت رسیدند. (2)

وقتی مردم سامرا با خبر شدند، همه بازارها بسته شد و مردم کنار منزل آن حضرت جمع شدند. وزراء و اتباع خلیفه و بنی هاشم و علویات داخل منزل بودند. در سامرا صدای شیون و گریه از هر سو به گوش می رسید و قیامتی بر پا شده بود. (3)

امام زمان عليه‌السلام آن حضرت را غسل داده بعد از کفن آن حضرت بدن مطهر را جهت نماز آوردند. جعفر برادر حضرت جلو آمد که بر بدن مبارک نماز بخواند. همین که خواست تکبیر بگوید امام زمان عليه‌السلام در حالی که طفلی گندمگون، پیچیده موی، گشاده دندان مانند پاره ماه بود از حرم بیرون آمد و ردای جعفر را کشید و او را از آن مکان دور کرد و بر پدر بزرگوارش نماز خواند، و آن حضرت را نزد قبر پدر بزرگوارش حضرت هادی عليه‌السلام دفن نمودند. (4)

جعفر این واقعه را برای معتمد نقل کرد. همه جا را در جستجوی حضرت گشتند، ولی اثری از آن حضرت ندیدند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج1 ص513. قلائد النحور: ج رجب ص144. الامام العسکری عليه‌السلام (شاکری): ص474-454. بحارالانوار: ج50 ص308، 309.

2. کمال الدین: ص473. الغیبة (شیخ طویس): ص273. بحار الانوار: ج 5، ص 331، ج52 ص16. معجم احادیث الامام المهدی عليه‌السلام: ج4 ص254.

3. کافی: ج1 ص505. بحار الانوار: ج50 ص328، 332.

4. کمال الدین: ص 475. بحار الانوار: ج50 ص332.

در سال شهادت امام عسکری عليه‌السلام سال 260 ه محدث جلیل جناب فضل بن شاذان نیشابوری از دنیا رحلت فرمود. او صاحب 180 تألیف است و امام عسکری عليه‌السلام سه بار بر او رحمت فرستاده اند. (1)

9 ربیع الاول

### 1. آغاز امامت حضرت ولی عصر عليه‌السلام

آغاز امامت حضرت صاحب الامر عليه‌السلام و غیبت صغرای آن حضرت پس از شهادت امام عسکری عليه‌السلام است، که تنها فرزند آن حضرت بودند. (2)

این روز عید شیعه و اولین روز امامت و خلافت آخرین خلیفه و حجّت بر حق و منجی عالم بشریّت حضرت بقیه ا للَّه الاعظم عليه‌السلام در سال 260 ه است.

این روز روز شادی اهل بیت عليهم‌السلام و انبیاء و ملائکه و ساکنان اعلی علیین و دوستان امیر المؤمنین عليه‌السلام و اولاد طاهرین ایشان است چرا که در این روز دعا های حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا عليها‌السلام به اجابت رسید. (3) روزی عظیم الشأن است و روز سرور شیعه و عید بزرگ آنهاست. حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم این روز را عید قرار داده و امر کرده است که مردم نیز عید قرار دهند و اعمال آن را به جا آورند.

کسی که در این روز انفاق کند، خداوند او را می آمرزد. در این روز اطعام برادران دینی و خوشبو کردن آنان و توسعه بر اهل و عیال و پوشیدن لباس جدید و

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. اختیارات معرفة الرجال: ج2 ص821-817. وسائل الشیعة: ج30 ص447. تتمة المتنهی: ص351-350. خلاصة الاقوال: ص229.

2. ارشاد: ج 2، ص 336. کشف الغمه: ج 2، ص 402. المستجاد من الارشاد: ص 226. اقبال: ج3 ص114. فیض العلام: ص 211. زاد المعاد: ص 334. مفاتیح الجنان: اعمال ماه ربیع الاول.

3. دلائل الامامة: ص119. زاد العماد: ص338. وقایع الایام: ج ربیع الاول: ص59. مستدرک سفینة البحار: ج4 ص67. المحتضر: ص54. مجمع النورین: ص233. بحار النوار:ج31 ص126، ج95 ص354. الهجوم علی بیت فاطمة عليه‌السلام: ص345. رساله فیروزیه. شرح نهج البلاغة: ج16 ص235.

شکرگزاری به درگاه خداوند متعال و عبادت نمودن مستحب است. (1) غسل کردن این روز هم مستحب است. (2)

فضیلت ها و اسم هایی برای این روز ذکر شده که از جمله آنهاست: عید اللَّه الاکبر، غدیر ثانی، عید فطر دوم، روز فرح شیعه، عید اهل بیت عليهم‌السلام، روز قتل منافق، روز قبولی اعمال، روز پیروزی مظلوم، روز دوستی مؤمنین، روز پرهیز از کبائر، روز نابودی ضلالت و گمراهی، روز شکرگزاری. (3)

### 2. قتل عمر بن خطّاب

در آخر شب نهم ربیع الاول سال 23 ه عمر بن الخطاب از دنیا رفته است (4)، و قول اهل سنّت روز چهارشنبه 26 ذی الحجه است. (5)

### ماجرای قتل عمر

عمر بن خطاب به دست ابولؤلؤ که نامش فیروز و غلام مغیره بن شعبه بود، چند ضربه خنجر خورد که منجر به مرگ او شد. (6)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مصباح کفعمی: ج 2، ص 596. زاد المعاد: ص 344-334. بحار الانوار: ج 31، ص 119 (از زوائد الفوائد)، ج55 ص372، ج95 ص189. فیض العلام: ص 211. مفاتیح الجنان: اعمال ماه ربیع الاول.

2. المحتضر: ص54. بحار الانوار: ج 31، ص 126، ج95 ص354. عروة الوثقی: ج1 ص461. مستمسک العروة: ج4 ص281.

3. المحتضر: ص55-45، بحار الانوار: ج 31، ص 129-121، ج95 ص356-351، زاد المعاد: ص344-334، موسوعة الامام جواد عليه‌السلام: ج2 ص650.

4. مدینه المعاجز: ج 2، ص 97. اقبال: ج3 ص114. المحتضر: ص45. بحار الانوار: ج31 ص120-119، 132، ج55 ص372، ج95 ص199، 355. مستدرک سفینة البحار: ج4 ص68، ج5 ص210. اختیارات: ص34. زاد المعاد: ص335. جنات الخلود: ص44. قلائد النحور: ج ربیع الاول ص59. تقویم الائمة عليهم‌السلام: ص78. رساله فیروزیه، شاخه طوبی، اَسیاب تبرّی، فصل الخطاب فی تاریخ قتل عمر.

5. اخبار الطول: ص139. طبقات الکبری: ج3 ص365. شرح نهج البلاغة: ج12 ص184. تاریخ دمشق: ج44 ص463. اسد الغابة: ج4 ص77.

6. توضیح المقاصد: ص33. العدد القویة: ص328. بحار الانوار: ج95 ص199. فیض العلام: ص129.

بنابر مشهور (1) هنگامی که ابولؤلؤ ضربه ها را بر عمر زد و خواست فرار کند، عده ای مانع شدند، و 12 نفر را مجروح کرد که شش نفر از آنها مردند. (2)

### عمر در بستر مرگ

هنگامی که عمر را به خانه بردند مقداری نبیذ آوردند و او خورد ولی از قسمتهای ضربت خورده خارج شد و معلوم نشد از کجا خارج شده زیرا با خون هم رنگ بود. لذا عده ای گفتند: خلیفه شیر بخورد زیرا سفید است و معلوم می شود. شیر را خورد و از محل ضربه ها خارج شد. حاضرین برای دل گرمی گفتند: «مانعی ندارد، ضرری نمی زند»! اما ضربه های جناب ابولؤلؤ کارگر شد و به خلیفه سابق ملحق شد.

در روز سوم در جنب ابوبکر دفن شد. (3)

او در حالی در کنار رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دفن کردند که چندی پیش از آن خودشان حدیثی را به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نسبت داند که فرموده است: «نحن معاشر الانبیاء لا نورّث و ما ترکناه صدقة»! یعنی ما گروه پیامبران ارثی باقی نمی گذاریم و هر آنچه باقی می گذاریم و هر آنچه که باقی گذاشتیم صدقه است!!

پس چگونه آن دو را در خانه ای که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آن را صدقه گذارده بودند دفن کردند؟ یا اینکه فقط این منع ارث مخصوص دختر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بود و همسرانش از این قاعده مستثنی بودند؟ و در این صورت هم اگر زنان از اموال غیر منقول ارث می بردند باز هم کافی نبود؛ زیرا یک هشتم ارث پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم اگر در بین همسرانش تقسیم می شد نصیب عایشه و حفصه بیشتر از یک وجب در وجب نبود!!

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. زاد المعاد: ص 34.

2. بحار الانوار: ج 31 ص113، ج95 ص199. اسد الغابة: ج4 ص256. تاریخ المدینة ج3 ص900. صحبح بخاری: ج4 ص204.

3. الغدیر: ج6 ص2570. تاریخ الخلفاء: ص 134-133. شرح نهج البلاغة: ج12 ص186.

با همه این مطالب چرا آن دو را کنار رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دفن نمودند ولی گذاشتند فرزند و ریحانه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم امام حسن مجتبی عليه‌السلام را کنار آن بزرگوار دفن نمایند و حتی اجازه ندادند که جنازه آن حضرت را برای طواف کنار قبر جدشان رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ببرند!!!

عُمَر مدت ده سال و شش ماه و چهار شب خلافت کرد. او اولین کسی بود که نام خود را امیر المؤمنین گذاشت، و ابوموسی اشعری اولین نفری بود که او را در منبر به این نام خطاب کرد. (1)

### بدعت عمر برای آینده خلافت

عمر به ابن عباس گفت: (2) این خلافت را به چه کسی واگذار کنم؟ او علی بن ابی طالب عليه‌السلام را پیشنهاد کرد و گفت: شجاعت و فضیلت و قرابت و سبقت در اسلامش معلوم است. عمر گفت: در طبع او مزاح است! ابن عباس گفت: در باره عثمان چه می گوئی؟ عمر گفت: اگر او خلیفه شود بنی امیّه را بر گرده مردم مسلّط می نماید.

ابن عباس گفت: در باره طلحه چه می گوئی؟ عمر گفت: مردی متکبر است و پیامبر را با کلامی که روز نزول آیه حجاب گفت آزرده است. او هنگام نزول آیه حجاب گفته بود: «وقتی از دنیا برود ما زنانش را به عقد خود در می آوریم».

ابن عباس گفت: در باره زبیر بن عوام چه می گویی؟ گفت: او مرد شجاعی است. ولی بسیار بخیل است. مردی بدخو و مفسد است، که گاهی انسان و گاهی کافر است. در مورد سعد وقاص گفت: مردی متکبر و متعصب است و به کار خلافت نمی آید.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. تتمه المنتهی: ص 11. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص210.

2. الغدیر: ج5 ص364، ج7 ص144. بحار الانوار: ج31 ص62، 354، 349. مواقف الشیعة: ج1 ص149، ج2 ص2 ص19. احتجاج: ج2 ص153. منتخب التواریخ: ص153. فیض العلام: ص143. شرح نهج البلاغة: ج6 ص327-326، ج12 ص51، 259. کنز العمال: ج5 ص737. تاریخ المدینة: ج3 ص880.

ابن عباس گفت: در مورد عبدالرحمن نظرت چیست؟ عمر گفت: او مرد ضعیف القلبی است.

عمر هنگام مرگ امر خلافت را به شوری واگذار کرد و ابوطلحه انصاری را طلبید و به او گفت: بعد از مرگ من با پنجاه نفر از انصار با شمشیرهای کشیده شش نفر را در خانه عایشه حاضر کنید: علی بن ابی طالب عليه‌السلام، عثمان، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص عبدالرحمن بن عوف. آنگاه سه روز آنها را مهلت دهید، و بعد از آن اگر چهار یا پنج نفر بر نظری متفق شدند و دو یا یک نفر مخالفان آنان بودند، مخالفان را به قتل برسانید، و اگر سه نفر نظری داشتند و سه نفر نظر دیگری داشتند، آن طرف که عبدالرحمن بن عوف در اوست مقدم بدارید و سه نفر دیگر را گردن بزنید، و اگر بعد از سه روز بر امری اتفاق نکردند، هر شش نفر را گردن بزنید.

### شورای بعد از مرگ عمر

بعد از مرگ عمر شوری در خانه عایشه تشکیل شد، و زبیر بن عوام پسر صفیه حق خود را به پسر دائی خود امیر المؤمنین عليه‌السلام بخشید! طلحه بن عبیداللَّه هم حق خود را به عثمان بخشید!! سعد بن ابی وقاص هم حق خود را به عبدالرحمن بن عوف بخشید.

عبدالرحمن به مسجد آمد و در جمع اصحاب به امیر المؤمنین عليه‌السلام عرض کرد: من بیعت می کنم با شما به این شرط که عمل کنی به کتاب خدا و سنّت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و روش ابوبکر و عمر! امیر المؤمنین عليه‌السلام فرمودند: بلکه طبق کتاب خدا و سنّت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و اجتهاد و رأی خود عمل می کنم.

عبدالرحمن این کلمات را سه بار به عثمان گفت، و عثمان قبول کرد. بار سوم عبدالرحمن با عثمان بیعت کرد و دیگران هم بیعت کردندغیر از بنی هاشم و جمعی از بزرگان صحابه مثل عمار بن یاسر و مقداد بن اسود که بیعت نکردند. (1)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحارالانوار: ج31 ص60، 407-315، ج38 ص177. النص و الاجتهاد: ص383. تاریخ یعقوبی: ج2 ص160. صرح نهج البلاغة: ج1 ص185.

اینک جا دارد چند سؤال مطرح شود:

عُمَر در دوران جوانی به چه کاری مشغول بوده و در سفرهای تجارتی چه شغلی داشته است؟

در جنگ حدیبیه و جاهای دیگر چه کسی به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم اعتراض کرد؟

چه کسی نسبت هذیان به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم داد؟

چه کسی در خانه امیر المؤمنین عليه‌السلام را آتش زد و گفت: «قصد دارم خانه را با اهلش بسوزانم، اگرچه فاطمه در آن باشد»؟

چه کسی محسن بن علی عليه‌السلام را کشت؟

چه کسی به قنفذ دستور داد تا به دختر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم تازیانه بزند؟ (1)

چه کسی ابوبکر را به غصب فدک ترغیب کرد و شهادت امیر المؤمنین عليه‌السلام و امّ ایمن و حسنین عليهما‌السلام را رد کرد؟

چه کسی قباله فدک را از حضرت صدیقه عليها‌السلام گرفت و جسارت به صورت مبارک آن حضرت کرد؟

اولین کسی که دست روی دست گذاشتن را در نماز احداث کرد که بود؟

اولین کسی که خلافت را به شوری حواله نمود چه کسی بود؟

اولین کسی که با همراهی ابوبکر سهم ذوی القربی را نداد چه کسی بود؟

اولین کسی که روز عید غدیر با علی بن ابی طالب عليه‌السلام بیعت کرد و گفت: «بخ بخ یابن ابی طالب، اصبحت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنه» چه کسی بود؟

اولین کسی که از کوزه نصاری وضو گرفت و آنها را پاک می دانست چه کسی بود؟

اولین کسی که شهادت مملوک را از درجه اعتبار ساقط کرد چه کسی بود؟

اولین کسی که متعه حج و متعه نساء را حرام کرد چه کسی بود؟ (2)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کتاب سلیم بن قیس هلالی رحمه‌الله. الهجوم علی بیت فاطمة عليها‌السلام. مأساة الزهرا عليها‌السلام. فاطمة الزهرا عليها‌السلام بهجة قلب مصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم. بحار الانوار: ج43. العوالم ج فاطمة الزهراء عليها‌السلام. الموسوعة الکبری عن فاطمة الزهراء عليها‌السلام. و...

2. الغدیر: ج6 ص213-198.

اولین کسی که دستور داد نافله های ماه رمضان به جماعت خوانده شود چه کسی بود؟

اولین کسی که گفت عجم ها از یکدیگر ارث نمی برند چه کسی بود؟ (1)

چرا هنگامی که شخصی از کوزه خلیفه خورد مست شد؟!! (2)

چه کسی بود که وقتی پس از مرگش یک هشتم مال او را به چهار زن او قسمت کردند به هر زنی 83000 دینار رسید؟

چه کسی گفت: همه مردم از من باسوادترند حتّی پیرزنها؟! (3)

از چه کسی هرگاه سؤال می کردند و در جواب فرو می ماند، می گفت: اشتغال به دلالی و خرید و فروش، مرا مانع از یاد گرفتن مسائل شد؟

اینکه در کتب تاریخ با عبارتهای مختلف ذکر شده که عمر بن خطاب حسب وصیت ابوبکر به خلافت مسلمین نصب شده جای چند سؤال دارد:

1. آیا وصیت ابوبکر نافذ است و وصیت اشرف مخلوقات خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در غدیر و غیر غدیر نافذ نیست؟

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الغدیر: ج6 ص187. کتاب سلیم بن قیس هلالی رحمه‌الله: ج2 ص470. بحارالانوار: ج31 ص40، ج33 ص362. النص و الاجتهاد: ص267. کتاب موطّاء: ج2 ص520. المدونیة الکبری: ج3 ص338، 365، 383. تحفة الاحوذی: ج1 ص63. کنز العمال: ج11 ص29. المحلّی: ج9 ص303.

2. الغدیر: ج6 ص258-257. ماذا تفعلون؟: ص539. احکام القرآن جصّاص: ج2 ص581. سنن دارطنی: ج4 ص174. نصب الرایة: ج4 ص161. العقد الفرید: ج3 ص416. الجوهر النقی: ص306. کنز العمال: ج5 ص517. المنصف (صنعانی): ج9 ص224.

3. درباره این عبارت و نظایر آن به منابع زیر مراجعه شود: الغدیر: ج6 ص98-95، 107-104، 111، 144. بحار الانوار: ج30 ص660-665، 697. خلاصة عقبات الانوار: ج3 ص184. نفحات الازهار: ج3 ص172-171. تقریب المعارف: ص319، 346. المستر شد: ص530، 548. التعجب من اغلاط العامة: ص60 (142). شرح الاخبار: ج2 ص329. شرح نهج البلاغة: ج1 ص182، ج12 ص15، 208، ج17 ص171. کشف الخفاء: ج1 ص269، 388، ج2 ص117، 118. علل الدار قطنی: ج2 ص239. مجمع الزوائد: ج4 ص284. المبسوط: ج10 ص153. سنن بیهقی: ج7 ص233. کنز العمال: ج16 ص537، 538. عمر بن خطاب: ص130-127، 228، 253. المنصف (ابن ابی شیبة): ج7 ص81. الدر المنثور: ج2 ص133. فتح القدیر: ج1 ص443. تفسیر ابن کثیر: ج1 ص478. تفسیر قربطی: ج8 ص99، ج15 ص179. سبل السلام: ج3 ص149. الاحکام (ابن حزم): ج2 ص237.

2. آیا پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در هنگام رحلت نفرمود کاغذ و قلم بیاورید تا بگویم و نوشته شود مطلبی که بعد از من اختلاف نکنید؟ چرا نسبت هذیان به آن حضرت دادند و کاغذ و قلم نیاوردند و حال آنکه خداوند در قرآن می فرماید: «هرچه آن حضرت می فرمایند وحی است نه از نزد خود». (1) چطور برای ابوبکر کاغذ و قلم آوردند و کسی اعتراض نکرد. جالب اینکه او بیهوش می شد و به هوش می آمد و بعد از بسم اللَّه عثمان از طرف خودش نوشت خلیفه بعد از ابوبکر عمر است و ابوبکر مخالفتی نکرد؟

### 3. قتل عمر بن سعد

عمر بن سعد فرمانده ظالم لشکر یزید در این روز به دست مختار ثقفی رحمه‌الله به درک واصل شد. (3)

10 ربیع الاول

### 1. ازدواج صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم با حضرت خدیجه عليه‌السلام

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 15 سال قبل از بعثت با حضرت خدیجه کبری عليها‌السلام ازدواج نمودند. (3) از احادیث شیعه و اخبار عامه معلوم می شود که حضرت خدیجه بنت خویلد بن اسد، در علم و اطلاع به کتب آن زمان معروف بوده است. او از زنان قریش، علاوه بر کثرت اموال و املاک و تجارتی که داشت، به عقل و کیاست نیز مزیّت داشت و در آن زمان او را طاهره، مبارکه، سیده نسوان و ملکه تطحاء می گفتند. او از کسانی بود که انتظار قدوم پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را می کشید و همیشه از علما علائم نبوّت آن حضرت را جویا می شد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. سوره نجم: آیات 4-3. (وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ )

2. زاد المعاد: ص 344. ریاض العلماء: ج5 ص507.

3. مسار الشیعة: ص29. مصباح المتهجد: ص 732. بحار الانوار: ج 95، ص 357 فیض العلام: ص 211. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص 67. منتخب التواریخ: ص 20. زاد المعاد: ص 344. تقومی المحسنین: ص16. اختیارات: ص34.

هنگامی که خدمت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شرفیاب شد، اول از مهر نبوّت سؤال کرد و آن را زیارت کرد و اشعار فصیح او در مدح رسول گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و کمال محبتش به آل عبدالمطلب مشهور است که کاشف از علم و ادب و محبّت اوست. در همان روزی که آن حضرت مبعوث به رسالت شد جناب خدیجه عليها‌السلام ایمان آورد.

حضرت خدیجه عليها‌السلام از مال خویش و میراثی که به او رسیده بود به صورت مضاربه تجارت می نمود. چندی نگذشت که از بزرگان تجّار شد به گونه ای که هشتاد هزار شتر زیر بار تجارت او بودند و هر روز اموال او زیادتر می شد. بر بام خانه او قبّه ای از حریر سبز با طناب های ابریشم با تمثالی چند بود که این علامت جلالت آن مخدره بود.

افراد زیادی مانند عقبة بن ابی معیط و ابن ابی شهاب که هریک چهارصد کنیز و غلام و خدمتکار داشتند، و ابوجهل و ابوسفیان و دیگر بزرگان عرب آن روز به خواستگاری آن حضرت آمدند؛ ولی آن حضرت قبول نفرمودند و هیچ شوهری اختیار نکردند و باکره و عذراء بودند (1) تا سرانجام خودشان در سن 25 یا 28 سالگی (2) پیشنهاد ازدواج به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دادند و این ازدواج با آداب و مراسم خاصّی انجام شد.

خداوند دو پسر به نام های قاسم و عبداللَّه که به آنها طیّب و طاهر هم می گفتند، به آن دو بزرگوار عنایت فرمود و تنها دخترشان فاطمه عليها‌السلام بود، و دیگر دختر خوانده های پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و دختران خواهر خدیجه عليها‌السلام بودند که بعد از فوت پدرشان حضرت خدیجه عليها‌السلام بودند که بعد از فوت پدرشان حضرت خدیجه عليها‌السلام احتیاجاتشان را بر طرف می کرد تا اینکه مادرشان هاله فوت کرد، که تحت سرپرستی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و حضرت خدیجه عليها‌السلام در خانه خدیجه عليها‌السلام قرار گرفتند. لذا در

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج1 ص206. بحار الانوار: ج22 ص191. الخصائص الفاطمیة عليها‌السلام: ج1 ص439، 497. قاموس الرجال: ج10 ص431. ازواج النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و بناته: ص29-27. الصحیح من السیرة: ج2 ص122. دلائل النبوة اصفهانی: ص178.

2. الصحیح من السیرة: ج2 ص150-117. ازواج النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و بناته: ص30.

مردم مشهور شد که آنها دختران رسول خدایند صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم. (1)

در کرامت و بزرگواری ایشان همین بس که آن حضرت مادر حضرت صدیقه طاهره عليها‌السلام امّ الائمه المعصومین عليهم‌السلام و همسر امیر المؤمنین عليه‌السلام و جدّه حضرات معصومین عليهم‌السلام است.

حضرت خدیجه عليها‌السلام بیست و چهار سال و یک ماه با پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم زندگی کرد، و تا آن حضرت زنده بود پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم همسر دیگری اختیار نفرمود. همچنین حضرت خدیجه عليهما‌السلام جمیع اموال خود را به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم واگذار کرد.

عایشه می گوید: کمتر اتفاق می افتاد که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از خانه بیرون رود و خدیجه عليها‌السلام را به خیر یاد نکند، چندانکه یک روز آتش حسد من مشتعل شد و گفتم: یا رسول اللَّه، تا کی خدیجه را یاد می کنی؟ او پیرزنی بیش نبوده! خداوند بهتر از او (منظور خودش بوده) به تو مرحمت کرد پ پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از سخن من در غضب شد و فرمود: نه به خدا قسم بهتر از خدیجه عليها‌السلام نصیب من نشده. به من ایمان آورد هنگامی که مردم کافر بودند، و تصدیق نبوّت من نمود در وقتی که مردم مرا تکذیب می کردند، و اموال خود را در اختیار من گذارد در وقتی که مردم مرا از خود دور می کردند. خداوند متعال از خدیجه عليها‌السلام به من فرزندانی روزی کرد و رحم تو را عقیم قرار داد.

### 2. مرگ داود بن علی حاکم ظالم مدینه

داود بن علی عموی سفاح در مدینه در دهم ربیع الاول به دعای امام صادق عليه‌السلام هلاک شد، چه اینکه داود بن علی فرمان داد معلی بن خنیس را که از اصحاب امام صادق عليه‌السلام بود شهید کردند. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الاستغاثة فی بدع الثلاثة. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج1 ص206. بحار الانوار: ج22 ص191. بنات النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم اَم ربائبه. التعجب من اغلاط العامة: ص35 (101). الصحیح من السیرة: ج2. ازواج النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و بناته. الخصائص الفاطمیة عليها‌السلام: ج1 ص439. خلفیات کتاب مأساة الزهراء عليها‌السلام: ج6.

2. ریاحین الشریعه: ج 2، ص 202، 207.

3. زاد المعاد: ص244. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص67.

### 3. مرگ مالک بن انس

در این روز در سال 179 ه مالک بن انس اصبحی، رئیس فرقه مالکی از مذاهب اربعه اهل سنّت از دنیا رفت و در بقیع دفن شد. (1) مرگ او در 11 و 13 و 14 ربیع الاول هم گفته شده است. (2) از خصوصیّات او اینکه مدت سه سال بعد از مرگ پدرش در شکم مادر بود و بعد از سه سال به دنیا آمد!!؟ (3)

### 4. اولین روز خلافت غاصبانه معاویه

در این روز معاویه ابی سفیان در سال 41 ه خود را به خلافت نشاند، و از مردم بیعت گرفت و او اولین خلیفه بنی امیّه بعد از عثمان بود. (4)

12 ربیع الاول

### 1. ورود پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به مدینه

در غروب این روز پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بعد از هجرت از مکه وارد مدینه طیبه شدند، و در قبا

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. روضات النجات: ج7 ص224. وقائع الایام: ج1 ص390. وقائع الشهور: ص70. تذکرة الحفاظ: ج1 ص212. التمهید: ج1 ص87. التعدیل و الترجیح: ج2 ص766. سیر اعلام النبلاء: ج8 ص130.

2. تذکرة الحفاظ: ج1 ص212. تهذیب الکمال: ج27 ص119. تهذیب الاسماء: ج2 ص36. المنتخب من ذیل الحفاظ: ص144. سیر اعلام النبلاء: ج8 ص130.

3. روضات الجنات: ج 7، ص 224. وقائع الایام: ج1 ص390. فهرست ابن ندیم: ص251. تهذیب الکمال: ج27 ص119. فیض القدیر: ج1 ص46. تنویر الحوالک: ص3. طبقات الحافظ: ص96. مروج الذهب: ج3 ص350. تهذیب الاسماء: ج2 ص386. صفوة الصفوة: ج2 ص177. سنن بیهقی: ج7 ص443. المعارف ابن قتیبه: ص170. وفیات الاعیان: ج4 ص137. سیر اعلام النبلاء: ج6 ص319. میزان الاعتدال: ج3 ص466.

4. منتخب التواریخ: ص6، 448.

5. تحفة الحوذی: ج10 ص189. اسد الغابة: ج2 ص14. البدایة و النهایة: ج8 ص20.

6. العدد القویة: ص120. التنبیه و الاشراف: ص200. تاریخ طبری: ج2 ص114. طبقات الکبری: 2/6.

نزول اجلال فرمود و منتظر ماند تا امیر المؤمنین عليه‌السلام به ایشان ملحق شد، و سپس وارد مدینه شدند؛ چه اینکه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرموده بودند من وارد مدینه نمی شوم تا اینکه پسر عمویم و دخترم فاطمه عليها‌السلام بیایند. (1) این در حالی بود که در 4 ربیع الاول پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در مسیر هجرت از غار ثور بیرون آمده به طرف مدینه حرکت فرمود. (2)

### 2. انقراض بنی امیه

در این روز با سفاح اولین خلیفه عباسی بیعت شد، و با انقراض دولت بنی مروان، دولت بنی امیه به کلی منقرض شد. البته مروان در 27 ذی الحجه کشته شد، ولی در این روز با تأسیس دولت بنی عباس رسماً نام بنی امیه از صفحات خلافت برچیده شد. (3) اقوال دیگر 13 (4) و 14 ربیع الاول (5)، و 12 ربیع الثانی (6) است.

### 3. مرگ معتصم عباسی

در پنجشنبه دوازدهم ربیع الاول سال 227 ه دو ساعت از شب گذشته، معتصم عباسی در سامرا به هلاکت رسید. سبب مرگش آن شد که حجامت کرد و سپس تب کرد و به همان تب در 49 سالگی به جهنّم شتافت.

از بزرگترین جرائم او به شهادت رساندن امام جواد عليه‌السلام است. مدت خلافت او 8 سال و 8 ماه و 8 روز بود و و هشتم از خلفای بنی عباس بود. او 8 پسر و 8 دختر داشت

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی ج8 ص339. مصباح المجتهد: ص732. زاد المعاد: ص344. مسار الشیعة: ص29. توضیح المقاصد: ص7. بحار الانوار: ج19 ص104، 125، ج97 ص168. مختصر بصائر الدرجات: ص129.

2. مسار الشیعة: ص28. تقویم المحسنین: ص15. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص21.

3. مسار الشیعة: ص50. مصباح المجتهد: ص732. بحارالانوار: ج95 ص357. اقبال: ج3 ص115. مستدرک سفینة البحار: ج4 ص68. تاریخ دمشق: ج32 ص284، 297. تاریخ بغداد: ج10 ص49. تاریخ طبری: ج6 ص78. البدایة و النهایة: ج10 ص56.

4. تاریخ یعقوبی: ج2 ص 349. شرح نهج البلاغة: ج7 ص154. تاریخ دمشق: ج32 ص277، 285.

5. توضیح المقاصد: ج8. وقائع الشهور: ص74.

6. تاریخ طبری: ج6 ص78. البدایة و النهایة: ج10 ص44، 56.

و 8 قصر بنا کرد. معتصم مردی ظالم بود و از علم و ادب و نوشتن بهره ای نداشت. او به سادات خصوصاً بزرگان آنها اذیت های بسیاری روا داشت، و در دوران حکومتش علاقه زیادی به ساخت بنا داشت. (1)

### 4. مرگ احمد بن حنبل

در این روز در سال 241 ه احمد بن حنبل رئیس فرقه حنبلی ها در بغداد از دنیا رفت، و در همان شهر دفن شد. جدّ او ذوالثدیه رئیس خوارج نهروان است، که به دست امیر المؤمنین عليه‌السلام به درک فرستاده شد. (2) بنابرقولی مرگ او در ربیع الثانی است. (3)

14 ربیع الاول

### 1. مرگ یزید بن معاویه

در سال 64 ه در شب چهارهم ربیع الاول یزید بن معاویه بن ابی سفیان در سن 39 سالگی یا 37 سالگی یا 35 سالگی به درکات جحیم شتافت. (4) قول دیگر در مرگ یزید پانزدهم این ماه است. (5)

مادر یزید میسون دختر بجدل کلبی است. او کسی است که غلام پدر خود را بر خود متمکن ساخت و به یزید ملعون بارور شد. از همینجاست که طبق فرمایش

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مصباح المتهجد: ص 310 -297. فیض العلام: ص 213. سیر اعلام النبلاء: ج10 ص306. التنبیه و الاشراف: ص307. البدایة و النهایة: ج10 ص324.

2. وقایع الشهور: ص 72. مراقد المعارف: ج 1، ص 120. روضات الجنات: ج 1، ص 185.

3. مراقد المعارف: ج 1، ص 120.

4. مسار الشیعه: ص 50. اقبال: ج3 ص118. مستدرک سفینه البحار: ج 4، ص 67. تقویم المحسنین: ص 16. زاد المعاد: ص 345. ذوب النضار: ص71. فیض العلام: ص 215. توضیح المقاصد: ص 7. تتمه المنتهی: ص 55. بحار الانوار: ج 95، ص 189، ج 98، ص 101. عوالم: ص 224. اختیارات: ص34. تاریخ طبری: ج4 ص383. تاریخ دمشق: ج37 ص458. البدایة و النهایة: ج8 ص247. تاریخ خلیفة: ص195.

5. تاریخ طبری: ج4 ص389. تاریخ دمشق: ج59 ص305. اسد الغابة: ج3 ص163.

ائمه عليهم‌السلام قاتل امام حسین عليه‌السلام ولد الزناست، که این کلام شامل شمر، عمر سعد، ابن زیاد و غیر آنها نیز می شود.

او شارب الخمر، قمارباز، میمون باز، ناکح با محارم، صاحب اشعار کفرآمیز و تارک الصلوه بود. چنانچه دمیری در حیات الحیوان و مسعودی در مروج الذهب نوشته اند او میمون های زیادی داشت که لباس حریر و زیبا بر آن ها پوشانیده، طوق های طلا بر آنها نموده، سوار بر اسب ها می نمود، و همچنین سگ های بسیاری طوق به گردن داشت که با دست خود آنها را شست و شو می داد و سپس نیم خورده آنها را خودش میخورد و در اثر اعتیاد به مشروبات الکیی مست و مخمور بود. (1)

او بود که واقعه جانسوز کربلا را به وجود آورد و امام حسین عليه‌السلام و اهل بیت و اصحاب آن حضرت را به شهادت رساند و امام زین العابدین عليه‌السلام و عمه سادات زینب کبری عليها‌السلام و دیگر علویات و فاطمیات را با آن وضع در کوچه و بازار به اسارت برد.

او بود که خانه خدا را خراب کرد و پرده کعبه را سوزانید. همچنین او بود که در واقعه حرّه در مدینه کشف ستر زنان مهاجر و انصار کردو سه روز مال و جان و ناموس مردم را بر سربازان خود حلال کرد. بعد از این ماجرا فرزندانی به هم رسیدند که پدر معینی نداشتند. بعد از آن قتل و غارتی در مدینه شد و حرم شریف نبوی هتگ گردید، و مردم را در داخل حرم مطهر کشتند.

در علت مرگ او چند قول است: یکی اینکه به بلای ناگهانی هلاک شده است. شیخ صدوق رحمه‌الله می فرماید: یزید شب با حال مستی خوابید و صبح او را مرده یافتند در حالیکه بدن او تغییر کرده، مثل آنکه قیر مالیده شده باشد. بدن نحسش را در باب الصغیر دمشق دفن کردند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. شب های پیشاور: ج1 ص257. حیاة الحیوان: ج1 ص74. مروج الذهب: ج2 ص72. معالم المدرستین: ج3 ص22-21. حیاة الامام الحسین عليه‌السلام: ج2 ص182. الاخلاق الحسینیة عليه‌السلام: ص16، 154. الخلافة المغتصبة: ص192.

احمد بن حنبل و جماعتی از اهل سنّت لعن یزید را تجویز کرده اند و عده ای از آنان معتقد به کفر یزید هستند، و ابن جوزی کتابی بر رد یزید نوشته است. (1)

در این روز زیارت امام حسین عليه‌السلام مناسب است. (2)

### 2. مرگ موسی خلیفه عباسی

در این روز و به قولی در 15 و 18 ربیع الاول در سال 170 ه موسی الهادی، فرزند مهدی عباسی به درکات جحیم شتافت. در همان شب هارون خلیفه شد و مأمون نیز به دنیا آمد. (3) خلافت موسی الهادی یک سال و سه ماه طول کشید و 25 یا 26 سال عمر کرد. او به قساوت قلب و قلت رحم و خشونت طبع و شرارت نفس مشهور بود. (4)

سیّد بن طاووس رحمه‌الله در مهج الدعوات روایت می کند که موسی الهادی لشکر فرستاده حسین بن علی بن حسن بن مثنی بن امام حسن مجتبی عليه‌السلام صاحب فخ را با اصحابش شهید کرد، و سر او را با اسیران به نزد او آوردند، چون نظرش بر آن سر افتاد اشعاری خواند.

پس اسیران را یکی پس از دیگری می آوردند، و او بعد از سرزنش و توبیخ امر به قتل آنها می کرد. در یک روز جماعتی از اولاد امیر المؤمنین عليه‌السلام را به قتل رسانید و طالبین را دشنام می داد تا رسید به نام مبارک موسی بن جعفر عليه‌السلام، نسبت به آن حضرت بد گفت و فریاد کشید که حسین صاحب فخ خروج نکرد مگر به امر موسی بن جعفر عليه‌السلام، چون او صاحب وصیت در این خانواده است. بخدا قسم او را به قتل می رسانم. خدا بکشد مرا اگر او را زنده بگذارم و خدا بکشد مرا اگر او را عفو کنم و اگر

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. تتمة المنتهی: ص56-55. فیض العلام: ص216-214. شرح احقاق الحق: ج23 ص112. تذکرة الخوص: ص257.

2. بحار الانوار: ج98 ص101.

3. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص 89. فیض العلام: ص 215. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 221. تاریخ بغداد: ج10 ص181. تاریخ دمشق: ج33 ص280.

4. تتمة المنتهی: ص224-222.

نبود که سفاح و پدرم مهدی فضائل بسیار در حق جعفر بن محمد از کثرت علم و دین و فضلش برایم نقل کرده اند، هر آینه قبر او را می شکافتم و بدن او را به آتش می سوزانیدم.

علی بن یقطین نامه ای از بغداد برای حضرت کاظم عليه‌السلام فرستاد و صورت حال را شرح داد. چون نامه به حضرت رسید، اهل بیت و شیعیان خود را خبر کرد و فرمود: رأی شما در این باب چیست؟

عرض کردند: صلاح این است که شما خود را از این جبّار ظالم پنهان داری. حضرت فرمود: اول نامه ای که از عراق بیاید متضمن خبر مرگ موسی الهادی است و چنان شد که آن حضرت خبر دادند. (1)

17 ربیع الاول

### 1- ولادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

به اتفاق علمای شیعه، در این روز هنگام فجر روز جمعه در مکه معظمه ولادت با سعادت حضرت سیّد الانبیاء محمّد مصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم واقع شده است. ولادت آن حضرت با سلطنت انوشیروان عادل مقارن بود و در آن سال اصحاب فیل هلاک شدند. (2)

نام آن حضرت محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، و کنیه ایشان ابوالقاسم است. نام پدر آن حضرت عبداللَّه، و نام مادر آن حضرت آمنه بنت وهب است. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مهیج الدعوات: ص219- 217. الکنی و الالقاب: ج2 ص392. بحار النوار: ج48 ص150، ج91 ص318. قلائد النحور: جربیع الاول، ص92.

2. تاج الموالید: ص5. مسار الشیعة: ص30-29. مصباح المجتهد:ص733. کشف الغمة: ج1 ص14. اعلام الوری: ج1 ص42. تهذیب الاحکام: ج6 ص2. زاد العماد: ص345. توضیح المقصد: ص9. العدد القویة: ص110. مصارع الشهداء و مقاتل السعداء: ص23. فیض العلام: ص220. بحار الانوار: ج15 ص248، 250، ج17 ص280، ج55 ص361، ج95 ص194، ج97 ص168. روضة الواعظین: ص70. تقویم المحنسنین: ص16. اختیارات: ص35.

3. اعلام الوری: ج1 ص45-43. کشف الغمة: 1 ص15.

هنگام ولادت، نور از پیشانی آن حضرت لامع بود و بوی مشک از ایشان ساطع می گشت. نوری در آن شب از طرف حجاز ساطع شد و در تمام عالم منتشر گردید. تخت پادشاهان سرنگون شد، و همه آنان در آن روز لال بودند و نمی توانستند سخن بگویند.

ملائکه مقرب و ارواح اصفیای پیامبران در هنگام ولادت آن حضرت حضور یافتند، و رضوان خازن بهشت با حوریان نازل شدند، و ابریقها و تشت ها از طلا و نقره و زمرد بهشت حاضر کردند و برای حضرت آمنه شربت ها از بهشت آوردند که او آشامید. آن حضرت را بعد از ولادت به آبهای بهشت غسل دادند و به عطرهای فردوس معطر کردند. (1)

### معجزات ولادت حضرت

در روز ولادت آن حضرت هر بتی که در هر جای عالم بود به رو در افتاد و چهارده کنگره از ایوان کسری فرو ریخت. دریاچه ساوه که آن را می پرستیدند خشک و بدل به نمکزار شد. در وادی ساوه که سالها بود کسی در آن آب ندیده بود آب جاری شد. آتشکده فارس که هزار سال خاموش نشده بود در شب ولادت آن حضرت خاموش شد. علم کاهنان و سحر ساحران باطل گردید، و طاق کسری از میان به دو نیم شد که تا امروز نمایان است. (2)

هنگام ولادت آن حضرت این ندا از آسمان شنیده شد: (جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا). (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. حق الیقین: ص 27.

2. امالی صدوق: ص361-360. بحار الانوار: ج15 ص257، 263، 323. روضة الواعظین: ص66. حلیة الابرار: ج1 ص23. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص100.

3. سوره اسراء: آیه 84. بحار النوار: ج15 ص274. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص 101.

### خصوصیات حضرت

هرگز مگس بر بدن مبارک آن حضرت نمی نشست و هرگاه چشم مبارکش خواب بود دلش بیدار بود، و می دید و می شنید چنانکه در بیداری می دید و می شنید. حضرت از قفای خود چنان می دید که از پیش روی می دید.

بر هر حیوانی که سوار می شد هرگز پیر و لاغر نمی شد. آن حضرت حماری به نام یعفور داشتند. هر زمان که فرمان می داد فلان مرد را حاضر کن، به در خانه اش می رفت و سر بر در می کوفت و به اشاره او را حاضر می ساخت. (1)

از خصوصیات ولادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آن بود که ختنه کرده و ناف بریده و پاک از آلایش خون و غیره متولد شد. همچنین در وقت ولادت از پا به زمین آمد نه از سر. هنگام ولادت رو به کعبه به سجده افتاد، و چون سر از سجده برداشت دست به سوی آسمان بلند کرد و به وحدانیت خدا و رسالت خود اقرار نمود، و سپس نوری از او ساطع گردید که مشرق و معرب عالم را روشن نمود. (2)

### معجزات حضرت

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم معجزات بسیاری داشت که از جمله آنها نمونه های زیر است: (3)

1. مستجاب شدن دعای آن حضرت در زنده شدن مردگان و بینا شدن کوران و شفا یافتن بیماران.

2. سخن گفتن آن حضرت با حیوانات.

3. آگاهی بر همه لغتها و قدرت بر سخن گفتن به همه آنها.

4. مهر نبوّت بر پشت مبارکش جا گرفته بود و نور آن بر نور آفتاب زیادتی می کرد.

5.آب از میان انگشتان مبارکش جاری شد، به قدری که جمع بسیاری سیراب شدند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص 112- 110.

2. حق الیقین: ص 26.

3. حق الیقین: ص 26 - 27.

6. سنگریزه در دست مبارکش تسبیح می گفت و مردم می شنیدند.

7. وجود مقدسش در آفتاب سایه ای نداشت.

8. هرگاه آب دهان مبارک به چاهی می افکند در آن چاه برکت به هم می رسید و پر از آب می شد. آب دهان مبارک را به هر صاحب دردی می مالید شفا می یافت.

9. دست مبارک آن حضرت به هر طعامی که می رسید با برکت می شد و از طعام کم جماعت کثیر را سیر می کرد.

10. هرگاه بر زمین نرم راه می رفت جای پایش نمی متند، و هنگامی که بر سنگ سخت راه می رفت اثر پای مبارکش می ماند.

روز ولادت حضرت روز شریف و با برکتی است که از قدیم الایام صالحین از آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حرمت آن را نگه داشته اندو حق این روز را ادا کرده و روزه گرفته اند. کسی که 17 ربیع الاول را روزه بگیرد خداوند متعال ثواب یک سال روزه را به او می دهد. در این روز صدقه دادن و زیارت مشاهد مشرفه و انجام خیرات و مسرور کردن اهل ایمان مستحب است. (1)

### 2. ولادت امام صادق عليه‌السلام

در 17 ربیع الاول سال 83 ه ولادت با سعادت امام جعفر صادق عليه‌السلام در مدینه منوّره اتفاق افتاده است. (2)

نام مبارک آن حضرت جعفر و کنیه شریفش ابوعبداللَّه و لقب نورانی حضرت صادق است. پدر بزرگوارش امام محمد باقر عليه‌السلام و مادر گرامی آن حضرت جناب امّ فروه است که امام صادق عليه‌السلام در باره ایشان می فرمایند: «مادرم از بانوان پرهیزکار و با ایمان و نیکوکار بود؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد». (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مسار الشیعه: ص 30.

2. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج4 ص280. اعلام الوری: ج 1، ص 514. ارشاد: ج 2، ص 179. توضیح المقاصد: ص 9. بحار الانوار: ج 47، ص 6-1. 95ص 194. تاج الموالید: ص43. العدد القویة: ص147. فیض العلام: ص222. روضة الواعظین: ص212. تقویم المحسنین: ص16.

3. کافی: ج1 ص472. بحار الانوار: ج47 ص7.

امام صادق عليه‌السلام هفت پسر و سه دختر داشتند که عبارتند از امام موسی کاظم عليه‌السلام، اسماعیل، عبداللَّه، محمّد دیباج اسحاق، علی عریضی، عباس، ام فروه، اسماء، فاطمه. (1)

در شمایل آن حضرت گفته اند: آن حضرت میانه قد و افروخته رو و سفید بدن و کشیده بینی و موهای ایشان سیاه و مجعّد و بر گونه شان خال سیاهی بود. (2)

22 ربیع الاول

### 1. جنگ بنی النضیر

در سال چهارم هجرت غزوه بنی النضیر واقع شد و یهودیان از مدینه بیرون رانده شدند. (3) 9 و 12 ربیع الاول هم در این باره گفته شده است. (4)

23 ربیع الاول

### 1. ورود حضرت معصومه عليه‌السلام به قم

در این روز در سال 201 ه کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه عليها‌السلام به قم تشریف فرما شدند که 17 روز قبل از رحلت آن حضرت است. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 4، ص 280.

1. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 4، ص 280. بحار الانوار: ج47 ص9. منتهی الآمال: ج2 ص121.

3. توضیح المقاصد: ص 9. فیض العلام: ص 223.

4. الصحیح من السیرة: ج8 ص36. کتاب المحبر: ص113.

5. نظر به اینکه رحلت آن حضرت عليها‌السلام در 10 ربیع الثانی است و طبق تصریح کتاب تاریخ قم تألیف حسن بن محمد بن حسن بن سائب بن مالک اشعری متوفای 378 ق و کتاب انوار المشعشعین: ج1 ص276 و ج2 ص 448، آن حضرت 17 روز در قم اقامت گزیده اند، روز 23 ربیع الاول سالروز ورود آن حضرت به قم است)

آن حضرت با قدوم مبارک خود این شهر را متبرک گردانیدند، و به درخواست جناب موسی بن خزرج پسر سعد اشعری که از بزرگان قم بود، منزل او را منوّر نموده در آنجا نزول اجلال فرمودند. در همکان مکان تشریف داشتند و زنهای قم مخصوصاً علویات به خدمت آن حضرت می رسیدند و از وجود آن حضرت استفاده می کردند تا بعد از 17 روز از دنیا رحلت فرمودند. عبادتگاه حضرت معروف به «ستیّه» در میدان میر قم معروف است. (1)

25 ربیع الاول

### 1. جنگ دومه الجندل

در این روز در سال پنجم هجری در زمان پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم غزوه دومه الجندل اتفاق افتاد. در اراضی «دومه الجندل» گروهی از اشرار همدست شده و به کاروآنهاحمله می کردند. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم سباع بن عرفطه غفاری را روز 25 ربیع الاول در مدینه به جای خود قرار داد، و با هزار رزمجو بیرون آمدند تا به آن نواحی رسیدند. راهزنان چون متوجه آمدن آن حضرت شدند، فرار کردند. مسلمانان اموال آنان را برداشتند و در بیستم ربیع الثانی وارد مدینه شدند. (2)

عبدالرحمن بن ابی لیلی می گوید: من با ابوموسی اشعری از دومه الجندل عبور می کردیم. ابوموسی به من گفت: زمانی که با پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به دومه الجندل رسیدیم آن حضرت به من فرمود: «در این مکان دو تن از بنی اسرائیل حکم به جور کردند، و به زودی در میان امت من دو تن در این مکان به جور حکم می نمایند».

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار، ج 48، ص 290، ج57 ص219.

2. الصحیح من السیرة: ج8 ص 389. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص 150. طبقات الکبری: ج2 ص62. عیون الاثر: ج2 ص32.

راوی می گوید: ابوموسی و عمروعاص برای حکمیت در صفین به دومه الجندل رفتند و میان علی بن ابی طالب عليه‌السلام و معاویه حکم کردند. بعد از ماجرای حکمین ابوموسی را ملاقات کردم و به او گفتم: «مگر تو نبودی که از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم چنین حدیثی را نقل کردی»؟! گفت: «واللَّه المستعان»!! (1)

### 2. صلح امام حسن عليه‌السلام

قراداد امام حسن مجتبی عليه‌السلام با معاویه ملعون در 25 ربیع الاول بوده (2)، و بعضی در 26 این ماه نقل کرده اند (3)، که شامل موارد زیر بود:

1. به علی عليه‌السلام دشنام ندهند.

2. خون شیعیان محترم و محفوظ بماند، و حقوقشان پایمال نگردد.

3. معاویه یک میلیون درهم بین یتیمان جنگ جمل و صفین تقسیم کند.

4. امام عليه‌السلام معاویه را امیر المؤمنین نخواند.

5. معاویه باید بر اساس کتاب خدا و سنّت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم عمل کند.

6. معاویه پس از مرگ، خلافت را به دیگری واگذار نکند.

معاویه این شرائط و شرائط دیگر مربوط به حفظ اسلام به ویژه شیعیان را پذیرفت و جنگ پایان یافت، اما آن ملعون به هیچیک از شروط این قرارداد عمل ننمود بلکه خلاف تمام آنها عمل کرد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الصحیح من السیرة: ج8 ص398. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص 150. معجم البلدان: ج2 ص489.

2. تتمه المنتهی: ص 41-40. فیض العلام: ص 148. مآثر الانافة قلقشندی: ج1 ص110. تاریخ دمشق: ج59 ص149. صحیح ابن حبان: ج15 ص38.

3. فیض العلام: ص225. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص155. مستدرک سفینة النجاة: ج5 ص213.

4. ارشاد: ج2 ص14. بحار الانوار: ج44 ص2، 65. معالی السبطین: ج1 ص38. مقاتل الطالبیین: ص26.

تتمه این ماه

### 1. زیارت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم قبر مادرش را

در این ماه در سال 6 رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم هنگام مراجعت از جنگ بنی لحیان به زیارت قبر مادرش جناب آمنه وهب عليها‌السلام رفتند. (1)

هنگام زیارت، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم گریستند و مسلمین از گریه آن حضرت گریستند؛ و تا به آن روز به آن مقدار گریه کننده دیده نشده بود، و در آنجا قبر مادرش را تعمیر و اصلاح فرمودند. (2)

در روایات وارد شده است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم قبر مادرشان را چندین بار زیارت فرموده است مانند برگشت آن حضرت از عمره حدیبیه، بعد از فتح مکه، بعد از جنگ تبوک و بعد از حجة الوداع.

### 2. غارت خیمه امام حسن عليه‌السلام

در این ماه بود که لشکریان امام حسن عليه‌السلام به آن حضرت اهانت کردند و خیمه آن مظلوم عليه‌السلام را غارت کرده آن چه در آن بود را به یغما بردند. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحارالانوار: ج20 ص298. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص208.

2. الغدیر: ج1 ص165. مستدرک حاکم: ج1 ص375، وج2 ص336، 605. تاریخ بغداد: ج7 ص298. صحیح مسلم: ج3 ص65. مسند احمد: ج2 ص441. الدر المنثور: ج3 ص283، 284. تاریخ المدینة: ج1 ص120. المنصف (صنعانی): ج3 ص572. الطبقات الکبری: ج1 ص116.و... .

3. بحار الانوار: ج44 ص61. اختیار معرفة الرجال: ج1 ص330. و بنگرید: تاریخ دمشق: ج13 ص262.

4. ربیع الثانی

روزهای 1، 3، 6، 8، 10، 12، 13، 22، 25، 29، 30 از ماه ربیع الثانی حامل وقایعی بیاد ماندنی از تاریخ تشیع است.

شهادت حضرت زهراء عليها‌السلام و امام باقر عليه‌السلام بنابرقولی، وفات حضرت معصومه عليها‌السلام و وفات موسی مبرقع وقایع ناگوار این ماه اند. ولادت امام حسن عسکری عليه‌السلام، سفر آن حضرت به جرجان، قیام مختار و توابین، مرگ خالد بن ولید و انقراض بنی امیه وقایع مسرور کننده ای است که این ماه شاهد آن بوده است.

1 ربیع الثانی

### 1. قیام توابین

در این روز در سال 65 ه سلیمان بن صرد با گروهی از توابین - که نام شانزده هزار نفر آنان در دفتر سلیمان ثبت شده بود - برای خونخواهی امام حسین عليه‌السلام قیام کردند. (1)

در روز دوم ربیع الثانی، از «نخیله» کوفه برای جنگ با ابن زیاد ملعون حرکت کردند. در شب جمعه 5 ربیع الثانی از کوفه خارج شدند و روز بعد کنار قبر حضرت اباعبداللَّه رفتند. یک یا سه شبانه روز در کربلا ماندند و گریستند و استغفار نمودند و ضجه و ناله کردند، به طوری که مثل آن روز و به آن اندازه صدای ضجه در آن وادی شنیده نشده بود.

هنگام وداع، کنار قبر حضرت مانند ازدحام کنار کعبه شلوغ بود. هرکس با حالتی شعر می خواند و ناله می کرد و با آن حضرت وداع می کرد و خود را برای جنگ با ابن زیاد آماده می نمود.

سلیمان از شیعیان علی بن ابی طالب و امام حسن و امام حسین عليهم‌السلام بود و در جمیع جنگها در رکاب امیر المؤمنین عليه‌السلام حضور داشت. آخر الامر با لشکر ابن زیاد رو به رو شدند، و بعد از کشتن عده زیادی از آنان و مبارزات و جانفشانی های فراوان، سلیمان در سن 93 سالگی در عین الورد به شهادت رسید. از اصحاب سلیمان هم فقط 27 نفر که مجروح و خسته و تشنه بودند جان سالم به در بردند، و بقیه همه به شهادت رسیدند. (2)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار:ج45 ص358. مستدرک سفینة البحار: ج4 ص68. مقتل الحسین عليه‌السلام: (ابی مخنف): 283. تاریخ طبری: ج4 ص451.

2. بحار الانوار: ج 45، ص 359. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص168. طالببین تفصیل این ماجرا به کتاب های روضة الصفا و ناسخ التواریخ و قلائد النحور جلد ربیع الثانی مراجعه کنند.

حصین بن نمیر ملعون که در کربلا دلهای اهل بیت عليهم‌السلام را سوزاند در عین الورد به دست ابراهیم پسر مالک اشتر کشته شد و به جهنّم واصل گردید.

### 2. شهادت امام باقر عليه‌السلام

در این روز به روایتی، شهادت امام باقر عليه‌السلام است. (2)

3 ربیع الثانی

### 1. سفر امام حسن عسکری عليه‌السلام به جرجان

در این روز امام حسن عسکری عليه‌السلام برای وفا به وعده ای که فرموده بودند و آشکار شدن معجزاتی از آن بزرگوار به طی الارض از سامراء به جرجان تشریف فرما شدند. (3)

جعفر بن شریف می گوید: سالی قصد حج کردم، و قبل از حج به زیارت امام حسن عسکری عليه‌السلام در سامراء رفتم. اموالی از شیعیان همراهم بود که باید به آن حضرت می رساندم. خواستم از آن حضرت بپرسم اموال را به چه کسی بدهم، ولی پیش از آنکه من صحبت کنم حضرت فرمودند: «به مبارک خادم بده». عرض کردم: «همین کار را کرده ام»، و سپس بیرون آمدم و گفتم: «شیعیان شما در جرجان به شما سلام می رسانند». امام عليه‌السلام فرمود: مگر بعد از مراسم حج به جرجان بر نمی گردی؟ عرض کردم: بر می گردم.

فرمودند: 170 روز دیگر اول روز جمعه سوم ربیع الثانی به جرجان وارد می شوی. آن وقت به مردم اعلام کن که من در آخر همان روز به جرجان می آیم. برو به سلامت.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص 191.

2. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص 177.

3. الخرائج و الجرائح: ج1 ص425. بحار الانوار: ج 50، ص 263. الثاقب فی المناقب: ص215. مدینة المعجز: ج7 ص618. کشف الغمة: ج2 ص427.

خداوند متعال تو را و آنچه با توست به سلامت به اهل و اولادت خواهد رسانید. پسری برای پسرت متولد شده است. نام او را «صلت » بگذار، که خداوند به زودی او را به حد کمال می رساند و او از اولیاء ما خواهد بود.

من گفتم: یابن رسول اللَّه، ابراهیم بن اسماعیل جرجانی از شیعیان شماست و به دوستان شما هر سال بیش از صد هزار درهم احسان می کند، و در جرجان از اشخاصی است که متنعم به نعمت های الهی است. امام عليه‌السلام فرمودند: «خداوند به ابواسحاق ابراهیم بن اسماعیل در مقابل احسانی که به شیعیان ما می کند جزای خیر بدهد و گناهان او را بیامرزد و او را پسری صحیح الاعضاء روزی فرماید که قائل به حق باشد. به ابراهیم بگو: حسن بن علی می گوید: نام پسر خود را احمد بگذار».

راوی می گوید: از خدمت حضرت مرخص شدم و حج رفتم و بازگشتم، و در روزی که حضرت معین فرموده بودند به سلامت وارد جرجان شدم. هنگامی که اصحاب ما برای تهنیت آمدند، به ایشان گفتم: امام عليه‌السلام مرا وعده داده که در آخر امروز به اینجا تشریف می آورند. پس مهیا شوید و مسائل و حوائج خود را آماده کنید.

شیعیان چون نماز ظهر و عصر را به جا آوردند، در خانه من جمع شدند. ناگاه امام عسکری عليه‌السلام در همان ساعتی که فرموده بودند وارد شدند. هنگام ورود بر ما سلام کردند و ما به استقبال شتافتیم و دست آن حضرت را بوسیدیم. آنگاه حضرت فرمودند: من به جعفر بن شریف وعده کرده بودم که در آخر این روز نزد شما بیایم. من نماز ظهر و عصر را در سامراء به جا آوردم و نزد شما آمدم تا با شما تجدید عهد نمایم. اکنون شما حوائج و مسائل خود را بیاورید.

اول کسی که ابتدا به سؤال کرد نضر بن جابر بود. او گفت: یابن رسول اللَّه، پسر من از هر دو چشم نابیناست، دعا فرمائید تا خداوند دیده هایش را به او برگرداند. حضرت فرمودند: او را حاضر کن. او را حاضر کرد و حضرت دست مبارک بر چشمان او کشید و چشمانش روشن شد.

پس از او یک یک آمدند و حاجت خود را بیان کردند و حضرت حاجتهای آنان را برآورده می نمودند، تا اینکه حوائج همه را بر آوردند و مسائل آنها را جواب فرمودند و همان روز به سامراء مراجعت نمودند.

4 ربیع الثانی

### 1. ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی عليه‌السلام

در این روز در سال 173 ه آن برزگوار به دنیا آمدند. (1)

6 ربیع الثانی

### 1. مرگ هشام بن عبدالملک

روز چهارشنبه ششم ربیع الثانی سال 125 ه در رصافه هشام بن عبدالملک از دنیا رفت و به جهنّم واصل شد. (2)

او مردی احول و غلیظ و بدخو و بخیل بوده و حریص بود بر جمع مال، دستور کشتن زید بن علی بن الحسین عليه‌السلام را صادر کرد و امام باقر و حضرت صادق عليهما‌السلام را به شام احضار کرد و جسارتهای فراوانی به آن حضرات نمود و آخر الامر امام باقر عليه‌السلام را به شهادت رساند. 19 سال و 9 ماه و ده روز خلافت کرد و در 53 سالگی به جهنّم شتافت.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مستدرک علم رجال الحدیث: ج4 ص450. نور الآفاق.

2. تتمه المنتهی: ص 128. شجرة طوبی: ج1 ص142. فیض العلام: ص228. تاریخ طبری: ج5 ص513. تاریخ دمشق: ج2 ص375، ج63 ص321.

در زمان سفاح که قتل بنی امیه آغاز شده بود و قبرهای آنها را هم نبش می کردند و آنچه می یافتند می سوزاندند، وقتی نوبت به قبر ولید رسید اثری در آن باقی نمانده بود و از عبدالملک قسمتی از جمجمه اش مانده بود. هنگامی که قبر هشام را شکافتند بدن او هنوز متلاشی نشده بود، و لذا هشتاد تازیانه بر بدن او زدند و او را سوزانیدند و خاکسترش را به باد دادند.

بعضی گفته اند ظاهراً زدن هشتاد تازیانه به هشام به جهت حدّ قذف بوده که جسارت به مادر جناب زید بن علی بن الحسین عليه‌السلام نمود. (1)

8 ربیع الثانی

### 1. ولادت امام حسن عسکری عليه‌السلام

در این روز حضرت امام حسن عسکری عليه‌السلام در سال 232 ه جهان را به قدوم خود منور فرمودند. (2) و به روایت مصباح، تقویم المحسنین، اختیارات و دروس شهید، ولادت حضرت در چهارم این ماه بود است. (3) اقوال دیگری نیز در ولادت آن حضرت وجود دارد که عبارتند از 8 ربیع الاول (4) و 10 ربیع الثانی. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مرآة العقول: ج26 ص227. تتمه المنتهی: ص 118،127. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص 191. فیض العلام: ص 228. شرح نهج البلاغة: ج7 ص132-131.

2. بحار الانوار: ج50 ص235، 237. روضة الواعظین: ص251. اعلام الوری: ج2 ص131. فیض العلام: ص229.

3. بحار الانوار: ج50 ص238. تقویم المحسنین: ص16. اختیارات: ص35. الدروس الشرعیة: ج2 ص15. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص 185.

4. تاج الموالید: ص57. تاریخ قم: ص203.

5. مسار الشیعة: ص30. مصباح المجتهد: ص733. اقبال: ج3 ص149. بحار الانوار: ج50 ص235، 238. فیض العلام: ص231.

پدر آن حضرت امام هادی عليه‌السلام و مادر محترمه اش بانوئی است که نامش حدیث یا حدیثه یا سوسن یا سلیل است. (1) محل ولادت حضرت مدینه و مشهورترین القاب ایشان زکی، نقی، و کنیه حضرتش ابومحمد است.

آن حضرت را برای زیر نظر داشتن و کنترل رفت و آمدها، در محل سکونت سپاهیان ترک تبار دربار عباسی مسکن داده بودند، و از همین جاست که به آن حضرت «عسکری» می گویند. (2)

### 2. شهادت حضرت صدیقه طاهره عليه‌السلام (3)

بنابر روایتی که چهل روز پس از رحلت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را روز شهادت حضرت زهراء عليها‌السلام دانسته، روز هشتم ربیع الثانی روز شهادت حضرت به حساب می آید.

10 ربیع الثانی

### 1. وفات حضرت معصومه عليه‌السلام

در این روز در سال 201 ه (4) بنابر مشهور سالروز رحلت شهادت گونه حضرت ولیه اللَّه خاتون خلق جهان، عابده زاهده کامله مستوره حضرت فاطمه معصومه عليها‌السلام دختر امام موسی کاظم عليه‌السلام است.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ریاحین الشریعه: ج 3، ص 24. بحارالانوار: ج50 ص238-235.

2. بحارالانوار» ج50 ص113، 235. شرح احقاق الحق: ج19 ص621، ج29 ص40، 46، 68. تتمة المختصر فی اخبار البشر: ج1 ص348.

3. بحار الانوار: ج43 ص212. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام:ج3 ص406. جنة العاصمة: ص350. روضة الواعظین: ص151. وقایع الایام: ج ربیع الاول و ربیع الثانی، ص 204. مروج الذهب: ج1 ص403.

4. منتخب دریای سخن: ص34. اجم فروزان: ص58. فاطمة المعصومة عليه‌السلام: ص147. زندگانی کریمه اهل بیت عليها‌السلام: ص 83. العقیلة و الفواطم: ص198، به نقل از کتاب «نزهة الابرار فی نسب الئمة الابرار عليهم‌السلام». وسیلة المعصومیة عليها‌السلام: ص65. صد و یک منبر (چاپ سنگی): ص177. تقویم الائمة عليهم‌السلام: ص74. کتاب اخیر در سال 1381ق با تقریظ آیة نسابه سید شهاب الدین مرعشی نجفی به چاپ رسیده است.

آن حضرت 17 روز پس از ورود به شهر قم، با دلی شکسته و غصّه دار از داغ پدر و فراق برادر، رحلت فرمودند. در عزای آن حضرت شهر قم را یکپارچه غم و ماتم فرا گرفت. بدن مطهر آن حضرت را غسل داده کفن کردند، و به طرف باغ موسی بن خزرج مکان فعلی حرم مطهر آوردند. دو سوار نقتبدار از بیرون شهر آمدند و بر بدن آن حضرت نماز خواندند. آنگاه داخل سرداب شده بدن مطهر را دفن کردند و رفتند، و کسی آنان را نشناخت.

موسی بن خزرج آن باغ را وقف حضرت معصومه عليه‌السلام نمود، و از بوریا و حصیر سقفی بر روی قبر مطهر آن حضرت قرار داد. این بنا بود تا آنکه زینب دختر امام جواد عليه‌السلام بر روی قبر شریف قبه ای بنا نهاد. سپس جماعتی از دختران ائمه عليهم‌السلام در آن مکان دفن شدند. هنگامی که امّ محمّد دختر موسی بن محمّد بن علی الرضا عليه‌السلام فوت کرد، در کنار آن حضرت دفن شد. بعد از آن میمونه خواهر امّ محمّد از دنیا رفت، و آن بزرگوار هم در جنب امّ محمّد دفن شد. روی این دو قبر یک گنبد دیگر بنا کردندبه گونه ای که دو گنبد چسبیده به هم بر روی قبر حضرت فاطمه معصومه عليها‌السلام و امّ محمّد و میمونه بوده است.

به جز دختران معصومین عليهم‌السلام، دو کنیز هم دفن شده اند (1) که در هنگام مرمت کف حرم مطهر در زمان ناصرالدین شاه، روزنه ای به سردابی پیدا می شود و چند زن صالحه، وارد سرداب می شوند. پیکر پاک میمونه و دو تن از کنیزان را پس از هزار سال تر و تازه مشاهده می کنند. این سرداب جنب سرداب حضرت فاطمه معصومه عليها‌السلام قرار دارد. (2)

مرحوم نمازی وفات حضرت معصومه عليها‌السلام را در 12 ربیع الثانی سال 201 ه نقل کرده (3) و قول منسوب به شیخ حر عاملی رحمه‌الله هشتم شعبان سال 201 ه است. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. تاریخ قم: ص214-213. بحار الانوار: ج48 ص290، ج50 ص160، ج57 ص220-219.

2. اجساد جاویدان: ص 105.

3. مستدرک سفینه البحار: ج 8، ص 262.

4.حیاة الستّ عليها‌السلام: ص11.

امام صادق عليه‌السلام می فرماید: «برای خداوند متعال حرمی است و آن مکه، و برای رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حرمی است وآن مدینه، و برای امیرالمؤمنین عليه‌السلام حرمی است و آن کوفه، و قم کوفه صغیره است، و بهشت دارای هشت در است که سه در آن از قم است. در آن شهر زنی از اولاد من رحلت می کند که اسمش فاطمه است، و او دختر موسی بن جعفر عليه‌السلام است که به شفاعت او تمامی شیعیانم داخل بهشت می شوند». (1)

### 2. حمله روس به حریم سلطان طوس عليه‌السلام

در عصر روز دهم ربیع الثانی 1330 ه ق گنبد حرم حضرت رضا عليه‌السلام توسط روس ها به توپ بسته شد که در این حمله 17 گلوله توپ به گنبد مطهر اصابت کرد و بیشتر از 45 گلوله دیگر به ایوان طلا و مسجد جامع و درهای صحن جدید آن وقت و گنبد مسجد جامع و مطبخ خدام و غیر اصابت کرد؛ و در این حمله جمعیت زیادی حتی در اطراف ضریح مبارکه رضویه به شهادت رسیدند. (2)

12 ربیع الثانی

### 1. آغاز وجوب نماز

در سال هجرت در این روز نماز در حضر و سفر واجب شد. (3) بنابر قولی در 10 ربیع الثانی بوده است. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مجالس المؤمنین: ج1 ص83. بحار الانوار: ج57 ص228.

2. منتخب التواریخ ملا هاشم خراسانی. کرامات رضویة. حدیقة الرضویة.پ

3. مسار الشیعة: ص30. مصباح المتهجد. ص733. مصباح کفعمی: ج2 ص597. منتخب التواریخ: ص46.

4. تقویم المحسنین: ص16. اختیارات: ص35.

13 ربیع الثانی

### 1. شهادت حضرت زهرا عليه‌السلام

به روایت مرحوم ابن شهر آشوب در مناقب و قرمانی در اخبار الدول شهادت امّ ابیها فاطمه الزهراء عليها‌السلام در این روز بوده است. (1)

14 ربیع الثانی

### 1. قیام مختار رحمه‌الله (2)

در این روز مختار شاد کننده دلهای شکسته اهل بیت عليهم‌السلام با ندای «یا لثارات الحسین» در کوفه قیام کرد.مختار در سال اول هجرت در طائف به دنیا آمد و در سال 67 ه در کوفه به دست مصعب بن زبیر به شهادت رسید. کنیه او ابواسحاق است. ابوعبیده پدرش از صحابه بزرگ بود که در جنگ با فارس شهید شد. بعد از پدر، دو برادرش حکم و جبیر شهید شدند.

مختار در هیجده ماه حکومتش، هیجده هزار نفر از قاتلین سیّد السّهداء عليه‌السلام را به جهنّم فرستاد. این به غیر از کسانی است که به دست اصحاب و یاران او و ابراهیم بن مالک اشتر در بیرون کوفه و در کنار نهر خازر کشته شدند.

سعد عموی مختار از طرف امیر المؤمنین و امام حسن عليهما‌السلام والی مداین بود، و هرگاه جائی می رفت مختار را به جای خود می گذاشت.

امیر المؤمنین عليه‌السلام به او خبر از فتح و ظفر دادند، و میثم تمّار در زندان کوفه او را بشارت داد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج 3، ص 406. بحارالانوار: ج43 ص180. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص 219.

2. ذوب النضار: ص101. فرسان الهیجاء: ج2 ص217. بحار الانوار: ج 45، ص 367. مستدرک سفینة البحار: ج4 ص68. وقایع الایام: ج ربیع الاول، ص226. قلائد النحور: ج ربیع الثانی،ص 225.

در روز عید قربان ابومحمّد حکم پسر مختار خدمت امام باقر عليه‌السلام آمد. بعد از اینکه خود را معرفی کرد، امام باقر عليه‌السلام او را نزد خود خواند و او عرض کرد: آقای من، مردم در باره پدر من بسیار سخن می گویند. به خدا قسم سخن درست کلام شماست و هر چه شما بفرمائید آن را قبول دارم. امام عليه‌السلام فرمود: سبحان اللَّه،پدرم خبر داد که مهریه مادر من از پولی بود که مختار آن را برای پدرم فرستاد. مختار خانه های خراب ما را آباد کرد، و دشمنان ما را به قتل رسانید، و هر خونی که از ما ریخته شد طلب نمود. آنگاه سه مرتبه فرمود: «رحم اللَّه اباک». حقی از ما نزد احدی نماند مگر اینکه آن را گرفت.

در کودکی، امیر المؤمنین عليه‌السلام او را روی زانوی خویش می نشاند و به او لطف و مرحمت می فرمود. امام باقر عليه‌السلام می فرماید: بخدا قسم پدرم مرا خبر داد که مختار نزد فاطمه بنت امیر المؤمنین عليه‌السلام می آمد، و آن مخدره برای او فرش پهن نموده پشتی برایش می گذاشت. سپس فرمود: «هر حقی که ما نزد کسی داشتیم او مطالبه نمود». (1)

در روایت دیگر می فرماید: «هنگامی که مختار سر نحس عبیداللَّه را برای امام زین العابدین عليه‌السلام فرستاد، آن حضرت سر سفره بود و خوشحال شد و دعا فرمود». (2)

بنابر قول دیگری قیام مختار در شب 14 ربیع الاول سال 66 ه (3)؛ و بنابر قولی 16 ربیع الثانی بوده است. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج 45، ص 343، 351. اختیار معرفة الرجال: ج1 ص340، 341. ذوب النضار: ص61، 62.

2. اختیار معرفة الرجال: ج1 ص341. بحار الانوار: ج45 ص342، 386. ذوب النضار: ص144. فرسان الهیجاء: ج2 ص199-198، 244.

3. مقتل الحسین عليه‌السلام (ابی مخنف): ص326. بحار الانوار: ج45 ص386. ذوب النضار: ص145. وقائع الشهور: ص74. تاریخ طبری: ج4 ص496.

4. امالی شیخ طوسی: ص240. بحار الانوار: ج 45، ص 333. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص 232.

22 ربیع الثانی

### 1. وفات موسی مبرقع

جناب موسی مبرقع عليه‌السلام پسر حضرت جواد عليه‌السلام در سال 296 ه در شهر قم وفات یافت. (1) به نقلی وفات آن جناب در 8 ربیع الثانی بوده است. (2)

بنابر قول دیگری در 14 ربیع الثانی وفات موسی مبرقع واقع شده است. قبر آن بزرگوار در چهل اختران قم خیابان آذر مشهور است. (3)

نام: موسی، کنیه: ابوجعفر، لقب: مبرقع که از فرط زیبائی بر جمال مبارک نقاب می زد. نام پدر: جواد الائمه عليه‌السلام و مادر آن حضرت کنیز بود.

ایشان از اولین سادات رضوی بود که در سال 256 ه وارد قم گردید. او دائماً بر صورت خود برقعی داشت، ولی مردم عرب ساکن قم او را از قم بیرون کردند، و او به کاشان رفت و در آنجا مورد احترام قرار گرفت.

بعد از آمدن ابوالصدیم حسین بن علی بن آدم و مرد دیگری از رؤسای قم، عربهای قم متوجه شدند موسی چه کسی بوده است، و آن بزرگوار را به قم باز گرداندند و خانه ای برای او آماده کردند. همچنین در روستاهای متعدد زمین و باغ برای او خریدند و خواهرانش زینب و امّ محمّد و میمونه، دختران حضرت جواد عليه‌السلام به قم آمدند، و بر او وارد شدند.

هنگامی که جناب موسی مبرقع در قم از دنیا رفت، امیر قم عباس بن عمرو غنوی بر او نماز خواند، و در محل کنونی که در قم معروف است و قبلاً خانه محمّد بن حسن

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. تاریخ قم: ص216. بحار الانوار: ج 50، ص 161. تاریخ سامراء: ج 3، ص 402. مرآة العقول: ج6 ص128.

2. بحار الانوار: ج57 ص220.مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 230.

3. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص 226.

بن ابی خالد اشعری ملقب به شنبوله بود، دفن شد. (1) کلینی رحمه‌الله در کافی به سند معتبر نقل کرده که جناب موسی مبرقع تولیت اوقاف را از جانب امام عليه‌السلام داشته اند. (2)

25 ربیع الثانی

### 1. خلع معاویه بن یزید خود را از خلافت

هنگامی که یزید بن معاویه در 14 ربیع الاول سال 64 ه به درکات جحیم شتافت، فرزندش معاویه به جای وی نشست. او پس از چهل روز در 25 ربیع الثانی بر فراز منبر رفت و خطبه خواند و اعمال پدران خود را یاد کرد، و بر جد و پدر خود لعنت کرد و از افعال ایشان تبری جست و گریه شدیدی نمود، و آنگاه خود را از خلافت خلع نمود.

مروان بن حکم لعنت اللَّه علیه از پای منبر برخاست و گفت: الحال که طالب خلافت نیستی پس امر خلافت را به سوئی بیفکن. معاویه بن یزید گفت: من حلاوت خلافت را نچشیدم، چگونه راضی شوم که اوزار آن را بچشم. به هر صورت در خانه نشست و مشغول گریه شد و 25 یا 30 یا 40 روز بعد از این واقعه فوت کرد و به قولی او را مسموم کردند. پس از او خلافت اولاد ابوسفیان تمام شد و به مروان و آل او منتقل شد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج50 ص160. سفینة البحار: ج4 ص668. مرآة العقول: ج6 ص128. تاریخ سامراء: ج3 ص403-402. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص226.

2. کافی: ج 1، ص 325. بحار الانوار: ج50 ص122.

3. توضیح المقاصد: ص 13 - 12. اربعین قمی: ص503. تتمه المنتهی: ص 72. قلائد النحور: ج ربیع الثانی: ص 262. فیض العلام: ص 255.

آخر ربیع الثانی

### 1. مرگ خالد بن ولید

در روز آخر ربیع الثانی خالد بن ولید بن مغیره مخزومی به اسفل السافلین جهنّم شتافت. (1) او 20 سال بعد از بعثت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در اواخر زندگانی آن حضرت، به همراه عمروعاص به ظاهر اسلام را قبول کرد. ابوبکر او را حاکم شام کرد، و عمر او را عزل کرد. پس از مدتی در شهر حمص مرد و در همانجا مدفون شد. (2)

خالد و عمروعاص از کسانی بودند که در لیلة المبیت قصد کشتن پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را داشتند. (3)

در مواردی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از کارهای خالد بیزاری جستند. او بدون اجازه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بنی جذیمه را به قتل رساند و عده ای را اسیر کرد، آن ها قبل از کشته شدن تصریح می کردند که ما مسلمانیم و نماز می خوانیم و رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را تصدیق میکنیم و مساجد بنا کرده ایم و اذان در آن می گوییم... .

خالد گفت: «هر کس اسیری در دست دارد او را بکشد». بنو سلیم تمام اسیرانشان را کشتند ولی مهاجر و انصار اسرا را نزد پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرستادند و آن حضرت دستان مبارک را بلند کرد و دوبار فرمود: «خدایا من بیزاری می جویم به سوی تو از کاری که خالد کرده است.»

چندی بعد مقداری طلا و متاع به دست رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم رسید. آن حضرت به امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود: به سوی بنی جزمیه برو و آنان را از آتچه خالد کرده راضی کن... . امیرالمؤمنین عليه‌السلام نزد آنان رفت و طبق حکم خداوند؛ دیه هر خونی را داد، و

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. اختیارات: ص35. وقایع الشهور: ص 91.

2. اسد الغابه: ج 3، ص 96. طبقات الکبری: ج7 ص397.

3. الصحیح من السیرة: ج 4، ص 9. شرح نهج البلاغة: ج13 ص304.

برای هر جنینی بالاترین قیمت را حساب کرد، و عوض هر مالی پرداخت، و اضافه ای هم بابت آب خور سگ هایشان و ریمسان چوپانشان داد، و باز مقدار اضافه را برای ترس زنان و هراس کودکان و برای آنچه می دانستند و نمی دانستند داد. آخر الامر اضافه ای داد تا از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم - که بی تفصیر بود- راضی شوند... .(1)

خالد بن عمار ناسزا گفت. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:« هر کس عمار را سب کند خداوند او را سب می کند». (2)

او به دستور ابوبکر خواست امیر المؤمنین عليه‌السلام را به شهادت برساند، ولی قبل از هر اقدامی آن حضرت متوجه شدند، و با دو انگشت گلوی خالد را آن چنان فشار دادند که خالد نعره کشید و مردم فرار کردند و خالد لباسش را نجس کرد. آنگاه گفت: ابوبکر و عمر مرا به این کار امر کرده اند. هر کس واسطه شد، آن حضرت او را رها نکرد تا آنکه ابوبکر عمر را فرستاد و ابن عباس را آورد. ابن عباس حضرت را به قبر مطهر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و فرزندانش و حضرت صدیقه عليها‌السلام قسم داد و حضرت او را رها کرد. ابوبکر به عمر گفت: «این هم نتیجه مشورت با تو»! چه اینکه عمر، خالد را برای این کار انتخاب کرده بود. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. علل الشرائع: ج2 ص474. خصال: ص562. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج2 ص151. بحار الانوار: ج21 ص141، 142، 143، ج31 ص327، ج38 ص73، ج101 ص242. الغدیر: ج7 ص168، 169. سبعة من السلف: ص337. صحیح بخاری: ج5 ص107، ج7 ص154، ج8 ص118. طبقات الکبری: ج2 ص148. عیون الاثر: ج2 ص209. سبل الهدی و الرشاد: ج6 ص200. تاریخ طبری: ج2 ص342. تاریخ یعقوبی: ج2 ص61. مسند احمد: ج2 ص150. سنن نسائی: ج8 ص238. سنن بیهقی: ج9 ص217. اسد الغابة: ج2 ص94. تاریخ دمشق: ج16 ص233. سیر اعلام النباء: ج1 ص370.

2. سبعة من السلف: ص345-342. الغدیر: ج1 ص331، ج9 ص27. المعجم الکبیر: ج4 ص112، 113. کنز العمال: ج3 ص533، 534.

3. احتجاج: ج1 ص118. کتاب سلیم بن قیس هلالی رحمه‌الله: ج2 ص872-871. الایضاح: ص156، 158. تفسیر قمی: ج2 ص159-158. علل الشرائع: ج1 ص191. اختیار معرفة الرجال: ج2 ص695. المستر شد: ص451. بحار الانوار: ج28 ص305، ج29 ص126-125، 137-136، ج47 ص356. الصراط المستقیم: ج1 ص324. غایة المرام ج5 ص345. شرح نهج البلاغة: ج13 ص303-302.

همچنین خالد بن ولید مالک بن نویره رحمه‌الله را با عده زیادی از قبیله او به جرم بیعت نکردن با ابوبکر کشت و در همان شب با همسر مالک مرتکب زنا شد. (1) وقتی عمر این قضیه را شنیر، گفت: «تو را سنگسار می کنم» ولی این کار را انجام نداد؛ برای اینکه سعد بن عبادة را به خاطر آنان کشت. در اینجا بود که عمر او را به سینه چسباند و گفت: تو شمشیر خدا و شمشیر رسول خدایی!؟ (2)

در مورد دیگری هنگامی که ابوبکر او را به سوی قبیله بنی سلیم فرستاد، عده ای از مردان قبیله را در محلی جمع کرد و آنان را به آتش سوزانید. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الغدیر: ج5 ص264، ج7 ص158. الصراط المستقیم: ج3 ص279. الاستغاثة: ج1 ص6. بحار الانوار: ج30 ص495-471. الشافی فی الامة: ج4 ص162. التعجب: ص40 (108). سبعة من السلف: ص346. النص و الاجتهاد: ص119. شرح نهج البلاغة: ج1 ص179. تاریخ طبری: ج2 ص504-501. تاریخ یعقوبی: ج2 ص131. تاریخ دمشق: ج16 ص274-255. اسد الغابة: ج4 ص295. البدایة و النهایة: ج6 ص354.

2. الاستغاثة: ج1 ص7. احتجاج: ج1 ص94، ج2 ص148. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام ج1 ص331. بحار الانوار: ج28 ص183، 336، ج29 ص442، ج30 ص494. الصراط المستقیم: ج3 ص6، 109 بیت الاحزان: ص59. نهج السعادة: ج5 ص272. انوار العلویة: ص284. شرح احقاق الحق: ج2 ص346. شرح الاخبار: ج2 ص28. مجالس المؤمنین: ج1 ص234. سبعة من السلف: ص348-346. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج1 ص179، ج10 ص111، ج17 ص223.

3.الغدیر: ج7 ص155. سبعة من السلف: ص347. طبقات الکبری: ج7 ص396. تاریخ دمشق: ج16 ص240، 255. المنصف (ابن ابی شیبة): ج8 ص5. تاریخ خلیفة...:ص67. سیر اعلام النبلاء: ج1 ص372.

5 جمادی الاوّل

در این ماه تنها روزهای 5، 6، 10، 13، 15، 25، 27، 29 مقارن وقایع مهمی از تاریخ است.

ولادت حضرت زینب عليها‌السلام خبر خوش این ماه است. جنگ موته، جنگ جمل دو اتفاق مهم این ماه است.

شهادت حضرت زهرا عليها‌السلام و تحویل پیراهن امام حسین عليه‌السلام به حضرت زینب عليها‌السلام دو واقعه جانسوز این ماه است. وفات جناب عبد المطلب عليه‌السلام، وفات محمّد بن عثمان عمری نیز از حوادث این ماه است و مرگ معاویه پسر یزید پایان دهنده حکومت بنی امیّه است.

5 جمادی الاولی

### 1. ولادت حضرت زینب عليه‌السلام

ولادت با سعادت حضرت زینب عليها‌السلام در مدینه طیبه در سال پنجم یا ششم هجری در این روز واقع شده است. (1) اقوال دیگر در ولادت آن حضرت عبارت است از اوایل شعبان سال 6 ه (2)، اول شعبان (3)، 30 شعبان (4)، ماه رمضان سال 6 ه، دهه آخر ربیع الثانی در سال 5 یا 6 یا 7 ه. (5)

پدر بزرگوار آن حضرت امیر المؤمنین عليه‌السلام، و مادر گرامی اش حضرت صدیقه طاهره عليها‌السلام است. همسر آن حضرت جناب عبداللَّه بن جعفر ابی طالب عليه‌السلام، و فرزندان آن حضرت، علی، عون، عباس، محمّد و امّ کلثوم هستند که عون و محمّد در کربلا شهید شدند.

کنیه آن مخدره ام کلثوم، امّ عبداللَّه و امّ الحسن است، ولی کنیه های خاص حضرت امّ المصائب، امّ الرزایا و امّ النوائب است.

القاب آن مخدره بسیار است، و از آن جمله: عقیله بنی هاشم، عقیله الطالبین، صدیقه صغری (اشاره به مادرش که صدیقه کبری است و پدرش که صدیق اکبر است) عصمت صغری، ولیه اللَّه، الراضیه بالقدر و القضاء، صابره البلوی من غیر جزع و لا شکوی، امینه اللَّه، عالمه غیر معلمه، فهمه غیر مفّهمهمحبوبه المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، ثانیه الزهراء عليها‌السلام، الشریفه.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. عقیله بنی هاشم عليها‌السلام: ص 5. زینب الکبری عليها‌السلام: ص 17. مستدرک سفینة البحار: ج4 ص316، ج5 ص208. تقویم الائمة عليهم‌السلام: ص71. وفیات الائمة عليها‌السلام: ص431. منتخب التواریخ: ص 95-94. العقیلة و الفواطم علیهن السلام: ص10.

2. ریاحین الشریعه: ج 3، ص 33.

3. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص413. معالی السبطین: ج2 ص221. وفیات الائمة عليهم‌السلام: ص431.

4. تقویم الائمة عليهم‌السلام: ص79.

5. ریاحین الشریعه: ج 3، ص 33.

از نسل علی فرزند حضرت زینب عليها‌السلام که معروف به زینبی است فرزندان زیادی به دنیا آمده اند، که سیوطی رساله زینبیه را در باره آنها تألیف کرده است. (1)

### ماجرای ولادت حضرت

هنگام ولادت آن حضرت، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در سفر بودند. امیر المؤمنین عليه‌السلام برای نامگذاری این مولود فرمودند: «بر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم سبقت نمی گیرم». تا آنکه حضرت آمدند و منتظر وحی شدند. جبرئیل نازل شد و عرض کرد: خداوند سلام می رساند و می فرماید: «این دختر را زینب نام بگذار، چه اینکه این نام را در لوح محفوظ نوشته ایم».

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حضرت زینب عليها‌السلام را طلب کرده بوسیدند و فرمودند: «وصیت می کنم به حاضرین و غائبین که این دختر را به خاطر من پاس بدارید، که همانا وی به خریجه کبری عليها‌السلام مانند است». سکینه و وقار آن حضرت را به خدیجه کبری عليها‌السلام و عصمت و حیایش را به فاطمه زهرا عليها‌السلام و فصاحت و بلاغتش را به علی مرتضی عليه‌السلام و حلم و بردباریش را به حسن مجتبی عليه‌السلام و شجاعت و قوّت قلبش را به حضرت سیّد الشّهداء عليه‌السلام همانند نموده اند. (2)

ابن حجر در اصابه و ابن اثیر در اسد الغابه در حالات آن حضرت نوشته اند: او عاقله، فهیمه و شجاع بود، و در مجلس یزید لعنت اللَّه علیه حضرت زینب عليها‌السلام کلماتی فرمودند که دلالت بر قوّت قلب آن حضرت دارد. (3) آن حضرت در کرم و بصیرت و حلم مشهور خاندان بنی هاشم و عرب بوده، و بین جمال و جلال، سیرت و صورت و

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ریاحین الشریعة: ج3 ص46، 207. السیدة زینب الکبری عليه‌السلام من المهد الی اللحد: ص30، 46. عقیلة بنی هاشم عليه‌السلام: ص5، 36. زینب الکبری عليه‌السلام: 16، 119. وفیات الائمة عليهم‌السلام: ص431. انساب الطالببین. منتخب التواریخ: ص94. العقلیة و الفواطم علیهن السلام. تاریخ الخمس: ج2 ص317. تذکرة الخواص: ص175.

2. ریاحین الشریعة: ج3 ص38.

3. اسد الغابة: ج5 ص469. الاصابة: ج8 ص166.

اخلاق و فضیلت جمع کرد. شبها در عبادت بود و روزها روزه و او به اهل تقوی معروف بود. (1)

6 جمادی الاولی

### 1. جنگ موته (2)

در سال 7 یا 8 هجرت در چنین روزی جنگ موته به وقوع پیوست و جعفر بن ابی طلب عليهم‌السلام در سن 41 سالگی به شهادت رسید. (3) تعداد مسلمین در این جمگ سه هزار نفر و تعداد کفار صد هزار نفر بود.

این جنگ از آنجا آغاز شد که حارث بن امیر ازدی که حامل نامه ای از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به قیصر روم بود، در زمین های موته به دستور شرحبیل بن عمرو سردار لشکر روم دستگیر شد و دستهای او را بستند و گردنش را زدند. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از شنیدن این خبر بسیار ناراحت شدند و لشکری به موته روانه فرمودند.

در این جمگ پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و امیر المؤمنین عليه‌السلام حضور نداشتند و آن حضرت سه امیر به ترتیب بر لشکر قرار دادند و فرمودند: «هر یک شهید شدند دیگری امیر لشکر باشد. جعفر بن ابی طالب عليهم‌السلام ، زید بن حارثه، عبداللَّه بن رواحه».

### شهادت سه فرمانده

هر سه این بزرگواران شهید شدند. اول جناب جعفر به میدان آمد و بعد از مبارزه

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. وفیات الائمة عليهم‌السلام: ص441-440. العقیلة و الفواطم علیهن السلام: ص51-50. مجلة الاسلام: شماره 27، محمد غالب شافعی.

2. بحارالانوار: ج21 ص50. شرح نهج البلاغة: ج15 ص61. تاریخ یعقوبی: ج2 ص65. تاریخ طبری: ج2 ص318. طبقات الکبری: ج2 ص128.

3. وقائع الشهور: ص94.

دلیرانه ای دو دست آن حضرت را قطع کردند، و با اینکه جراحتهای زیادی بر بدن جناب جعفر وارد شده بود، اما بواسطه هیبت و شجاعتهای آن حضرت در میدان، کسی جرأت جدا کردن سر آن حضرت را نمی کرد. لذا دشمن دفعه حمله کرد و بدن آن حضرت را با نیزه از زمین بلند کردند. در همان لحظه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در مدینه بر فراز منبر تشریف داشتند و ماجرا را برای مردم بیان می فرمودند. ناگهان صورت مبارک را به طرف آسمان بلند کردند و در حق جعفر دعا فرمودند: «خداوند دو بال به آن بزرگوار عنایت فرمود که با ملائکه در بهشت پرواز می کند.»

پس از شهادت هر سه امیر تعیین شده از طرف پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، را در یک قبر دفن کردند. از خبر شهادت جناب جعفرپیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بسیار گریستند و دستور دادند تا سه روز غذا به منزل جعفر ببرند.

### سوابق جعفر

اولین مردی که بعد از علی عليه‌السلام به امر جناب ابوطالب عليه‌السلام پشت سر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نماز خواند، جناب جعفر بود. او از برادرش امیر المؤمنین عليه‌السلام ده سال بزرگتر بود.

در حبشه هنگامی که عمروعاص و دیگران قصد داشتند نجاشی را راضی کنند که جعفر و همراهانش را تحویل دهد، او آیاتی از کتاب الهی تلاوت نمود که نجاشی و اطرافیانش گریستند. عمروعاص چندین بار خواست جعفر و همراهانش را نزد نجاشی افرادی نادرست جلوه دهد ولی نتیجه بر عکس شد و احترام آنها نیز نزد نجاشی بیشتر شد، مخصوصاً زمانی که آیات در رابطه با حضرت عیسی عليه‌السلام قرائت شد.

آخر الامر عمروعاص غذائی مسموم تهیه کرد و برای جعفر فرستاد که آن حضرت را شهید کند، ولی گربه ای آمد و از آن غذا مختصری خورد و بقیه غذا ریخت و آن گربه هم مرد، و توطئه عمروعاص فاش شد.

در روز فتح خیبر، جعفر به همراه همسرش و دیگر مسلمانان به مدینه آمدند، و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از آمدن آنان بسیار خوشحال شدند و فرمودند: «نمی دانم به کدام خوشحالتر باشم: به فتح خیبر یا به آمدن جعفر»؟! (1)

10 جمادی الاولی

### 1. جنگ جمل

در سال 36 ه در چنین روزی، جنگ جمل اتفاق افتاد (2) و بصره فتح شد و نزول نصر از خداوند کریم بر امیر المؤمنین عليه‌السلام واقع شد. (3) بنا بر قولی در پنجم این ماه واقع شده است (4) و قول دیگر نوزدهم این ماه است. (5)

ابتدای این واقعه از آنجا شروع شد که بعد از بیعت مردم با امیر المؤمنین عليه‌السلام، طلحه و زبیر به بهانه عمره از مدینه خارج شدند و به عایشه پیوستند. عبداللَّه بن عامر که قبلاً عامل عثمان در بصره بود و از طرف امیر المؤمنین عليه‌السلام عزل شده بود، به مکه آمد و شتری که دویست دینار خریده بود برای عایشه آورد و به طرف بصره حرکت کردند تا به این شهر رسیدند. پس از ورود، به خانه عثمان بن حنیف عامل امیر المؤمنین عليه‌السلام ریختند و او را اسیر کردند و بسیار کتک زدند و موی ریش و سر و دو ابروی او را کندند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. منتخب التواریخ: ص 57 - 58. سیری در شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج 2، ص 410 - 411. وقایع المشهور: ص 94.

2. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص181. بحار الانوار: ج32 ص172. تتمه المنتهی: ص 17. فیض العلام: ص 239. التنبیه و الاشراف: ص256.

3. مسار الشیعه: ص 31. بحار الانوار: ج 97، ص 384. مصباح کفعمی: ج 2، ص 597. العدد القویه: ص 53. مصباح المتهجد: ص 733. تقویم المحسنین: ص16. اختیارات: ص35. تذکرة الخواص: ص71.

4. العدد القویة: ص54. بحار الانوار: ج32 ص211، ج95 ص192.

5. منتخب التواریخ: ص160.

امیر المؤمنین عليه‌السلام برای مقابله با آنها به طرف بصره حرکت فرمودند. در این جمگ همراه امیر المؤمنین عليه‌السلام، امام حسن و امام حسین عليهما‌السلام و همچنین محمّد حنفیه و عبداللَّه بن جعفر و اولاد عقیل و عده ای از جوانان بنی هاشم همراه با عمار و ابوایوب انصاری و عده ای از مهاجر و انصار بودند. 80 نفر از اصحاب بدر، 250 نفر از کسانی که با پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در بیعت شجره شرکت کرده بودند و 1500 نفر از سایر اصحاب پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شرکت کردند. (1)

مسلم مجاشعی را همراه با قرآنی فرستادند که بصریان را به حکم قرآن بخواند، ولی آنها مسلم را هدف تیر ساختند و شهید کردند. بعد از موعظه های عمار و فرمایشات امیر المؤمنین عليه‌السلام، در دهم جمادی الاولی جنگی را که عایشه شروع کرده بود ادامه دادند و امیر المؤمنین عليه‌السلام در مقام مقابله با آنها بر آمدند. در این جمگ از لشکر امیر المؤمنین عليه‌السلام که 20 هزار مرد جنگی بودند پنج هزار نفر شهید شدند، و از لشکر عایشه که 30 هزار نفر بودند 13000 نفر کشته شدند. (2)

آخر الامر که پیروزی نصیب لشکر امیر المؤمنین عليه‌السلام شد، حضرت کنار هودج عایشه آمدند و فرمودند: «ای حمیرا، پیامبر تو را امر کرده بود که به جنگ من بیرون آیی؟ آیا تو را امر نفرمود که در خانه خود بنشینی و بیرون نیایی؟ بخدا سوگند، انصاف ندادند آنانکه زنهای خود را پشت پرده پنهان داشتند و تو را بیرون آوردند». محمّد بن ابی بکر خواهرش را از هودج بیرون کشید. امیر المؤمنین عليه‌السلام دستور داد او را به خانه صفیه دختر حارث بن ابی طلحه ببرند و بعد او را به مکه و از مکه به مدینه فرستاد. در این جنگ زید بن صوحان که از بزرگان لشکر و شیعیان امیر المؤمنین عليه‌السلام بود شهید شد و آن حضرت بالای سرش آمده فرمودند: «ای زید، خدا رحمتت کند که تعلقات دنیوی تو اندک بود، و امداد تو در دین بسیار بود».

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج3 ص190. بحار الانوار: ج 32، ص 183، 196. امالی طوسی: ص726.

2. بحار الانوار: ج 32، ص 174، 196، 211. منتخب التواریخ: ص 161-159. تعداد شهدای لشکر امیر المؤمنین عليه‌السلام را هزار و هفتاد نفر و نیز هزار و هفتصد نفر و به قولی چهار هزار نفر هم گفته اند.

### 2. تحویل پیراهن امام حسین عليه‌السلام به حضرت زینب عليه‌السلام

در این روز حضرت زهرا عليها‌السلام پیراهن ابراهیم خلیل الرحمن عليه‌السلام را به زینب کبری عليها‌السلام دادند و فرمودند: «هنگامی که برادرت حسین عليه‌السلام این پیراهن را از تو خواست، بدانکه ساعتی بیشتر مهمان تو نیست، وسپس به بدترین حالات به دست اولاد زنا کشته می شود».

این برنامه سه روز قبل از شهادت حضرت زهرا عليها‌السلام بود. (1)

این پیراهن را خداوند در بهشت خلق فرمود و آن را نزد حضرت آدم عليه‌السلام به امانت سپرد و بعد از انبیا این امانت را حفظ میکردند و در مشکلات با آن به درگاه الهی توسل میجستند، تا به دست پیامبر خاتم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم رسید و بعد از آن حضرت نزد حضرت زهرا عليها‌السلام بود. آن حضرت سه روز قبل از شهادت آن را به زینب کبری عليها‌السلام سپرد، تا در ساعات آخر روز عاشورا آن را به امام حسین عليه‌السلام تحویل دهد.

13 جمادی الاولی

### 1. شهادت حضرت زهرا عليه‌السلام

شهادت مظلومانه و جانگداز حضرت امّ الائمه النجباء صدیقه کبری فاطمه زهرا عليها‌السلام در مدینه 75 روز پس از رحلت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم واقع شده است. (2) اقوال دیگر در باره شهادت حضرت در سوم جمادی الثانیه خواهد آمد. در شب چهاردهم، امیر المؤمنین عليه‌السلام به همراه جمعی قلیل از گلهای سر سبد اصحاب، بدن مطهر صدیقه کبری عليها‌السلام را به خاک سپردند.

به سند صحیح از حضرت صادق عليه‌السلام روایت شده است که حضرت فاطمه عليها‌السلام، 75 روز بعد از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم زنده بود. بنابر مشهور که وفات آن حضرت در 28 صفر باشد،

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. وقایع المشهور: ص 95. بحر المصائب: ج3 ص45-46.

2. کافی: ج1 ص241، 458، ج3 ص228، ج4 ص561. بصائر الدرجات: ص174. تاریخ الائمة عليهم‌السلام: ص6. تاریخ قم: ص194. بحار الانوار: ج22 ص454، ج29 ص192، ج43 ص7، 79، 195. زاد المعاد: ص 374. فیض العلام: ص 246. الهدایة الکبری: ص176. جنات الخلود: ص18.

شهادت حضرت صدیقه عليها‌السلام در 13 یا 14 یا 15 جمادی الاولی می شود. در این سه روز زیارت آن حضرت مناسب است. (1)

22 جمادی الاولی

### 1. وفات جناب قاسم بن موسی بن جعفر عليهم‌السلام

در این روز سید جلیل و بزرگوار صاحب کرامات؛ جناب قاسم بن امام کاظم عليه‌السلام وفات نمود؛ و به قولی وفات آن حضرت در اول ذی الحجه است. (2)

بعد از شهادت حضرت موسی بن جعفر عليها‌السلام و قتل و زندانی شدن سادات حضرت قاسم از مدنیه خارج شد و در باخمرا از حوالی شهر حله مهمان شیخ قبیل به نام شیخ سلیمان شد و آنجا کار می کرد و سپس ازدواج کرد و بعد از فوت در باخمرا دفن شد. (3)

حضرت کاظم عليه‌السلام به این بزرگوار علاقه فراوانی داشت. کلینی رحمه‌الله می فرمایند: یکی از فرزندان امام کاظم عليه‌السلام را حالت موت روی داد و آن حضرت به قاسم فرمود: فرزندم، برخیز و در بالین برادرت سوره صافات بخوان. قاسم رحمه‌الله شروع به خواندن آن سوره کرد تا رسید به آیه مبارکه «ءاَنتم اَشد خلقاً اَم خلقنا» که برادرش از سکرات موت راحت شد و جان داد. (4)

مزار شریفش در هشت فرسخی حله زیارتگاه عموم مردم است، و علما و اخیار به زیارت او عنایتی خاص دارند. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. فیض العلام: ص 248. مفاتیح الجنان: اعمال ماه جمادی الاولی.

2. حیاة القاسم بن الامام الکاظم عليه‌السلام: ص99، 100، 195.

3. شجرء طوبی: ص171. حیاة القاسم بن الامام موسی بن جعفر عليهما‌السلام: ص198 -178.

4. کافی: ج3 ص126. تهذیب الاحکام: ج1 ص427. بحار الانوار: ج48 ص289، 310.

5. برای توضیح بیشتر به منتهی الآمال ج2 ص23، شجره طوبی ص171 و وفات القاسم بن الامام الکاظم عليه‌السلام مراجعه شود.

27 جمادی الاولی

### 1. وفات جناب عبد المطلب عليه‌السلام (1)

در هشتمین سال ولادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حضرت عبد المطلب از دنیا رفت. (2) لازم به ذکر است که بنا بر فرمایش علاّمه مجلسی در مرآة العقول، 8 سال و 2 ماه و 10 روز از سن مبارک رسول اللَّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم گذشته بود که عبد المطلب عليه‌السلام از دنیا رفت، اگر سال قمری باشد روز رحلت 27 جمادی الاولی است و اگر مراد سال شمسی باشد تقریباً 27 شعبان می شود. (3) قول دیگر در وفات آن حضرت روز دهم ربیع الاول است. (4)

امام صادق عليه‌السلام فرمودند: روز قیامت عبدالمطلب به مانند یک امّت با سیمای انبیا و هیبت سلاطین محشور می شود. (5)

### 2. تخریب دو گلدسته حرم عسکریین عليهما‌السلام

صبح روز 27 جمادی الاولی سال 1428 ه ساعت 9 به وقت محلی بر اثر وقوع چندین انفجار دو گلدسته طلایی حرم مطهر حضرت هادی و امام عسکری عليهما‌السلام تخریب شد.

ناصیبیان در ساعت 3 بامداد وارد حرم مطهر آن حضرت شدند و بعد از درگیری با محافظین حرم مطهر اقدام به بمب گذاری در سراسر حرم نمودند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. العدد القویه: ص 127. مرآة العقول: ج5 ص178. بحارالانوار: ج15 ص156. وقائع الشهور: ص101. منتخب التواریخ: ص36.

2. کافی: ج1 ص439. مسار الشیعة: ص39. مصباح المجتهد: ص732. منتخب التواریخ: ص5. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص67. تذکرة الخواص: ص18.

3. منتخب التواریخ: ص 36.

4. مسار الشیعة: ص29. مصباح المجتهد: ص732. منتخب التواریخ: ص5. قلائد النحور: ج ربیع، ص67.

5. کافی: ج1 ص447. بحار الانوار: ج15 ص157، ج35 ص156. شرح نهج البلاغة: ج14 ص68.

انفجار نخستین این روز گلدسته طلای سمت چپ حرم شریف را کاملاً تخریب کرد، و انفجار دوم گلدسته سمت راست حرم به طور کامل فرو ریخت. بر اثر این انفجار ها سقف سرداب غیبت به کلی فرو ریخت و بعضی از قسمت های نیمه خراب حرم مطهر نیز تخریب شد.

چون از 16 ماه قبل در 23 محرم 1427 بعد از تخریب گنبد مطهر روضه منوره زیارت آن حرم ممنوع شده بود، این انفجار تلفاتی نداشت.

پس از رسیدن این خبر به شیعیان نجف و کربلا و قم و اکثر شهر های شیعه، دوستان و ارادتمندان به اهل بیت عليهم‌السلام با برپایی مجالس و بیرون آمدن دسته جات عزاداری به محضر امام عصر عليه‌السلام عرض تسلیت نموده، از عاملین این جنایت ها اضهار برائت کردند.

آخر جمادی الاولی

### 1. وفات محمّد بن عثمان عمری رحمه‌الله

وفات دومین نائب خاص امام عصر صلوات اللَّه علیه، جناب ابوجعفر محمّد بن عثمان بن سعید عمری رحمه‌الله در چنین روزی در سال 304 یا 305 واقع شده است. (1)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الغیبة (شیخ طوسی): ص 364. بحار الانوار: ج51 ص352. الکنی و الاقاب: ج3 ص268. وقایع الایام: ج شعبان، 345. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص231. العقبری الحسان: ج2 ص23.

6 جمادی الثانی

ماه جمادی الثانیه روزهای حزن و سرور را با هم در خود جای داده است. در روزهای 3، 4، 12، 13، 19، 20، 21، 22، 27، 28، 29 ایامی است که این خبرها را می توان در آنها جستجو کرد.

شهادت حضرت زهرا عليها‌السلام، وفات حضرت امّ کلثوم عليها‌السلام، وفات حضرت امّ البنین عليها‌السلام، شهادت سلطان علی بن محمّد الباقر عليه‌السلام، وفات حضرت سیّد محمّد بن علی الهادی عليه‌السلام، و شهادت ابراهیم بن مالک اشتر حوادث حزن انگیز این ماه هستند.

روز ازدواج والدین پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حضرت عبداللَّه و آمنه عليهما‌السلام، سپردن پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به حلیمه سعدیه، ولادت حضرت زهرا عليها‌السلام، مرگ ابوبکر، مرگ هارون الرشید وقایه سرور آفرین این ماه اند.

3 جمادی الثانی

### 1. شهادت حضرت زهرا عليه‌السلام (1)

امام رضا عليه‌السلام می فرماید: «ان فاطمه صدیقه شهیده»: «همانا فاطمه راستگو و شهیده است». (2)

در این روز در سال 11 ه بنابر قول 95 روز، در روز سه شنبه شهادت حضرت بتول عذراء مظلومه مضروبه حضرت سیده النساء فاطمه زهرا عليها‌السلام به وقوع پیوسته است.

بعد از شهادت و دفن پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم سه بار به منزل امیر المؤمنین و فاطمه زهرا عليهما‌السلام هجوم آورده، در هر لار به طریقی جسارت به اهل بیت عليهم‌السلام کردند. در یکی از این دفعات، که در منزل آن حضرت را آتش زدند و به زور وارد منزل شدند، حضرت صدیقه عليها‌السلام پشت در بودند.

با اینکه می دانستند آن حضرت پشت در است، با لگد و فشار در را باز کردند، و میخ در سینه آن مخدره را آزرد و محسن عليه‌السلام سقط شد و پهلوی آن حضرت شکست. آن حضرت بیهوش روی زمین قرار گرفت، و حضرت مولی الموحدین عليه‌السلام را با سر و پای برهنه و دست بسته به طرف مسجد بردند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. اعلام الوری: ج 1، ص 300. کشف الغمه: ج 1، ص 503. مسار الشیعه: ص 31. توضیح المقاصد: ص 13. مصباح کفعمی: ج 2، ص 597. مصباح المتهجد: ص 732. بحارالانوار: ج 43، ص 9، 170، 188، 196، 215، ج97 ص202. تقویم المحسنین: ص17. اختیارات: ص6. کفایة الاثر: ص65. مستدرک سفینة البحار: ج2 ص85. دلائل الامامة: ص134. اقبال: ج3 ص161. اللعمة البیضاء فی شرح خطبة الزهراء عليهما‌السلام: ص886. الذریة الطاهرة: ص110.

2. اصول کافی: ج 1، ص 458. مسائل علی بن جعفر عليهما‌السلام: ص325. منتقی الجمان: ج1 ص224. روضة المتقین: ج5 ص342. مأساة الزهراء عليهما‌السلام: ج1 ص100، ص329. الاسرار الفاطمیة عليهما‌السلام: ص397. الهجوم علی بیت فاطمة عليهما‌السلام: ص235.

وقتی حضرت زهرا عليها‌السلام به هوش آمدند به دنبال امیر المؤمنین عليه‌السلام رفتند، و از بردن آن حضرت به مسجد مانع شدند. داخل کوچه جلو چشم همسرش اسد اللَّه الغالب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عليه‌السلام، با تازیانه و علاف شمشیر بر بدن حضرت صدیقه شهیده عليها‌السلام زدند که طبق بعضی روایات از بازوی آن حضرت خون جاری شد و باز بیهوش روی زمین قرار گرفتند.

### روزهای حزن فاطمه عليه‌السلام

بعد از این وقایع و فجایع آن حضرت بعضی روزها با دلی شکسته و محزون کنار قبور شهدای احد می رفت و می گریست، و مرگ خود را از خداوند طلب می کرد، تا اینکه آهسته آهسته درد و جراحتهای بدن بیشتر شد، و از آن به بعد نزدیک مدینه زیر درختی می نشست و گریه و ناله می کرد. منافقین آن درخت را هم بریدند. بعد از آن امیر المؤمنین عليه‌السلام در آنجا سایبانی ساختند که مشهور به «بیت الاحزان» شد.

روز به روز بر شدت بیماری بی بی افزوده می شد. سینه شکسته و مجروح، بازوی ورم کرده، صورت نیلی، محسن سقط شده، غم پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، مظلومیّت امیر المؤمنین عليه‌السلام، کار را به جائی رساند که آن حضرت در بستر بیماری افتاد، و وصیت های خویش را به امیر المؤمنین عليه‌السلام فرمود: «شبانه مرا از زیر پیراهن غسل بده و کفن کن و دفن نما. قبرم مخفی باشد و ابوبکر و عمر در تشییع و نماز من حاضر نشوند. (1) عایشه و غیر عایشه نیز بر جنازه من حاضر نشوند.» (2)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بیت الاحزان: ص 262، 247. بحار الانوار: ج 43، ص 171، 182، 183، 214. فیض العلام: ص 261. جنه العاصمه: ص 351، 361. ریاحین الشریعه: ج 2، ص 67. مأساه الزهراء عليها‌السلام: ج 2، ص 18، 31، 45، 48، 49، 64، 76. فاطمه الزهراء عليها‌السلام بهجه قلب المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص 885، 807. وفاة فاطمة الزهراء عليها‌السلام (بیّومی): ص 104،105. عوالم العلوم جلد سیّدة النساء فاطمد الزهراء عليها‌السلام: ج 2، ص 1121 1057. روضة الواعظین: ص151. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص412.

2. سبعة من السلف: ص 253. بحار الانوار: ج43 ص189. کشف الغمة: ج1 ص504-503. اسد الغابة: ج5 ص524. الذریة الطاهرة: ص112.

### مدینه در شهادت فاطمه عليه‌السلام

روز شهادت آن حضرت، مدینه مثل روز شهادت خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شده بود. کوچک و بزرگ از زن و مرد، نالان و گریان بودند. بدن مطهر آن حضرت شبانه غسل داده شد و هنگام غسل، امیر المؤمنین و حسنین و زینبین عليهم‌السلام و فضه خادمه و اسماء بنت عمیس حاضر بودند. سپس عده ای از گلهای سر سبد اصحاب امیر المؤمنین عليه‌السلام: سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و... حاضر شدند و بدن را دفن کردند.

در بقیع، چهل صورت قبر ترتیب دادند و بر آنها مقداری آب ریختند. (1) فردای آن روز منافقین قصد نبش قبر را نمودند، ولی امیر المؤمنین عليه‌السلام اجازه نفرمودند.

احتمالات در محل دفن آن حضرت متعدد است، ولی زیارت آن حضرت در مسجد النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، حجره خود آن حضرت که در زمان ما جزء صحن مسجد است بین محراب و منبر، و در بقیع وارد شده است.

اضبغ بن نباته رحمه‌الله نقل می کند از امیرالمؤمنین عليه‌السلام از علت (شبانه) دفن شدن فاطمه زهرا عليه‌السلام سؤال شد. آن حضرت عليه‌السلام فرمودند: همانا او بر گروهی خشمناک بود (2) و نمی خاست که بر جنازه اش حاضر باشد و حرام است بر دوستان آن گروه که بر جنازه یکی از فرزندان او نماز گزارد. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج3 ص412. بحار الانوار: ج30 ص349، ج43 ص171، 183. دلائل الامامة: ص136. بیت الاحزان: ص185.

2. بحار الانوار: ج 28 ص316، ج29 ص333-329، ج30 ص387. الغدیر: ج7 ص174، 190، 226، ج9 ص ص387، 395. رسالة حول حدیث «نحن معاشر الانبیاء» (مفید): ص28. شرح احقاق الحق: ج10 ص478، 479، ج25 ص546-533، 566، ج33 ص356. تقریب المعارف: ص252. مأساة الزهراء عليها‌السلام: ج2 ص206. الهجوم علی بیت فاطمة عليها‌السلام: ص196. طبقات الکبری: ج2 ص315، ج8 ص28. شرح نهج البلاغة: ج6 ص50-49، ج16 ص232. الامامي و السیاسة: ج1 ص31. صحیح بخاری: ج4 ص42، ج5 ص82. صحیح مسلم: ج5 ص154. تاریخ مدینة: ج1 ص196. کنز العمال: ج5 ص601، ج7 ص242. صحیح ابن حبان: ج11 ص153، ج14 ص573.

3. امالی صدوق: ص756. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص412. بحار الانوار: ج31 ص620، ج43 ص183، 209. مستدرک الوسائل ج2 ص290.

مدت عمر آن مخدره مظلومه 18 سال و 60 روز یا 90 روز است. سال شهادت یازدهم هجری است.

### اقوال در شهادت حضرت زهرا عليه‌السلام

اقوال در شهادت حضرت زهرا عليها‌السلام چنین است:

1. سی روز بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم (1).

2. چهل روز بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم (8 ربیع الثانی). (2)

3. چهل و پنج روز بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم (سیزدهم ربیع الثانی). (3)

4. شصت روز بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم. (4)

5. هفتاد روز بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم. (5)

6. هفتاد و دو روز بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم. (6)

7. هفتاد و پنج روز بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم. (7)

8. هشتاد و پنج روز بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم. (8)

9. نود روز بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم. (9)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص677. تاریخ یعقوبی: ج2 ص115.

2. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص406. بحار الانوار: ج43 ص212. جنة العاصمة: ص350. روضة الواعظین: ص151. مروج الذهب: ج1 ص403. 3. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص406. بحار الانوار: ج43 ص180.

4. بحار الانوار: ج 43، ص 217. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص680. مستدرک حاکم: ج3 ص163. تاریخ دمشق: ج3 ص158. 5. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص677. تاریخ یعقوبی: ج2 ص115. البدایة و النایة: ج6 ص367. استعیاب: ج4 ص1894. اسد الغابة: ج5 ص524.

6. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص406. روضة الواعظین: ص143. بحارالانوار: ج43 ص156. مجمع النورین: ص158.

7. کافی: ج1 ص241، 458. الخرائج و الجرائح: ج2 ص526. بحار الانوار: ج22 ص545. اثبات الهداة: ج4 ص441. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص406. 8. دلائل الامامة: ص136. بحارالانوار: ج43 ص171. مجمع النورین: ص157.

9. بحارالانوار: ج43 ص188، 215. ذخائر العقبی: ص52. طبقات الکبری: ج8 ص28. تهذیب الکمال: ج35 ص251. الذریة الطاهرة: ص109.

10. نود و پنج روز بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم (سوم جمادی الآخر). (1)

11. صد روز بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم (هشتم جمادی الآخر). (2)

12. صد و دوازده روز بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم (20 جمادی الآخر). (3)

13. 4 ماه بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم. (4)

14. روز 21 رجب. (5)

15. 25 رجب. (6)

16. سوم ماه رمضان. (7)

17. 6 ماه بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم. (8)

18. 8 ماه بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم. (8)

علامه مجلسی در ذیل فرمایش امام کاظم عليه‌السلام می نویسد: این روایت دلالت بر شهیده بودن فاطمه زهرا عليها‌السلام می کند؛ که البته از متواترات است. سبب آن این بود که آنها بعد از غضب خلافت و بیعت اکثر مردم سراغ امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرستادند. تا بیعت مند ولی آن حضرت نپذیرفت. عمر آتشی آورد تا خانه را با اهل بیت عليهم‌السلام بسوزاند؛ و

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج 43، ص 171. دلائل الامامه: ص 46. بیت الاحزان: ص261. اقبال: ج3 ص161. جنة العاصمة: ص355. البته روز سوم جمادی الآخر به تنهایی و بدون ذکر 95 روز، در روایت شریف امام صادق عليه‌السلام آمده است که در این صورت اقوال در شهادت صدیقه طاهره عليهما‌السلام به 19 قول می رساند.

2. بحار الانوار: ج 22، ص 167، ج43 ص189، 213. کشف الغمة: ج1 ص503. ذخائر العقبی: ص52. معارف ابن قتبیه: ص62.

3. بحار الانوار: ج43 ص171. دلائل امامة: ص136. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج2 ص112.

4. وفاة الصدیقة الزهرا عليهم‌السلام مقرّم: ص115. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام ج3 ص406. وقائع الشهور: ص113. الاصابة: ج8 ص267. 5. مصباح المجتهد: ص748. زاد المعاد: ص35. 6. وقایع الشهور: ص126.

7. بحار الانوار: ج 43، ص 189، 214. نور الابصار: ص 42. ذخائر العقبی: ص52. المناقب (خوارزمی): ج 1، ص 83. الاصابة ابن حجر: ج 8، ص 268. 8. بحار الانوار: ج43 ص183، 200. ذخائر العقبی: ص52. مسند احمد: ج1 ص6. الاصابة: ج8 ص266. صحیح بخاری: ج4 ص42، ج5 ص82.

9. وفاه الصدیقه الزهراء عليها‌السلام مقرم: ص 115، از الاصابه ابن حجر: ج8 ص267. ذخائر العقبی: ص52. تاریخ دمشق: ج3 ص160.

خواستند داخل شوند ولی فاطمه زهرا عليها‌السلام ممنعات کرد. او درب را به پهلوی فاطمه عليها‌السلام زد که پهلو شکست و جنینی که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم او را محسن نامده بود سقط گردید.

پس از آن مرضی فاطمه عليها‌السلام شروع شد و در همان مرض از دنیا رفت... (1)

درباره شهادت حضرت زهرا عليها‌السلام جا دارد مروری بر منابع مربوط به آن داشته باشیم.

درباره آتش زدن در خانه به این مدارک مراجعه کنید:

عوالم: ج 11، ص 400 - 404 - 441 - 343. مؤتمر علماء بغداد: ص 137 135. اثبات الوصیه: ص 143. الغدیر: ج 6، ص391. ارشاد القلوب دیلمی به نقل بحار الانوار. کشف المراد: ص 402- 403. نوائب الدهور: ص 192. حلیه الابرار: ج 2، ص 652.

درباره اینکه چگونه پهلوی آن حضرت را شکستند، به این مدارک مراجعه کنید:

فرائد السمطین: ج 2، ص 34- 35. امالی صدوق: ص 99- 101. اثبات الهداه: ج 1، ص 280-281. البلد الامین: ص 551- 552. طریق الارشاد: ص 465. اقبال الاعمال: ص 625 (ج3 ص166.). بحار الانوار: ج 97، ص 200، ج 28، ص 268- 270.. عوالم: ج 11، ص 400- 404. شجرة طوبی: 254، 434، 443.

درباره اینکه حضرت صدیقه عليها‌السلام را کتک زدند، به این کتب مراجعه کنید:

اثبات الهداه: ج 1، ص 280 - 281. ارشاد القلوب دیلمی: ص 295. المحتضر: ص 109. امالی صدوق: ص 99، 101، 118. مناقب ابن شهر آشوب: ج 2، ص 209. تفسیر برهان: ج 2، ص 434. حلیه الابرار: ج 2، ص 652. الخطط المقریزی: ج 2، ص 346. سیره الائمه الاثنی عشر عليها‌السلام: ج 1، ص 132. اعلام النساء: ج 4، ص 124. فرائد السمطین: ج 2، ص 34-35. کتاب سلیم بن قیس رحمه‌الله: ج 2، ص 585، 586، 587، 674، 675، 907. بحار الانوار: ج 28، ص 297، 299. احتجاج: ج 1

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مرآة العقول: ج5 ص318. الهجوم علی بیت فاطمة عليها‌السلام: ص332.

ص 210، 216. دلائل الامامة: ص134. غایة المرام: ج5 ص318، 325. کامل بهائی: ج1 ص114.

درباره سیلی و کبودی چشم آن حضرت، به این کتب مراجعه کنید:

سیره الائمه الاثنی عشر: ج 1، ص 132. مأساه الزهراء عليها‌السلام: ج 1، ص 164، 193. الاسرار الفاطمیه عليها‌السلام: ص 135. کامل بهائی: ج1 ص114.

درباره علّت شهادت حضرت محسن عليه‌السلام به این کتب مراجعه کنید:

اثبات الوصیه: ص 143. الوافی بالوفیات: ج 6 ص 17. تراجم اعلام النساء: ج 2، ص 317. فرائد السمطین: ج 2، ص 34-35. امالی صدوق: ص 99-101. بشارة المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص 197، 200. روضة المتقین: ج5 ص342. النقض: ص302. القاب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و عترته عليهم‌السلام: ص 43. الهدایة الکبری: ص170. الاختصاص: ص5، 184. بحار الانوار: ج29 ص192، و ج 30 ص295-293. جنات الخلود: ص19. مأساة الزهراء عليها‌السلام: ج2 ص198 -136. الملل و النحل شهرستانی: ص83. لسان المیزان: ج1 ص268.

درباره اینکه آن حضرت شهیده شدند و به مرگ طبیعی از دنیا نرفتند، فرمایش امام رضا عليه‌السلام کافی است که می فرمایند: «اِنّها صدّیقه الشهیدة»... «همانا فاطمه عليها‌السلام راستگو و شهیده است.» (1) به مدارک زیر نیز مراجعه کنید:

مزار شیخ مفید: ص 156. مقنعه شیخ مفید: ص 459. بلد الامین: ص 278 198. بحار الانوار: ج 25، ص 373، ج 28، ص 268261، 270، ج 29، ص 192، ج 43، ص 170، 197، 200، ج 53، ص 23، ج 97، ص 197. مصباح الزائر: ص 26 25. مصباح المتهجد: ص 654. من لا یحضره الفقیه: ج 2، ص 574. تهذیب الاحکام طوسی: ج 6، ص 10. الوافی: ج 14، ص 1371 1370. جامع الاحادیث الشیعه: ج 12، ص 264. القاب ِلرسول و عترته عليهم‌السلام: ص 43 39. مرآة العقول: ج 5 ص315.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. اصول کافی: ج 2، ص 475. مأساة الزهرا عليها‌السلام: ج1 ص100، 329. الهجوم علی بیت فاطمة عليهم‌السلام: ص235. الاسرار الفاطمیة عليها‌السلام: ص397.

پس در این روز شیعیان باید به عزاداری آن حضرت قیام نمایند و آن مظلومه را زیارت کنند و ظالمان و غاصبان حق او را نفرین نمایند. (1)

4 جمادی الثانی

### 1. مرگ هارون الرشید

در شب چهارم سال 193 ه شقی پلید هارون الرشید در سن 45 سالگی به درک واصل شد. (2) و قول دیگر اول جمادی الثانی است. (3) او 23 سال خلافت کرد و قبرش پشت سر امام رضا عليه‌السلام قرار دارد، و جا دارد زائرین هارون را لعنت کنند.

12 جمادی الثانی

### 1. حرکت به سوی خیبر

در این روز در سال هفتم هجری پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم با 400 نفر به سوی خیبر حرکت فرمودند و دو روز بعد به آنجا رسیدند. (4)

13 جمادی الثانی

### 1. وفات حضرت امّ البنین عليه‌السلام

در این روز در سال 64 ه حضرت امّ البنین عليها‌السلام و مادر قمر بنی هاشم عليه‌السلام از دنیا رحلت فرمودند. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. اقبال: ج3 ص161. بحار الانوار: ج95 ص375.

2. توضیح المقاصد: ص 13. التنبیه و الاشراف: ص299.

3. تاریخ خلیفة بن خیاط: ص377. تاریخ الیعقوبی: ج2 ص430.

4. وقایع المشهور: ص 107.

5. امّ البنین عليها‌السلام سیّده نساء العرب: ص 84.

نام مبارک آن حضرت فاطمه، و کنیه شریفش امّ البنین است، و آن حضرت به همین کنیه معروفند. پدر آن حضرت حزام بن خالد، و مادرشان لیلی دختر شهید بن ابی عامر است.

امیر المؤمنین عليه‌السلام آن حضرت را به همسری برگزید و خداوند چهار پسر به آن حضرت عنایت فرمود: حضرت قمر بنی هاشم عباس عليه‌السلام، عبداللَّه، جعفر و عثمان عليهما‌السلام، که هر چهار پسر در کربلا شهید شدند.

بانوانی که از کربلا به مدینه مراجعت کردند، در خانه امّ البنین عليها‌السلام عزاداری می کردند. آن حضرت اگرچه در کربلا نبود ولی از ناله و گریه قرار نداشت و همه روزه به بقیع می رفت و آنقدر جانسوز مرثیه می خواند که مروان با آن همه قساوت قلب گریه می کرد. هنگامی که زنها او را امّ البنین خطاب می کردند و تسلیت می دادند، می فرمود: «دیگر مرا امّ البنین نخوانید...». (1) امام باقر عليه‌السلام می فرماید:«آن حضرت به بقیع می رفت و آن قدر جانسوز مرثیه می خواند که مروان با آن قاسوت قلب گریه می کرد.» (2) این گریه و زاری حضرت ادامه داشت تا بدرود حیات گفت. (3)

علامه مامقانی می نویسد: از علوّ مقام حضرت ام البنین عليهما‌السلام همین بس که وقتی بشیر بن جذلم خبر شهادت فرزندانش را به او داد، فرمود:«رگ های قلبم را بریدی! فرزندانم و هر آنچه زیر آسمان است به فدای اباعبدالله الحسین عليه‌السلام باد». (4)

19 جمادی الثانی

### 1. ازدواج حضرت عبداللَّه و آمنه عليهما‌السلام

شب ازدواج حضرت عبداللَّه و آمنه عليهما‌السلام و باردار شدن آن حضرت به رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ریاحین الشریعه: ج 3، ص 294. مقتل الحسین عليه‌السلام (ابی مخنف): ص181.

2. بحارالانوار: ج45 ص40. مقاتل الطالبیین: ص56.

3. ریاحین الشریعة: ج3 ص294.

4. تنقیح المقال: ج3، فصل کینه ها، ص70. العقیلة و الفواطم علیهن السلام: ص124.

است. (1) سزاوار است مؤمنین آن شب را تعظیم و احترام نمایند و به عبادت احیاء کنند. (2) قول دیگر شب عرفه (3) یا روز عرفه هنگام عصر (4) است.

20 جمادی الثانی

### 1. ولادت حضرت زهرا عليه‌السلام

در چنین روزی حضرت حوراء انسیه، عذراء بتول، امّ ابیها، حضرت فاطمه زهرا عليها‌السلام در سال پنجم بعثت در مکه مکرمه به دنیا آمد. (5)

### انعقاد نطفه فاطمه عليها‌السلام

داستان انعقاد نطفه حضرت زهرا عليها‌السلام مراحلی دارد که ذیلاً خلاصه آن آورده می شود: (6)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج 97، ص 168. مستدرک سفینه البحار: ج 2، ص 85. اختیارات: ص18. جنات الخلود: ص14. تحفة الزائر: ص 56-57. فیض العلام: ص272.

2. اقبال: ج3 ص162. فیض العلام: ص272.

3. وقائع الشهور: 226، از «اثبات الوصیة» و «خیرات حسان».

4. مناقب آل ابی طالب عليها‌السلام: ج1 ص53. بحارالانوار: ج15 ص115.

5. کافی: ج 1، ص 458. اعلام الوری: ج 1، ص 290. کشف الغمه: ج 1، ص 449. فیض العلام: ص 273. العدد القویه: ص 219. مصباح کفعمی: ج 2، ص 597. مصباح المتهجد: ص 732. بحار الانوار: ج 95، ص 196، ج 97، ص 199. عوالم العلوم ج سیّده النساء فاطمه الزهراء عليها‌السلام: ج 1، ص 66، 67. ریاحین الشریعه: ج 1، ص 59. مستدرک سفینة البحار: ج2 ص85. توضیح المقاصد: ص14. تاج الموالید: ص21. اختیارات: ص36. الخصائص الفاطمیة عليها‌السلام: ج1 ص386.

6. به برخی از منابع مربوط به انعقاد نطفه حضرت زهرا عليها‌السلام اشاره می شود:

امام سجاد عليه‌السلام: بحار الانوار: ج 43، ص 18. تفسیر فرات کوفی: ص 322 - 321. اللمعة البیضاء: ص116. امام صادق عليه‌السلام: بحار الانوار: ج 8، ص 120، ج 18 ص 364، ج 42، ص 42. معانی الاخبار: ص 396. تفسیر برهان: ج 2، ص 292.

امام رضا عليه‌السلام: بحار الانوار: ج 8، ص 119، ج 4، ص 4 2. توحید صدوق: ص 118. امالی صدوق: ص 373. عوالم العلوم: ج 11/1، ص 10. سلمان فارسی رحمه‌الله: بحار الانوار: ج36 ص361. تفسیر فرات کوفی: ص211. مدنیهة المعاجز: ج3 ص224. تأویل الآیات: ج1 ص236. جابر عبدالله انصاری رحمه‌الله: دلائل الامامة: ص146. تفسیر فرات کوفی: ص216. =

1. در شب معراج خداوند سیبی به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم هدیه داد که از عظمت خلقت و بوی و رنگ و زیبائی آن ملائکه تعجب کردند. خداوند امر فرمود تا پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آن را میل کند. هنگامی که آن سیب را شکافت، نوری از آن درخشید. جبرئیل گفت: بخور یا رسول اللَّه، که این نور منصوره فاطمه، دختری است که از صلب تو خارج می شود. (1) در بعضی روایات است که از رطب بهشتی هم خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم میل فرمودند. (2)

2 - در 10 شعبان سال چهارم جبرئیل عليه‌السلام بر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در ابطح نازل شد و فرمان کناره گیری از حضرت خدیجه عليها‌السلام را به مدت 40 روز به عنوان مقدمه حمل حضرت زهرا عليها‌السلام ابلاغ فرمود. (3)

با اینکه آن حضرت علاقه وافری به خدیجه عليها‌السلام داشت و این کار برای آن حضرت پر مشقت بود، ولی برای خدیجه عليها‌السلام پیغام داد که مدتی به منزل نمی آیم و به منزل فاطمة بنت اسد عليها‌السلام می روم. شبها در را ببند و در بستر آسایش کن.

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شبها به منزل فاطمه بنت اسد عليها‌السلام می آمد. هر شب هنگام افطار، خرما و انگور و غذای بهشتی می آوردند. با آب بهشتی و حوله دست آن حضرت را شسته و تمیز می کردند. امیر المؤمنین عليه‌السلام حسب دستور پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم جلو در می نشست که کسی

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

= علل الشرائع: ج1 ص183. بحار الانوار: ج43 ص5. عائشه: الطرائف: ص111. شرح احقاق الحق: ج10 ص6. مناقب امیرالمؤمنین عليه‌السلام (ابن سلیمان کوفی): ج2 ص206. ذخائر العقبی: ص36. المعجم الکبیر: ج22 ص401. تاریخ بغداد: ج5 ص87. تاریخ الخمیس: ج1 ص277. میزان الاعتدال: ج1 ص81، ج2 ص518، ج3 ص539. عمر بن خطاب: شرح احقاق الحق: ج10 ص5. میزان الاعتدال: ج1 ص541، ج3 ص261. لسان المیزان: ج2 ص297، ج4 ص365. عیون اخبار فی مناقب الاخیار: ص45.

1. بحار الانوار: ج 43، ص 18. بیت الاحزان (محدث قمی): ص 7. عوالم العلوم: ج فاطمه الزهراء عليها‌السلام، ج 1، ص 36 - 37. تفسیر فرات کوفی: ص321.

2. دلائل الامامة: ص147. بحار الانوار: ج43 ص4، 6، 42، 50. عوالم العلوم ج فاطمه الزهراء عليها‌السلام: ج 1، ص 37.

3. وقائع الشهور: ص140. قلائد النحور: ج شعبان، ص 393.

نیاید و در آن غذا با پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شریک شود. در شب چهلم دستور رسید به خانه خدیجه عليها‌السلام برو که خداوند به خود سوگند خورده که امشب از صلب تو ذریّه پاک و طیّبه ای بیافریند. حضرت از جا برخاسته و به منزل خدیجه عليها‌السلام آمدند.

حضرت خدیجه عليها‌السلام می فرماید: «سوگند به آن کسی که آسمان را برافراشته و آب را از زمین جوشانیده، حضرت از من دور نشده بود که سنگینی فاطمه عليها‌السلام وجود فاطمه عليها‌السلام را در خود احساس کردم.» (1)

### دوران بارداری خدیجه عليها‌السلام

هنگامی که حضرت خدیجه عليها‌السلام دوران آبستنی خود را می گذراند، حضرت فاطمه عليها‌السلام از داخل شکم با مادر صحبت می فرمود، و او را دلدلری می داد و به صبر و پایداری دعوت می فرمود.

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به خدیجه عليها‌السلام فرمودند: «جبرئیل به من بشارت داد که این مولود دختر است، و او موجودی پاک و با برکت است. خداوند متعال نسل و ذریه مرا از او قرار می دهد، و از نسل او امامانی در امت قرار خواهد داد که بعد از پایان یافتن وحی او، جانشینانش در روی زمین باشند».

هنگام ظاهر شدن آثار وضع حمل، سراغ زنان قریش فرستادند. ولی کسی برای کمک نیامد، چه اینکه آنها راضی به ازدواج حضرت خدیجه عليها‌السلام با پیامبر نبودند، و خدیجه عليها‌السلام از این برخورد غمناک شد.

در همین حال چهار زن بلند بالا که شبیه زنان بنی هاشم بودند بر او وارد شدند. یکی از آنان به او گفت: ای خدیجه، غمگین مباش که ما فرستادگان پروردگار تو هستیم. ما خواهران توایم. من ساره هستم، و این آسیه دختر مزاحم و همنشین تو در

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. العدد القویة: ص221-220. بحار الانوار: ج16 ص80 - 78. انوار البهیة: ص55-54. بیت الاحزان: ص21-19.

بهشت و این مریم دختر عمران و این صفوراء دختر شعیب است. خداوند ما را نزد تو فرستاده تا در کارهای مربوط به زنان به تو کمک کنیم. (1) یکی از آنان در سمت راست او، دیگری در سمت چپش، و سومی پیش روی آن حضرت، و چهارمی پشت سر او نشستند.

### فاطمه عليها‌السلام به دنیا آمد

عُلیا مخدره خدیجه کبری عليها‌السلام، حضرت فاطمه زهرا عليها‌السلام را پاک و پاکیزه بر زمین نهاد. در این هنگام نوری از وجودش درخشید که تمام خانه های مکه را روشن کرد، و این نور در شرق و غرب درخشش نمود. بانوئی که پیش روی خدیجه عليها‌السلام بود، حضرت فاطمه عليها‌السلام را برداشت و با آب کوثر شستشو داد، و پارچه سفیدی که از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوشبوتر بود بیرون آورد. یکی را بر بدن او پیچیده و دیگری را بر سرش انداخت و سپس از او خواست که سخن بگوید.

حضرت فاطمه عليها‌السلام لب به سخن گشود، و فرمود: «اشهد ان لا اله الا اللَّه، و انّ ابی رسول اللَّه سیّد الانبیاء و انّ بعلی سیّد الاوصیاء و ان ولدی سیّد الاسباط»: «گواهی می دهم که جز اللَّه خدائی نیست، و پدرم فرستاده خدا و سرور پیامبران است، و شوهرم سرور جانشینان و فرزندانم آقای نوادگان و اسباط هستند».

بعد بر یکایک آنان سلام کرده و هر یک را به اسم صدا زد. آنان بر چهره، او تبسم کردند، و حور العین و بهشتیان یکدیگر را به ولادت حضرت فاطمه عليها‌السلام بشارت دادند. در آسمان نوری درخشان پدید آمد که ملائکه تا آن روز چنان نوری را ندیده بودند، و لذا نام حضرت را «زهرا» گذاشتند. بانوئی که پیش روی خدیجه عليها‌السلام تشسته بود، به خدیجه عليها‌السلام گفت: «او را پاک و پاکیزه و آراسته و با برکت در بر گیر، که در نسل و ذریّه اش برکت قرار داده شده است».

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. در بعضی روایات «حوا» هسمر حضرت آدم عليها‌السلام ذکر شده است.

خدیجه عليها‌السلام حضرت را با شادی و خشنودی از دست او گرفته، و سینه در دهانش گذارده و دهان او را پر از شیر کرد، و این گونه بود که فاطمه عليها‌السلام رشد جسمی خود را آغاز کرد. (1)

22 جمادی الثانی

### 1. مرگ ابوبکر

در شب سه شنبه 22 جمادی الثانی در سال 13 ه عبداللَّه بن عثمان معروف به ابوبکر بن ابی قحافه در سن 67 سالگی، از این جهان به سوی سزای اعمالش رخت بربست. (2) به قولی مرگ ابوبکر در 27 جمادی الثانی بوده است. (3)

او مدت دو سال و بیست و دو روز غاصب خلافت بود، و اولین کسی بود که بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به انتخاب اعضای سقیفه بنی ساعده خلیفه شد. انتخاب ابوبکر به گونه ای بی حساب بود که عمر با آنکه خود گرداننده برنامه سقیفه بود می گوید: «بیعت با ابوبکر امری بدون تدبیر و مشورت و دقت بود، مثل زمان جاهلیّت، که خداوند مسلمانان را از شر آن محفوظ داشت. هرکس چنین کاری را تکرار کند او را بکشید». (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. امالی صدوق: ص 691. العدد القویة: ص224-223. دلائل الامامة: ص78. المختصر: ص26. بحار الانوار: ج16 ص80، ج43 ص3. روضة الواعظین: ص144-143. انوار البهیة: ص157-156. شجره طوبی: ص248. اللعمة البیضاء فی شرح خطبة الزهراء عليه‌السلام: ص 230. بیت الاحزان: ص 23.

2. بحار الانوار: ج29 ص517، 521. العدد القویة: ص344. تتمه المنتهی: ص 10. فیض العلام: ص 279. تاریخ الخلفاء: ص 81. شرح نهج البلاغة: ج1 ص166. تاریخ دمشق: ج30 ص19. تاریخ یعقوبی: ج2 ص138. تاریخ طبری: ج2 ص611. مروج الذهب: ج2 ص304. مستدرک حاکم: 3 ص63، 81، 238.

3. مسار الشیعة: ص32. العدد القویة: ص343. مصباح کفعمی: ج2 ص598. مصباح المجتهد: ص732. بحار الانوار: ج 95، ص 200.

4. الغدیر: ج 3، ص 241، ج5 ص370، ج7 ص79، 171. الایضاح: ص134، 138، 516. احتجاج: ج1 ص381. التعجب: ص13. بحار الانوار: ج30 ص443. شرح نهج البلاغة ج2 ص96، 29، 34. تاریخ یعقوبی: ج2 ص158. عمر بن خطاب: ص203. صحیح بخاری: باب رجم الحبلی: ج8 ص26. مسند احمد: ج1 ص 55 حدیث 393. سیرة النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم (ابن هشام): ج4 ص308. =

اهل سنّت در علّت مرگ او نوشته اند: ابوبکر در روز دوشنبه 7 جمادی الاخر غسل کرده بود، و آن روز هوا سرد بود. به این دلیل سرما خورد و تب کرد، و 15 روز این تب ادامه داشت، و به نماز نمی رفت، تا در شب سه شنبه 22 جمادی الاخر بعد از آنکه خلافت را به عمر واگذار کرد، مرد. (1)

قبل از وفات عثمان را برای نوشتن وصیت نامه ای در باره خلافت طلب کرد که امر خلافت بعد از ابوبکر با عمر بن خطاّب باشد. او کلمه ای گفت و بیهوش شد، و بقیه را عثمان از پیش خود نوشت که امر خلافت با عمر است. ابوبکر به هوش آمد و عثمان را دعا کرد که آنچه او می خواسته نوشته است. (2)

باید پرسید: چرا هنگامی که پیامبر در روزهای آخر عمر کاغذ و قلم خواست تا وصی بعد از خود را به امر خداوند معین کند نسبت هذیان به آن مقام معظم دادند؟

ابوبکر هنگام مرگ کلماتی گفت. از جمله اینکه: «کاش تفتیش خانه فاطمه و علی عليهما‌السلام نمی کردم». همان تفتیشی که شهادت پاره تن پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را به همراه داشت؟

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

= تاریخ طبری: ج2 ص446. البدایة و النهایة: ج5 ص266. تاریخ دمشق: ج30 ص281، 283، 285. سبل الهدی و الرشاد: ج11 ص127. السیرة النبویة (ابن کثیر): ج 4، ص 487. الفائق فی غریب الحدیث: ج3 ص50.

1. تاریخ الخلفاء: ص 81. بحار الانوار: ج 29، ص 521.

2. بحار الانوار: ج30 ص519. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج1 ص165.

3. مروج الذهب: ج 2، ص 308. الایضاح: ص518. بحار الانوار: ج30 ص352. الغدیر: ج7 ص170. تتمه المنتهی: ص 10. سبعه من السلف: ص 77. خلاصة عقبات الانوار: ج3 ص322. السقیفة و فدک: ص75. تاریخ طبری: ج 4، ص 619. میزان الاعتدال: ج 3، ص 109. شرح نهج البلاغة: ج20 ص24. کنز العمال: ج5 ص631. تاریخ دمشق: ج30 ص420. لسان المیزان: ج4 ص189. الامامة و السیاسه: ج 1، ص 36.

27 جمادی الثانی

### 1 - شهادت سلطان علی بن محمّد الباقر عليه‌السلام

در این روز در سال 116 ه جناب ابوالحسن سلطان علی فرزند امام باقر عليه‌السلام در اردهال کاشان به شهادت رسید. (1)

عده ای از دوستان اهل بیت عليهم‌السلام از اهالی چهل حصاران و فین کاشان نامه ای خدمت امام باقر عليه‌السلام نوشتند، که چون ما از محضر شما دور هستیم یکی از آقازادگان خود را برای راهنمائی و تربیت ما و تعلیم احکام به جانب ما بفرستید.

آن حضرت فرزند بزرگوار خود، جناب علی بن محمّد عليه‌السلام را با رسولان فرستاده، روانه کاشان کردند، و اسباب سفر آن حضرت را برادرش امام صادق عليه‌السلام فراهم نمودند.

هنگام ورود آن حضرت، در فین حدود شش هزار نفر برای استقبال آمدند، حضرت مدتی در جاسب و خاوه مشغول هدایت مردم بودند، و بیشتر در مسجد جامع کاشان که فعلاً در کوی میدان کهنه واقع است مشغول عبادت بودند و شیعیان برای ادای نماز جمعه خدمتش مشرف می شدند، و کرامات زیادی مشاهده می نمودند.

آن حضرت نامه هایی برای پدر بزرگوارش به مدینه می فرستاد و حالات خود و شیعیان را بیان می فرمود، تا در سال 114 ه خبر شهادت پدر بزرگوارش به آن حضرت رسید و بعد از سه سال از شهادت پدر بزرگوارش در سال 116 ه، مخالفین آن حضرت را با عده ای از دوستان و موالیان و منسوبین به آن حضرت شهید کردند.

از آنجا که 27 جمادی الثانی در سال شهادت آن حضرت با 17 مهر ماه شمسی بوده، هر سال به مناسبت سالگرد آن حضرت در جمعه دوم مهر ماه مراسم قالی شویان همراه با عزاداری با شکوهی کنار قبر مطهرش برگزار می شود.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. شرح زندگانی حضرت سلطانعلی بن محمّد باقر عليه‌السلام: ص 62. مراقد المعارف: ج 2، ص 8279. روضات الجنّات: ج 4، ص 212.

هم اکنون در سرداب زیر ضریح مقدس آن حضرت، بدن مبارک حدود صد نفر از آن شهدای بزرگوار تازه و سالم هست، که مرحوم آیه اللَّه سیّد شهاب الدین مرعشی نجفی مشاهده فرموده اند. (1)

28 جمادی الثانی

### 1. سپردن صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به حلیمه سعدیه

در این روز جناب عبدالمطلب عليه‌السلام نور چشم خود پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را در اطراف کعبه طواف داد و آن حضرت را برای شیر دادن به حلیمه سعدیه سپرد.

29 جمادی الثانی

### 1. وفات حضرت ام کلثوم عليها‌السلام

جناب ام کلثوم عليها‌السلام چهار ماه پس از بازگش از کربلا به مدینه از دنیا رفتند. (3) پدرشان مولی الموحدین امیرالمؤمنین عليه‌السلام و مادرشان حضرت زهرای مرضیه عليها‌السلام است. (4)

صاحب ریاحین الشریعة به نقل از اعیان الشیعة می فرماید: امیر المومنین عليه‌السلام آن مخدره را به عون بن جعفر طیار تزویج نمودند. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. به کتاب «نور باهر» تألیف مرحوم محمّد باقر مرندی و «اجساد جاویدان» به نقل از کسانی که همراه آیه اللَّه مرعشی نجفی اجساد مطهر را زیارت کرده اند مراجعه شود.

2. وقایع المشهور: ص 113.

3. ریاحین الشریعه: ج3 ص256 -244. العقیلة عليها‌السلام و الفواطم: ص75.

4. بحار الانوار: ج42 ص74. تذکرة الخواص: ص288.

5. اعیان الشیعة: ج3 ص484. ریاحین الشریعه: ج3 ص245. العقیلة عليها‌السلام و الفواطم: ص79.

آنچه در مورد ازدواج ام کلثوم عليها‌السلام با غیر عون بن جعفر نقل شده از بافته های مخالفین است. آن حضرت در وافعه جانسوز کربلا حضور داشتند و بعد از شهادت امام حسین عليه‌السلام و اهل بیت و اصحابشان در کنار خواهرشان حضرت زینب عليها‌السلام از بانوان و یتیمان محضافظت می نمود، و اشعار آن حضرت در فراق در کربلا مشهور و جانسوز است.

پس از عاشورا که بانوان به اسارت کوفه و شام رفتند، خطبه آن حضرت در شهر کوفه و مجلس ابن زیاد، اشعار آن حضرت در قادسیه و قنسرین، اثر دعای آن حضرت در سیبور و بعلبک، کلمات آن جناب با شمر هنگام ورود به دروازه شام، مرثیه های حضرت در اربعین و مراجعت به مدینه، دلالت بر عظمت و شجاعت و صبر آن مخدره دارد.

سرانجام بعد از چهار ماه از ورود به مدینه با دلی پر از غم و اندوه در مصائب کربلا بالأخص شهادت سید الشهداء عليه‌السلام رحلت نمود و در مدینه منوره دفن شد. به قولی رحلت آن حضرت در ماه 21 ماه جمادی الثانی بوده است. (1)

### 2. وفات حضرت سیّد محمّد فرزند امام هادی عليه‌السلام (2)

حضرت سیّد محمّد فرزند امام هادی عليه‌السلام در سال 252 ه در سامراء از دنیا رفت. (3)

آن حضرت را ابوجعفر و ابوعلی و سیّد محمّد بعاج نیز گفته اند. جلالت قدر و منزلت او به حدی بوده که عده ای از شیعیان گمان می کردند بعد از امام هادی عليه‌السلام آن بزرگوار امام خواهد بود، ولی با رحلت ایشان در زمان پدر بزرگوارش بر همه معلوم شد که امام حسن عسکری عليه‌السلام امام پس از ایشان است.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. وقائع الشهور: ص110.

2. این تاریخ مشهور بین شیعیان سامرا است و در حرم آن حضرت نیز نوشته شده است.

3. مراقد المعارف: ج 2، ص 262. الامام الهادی عليه‌السلام من المهد الی اللحد: ص137. الامام الهادی عليه‌السلام (شاکری): ص20.

امام عسکری عليه‌السلام به جناب سیّد محمّد عليه‌السلام علاقه وافری داشت، به حدی که هنگام رحلت او گریبان چاک کرد. (1) بعد از رحلت، آن حضرت را در آبادی به نام بلد، در شش فرسخی سامراء دفن نمودند، که هم اکنون قبر او در آنجا معروف است.

کرامات زیادی از آن حضرت مشاهده شده، و هم اکنون دارای گنبد و صحن و غرفه های متعدد است، و دوستان اهل بیت عليهم‌السلام به زیارت آن بزرگوار مشرف می شوند. نسب سادات آل بعاج در عراق و خوزستان به علی و احمد فرزندان سیّد محمّد بعاج منتهی می شود.

تتمه این ماه

### 1. جنگ ذات السلاسل

در این ماه یا در ماه جمادی الاولی سال 8 هـ جنگ ذات السلال اتفاق افتاده است. (2)

### 2. نزول آیه تطهیر

در این ماه پیش از نُه ماه یا شش ماه (3) یا هشت ماه (4) از شهادت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آن حضرت صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم وقت هر نماز یا به هنگام نماز صبح (5) درب خانه علی بن ابی طالب و

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج1 ص327. وسائل الشیعة: ج3 ص274. الحدائق الناضرة: ج4 ص152.

2. تنبیه و الاشراف: ص231. طبقات الکبری: ج2 ص131. شرح مسلم: ص153. نیل الاوطار: 1 ص324.

3. بحار الانوار: ج25 ص223، 227. مسند احمد: ج3 ص285، 295. سنن ترمذی: ج5 ص31. مستدرک حاکم: ج3 ص158. المعجم الکبیر: ج3 ص56، ج22 ص402. شواهد التنزیل: ج2 ص25-18، 138. ینابیع المودة: ج2 ص119. اسد الغابة: ج5 ص521.

4. بحار الانوار: ج43 ص53. شواهد التنزیل: ج2 ص46، 80، 81، 134. الدر المنثور: ج4 ص313، ج5 ص199. تاریخ دمشق: ج42 ص136.

5. الطرائف: ص128. بحار الانوار: ج10 ص142، ج35 ص214، 223. غایة المرام: ج3 ص183. ینابیع المودة: ج1 ص41، ج2 ص59، 119.

فاطمه زهرا عليهما‌السلام آمده، دو طرف درب را می گرفت و فرمود: «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ اَهل البیت، الصلاة رحمکم الله (1)! (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا). (2)

### 3. شهادت ابراهیم بن مالک اشتر

در این ماه در سال 71 ه ابراهیم پسر مالک اشتر نخعی رحمه‌الله به شهادت رسید. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. امالی طوسی: ص565. شواهد التنزیل: ج1 ص497، ج2 ص ج 2 ص44، 74، 81، 82. الدر المنثور: ج4 ص313، ج5 ص199. فتح القدیر: ج3 ص396.

2. سوره احزاب: آیه 33. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج2 ص217. بحارالانوار: ج16 ص203، ج25 ص212، 223، ج79 ص196. غایة المرام: ج2 ص333، ج3 ص185. تفسیر مجمع البیان ج7 ص68. شرح احقاق الحق: ج2 ص584، ج9 ص47، 54، ج24 ص82، ج33 ص57. الدر المنثور: ج5 ص199. المناقب خوارزمی: ص60. ینابیع المودة: ج1 ص147. شواهد التنزیل: ج2 ص82.

3. مراقد المعارف: ج 1، ص 37. تاریخ سامراء: ج2 ص242.

7 رجب المرجب

ماه رجب بسیار پر خاطره و بیاد ماندنی است. ایام ولادت امامان عليهم‌السلام و بعثت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از یک سو، و مرگ چند تن از دشمنان معروف اهل بیت عليهم‌السلام از سوی دیگر، خبرهای خوشی است که این ماه را قرین سرور ساخته است. شهادت معصومین عليهم‌السلام و چند نفر از یاران با وفای ایشان نیز روزهای حزن آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در این ماه است.

در روزهای 1، 2، 3، 10، 12، 13، 14، 15، 16، 17، 18، 22، 23، 24، 25، 26 و 27، 28، 29 ماه رجب خاطره هائی تازه می شود که ذیلاً به مرور آنها می پردازیم.

ولادت امیرالمؤمنین عليه‌السلام، امام باقر عليه‌السلام، امام جواد عليه‌السلام، امام علی النقی عليه‌السلام، و حضرت علی اصغر عليه‌السلام برکات متواصلی است که در این ماه نازل شده است. بعثت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، خروج از شعب ابی طالب عليه‌السلام، و اعطای فدک به حضرت زهرا عليها‌السلام خبرهائی هستند که از بعد اعتقادی اهمیّت ویژه ای دارند. مرگ معاویه و مأمون و معتمد عباسی نیز ایام شادی برای دوستان اهل بیتند.

شهادت حضرت زهرا عليها‌السلام به قولی، و نیز شهادت امام صادق عليه‌السلام و امام موسی بن جعفر عليه‌السلام و امام هادی عليه‌السلام روزهای اشک و حزن در این ماه اند. وفات حضرت زینب عليها‌السلام، حضرت ابوطالب عليه‌السلام، حضرت خدیجه عليها‌السلام، ابراهیم فرزند پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، و نجاشی پادشاه حبشه خبرهای حزن آور این ماه به شمار می آیند.

همچنین حمله به امام مجتبی عليه‌السلام در مدائن و خروج امام حسین عليه‌السلام از مدینه به سوی مکّه دو خبر مهم این ماه است.

اولین اقامه نماز در اسلام، هجرت مسلمانان به حبشه و بازگشت آنان، تغییر قبله، فتح خیبر به دست امیر المؤمنین عليه‌السلام، غزوه نخله، ورود امیرالمؤمنین عليه‌السلام به کوفه، اولین خطبه امیرالمؤمنین عليه‌السلام در مسجد کوفه، اول خلافت شوم یزید، فرار ابوبکر و عمر در جنگ خیبر صفحات دیگری از تاریخ اسلام اند مه در ماه رجب رخ داده است.

1 رجب

### 1. زیارت امام حسین عليه‌السلام

در شب و روز اول این ماه زیارت مولانا الشهید ابی عبداللَّه الحسین عليه‌السلام مستحب است. از حضرت صادق عليه‌السلام روایت شده که فرمودند: «کسی که امام حسین عليه‌السلام را در روز اول رجب زیارت کند، خداوند متعال گناهان او را می بخشد». (1) اگر برای کسی زیارت آن حضرت در آن روز ممکن نباشد، مشاهد مشرّفه دیگر معصومین عليهم‌السلام را زیارت کند و اگر این هم برایش ممکن نبود با سلام از راه دور به طرف آن قبور شریف اظهار ارادت نماید. (2)

### 2. ولادت امام باقر عليه‌السلام

حضرت امام محمّد بن علی باقر العلوم عليه‌السلام در روز جمعه اول رجب سال 57 ه در مدینه متولد شدند. ولادت آن حضرت روزهای سوم و ششم صفر و پنجم و بیست و دوم رجب هم ذکر شده است.

نام مبارک آن حضرت محمّد، کنیه ایشان ابوجعفر و القاب آن حضرت باقر العلوم، الشاکر للَّه، هادی، امین و شبیه است، و لقب اخیر به خاطر شباهت آن حضرت به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم است. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. تهذیب الاحکام: ج6 ص48. کامل الزیارت: 322، 339. وسائل الشیعه: ج14 ص465. توضیح المقاصد: 16. مصباح المجتهد: ص737. بحارالانوار: ج98 ص89. فیض العلام: ص292.

2. مسار الشیعه: ص 34.

3. دلائل الامامة: ص215. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. زاد المعاد: ص 20. مصباح المتهجد: ص 737. فیض العلام: ص 294. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج 4، ص 227. اعلام الوری: ج 1، ص 498. مسار الشیعه: ص 33. قلائد النحور: ج رجب، ص 4. بحار الانوار: ج 46، ص 212، 213. اختیارات: ص36.

4. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص227. بحارالنوار: ج46 ص216. روضة الواعظین: ص207

اختیارات: ص33. تقویم المحسنین: ص15.

5. دلائل الامامة: ص216. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص227. بحارالانوار: ج46 ص222، 295.

پدر بزرگوارش حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین عليه‌السلام و مادر آن حضرت امّ عبداللَّه فاطمه دختر امام حسن مجتبی عليه‌السلام است. امام باقر عليه‌السلام اولین علوی است که از پدر و مادر نسب شریفش به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین عليه‌السلام و حضرت زهرا عليها‌السلام می رسد. (1)

امام صادق عليه‌السلام در باره امّ عبداللَّه می فرمایند: «جدّه ام صدّیقه بود و در میان فرزندان امام حسن عليه‌السلام زنی به درجه و مرتبه او نرسید». (2) در عظمت و شرافت این بانو همین بس که با حضرت سیّد الساجدین علی بن الحسین و باقر العلوم عليهما‌السلام در واقعه کربلا حضور داشت و همراه آن بزرگواران و زینب کبری و دیگر اهل بیت عليهم‌السلام به اسارت رفت و وقایع کوفه و شام را دید.

2 رجب

### 1. ولادت امام علی النقی عليه‌السلام

در این روز بنابر قولی ولادت امام هادی عليه‌السلام واقع شده است. (3) اقوال دیگر در ولادت آن حضرت 15 ذی الحجه، 5 رجب، 27 جمادی الاخر و 3 رجب است، که تفصیل آن در 15 ذی الحجه ذکر شده است.

3 رجب

### 1. شهادت امام هادی عليه‌السلام

شهادت امام علی النقی عليه‌السلام در سال 254 ه بنابر مشهور در سن 41 سالگی بوده

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. تهذیب الاحکام: ج6 ص77. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج4 ص225. بحار الانوار: ج46 ص215. ینابیع المودة: ج3 ص158.

2. کافی: ج1 ص469. بحار الانوار: ج46 ص215، 366.

3 مصباح المتهجد : ص 741. بحار الانوار: ج50 ص117، ج99 ص79. قلائد النحور: ج رجب، ص 18.

است. (1) مرحوم کلینی شهادت آن حضرت را در 26 جمادی الاخر نقل فرموده است. (2) و قول 25 جمادی الاخر هم نقل شده است. (3) مشهور این است که آن حضرت 6 یا 8 سال و 5 ماه داشت که پدر بزرگوار ایشان جواد الائمه عليه‌السلام به شهادت رسیدند، و آن حضرت به منصب کبرای امامت و خلافت عظمی رسیدند، و مدت امامت آن وجود شریف 33 سال بود. (4)

ایام حیات امام هادی عليه‌السلام مصادف بود با خلافت بناحق مأمون، معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین، معتز لعنته اللَّه علیهم، و آخرالامر معتز آن حضرت را با زهر شهید کرد.

مدت عمر مبارک آن حضرت 41 سال و چند ماه بود. 13 سال در مدینه اقامت فرمودند و بقیه ایام امامت خویش را به اجبار متوکل در سامرا بودند. حاکم مدینه به متوکل نوشت که اگر تو را به مکه و مدینه حاجتی است علی بن محمّد عليه‌السلام را از این دیار بیرون ببر که همه را مطیع خود ساخته است. در مدینه اسباب اذیت و اضرار به آن حضرت را به دستور متوکل زیاد کردند، تا زمانی که آن حضرت را به سامرا بردند و جسارتها کردند، تا اینکه معتز آن حضرت را شهید کرد.

امام عسکری عليه‌السلام غسل و کفن و نماز بر آن حضرت را انجام داد، و بعداً در ظاهر این امرات توسّط دیگران انجام شد و ایشان را در منزل خود در مکان فعلی حرم مطهر دفن نمودند. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. توضیح المقاصد: ص 16. مسار الشیعه: ص 34. مصباح المتهجد: ص 741. بحارالانوار: ج 50، ص 117 - 192، ج 99، ص 596. مناقب آل علی طالب عليه‌السلام: ج4 ص433. مصباح کفعمی: ج2 ص599. تاج الموالید: ص56. تقویم المحسنین: ص17. فیض العلام: ص 297. قلائد النحور: ج رجب، ص 22.

2. اصول کافی: ج 1، ص 497. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج4 ص433، (سه روز آخر رجب مانده). تاریخ قم: ص203. مروج الذهب: ج4 ص170.

3. تاریخ الائمة عليهم‌السلام: ص13. کشف الغمة: ج2 ص375.

4. ارشاد: ج2 ص297.

5. ارشاد: ج 2، ص 297، 309. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص433. بحار الانوار: ج50 ص114، 117، 200، 206، 259.

5 رجب

### 1. شهادت ابن سکیت رحمه‌الله

یعقوب بن اسحاق معروف به ابن سکیت - از بزرگان امامیه - در شب دوشنبه 5 رجب سال 224 ه به دستور متوکل عباسی به خاطر تشیع به شهادت رسید و در سامرا دفن شد در حالی که از سن او 58 سال می گذشت.

ابن سکیت خوزستانی از آبادی های دَورَق از اطراف اهواز بود. (1) گفته شده چون زیاد ساکت بود به او سکیت می گفتند. (2) نجاشی می گوید: یعقوب بن اسحاق السکیت، ابویوسف از نزدیکان حضرت امام جواد و امام هادی عليهما‌السلام بود و از امام جواد عليه‌السلام روایات و مسائل را نقل کرده است. او از بزرگان علم عربیت و لغت و ثقه ای راستگو بود و دارای کتاب هایی است. (2)

### علت شهادت

متوکل عباسی ابن سکیت را ملزم نموده بود تا تادیب دو فرزندش معتز و مؤید را عهده دار شود. یک روز به او گفت: یک روز به او گفت: آیا دو فرزند من نزد تو محبوبترند یا امام حسن و امام حسین عليهم‌السلام؟

ابن سکیت گفت: به خدا قسم قنبر خادم حصرت امیرالمؤمنین علی عليه‌السلام بهتر است از تو و از دو فرزندت. متوکل دستور داد زبان او را از پشت سر خارج نمایند، و با این جنایت او به شهادت رسید. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. تاریخ سامراء: ج2 ص226. الکنی و الاقاب: ج1 ص314. بحار الانوار: ج104 ص2. نهج السعادة: ج7 ص387. تاریخ بغداد: ج14 ص274.

2. هدیة الاحباب: ص89.

3. رجال النجاشی: ص449. معجم رجال الحدیث: ج21 ص138.

الکنی و الاقاب: ج1 ص314. تاریخ سامراء: ج2 ص232. مواقف الشیعة: ج2 ص337. اعلام زرکلی: ج8 ص195.

بعضی گفته اند ضرباتی به شکم آن بزرگوار وارد کردند تا شهید شد. (1)

7 رجب

### 1. طلب امام رضا عليه‌السلام برای ولایتعهدی

در 7 صفر سال 200 هـ مامون برای امام رضا عليه‌السلام نامه ای نوشت و در آن نامه امام عليه‌السلام را برای ولایتعهدی به مرو احضار کرد. (2)

10 رجب

### 1 - ولادت امام جواد عليه‌السلام

حضرت جواد الائمه عليه‌السلام بنابر مشهور در دهم ماه رجب سال 195 هـ به دنیا آمده اند. (3)

اقوال دیگر در ولادت آن حضرت چنین است: 15 ماه رمضان، (4) 17 ماه رمضان (5)، آخر ذی العقده، 13 رجب (6).

پدر بزرگوار آن حضرت امام رضا عليه‌السلام، و مادر آن حضرت جناب سبیکه یا درّه است که حضرت رضا عليه‌السلام نام ایشان را «خیزران» نهادند. (7)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الکنی و الاقاب: ج1 ص314. سفینة البحار: ج2 ص676. تاریخ الخلفاء: ص139. سیر اعلام النبلاء: ج12 ص18. اعلام زرکلی: ج8 ص195.

2. قلائد النحور: ج رجب ص63.

3. اعلام الوری: ج 2، ص 91. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 4، ص 411. زاد المعاد: ص 20. فیض العلام: ص 299. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. مصباح المتهجد: ص 741. بحار الانوار: ج 50، ص 7، 14. تاج الموالید: ص52. اختیارات: ص36. تقویم المحسنین: ص17.

4. مسار الشیعة: ص7. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص411. تاج الموالید: ص52. تاریخ قم: ص200. روضة الواعظین: ص243. تقویم المحسنین: ص11.

5. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص411. تاج الموالید: ص52.

6. زاد العماد: ص21. مصباح المتجهد: ص754.

7. اعلام الوری: ج2 ص91. بحار الانوار: ج50 ص7.

نام آن حضرت محمّد، و کنیه ایشان ابوجعفر و مشهورترین القاب آن حضرت تقی و جواد است. حضرت رضا عليه‌السلام آن حضرت را با کنیه یاد می کردند، و می فرمودند: «ابوجعفر به من نامه نوشته است»، و نامه هائی که از آن حضرت می رسید در نهایت جلالت و زیبائی بود، و هنگامی که امام عليه‌السلام می خواستند نامه برای امام جواد عليه‌السلام بنویسیند آن حضرت را به بزرگی و احترام مورد خطاب قرار می دادند، و فرمودند: «ابوجعفر وصی و جانشین من در خانواده ام بعد از من است». (1)

یک روز در ایام کودکی حضرت جواد عليه‌السلام آن حضرت را نزد پدر بزرگوارش امام رضا عليه‌السلام آوردند. آن حضرت فرمودند: «این مولودی است که برای شیعه مبارکتر از او بدنیا نیامده است.» (2)، چرا که چهل سال و چند ماه از سن مبارک امام رضا عليه‌السلام گذشته بود و آن حضرت هنوز اولادی نداشتند، و بعضی از شیعیان در امر امامت نگران بودند، هنگامی که خداوند جواد الائمه عليه‌السلام را به مولایمان حضرت رضا عليه‌السلام داد، نگرانی و شک و تردید مردم برطرف شد.

### 2 - ولادت حضرت علی اصغر عليه‌السلام

ولادت با سعادت حضرت باب الحوائج علی اصغر عليه‌السلام در این روز واقع شده است. (3)

با در نظر گرفتن اینکه آن حضرت در شش ماهگی در روز عاشورا در کربلا به شهادت رسید، ولادت حضرت مطابق این روز می شود. بعضی هم ولادت آن حضرت را در روز 8 یا 9 ثبت کرده اند.

نام شریف آن حضرت عبداللَّه مشهور به علی اصغر است. لقب شریفش باب الحوائج، رضیع، مذبوح من الاذن الی الاذن است. پدر بزرگوارش امام حسین عليه‌السلام، و مادر والامقامش حضرت رباب دختر امرء القیس کلبی است.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج 1، ص 266. بحارالانوار: ج50 ص18. مدینة المعاجز: ج7 ص284.

2. کافی: ج 1، ص 321. انوار البهیّه: ص 252. ارشاد: ج 2، ص 279. روضة الواعظین: ص237.

3. تقویم الائمه عليهم‌السلام: ص 73، 78. سحاب رحمت: ص 535.

4. کلمات الامام الحسین عليه‌السلام: ص478. معالی السبطین: ج1 ص259. ینابیع المودة: ج3 ص79.

قاتل آن حضرت، حرمله بن کاهل اسدی ملعون است که قلب امام حسین عليه‌السلام و اهل بیت و شیعیان، بلکه هر شنونده این مصیبت را می سوزاند.

12 رجب

### 1. مرگ معاویه

مرگ معاویه در این روز در سال 60 ه معاویه ابی سفیان لعنه اللَّه علیه در سن 78 سالگی در شام به درکات جهنّم شتافت. (1) روز شادی اهل ایمان و حزن و اندوه اهل کفر و طغیان است. و روزه این روز به جهت شکر الهی بر هلاکت معاویه مستحب است. (2)

### نسب معاویه

کلبی نسّابه و ابن روزبهان که از ثقات نزد علمای اهل سنّت هستند، نقل کرده اند که معاویه فرزند چهار نفر بوده: عماره، مسافر، ابوسفیان و مردی که اسم او را نمی برند. راغب اصفهانی در محاضرات و ابن ابی الحدید از ربیع الابرار زمخشری نقل می کنند که معاویه را به چهار کس نسبت می دادند: مسافر بن ابی عمرو، عماره بن ولید بن مغیره، عباس و صباح که مغنی عماره بن ولید بود. مادر معاویه هند با صباح که جوان خوش روئی بود و کارگر ابوسفیان بود الفتی تمام داشت! اما به ظاهر او را معاویه بن ابی سفیان بن حرب می گویند. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مسار الشیعه: ص 34. فیض العلام: ص 120.

2. اقبال: ج3 ص260. فیض العلام: ص316.

3. بحار الانوار: ج33 ص201، 198. الغدیر: ج10 ص169، 170. نهج الحق: ص307. الزام النواصب: ص166. الطرائف: ص501. الصراط المستقیم: ج3 ص46. احقاق الحق: ص263. اربعین قمی: ص631. کشف الهاویة: ص15، 14. تتمهة المنتهی: ص52- 47. منتخب التواریخ: ص448-449. وقایع الایام: ج رجب، ص 174. شرح نهج البلاغة: ج1 ص335. مثالب العرب: ص73- 72، 77. ربیع الابرار: باب القرابات و الانساب. تذکرة الخواص: ص184.

ابوسفیان مردی زشت و کوتاه قد بود، و یک چشم او در طائف و چشم دیگرش در یرموک کور شده بود. (1)

باطنش کورتر از چشمش بود و نهایت عداوت و دشمنی با پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را داشت. ابوسفیان در هر جنگ و فتنه ای که بر علیه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به وجود می آمد دخالت داشت و در سال فتح مکه از ترس اسلام آورد و با نفاق زندگی کرد تا در سن 82 سالگی در سال 30 هـ به درک رفت.

مخفی نماند که حمامه یکی از جدات معاویه است که در بازار المجاز صاحب پرچم و مشهور بود! و از این جا نسب ابوسفیان هم معلوم می شود. مادر معاویه هند است که از ذوات الاعلام است و میل فراوانی به غلامان سیاه داشت!! و از توضیح حال پدر معاویه وضع مادر او هند روشن می شود. (2)

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دائماً معاویه را لعنت می کرد و می فرمود: «لعن الله معاویة، الطلیق بن الطلیق، اللعین بن اللعین» و می فرمود: «هنگامی که معاویه را بالای منبر من دیدید او را بکشید.»

معاویه از مؤلفة قلوبهم بود. او تا اواخر زمان پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مشرک بود و وحی الهی را تکذیب می کرد و اسلام را به تمسخر می گرفت.

در روز فتح مکه او در یمن بود و به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم جسارت می کرد و پدرش را که به ظاهر مسلمان شده بود سرزنش می کرد و اشعاری در این رابطه برایش می سرود.

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم خون او را مباح کرده بود؛ و لذا از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرار می کرد تا اینکه پنج ماه قبل از شهادت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به ظاهر اسلام اختیار کرد، و به عموی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پناه آورد تا شفاعتش را نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم کند. او نیز شفاعت کرد و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پذیرفت. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الکلنی و الالقاب: ج1 ص88. اسد الغابة: ج13-12. تاریخ دمشق: ج23 ص437. لأحاد و المثانی: ج1 ص363. الاعلام زرکلی: ج3 ص201.

2. آخر ماه ذی الحجه روز مرگ هند است که احوال او در آنجا ذکر شده است.

3. منتخب طریحی: ص14. احقاق الحق: ص 265. التعجب من اَغلاط العامة: ص 106. تتمه المنتهی: ص 47.

### حکومت معاویه در شام

یزید بن ابی سفیان از طرف ابوبکر با لشکر مسلمین به طرف شام رفت، معاویه هم همراه آنها بود یزید در شام مرد و ابابکر ولایت شامات را به معاویه واگذار کرد و به این حال بود تا زمان خلافت امیرالمؤمنین عليه‌السلام که طغیان معاویه علیه آن حضرت شروع شد. پس اساس ظلمهای معاویه را هم ابوبکر بنا نهاد.

معاویه در سال 45 هـ برای پسرش یزید بیعت گرفت. او اول کسی بود که دشنام بر امیرالمؤمنین عليه‌السلام را ترویج کرد و در آخر خطبه نماز جمعه لعن و جسارت بر امیرالمؤمنین عليه‌السلام می کرد. او دستور داد در تمام شهرها این لعن انجام شود و تا زمان عمر بن عبد العزیز ادامه داشت تا اینکه او لعن بر آن حضرت را منع کرد. (1)

### دشمنی معاویه با امیر المؤمنین عليه‌السلام

معاویه به صحابه و تابعین دستور داد تا حدیث در مذمت امیرالمؤمنین عليه‌السلام جعل کنند، و عده زیادی از محبین و ارادتمندان آن حضرت را شهید کرد مانند جناب مالک اشتر نخعی که در قلزم مصر به سم شهید شد. (2) امام مجتبی عليه‌السلام را به دست جعده عیال آن حضرت مسموماً شهید کرد.

معاویه مردی خوش گذران و پرخور بود، به حدی که از کثرت خوردن می گفت: «خسته شدم ولی سیر نشدم»، و این به خاطر نفرین حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در باره او بود که فرمود: «لا اَشبع الله بطنه»: «خدا شکمش را سیر نکند». (3) او در نفاق و عوام فریبی تجربه به سزائی داشت. محدث قمی رحمه‌الله نقل می کند که دویست خبر از طریق معتمده اهل سنّت در مذمت معاویه نقل شده است.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج 33، ص 214. تذکرة الخواص: ص65.

2. مراقد المعارف: ج 2، ص 223، 228. تاریخ دمشق: ج56 ص378.

3. شرح الاخبار: ج2 ص166، 536. الطرائف: ص504. بحار الانوار: ج22 ص248، ج33 ص190، 194، 195، 209، ج44 ص76، 77. الغدیر: ج11 ص79، 89. صحیح مسلم: ج8 ص27. شرح نهج البلاغة: ج15 ص176. طبقات المحدیثن باصبهان: ج3 ص34. تاریخ طبری: ج8 ص186.

### ماجرای مرگ معاویه

آخر الامر معاویه در مسیر مکه به شام بیمار شد، به حدی که می لرزید و دهان او بسته نمی شد، تا وارد شام شد و در آنجا جان به مالک دوزخ داد و رهین اعمال خویش گردید. هنگام مرگ سن او را 75 یا 82 یا 92 سال نقل کرده اند.

جنایات او زیاده از آن است که در این مختصر بگنجد ولی در هنگام مرگ به یکی از خواص خود گفت: چند گناه بزرگ کرده ام: حق علی بن ابی طالب را غصب کردم، حسن بن علی را با فریب دادن جعده به شهادت رساندم، و یزید را به جانشینی خود انتخاب کردم، و حجر بن عدی و اصحاب او را به قتل رساندم. (1)

در مرگ معاویه بعضی فقط ماه را ذکر کرده اند (2) و بعضی 4 رجب (3) و برخی 22 رجب ذکر نموده اند. (4) 12 رجب، 14 رجب، 15 رجب هم نقل شده است که این 3 قول به یکدیگر نزدیک ترند. (5)

### 2. ورود امیر المؤمنین عليه‌السلام به کوفه

در این روز در سال 36 هـ امیرالمؤمنین عليه‌السلام بعد از واقعه جمل وارد کوفه شدند و آن شهر را به عنوان مقر حکومت انتخاب نمودند، و اولین خطبه را در شهر کوفه در این روز ایراد فرمودند. (6)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. منتخب التواریخ: ص 449. وقایع الایام: ج رجب، ص 173.

2. الدرجات الرفیعه: ص 423. تاریخ الخلفاء: ص198.

3. تاریخ بغداد: ج1 ص224. تاریخ دمشق: ج59 ص238. تاریخ خلیفة بن خیاط: ص174.

4. زاد المعاد: ص 35. تقویم المحسنین: ص 18. فیض العلام: ص 316. اختیارات: ص37. صحیح ابن حبان: ج15 ص39. تاریخ دمشق: ج59 ص237.

5. مصباح کفعمی: ج2 ص598. روضة الواعظین: ص171. فیض العلام: ص309. تتمة المنتهی: ص52-47. منتخب التواریخ: ص448. وقایع الایام: ج1 ص172.

6. بحار الانوار: ج 32، ص 352، 382. وقایع الایام: ج 1، ص 118، 178. قلائد النحور: ج رجب، ص 104. تذکرة الخواص ص80.

13 رجب

### 1. ولادت امیر المؤمنین عليه‌السلام

اولین امام مؤمنین و خلیفه اللَّه بلافصل بعد از رسول اللَّه خاتم النبیبن صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، برادر، پسر عمو، وزیر و داماد او سیّد الوصیین، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عليه‌السلام در روز جمعه 13 رجب در بیت اللَّه الحرام، داخل کعبه معظمه به دنیا آمد، که قبل از او و بعد از او مولودی در آنجا بدنیا نیامده و نخواهد آمد. (1)

### القاب امیرالمؤمنین عليه‌السلام

اسم شریفش علی عليه‌السلام است. صاحب کتاب الانوار می گوید: علی بن ابی طالب عليه‌السلام در

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ارشاد مفید: ج 1، ص 5. اعلام الوری: ج 1، ص 306. تهذیب شیخ طوسی: ج 6، ص 19. مصباح المتهجد: ص 741 - 754. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. بحار الانوار: ج35 ص7، 8، ج97 ص383. کشف الغمة: ج 1، ص 59. العمدة: ص24. توضیح المقاصد: ص17. تاج الموالید: ص12. الغدیر: ج6 ص22. الصحیح من السیرة: ج2 ص159. زاد المعاد: ص 21. مستدرک حاکم: ج 3، ص 483. مناقب خوارزمی: ص 12، 13.

حاکم در مستدرک ج3 ص483 می گوید: اخبار متواتر است در اینکه فاطمه بنت اسد عليها‌السلام حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عليه‌السلام را در داخل کعبه به دنیا آورده است.

ولی الله دهلوی در کتاب «ازاله الخلفاء» می گوید: اخبار متواتر است در اینکه فاطمه بنت اسد عليها‌السلام امیر المؤمنین عليه‌السلام را در داخل کعبه در روز جمعه 13 رجب 30 سال بعد از عام الفیل به دنیا آورده است، و کسی قبل از آن حضرت و بعد از آن حضرت در آن مکان به دنیا نیامده است. الغدیر: ج 6، ص 22. زاد المعاد: ص 21.

کلمات بزرگان شیعه در این باب زیادتر از آن است که در این مختصر ذکر شود. به جلد 6 الغدیر تحت عنوان «ولادة امیر المؤمنین عليه‌السلام فی الکعبه» و کتاب «علی عليه‌السلام ولید الکعبة» مرحوم اردوبادی و کتاب «ولید الکعبة» حسینی جلالی و کتاب «شرح احقاق الحق، ج5 و7 و17 و 30 و33» و مجله «ترثنا شماره 26» مراجعه شود.

مدارکی از کتب اهل خلاف که دلالت دارد ولادت امیر المؤمنین عليه‌السلام در داخل کعبه بوده است: کتاب الحسین عليه‌السلام: ج 1، ص 16. مروج الذهب: ج 2، ص358. تذکرة خواص: ص 20. الفصول المهمة: ص 14. السیرة النبویة: ج 1، ص 150. مطالب السؤل: ص 11. محاضرة الاوائل: ص 120. نزهة المجالس: ج 2ص 204. نور الابصار: ص 76. کفایه المطالب: ص 37. نظم درر السمطین: ص80.

کتاب خدا 300 اسم دارد. مشهورترین القاب آن حضرت امیرالمؤمنین است و ابن شهر آشوب بیش از 850 لقب برای آن حضرت ذکر نموده است.

مشهورترین کنیه های آن حضرت ابوالحسن عليه‌السلام است. اضافه بر اسامی و القابی که آن حضرت در کتابهای مختلف آسمانی به زبانهای مختلف دارند.... چه اینکه آن حضرت نزد اهل آسمان معروف به «شمساطیل» است. در زمین «جمحائیل»، در لوح «قنسوم»، در قلم «منصوم»، در عرش «معین»، نزد رضوان «امین» است، نزد حور العین «اصب» است، در صحف ابراهیم عليه‌السلام «حزبیل» است، در عبرانیه «بلقیاطیس»، در سریانیه «شروحیل»، در تورات «ایلیا»، در زبور «اریا»، در انجیل «بریا»، در صحف «حجر عین»، در قرآن «علی عليه‌السلام» است. (2)

از القاب دیگر این اسماء است: ابو الائمة، خلیل النبوة، المخصوص بالاخوة، یعسوب الایمان، یعسوب الدین، میزان الاعمال، سیف ذی الجلال، صالح المؤمنین، وارث علم النبیین، الحاکم فی یوم الدین، شجرة التقوی، حجة الله البالغة، نعمة الله السابغة، الصراط الواضح، الامام الناصح، الوصی، البر، التقی، النبأ العظیم، الصدیق الرشید، الزکی، نور الله التام، سید الوصیّین، کلمة الرحمن، الباقر علوم الادیان، التالی سور القرآن، الثاقب لحجاب الشیطان، الجامع لاحکام القرآن، الذاکر ربه فی السر و الإعلان، الربیع الباکر، اللازم لأوامر الرحمن، امام الاتقیاء سید النجباء، هادی الاولیاء، قبلة الرحماء، امیر الامراء، قدوة الاوصیاء، افصح کل ذی شفتین، مفقه الفقها، اقضی ذوی القضاء، ابصر ذی عینین، اَسمع ذی اُذنین، ولی الله، الشهید، ابوالشهداء، زوج فاطمة الزهراء عليهما‌السلام، معز الاولیاء، مذل الاعداء، العروة الوثقی، مفتاح الهدی، الحجة العظمی، الاحسان، الآیة، القصر المشید، القاضی، امیر النحل، الامام الاول، نور الله الجلیل، هارون، الزیتون، کشاف الکرب، الهاشمی الاُم و الأب، مفتوح الباب الی

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 3، ص 321-319.

1. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 3، ص 319. بحارالانوار: ج35 ص62. انوار العلویة: ص5.

المحراب عند سد ابواب سائر الاصحاب، السابق بالخیرات، القبلة للسادات، عین الحیاة، العالم الزاهد، الحسنة، الحمید، الحق، خیر البشر، المحمود، الذکر، الذاکر، ذو القبری، ذو المحن، الامام الطاهر، الصدیق الاکبر، الشفیع فی المحشر، بدر الاکبر، ساقی ئ مراد الکوثر یوم الحشر و من اعطی رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بنسله الکوثر، صاحب ذی الشمس، الثانی من الخمس، المعصوم، الحنیف، الدلیل، المیزان بالقسط، السید الاورع، ابو شبیر و ابو شبر المسمی بحیدر و ما ادراک ما حیدر، صاحب برائة و غدیر خم و رایة خیبر، النجم اللائح، خیر البریة.

### والدین امیر المؤمنین عليه‌السلام

پدر والامقام آن حضرت، سیّد بطحاء حضرت ابوطالب عليه‌السلام (1)، و مادر آن حضرت فاطمه بنت اسد هاشم بن عبد مناف، بانوی حرم حضرت ابوطالب عليه‌السلام است که انوار امامت و ولایت اولاً از آن خزانه عصمت و حیاء و عفت به ظهور آمده و اولین هاشمیه ای است که چنین اختر فروزنده ای آورد.

آن حضرت نه تنها مادر امیرالمؤمنین عليه‌السلام بود، بلکه بعد از وفات عبدالمطلب عليه‌السلام که شش یا هشت سال از سن مبارک پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم گذشته بود و آن حضرت به ابوطالب عليه‌السلام سپرده شده بود فاطمه بنت اسد عليها‌السلام در حق پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مادری می کرد و همیشه او را بر فرزندان خود مقدم می داشت و همه روزه از آن حضرت علامات نبوت را مشاهده می نمود و پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آن حضرت را مادر خطاب می کرد. (2)

همچنین بعد از رحلت حضرت خدیجه کبری عليها‌السلام، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فاطمه زهرا عليها‌السلام را به فاطمه بنت اسد عليها‌السلام سپردند. ایشان برای آن حضرت مادری می کرد و دردامان عزت خود آن مستوره دو جهان را با جان و دل سرپرستی می کرد تا زمانی که از دنیا رفت. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مختصری از احوال حضرت ابوطالب عليه‌السلام در 26 رجب ذکر می شود.

2. کافی: ج1 ص453. منتخب التواریخ: ص 113-114.

3.تلخیص از ریاحین الشریعه: ج 3، ص3-6.

آن حضرت در سال چهارم هجری در مدینه طیبه از دنیا رفت، و در بقیع مدفون شد. هنگامی که امیرالمؤمنین عليه‌السلام خبر فوت والده اش را به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دادند آن حضرت فرمودند: «او مادر من بود». بعد عمامه و لباسش را داد که فاطمه عليها‌السلام را به آنها کفن کنند و خود حضرت بر جنازه نماز خواند و چهل تکبیر بر جنازه گفت و فرمود: «چون چهل صف از ملائکه به جنازه اش نماز خواندند چهل تکبیر گفتم». بعد در قبر خوابید و هنگام دفن او را تلقین فرمود و در باره او دعا کرد. (1)

حدیث ولادت امیرالمؤمنین عليه‌السلام هم دلالتی بر صلابت ایمان فاطمه بنت اسد عليها‌السلام مادر آن حضرت دارد. (2)

### نور امیر المؤمنین عليه‌السلام در اصلاب پدران

نوری که از عرش پروردگار آمده بود، در انبیاء و اوصیاء یکی بعد از دیگری منتقل شده تا به عبدالمطلب عليه‌السلام رسید و بعد آن نور دو قسم شد. نوری در پیشانی مبارک عبداللَّه عليه‌السلام پدر بزرگوار پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم که آن نور بعداً به پیشانی آمنه عليها‌السلام و سپس در صورت مبارک خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم منتقل شد. نصف دیگر نور در پیشانی مبارک ابوطالب عليه‌السلام قرار گرفت.

خداوند به ابوطالب عليه‌السلام چند فرزند عطا فرمود: عقیل، طالب، جعفر، فاخته یا امّ هانی، جمانه و علی امیرالمؤمنین عليه‌السلام. هنگامی که خداوند علی عليه‌السلام را به ابوطالب و فاطمه بنت اسد عليها‌السلام داد، آن نور در صورت فاطمه بنت اسد عليها‌السلام درخشندگی می کرد.

### محل ولادت امیر المؤمنین عليه‌السلام

مکان ولادت امیرالمؤمنین عليه‌السلام اشرف بقاع یعنی حرم است. اشرف اماکن حرم مسجد

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج1 ص453. بحار الانوار: ج35 ص70. اعلام الوری: ج1 ص306. روضة الواعظین: ص142. منتخب التواریخ: ص 113.

2.ریاحین الشریعه: ج 3، ص 7-6 .

است، و اشرف بقاع مسجد کعبه است. مولودی جز آن حضرت در آن مکان بدنیا نیامده است، آن هم در سیّد ایام روز جمعه، در ماه حرام و در بیت الحرام!! (1)

امیر المؤمنین عليه‌السلام سه روز چشم مبارک را باز نکرد، تا او را خدمت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آوردند. آنجا بود که چشم باز کرد. آن حضرت فرمود: «او مرا مخصوص به نظر خود قرار داد و من او را مخصوص به علم خویش قرار دادم». (2) سپس آن حضرت را در آغوش کشید و به منزل ابوطالب عليه‌السلام آورد.

### پیشگوئی از ولادت امیر المؤمنین عليه‌السلام

جابر بن عبداللَّه می گوید: راهبی بود به نام «مثرم بن رعیب» که 190 سال عبادت کرده بود، ولی حاجتی از خدا نخواسته بود. روزی از خداوند خواست یکی از اولیائش را به او بنمایاند. خداوند متعال جناب ابوطالب عليه‌السلام را نزد او فرستاد و بعد از آن که راهب دانست این اقا چه کسی است، به آن حضرت بشارت داد که ای ابوطالب، خداوند به تو پسری عنایت می فرماید که او ولی خداست و اسم شریف او علی است. هنگامی که او را درک کردی سلام مرا به او برسان و به او بگو که مثرم راهب، اقرار می کند به وحدانیت خدا و به ولایت تو یا امیرالمؤمنین عليه‌السلام شهادت می دهد.

هنگام رفتن جناب ابوطالب عليه‌السلام خرما و انگور و انار بهشتی میل فرمودند و به منزل فاطمه آمدند. فاطمه بنت اسد عليها‌السلام بانوی حرم جناب ابوطالب عليه‌السلام هم خرمائی که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به آن حضرت داده بودند میل فرمود، و به ابوطالب عليه‌السلام هم دادند و آن حضرت هم میل فرمود. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرموده بودند: این خرما را کسی می خورد که مقر به توحید و نبوت من باشد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 2، ص 200. حلیة الابرار: ج2 ص26. بحار الانوار: ج35 ص19. شجره طوبی: ج2 ص217.

2. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 2، ص 205. بحار الانوار: ج38 ص294. الامام علی عليه‌السلام مَن حُبّه عُنوان الصحیفة: ص146.

3. کشف الغمّة: ج 1، ص 59. بحار الانوار: ج35 ص30. الطرائف: ص17. العمدة (ابن بطریق): ص28. المناقب (ابن مغازلی): ص6.

بعد از آنکه پدر و مادر آن حضرت، میوه های بهشتی را میل فرمودند وجود حضرت مولی الموحدین علی بن ابی طالب عليه‌السلام به وجود آمد. هنگامی که فاطمه بنت اسد عليها‌السلام حامل آن وجود شریف شد، به زیبائی و نورانیتش افزوده شد.

### انعقاد نطفه امیر المؤمنین عليه‌السلام

هنگامی که وجود شریف آن حضرت در بطن فاطمه بنت اسد عليها‌السلام قرار گرفت در مکه زلزله شد، و قریش بتها را به کوه ابوقبیس آوردند، ولی زلزله بیشتر شد و بتها به رو افتادند. آنان به ابوطالب عليه‌السلام پناه بردند، و آن حضرت بالای کوه آمد و فرمود: «مردم در این شب اتفاق مهمی افتاده است. خداوند خلقی را آفریده که اگر از او اطاعت نکنید و اقرار به ولایت او ننمائید و شهادت به امامت او ندهید این زلزله ساکن نمی شود. پس به اطاعت و ولایت و امامت او اقرار کنید». سپس در حالی که اشک می ریخت دستان مبارک را بلند نمود و فرمود: «پروردگار و آقای من، تو را می خوانم به محمدیت پسندیده و علویت بلند مرتبه و به فاطمیت درخشنده و نورانی که بر سرزمین تهامه به رحمت و مهربانی خویش لطف بفرمائی». دیگران آمین گفتند. دعا که تمام شد زلزله پایان یافت. عربها در زمان جاهلیت تا گرفتار می شدند این دعا را می خواندند و گرفتاری برطرف می شد.

آن حضرت جعفر بن ابی طالب عليه‌السلام صدای آن حضرت را از داخل شکم مادر شنید و بیهوش شد. همچنین فاطمه بنت اسد علها السّلام به قصد طواف گرد خانه خدا می رفت، ولی ناگهان آن حضرت از داخل شکم دوپای خود را به شدت فشار می داد و نمی گذاشت مادرش به محلی که بتها نصب شده اند نزدیک شود، و حال آنکه مادرش برای عبادت خانه خدا را طواف می کرد. زمانی دیگر، بتها در مقابل آن فرزند به دنیا نیامده به صورت به زمین می افتادند. شیر درنده طائف در برابر ابوطالب عليه‌السلام تعظیم کرد. هنگامی که آن حضرت علت را جویا شد شیر گفت: «شما پدر اسد اللَّه و کمک محمد پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و مربی شیر خدا هستی.»

### مادر امیر المؤمنین عليه‌السلام در کعبه

شب جمعه سیزدهم رجب بانوی بزرگوار ابوطالب عليه‌السلام احساس درد کرد، ولی با قرائت نامی مخصوص آرامش پیدا کرد. هنگامی که جناب ابوطالب عليه‌السلام خواست زنانی از قریش را برای کمک فاطمه بنت اسد عليها‌السلام بیاورد، از گوشه خانه ندائی رسید: «ای ابوطالب، صبر کن چرا که دست نجس نباید ولی خدا را لمس کند».

صبح هنگام فاطمه بنت اسد عليها‌السلام ندائی شنید: «ای فاطمه به خانه ما بیا». ابوطالب عليه‌السلام و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آن حضرت را به مسجد الحرام آوردند. عباس بن عبدالمطلب که به همراه جماعتی در مسجد نشسته بودند، دیدند که فاطمه عليها‌السلام وارد مسجد الحرام شد و در مقابل کعبه ایستاد و نگاهی به سوی آسمان نمود و چنین فرمود: «پروردگارا، من به تو و به پیامبران و کتابهائی که از جانب تو آمده اند ایمان دارم. من کلام جدم ابراهیم خلیل را تصدیق می کنم و او بوده که این خانه را بنا کرده است. تو را قسم می دهم و از تو می خواهم به حق کسی که این خانه را بنا کرد، و به حق فرزندی که در شکم من است و با من سخن می گوید و با گفتارش با من انس می گیرد، و من یقین دارم که یکی از آیات و نشانه های توست، که این ولادت را بر من آسان فرمائی».

ناگهان حاضرین در مسجد الحرام دیدند که دیوار پشت آن سمتی که در کعبه است شکافته شد و فاطمه بنت اسد عليها‌السلام داخل شد. هر چه کردند قفل در را باز کنند ممکن نشد، و دانستند که حکمت خداوند در کار است. (1)

فاطمه بنت اسد عليها‌السلام می فرماید: هنگامی که داخل کعبه شدم دیدم حوا، ساره، آسیه، مادر موسی بن عمران و مریم مادر عیسی آمدند. آنان به من سلام کردند: «السّلام علیکِ یا ولیه اللَّه» و در مقابلم نشستند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج 2، ص53، 199 - 192. روضة الواعظین: ج1 ص79-77. . بحار الانوار: ج 35، ص 8 - 36. امالی شیخ طوسی: ص 706-707. آفتاب کعبه: ص 45. حلیة الابرار: ج2 ص19. شجرة طوبی: ج2 ص216. انوار العلویة: ص33-29. الفضائل (شاذان بن جبرئیل قمی): ص54.

آنچه در ولادت خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم انجام دادند در ولادت علی بن ابی طالب عليه‌السلام نیز انجام دادند، چه اینکه فاطمه بنت اسد عليها‌السلام در هنگام ولادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حضور داشت و به ابوطالب عليه‌السلام ماجرا را خبر داد. حضرت ابوطالب عليه‌السلام قبلاً به او فرموده بود: «30 سال صبر کن تا خدا مولودی به تو عنایت کند مثل خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مگر در نبوّت که وصی و وزیر او خواهد شد». (1)

### روز ولادت امیر المؤمنین عليه‌السلام

روز جمعه علی بن ابی طالب عليه‌السلام مانند خورشید بر روی سنگ سرخ در گوشه راست کعبه طلوع فرمود. همین که قدم بر زمین نهاد، به سجده افتاد و دستها را به سوی آسمان بلند نمود و فرمود: «اشهد ان لا اله الا اللَّه، و أن محمداً رسول اللَّه و اشهد ان علیاً ولی محمد رسول اللَّه، بمحمد یختم اللَّه النبوه و بی یختم الوصیه و انا امیرالمؤمنین». «شهادت می دهم که خدائی جز اللَّه نیست و محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پیامبر خداوند است و علی وصی محمّد رسول اللَّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم است. به محمّد نبوّت ختم می شود و به من وصایت کامل و تمام می شود و منم امیرالمؤمنین عليه‌السلام». (2) سپس فرمود: «جاء الحق و زهق الباطل» «حق آمد و باطل رفت».

در این هنگام که وجود سراپا جودش پای بر این عرصه خاکی نهاده بود، بتهائی که در کعبه بود به صورت به زمین افتادند و آسمانها نورانی شد. شیطان فریاد برآورد: «وای بر بتها و بت پرستان از این فرزند»! (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج1 ص452، 454. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج1 ص58. بحار الانوار: ج 15، ص 273، ج35 ص6، 77. روضة الواعظین: ص 81. خصائص الائمة عليهم‌السلام: ص64. معانی الاخبار: ص403. اربعین ماحورزی: ص204.

2. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج 2، ص 198.

3. علی عليه‌السلام ولید الکعبة: ص41.

### سخنان امیر المؤمنین عليه‌السلام پس از ولادت

آنگاه سلام بر زنان بهشتی نمود و حال آنان را پرسید. بانوان بهشتی او را در آغوش گرفتند و حضرت با آنان تکلّم فرمودند. هنگامی که حضرت حوا عليها‌السلام او را در آغوش گرفت، آن حضرت فرمود: «سلام بر تو ای مادر، حوا»! حوا عليها‌السلام پاسخ داد: سلام بر تو پسرم! علی بن ابی طالب عليه‌السلام از حال حضرت آدم پرسید. حوا عليها‌السلام پاسخ داد: غرق در نعمتهای خداوند است و در جوار پروردگار متنعم است. در این هنگام که آن حضرت داخل کعبه بود ابوطالب عليه‌السلام در کوچه و بازار صدا می زد: بشارت باد شما را که ولی خدا ظاهر شده است، همان کسی که وصایت به او تمام و کامل می شود. (1)

بعد از رفتن زنان بهشتی، پیامبران الهی حضرت آدم، حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت موسی عليهم‌السلام آمدند. امیرالمؤمنین عليه‌السلام با دیدن آنان حرکتی نمود و تبسّم فرمود و آن بزرگواران بر حضرتش سلام کردند: «سلام بر تو ای ولی خدا و خلیفه پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم».

حضرت در جواب فرمود: «علیکم السّلام و رحمه‌الله و برکاته». و جداگانه بر هر یک سلام نمودند. آن بزرگواران یکی بعد از دیگری او را در آغوش گرفتند و بوسیدند و زبان به مدح او گشودند و رفتند. سپس ملائکه آمدند و او را به آسمانها بردند، و باز آوردند و بردند و هر بار کلماتی مخصوص در فضائل و مناقب حضرت می فرمودند.

فاطمه بنت اسد عليها‌السلام می فرماید: «بار دوم در حالتی آن حضرت را آوردند که او را در حریر سفید بهشتی پیچیده بودند و به من گفتند: «او را از چشم بینندگان حفظ کن که ولی رب العالمین است. بدانکه وارد بهشت نمی شود مگر کسی که ولایت او را بپذیرد و امامت و ولایت او را تصدیق کند. خوشا به حال آن که تابع اوست و وای بر کسی که از او رویگردان شود. مثَل او چون کشتی نوح است. هر که به آن پیوست نجات می یابد و هر که از آن باز ماند غرق می شود و سقوط می کند». سپس در گوش او مطلبی گفتند که من

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الفضائل (شاذان بن جبرئیل قمی): ص56. روضه الواعظین: ص 79-78. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 2، ص 198. بحار الانوار: ج 35، ص 13-12، 102.

نفهمیدم. بعد او را بوسیدند و برخاستند و بیرون رفتند و من ندانستم از کجا خارج شدند.» (1)

### سه روز در کعبه

فاطمه بنت اسد عليها‌السلام بعد از سه روز که مهمان الهی بود فرزند مبارک و محترم خود را در آغوش گرفته آماده خروج از کعبه شد که هاتفی غیبی چنین ندا داد: «ای فاطمه، نام این مولود را علی بگذار، چرا که من خدای علی اعلی هستم. من نام او را از نام خود گرفته ام، و او را ادب آموخته ام و امر خود را به او سپرده ام، و او را بر غوامض علم خود آگاهی داده ام. او در خانه من بدنیا آمده است. او اول کسی است که بر فراز خانه من اذان می گوید، و بتها را می شکند، و آنها را از بالای کعبه به صورت می اندازد. خوشا بحال کسی که او را دوست می دارد و از او اطاعت می کند و او را یاری می نماید. وای بر کسی که بغض او را دارد و از او سرپیچی می کند و او را خوار می نماید و حق او را انکار می نماید». (2)

در این سه روز در هر محفلی سخن از ولادت این مولود مبارک و استثنائی بود، بخصوص باز نشدن قفل در کعبه، شکافته شدن دیوار کعبه در روز و دیدن آن توسّط کفار، این مطلب را به صورت یک مسأله عمومی در آورده بود.

### طلوع نور علی عليه‌السلام در آغوش پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم:

صبح روز چهارم در مقابل دیدگان به انتظار نشسته، ناگهان دیوار کعبه از مکان قبلی شکاف برداشت به حدی که فاطمه بنت اسد عليه‌السلام با فرزند عزیزش از آنجا خارج شدند. مردم همه نگاه می کردند و قبل از سؤال کسی، فاطمه بنت اسد عليها‌السلام از بعضی

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. علی عليه‌السلام ولید الکعبه: ص 32. نور الابصار فی موالید الائمة الاطهار عليهم‌السلام: ص31.

2. امالی صدوق: ص196. بحارالانوار: ج35 ص9، 37. علل الشرائع: ص136. معانی الاخبار: ص62. امالی طوسی: ص707. الثاقب فی المناقب: ص197. جواهر السنیة: ص229. بشارة المصطفی عليه‌السلام: ص37. کشف الیقین: ص19. مدینة المعاجز: ج1 ص48.

وقایع داخل خانه خبر داد و از عظمت آن مولود و غذاهای بهشتی و اینکه نام این حضرت به ندای آسمانی علی عليه‌السلام است.

ابوطالب عليه‌السلام و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پیش آمدند، و فاطمه بنت اسد عليها‌السلام با مولود پیش آمد. حضرت مولی الموالی علی عليه‌السلام فرمودند: «السّلام علیک یا اَبَه و رحمه‌الله و برکاته». ابوطالب عليه‌السلام فرمود: «و علیک السّلام یا بُنَیّ و رحمه‌الله و برکاته»، و آن حضرت را در آغوش گرفت. (1) امیرالمؤمنین عليه‌السلام چشمان مبارک به صورت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم باز کرد و تبسّم فرمود و خود را حرکتی داد و فرمود: «السّلام علیک و رحمه‌الله و برکاته، مرا در آغوش بگیر».

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پاسخ سلامش را داد و آن حضرت را در آغوش گرفت، و بوسید و دست در دست او گذاشت. آنگاه امیرالمؤمنین عليه‌السلام دست راست بر گوش نهاد و اذان و اقامه فرمود و به یگانگی خداوند عزّوجل و نبوّت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شهادت داد. سپس از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم برای قرائت کتب آسمانی اجازه خواست. بعد از آنکه پیامبر صلای اللَّه علیه و آلهّ جازه فرمود، سینه را صاف کرد و آنچه در صحف حضرت آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی عليهم‌السلام بود قرائت فرمود. (2) سپس شروع به قرائت قرآن نمود که هنوز نازل نشده بود. آن حضرت سوره مبارکه مؤمنون را آغاز کرد: (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ....). سپس در حالتی که آن حضرت در آغوش رسول اللَّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بود به خانه ابوطالب عليه‌السلام باز گشتند.

فاطمه بنت اسد عليها‌السلام می فرماید: هنگامی که از کعبه خارج شدم و فرزند را نزد پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم گذاشتم، آن حضرت با زبان مبارک دهان علی عليه‌السلام را باز کرد و او را با آب دهان مبارک تحنیک کرد و اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ آن حضرت گفت و فرمود: «این مولودی است که بر فطرت بدنیا آمده است».

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج 2، ص 198. بحار الانوار: ج 35، ص 18. کشف الغمّه: ج 1، ص 59. مدینة المعاجز: ج1 ص48. امالی طوسی: ص708.

2. الهدایة الکبری: ص100. نور الابصار فی موالید الائمة الاطهار عليهم‌السلام: ص33. بحار الانوار: ج 35، ص 22 - 21. روضة الواعظین: ص84. حلیة الابرار: ج2 ص58.

در روز سوم ولادت حضرت یا روز سوم خروج از کعبه و در بعضی اقوال دهم ذی الحجه، حضرت ابوطالب عليه‌السلام ولیمه مفصّلی داد و فرمود: «بیائید برای ولیمه علی بن ابی طالب و قبلاً هفت بار کعبه را طواف کنید و بعد بر فرزندم علی عليه‌السلام سلام کنید». (1)

### کودکی علی عليه‌السلام با پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

امیرالمؤمنین عليه‌السلام در باره دوران کودکی خود و همراه بودن با پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم چنین می فرمایند: به هنگام کودکی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مرا به دامان می گرفت، به سینه خود می چسباند. غذا را می جوید و به دهانم می گذارد و از بوی خوش خویش به مشام جانم می بویانید. او در گفتارم دروغ و در کردارم اشتباه و نادانی نیافت. خداوند پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را از هنگام شیر خوارگی با بزرگترین فرشتگان همراه کرد، تا شبانه روز او را در راه بزرگواریها و نیکیهای جهان رهنمون باشد. من نیز از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پیروی می کردم، چنانکه کودک شیرخواری از مادر فرمان می برد و از کردارهای او پیروی می کند. هر سال به کوه حرا می رفت، و در این هنگام هیچ کس جز من او را نمی دید. (2)

15 رجب

### 1. زیارت امام حسین عليه‌السلام

در شب 15 رجب و روز آن زیارت امام حسین عليه‌السلام (3) و همچنین زیارت مشاهد مشرفه معصومین عليهم‌السلام (4) مستحب است.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج35 ص18. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج2 ص198. کشف الغمة: ج1 ص59. مدینة المعاجز: ج1 ص48. امالی طوسی: ص 708.

2. نهج البلاغة: خطبه قاصعة (192). بحارالانوار: ج14 ص476، ج18 ص223، ج38 ص320.

3. مصباح المجتهد: ص743. فیض العلام: ص308-307. قلائد النحور: ج رجب، ص145. مصباح کفعمی: ج2 ص599.

4. مسار الشیعة: ص35.

### 2. وفات حضرت زینب عليها‌السلام

وفات مظلومانه و غریبانه امّ المصائب حضرت فاطمه صغری عقیله بنی هاشم زینب کبری عليها‌السلام در شب یکشنبه 15 رجب سال 62 ه به وقوع پیوسته است. (1)

در مدت یک سال بعد از واقعه کربلا، زندگانی آن حضرت همراه با اشک و آه و خاطرات اسارت و کربلا سپری گشت. در عظمت آن مخدره همین بس که به فرموده صدوق رحمه‌الله، از جانب امام حسین عليه‌السلام نیابت خاصه داشته است، و تا هنگامی که بیماری امام زین العابدین عليه‌السلام تمام نشده بود، این نیابت ادامه داشت. (2)

### نام گذاری حضرت:

هنگام ولادت جبرئیل از جانب خداوند متعال بر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نازل شد و عرض کرد: «یا رسول اللَّه، اسم این دختر را زینب بگذار». آنگاه جبرئیل گریست. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پرسید: سبب این گریه چیست؟ عرض کرد: همانا این دختر از آغاز زندگانی تا پایان روزگار در این سرای ناپایدار با رنج و درد و بلا خواهد زیست. گاهی به درد مصیبت شما یا رسول اللَّه مبتلا می شود، و گاهی در ماتم مادرش و گاهی در مصیبت پدر و گاهی به درد فراق برادرش حسن مجتبی عليه‌السلام دچار خواهد شد. از همه بالاتر به مصائب کربلا و نوائب دشت نینوا گرفتار می شود چنانکه مویش سفید و قامتش خمیده خواهد گردید.

این خبر را اهل بیت عليهم‌السلام شنیدند و اندوهناک و گریان شدند. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم صورت بر صورت حضرت زینب عليها‌السلام نهاد و گریست. حضرت صدیقه طاهره عليها‌السلام فرمود: یا ابتا، این گریه برای چیست؟ خداوند دیده های تو را نگریاند. فرمود: ای فاطمه، بعد از من و تو این دختر دچار بلاها و مصائبی می شود. حضرت صدیقه عليها‌السلام فرمود: چه ثواب دارد آن

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. زینب الکبری عليها‌السلام (نقدی): ص 114. معالی السبطین: ج 2، ص 225. مستدرک سفینة البحار: ج4 ص316. السیدة زینب الکبری عليها‌السلام من المهد الی اللحد: ص96. وفیات الائمة عليها‌السلام: ص470-468. قلائد النحور: ج رجب، ص145. العقیلة عليها‌السلام و الفواطم علیهن السلام: ص68.

2. کمال الدین: ص501، 507. بحارالانوار: ج51 ص364. الهدایة الکبری: ص366. الغیبة (شیخ طوسی): ص230. شجره طوبی: ج2 ص392.

کسی که بر دخترم زینب عليها‌السلام گریه کند؟ آن حضرت فرمود: «ای پاره تنم و ای نور چشمم، ثواب کسی که بر بر او و بر مصائب او گریه کند مانند ثواب کسی است که بر برادرش حسین گریه کند». سپس نام آن حضرت را «زینب» نهاد. (1)

آن حضرت یک سال و چند ماه بعد از واقعه کربلا با قلبی پر از اندوه از مصائب کربلا در خانه خود رحلت فرمودند و در همان خانه دفن شدند. در وفات آن مخدره مظلومه روزهای 14 رجب و دهم ماه رمضان را هم گفته اند. (2)

### 3. تغییر قبله

در روز 15 رجب سال 2 ه قبله از بیت المقدّس به سوی کعبه تغییر پیدا کرد. این برنامه در نماز ظهر در مسجد بنی سالم مدینه اتفاق افتاد و این مسجد بعد از آن به مسجد ذی القبلتین نامیده شد. (3)

### 4. خروج از شعب ابی طالب عليه‌السلام

در این روز حضرت ختمی مرتبت صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از شعب ابی طالب عليه‌السلام خارج شدند. (4)

### 5. شهادت امام صادق عليه‌السلام

شهادت امام صادق عليه‌السلام به روایتی در سال 148 ه در چنین روزی بوده است. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الطراز المذهب: ص22. وفیات الائمة: ص431. العقیلة عليهم‌السلام و الفواطم علیهن السلام: ص11. ریاحین الشریعة: ص3 ص39-38.

2. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 113. وقائع الشهور: ص166.

3. مسار الشیعه: ص 35. مصباح کفعمی: ج 2، ص 598. مصباح المتهجد: ص 742. بحار الانوار: ج 81، ص 69. وقایع الشهور: ص 121. اقبال: ج3 ص254. تقویم المحسنین: ص18. اختیارات: ص37. وقایع الایام: ج1 ص155. فیض العلام: ص308. قلائد النحور: ج رجب، ص151.

4. مصباح المتهجد: ص 741. بحار الانوار: ج 97، ص 168. قلائد النحور: ج رجب، ص 145. اختیارات: ص36. فیض العلام: ص 308. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. تقویم المحسنین: ص18. اقبال: ج3 ص254.

5. اعلام الوری: ج1 ص514. روضة الواعظین: ج1 ص212. بحارالانوار: ج47 ص1. الدروس الشرعیة: ج2 ص12.

16 رجب

### 1. خروج فاطمه بنت اسد عليها‌السلام از کعبه

در ابتدای این روز حضرت فاطمه بنت اسد عليها‌السلام با فرزندش امیرالمؤمنین عليه‌السلام از کعبه خارج شد. (1)

17 رجب

### 1. مرگ مأمون

روز پنج شنبه 17 رجب سال 218 ه (2)، یا به قولی 8 رجب (3) یا 9 رجب (4) یا 18 رجب (5) مأمون لعنت اللَّه علیه در سن 48 سالگی به اجدادش پیوست. مدت خلافت او 21 سال بود. (6)

18 رجب

### 1. وفات ابراهیم فرزند پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

در سال 10 ه ابراهیم فرزند پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از دنیا رفت. (7) مادر این بزرگوار ماریه قبطیه عليها‌السلام

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحارالانوار: ج35 ص18. امالی طوسی: ص707. مدینة المعاجز: ج1 ص47.

2. تتمه المنتهی: ص 297. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 224. قلائد النحور: ج رجب، ص 69، 180. تاریخ بغداد: ج10 ص189. البدایة و النهایة: ج10 ص306.

3. مستدرک سفینه البحار: ج 4، ص 78، ج 5، ص 224. وقایع الایام: ج 1، ص 104. جنات الخلود: ص64. تتمة المنتهی: ص 297. تاریخ دمشق: ج33 ص337.

4. توضیح المقاصد: ص17. وقائع الشهور: ص118.

5. تاریخ الخلفاء: ص 313. تاریخ طبری: ج7 ص210.

6. تتمة المنتهی: ص297. فیض العلام: ص 312. قلائد النحور: ج رجب، ص69، 180. نفاوح العلام: ص409. مروج الذهب مسعودی: ج3 ص456.

7. مصباح المتهجد: ص 748. منتخب التواریخ: ص 61. فیض العلام: ص 313. زاد المعاد: ص 34. اختیارات: ص37. قلائد النحور: ج رجب، ص186-183.

بود. (1) ولادتش در ماه ذی حجه سال 8 ه بوده است. (2) سن ابراهیم هنگام وفات به قولی 18 ماه (3)، و به قولی یک سال و ده ماه و هشت روز (4) و به قولی دو سال و چند ماه (5) بود.

### 2. اول خلافت شوم یزید

در این روز یزید ملعون خلافت غصب شده را در دست گرفت. سه روز بعد از مرگ معاویه و دفن او در 15 رجب، یزید به دمشق آمد و کنار قبر او رفت و گریست. بعد از آن به کاخ رفت و تا سه روز بیرون نیامد. سپس در روز 21 رجب به مسجد آمد و به منبر رفت و خطبه خواند. (6)

19 رجب

### 1. مرگ معتمد عباسی

در این روز در سال 279 ه المعتمد علی اللَّه احمد بن متوکل ملقب به معتمد به جهنّم واصل شد. (7) علت مرگ او این بود که در کنار نهری در حال عیش و نوش بود و در اثر نوشیدن زیاد شراب یا زهری که توسط پسر برادرش در شراب او ریخته بودند، شکمش ترکید. (8) به قول دیگر او در 18 رجب به درک واصل شد. (9)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. شرح حال این بزرگوار در تتمه ماه محرم به تفصیل بیان شده است.

2. بحار الانوار: ج 21، ص 45، 183، 409. تاریخ یعقوبی: ج2 ص87.

3. تاج الموالید: ص9. مستدرک حاکم: ج4 ص38.

4. بحار الانوار: ج22 ص152، 166. شرح الاخبار: ج3 ص15.

5. تاج الموالید: ص9.

6. وقایع الایام: ج 1، ص 208. البدایة و النهایة: ج8 ص153.

7. الهدایة الکبری: ص367. تاریخ بغداد: ج4 ص281. التنبیه و الاشراف: ص320. البدایة و النهایة: ج11 ص75. سیر اعلام النبلاء: ج12 ص552.

8. قلائد النحور: ج رجب، ص 142. تاریخ طبری: ج8 ص164.

9. تتمه المنتهی: ص 360. مروج الذهب: ج4 ص231.

معتمد در 23 سال خلافتش لذّت و ملاهی را اختیار کرده بود و امورات مملکت به دست برادرش احمد موفق بود. بعد از او پسرش احمد معتضد کارهای پدر را انجام می داد تا عمویش معتمد را از سر راه برداشت و خود به خلافت رسید.

از کبائر جرائم اعمال معتمد، مسموم کردن آقا و مولایمان حضرت امام حسن عسکری عليه‌السلام است. صدوق رحمه‌الله می فرماید: معتمد چندین بار امام عسکری عليه‌السلام را حبس کرد.

21 رجب

### 1. شهادت حضرت زهرا عليه‌السلام

بنا بر نقل ابن عیاش شهادت حضرت زهرا عليها‌السلام در این روز اتفاق افتاده است. (1)

22 رجب

### 1. فرار ابوبکر در جنگ خیبر

در این روز (2) در ایام جنگ خیبر عَلَم به ابوبکر داده شد و او با دیدن دشمن گریخت و گروه خود را نیز به فرار تشویق کرد. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مصباح المجتهد: ص748. زاد المعاد: ص35.

2. وقایع الایام: ج 1، ص 211. وقائع الشهور: ص127.

3. الغدیر: ج7 ص199. بحارالانوار: ج21، ج31 ص259، 374، ج39 19-7. شرح احقاق الحق: ج5 و 16 و 23 و30. مستدرک حاکم: ج3 ص37. مسند احمد: ج5 ص353. الاصابة: ج6 ص36. اسد الغابة: ج4 ص21، 334. کنز العمال: ج10 ص463، ج 13 ص121. سنن الکبری: ج5 ص109، 179. البدایة و النهایة: ج4 ص212، ج7 ص373. تاریخ دمشق: ج41 ص464، ج42 ص92، 93، 97، 107. فتح الباری: ج7 ص365. مجمع الزوائد: ج6 ص150، ج9 ص124. المصنف (ابن ابی شیبة): ج7 ص497، ج8 ص521، 522. المعجم الکبیر: ج7 ص35.

23 رجب

### 1. حمله به امام مجتبی عليه‌السلام در مدائن

در این روز جراح بن سنان اسدی ملعون در ساباط مدائن با استفاده از تاریکی شب خنجر یا تیغی مسموم را به ران مبارک امام حسن مجتبی عليه‌السلام زد که تا استخوان شکافت. آن حضرت از شدت درد دست در گردن او افکند و هر دو به زمین افتادند. دوستان حضرت آن ملعون را کشتند و امام عليه‌السلام را به خانه والی مدائن، سعد بن مسعود (عموی مختار) بردند. سعد جراحی آورد و جراحت آن حضرت را مداوا نمود. (1)

مخفی نماند که معاویه هر یک از عمرو بن حریث و اشعث بن قیس و حجر بن حارث و شبث بن ربعی را به همراه جاسوسی از جاسوسان خود برای کشتن امام مجتبی عليه‌السلام به عراق فرستاد و به آن ها وعده کرد هر کس حسن بن علی عليه‌السلام را بکشد 200 هزار درهم به اضافه سر لشکری یکی از لشکرهای شام، و یکی از دخترانم را به همسری او خواهم داد.

این خبر به امام حسن عليه‌السلام که رسید، آن حضرت زیر لباس حتی در نماز زره می پوشید. یک بار در نماز تیری به سوی آن حضرت پرتاب کردند و چون زره در تن مبارک بود بر آن حضرت اثری نکرد. اما در تاریکی های ساباط مدائن با خنجری زهر آلود به آن حضرت حمله کردند. (2)

در این روز زیارت آن حضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آن حضرت مناسب است. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مصباح المتهجد: ص 749. فیض العلام: ص 317. زاد المعاد: ص 35. جنات الخلود: ص44. اختیارات: ص20، 37. وقائع الشهور: ص127.

2. بحارالانوار: ج44 ص33. علل الشرائع: ج1 ص221.

3. زاد المعاد: ص 35. فیض العلام: ص 317.

### 2. مسموم شدن موسی بن جعفر عليه‌السلام

در این روز در سال 183 ه آقا و مولایمان حضرت موسی بن جعفر عليه‌السلام را به دستور هارون ملعون در زندان بغداد زهر داده و مسموم کردند. (1)

### 3. فرار عمر در جنگ خیبر

در این روز (2) در جنگ خیبر پرچم را به دست عمر دادند و او با دیدن دشمن گریخت و گروه خود را نیز به فرار تشویق کرد. (3)

24 رجب

### 1. فتح خیبر به دست امیر المؤمنین عليه‌السلام (4)

در این روز در سال 7 ه در جنگ خیبر مرحب به دست امیرالمؤمنین عليه‌السلام کشته شد و قلعه خیبر به دست آن حضرت فتح گردید. (5) این فتح در 27 رجب (6) و 15 محرم (7) نیز ذکر شده است.

چون پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به جنگ خیبریان رفت و قلعه «قموص» را محاصره کرد، ابتدا پرچم را برای مبارزه با آنان به ابوبکر دادند. ابوبکر با لشکری رفت، ولی چون نظر به

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج1 ص96. بحار الانوار: ج 48، ص 212. معالم الزلفی: ج1 ص401، 403. وقایع الایام: ج 1، ص 225. قلائد النحور: ج رجب، ص 210.

2. وقایع الایام: ج 1، ص 211، 213. وقائع الشهور: ص127.

3. الغدیر: ج7 ص199. تاریخ المدینة: ج2 ص665. تاریخ طبری: ج2 ص300. سیر اعلام النبلاء: ج14 ص209. و بنگرید: مصادر فرار کردن ابوبکر در جنگ خیبر.

4. بحارالانوار: ج21 ص41-1. فیض العلام: ص321-317. مجمع الزوائد: ج9 ص124. کنز العمال: ج5 ص283. مستدرک حاکم: ج3 ص39-37، 4438.

5. مصباح المجتهد: ص749. بحارالانوار: ج97 ص168. زاد المعاد: ص35. فیض العلام: ص317. جنات الخلود: ص44. اختیارات: ص37. وقائع الایام: ج1 ص233.

6. بحارالانوار: ج97 ص384.

7. توضیح المقاصد: ص4.

پهلوانان آنان نمود فرار کرد و لشکریان هم در پی او باز گشتند. روز بعد پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پرچم را به عمر داد و او هم از ترس کشته شدن به میدان جنگ نرسیده باز گشت.

### انتخاب علی عليه‌السلام برای فتح خیبر

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «فردا پرچم را به مردی می دهم که حمله هایش را تکرار کند، نه اینکه فرار کند. کسی که خدا و پیامبرش را دوست دارد و خدا و پیامبرش هم او را دوست دارند، و خداوند خیبر را به دست او فتح می کند». (1) همه اصحاب آرزو کردند که این مقام و منزلت به آنان واگذار شود.

فردای آن روز، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: علی بن ابی طالب عليه‌السلام کجاست؟ گفتند: چشم دردی دارد که حرکت برای آن حضرت مشکل است. خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: او را حاضر کنید. سلمه بن اکوع رفت و آن حضرت را آورد. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم سر آن حضرت را در بر گرفت و از آب دهان مبارک به چشمان نورانی حضرت خاتم الاوصیاء علی مرتضی عليه‌السلام مالید و فرمود: «بار الها، زحمت گرما و سرما را از او بردار». پس از آن روز بر امیرالمؤمنین عليه‌السلام درد چشم عارض نشد و از گرما و سرما آزرده نگشت.

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم زره خود را بر او پوشانید و ذوالفقار را بر کمر او بست و پرچم به آن حضرت سپرد و سوار بر مرکبش نموده

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج8 ص 351. کتاب سلیم بن قیس هلالی رحمه‌الله: ج2 ص 641، 791. الغدیر: ج7 ص200. بحارالانوار: ج21 ص41-1، ج39 ص19-7. مناقب امیرالمؤمنین عليه‌السلام: ج1 ص345، 537، ج2 ص 510 -495. صحیح بخاری: ج4 ص12، 20، 207، ج5 ص76. صحیح مسلم: ج5 ص195، ج7 ص122-120. طبقات الکبری: ج2 ص111. المنصف (ابن ابی شیبة): ج7 ص497، 500، ج8 ص520، 522. مسند احمد: ج1 ص199، 185، ج3 ص16، ج5 ص52. انساب الاشراف: ص93، 94. شرح نهج البلاغة: ج13 ص186. کنز العمال: ج13 ص121، 162. تاریخ دمشق: ج42 ص123 -81. المناقب (خوارزمی): ص108، 170، 199. جواهر المطالب فی مناقب الامام علی عليه‌السلام: ج1 ص177، 183. استعیاب: ج2 ص787، ج3 ص1099. حلیة الاولیاء: ج1 ص62. المعجم الکبیر: ج6 ص152، 187، 198، ج7 ص31، 35، ج18 ص237. ینابیع المودة: ج1 ص153، 161، ج2 ص120، 164، 231، 290. سنن الترمذی: ج5 ص302. مستدرک حاکم: ج3 ص38، 437. تاریخ طبری: ج2 ص300.

فرمود: «جبرئیل از سمت راست، میکائیل از سمت چپ، عزرائیل از پیش رو و اسرافیل از پشت سر، و نصرت خدا بالای سر، و دعای من از پشت سر تو است». فرمود: یا علی، مسلمانی را بر ایشان عرضه کن.

### میدان جنگ خیبر:

آن حضرت رفت، و پس از موعظه و نصیحت عده ای برای جنگ با او آمدند. آنان دو نفر از مسلمانان را شهید کردند. امیرالمؤمنین عليه‌السلام بر آنها تاخته و آنها را کشتند. آنگاه برادر مرحب با عده ای آمدند. حضرت آنها را هم به درک فرستاد.

مرحب که شجاع بود به خونخواهی آمد. امیرالمؤمنین عليه‌السلام چنان با ذوالفقار بر سرش فرود آورد که شمشیر از حلقش گذشت و او را دو نیم ساخت و به خاک انداخت. صدای تکبیر مسلمانان بلند شد. عده ای از یهود به دفاع آمدند و با مسلمانان به جنگ پرداختند. امیرالمؤمنین عليه‌السلام به مبارزه ادامه داد تا عده ای کشته شدند و عده ای به قلعه گریختند.

آن حضرت با دست قدرتمند حیدری در قلعه را کند و برای مسلمانان معبر قرار داد تا از خندق عبور کنند. حضرت چندین بار مسلمانان را از روی خندق به وسیله ئ آن در عبور داد، با اینکه از سه روز قبل، آن حضرت گرسنه بود.

### 2. بازگشت جعفر طیّار از حبشه

آمدن جناب جعفر بن ابی طالب عليه‌السلام برادر امیرالمؤمنین عليه‌السلام از حبشه در روز فتح خیبر اتفاق افتاده است. در این هنگام رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: « به کدامین امر سرور من بیشتر باشد: به آمدن جعفر یا به فتح خیبر». پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم جعفر را در آغوش گرفت و پیشانی او را بوسید. (1)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. تهذیب الاحکام: ج3 ص186. بحارالانوار: ج21 ص23. منتخب التواریخ: ص 56. وسائل الشیعة: ج8 ص50، 52. وقایع الایام: ج رجب، ص 255. المنصف (ابن ابی شیبه) ج7 ص516، 732، ج8 ص466.

25 رجب

### 1. شهادت موسی بن جعفر عليه‌السلام

در این روز در سال 183 ه بنابر مشهور امام موسی بن جعفر عليه‌السلام، در حبس سندی بن شاهک به شهادت رسیدند. (1) هارون ملعون به ظاهر برای زیارت و در حقیقت برای دستگیر نمودن حضرت موسی بن جعفر عليه‌السلام و فرستادن آن حضرت از مدینه به بغداد به مسجد النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آمد. (2)

### خلفای ظالم در دوران امامت حضرت:

آن حضرت 20 سال داشتند که امامت به ایشان منتقل شد و مدت 35 سال امامت فرمودند. در این مدت بعد از شهادت امام جعفر صادق عليه‌السلام مقداری همزمان با ابوجعفر منصور بودند که او متعرض آن حضرت نشد.

بعد از منصور قریب به ده سال ایام خلافت مهدی بود. او حضرت را به عراق طلبید و حبس کرد. شبی امیرالمؤمنین عليه‌السلام را در خواب دید که به او فرمود: (فَهَلْ عَسیْتُمْ إِن تَوَلَّیْتُمْ أَن تُفْسِدُوا فی الاَرْضِ وَ تُقَطعُوا أَرْحَامَکُمْ) (3) وقتی بیدار شد مراد حضرت را دانست و موسی بن جعفر عليه‌السلام را از زندان آزاد کرد.

پس از مهدی، پسرش هادی خواست آن حضرت را محبوس کند ولی اجل او را مهلت ندا، چه اینکه کمتر از یک سال بیشتر خلافت نکرد. خلافت به هارون که رسید امام عليه‌السلام را از زندانی به زندان دیگر فرستاد، تا در سال چهاردهم خلافتش آن حضرت را در سن 55 سالگی به زهر جفا شهید کرد. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. اعلام الوری: ج 2، ص 6. بحار الانوار: ج 48، ص 206، ج99 ص25. مصباح کفعمی: ج 2، ص 598. مسار الشیعة: ص 36. مصباح المتهجد: ص 749. زاد المعاد: ص 35. فیض العلام: ص 322. تاج الموالید: ص47. روضة الواعظین: ص221. تقویم المحسنین: ص18. اختیارات: ص37.

2. کافی: ج 1، ص 476. بحار الانوار: ج 48، ص 206. ارشاد: ج2 ص215.

3. سوره محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: آیه 22.

4. قلائد النحور: ج رجب، ص 34 - 33.

### غسل و تدفین حضرت:

پس از شهادت بدن شریف حضرت را طبق دستور هارون با جامه های کهنه، جهت اهانت به آن بزرگوار، روی نردبانی گذاردند و چهار حمّال بر دوش گرفتند، و کسی جلوی جنازه صدا می زد: «این امام رافضیان است».

امام رضا عليه‌السلام قبلاً متوجه غسل و کفن و نماز آن حضرت شده بودند. سپس شیعیان آمدند و گل آوردند و احترام کردند و در محل فعلی حرم مطهر، بدن آن حضرت را دفن کردند. (1)

تعداد فرزندان آن حضرت 37 نفرند (2) شهادت آن حضرت در 5 (3) یا 6 (4) یا 24 (5) رجب نیز ذکر شده است.

26 رجب

### 1. وفات حضرت ابوطالب عليه‌السلام

سیّد بطحاء حضرت ابوطالب عليه‌السلام سه سال قبل از هجرت و در سال 10 بعثت از دنیا رفت. (6) بنابر نقلی سن آن حضرت به هنگام بالغ بر 80 سال بوده است. (7) اقوال

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج2 ص85، 93، 98 -86. بحار الانوار: ج 47 ص 225، 227، 247، 254. وقایع الایام: ج 1، ص 279- 277، از جنات الخلود.

2. ارشاد: ج 2، ص 244. تاج الموالید: ص47. بحارالانوار: ج48 ص283، 288، 303.

3. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 4، ص 349. روضة الواعظین: ص221. بحارالانوار: ج48 ص1، ج99 ص25. تاریخ قم: ص199.

4. کافی: ج 1، ص 476. ارشاد: ج 2، ص 215. بحار الانوار: ج 48 ص 206، ج99 ص25.

5. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج4 ص349. روضة الواعظین: ص221. بحار الانوار: ج19 ص25-24. فیض العلام: ص 326. قلائد النحور: ج رجب، ص 284. جنات الخلود: ص16. وقایع الایام: ج 1، ص 303.

7. منتخب التواریخ: ص 43، 114. سر السلسلة العلویة: ص3.

دیگر در رحلت حضرت ابوطالب عليه‌السلام عبارت است از: 27 جمادی الاولی، 26 و 29 رجب، 7 و 18 ماه رمضان، 15 و 17 شوال، اول و دهم ذی القعده، اول ذی الحجه. (1)

### نسب حضرت ابوطالب عليه‌السلام

نام مبارک آن حضرت عمران است، و پدرشان جناب عبدالمطلب، و مادرشان فاطمه بنت عمرو بن عائذ است. ابوطالب عليه‌السلام با عبداللَّه پدر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و زبیر بن عبدالمطلب برادر ابوینی بودند، یعنی از طرف پدر و مادر یکی بودند و سایر اولاد جناب عبدالمطلب با این سه بزرگوار فقط از پدر یکی بودند. (2)

### ایمان حضرت ابوطالب عليه‌السلام

مجلسی رحمه‌الله می فرماید: امامیه اتفاق دارند بر اسلام و ایمان جناب ابوطالب عليه‌السلام به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و اینکه هیچ گاه عبادت بتی نکرده است. بلکه ابوطالب عليه‌السلام یکی از اوصیاء حضرت ابراهیم عليه‌السلام است و امر اسلام و ایمان او در شیعه مشهور است و علمای شیعه کتابها در ایمان آن بزرگوار تألیف کرده اند.

صدوق رحمه‌الله می فرماید: در حدیث آمده که جناب عبد المطلب عليه‌السلام حجت الهی و جناب ابوطالب عليه‌السلام وصی ایشان بوده است. طبق روایت ودایع انبیاء، عصای حضرت موسی عليه‌السلام و انگشتر حضرت سلیمان عليه‌السلام و... توسط عبدالمطلب عليه‌السلام به ابوطالب عليه‌السلام سپرده شد که ایشان آنها را به خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم سپردند. (3)

ابن اثیر جزری شافعی می گوید: اهل بیت عليهم‌السلام بر ایمان ابوطالب عليه‌السلام اجماع دارند و اجماع اهل بیت عليهم‌السلام حجّت است.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. نفائح العلام: ص 158. قلائد النحور: ج رجب، ص 284. منتخب التواریخ: ص 43. شرح احقاق الحق: ج 29، ص 614. وقائع الشهور: ص101، 131، 211. اسد الغابه: ج 1، ص 19.

2. بحارالانوار: ج35 ص138، 182. عمدة الطالب: ص21، 23.

3. کافی: ج1 ص445. کمال الدین: ص665. بحارالانوار: ج17 ص139، ج35 ص73. الغدیر: ج7 ص394.

علامه طبرسی می گوید: اهل بیت عليهم‌السلام اجماع دارند بر ایمان ابوطالب عليه‌السلام و اجماع اهل بیت عليهم‌السلام حجت است؛ چون آن بزرگوار یکی از ثقلین هستند که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم امر به تمسک به آن دو نموده اند. (1)

کتب زیادی در ایمان حضرت ابوطالب عليه‌السلام تألیف شده که اولین آنها در سال 630 ه نوشته شده است. از آن زمان تاکنون کتبی به زبانهای مختلف در ایمان، عظمت و بزرگی آن بزرگوار تألیف و چاپ شده است که بر اهل تحقیق پوشیده نیست. (2) حضرت رضا عليه‌السلام در جواب حضرت عبدالعظیم حسنی عليه‌السلام می فرمایند: «اگر تو در ایمان ابوطالب عليه‌السلام شک کنی جایگاهت بخ سوی آتش جهنم است.» (3)

اشعار حضرت ابوطالب عليه‌السلام در حمایت از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، اشعار منسوب به امیرالمؤمنین عليه‌السلام هنگام رحلت ابوطالب عليه‌السلام و کلمات آن بزرگوار به قریش در مسجد الحرام هنگام سوء قصد قریش نسبت به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، و کلمات آن حضرت هنگام رحلت، کلمات آن حضرت در طلب یاران همه دلالت دارد بر اینکه دارای ایمانی منحصر بفرد بوده است که در روایات تشبیه به ایمان اصحاب کهف شده است. بعضی از ابیات امیرالمؤمنین عليه‌السلام در مرثیه آن بزرگوار نیز دلالت بر افضلیت آن بزرگوار بر حمزه دارد.

اصبغ بن نباته می گوید: امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود: «بخدا قسم هرگز پدرم و جدم عبدالمطلب و هاشم و عبد مناف عبادت بت نکرده اند». گفتند: «پس چه را عبادت می کردند؟ فرمودند: به سوی کعبه نماز می خواندند و بر دین ابراهیم و به آن متمسک بودند.» (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج35 ص139-138. تفسیر مجمع البیان: ج4 ص31. الغدیر: ج7 ص385.

2. ر.ک: الغدیر: ج7 ص 409- 330. بحار الانوار: ج35 ص179-68. قلائد النحور: ج رجب، ص 284، 289، 314، 317، 318، 322. منتخب التواریخ: ص 114 -113. وقایع الایام: ج 1، ص 306-287. ابوطالب عليه‌السلام حامی الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم. شرح نهج البلاغة: ج14 ص85-66.

3. بحار الانوار: ج35 ص111. الغدیر: ج7 ص395. ایمان ابی طالب عليه‌السلام (علامه امینی): ص90.

4. کمال الدین: ص175. بحار الانوار: ج15 ص144، ج35 ص81. الغدیر: ج7 ص387. وقائع الایام: ج1 ص306-290.

ابن ابی الحدید در ضمن اشعاری می گوید: اگر ابوطالب و پسرش نبودند، از دین اثری نبود که اینچنین استوار شود. ابوطالب در مکه از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حمایت کرد و پسرش در مدینه بی دریغ از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حمایت و دفاع می نمود. (1)

### پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در وفات ابوطالب عليه‌السلام

هنگامی که حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام خبر وفات ابوطالب عليه‌السلام را به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم داد، آن حضرت به شدت ملول و محزون شدند و فرمودند: «یا علی برو و او را غسل و حنوط و کفن کن و چون بر روی سریر نهادی به من خبر بده». هنگامی که آن حضرت دستورات پبامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را انجام داد و پدر بزرگوار را بر روی سریر گذاشت، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم خودشان تشریف آوردند و چون نظر مبارکشان بر نعش عموی بزرگوارشان افتاد، رقت و حزن به آن حضرت دست داد و فرمودند: «ای عمو، صله رحم و مهربانی کردی و جزای خیر دیدی. ای عمو، در کوچکی مرا کفالت کردی و در بزرگی مرا نصرت و حمایت نمودی».

با رحلت ابوطالب جبرئیل عليه‌السلام نازل شده به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم عرض کرد: «یاور تو از دنیا رفت، هجرت کن». (2)

امام باقر عليه‌السلام می فرمایند: «اگر ایمان حضرت ابوطالب عليه‌السلام در یک کفه ترازو قرار گیرد و ایمان این خلق در کفه دیگر قرار گیرد حتماً ایمان او بالاتر است». سپس فرمودند: «آیا نمی دانید که امیرالمؤمنین عليه‌السلام در زمان حیات خود نائب می گرفت که برای عبدالله و

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید): ج 14، ص 84-70. الغدیر: ج7 ص387. در وقایع الایام: ج 1، ص 289 می گوید: به گفته سیوطی احادیثی که جسارت به آن بزرگوار کرده اند، از موضوعات زمان معاویه و غیر آن است، برای شادی شجره ملعونه بنی امیه، و منجمله از راویان آن مغیره بن شعبه است که در عداوت و دشمنی با بنی هاشم شهره آفاق است.

2. بحار الانوار: ج22 ص261، ج35 ص125. ابوطالب عليه‌السلام حامی الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص129. الغدیر: ج7 ص373، 386. امالی صدوق: ص489. شرح نهج البلاغة: ج14 ص76. تاریخ یعقوبی: ج2 ص35.

3. کافی: ج1 ص 440، 449. بحار الانوار: ج19 ص14، 69، ج22 ص260، ج35 ص137، 158. شرح نهج البلاغة: ج4 ص70، ج14 ص128.

آمنه و ابوطالب عليهم‌السلام حج انجام دهند، و هنگام شهادت به اولاد خود وصیت فرمودند که نایب برای حج از طرف آن بزرگوران بگیرند». (1)

امام صادق از پدرش از امام سجاد از پدرش عليهم‌السلام نقل می کند که امیرالمؤمنین علی عليه‌السلام در صحن مسجد نشسته و مردم اطرافش جمع بودند؛ که مردی بلند شد و پرسید: ای امیرالمؤمنین عليه‌السلام! تو در مقام و مرتبه ای هستی که خداوند تو را در آن جایگاه قرار داده، اما پدرت در آتش دوزخ شکنجه می شود!

امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود: «آرام باش! خدای داهنت بشکند! سوگند به آن کسی که محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را به حق مبعوث کرد! اگر پدرم برای تمام گناهکاران روی زمین شفاعت کند خداوند شفاعت او را می پذیرد. آیا پدرم در آتش معذب باشد و من که پسرش هستم تقسیم کننده بهشت و دوزخ باشم؟!

سوگند به آن کس که محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را به حق مبعوث کرد! روز قیامت نور ابوطالب عليه‌السلام نور تمام آفریدگان را تحت الشعاع قرار می دهد مرگ پنج نور: نور محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، نور من، نور فاطمه عليها‌السلام، نور حسن عليه‌السلام، نور حسین عليه‌السلام و نور امامان از فرزندان حسین عليهم‌السلام. آگاه باش! نور ابوطالب عليه‌السلام از نور ماست، که خداوند آن دو هزار سال پیش از آفرینش حضرت آدم عليه‌السلام آفریده است». (2)

27 رجب

### 1. بعثت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

مبعث مبارک پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در سن 40 سالگی و آغاز نزول قرآن بر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در این روز

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج35 ص165. الغدیر: ج7 ص380. الصحیح من السیرة: ج3 ص242. مستدرک الوسائل: ج8 ص70. شرح نهج البلاغة: ج14 ص68. شبیه این روایت را امام هادی عليه‌السلام هم فرموده اند: مستدرک الوسائل: ج8 ص70، از الهدایة الکبری. مدینة المعاجز: ج7 ص535. وقایع الایام: ج1 ص303.

2. مائة منقبة: ص174. کنز الفوائد: ص80. احتجاج: ج1 ص341. الغدیر: ج7 ص387. بحار الانوار: ج35 ص69، 110. ابوطالب عليه‌السلام حامی الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص207. الفضائل (شاذان بن جبرئیل قمی): ص72.

بوده است. (1)

این روز یکی از اعیاد بزرگ است، و روزی است که حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به رسالت مبعوث گردید و جبرئیل عليه‌السلام بر پیامبری آن حضرت نازل شد. غیر شیعه مبعث را در 17 یا 18 یا 24 ماه رمضان و بعضی در 12 ربیع الاول می دانند.

در این روز صلوات بر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و اهل بیت آن حضرت و نیز زیارت آن حضرت و امیر المؤمنین عليه‌السلام وارد شده است. (2)

سالیان سال بود که از بعثت انبیاء عليهم‌السلام می گذشت، و هر قوم و قبیله ای با عقیده های مختلف خود زندگی می کردند و در حجاز و مکه آن روز بسیاری بت می پرستیدند: بت سنگی، فلزی، چوبی، و گاهی از جنس خرما. دختران را زنده به گور می کردند. اکثر قبایل در حال جنگ و خونریزی بودند. دنیا غرق در گمراهی و ضلالت بود. تا اینکه چهل سال از ولادت با سعادت اشرف مخلوقات و سرور کائنات حضرت محمّد بن عبداللَّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم گذشت. خداوند آن حضرت را به پیامبری مبعوث فرمود، و جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و وحی های الهی را با آداب و مراسمی مخصوص به آن حضرت رسانید که در کتب روائی با سندهای مختلف ذکر شده است.

طبق بعضی روایات (3) هنگامی که آن حضرت از کوه حرا بر می گشتند انوار جلال و عظمت ایشان را فرا گرفته بود، بحدی بود که هیچکس را یارای آن نبود که به آن حضرت نظر کند. از کنار هر درخت و گیاه و سنگ که می گذشت در برابر

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج4 ص149. تهذیب الاحکام: ج4 ص305، چ6 ص2. اعلام الوری: ج 1، ص 46. مصباح المتهجد: ص 750. مسار الشیعه: ص 37. تاج الموالید: ص6. العدد القویه: ص 337. روضة الواعظین: ص52. بحار الانوار: ج18 ص189، ج94 ص37، 51، ج97 ص168.وسائل الشیعة: ج8 ص110، ج10 ص447. مستدرک الوسائل: ج6 ص288، ج7 ص518. تقویم المحسنین: ص18. اختیارات: ص37. زاد المعاد: ص 36. فیض العلام: ص 328.

2. زاد المعاد: ص 40. بحار الانوار: ج97 168، 377.

3. منتهی الآمال: ج1 ص47.

آن حضرت خم می شدند و به زبان فصیح می گفتند: «السّلام علیک یا نبی اللَّه، السّلام علیک یا رسول اللَّه».

هنگامی که آن حضرت داخل خانه حضرت خدیجه عليها‌السلام شدند، از شعاع انوار جمال آن حضرت خانه منور شد. خدیجه عليها‌السلام عرض کرد: ای محمّد، این چه نور است که از شما مشاهده می کنم؟ آن حضرت فرمودند: این نور پیامبری است. سپس خطاب به حضرت خدیجه عليها‌السلام فرمودند: بگو: «لا اله الا اللَّه محمّد رسول اللَّه». خدیجه عليها‌السلام عرض کرد: سالهاست من پیامبری شما را می دانم. سپس به وحدانیت خداوند متعال و رسالت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شهادت داد.

در این هنگام آن حضرت فرمودند: «ای خدیجه! احساس سرما می کنم. جامه ای بر من بپوشان». حضرت جامه بر خود کشید و خوابید. از جانب حقتعالی ندا رسید: (يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ \* قُمْ فَأَنْذِرْ \* وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ...) (1)؛ «ای جامه به خود پیچیده، برخیز و بترسان مردم را از عذاب پروردگار خود، و تکبیر بگو و پروردگارت را به بزرگی یاد کن».

آن حضرت برخاست و انگشت مبارک در گوش خود گذاشت و فرمود: «اللَّه اکبر، اللَّه اکبر» پس صدای آن حضرت به همه موجودات رسید، و همه با او موافقت کردند. (2)

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم سه سال پنهانی مردم را به خدای یکتا دعوت می فرمود، و پس از سه سال جبرئیل آمد و عرض کرد: «خداوند متعال امر فرموده که دعوت خویش را آشکار فرمایی». سپس آن حضرت از کوه صفا بالا رفتند و مردم را انذار فرمودند و دعوت خود را علنی نمودند. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. سوره مدّثر: آیه 3-1.

2. بحار الانوار: ج 18، ص 197- 196. منتهی الامال: ج 1، ص 47. شجرة طوبی: ج2 ص227. العدد القویة: ص338. تاریخ دمشق: ج63 ص18.

3. بحار الانوار: ج18 ص186 -174.

28 رجب

### 1. خروج امام حسین عليه‌السلام از مدینه به سوی مکه

در این روز در سال 60 ه امام حسین عليه‌السلام از مدینه منوره متوجه مکه شدند. (1) بنابر قولی شب 29 رجب آن حضرت از مدینه خارج شدند. (2) در این سفر همراه ایشان عقیله بنی هاشم زینب کبری، برادرشان حضرت ابوالفضل العباس، امّ کلثوم، علی اکبر و دیگر اهل بیت عليهم‌السلام بودند. خواهران سیّد الشّهداء عليه‌السلام با عقیله بنی هاشم عليها‌السلام 13 نفر بودند.

بانوان دیگر از منسوبین حضرت، علیا مخدره امّ کلثوم صغری دختر زینب کبری عليها‌السلام که با شوهرش به کربلا آمد و دیگری خواهر امیرالمؤمنین عليه‌السلام جمانه دختر ابوطالب عليه‌السلام. همچنین 9 کنیز با حضرت از مدینه خارج شدند و 10 نفر غلام با حضرت بودند. چند نفر از همسران امام مجتبی عليه‌السلام و 16 نفر از اولاد دختر و پسر امام مجتبی عليه‌السلام و خانواده مسلم بن عقیل عليه‌السلام و دیگر اصحاب و بستگان حضرت نیز همراه بودند.

لوازم و سواری هایی که داشتند عبارت بود از 250 اسب، 250 ناقه. از این تعداد، 70 ناقه برای حمل خیمه ها، 40 ناقه برای حمل دیگ و ظروف و ادوات ارزاق، 30 ناقه برای حمل مشکهای آب، 12 ناقه برای جامه ها و دراهم و دنانیر، 50 ناقه برای حمل 50 هودج تعبیه شده برای حمل مخدرات و علویات و اطفال و ذراری و خدمتگزاران و کنیزان، و بقیه شتران برای حمل وسائل مختلف که مورد لزوم بود. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ارشاد: ج 2، ص 34. اعلام الوری: ج 1، ص 435. بحار الانوار: ج 44، ص 326. روضة الواعظین: ص171. اختیارات: ص37. وقائع الایام: ج1 ص336. مقتل الحسین عليه‌السلام: ص 7. تاریخ طبری: ج4 ص252.

2. فیض العلام: ص 329.

3. از کتاب مدینه تا مدینه: ص 77 تا 90. برای اطلاع بیشتر به کتابهای «بیت الاحزان» عبدالخالق بن عبدالرحیم یزدی، قمقام زخار، معالی السبطین، (ابومخنف)، ریاض القدس، بحار الانوار، تاریخ اعثم کوفی مراجعه شود.

### 2. اولین اقامه نماز در اسلام

در این روز اولین کسی که بعد از بعثت با پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نماز خواند، امیرالمؤمنین عليه‌السلام بود. روز دوشنبه 27 رجب پیامبر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مبعوث شدند و در 28 رجب حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام با آن حضرت نماز اقامه فرمودند. (1)

آخر رجب

### 1. مرگ ابوحنیفه

در این روز در سال 150 ه (2) نعمان بن ثابت مشهور به ابوحنیفه رئیس حنفی ها در بغداد مرد و در همان شهر مدفون شد.

### 2. مرگ شافعی

در روز جمعه آخر ماه رجب سال 204 ه محمّد بن ادریس شافعی در مصر مرد. (3) او در روز وفات ابوحنیفه به دنیا آمد (4) و مدت 4 سال در شکم مادر بود. جای تعجب است که پدر شافعی چهار سال قبل از ولادت او مرده بود و او در ولادت به احترام حیات ابوحنیفه تأخیر کرد!! (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج2 ص21. بحار الانوار: ج38 ص288 - 201. الغدیر: ج3 ص243 - 224. روضة الواعظین: ص85. مناقب امیرالمؤمنین عليه‌السلام: ج1 ص259، 285. استیعاب: ج3 ص1095. وقالع الایام: ج رجب، ص247. منتخب التواریخ: ص42. تذکرة الخواص: ص103. شرح نهج البلاغة: ج4 ص119، ج13 ص244. مستدرک حاکم: ج3 ص112، 183. المعجم الکبیر: ج1 ص320. تاریخ دمشق: ج42 ص29-27. تاریخ طبری: ج2 ص55.

2. وقایع المشهور: ص 132. وقائع الایام: ج1 ص365. تتمة المنتهی: ص286. مراقد المعارف: ج1 ص95.

3. روضات الجنات: ج 7، ص 259. تتمه المنتهی: ص 258. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص223. وقائع الشهور: ص132. فیض العلام: ص213. تاریخ دمشق: ج51 ص279، 432. الکامل فی ضعفاء الرجال: ج1 ص117. تاریخ بغداد: ج2 ص68. الکاشف فی معرفة من له روایة فی کتب الستة: ج2 ص155. المجموع: ج1 ص7. کتاب الام: ج1 ص14 (مقدمه). تدریب الراوی: ج2 ص360.

4. تتمة المنتهی: 286. وقائع الایام: ج1 ص365. شجرة طوبی: 1 ص69. سیر اعلام النبلاء: ج10 ص12.

5. الانوار النعمانیة: ج2 ص177. روضات الجنات: ج7 ص258. تتمة المنتهی: ص286. وقائع الایام: ج1 ص 390 -389. وقائع الشهور: ص132.

### 3. غزوه نخله

در آخر این ماه در سال دوم هجرت غزوه نخله به وقوع پیئست. (1)

تتمه رجب

### 1. هجرت مسلمانان به حبشه

در این ماه 5 سال بعد از بعثت؛ به امر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابی طالب عليه‌السلام به حبشه هجرت نمودند. (2)

### 2. وفات نجاشی پادشاه حبشه

در این ماه در سال 9 ه پادشاه حبشه رحلت نمود. (3)

در آن روز پیامبر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «امروز مردی صالح از جهان رحلت نمود. برخیزید تا بر او نماز بگذاریم». در این هنگام جنازه نجاشی بر پیامبر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ظاهر شد و آن حضرت بر او نماز گذاردند. (4)

### 3. شهادت مالک اشتر نخعی

در این ماه در سال 37 یا 38 ه صحابی جلیل القدر؛ بزرگ فرمانده لشکر امیرالؤمنین عليه‌السلام ابوابراهیم مالک اشتر نخعی در قُلزم مصر به دستور معاویه مسموم

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج19 ص174، 189. الصحیح من السیرة: ج4 ص335.

2. بحار الانوار: ج18 ص 422- 412. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص203. طبقات الکبری: ج1 ص204. تاریخ طبری: ج2 ص69.

3. بحار الانوار: ج 21، ص 369. السیرة النبویة (ابن کثیر): ج4 ص74. تنویر الحوالک» ص235.

4. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج2 ص438. بحار الانوار: ج18 ص130، 411. منتهی الامال: ج 1، ص 93. البدایة و النهایة: ج3 ص98.

شد و به شهادت رسید. (1) قبر شریف آن بزرگوار در قُلزم است که بناء و گنبد کوچکی نیز دارد. (2)

مالک اشتر از امرای لشکر امیرالمؤمنین عليه‌السلام در جنگ صفین بود. آن بزرگوار نزد امیرالمؤمنین عليه‌السلام جلیل القدر و عظیم المنزله بود، و در عظمت او همین بس که امیرالمؤمنین عليه‌السلام در فرمایشی درباره مالک می فرمایند: «مالک برای من چنان بود که من برای رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بودم». (3) و در کلامی دیگر امیرالؤمنین عليه‌السلام خطاب به اصحابشان می فرمایند: «ای کاش دو نفر مانند مالک بین شما بود؛ بلکه ای کاش یک نفر مثل مالک بین شما بود...». (4)

عهدنامه حضرت به مالک اشتر از طولانی ترین عهدنامه های حضرت است که مشتمل بر لطائف و محاسن بسیار و پند و حکمت بی شمار برای استانداران و امراء است.

مالک از طرف امیرالمؤمنین عليه‌السلام امیر بر موصل و نصیبین و دارا و سنجار و هیت و عانات بود، و آخر الامر حضرت مالک را به مصر فرستادند و نامه ای به مردم مصر نوشتند که در آن نامه در شأن مالک مدح فراوانی نموده مردم را به اطاعت از او دستور داده بودند، اما معاویه چون از آمدن مالک با خبر شد به دهقان عریش نوشت که اگر مالک را مسموم کند خراج ناحیه اش را مادم العمر به او بدهد. دهقان عریش هم چون فهمید مالک عسل بسیار دوست دارد شربت عسل مسمومی درست کرد و برای مالک آورد و اوصاف و فوائد آن را بیان کرد. مالک عسل را میل نمود و از شدت سم

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. تاریخ دمشق: ج56 ص378.

2. مراقد المعارف: ج2 ص223.

3. خلاصة الاقوال: ص227. بحارالانوار: ج42 ص176. الغدیر: ج9 ص40. شرح نهج البلاغة: ج2 ص214، ج15 ص98. ینابیع المودة: ج2 ص28.

4. بحار الانوار: ج32 ص547، ج33 ص310. وقعة صفین: ص521. شرح نهج البلاغة: ج2 ص240. ینابیع المودة: ج2 ص21.

بلافاصله جان داد و در قلزم دفن شد. شهادت مالک اشتر به دست نافع غلام معاویه هم نقل شده است.

معاویه هنگامی که خبر شهادت مالک را شنید از شادی نزدیک بود پرواز کند. او در شام خطبه ای خواند و در آن گفت: علی بن ابی طالب عليه‌السلام دو دوست داشت؛ یکی در صفین قعظ شد (عمار بن یاسر)، و یکی امروز (مالک). (1)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. اختصاص: ص81. بحار الانوار: ج33 ص591. الغدیر: ج11 ص62. النصاوح الکافیة لمن یتولّی معاویة: ص87. تاریخ طبری: ج4 ص72.

8 شعبان المعظم

ماه شعبان ماه سرور شیعه به قدوم امامان معصوم عليهم‌السلام است. روزهای 2، 3، 4، 5، 9، 10، 11، 15، 18، 19 این ماه روزهای مهمی از تاریخ اسلام است.

ولادت امام حسین عليه‌السلام، امام زین العابدین عليه‌السلام، حضرت بقیه اللَّه الاعظم عليه‌السلام، حضرت عباس عليه‌السلام و حضرت علی اکبر عليه‌السلام مهم ترین اخبار سراسر سرور در این ماه هستند. مرگ حفصه و مغیره بن شعله نیز دو خبر مسرور کننده در این ماه اند.

از سوی دیگر شهادت سعید بن جبیر، وفات علی بن محمّد سمری و حسین بن روح نوبختی دو نائب امام زمان عليه‌السلام روزهای حزن این ماه اند.

جنگ بنی سعد جنگ رخ داده در این ماه است. آغاز وجوب روزه یک روز تاریخی در زمینه احکام اسلامی است. ورود امام حسین عليه‌السلام به مکه، آخرین توقیع امام زمان عليه‌السلام و شناساندن امام زمان عليه‌السلام به شیعیان نیز سرآغاز تحولات عظیمی در تاریخ اسلام اند.

2 شعبان

### 1. آغاز وجوب روزه

در این روز در سال دوم هجری روزه ماه مبارک رمضان واجب شد. (1)

### 2. مرگ معتز عباسی

در این روز در سال 255 ه معتز باللَّه به درک واصل شد. نام او زبیر یا محمّد بود که بعد از پسر عمویش مستعین به خلافت رسید. از بزرگترین جرائم او این بود که امام هادی عليه‌السلام را به شهادت رساند، و چون ترس آن داشت که مؤید بر ضد او قیام کند او را در لحاف مسموم پیچید و دو طرف آن را بست تا در 23 رجب مرد.

او پیوسته سر کردگان اتراک را می کشت تا در روز مبعث سال 255 ه عده ای به سر کردگی صالح بن وصیف دور معتز را گرفتند و توبیخ و سرزنش کردند و از او مطالبه اموال کردند، و او را از حجره بیرون کشیدند و در آفتاب گرم بپای داشتند که از شدت گرما تکیه بر یک پا می کرد و او را پیوسته می زدند تا اینکه در 27 رجب خود را از خلافت خلع کرد. سپس سه روز به او آب و غذا ندادند تا مرد، و به قولی دیگر او را با آب جوش تنقیه کردند. بعضی گفته اند: او را پنج روز در گرمابه بدون آب و غذا حبس کردند و روز آخر آب نمک یا آب برفی به او دادند و به این سبب کشته شد. (2)

3 شعبان

### 1. ولادت امام حسین عليه‌السلام

در این روز در سال 4 ه آقای شهیدان و سرور و سالار شیعیان و دلباختگان، اشک

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مسار الشیعه: ص 37. توضیح المقاصد: ص 19. تقویم المحسنین: ص18. اختیارات: ص37.

2. توضیح المقاصد: ص19. تتمه المنتهی: ص 340 - 343. فیض العلام: ص 336. تاریخ بغداد: ج2 ص124. تاریخ طبری: ج7 ص525.

هر مؤمن، امام زاهد عابد، شهید غریب، عطشان نینوا حضرت اباعبداللَّه الحسین الشهید عليه‌السلام عالم را به نور خود منور فرمود. (1) اقوال دیگر در ولادت آن حضرت پنجم شعبان (2) و 13 ماه رمضان (3) و آخر ربیع الاول سال 3 هـ (4) و پنجم جمادی الاولی (5) و دوازدهم رجب است. (6)

### القاب امام حسین عليه‌السلام

نام مبارک آن حضرت در تورات شبیر و در انجیل طاب است. پدرشان مولانا و مقتدانا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عليه‌السلام و مادرشان حضرت ولیه اللَّه و حبیبته خاتون دو سرا صدیقه کبری فاطمه زهرا عليها‌السلام است.

کنیه آن حضرت ابو عبداللَّه و کنیه خاص آن حضرت ابوعلی است. القاب حضرت الشهید، السعید، السبط الثانی، الامام الثالث، الرشید، الطیب، الوفی، السید، الزکی، المبارک، تابع لمرضات اللَّه است. (7)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. اعلام الوری: ج 1، ص 420. مسار الشیعه: ص 37. مصباح المتهجد: ص 758. تقویم المحسنین: ص18. مصباح کفعمی: ج 2، ص 598. کشف الغمه: ج 2، ص 3. بحار الانوار: ج 44، ص 202 - 200، ج 94، ص 79، ج 98، ص 347. تاریخ قم: ص195. فیض العلام: ص 337. زاد المعاد: ص 56. اختیارات: ص37. اقبال ج3 ص303. مختصر بصائر الدرجات: ص35. مزار مشهدی: 397. شرح احقاق الحق: ج33 ص576.

2. ارشاد: ج 2، ص 27. کشف الغمه: ج 2، ص 3. تاج الموالید: ص28. بحارالانوار: ج43 ص237ريال ج44 ص202-200. مصباح المجتهد: ص782. روضة الواعظین: ص153.

3. بحار الانوار: ج 44، ص 202. الدروس الشرعیة: ج2 ص8.

4. تهذیب الاحکام: ج6 ص41. توضیح المقاصد: ص10. بحارالانوار: ج44 ص200. فیض العلام: ص226. الدروس الشرعیة: ج2 ص8. اعلام الوری: ج10 ص420.

5. دلائل الامامة: ص235. بحارالانوار: ج44 ص202.

6. اربعین ماحوزی: ص 368. مدینة المعاجز: ج3 ص426. منتخب طریحی: ص151. مجمع النورین: ص159. نور الابصار: ص186.

7. بحار الانوار: ج 43، ص 238-237. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص86-85. دلائل الامامة: ص181. شجرة طوبی: ج2 ص259.

### پیامبر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در ولادت امام حسین عليه‌السلام

هنگامی که خبر ولادت آن حضرت به پیامبر گرامی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم رسید، به خانه امیرالمؤمنین عليه‌السلام آمدند و به اسماء فرمودند تا مولود را بیاورد. اسماء حضرت را در پارچه ای سفید پیچید و خدمت رسول اکرم پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آورد. پیامبر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در گوش راست آن حضرت اذان و در گوش چپ اقامه فرمودند.

روز اول یا هفتم ولادت امین وحی الهی جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: «سلام خداوند بر تو باد ای پیامبر، این نوزاد را به نام پسر کوچک هارون شبیر نام بگذار، که به عربی حسین گفته می شود. چون علی عليه‌السلام برای شما بسان هارون برای موسی بن عمران است، جز آنکه شما خاتم پیامبرانی.» (1)

به این ترتیب نام پر عظمت «حسین» از جانب پروردگار برای دومین فرزند فاطمه عليها‌السلام انتخاب شد. در این روز ملائکه آسمانها برای عرض تهنیت به مناسبت این ولادت خدمت پیامبر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم رسیدند و از خاک قبر آن بزرگوار برای پیامبر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آوردند و به آن حضرت تعزیت نیز گفتند.

یکی از معجزات روز ولادت آن حضرت این بود که فطرس ملک (2) یا دردائیل (3) پناه به آن امام مظلوم برد و خداوند او را بخشید و او را به مقام قبلی اش باز گردانید.

### دوران زندگی امام حسین عليه‌السلام

آن حضرت شش سال و چند ماه با جد گرامی خود رسول اکرم پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بود. مدت سی

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. امالی شیخ طوسی: ج 1، ص 367. معانی الاخبار: ص 57. تاج الموالید: ص29. بحارالانوار: ج43 ص238، 239، ج44 ص250. جواهر السنیة: ص239.

2. بصائر الدرجات: ص88. کامل الزیارات: ص140. امالی صدوق: ص201. دلائل الامامة: ص190. عیون المعجزات: ص60. السرائر: ج3 ص580. الثاقب فی المناقب: ص338. الخراوج و الجرائح: ج1 ص253. بحار الانوار: ج43 ص244، 251، ج44 ص182، ج50 ص66.

3. کمال الدین: ص283. مدینة المعاجز: ج3 ص433. بحار الانوار: ج 43، ص 248. غایة المرام: ج1 ص148، ج2 ص168، 263. فیض العلام: ص 337.

سال با پدر بزرگوار خود مولای متقیان امیر مؤمنان عليه‌السلام زندگی کرد، و در جمل، صفین و نهروان شرکت داشت. (1)

در دوران زمامداری غاصبانه عمر، امام حسین عليه‌السلام در سن ده سالگی وارد مسجد شد و خلیفه دوم را بر منبر پیامبر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مشاهده کرد که سخن می گفت. از منبر بالا رفت و فریاد زد: «ای دروغگو! از منبر پدرم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرود آی نه منبر پدرت»! (2)

بعد از شهادت امیرالمؤمنین عليه‌السلام همراه و شریک رنجهای امام حسن عليه‌السلام بود، و شاهد بود که معاویه و دیگر منافقین و کافران چگونه دهان آلوده خود را به بدگوئی پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین و برادرش امام حسن عليهما‌السلام می گشایند.

پس از آنکه امام مجتبی عليه‌السلام را مظلومانه شهید کردند، امامت به آن وجود سراپا جود رسید، و بعد از مصائب و اذیتها و زخم زبانها، در روز عاشورا آن حضرت را به شهادت رسانیدند.

در این روز توقیع مبارک از ناحیه امام زمان عليه‌السلام در رابطه با ولادت امام حسین عليه‌السلام به قاسم بن علاء همدانی صادر شد. (3)

### 2. ورود امام حسین عليه‌السلام به مکه

در شب جمعه سوم شعبان سال 60 هـ امام حسین عليه‌السلام وارد مکه شدند و تا ذی الحجه در آنجا اقامت داشتند. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الاصابة: ج 2، ص 69.

2. کلمات الامام الحسین عليه‌السلام: ص120 - 116. بحارالانوار: ج28 ص232، ج30 ص47، 51. شرح احقاق الحق: ج11 ص425. الغدیر: ج7 ص126. الاصابة: ج2 ص69. کنز العمال: ج13 ص654. تاریخ دمشق: ج14 ص175، 176. تذکرة الخواص: ص234. معرفة الثقات: ج1 ص302. ینابیع المودة: ج2 ص42، 466.

3. مصباح المتهجد: ص 758. مستدرک الوسائل: ج7 ص538. بحارالانوار: ج44 ص201، ج94 ص79.

4. ارشاد: ج 2، ص 35. بحارالانوار: ج44 ص332. کلمات الامام الحسین عليه‌السلام: ص305. فیض العلام: ص 338. تاریخ طبری: ج4 ص286.

4 شعبان

### 1. ولادت حضرت عباس عليه‌السلام

در این روز در سال 26 هـ علمدار کربلا سقای نینوا حضرت قمر منیر بنی هاشم ابوالفضل ال عباس عليه‌السلام به دنیا آمد. (1)

نام مشهور آن حضرت عباس عليه‌السلام است. به آن حضرت ابوالفضل، ابوالقربه، قمر بنی هاشم، باب الحوائج، عبد صالح و سقا می گویند. (2) پدرشان حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عليه‌السلام، و مادرشان حضرت امّ البنین فاطمه عليها‌السلام دختر حزام کلابیه است.

آن حضرت خوش سیما و زیبا رو بود و به همین جهت به ماه بنی هاشم ملقب شد. قامتی بلند و بازوهائی قوی داشت و بر اسب که می نشست و پا در رکاب می نمود زانوی آن حضرت تا گردن اسب می رسید. مظهر جلال و جبروت حضرت کردگار بود، و در شجاعت و صفات بعد از امام حسن و امام حسین عليهما‌السلام سر آمد اولاد امیرالمؤمنین عليه‌السلام بود. آن حضرت سپهسالار و علمدار مظلوم کربلا بود. (3)

روزی امام سجاد عليه‌السلام به عبید الله فرزند حضرت عباس عليه‌السلام نگاه کرد و اشک چشمان مبارکش را فرا گرفت و فرمود: «روزی بر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم سختر تر از روز اُحُد نبود که عمویش حمزه عليه‌السلام در آن شهید شد، و بعد از آن موته بود که عموزاده اش جعفر بن ابی طالب عليه‌السلام شهید شد.» سپس فرمود: «و لا یوم کیوم الحسین عليه‌السلام ...»: «روزی چون روز حسین عليه‌السلام نبود؛ که سی هزار مرد که گمان می کردند از این امتند دور او را گرفتند و هر کدام با کشتن او به خدا تقرب می جستند و او خداوند را به آن ها یادآوری می نمود ولی پند نمی گرفتند تا او را به ستم و ظلم و عدوان کشتند.»

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. خصائص العباسیه: ص 66. قمر بنی هاشم عليه‌السلام (مقرّم): ص 18، از انیس الشیعة. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص211. الوقایع و الحوادث: ج محرم، ص 400.

2. العباس عليه‌السلام: ص 164. مرحوم مقرم به نقل از مدارک تاریخی گفته که لقب آن حضرت سقا بوده است.

3. بحارالانوار: ج 45 ص39. مقاتل الطالبیین: ص56.

آنگاه فرمود: «خداوند عباس عليه‌السلام را رحمت کند که جانبازی کرد و حوب امتحان داد و در راه برادر خود مبتلا ساخت و خود را فدای برادر نمود تا دو دستش قطع شد. خداوند در عوض به او دو بال داد که فرشتگان در بهشت پرواز می کند چنان که به جعفر بن ابی طالب عليه‌السلام عطا نمود. حضرت عباس عليه‌السلام نزد خداوند متعال منزلت و مقامی دارد که تمام شهدای اولین و آخرین در روز قیامت تمنای مقامش را می نمایند.» (1)

در زیارت وارده از حضرت صادق عليه‌السلام خطاب به آن حضرت عليه‌السلام می گوییم: «سلام الله و سلام ملائکته المقرّبین و اَنبیائه المرسلین و عباده الصالحین و جمیع الشهداء و الصدیقین... علیک یابن اَمیرالؤمنین... و لعن الله من جهل حقّک و استخفّ بحرمتک و لعن الله من حال بینک و بین ماء الفرات...». (2)

5 شعبان

### 1. ولادت امام زین العابدین عليه‌السلام

در این روز در سال 38 هـ در زمان امیرالمؤمنین عليه‌السلام آقا و مولایمان حضرت سیّد السّاجدین زین العابدین علی بن الحسین عليه‌السلام به دنیا آمد. (3) آن حضرت در روز شنبه در منزل حضرت زهرا عليها‌السلام به دنیا آمدند. (4)

نام آن حضرت «علی» است، و مشهورترین لقب مبارکش زین العابدین و سجاد عليه‌السلام است. پدرشان سرور شهیدان حضرت اباعبداللَّه الحسین عليه‌السلام، و مادرشان حضرت

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. امالی صدوق: ص547. بحار الانوار: ج44 ص298. خصال: ص68. انوار العلویة: ص442. مقتل الحسین عليه‌السلام (ابی مخنف): ص176.

2. کامل الزیارات: ص440. بحارالانوار: ج98 ص217، 277. مزار شیخ مفید: ص121. مصباح المجتهد: ص668. تهذیب الاحکام: ج6 ص66.

3. کشف الغمة: ج 2، ص 74. توضیح المقاصد: ص 20. توضیح المقاصد: ص20. بحارالانوار: ج46 ص7، 14. الدروس الشرعیة: ج2 ص12. شرح احقاق الحق: ج12 ص9، 10.

4. احقاق الحق: ج 19، ص 439.

شهربانو (شاه زنان) عليها‌السلام است. (1)

امام سجاد عليه‌السلام دو سال از عمر با برکتش را با جدش امیرالمؤمنین عليه‌السلام بود، و بقیه ء عمر شریفش همراه عموی مکرم و مظلومش امام مجتبی عليه‌السلام و پدر والامقامش امام حسین عليه‌السلام سپری شد. در واقعه جانسوز کربلا شاهد شهادت پدربرادر، عمو و بستگان و اصحاب عليهم‌السلام بود. همراه با عمه اش زینب کبری عليها‌السلام و دیگر اسرا به کوفه و شام رفتند.

در کوفه و شام جسارتها به آن حضرت و اهل بیت عليهم‌السلام نمودند، ولی با خطبه هائی نورانی از امامت و عصمت اهل بیت عليهم‌السلام دفاع فرمود. در کاخ یزید در حالیکه با چند تن دیگر از خاندان امامت به یک ریسمان بسته شده بودند، رو به یزید کرده فرمودند: «ما ظنّک برسول اللَّه لو رآنا موثقین فی الجبال...»: «ای یزید، چه گمان به پیامبر می بری اگر آن حضرت ما را این چنین در بند ببیند »؟ (2)

در ولادت آن حضرت اقوال دیگری به این ترتیب وجود دارد: 19 ربیع الاول (3)، 15 جمادی الاولی (4)، 15 جمادی الاخر (5)، 5 رجب، 11 رجب، 7 شعبان (6)، 8 شعبان (7)، 9 شعبان (8)، 15 شعبان، 5 رمضان. (9) در روز ولادت هم اختلاف است که یکشنبه بوده

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج1 ص467. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج2 ص48. بحارالانوار: ج46 ص16 - 7. عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ص192.

2. تذکرة الخواص: ص 236. اللهوف: ص213. مثیر الاحزان: ص78. بحارالانوار: ج45 ص132. ترجمة الامام الحسین عليه‌السلام من الطبقات: ص83. تاریخ دمشق: ج70 ص15. معجم الکبیر: ج3 ص104. مجمع الزوائد: ج9 ص195. جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب عليه‌السلام: ج2 ص294.

3. شرح احقاق الحق: ج13 ص90.

4. مسار الشیعه: ص 31. تقویم المحسنین: ص16. اختیارات: ص35.

5. تاج الموالید: ص36. بحارالانوار: ج46 ص14.

6. شرح احقاق الحق: ج 19، ص 439.

7. شرح احقاق الحق: ج 13، ص 90.

8. روضة الواعظین: ص201. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص189. فیض العلام: ص341.

9. شرح احقاق الحق: ج19 ص439. قلائد النحور: ج شعبان، ص 389 -388.

یا سه شنبه یا پنجشنبه یا جمعه؟ در سال ولادت هم اختلاف است که 36 یا 37 یا 38 ه بوده است. (1)

9 شعبان

### 1. عقیقه برای امام حسین عليه‌السلام

در این روز که هفتمین روز ولادت امام حسین عليه‌السلام است، حضرت رسول گوسفندی را برای فرزندش به عنوان عقیقه قربانی کرد. سپس سر آن حضرت را تراشید و هم وزن موی سر او نقره صدقه داد. (2)

10 شعبان

### 1. توقیع امام زمان عليه‌السلام برای شیعیان

در این روز ابوجعفر سَمُری شش روز قبل از رحلتش، توقیعی از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر عليه‌السلام برای شیعیان آورد. (3)

11 شعبان

### 1. ولادت حضرت علی اکبر عليه‌السلام

در سال 33 هـ شبیه ترین مردم به خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حضرت علی اکبر عليه‌السلام به دنیا آمد. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص189. قلائد النحور: ج شعبان، ص 389-388.

2. حیاة الامام الحسین عليه‌السلام: ج 1، ص 43-30. اعلام الوری: ج 1، ص 420. روضة الواعظین: ص155.

3. کمال الدین: ص516. الغیبة (شیخ طوسی): ص395. بحار الانوار: ج51 ص361، ج52 ص151. قلائد النحور: ج شعبان، ص 392. وقایع المشهور: ص 140.

4. علی اکبر عليه‌السلام (مقرّم): ص16-15، به نقل انیس الشیعة. مستدر سفینة البحار: ج5 ص413.

نام آن حضرت «علی» پدرشان حضرت سیّد الشّهداء عليه‌السلام، مادرشان لیلی بنت مره ثقفی است. کنیه آن حضرت طبق فرمایش حضرت صادق عليه‌السلام «ابا الحسن» است. (1)

روایت بزنطی هم دلالت دارد که آن حضرت ازدواج کرده بودند.

در زیارت وارده از حضرت صادق عليه‌السلام هم می خوانیم: «صَلَّی اللهُ عَلَیکَ وَ عَلی عِترَتِکَ وَ اَهلِ بَیتِکَ وَ آبائِکَ وَ اَبنائِکَ وَ اُمَّهاتِکَ الأَخیارِ الَّذینَ اَذهَبَ عَنهُم الرِّجس وَ طَهَّرَهُم تَطهیراً» (2) و لفظ اَبناء در زیارت دلالت بر این دارد که آن حضرت حتی بیشتر از دو فرزند داشته است. در واقعه کربلا نزدیک 27 سال از عمر مبارک آن حضرت گذشته بود. (3)

15 شعبان

### 1. ولادت حضرت بقیه اللَّه الاعظم صلوات اللَّه علیه

در سال 255 هـ شی جمعه ولادت خاتم الاوصیاء منتقم آل محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آخرین امام بر حق و ولی مطلق خداوند حضرت بقیه اللَّه حجه بن الحسن عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف واقع شده است. (4)

در این شب آب زمزم زیاد می شود به گونه ای که همه می توانند رؤیت کنند (5)، ولی اکنون روی آن پوشیده است. در این شب برات آزادی از آتش برای افراد زیادی نوشته می شود، و آن را «شب برات» و «شب مبارک» و «شب رحمت» گویند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کامل الزیارات: ص 240. بحار الانوار: ج98 ص186.

2. کامل الزیارات: ص 240. بحار الانوار: ج98 ص186.

3. علی اکبر عليه‌السلام «مقرم»: ص 20-16.

4. کافی: ج1 ص514. ارشاد: ج 2، ص 339. اعلام الوری: ج 2، ص 214. مسار الشیعة: ص 38. توضیح المقاصد: ص 20 - 21. مصباح کفعمی: ج 2، ص 598. فیض العلام: ص 346. جلاء العیون: ص 579. بحارالانوار: ج51. اختیارات: ص37. تقویم المحسنین: ص18. شرح احقاق الحق: ج13 ص93، 94. ینابیع المودة: ج3 ص306. اعلام زرکلی: ج6 ص80.

5. تقویم الواعظین: ص 136، به نقل از خلاصة المنهج: ج 5، ص 145 - 246.

از امام باقر و امام صادق عليهما‌السلام روایت شده که فرمودند: وقتی شب نیمه شعبان شود، منادی از افق اعلی ندا می کند: «ای زائرین قبر حسین بن علی برگردید در حالی که گناهان شما آمرزیده شده و اجر شما با خدای شما و محمّد باشد». (1) ولی کسی که استطاعت زیارت قبر امام حسین عليه‌السلام را ندارد قبور مطهر ائمه دیگر را زیارت کند، و اگر این هم ممکن نیست با اشاره به طرف قبرشان سلام دهد. (2)

پدر بزرگوارشان مولانا و سیدنا ابومحمد العسکری حسن بن علی محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب صلوات الله علیهم اجمعین، و مادر بزرگوارشان حضرت نرجس عليها‌السلام و اسم شریف حضرتش بنا بر اتفاق و اخبار و اصحاب اسم جدشان خاتم الانبیاء «م ح م د» صلوات الله علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (3)

### ماجرای شب ولادت

امام حسن عسکری عليه‌السلام در شب ولادت برای عمه بزرگوار خود جناب حکیمه خاتون عليها‌السلام پیغام فرستاده بودند: «امشب نزد ما افطار کن که شب نیمه شعبان است و خداوند حجت خود را آشکار می سازد.»

ولادت امام زمان عليه‌السلام در شهر سامرا به هنگام طلوع فجر نیمه شعبان 255 ه بوده است. بر شانه راست آن حضرت نوشته شده بود: (جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا).

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج4 ص589. کامل الزیارات: ص333. من لا یحضره الفقیه: ج2 ص582. بحار الانوار: ج98 ص94. جامع احادیث الشیعة: ج12 ص423.

2. مسار الشیعة: ص 38. توضیح المقاصد: ص 20 - 21. فیض العلام: ص 343.

3. ارشاد: ج 2، ص 339. دار السلام: ص196. بحار الانوار: ج51.

4. سوره اسراء: آیه 81.

پس از تولد آن بزرگوار را نزد پدر بردند و شروع به سخن فرمود: «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلاَّ اللهُ و أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسوُلُ الله و أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّ الله» و ائمه معصومین عليهم‌السلام را یکی بعد از دیگری نام برد تا به وجود شریف خود رسید و برای فرج محبین خود دعا فرمود.

### امام زمان عليه‌السلام در آغوش پدر

آنگاه حسب الامر امام عسکری عليه‌السلام، حکیمه خاتون او را نزد مادرش نرجس خاتون برد. حکیمه خاتون می فرماید: روز هفتم به خدمت امام حسن عليه‌السلام رفتم. حضرت فرمود: «پسر مرا بیاورید». آن وجود سراپا جود را نزد آن امام بردیم. حضرت زبان در دهان وی گذاشتند و فرمودند: «پسرم، سخن بگو». دیدم آنچه در روز اول از او شنیده بودم از اقرار به وحدانیت و ثنا بر جد خود پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین عليه‌السلام و سایر ائمه عليهم‌السلام تا پدر بزرگوارش دوباره بیان کرد و این آیه را تلاوت فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ».

سپس پدر بزرگوارشان فرمودند: بخوان آنچه را که خدا بر پیامبران خود نازل فرمود. حضرت خواندن صحف آدم را به لغت سریانی آغاز نمود، و بعد کتاب ادریس و نوح و صالح و صحف ابراهیم و تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را قرائت نمود. بعد از آن بیان قصص انبیاء و مرسلین را شروع نمود.

حکیمه خاتون می گوید: پس از چهل روز دیگر، دوباره خدمت فرزند برادرم امام عسکری عليه‌السلام رفتم و حضرت صاحب الزمان عليه‌السلام را دیدم که راه می رود. امام عسکری عليه‌السلام فرمود: ای عمه، مولود عزیز نزد خدا این است. گفتم: ای سید و مولای من، نشو و نمای او را در چهل روز زیادتر از دیگران می بینم. حضرت فرمودند: «ای عمه، ما اوصیاء در یک روز نشو و نمای یک هفته دیگران را، و در یک جمعه نشو و نمای

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. سوره قصص: آیات 6 - 5.

یک سال دیگران را می نمائیم». من برخاستم و سر آن طفل را بوسیده به منزل مراجعه کردم. (1)

### القاب امام زمان عليه‌السلام

از القاب آن نور الهی «حجه اللَّه عليه‌السلام»، «حجة آل محمد عليهم‌السلام»، «صاحب الزمان عليه‌السلام» یعنی فرمانروای عصر خود، «مالک رقاب الخلایق عليه‌السلام» یعنی امر امر او و نهی نهی او و حکم حکم او و فرمان فرمان اوست، «مهدی عليه‌السلام» که خلق به وسیله او هدایت می یابند و به وجود مقدس او از جاده ضلالت به شاهراه هدایت رسیده رستگار می شوند، «قائم عليه‌السلام» که حضرت صادق عليه‌السلام فرمودند: «از این جهت که به حق قیام می نماید او را قائم گویند»، «منتظر عليه‌السلام» که برای او غیبت طولانی است، و مخلصین او انتظار خروجش را می کشند و شکاکین او را انکار می کنند. (2)

### اوصاف امام زمان عليه‌السلام

اوصاف ظاهری آن حضرت شباهتهای زیادی به رسول گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دارد. خطی از موی سیز رنگ مانند زمرد از گردن تا ناف مبارک او کشیده است. صورت مبارکش مانند ستاره ای درخشنده و نورانی است. امیرالمؤمنین عليه‌السلام می فرماید: «او جوانی است خوش روی و خوش موی و نور صورت مبارکش بر سیاهی محاسن و موی سر انوار او غالب است». (3) امام باقر عليه‌السلام می فرماید: «رنگ مبارکش مایل به سرخی است مانند گل سرخ شکفته و چشمانش گشاده و میان ابروهایش مرتفع و مابین شانه های او باز است.» (4) گشاده جبین است و بینی او بلند و نازک و شکم مبارکش بر آمدگی دارد، و بیخ دندانهای ثنایش گشاده است.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج51 ص20، 27. الهدایة الکبری: ص356. مدینة المعاجز: ج8 ص26-20. معجم احادیث الامام المهدی عليه‌السلام: ج4 ص369. کفایة الموحدین: ج3 ص340 - 341. فیض العلام: ص346.

2. کفایه الموحدین: ج 3، ص 343. بحار الانوار: ج51 ص30.

3. الغیبة (شیخ طوسی): ص470. بحار الانوار: ج51 ص36.

4. الغیبة (شیخ طوسی): ص215. بحار الانوار: 51 ص40. معجم احادیث الامام المهدی عليه‌السلام: ج3 ص237. کفایة الموحدین: ج2 ص781.

### مادر امام زمان عليه‌السلام

والده حضرت صاحب الامر عليه‌السلام حضرت نرجس خاتون است که نامها و القاب دیگر حضرت عليها‌السلام، ملیکه، ریحانه، صیقل، سوسن است. در زیارت آن حضرت - که تمامی عبارات آن دلالت واضحی بر علو منزلت آن بانو دارد - توصیف به راضیه، مرضیه، صدیقه، تقیّه نقیّه، زکیّه، والدة الامام، المودعة السرار الملک العلاّم، امّ موسی، ابنة حواری عیسی شده است. (1)

بنابر نقلی جناب نرجس عليها‌السلام در سال 261 هـ در سامراء از دنیا رحلت کرد و در جوار امامین حضرت هادی و امام عسگری عليهما‌السلام دفن شد. (2) بنابر نقلی دیگر در سال 260 هـ قبل از شهادت امام عسگری عليه‌السلام رحلت نمود. زیرا هنگامی که امام عليه‌السلام از وقایع بعد از شهادت خود نسبت به فرزند و عیالش خبر داد حضرت نرجس خاتون عليه‌السلام از آن حضرت خواستند که دعا بفرمایند قبل از ایشان از دنیا بروند. (3)

حضرت حکیمه خاتون دختر حضرت جواد الائمه عليه‌السلام است که توفیق رؤیت و درک چهار امام معصوم عليه‌السلام را داشته است. (4) ایشان در سال 274 ه در سامراء رحلت فرمودند. (5)

ایشان محرم اسرار اهل بیت عليه‌السلام بوده و کسی است که در ولادت حضرت صاحب الزمان عليه‌السلام حاضر بوده و چندین بار خدمت آن حضرت مشرف شده است. بعد از وفات امام حسن عسکری عليه‌السلام یکی از وفات امام حسن عسکری عليه‌السلام یکی از سفرا بوده که به واسطه او مردم به حوائج خود نائل می شدند. (6)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج99 ص70. ریاحین الشریعه: ج 3 ص26-25.

2. ریاحین الشریعه: ج 3، ص 25 - 26.

3. تاریخ سامراء: ج 1، ص 243. مستدرک سفینة البحار: ج 10، ص 25. بحار الانوار: ج51 ص5.

4. بحار الانوار: ج 50 ص 8.

5. تاریخ سامراء: ج 1، ص 239.

6. ریاحین الشریعة: ج4 ص150.

### ایام پس از ولادت امام زمان عليه‌السلام

پس از گذشت یک شب از ولادت امام عصر عليه‌السلام، نسیمِ خادم خدمت آن حضرت رسید و عطسه کرد. امام عليه‌السلام فرمود: «یَرحَمکَ اللهُ» سپس فرمود: «عطسه تا سه روز امان از مرگ است». (1) این ماجرا در روز 25 شعبان هم نقل شده است. (2)

سه روز بعد از ولادت امام عصر عليه‌السلام، حضرت امام حسن عسگری عليه‌السلام فرزند خود را به اصحاب خاص نمایاند و امامت او را تصدیق فرمودند. (3)

### غیبت صغری:

در غیبت صغری چهار تن از بزرگان شیعه به ترتیب وکیل و سفیر و نایب خاص امام زمان عليه‌السلام بودند، که خدمت آن حضرت می رسیدند و وکالتشان مورد تأیید آن حضرت بود، و پاسخهای امام عليه‌السلام در حاشیه نامه ها توسط نوّاب به دست مردم می رسید.

البته غیر از این چهار نفر وکلای دیگری هم از طرف امام عليه‌السلام در بلاد مختلف بودند که به وسیله همین چهار بزرگوار امور مردم را به عرض امام زمان عليه‌السلام می رساندند و از سوی امام عليه‌السلام در امور آنها توقیع هایی صادر شده بود. سفارت این چهار بزرگوار سفارت مطلق و تام بوده، ولی دیگران در موارد خاصی سفارت داشتند، مانند ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی،احمد بن اسحاق اشعری،ابراهیم بن محمد همدانی، احمد بن حمزه بن الیسع. (4)

نوّاب اربعه عبارتند از ابوعمرو عثمان بن سعید عمری، ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی ابوالحسن علی بن محمد سمری.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کمال الدین: ص 430، 441. بحار الانوار: ج51 ص5، 30. وقایع الشهور: ص 147.

2. الغیبة (شیخ طوسی): ص232. بحار الانوار: ج51 ص5. وقایع الشهور: ص146.

3. وقایع الشهور: ص 147.

4. الغیبة (شیخ طوسی): ص415. بحار الانوار: ج51 ص362. المهدی عليه‌السلام: ص 182. اعیان الشیعه: ج 4، ص 48، بخش سوم.

نائب اول عثمان بن سعید مورد اعتماد مردم و جلیل القدر و وکیل حضرت هادی و امام عسکری عليهما‌السلام نیز بود. (1) او به امر امام عليه‌السلام متصدی کفن و دفن امام عسکری عليه‌السلام گردید. (2)

چون امام عسکری عليه‌السلام در محله عسکر سکونت داشتند و تماس با آن حضرت برای شیعیان مشکل بود. عثمان بن سعید چون روغن فروش بود، اموال را در ظرفهای روغن می ریخت و به خدمت امام عليه‌السلام می برد.

احمد بن اسحاق قمی هنگامی که از امام هادی عليه‌السلام پرسید: آقای من، گاهی غائب و گاهی حاضرم. وقتی هم که حضور دارم نمی توانم خدمتتان برسم. سخن چه کسی را بپذیرم و فرمان چه شخصی را اطاعت کنم؟ حضرت فرمود: «این ابوعمرو عثمان بن سعید عمری مورد اطمینان و امین است، آنچه به شما بگوید از من می گوید و آنچه به شما برساند از من می رساند.»

احمد بن اسحاق می گوید: پس از رحلت امام هادی عليه‌السلام نزد امام عسکری عليه‌السلام رفته همان گفته را تکرار کردم. آن حضرت مانند پدر بزرگوارشان فرمودند: «ابو عمرو امین و مورد اطمینان امام گذشته ومورد اطمینان من در زندگی و پس از مرگ من است. آنچه به شما بگوید و آنچه به شما برساند از من می رساند.»

جناب عثمان بن سعید پس از امام عسکری عليه‌السلام به فرمان حضرت مهدی عليه‌السلام به وکالت و نیابت ادامه داد، و شیعیان مسائل خود را نزد او می بردند و پاسخ امام عليه‌السلام توسط او به مردم می رسید.

نائب دوم ابوجعفر محمد بن عثمان بود و او نیز همچون پدر از بزرگان شیعه و در تقوی و عدالت و بزرگواری مورد احترام شیعیان بود. عثمان بن سعید پیش از وفات به فرمان امام عصر عليه‌السلام فرزند خود ابوجعفر محمد بن عثمان را به جانشینی خود و نیابت امام عليه‌السلام معرفی کرد. این در حالی بود که امام عسکری عليه‌السلام نسبت به او و

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. المهدی علیه السّلام: ص 181. بحار الانوار: ج 51، ص 344.

2. الغیبة (شیخ طوسی): ص356. اعیان الشیعه: ج 2 ص 48 بخش سوم.

پدرش اظهار اعتماد و اطمینان فرموده بود و شیعه بر عدالت و تقوی و اطاعت او اتفاق داشتند. (1)

پس از درگذشت نائب اول جناب عثمان بن سعید، توقیعی از جانب امام زمان عليه‌السلام در مورد وفات او و نیابت فرزندش محمد صادر شد که ترجمه قسمتی از آن چنین است: «انا للَّه و انا الیه راجعون، در برابر فرمان خدا تسلیم و به قضای او راضی هستیم. پدرت سعادتمند زیست و پسندیده در گذشت. خداوند او را رحمت کند و به پیشوایان و سرورانش عليهم‌السلام ملحق سازد. از کمال سعادت پدرت بود که خداوند فرزندی چون تو را به او عنایت کرد که پس از او جانشینش گردی، و در امورش قائم مقام او باشی و برایش طلب رحمت و آمرزش نمائی». (2)

از محمد بن عثمان پرسیدند: صاحب الامر عليه‌السلام را دیده ای؟ گفت آری و آخرین ملاقاتم با او کنار بیت الحرام بود که می فرمود: «اللهُمَّ اَنجِز لی ما وَعَدتَنی» و نیز او را در مستجار نزدیک رکن یمانی کعبه دیدم که می گفت: «اللهُمَّ انتَقِم لی مِن اَعدائی». (3)

این بزرگوار کتاب هایی در فقه تألیف کرده که مشتمل است بر آنچه از امام عسکری عليه‌السلام و از پدر خود شنیده بود. (4)

محمد بن عثمان برای خود قبری ترتیب داده بود و آن را ساج پوشانده بود و روی آن آیاتی از قرآن کریم و اسامی ائمه اطهار عليهم‌السلام را نوشته بود. هر روز داخل آن می شد و یک جزء قرآن قرائت می کرد و بیرون می آمد. او پیش از مرگ از روز وفات خود خبر داد و در همان روز که خبر داده بود در گذشت. (5) همچنین پیش از رحلت به

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج 51، ص 346 - 344. الغیبة (شیخ طوسی): ص 357 - 354. الکنی و الالقاب: ج 3، ص 267. المهدی عليه‌السلام: ص181.

2. کمال الدین: ص 510. بحار الانوار: ج 51، ص 349. الغیبة (شیخ طوسی): ص 361. احتجاج: ج2 ص301.

3. من لا یحضر الفقیه: ج2 ص520. کمال الدین: ص440. الغیبة (شیخ طوسی): ص364-251. بحار الانوار: ج 51 ص 351، ج52 ص30.

4. الغیبة (شیخ طوسی): ص363. بحار الانوار: ج51 ص350. حق الیقین: ص299. الذریعه: ج2 ص106.

5. الکنی و الالقاب: ج 3، ص 268 - 267. حق الیقین: ص 300.

شیعیان خبر داد که امام عليه‌السلام جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی را برای سفارت و ارتباط با خود انتخاب فرموده اند و او قائم مقام من است و به او مراجعه کنید. (1) او در سال 305 هـ رحلت فرمود. (2)

نائب سوم جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است، که نزد موافق و مخالف عظمت و بزرگی ویژه ای داشت، و به عقل و بینش و تقوی و فضیلت نزد عموم فرقه های مختلف مذهبی مشهور بود و در زمان نائب دوم از جانب او متصدی پاره ای از امور بود.

با اینکه میان یاران نائب دوم، جعفر بن احمد بن متیل از همه به او نزدیکتر بود، و حتی در اواخر زندگی جناب محمد بن عثمان، غذای منزل او را در منزل جعفر بن احمد بن متیل تهیه می کردند، و در میان اصحاب احتمال نیابت و جتنشینی جعفر بن احمد بیشتر بود، اما در آخرین ساعات زندگی جناب محمد بن عثمان که جعفر بن احمد بالای سر او و حسین بن روح پائین پایش نشسته بود، به جعفر بن احمد رو کرد و فرمود: «مأمور شده ام که امور را به ابوالقاسم حسین بن روح واگذار نمایم». جعفر بن احمد از جا برخاست و دست حسین بن روح را گرفت و او را بالای سر محمد بن عثمان نشاند و خود در پائین پای او نشست.

در 6 شوال سال 305 هـ اولین توقیع از ناحیه مقدسه امام عصر عليه‌السلام برای او صادر شد که متن آن چنین بود: «ما او را می شناسیم، خداوند تمامی خیر و رضای خویش را به او بشناساند و به توفیق خود او را یاری نماید. از مکتوب او مطلع شدیم و نسبت به او وثوق و تطمینان داریم. او را نزد ما مکام و منزلتی است که خشنودش می سازد. خداوند احسان

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کمال الدین: ص 503. مدینة المعاجز: ج8 ص209. بحار الانوار: ج 51، ص 355 - 354. الغیبة (شیخ طوسی): ص 371 - 370.

2. الغیبة (شیخ طوسی): ص366. بحار الانوار: ج 51، ص 352. الکنلی و الاقاب: ج3 ص268. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص231.

3. الغیبة (شیخ طوسی): ص370. بحار الانوار: ج 51، ص 354 - 353. کمال الدین: ص503. مدینة المعاجز: ج8 ص209.

خویش را به او بیفزاید که خدا ولی و توانا بر همه چیز است، و سپاس خدای را که شریکی ندارد و درود و سلام فراوان خداوند بر فرستاده او محمد و بر خاندان او صلوات اللَّه علیهم». (1)

از ابوسهل نوبختی صاحب تألیفات که از متکلمین بزرگ بغداد بود پرسیدند: برای چه جناب ابوالقاسم حسین بن روح به مقام نیابت نائل شد و شما نائل نشدید؟ گفت: ائمه عليهم‌السلام داناترند و آنچه برگزینند شایسته تر و مناسب تر است، ولی من فردی هستم که با خصم برخورد و مناظره می کنم و اگر نائب امام عليه‌السلام بودم و مکان امام زمان عليه‌السلام را می دانستم چنانکه ابوالقاسم حسین بن روح به جهت نیابت می داند و در گیر و دار بحث پیرامون امام عليه‌السلام با مخالفان در تنگنا قرار می گرفتم ممکن بود نتوانم خود را کنترل کنم و جای آن حضرت را افشا نمایم، ولی ابوالقاسم اگر امام عليه‌السلام در زیر دامان او مخفی باشد و او را با آلات لرنده تکه تکه نمایند دامان خود را از او بر نمی دارد و او را به دشمن نشان نخواهد داد. (2)

جناب ابوالقاسم حسین بن روح حدود 21 سال مقام نیابت داشت. او قبل از وفات امور نیابت را به امر امام عليه‌السلام به ابوالحسن علی بن محمد سمری وا گذاشت، و در ماه شعبان سال 326 هجری در گذشت. آرامگاه او در بغداد است. (3)

نائب چهارم ابوالحسن سمری است که حسب الامر حضرت صاحب الزمان عليه‌السلام به جناب حسین بن روح، امر نیابت بعد از او به ابوالحسن سمری واگذار شد. به فرموده بزرگان رجال، عظمت و جلالت قدر او محتاج به توصیف نیست. ابوالحسن سمری روزی به جمعی از مشایخ که نزد او بودند فرمود: «خداوند به شما در مصیبت علی بن بابویه قمی اجر عنایت فرماید. در این ساعت او از دنیا رفت». آنان ساعت و روز و ماه

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الغیبة (شیخ طوسی): ص 372. بحار الانوار: ج 51، ص 356.

2. الغیبة (شیخ طوسی): ص 391. الانوار: ج 51، ص 359. الکنی والالقاب: ج 1، ص 94.

3. الغیبة (شیخ طوسی): ص 387، 393. بحار الانوار: ج 51، ص 358 - 360. حق الیقین: ص 301.

را یادداشت کردند، و 17 یا 18 روز بعد خبر رسید که در همان ساعت علی بن بابویه قمی در گذشته است.(1)

### پایان غیبت صغری:

پیش از وفات علی بن محمد سمری گروهی از شیعیان نزد او گرد آمدند و پرسیدند: «پس از شما چه کسی جانشین شما خواهد بود»؟ پاسخ داد: «من مأمور نشده ام که در این مورد به کسی وصیت کنم.» (2) سپس توقیعی را که از سوی امام غائب عليه‌السلام در این باره صادر شده بود به شیعیان نشان داد.

آنان از روی توقیع استنساخ کردند که مضمون آن چنین بود: «بسم اللَّه الرحمن الرحیم، ای علی بن محمد سمری، خداوند در مصیبت تو پاداش برادرانت را عظیم دارد. تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. پس امور خویش را فراهم آور و به هیچکس وصیت مکن که پس از تو جانشین تو شود. غیبت کبری واقع شد و ظهوری نخواهد بود تا آنگاه که خدای متعال فرمان دهد، که پس از مدت طولانی و قساوت دلها و پر شدن زمین از ستم است. به زودی افرادی نزد شیعیان من مدعی مشاهده من می شوند. آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و پیش از صیحه (3) چنین ادعائی نماید (یعنی ادعای رؤیت به عنوان سفارت و نیابت نماید) دروغگو و افترا زننده است و لا حول و لا قوه الا باللَّه العلی العظیم». (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الغیبة (شیخ طوسی): ص396. بحار الانوار: ج 51، ص 361. الکنی و الالقاب: ج 3، ص 268. خاتمة المستدرک: ج3 ص281.

2. بحار الانوار: ج 51، ص 360.

3. خروج سفیانی و صیحه دو علامت از علامتهائی هستند که هنگام ظهور امام عصر عليه‌السلام واقع می شود.

4. بحار الانوار: ج 51، ص 361، ج 52 ص151، ج53 ص318. الغیبة (شیخ طوسی): ص395. کمال الدین: 516. احتجاج: ج2 ص297. الثاقب فی المناقب: ص 604. الخرائج و الجرائح: ج3 ص1129. معجم احادیث الامام المهدی عليه‌السلام: ج4 ص317. حق الیقین: ص 301.

روز ششم که مصادف با نیمه شعبان سال 329 هـ بود جناب ابوالحسن سمری در گذشت، و در خیابان خلنجی کنار نهر ابو عتاب در بغداد دفن گردید. (1)

مجلسی رحمه‌الله از احتجاج مرحوم شیخ طبرسی نقل می فرماید: هیچیک از نائبان خاص امام عصر عليه‌السلام جز با فرمان صریحی از جانب آن حضرت و تعیین و نصب و معرفی نائب قبلی به نیابت قیام نکرد. شیعه نیز گفتار هیچیک را نپذیرفت مگر بعد از بروز نشانه و معجزه ای به دست هر یک از آنان از طرف امام عصر عليه‌السلام که بر راستی گفتار و درستی نیابتشان دلالت می کرد. (2)

### وظائف زمان غیبت کبری:

شیعیان و دوستان آن حضرت در زمان غیبت وظائفی دارند (3) از جمله:

1. قرائت دعای ندبه در روزهای جمعه، عید فطر، عید قربان، عید غدیر.

2. زیارت آن حضرت در روز جمعه.

3. برای ثبات و محکم ماندن اعتقادات خواندن این دعای شریف: «یا اللهُ، یا رَحمنُ، یا رَحیمُ، یا مُقَلِّبَ القُلُوبِ، ثَبِّت قَلبی عَلی دینکَ». (4)

4. از جا برخاستن به احترام نام «قائم» آن بزرگوار.

5. توسل به آن حضرت در مشکلات و گرفتاری ها.

6. صدقه برای سلامتی و فرج وجود شریفش.

7. قرائت این دعا که از خداوند می خواهیم آن حضرت را به ما بشناساند: «اللّهُمَّ عَرِّفنی نَفسَکَ فَاِنَّکَ اِن لَم تُعَرِّفنی نَفسَکَ لَم اَعرِف نَبِیَّکَ، اللّهُمَّ عَرِّفنی رَسُولَکَ فَاِنَّکَ اِن

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الغیبة (شیخ طوسی): ص396. اعیان الشیعة: ج 2، ص 48 بخش سوم. قاموس الرجال: ج 7، ص 51. بحار الانوار: ج 51، ص 362. معجم رجال الحدیث: ج13 ص 184.

2. احتجاج: ج2 ص297. بحار الانوار: ج 51، ص 362.

3. به کتاب «مکیال المکارم فی فضائل الدعاء للقائم عليه‌السلام» و ترجمه آن مراجعه شود.

4. کمال الدین: ج 2، ص 352. بحار الانوار: ج52 ص149. معجم احادیث الامام الحدیث المهدی عليه‌السلام: ج4 ص123. مکیال المکارم: ج2 ص56، 168.

لَم تُعَرِّفنی رَسُولَکَ لَم اَعرِف حُجَّتَکَ، اللّهُمَّ عَرِّفنی حُجَّتَکَ فَاِنَّکَ اِن لَم تُعَرِّفنی حُجَّتَکَ ضَلَلتُ عَن دینی».(1)

8. شرکت در مجالس منسوب به آن حضرت، مخصوصاً مجالس عزاداری جد بزرگوارش حضرت سیّد الشّهداء عليه‌السلام.

9. هدیه اعمال صالحه برای آن حضرت، مانند زیارت قبور مطهر پدران بزرگوارش، قرائت قرآن و حج و عمره و طواف.

10. توبه حقیقی از گناهان.

11. متوجه کردن مردم به آن حضرت.

### 2. وفات علی بن محمد سمری نائب امام زمان عليه‌السلام

وفات شیخ جلیل نایب خاص امام عصر عليه‌السلام علی بن محمد سمری در این روز بوده است که به معنای اتمام غیبت صغری و شروع غیبت کبری است، چه اینکه حضرت صاحب الامر عليه‌السلام به او امر فرموده بودند که وصی و جانشینی برای خود قرار مده، که غیبت کبری شروع شده است. (2)

18 شعبان

### 1. وفات حسین بن روح نوبختی نایب امام زمان عليه‌السلام

در این روز به سال 326 هـ نایب سوم حضرت صاحب الامر عجل اللَّه تعالی فرجه، جناب حسین بن روح نوبختی در بغداد به عالم بقا رحلت کرد و در همانجا دفن شد. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج1 ص337. الغیبة (نعمانی): ص 166. کمال الدین: ص342. بحار الانوار: ج52 ص146. مکیال المکارم: ج1 ص83، ج2 ص167.

2. الغیبة (شیخ طوسی): ص394. کمال الدین: ص 503. بحار الانوار: ج51 ص 360. حق الیقین: ص 301. مراقد المعارف: ج1 ص 375. فیض العلام: ص 348. قلائد النحور: ج شعبان، ص 463.

3. قلائد النحور: ج شعبان، ص 462. برای تفصیل بیشتر به 15 شعبان مراجعه شود.

19 شعبان

### 1. جنگ بنی المصطلق

در این روز در سال 5 یا 6 هـ غزوه بنی المصطلق اتفاق افتاد. (1) حرکت برای این جنگ در دوم شعبان همین سال بود. تعداد مسلمانان 1000 نفر بودند که 30 اسب داشتند، ولی کفار 700 نفر بودند. یک نفر از مسلمانان در این جنگ شهید شد و از کفار 10 نفر به قتل رسیدند. در این جنگ غلبه و نصرت از آن مسلمین بود.

مصطلق منزلی بین مکه و مدینه است که منسوب به مصطلق است. او اول کسی است که دین اسماعیل عليه‌السلام را تغییر داد و قبیله خود را به پرستیدن هبل فرمان داد و آن را در کعبه نصب کرد. (2)

تتمه شعبان

### 1. مرگ حفصه

در ماه شعبان سال 45 ه حفصه از دنیا رفت و مروان بر جنازه او نماز خواند. (3)

حفصه دختر عمر بن خطاب ابتدا زوجه خنیس بن عبداللَّه بود. بعد از آنکه خنیس وفات کرد عمر او را به عقد پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در آورد. او با اخلاق و رفتار خود پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و اهل بیت عليهم‌السلام را می آزرد، به حدی که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم او را طلاق داد و با اصرار بعضی

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. توضیح المقاصد: ص 21. فیض العلام: ص 349. وقائع الشهور: ص147.

2. بحار الانوار: ج20 ص290، 295. الصحیح من السیرة: ج11 ص281. فیض العلام: ص349. الموسوعة الکبری فی غزوات النبی الاعظم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج 3، ص 12. طبقات الکبری: ج2 ص63.

3. المستدرک علی الصحیحین: ج 4، ص 15. البدایه و النهایه: ج 8، ص 33. المنتخب من ذیل المذیل: ص 95. طبقات الکبری: ج8 ص86. تاریخ دمشق: ج3 ص205

رجوع فرمود. (1)

در جنگ جمل خواست با عایشه حرکت کند، ولی برادرش عبداللَّه بن عمر مانع گردید. اما هنگامی که لشکر امیرالمؤمنین عليه‌السلام به منزل ذی قار رسیدند عایشه نامه ای به این مضمون برای حفصه نوشت: «خبر زیادی لشکر ما به علی بن ابی طالب عليه‌السلام رسیده است و او از ترس در ذی قار اقامت کرده است و از این جنگ جان سالم به در نخواهد برد...».

چون نامه به دست حفصه رسید کنیزان و مغنیه ها را جمع کرد و آنان دایره ها می نواختند و اشعاری می خواندند که در آنها امیرالمؤمنین عليه‌السلام را به بدی ذکر می کردند و زنهای بنی امیه جمع شدند و شادی می کردند.

خبر به امّ کلثوم عليها‌السلام که رسید با عده ای از بانوان به صورت ناشناس وارد مجلس شدند و ناگهان صورتها را باز کردند. حفصه خجالت کشید. امّ کلثوم عليها‌السلام آیه ای که مربوط به زنهای حضرت نوح و لوط عليهما‌السلام بود - که نافرمانی آن دو پیامبر را نمودند و در باره حفصه و عایشه نازل شده بود - بر حفصه قرائت کرد (2) و فرمود: «اگر تو و عایشه امروز برای خواری پدر من امیرالمؤمنین عليه‌السلام به یکدیگر کمک می کنید، این کار شما تازگی ندارد چرا که همین معامله را با جدم پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم کردید.»

حفصه چون دید رسوا شده است نامه عایشه را پاره کرد و از امّ کلثوم عليها‌السلام خواست بیشتر از این او را رسوا نکند. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. عین العبرة: ص 41. بحار الانوار: ج22 ص 229. صحیح بخاری: ج 3، ص 103، ج 6، ص 148. مسند احمد: ج 1، ص 33 - 34، ج3 ص 478. صحیح مسلم: ج 4، ص 193. شرح نهج البلاغة: ج 14، ص 23. سنن ترمذی: ج 5 ص93 . سنن بیهقی: ج 7 ص 37، 322. مستدرک حاکم: ج 2 ص 197. سنن ابن ماجة: ج1 ص 650. المجموع: ج17 ص 61، 262، 264. البدایة و النهایة: ج8 ص34. سنن نسائی: ج 6 ص 213. مجمع الزوائد: ج4 ص 333.

2. سوره تحریم: آیه 10: (ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ).

3. الکافئة فی ابطال توبة الخاطئة (شیخ مفید): ص 16. بحار الانوار: ج32 ص90. الجمل (شیخ مفید): ص149. الجمل (ابن شدقم): ص33. شرح نهج البلاغة (ابن ابی حدید): ج14 ص13.

### 2. جنگ پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم با بنی سعد

در شعبان سال ششم هجرت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام را به همراه 100 نفر برای نقابله با طائفه بنی سعد در اطراف مدینه فرستاد. بنی سعد با خبر شده فرار کردند و مسلمانان صد شتر و هزار گوسفند به غنیمت گرفتند. امیرالمؤمنین عليه‌السلام چند شتر برای پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم جدا کرد و سایر غنائم را بین مسلمانان تقسیم فرمود و به مدینه باز گشتند. (1)

### 3. شهادت سعید بن جبیر

در این ماه در سال 95 ه جناب سعید بن جبیر کوفی به دست حجاج بن یوسف ثقفی به شهادت رسید. (2)

سعید مردی فقیه، زاهد و عابد بود که توفیق کسب علم از محضر مبارک حضرت زین العابدین عليه‌السلام را یافته بود. او به خاطر اعتقاد خالص و محبت کاملی که به اهل بیت معصومین عليهم‌السلام داشت، نزد امام زین العابدین عليه‌السلام از احترام خاصی برخوردار بود.

هنگامی که حجاج خواست آن بزرگوار را شهید کند، دعا کرد که حجاج بعد از شهادت او قادر به قتل هیچکس نشود. خداوند دعای او را مستجاب کرد و حجاج 15 تا 20 روز بعد از شهادت سعید زنده بود و کسی را نکشت تا به مرض آکله به درک واصل شد.

بعد از آنکه حجاج سر آن بزرگوار را جدا کرد، دو پای مبارک او را نیز از ساق جدا کردند، در حالی که از سن مبارکش 57 یا 79 سال می گذشت در شهر الحیّ در واسط عراق مدفون شد. قبر آن بزرگوار یکی از زیارتگاههای محبین اهل بیت عليهم‌السلام است که دارای گنبد و صحنی بزرگ مشتمل بر چهار در است.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج 20، ص 376. موسوعة التاریخ الاسلامی: ج2 ص573. التنبیه و الاشراف: ص220. تاریخ یعقوبی: ج2 ص74.

2. مراقد المعارف: ج 1، ص 350.

بعضی مرگ حجاج را 15 روز و بعضی 20 روز و عده ای 40 روز بعد از شهادت جناب سعید بن جبیر نقل کرده اند، (1) که اگر مرگ حجاج در 13 ماه رمضان باشد، شهادت سعید به ترتیب در روزهای 27 یا 28 یا 22 یا 23 و 2 یا 3 شعبان بوده است.

### 4. مرگ مغیره بن شعبه

در ماه شعبان سال 50 هـ مغیره بن شعبه در حالیکه از طرف معاویه حاکم کوفه بود، در سن 70 سالگی به درک واصل شد (2) و زیاد بن ابیه به جای او منصوب شد. مغیره بن شعبه در کوفه سب به امیرالمؤمنین عليه‌السلام می نمود و خطبا را امر می کرد که آن حضرت را لعن کنند و تا زمان فرا رسیدن مرگش این عمل را ترک نکرد. (3)

مغیره از اصحاب صحیفه ملعونه و لیله عقبه بوُد که می خواستند پیامبر را به قتل برسانند، و همچنین از اصحاب سقیفه است.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. سعید بن جبیر رحمه‌الله: ص 29 - 25. منتخب التواریخ: ص422. مراقد المعارف: ج1 ص352 - 351. جلاء العیون: ص 502. تتمة المنتهی: ص 106.

2. کشف الهاویة در تاریخ و و قائع ایام معاویة: ص 288. منتخب التواریخ: ص 302. مستدرک حاکم: ج3 ص448. تاریخ طبری ج4 ص174. تاریخ خلیفة بن خیاط: ص 158. تاریخ بغداد: ج1 ص206. طبقات الکبری: ج6 ص20. تاریخ دمشق: ج 60 ص 61 -60.

3. کشف الهاویة: ص 288. بحارالانوار: ج30 ص 654. الغدیر: ج6 ص144 - 143. ابوطالب عليه‌السلام: حامی الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص 163. شرح الاخبار : ج2 ص 446. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج4 ص69، 71، ج13 ص220، ج20 ص 10. مستدرک حاکم: ج3 ص450. سیر اعلام النبلاء: ج3 ص31. تاریخ دمشق: ج21 ص71. مسند احمد: ج1 ص188، ج4 ص369.

4. ارشاد القلوب: ج2 ص332. خصال: ص 499. هدایة الکبری: ص 79. المستر شد: ص 597. بحار الانوار: ج21 ص223، ج 28 ص 100، ج31 ص 632، ج82 ص267. انوار العلویة: ص 74. تفسیر صافی: ج2 ص15. مکاتیب الرسول: ج1 ص 602، 603، 607. الصراط المستقیم: ج3 ص44. درجات الرفیعة: ص 299. منتخب التواریخ: ص 63. کشف الهاویة: ص 289. الهجوم علی بیت فاطمة عليه‌السلام: ص56.

او از کسانی بود که در آتش زدن در منزل امیرالمؤمنین عليه‌السلام، شکستن در، کتک زدن به مادر سادات حضرت صدیقه شهیده فاطمه زهرا عليها‌السلام و سقط جنین شریک بود. (1)

زنای مغیره با امّ جمیل در بصره و اجرا نشدن حد بر او توسط عمر؛ شهرت خاص دارد و در کتب شیعه و سنّی با مدارک مختلف ذکر شده است. (2) مغیره زناکارترین مردم در جاهلیت و اسلام بود. (3) مغیره از کسانی بود که به دستور معاویه همراه با عمروعاص و عروه بن زبیر روایاتی دروغین ساختند که مقتضای آنها وجوب لعن و برائت از امیرالمؤمنین عليه‌السلام بود و برای این کار معاویه جوایز فوق العاده ای برای آنان مقرر کرد. (4)

او در محضر امام حسن عليه‌السلام جسارت ها به پدر بزرگوارش نمود. (5) اما آن حضرت جوابهای مناسبی به او دادند و در آخر فرمودند: «تو آن کسی هستی که فاطمه دختر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را زدی تا بدن مبارکش خونین شد و فرزندش (محسن عليهما‌السلام) را سقط نمود». (6)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الجمل (مفید): ص57. بحار الانوار: ج43 ص 197، ج44 ص 83. مأساة الزهراء عليهما‌السلام: ج1 ص 177، 226، 313، ج2 ص 172، 184. احتجاج: ج1 ص 414. الهجوم علی بیت فاطمة عليهما‌السلام: ص 114، 122، 245، 275، 332، 340، 352. بیت الاحزان: ص 144. اللعمة البیضاء فی شرح طخبة الزهراء عليهما‌السلام: ص 870.

2. الایضاح: ص554 - 552. احتجاج: ج1 ص 416 - 401. بحار الانوار: ج 30 ص639، ج44 ص 87- 70. الغدیر: ج6 ص138. النص و الاجتهاد: ص 354. کشف الهاویه: ص 288. مستدرک حاکم: ج3 ص449. شرح نهج البلاغة: ج 12 ص 213 - 138. فتح الباری: ج5 ص188. تاریخ دمشق: ج60 ص 35. الاصابة: ج2 ص28. فتوح البلدان: ج2 ص423. تاریخ یعقوبی: ج2 ص145. تاریخ طبری: ج3 ص 169. السقیفة و فدک: ص 96 - 92. تاج العروس: ج5 ص 143. وفیات الاعیان: ترجمة یزید بن زیاد الحمیری.

3. الغدیر: ج6 ص 141. بحار الانوار: ج30 ص648. کشف الهاویة: ص 286. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج4 ص63.

4. بحار الانوار: ج 30 ص 401. الصحیح من السیرة: ج4 ص 359. کشف الهاویه: ص 286. شرح نهج البلاغة: ج6 ص228.

5. کشف الهاویة: ص 288. شرح نهج البلاغة: ج6 ص288.

6. احتجاج: ج1 ص414. بحار الانوار: ج31 ص 645، ج43 ص 197، ج44 ص81. بیت الاحزان: ص 116. اللعمة البیضاء فی شرح خطبة الزهراء عليهما‌السلام: ص 870. صحیفة الامام الحسن عليه‌السلام: ص 270. مأساة الزهراء عليها‌السلام: ج2 ص 51، 141. الهجوم علی بیت فاطمة عليهما‌السلام: ص 300.

9 رمضان المبارک

ماه مبارک رمضان ماه پر خاطره ای است. روزهای 1، 3، 4، 6، 10، 12، 13، 14، 15 و 16 و 17، 19، 20، 21، 23، 24 یادآور لحظاتی حساس از تاریخ اسلام است. هم یادمانهای خوش و هو روزهای حزن انگیر در این ماه به چشم می خورد.

ولادت امام حسن مجتبی عليه‌السلام و معراج پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دو خبر سرور آفرین در این ماه است. مرگ ابولهب، ابن ملجم، عایشه، مروان، زیاد بن ابیه، حجاج ثقفی نیز روزهای نابودی دشمنان اهل بیت عليهم‌السلام است.

از سوی دیگر شهادت حضرت زهرا عليها‌السلام بنابرقولی، ضربت خوردن و شهادت امیرالمؤمنین عليه‌السلام، وفات حضرت خدیجه عليها‌السلام و حضرت نفیسه عليها‌السلام و شهادت مختار روزهای حزن آل محمد عليهم‌السلام است.

جنگ بدر، طائف، تبوک و فتح مکه روزهای تاریخ ساز اسلام است. عروج حضرت عیسی عليه‌السلام به آسمان، نزول قرآن، مراسم عقد اخوت، دعای باران توسّط پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نیز وقایع مهم تاریخی هستند.

بدعت نماز تراویج توسّط عمر، ورود محمّد بن ابی بکر به مصر، بیعت با امام مجتبی عليه‌السلام، آمدن نامه های اهل کوفه برای امام حسین عليه‌السلام، حرکت حضرت مسلم به سمت کوفه، ولایتعهدی امام رضا عليه‌السلام و ضرب سکه به نام آن حضرت، هر یک یادآور فرازهائی از برگهای اسلام اند.

1 ماه رمضان

در شب اول ماه مبارک رمضان غسل (1) و زیارت امام حسین عليه‌السلام وارد شده است.

### 1. ولایتعهدی امام رضا عليه‌السلام

در 7 رجب سال 200 مأمون عباسی نامه ای به امام رضا عليه‌السلام نوشت، و آن بزرگوار را برای ولایت عهدی خویش به مرو فرا خواند. (3) در روز اول ماه رمضان سال 201 هـ مردم با حضرت رضا عليه‌السلام به ولایتعهدی بیعت کردند (4) و بعضی در پنجم (5) و بعضی ششم این ماه نقل کرده اند.

### 2. احتجاج اُبیّ بن کعب بر ابوبکر

هنگامی که ابوبکر در روز جمعه اول ماه رمضان خطبه ای خواند، اُبی بن کعب ایستاد و خطبه ای خطاب به انصار و مهاجر قرائت کرد.

در این خطبه ابی بن کعب از فضائل و مناقب امیرالمؤمنین عليه‌السلام و جانشینی بلافصل بعد از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ایراد سخن کرد و در دفاع از ولایت جواب همگان را داد. قسمتی از خطبه ابی بن کعب چنین است:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مسار الشیعة: ص 5 -4. وسائل الشیعة: ج3 ص325. الحدائق الناضرة: ج4 ص186. عروة الوثفی: ج1 ص459.

2. وسائل الشیعة: ج14 ص 473. اقبال: ج1 ص46.

3. قلائد النحور: ج رجب، ج 63.

4. بحار الانوار: ج49 ص 128، ج99 ص43. اختیارات: ص38. تقویم المحسنین: ص11. تاریخ طبری: ج 7 ص139.

5. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج1 ص274. بحار الانوار: ج49 ص 11، 221، 303. کشف الغمة: ج2 ص332. اعلام الوری: ج2 ص86.

آیا نمی دانید که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «هر کس من مولای اویم این علی عليه‌السلام مولای اوست، و هر کس من نبی اویم این علی عليه‌السلام امیر اوست؟» آیا نمی دانید که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «یا علی مثل من و تو هارون نسبت به موسی عليهما‌السلام است. اطاعت از تو بعد از من واجب است مانند اطاعت از من در زمان حیاتم؛ جز اینکه بعد از من پیامبری نیست».

### 3. مرگ مروان

در این روز در سال 65 هـ مروان بن حکم در سن 61 یا 63 یا 81 سالگی در دمشق به درکات جحیم شتافت، و مدت خلافت او 9 ماه بود.(2) قولی هم در سوم این ماه است. (3)

مروان پسر حکم بن ابی العاص بود و به «وزغ بن وزغ» ملقب گردیده بود. او و پدرش مورد لعن پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم واقع شدندحتی عایشه به مروان گفت: شهادت می دهم که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پدرت را لعن کرد در حالیکه تو در صلب او بودی.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. احتجاج: ج1 ص153. بحار الانوار: ج28 ص222، ج29 ص82. الیقین باختصاص مولانا علی عليه‌السلام بإمرة المؤمنین: ص 448. غایة المرام: ج2 ص121. مواقف الشیعة: ج1 ص440، 456. الشیعة فی احادیث الفریقین: ص 180. مناقب امیرالمؤمنین عليه‌السلام: ج1 ص224، 416.

2. بحار الانوار: ج45 ص358. تتمة المنتهی: ص83. تاریخ طبری: ح4 ص474. تاریخ دمشق: ج57 ص236، 278. طبقات الکبری: ج5 ص226. الثقات (ابن حبان): ج2 ص315. تاریخ خلیفة بن خیاط: ص200. البدایة و النهایة: ج8 ص282.

3. تاریخ دمشق: ج57 ص236، 2783. البدایة و النهایة: ج8 ص282. اریخ خلیفة بن خیاط: ص202.

مروان در عداوت با خدا و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و اهل بیت عليهم‌السلام خصوصاً امیرالمؤمنین عليه‌السلام از زمان عثمان تا آخر ایام خود بسیار کوشید. بعد از آنکه عثمان او و پدرش حکم را از طائف بر خلاف امر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به مدینه باز گردانید، خمس افریقیه را به مروان داد و فدک را هم به او واگذار کرد و او را وزیر و کاتب خود قرار داد.

او در ایام خلافت عثمان فتنه ها بپا کرد. در جنگ جمل تیری زد و طلحه را کشت و بعد از فتح هنگامی که اسیر شد حسنین عليهما‌السلام را شفیع قرار داد و امیرالمؤمنین عليه‌السلام او را رها کرد. به حضرت عرض کردند: از او بیعت بگیر. فرمود:« من احتیاجی به بیعت او ندارم همانا دست او دست یهودی است؛ اگر بیست بار هم با من بدستش بیعت کند باز مکر و حیله خواهد نمود...» (1) چه اینکه یهود به مکر و حیله معروفند.

بعد از آن که مروان به معاویه پیوست هر گاه حکومت شهری به او داده می شد، در ترویج سب امیرالمؤمنین عليه‌السلام مجّد و مصّر بود. او در مدینه هر جمعه بر منبر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بالا می رفت و در حضور مهاجرین و انصار امیرالمؤمنین عليه‌السلام را سب می کرد. مروان بعد از هلاک شدن یزید به جای وی نشست، و همسر او را به عقد خود در آورد و نه ماه خلافت کرد. همسر یزید زهری در غذای او ریخت که لال شد و آخر الامر متکا بر دهان او گذاشت، و با کنیزان روی آن نشستند تا اینکه در اول ماه رمضان به درک واصل شد. (2)

### 4. جنگ تبوک (3)

در اول ماه رمضان سال 9 هـ جنگ تبوک به وقوع پیوست. (4) این جنگ را «فاضحه»

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. نهج البلاغة: خطبه 73. نهج السعادة: ج1 ص355. الجمل (ابن شدقم): ص149. بحار الانوار: ج32 ص230، 235، ج41 ص298، 355. الغدیر: ج8 ص261. انساب الاشراف: ص 263. شرخ نهج البلاغة: ج6 ص146.

2. شفاء الصدور: ج1 ص323. تتمة المنتهی: ص 81-78.

3. بحار الانوار: ج21 ص 263-185. منتخب التواریخ: ص 61-60. منتهی الآمال: ج1 ص 93-91.

4. وقایع المشهور: ص 158.

نیز می گویند، زیرا منافقین مدینه و کسانی که قصد کشتن پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را در عقبه داشتند رسوا و مفتضح شدند.

به لشکری که در این جنگ شرکت کردند «جیش العُسره» می گویند، زیرا در سختی و زحمت فراوان، با اینکه ایام جمع آوری محصول بود به جنگ رفتند. حرکت لشکر در ماه رجب بود که 30 هزار نفر سواره بودند. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «کفش فراوان با خود بیاورید»، و در مسیر هر دو نفر به یک خرما سد جوع می کردند و آب هم کمیاب بود. در این جنگ عده ای از زنها نیز همراه حضرت حرکت کردند.

از سوی دیگر 82 نفر از منافقین مدینه با عذر تراشی به جنگ نرفتند و در مدینه ماندند تا در غیاب آن حضرت خانه ئ آن حضرت را غارت کنند و خانواده ایشان را از مدینه بیرون نمایند. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم امیرالمؤمنین عليه‌السلام را به جای خود در مدینه خلیفه قرار داد و منافقین کلماتی گفتند که خاطر مبارک امیرالمؤمنین عليه‌السلام را آزردند. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به آن حضرت فرمود: «أَما تَرضی أَن تکُونَ مِنّی بِمَنزِلَةِ هارونَ مِن مُوسی اِلاّ أنَّهُ لا نَبِیَّ بَعدی...»؟ یعنی «آیا راضی نیستی که منزلتت نسبت به من همانند هارون به موسی عليهما‌السلام باشد؛ الاّ اینکه پس از من پیامبری نیست»؟

در بازگشت از تبوک چهل نفر از منافقین که همراه حضرت بودند تصمیم گرفتند وقتی شتر حضرت بالای گردنه می رسد کدوها (یا دبهّ ای) را پر از ریگ نمایند و به زیر دست و پای شتر حضرت رها کنند تا شتر رم کند و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از شتر افتاده و به قتل برسد. هنگام اجرای این توطئه شتر حضرت قدم از قدم بر نداشت و مکر منافقین شکست خورد و خداوند وجود مقدس پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را حفظ کرد.

از سوی دیگر منافقینی که در مدینه مانده بودند قصد جان امیرالمؤمنینعليه‌السلام را نمودند و حفره ای طولانی در مسیر راه مدینه حفر کردند و روی آن را با حصیر پوشاندند تا هنگامی که امیرالمؤمنین عليه‌السلام به استقبال پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم می آید هنگام مراجعت

میان آن حفره بیفتد و آنان بر سرش بریزند و او را به قتل برسانند. ولی هنگام مراجعت اسب آن حضرت از روی حصیر و گودال عبور ننمود و بار دیگر حیله منافقین باطل گردید.

در تبوک جنگی صورت نگرفت و آن حضرت با لشکر به مدینه باز گشتند. وقوع این جنگ در ماه رجب هم نقل شده است. (1) و بنا بر قولی در ماه شعبان بوده است. (2)

### 5. وفات حضرت نفیسه عليها‌السلام

در این روز در سال 208 هـ زاهده عابده حضرت نفیسه خاتون عليها‌السلام دختر حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب عليهم‌السلام در مصر وفات کرد.

شوهر آن حضرت اسحاق مؤتمن پسر حضرت صادق عليه‌السلام بوده، و از طرف مادر منتسب به آقا قمر بنی هاشم عليه‌السلام است. (3)

حضرت نفیسه عليها‌السلام برای خود قبری کنده بود و پیوسته در آن قبر نماز می خواند و ختم قرآن می نمود.

آن حضرت در اول ماه رجب بیمار شد، و نامه ای به شوهرش که در مدینه بود نوشت و او را از احوال خود با خبر کرد. در شب اول ماه رمضان بیماری شدت پیدا کرد و فردای آن روز در حالتی که روزه بود طبیب آوردند و او امر به افطار کرد. آن حضرت فرمود: «وا عجبا! سی سال است از خداوند مسئلت دارم با حالت روزه از دنیا بروم، و اکنون که روزه هستم افطار کنم»؟ پس خواندن سوره انعام را شروع کرد، و چون به آیه مبارکه (لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ) (4) رسید وفات کرد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الموسوعة الکبری فی غزوات النبی الاعظم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج5 ص334، 335. التنبیه و الاشراف: ص235. طبقات الکبری: ج2 ص165.

2. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج1 ص266. بحار الانوار: ج 21 ص245. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص209. تاریخ یعقوبی: ج2 ص68.

3. وقایع الشهور: ص 187. زندگانی سیده نفیسه عليهما‌السلام: ص45 - 43.

4. سوره انعام: آیه 127.

شوهر آن حضرت زمانی رسید که ایشان وفات کرده بود. او می خواست آن حضرت را به مدینه ببرد و در بقیع نزد اجداد طاهرینش عليهم‌السلام دفن کند، ولی مردم مصر با التماس و درخواست او را نگه داشتند. اسحاق مؤتمن پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را در خواب دید که فرمودند: «با اهل مصر در این ماجرا مخالفت نکنی، که به خاطر نفیسه خداوند رحمت و برکاتش را نازل می کند». جناب اسحاق بدن آن حضرت را در محل فعلی دفن کردند و معروف است که دعا کنار قبر آن حضرت مستجاب است. (1)

3 ماه رمضان

### 1. شهادت حضرت زهرا عليها‌السلام

به قولی شهادت حضرت صدیقه طاهره زهرای مرضیه عليها‌السلام در این روز است. (2)

4 ماه رمضان

### 1. مرگ زیاد بن ابیه

زیاد بن ابیه در سال 53 هـ در کوفه به هلاکت رسید. (1) او مشهور به زیاد بن ابیه، زیاد بن امه، زیاد بن عبید، و زیاد بن سمیه است، و چون پدر زیاد از کثرت معلوم نبود به او زیاد بن ابیه می گفتند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. سفینة البحار: ج4 ص542. مستدرک سفینة البحار: ج10 ص120. تتمه المنتهی: ص 289. منتخب التواریخ: ص 195 - 196.

2. بحار الانوار: ج 22، ص 167، ج 43، ص 189 -214. شرح احقاق الحق: ج25 ص15. الذریة الطاهرة: ص 110. مستدرک حاکم: ج3 ص162.

3. نفائح العلام: ص 114. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 74. شفاء الصدور: ج 1، ص 310. فیض العلام: ص 23. تاریخ دمشق: ج 19 ص 204.

هنگامی که به معاویه پیوست به او زیاد بن ابی سفیان گفتند و برادر معاویه شد و زنای مادر خود را قبول کرد. سمیه کنیز حارث بن کلده طبیب بود. حارث او را به چراندن گوسفندان وادار کرده بود ولی طبع زشت و شهوانی سمیه آنقدر در صحرا ننگ به بار آورد که حارث او را از خود راند. از آن پس سمیه اسماً خود را به عبید چوپان ثقفی چسباند و رسماً جزء فواحش طائف در آمد و حیثیت خاندان عبید را هم لکه دار کرد.

برادری او با معاویه یکی از راههائی بود که معاویه برای جلب زیاد به طرف خود به کار گرفت. او مجلسی ترتیب داد و از عده ای به عنوان شاهد در آنجا استفاده کرد که از جمله ابو مریم مشروب فروش طائف بود. او برخاست و به زیاد گفت: شبی ابوسفیان به طائف آمد و از من فاحشه ای خواست. در آن شب کسی جز سمیه نبود. صبر کردیم تا رفت و آمدها کم شد. سمیه را برای او فرستادم. زیاد زنای مادر خود را قبول کرد و برادر معاویه شد! معاویه هم برای باوراندن این نسب به او خواهرش را به خانه او فرستاد و دستور داد چادر از سر بردارد چرا که محرم اوست!!! (1)

زیاد بعد از برادری با معاویه برائت از حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام و قتل شیعیان علی بن ابی طالب عليه‌السلام و غارت اموال آنان را شروع کرد. دست بریدن، شکم پاره کردن، به دار آویختن، زنده به گور کردن، میل سرخ شده به چشمان شیعیان کشیدن فرزندان را سر بریدن، خانه خراب کردن و آتش زدن از جمله کارهای او بود. عبدالرحمان بن حسان را به جرم محبّت علی بن ابی طالب عليه‌السلام زنده در گور کرد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الغدیر: ج10 ص227 - 216. بحار الانوار: ج33 ص519. الوقایع و الحوادث: ج رمضان، ص 75. شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور: ج 1، ص 312. الکنی و الاقاب: ج1 ص302. تتمة المنتهی: ص 87. اخبار الطوال: ص219. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج 16، ص 187. تاریخ یعقوبی: ج2 ص218. تاریخ دمشق: ج19 ص131، 173.

2. شفاء الصدور: ج 1، ص 315، به نقل از ابن خلکان و ابن اثیر. الغدیر: ج9 ص121، ج11 ص53. تاریخ طبری: ج4 ص206. تاریخ دمشق: ج8 ص27، ج34 ص301.

در بصره و کوفه سیزده هزار نفر را به جرم شیعه بودن یا به احتمال شیعه بودن کشت، و بعد به معاویه نوشت: من تا به این حد خواسته تو را انجام دادم و این کارها با دست چپم بود. اگر حکومت حجاز به من واگذار شود با دست راستم که بیکار است همین عمل را انجام می دهم، و تصمیم دارم از مردم عراق در مسجد بخواهم که برائت از علی عليه‌السلام و مدح خاندان امیه را علنی نمایند. هر کس قبول نکند او را بکشم و خانه او را خراب کنم.

چون این خبر منتشر شد، امام حسن عليه‌السلام و شیعیان نفرین کردند و بعضی امیر ال مؤمنین عليه‌السلام را در خواب دیدند که او را نفرین کرده، و آن ملعون قبل از عملی کردن تصمیمش به مرض طاعون مبتلا شد و به درکات جحیم واصل گردید. (1)

6 ماه رمضان

### 1. ضرب سکه به نام امام رضا عليه‌السلام

در این روز در سال 201 ه سکه طلا به نام مبارک حضرت رضا عليه‌السلام زدند. (2)

بنابر قولی این روز روز ولایت عهدی اجباری آن حضرت بوده است، و مردم با آن حضرت به ولایت عهدی بیعت نمودند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج33 ص214. شفاء الصدور فی ضرح زیارة العاشور: ج 1، ص 316. الوقایع و الحوادث: ج ماه رمضان، ص 79. تاریخ یعقوبی: ج2 ص229. البدایة و النهایة: ج8 ص67. سیر اعلام النبلاء: ج3 ص496. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج3 ص199، ج4 ص58. تاریخ طبری: ج4 ص 215. تاریخ دمشق: ج19 ص203. تاریخ ابن خلدون: ج3 ص14. مروج الذهب: ج3 ص35.

2. شرح الاخبار: ج3 ص342 - 341. مسند الامام الرضا عليه‌السلام: ج1 ص121. مقاتل الطالبیین: ص 375.

3. مسار الشیعه: ص 6. اقبال:ج1 ص264. بحار الانوار: ج95 ص25. تتمه المنتهی: ص 278. مستدرک سفینه البحار: ج 4، ص 195. نفائح العلام: ص 115.

10 ماه رمضان

### 1. آمدن نامه های اهل کوفه برای امام حسین عليه‌السلام

در سال 60 هـ جمعی از کوفیان نامه های مردم کوفه را برای امام حسین عليه‌السلام آوردند. که از جمله نام سلیمان بن صرد و مسیب بن نجبه و رفاعه بن شداد بجلی و حبیب بن مظاهر و جمعی از شیعیان آن حضرت در آنها بودکه توسط عبداللَّه بن مسمع همدانی و عبداللَّه بن وال خدمت امام عليه‌السلام آورده شد. (1)

### 2. وفات حضرت خدیجه عليها‌السلام

در این روز10 سال پس از بعثت؛ حضرت خدیجه کبری عليها‌السلام از دنیا رحلت فرمودند. (2) این قول بنابر نقل 45 روز بعد از رحلت جناب ابوطالب عليه‌السلام است. اقوال دیگر در رحلت آن حضرت چنین است: 23 رجب، 27 رجب، 29 رجب، (3) اول ماه رمضان، (4) 12 ماه رمضان. آن حضرت بعد از وفات حضرت ابوطالب عليه‌السلام به 3 روز فاصله و به قولی 7 روز و به قولی یک ماه و و به قولی 35 روز و به قولی 45 روز و به قولی 50 روز و به قولی یک سال وفات کرده است. (5)

آن حضرت نخستین همسر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بود، و تا خدیجه عليها‌السلام زنده بود نبی گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم همسری اختیار نفرمود. سبقت به اسلام و خدمات او به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم زیاره از آن

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ارشاد: ج2 ص37. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص97. بحار الانوار: ج 44، ص 333. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 127. تاریخ طبری: ج4 ص261.

2. مسار الشیعة: ج7 - 6. تقویم المحسنین: ص 11. اختیارات: ص 38. الوقایع و الحوادث: ج1 ص127. فیض العلام: ص 27. نفائح العلام: ص 15، 191.

3. بحار الانوار: ج19 ص 25. جنات الخلود: ص 18.

4. توضیح المقاصد: ص 22.

5. کافی: ج1 ص439. نفائح العلام: ص 191. منتخب التواریخ: ص43. بحار الانوار: ج19 ص25. توضیح المقاصد: ص 22. تقویم المحسنین: ص11.

است که ذکر شود. در فضیلت آن حضرت همین بس که والده مکرمه حضرت صدیقه طاهره عليها‌السلام است، و همه ذراری پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به ایشان منتهی می شوند. (1)

آن حضرت هنگام رحلت چند وصیت به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نمودند، و با آن همه فداکاری و انفاق مال، به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم عرض کردند: «یارسول اللَّه، مراببخشید که در حق شما کوتاهی کردم». پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «حاشا و کلاّ! من از شما تقصیری ندیدم، بلکه منتهای سعی و کوشش خود را در حق من نمودی. شما در خانه من زحمات زیادی را متحمل شدی. اموالت را در راه خدا بذل و بخشش نمودی».

آنگاه خدیجه عليها‌السلام عرض کرد: «یا رسول اللَّه، شما را وصیت می کنم به این دختر - و به حضرت فاطمه عليها‌السلام اشاره نمود- این دختر بعد از من یتیم و غریب است. کسی از زنهای قریش او را اذیت نکند. کسی به صورت او لطمه ای نزند، به روی او داد نزند و مکروهی نبیند.» (2)

آن حضرت اولین زنی است که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را تصدیق نمود، و اول زنی است که در مکه با رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نماز جماعت خواند، و اول زنی است که ایمان خود را در مکه در میان مشرکین اظهار نمود، و اول زنی است که در مقابل دشمن از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دفاع نمود و تمام اموال خود را به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بخشید، و اول زنی است که ایمانش با قبول ولایت امیرالمؤمنین عليه‌السلام به درجه کمال رسید.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «دین من بر پا و مقاوم نشد مگر به دو چیز: اموال خدیجه و شمشیر علی بن ابی طالب». (3) همچنین فرمود: «هیچ مالی به اندازه اموال خدیجه عليها‌السلام به من منفعت نرسانده است». (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. فیض العلام: ص 27.

2. شجره طوبی: ج 2، ص 235 - 234.

3. الانوار الساطعة من الغرّاء الطاهرة خدیجه بنت خویلد عليها‌السلام: ص 164. شجرة طوبی: ج2 ص223. تنقیح المقال: ج3 ص77.

4. امالی طوسی: ص 468. حلیة الابرار: ج1 ص147. بحار الانوار: ج19 ص 63. الانوار الساطعة من الغراء الطاهرة خدیجه بنت خویلد عليها‌السلام: ص 163. الصحیح من السیرة: ج4 ص13.

روزی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم خدیجه عليها‌السلام را خواست و در کنار خود نشانید و فرمود: این جبرئیل است و می گوید: برای اسلام شروطی است که عبارتند از: اقرار به یگانگی خداوند متعال، اقرار به رسالت رسولان، اقرار به معاد و اصول این شریعت و احکام آن، اطاعت از اولی الامر و ائمه طاهرین از فرزندان او یکی بعد از دیگری با برائت از دشمنان ایشان.

خدیجه عليها‌السلام به همه آنها اقرار نمود و ائمه طاهرین به خصوص امیرالمؤمنین عليه‌السلام را تصدیق کرد. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «هو مولاک و مولی ال مؤمنین و اِمامهم بعدی». یعنی «علی مولای تو و مولای مؤمنان بعد از من و امام ایشان است ». آنگاه از خدیجه عليها‌السلام در قبول ولایت امیر ال مؤمنین عليه‌السلام عهد مؤکد گرفت. سپس رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم یک یک از اصول و فروع دین حتی آداب وضو و نماز و روزه و حج و جهاد و صله رحم و واجبات و محرمات را بیان فرمود.

سپس پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دست خود را بالای دست امیرالمؤمنین عليه‌السلام نهاد و خدیجه عليها‌السلام دست خود را بالای دست رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نهاد و به این ترتیب با امیر ال مؤمنین عليه‌السلام بیعت نمود. (1)

12 ماه رمضان

### 1. مراسم عقد اخوت

در این روز در سال اول هجرت رسول گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بین اصحاب خود عقد اخوت بست، و امیرالمؤمنین عليه‌السلام را برادر خود گردانید. (2)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الطرائف: ص 4. بحار الانوار: ج18 ص232، ج 65 ص 392. الانوار الساطعة: ص 337.

2. مسار الشیعه: ص 7. تقویم المحسنین: ص 14. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 112. فیض العلام: ص 31. منتخب التواریخ: ص 46. وقائع الشهور: ص 167.

13 ماه رمضان

### 1. مرگ حجاج ثقفی

در سال 95 هـ در چنین روزی ظالم سفاک پلید حجاج بن یوسف ثقفی به هلاکت رسید. او در زمان ولید بن عبدالملک در شهر واسط که خودش بنا کرده بود با مرض آکله در شکمش به درک واصل شد. (1) اقوال دیگر در روز مرگ او 21، 23، 25، 27 ماه رمضان است.

مادر او فارحه (قارعه) نامی بود که قبل از همسری با یوسف بن عقیل پدر ظاهری حجاج، در منزل حارث بن کلده طبیب بود. هنگامی که حجاج به دنیا آمد هنگامی که حجاج به دنیا آمد سوراخ مقعد نداشت، و طبیل برای او سوراخی قرار داد. همچنین او شیر نمی خورد تا اینکه بز سیاهی کشتند و از خونش پستان مادر و به صورت حجاج مالیدند و او از روز چهارم پستان قبول کرد. به این سبب حجاج خونخوار شد و می گفت: بیشترین لذت من در ریختن خون است. (2) این صفت از کسی که مدت حمل او دو سال و نیم بوده و بیش از دو سال و نیم پس از مرگ پدرش به دنیا آمده، بعید نیست!! (3)

تعداد کشته شدگان به دست او را بجز جنگها، یکصد و بیست هزار نفر نوشته اند. هنگامی که هلاک شد، در زندان او پنجاه هزار مرد و سی هزار زن بودند که 16 هزار از آنها برهنه و عریان بودند، و قاعده ئ آن ملعون این بود که زن و مرد و اطفال را با هم زندانی می کرد، زندان او سقف نداشت. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. توضیح المقاصد: ص22. منتخب التواریخ: ص421. نفائح العلام: ص 471. الوقائع و الحوادث: ج1 ص139، 156. فیض العلام: ص32.

2. اربعین قمی: ص346. شجره طوبی: ج1 ص128. مجمع البحرین. مروج الذهب: ج3 ص132. البدایة و النهایة: ج9 ص138.

3. روضات الجنات: ج 7، ص 259. وقائع الایام: ج1 ص390. شجرة طوبی: ج1 ص69. الکنز المدفون: ص 151. تفسیر عیاشی: ج2 ص301. بحار الانوار: ج60 ص256.

4. اربعین قمی: ص 347-346. تتمة المنتهی: ص96. مروج الذهب:: ج3 ص175. توضیح المقاصد: ص23-22. الغدیر: ج10 ص52. التنبیه و الاشراف: ص275. تاریخ دمشق: ج12 ص185.

عده زیادی از دوستان و شیعیان امیرالمؤمنین عليه‌السلام را شهید کرد، از جمله کمیل بن زیاد نخعی، قنبر غلام امیرالمؤمنین عليه‌السلام عبدالرحمن بن ابی لیلی انصاری، که آن قدر او را تازیانه زد که امیرالمؤمنین عليه‌السلام را سب کند و او مناقب آن حضرت را می گفت، تا حجاج دستور داد او را شهید کردند. دست و پای یکی از حواریین امام زین العابدین عليه‌السلام به نام یحیی بن امّ طویل را برید تا شهید شد. همچنین سعید بن جبیر را به شهادت رسانید که 15 روز بعد از قتل او حجاج به درک واصل شد. (1)

حجاج به مرض آکله مبتلا شد، و طبیب تکه گوشتی را به نخی بست تا آن ملعون بلعید. طبیب آخر نخ را نگه داشت، و بعد از لحظه ای نخ را کشید و دید چیزی نمانده است، و معلوم شد که به زودی جان به مالک جهنم خواهد سپرد. (2) قبر او را در شهر واسط مخفی کردند و آب روی آن رها کردند ولی در زمان سفاح قب او را پیدا کردند، آنچه مانده بود سوزانده و بر باد دادند. (3) او بیست سال در عراق حکومت کرد، و عمر نحسش 53 سال بود. (4)

14 ماه رمضان

### 1. شهادت مختار رحمه‌الله

در سال 67 هـ در چنین روزی مختار بن ابی عبیده ثقفی رحمه‌الله به شهادت رسید، و مزار او کنار مرقد حضرت مسلم عليه‌السلام در انتهای مسجد کوفه است. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج39 ص324، ج42 ص126، 149، ج71 ص220. مراقد المعارف: ج 2، ص 202، 219. . الوقائع و الحوادث: ج 1، ص 155 - 152. انوار العلویة: ص 468، 473.

2. تتمة المنتهی: ص108-96. تهذیب الکمال: ج10 ص373. حلیة الاولیاء: ج4 ص294. مروج الذهب: ج3 ص173.

3. الوقایع و الحوادث: ج1 ص156.

4. توضیح المقاصد: ص 22. الوقایع و الحوادث: ج1 ص157.

5. بحار الانوار: ج45 ص386. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 215. تتمة المنتهی: ص 91 - 92. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 157. فیض العلام: ص 33.

مصعب بعد از به شهادت رساندن مختار، دستور داد همسر او را دستگیر کنند. او زنی مؤمنه به نام عمره دختر نعمان بن بشیر انصاری بود. مصعب گفت: برائت بجوی از شوهرت. او گفت: چگونه برائت بجویم از کسی که روزها روزه و شبها به نماز مشغول بود، و خون خود را برای خدا و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نثار کرد و خونخواهی فرزند پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نمود؟ مصعب در حالتی که شمشیرش را از غلاف بیرون کشیده بود، گفت: پس تو را به شوهرت ملحق می کنم. همسر مختار جواب داد: پس از این مرگ بهشت است و به خدا قسم هیچ چیزی را بر محبتم به علی بن ابی طالب عليه‌السلام ترجیح نمی دهم.

در گرمای هوا در صحرائی بین حیره و کوفه دست و پای او را بستند و بعد گردن او را زدند و سر از بدنش جدا کردند. این زن مؤمنه اولین زن شهیدی است که در محبت امیرالمؤمنین عليه‌السلام با شکنجه کشته شد. (1)

15 ماه رمضان

### 1. ولادت امام حسن مجتبی عليه‌السلام

شب نیمه ماه رمضان سال سوم هـ دومین امام شیعیان حضرت ابومحمد حسن بن علی بن ابی طالب عليه‌السلام در شهر مدینه به دنیا آمد. (2)

القاب آن حضرت: سیّد، سبط، امین، اثیر، حجّت، برّ، نقی، تقی، زکی، مجتبی، زاهد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. المختار الثقفی رحمه‌الله: ص40. مواقف الشیعة: ج2 ص206. تاریخ یعقوبی: ج2 ص264. تاریخ طبری: ج4 ص574. تاریخ دمشق: ج69 ص296.

2. دلائل الامامة: ص159. ارشاد: ج2 ص5. بحار الانوار: ج 43، ص 250، ج 95، ص 191. اعلام الوری: ج1 ص402. کشف الغمة: ج 1ص 514. مسار الشیعة: ص 7. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. العدد القویه: ص 28. شرح احقاق الحق: ج11 ص2. توضیح المقاصد: ص23. اختیارات: ص38. تقویم المحسنین: ص11. فیض العلام: ص 34. تاریخ الخلفاء: ص 188. شرح نهج البلاغة: ج16 ص9. تاریخ دمشق: ج13 ص168، ج14 249.

رنگ مبارکش سرخ و سفید، دیدگان مبارکش گشاده و چشمانش مشکی بود. گونه مبارکش هموار و محاسنش انبوه و موی سرش مجعد بود. گردن مبارک در نور و صفا مانند نقره صیقل زده، میانه بالا و شانه هائی گشاده داشت و از همه مردم خوشروتر بود. خضاب بسیار می کرد و بدن شریفش در نهایت لطافت بود. (1)

در روز هفتم ولادت آن حضرت، مادرش فاطمه زهرا عليها‌السلام آن مولود مبارک را در پارچه حریری که جبرئیل عليه‌السلام آن را برای پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از بهشت آورده بود، پیچید و خدمت رسول گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آورد، و آن حضرت نام مبارکش را «حسن» نهاد و گوسفندی برای حضرتش عقیقه نمود. (2)

### 2. حرکت حضرت مسلم عليه‌السلام به سمت کوفه

در این روز در سال 60 هـ حضرت اباعبداللَّه جناب عليه‌السلام مسلم بن عقیل عليه‌السلام را به کوفه روانه کرد. همراه او پاسخ نامه های کوفیان را داده بود که مضمون آن چنین بود: «به سوی شما برادر و پسر عمویم، موثق اهل بیت خویش، مسلم بن عقیل را فرستادم. اگر او بنویسد برای من که رأی دانایان و بزرگان شما متفق شده بر آنچه در نامه ها درج کرده اید، به زودی به سوی شما خواهم آمد، انشاءاللَّه...». (3)

16 ماه رمضان

### 1. ورود محمّد بن ابی بکر به مصر

در این روز در سال 37 هـ جناب محمّد بن ابی بکر به عنوان استاندار از طرف

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج43 ص255، 303. منتهی الآمال: ج 1، ص 219 - 220. تاج الموالید: ص 24. الذریة الطاهرة: ص84.

2. ارشاد: ج 2، ص 5. بحار الانوار: ج 43، ص 250. اعلام الوری: ج 1ص 402. کشف الغمه: ج 1، ص 514. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. تاج الموالید: ص25. العدد القویة: ص29. فیض العلام: ص 34.

3. مقتل الحسین عليه‌السلام (ابی مخنف): ص16. ارشاد: ج2 ص37. بحار الانوار: ج44 ص334. کلمات الحسین عليه‌السلام: ص 313. فیض العلام: ص 35. تاریخ طبری: ج4 ص262.

امیرالمؤمنین عليه‌السلام وارد مصر شد. (1)

17 ماه رمضان

### 1. معراج پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

معراج پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پنج سال بعد از بعثت در چنین روزی واقع شده (2)، و آیه (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...) (3)، در این باره نازل شده است. معراج پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در 21 ماه رمضان نیز نقل شده است. (4)

معراج از جمله ضروریات اسلام است (5)، و از آیات کریمه و احادیث متواتره ثابت شده است که خداوند متعال حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را در یک شب از مکه معظمه تا مسجد الاقصی و از آنجا به آسمان ها تا سدرة المنتهی و عرش اعلی برد، و عجایب آفرینش آسمانها را به آن حضرت نمایاند و رازهای نهانی و معارف نامتناهی را به آن حضرت القا فرمود و آن حضرت در بیت المعمور تحت عرش به عبادت حق تعالی قیام فرمود و با انبیاء عليهم‌السلام ملاقات نمود و داخل بهشت شد و منازل اهل بهشت و احوال کسانی که در عذاب بودند را مشاهده فرمود.

احادیث متواتر دلالت دارد که عروج آن حضرت به بدن بوده نه به روح، و در بیداری بوده نه در خواب. (6)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 213. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 190. تهذیب الکمال: ج24 ص542. الاصابة: ج6 ص194.

2. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 194. العدد القویه: ص 234. بحار الانوار: ج 18، ص 302، 308، ج 95، ص 196.

3. سوره اسراء: آیه 1.

4. مسار الشیعة: ص9. توضیح المقاصد: ص 24. العدد القویة: ص 234. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. بحار الانوار: ج 95، ص 196، ج 97، ص 168. تقویم المحسنین: ص12. اختیارات: ص38.

5. الغدیر: ج5 ص16. حق الیقین: ص 30. مکیال المکارم: ج2 ص92. منتهی الآمال: ج 1، ص 51.

6. بحار الانوار: ج 18، ص 289. حق الیقین: ص 30.

اقوال دیگر در تعیین روز معراج چنین است: 17 ماه رمضان سال 12 قبل از هجرت، 17 ربیع ال اول قبل از هجرت، 17 رجب قبل از هجرت، 17 ماه رمضان 5 سال قبل از بعثت، 27 ماه رمضان، 21 ماه رمضان، ذی الحجه.

درباره مکانی که آغاز حرکت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به سوی معراج بوده نیز چند قول است: از منزل خدیجه عليها‌السلام، از منزل امّ هانی خواهر امیرالمؤمنین عليه‌السلام، از شعب ابی طالب عليه‌السلام. (1)

امام صادق عليه‌السلام فرمودند: «حقتعالی حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را صد و بیست مرتبه به آسمان برد، و در هر مرتبه به آن حضرت در باره، ولایت و امامت امیرالمؤمنین عليه‌السلام و دیگر ائمه طاهرین عليهم‌السلام زیاده از سایر فرائض تأکید و توصیه نمود.» (2)

### 2. جنگ بدر

در روز جمعه در سال دوم هجرت حنگ بدر کبری به وقوع پیوست. (4) 19 این ماه هم ذکر شده است. (5)

تعداد مسلمانان 313 نفر و تعداد شهدای آنان 9 تا 14 نفر، و تعداد کفار 950 نفر بود. مقتولین کفار 70 نفر بودند و 70 نفر را هم مسلمانان اسیر گرفتند. نصف یا بیشتر از نصف کشته های کفار به دست امیرالمؤمنین عليه‌السلام به قتل رسیدند (6) و در کشتن نصف

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج 18، ص 302، 319، 380، ج 95، ص 196، ج 97، ص 168. العدد القویة: ص234. الصحیح من السیرة: ج3.

2. بصائر الدرجات: ص79. خصال: 600. بحار الانوار: ج 18، ص 387، ج 23 ص 69. حق الیقین: ص30.

3. بحار الانوار: ج 19، ص 367 - 292. الصحیح من السیرة: ج5 ص136-1.

4. خصال: ص508. مسارالشیعة: ص8. بحارالانوار: ج19 ص170، 325، ج96 ص168، 383. مصباح کفعمی: ج2 ص599. اقبال: ج1 ص303. تقویم المحسنین: ص11. اختیارات: ص38. الوقائع و الحوادث: ج1 ص203. الموسوعة الکبری فی غزوات النبی الاعظم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج1 ص138. الوقایع و الحوادث: ج1 ص203. طبقات الکبری: ج2 ص21-19. تاریخ یعقوبی: ج2 ص45.

5. توضیح المقاصد: ص23. تاریخ طبری: ج2 ص129. طبقات الکربی: ج2 ص21.

6. منتخب التواریخ: ص 48 - 49. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 215 - 216.

در این جنگ ابوجهل نیز کشته شد. (1)

در این جنگ ابوجهل نیز کشته شد. ابوجهل هشام بن مغیره مخزومی از دشمنان سرسخت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بود. او با اینکه نامش هشام بود ولی از فرط بدجنسی و زشت سیرتی به ابوجهل مکنی شد. ابوجهل کسی بود که در مکه آزار و اذیت بسیار به رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نمود. بچه دان شتر بر سر مبارک حضرت ریخت. خاکستر و خاک بر سر مبارک حضرت ریخت. سنگ به دندان مبارکش زد، نسبت کذب و جنون به آن حضرت داد، مادر عمار یاسر جناب سمیه را بعد از شکنجه بسیار با نیزه ای که به ران او زد شهید کرد.

در جنگ بدر دو برادر انصاری (معاذ و معوذ) به خاطر سابقه ای که از او در اذیت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شنیده بودند تصمیم به کشتن او گرفتند. به هر صورت ضربه هائی به او زدند و یکی از دو برادر دستش قطع شد و به پوست آویزان گردید، ولی چون دید دستش مزاحم جنگ با ابوجهل و هواداران اوست، زیر پایش گذاشت و دفعتاً آن را از بدنش جدا کرد و سپس ابوجهل را نقش زمین کردند.

بعد از جنگ، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «کسی خبر از ابوجهل بیاورد.» عبداللَّه بن مسعود رفت و پا روی سینه او گذاشت. ابوجهل به هوش آمد و گفت: بر جای بلندی پای گذاشته ای. ای کاش قاتل من دهقان نبود (که کنایه ای از انصار بود). عبداللَّه بن مسعود سر او را از بدن جدا کرد و نزد پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آورد و جلوی پای آن حضرت انداخت. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شکر الهی بجا آورد. (2) خداوند نصرت خود را بر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نازل نمود، و آن حضرت فرمود: امروز روز عید است و باید شکر خدا را بر نعمتی که به اهل ایمان عطا فرموده به جای آورد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الصحیح من السیرة: ج5 ص45، 59، ج8 ص87. شرح احقاق الحق: ج3 ص227 (پاورقی).

2. بحارالانوار: ج19 ص258. منتخب التواریخ: ص49 - 47. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 215 - 216. نفائح العلام: ص 288. فیض العلام: ص 37 - 38.

### 3. قتل عایشه

در شب 17 ماه رمضان در سال 58 هـ (1) در مدینه، عایشه دختر ابوبکر به دست معاویه کشته شد، و به سزای اعمالش رسید. (2) دو قول دیگر در این باره 29 رجب (3) و آخر ذی الحجه (4) است.

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دوست داشت تا زنده است مرگ و دفن عایشه را ببیند. (5) ابن ابی الحدید می گوید: اگر خلیفه دوم به جای علی عليه‌السلام بود هر آینه عایشه را تکه تکه می کرد ولی علی عليه‌السلام حکیمی بردبار بود. (6)

معاویه چون خواست برای پسرش یزید بیعت بگیرد، عایشه آن را انکار کرد و معاویه را تهدید کرد و گفت: برادرم محمد را کشتی، و برای یزید بیعت می گیری؟ معاویه ترسید که مبادا او ایجاد فتنه کند. لذا در خانه خود چاهی کند و آن را پر از آهک کرد و فرشی قیمتی بر روی آن پهن نمود و تختی بر آن نهاد و عایشه را وقت نماز عشا به خانه خود خواند. وقتی عایشه وارد شد، معاویه او را به نشستن بر آن تخت تعارف کرد. همین که روی آن نشست، فرو رفت و به چاه افتاد و هلاک شد. و معاویه در چاه چندین نیزه مسموم تعبیه کرده بود و هنگامی که عایشه در چاه افتاد فوراً کار او ساخته شد. (7)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مستدرک حاکم: ج4 ص6. المنتخب من ذیل المذیل: ص 94. اسد الغابة: ج5 ص504. تاریخ دمشق: ج3 ص202. البدایة و النهایة: ج8 ص101.

2. فیض العلام: ص 36. نفائح العلام: ص 275. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 215 - 214، ج7 ص 509. وقائع الشهور: ص174.

3. اختیارات: ص 37. وقائع الایام: ج1 ص354. قلائد النحور: ج رجب، 351. وقائع الشهور: ص132.

4. الطرائف: ص 503. حدیقة الشیعة: ص 356. وقائع الشهور: ص 248.

5. سبعة من السلف: ص 267. تلخیص الحبیر: ج5 ص125. البدایة و النهایة: ج5 ص244. تاریخ طبری: ج2 ص433. شرح نهج البلاغة: ج13 ص27. سیرة النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج4 ص1057.

6. بحار الانوار: ج33 ص93. شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید: ج17 ص254.

7. کامل بهائی: ج2 ص270. الطرائف: ص 503. الصراط المستقیم: ج3 ص45. حدیقة الشیعة: ص 356. اربعین قمی: ص 631. حبیب السیر: ص 425. وقائع الایام: ج1 ص 360 - 359. منتخب التواریخ: ص 304. فلک النجاة: ص 61. اغتیال ابی بکر: ص 107. کشف الهاویة: ص 304. تشیید المطاعن. کشف الغاشیة در احوال عایشة. زبدة التواریخ. الاوائل سیوطی. ربیع الابرار زمخشری.

عایشه در زمان حیات پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم با آن حضرت رفتار نامناسبی داشت؟! با امیرالمؤمنین عليه‌السلام و حضرت صدیقه عليها‌السلام و همسران پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم رفتارهای زشت و کینه توزانه ای روا داشت!؟ واقعه جمل و کشته شدن حدود بیست هزار نفر از مسلمین به خاطر فتنه او از کارهای معروف اوست. (1)

وقتی حضرت زهرا عليها‌السلام به شهادت رسید، همسران رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم برای سر سلامتی امیرالمؤمنین عليه‌السلام آمدند جز عایشه؛ که اظهار مریضی کرد و سخنی گفت که دلالت بر خوشحالی او داشت. (2)

از مشخص ترین نشانه های بغض و کینه او نسبت به امیرالمؤمنین عليه‌السلام این بود که غلامش را «عبدالرحمن» نام نهاد و گفت: این نام گذاری را به خاطر محبّنم به قاتل علی بن ابی طالب یعنی عبدالرحمن بن ملجم انجام دادم. (3)

### 4. وفات پسر برادر ابولؤلؤ رحمه‌الله

در ای ن روز ابوزناد عبدالله بن ذکوان پسر برادر ابولؤلؤ رحمه‌الله به مرگ ناگهانی در مدینه در سال 130 یا 131 هـ درگذشت. (4)

ابوزناد از اصحاب امام زین العابدین عليه‌السلام بود. (5) او عالم اهل مدینه به حساب، فرائض، نحو، شعر، حدیث و قفه بود (6) ذهبی می گوید: عبدالله بن ذکوان،

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مسند احمد، صحیح بخاری، صحیح نسائی، السیرة الحلبیه، صحیح مسلم باب الغیرة من کتاب العشرة.

2. شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید: ج 9 ص 198. اربعین قمی: ص 621. ریاحین الشریعة: ج2 ص357.

3. الجمل (شیخ مفید): ص 159. ریاحین الشریعه: ج 2، ص 357. سفینة البحار: ج 3، ص 741. بحار الانوار: ج 28، ص 194، ج 32، ص 341.

4. التمهید (ابن عبدالبّر): ج 18 ص 8. تاریخ دمشق: ج 28 ص49. سیر اعلام النبلاء: ج5 ص450. تهذیب الاسماء: ج2 ص516. تهذیب الکمال: ج14 ص482.

5. رجال الطوسی: ص 117. ریاض العلماء: ج4 ص385 - 384. رساله فیروزیه. نقد الرجال: ج3 ص104.

6. سفینة البحار: ج4 ص280. مستدرک سفینة البحار: ج 9 ص213. سیر اعلام النبلاء: ج5 ص451 - 445. تهذیب الکمال: ج14 ص483 - 476. التمهید ابن عبدالبر: ج 18 ص 5. تاریخ دمشق: ج 28 ص64 -44.

ابو عبدالرحمان، ابوزناد، از بزرگان و اهل مدینه بود. او پسر ابولؤلؤ و مورد وثوق است که مالک و لیث و سفیان ثوری و سفیان بن عیینه از او روایت کرده اند.

### اشاره ای به احوال ابولؤلؤ رحمه‌الله

اسم او فیروز و چون دختری به نام لؤلؤة داشت مکنی شد به ابولؤلؤة (ابولؤلؤ)، و از القاب ایشان شجاع الدین و بابا شجاع الدین است. اصلش ایرانی و در نهاوند به دنیا آمده است. (1)

### مذهب آن بزرگوار

صاحب ریاض العلماء می فرماید: معروف آن است که ابولؤلؤ از برگزیدگان شیعیان امیرالمؤمینین علی بن ابی طالب عليهما‌السلام بوده است (2). مغیرة بن شعبة چون از زمان حیات رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم عداوت و بغض و کینه خاصی به علی بن ابی طالب عليهما‌السلام داشت، (3) بر ابولؤلؤ سخت می گرفت و میزان مالیات او را سنگین و سنگیمن تر می کرد؛ به حدی که یک روز به ابولؤلؤ گفت: اگر به خانه علی بن ابی طالب رفت و آمد نکنی و دست از محبت او برداری مالیات را از تو بر می دارم و آن را می بخشم؛ ام ابولؤلؤ قبول نکرد. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ریاض العلماء. سفینة البحار: ج4 ص280. مستدرک سفینة البحار: ج 9 ص213. رساله فیروزیه.

درباره علت اینکه ابولؤلؤ عمر را کشت به مصادر زیر مراجعه شود: مستدرک سفینة البحار ج9 ص213، تاریخ دمشق: ج44 ص409، طبقات الکبری: ج3 ص347، اسرار الامامة: ص 325، اسد الغابة: ج4 ص76، ارشاد القلوب دیلمی: ج2 ص285.

2. ریاض العلماء: ج5 ص507. رساله فیروزیه.

3. بحار الانوار: ج 30 ص654 - 653. الغدیر: ج6 ص 144 - 143. شرح نهج البلاغة: ج4 ص71 - 69، ج13 ص220، ج16 ص101، ج20 ص10.

4. کامل بهائی: (نسخه مخطوطه): ص 383. اسرار الامامة: ص 325. برای اینکه بدانید مغیره با دوستان امیرالمؤمنین عليه‌السلام چه می کرد به الغدیر علامه امینی رحمه‌الله، بیت الاحزان: ص 117، اسرار الامامة: ص 325، کامل بهائی (نسخه مخطوطه): ص 383، و تتمه شعبان از کتاب «تقویم شیعه» مراجعه کنید.

### قتل هرمزان، جفینه، دختر ابولؤلؤ (لؤلؤة)، پسر و همسر ابولؤلؤ

هنگامی که عمر در بستر مرگ بود عبید الله بن عمر با رهنمود و همکاری خواهرش حفصه، (1) دختر و همسر و پسر ابولؤلؤ را که مسلمان بودند کشت، جفینه که ایرانی بود و هرمزان که دوست ابولؤلؤ و پسر یزدجرد سوم و برادر حضرت شهربانو همسر امام حسین عليه‌السلام بود (2) را به همراه چند نفر دیگر از فارسی زبانان مدینه به قتل رساند و بعد از کشتن جناب هرمزان بدن او را قطعه قطعه کرد. او می گفت: «به هر عجمی که دست پیدا کنم خواهم کشت».

هنگامی که هرمزان اسیر شد به مدینه آمد، و عمر اسلام را بر او عرضه کرد. او قبول نکرد و در همان مجلسی هنگامی که عظمت و جلالت امیرالمؤمنین عليه‌السلام را دید به دست آن حضرت اسلام آورد و از مخلصین اصحاب شد و اکثر اوقاتش در مسجد مشغول نماز بود. (3)

امیرالمؤمنین عليه‌السلام هنگامی که از کار عبید الله با خبر شد که دختر و پسر و همسر و ابولؤلؤ و هرمزان و جفینه را کشته است، فرمود: «این فاسق جرم بزرگی مرکتب شده و مسلمانی را بدون گناه کشته است». سپس به پسر عمر فرمود: «اگر روزی بر تو دست پیدا کنم به خاطر قتل هرمزان تو را خواهم کشت.» (4)

درخواست امیرالمؤمنین عليه‌السلام وعده ای از اصحاب رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم برای قصاص عبید الله بن عمر به ارتکاب این جرائم در حق چند مسلمان، دلیل بر اسلام ابولؤلؤ است، و تا عمر مرد و عثمان بعد از سه روز خلیفه شد، عبید الله بن عمر در زندان بود که عثمان او را بخشید و آزاد کرد. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. تاریخ یعقوبی: ج2 ص161.

2. آسیاب تبرّی: ص10.

3. الخرائج و الجرائح: ج1 ص212. بحار الانوار: ج41 ص50.

4. وسائل الشیعة: ج1 ص30. الغدیر: ج8 ص132، از کتاب انساب الاشراف بلاذری: ج5 ص24.

5. الغدیر: ج8 ص132، 133، 136 - 134. تاریخ طبری: ج3 ص302. تاریخ یعقوبی: ج2 ص163، الانساب بلاذری: ج5 ص24.

### ابولؤلؤ رحمه‌الله در مدینه

اکثر مورخین متفقند که روز ضربت خوردن عمر، ابولؤلؤ در صف اول نماز جماعت در مسجد بوده است، (1) و اگر او مسلمان نبوده داخل مسجد چه می کرده است؟!

تناقض گویی عده ای دلالت بر کذب کلامشان دارد. عده ای گفته اند: هنگامی که ضربه به عمر زد در حال فرار به خودی خود ضربه ای زد و مرد. (2) عده ای گفته اند: عبید الله بن عمر او را کشته است. (3) بعضی گفته اند: مردی از بنی تمیم او را کشته است. (4) بعضی گفته اند: عبد الله بن عوف سر از بدنش جدا کرد. (5) عده ای گفته اند: معلوم نشد به کجا رفت و هر چه سربازان دنبال گشتند او را پیدا نکردند. (6)

به هر صورت اگر کشته شد، یا خودش را کشت با جسدش چه می کردند و کجا دفن شد؟ هیچ کس ذکر نکرده است.

اما شیعه معتقد است که ابولؤلؤ با معجزه و عنایت امیرالمؤمنین عليه‌السلام به کاشان آمد و تا زنده بود مردم به او احترام خاصی می گذاشتند و کسانی که او را بعد از مدتی دیدند و شناختند نتواستند ثابت کنند که چگونه ابولؤلؤ آن روز در مدینه بوده و همان روز یا شب فردایش در کاشان بوده است!! (7)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مسند ابی یعلی: ج5 ص116. صحیح ابن حبان: ج1 ص332. تاریخ دمشق: ج44 ص410. موارد الظمآن: ص573.

2. صحیح بخاری: ج4 ص204. سنن الکبری (بیهقی): ج3 ص113. اسد الغابة: ج4 ص74.

3. الثقات (ابن حبّان): ج2 ص240. تاریخ یعقوبی: ج2 ص160.

4. تاریخ طبری: ج3 ص303. تاریخ دمشق: ج38 ص61.

5. فتح الباری: ج7 ص51. طبقات الکبری: ج15 ص16.

6. فصل الخطاب فی تاریخ قتل عمر بن الخطاب: ص 207.

7. کامل بهائی (نسخه مخطوطه): ص 383. مجمع النورین: ص 220.

### قبر شریف آن بزرگوار در کاشان

قبر ابولؤلؤ در شهر کاشان است. در سال های اخیر عده ای از محبین اهل بیت عليهم‌السلام در تزیین و توسیع صحن و مرقد آن بزرگوار زحمت زیادی کشیدند و امکاناتی از جهت رفاه حال زوار فراهم کردند. در ماه ربیع الاول سال 1427 هـ ضریح هشت ضلعی زیبا و نفیسی شبیه ضریح جناب هانی به عروة رحمه‌الله به همت دوستان اهل بیت عليهم‌السلام بر قبر ایشان نصب شد. تاریخ بنای گنبد و رواق به بیش از 720 سال قبل بر می گردد.

### 5. بنای مسجد جمکران

در شب سه شنبه 17 ماه مبارک رمضان سال 373 هـ بنا بر آنچه که شیخ صالح و پرهیزکار جناب حسن به مثله جمکرانی خبر داده است امام عصر حضرت صاحب الزمان عليه‌السلام دستور بنای مسجد شریف جمکران را صادر فرمودند و این ماجرا داستانی طولانی دارد و مسجد هم دارای آداب و نمازی مخصوصی است. (2)

19 ماه رمضان

### 1. ضربت خوردن امیر المؤمنین عليه‌السلام

در 19 ماه رمضان سال 40 هـ در نماز صبح در مسجد کوفه با شمشیری مسموم به دست ناپاک ابن ملجم بر فرق مبارک امیرالمؤمنین عليه‌السلام ضربت وارد شد. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. منتخب التواریخ: ص 796. فهرست مزارات کاشان: ص 47. آثار تاریخی کاشان و نطنز: ص25. تاریخ تشیع در ایران: ج3 ص1037 - 1038.

2. مستدرک الوسائل: ج3 ص432، 447.

3. ارشاد: ج1 ص19. بحار الانوار: ج42 ص 199. تاریخ الائمة عليهم‌السلام: ص 5. تاج الموالید: ص 17. روضة الواعظین: ص132. اختیارات: ص 38.

در 13 ماه رمضان سال 40 هـ حضرت مولی الموحدین علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین عليه‌السلام بعد از فارغ شدن از جنگ نهروان از شهادت خود خبر دادند. (1) در آن روز حضرت بر فراز منبر بعد از بیان کلماتی درر بار در حقایق اسلام، در آخر بیانات شریف خود، به فرزندشان امام حسن مجتبی عليه‌السلام فرمودند: «تا امروز چند روز از ماه مبارک رمضان می گذرد؟» امام مجتبی عليه‌السلام فرمودند: «13 روز گذشته است.» از امام حسین عليه‌السلام پرسیدند: «چند روز باقی مانده است؟» امام حسین عليه‌السلام فرمود: «17 روز باقی مانده است. »در این هنگام امیرالمؤمنین عليه‌السلام دست به محاسن مبارک گرفتند و فرمودند: «نزدیک است این موی من به خون سرم خضاب شود».

در شب 16 ماه رمضان سال 40 هـ امیرالمؤمنین عليه‌السلام در خواب پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را دیدند، و آن حضرت به نزدیک شدن ملاقاتشان در بهشت به امیرالمؤمنین عليه‌السلام بشارت دادند، و امیرالمؤمنین عليه‌السلام به دخترشان امّ کلثوم عليها‌السلام خبر دادند. در شب نوزدهم امیرالمؤمنین عليه‌السلام روزه را در منزل امّ کلثوم عليها‌السلام افطار نمودند. (2)

در شب 19 ماه رمضان سال 40 هـ وردان و شبیب که با ابن ملجم در شهادت امیرالمؤمنین عليه‌السلام همراه بودند، در حین درگیری کشته شدند. (3)

در سال چهلم گروهی از خوارج در مکه جمع شدند و بر کشتگان نهروان گریستند. سه نفر از آنان با هم پیمان بستند که در یک شب امیرالمؤمنین عليه‌السلام و عمروعاص و معاویه را بکشند.

ابن ملجم کشتن امیرالمؤمنین عليه‌السلام را بر عهده گرفت و وارد کوفه شد و با کمک قطام بنت اخضر که ابن ملجم قصد ازدواج با او را داشت، و با همدستی شبیب بن بجره و وردان بن مجاله تصمیم خود را عملی کرد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 139. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 213.

2. ارشاد: ج 2، ص 16 - 15. بحار الانوار: ج42 ص 225، 226، 238. نهج السعادة: ج7 ص 101، 119. مدینة المعاجز: ج3 ص 40 - 39، 211. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 190، 242.

3. بحار الانوار: ج42 ص298. نفائح العلام: ص 410.

در صبح روز نوزدهم بعد از اذان صبح، امیرالمؤمنین عليه‌السلام وارد مسجد شد و صدای نازنین ایشان به «یا ایها الناس، الصلاة» بلند شد.

سپس آن حضرت مشغول نماز شد. هنگامی که در رکعت اول سر از سجده برداشت شبیب بر آن حضرت حمله ور شد، ولی شمشیرش خطا کرد. بلافاصله ابن ملجم لعنه اللَّه حمله کرد و شمشیر او فرق مبارک آن حضرت را شکافت و محاسن شریفش به خون فرق مبارکش خضاب شد، صدای مبارکش بلند شد: «بِسْمِ الله وَ بِالله وَ عَلی مِلَّة رَسُول الله فُزْتُ وَ رَبِّ الْکَعْبة».

صدای جبرئیل بلند شد: «تَهَدَّمَتْ وَ اللَّهِ أَرْكَانُ الْهُدَى وَ انْطَمَسَتْ وَ اللَّهِ نُجُومُ السَّمَاءِ وَ أَعْلَامُ التُّقَى وَ انْفَصَمَتْ وَ اللَّهِ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى قُتِلَ ابْنُ عَمِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى قُتِلَ الْوَصِيُّ الْمُجْتَبَى قُتِلَ عَلِيٌّ الْمُرْتَضَى قُتِلَ وَ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ قَتَلَهُ أَشْقَى الْأَشْقِيَاءِ». (1)

20 ماه رمضان

### 1. فتح مکه

در سال 8 هـ فتح مکه واقع شد. در این فتح بزرگ تعداد مسلمانان 12 هزار نفر، و شهدا 2 نفر بودند. علت شهادت آن دو این بود که همراه لشکر نبودند و از آخر مکه وارد شده بودند، و لذا مورد هجوم قرار گرفته شهید شدند. (2)

در این روز امیرالمؤمنین عليه‌السلام به امر مبارک خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، برای شکستن بتهائی که در کعبه بود، پای مبارک خود را بر کتف شریف اشرف مخلوقات نهاد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحارالانوار: ج 42، ص 282، 285. انوار العلویة: ص 377، 379.

2. مسار الشیعه: ص 9. العدد القویة: ص 218. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. بحار الانوار: ج 21، ص 111 - 143، ج 97، ص 168. توضیح المقاصد: ص 23. اختیارات: ص 38. تقویم المحسنین: ص 12. سیرة النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم (ابن هشام): ج 4، ص 889.

3. توضیح المقاصد: ص 23. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. بحار الانوار: ج 97 ص384. فیض العلام:

هنگامی که مسلمانان وارد مکه شدند شعار می دادند: «الیوم یوم الملحمه»: «امروز روز در هم کوبیدن است». پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: شعار را عوض کنید و بگوئید: «الیوم یوم المرحمه»: «امروز روز رحمت است».

بعد فرمود: ابوسفیان و خانه اش در امانند، و هر کس داخل خانه او رفت در امان است. همچنین فرمودند: همه در امانند به جز یک نفر به نام «هبار بن اسود» و بعضی معاویه. (1) را هم ذکر کرده اند. حضرت فرمود: «اگر هبّار چسبیده به پرده کعبه هم بود او را بکشید»؟!

علت این برخورد شدید با هبّار آن بود که در یکی از جنگ های مسلمین با کفار قریش عده ای اسیر از کفار گرفتند و داخا اسرا داماد بزرگ پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شوهر زینب دخترشان بود. حضرت فرمودند: هر کس فدیه بفرستد او را آزاد می کنیم. بین آنچه از مکه به عنوان فدیه فرستاده بودند گردنبند حضرت خدیجه عليها‌السلام به چشم می خورد که به دخترش زینب داده بود. هنگامی که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آن گردنبند را دیدند به یاد جناب خدیجه عليها‌السلام افتادند و گریستند. آنگاه از مسلمین خواستند آن فدیه را - که یادگار خدیجه عليها‌السلام - است، به آن حضرت ببخشند، و آنان گفتند: جان و مالمان را فدای شما می کنیم. حضرت هم عاص را بدون فدیه آزاد کردند. سپس قرار شد اسرا را آزاد کنند، در مقابل این که هر یک از زنان مسلمان که در مکه اسلام را پذیرفته، اگر خواست بیاید آزاد باشد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

ص 42. احتجاج: ج1 ص179. نهج الایمان: ص 613 - 607. بحار الانوار: ج 38 ص87 - 76. غایة المرام: ج6 ص284 - 279. الغدیر: ج7 ص 139 - 9. شرح احقاق الحق: ج8 ص690 - 679، ج 18 ص 170 - 162، ج23 ص370 - 361، ج31 ص 184 - 175. مناقب (ابن مغازلی): ص 202، 429. مناقب امیرالمؤمنین عليه‌السلام: ج2 ص606. کفایة الطالب: ص 257. تذکرة الخواص: ص 34. صفوة الصفوة: ج1 ص310. مناقب (خوارزمی): ص 123. مستدرک حاکم: ج2 ص367، ج3 ص5. مسند احمد: ج1 ص84. مسند بزّاز: ج3 ص22. مسند ابی یعلی: ج1 ص251. خصائص امیرالمؤمنین عليه‌السلام: ص 113. الاحادیث المختارة: ج2 ص330. مصنف (ابن ابی شیبة): ج8 ص534. ینابیع المودة: ج1 ص421، ج2 ص304.

1. احقاق الحق: ص 265. التعجب: ص 106. نهج الحق و کشف الصدق: ص 310. منتخب طریحی: ص 14. تتمة المنتهی: ص 47.

قرار بر این شد که امیرالمؤمنین عليه‌السلام بروند و هودج فواطم را بیاورند. آن حضرت به تنهائی رفتند و زینب دختر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و دیگر هاشمیات را آوردند، همینکه مقداری از مکه بیرون آمدند، ابوسفیان لعنت اللَّه علیه گفت: پسر عمویش محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم جوانهای شما را گمراه کرد و مسلمان شدند. حال این جوان یعنی - علی عليه‌السلام - در روز روشن آمده و بستگانش را می برد. جلو او را بگیرید.

آنها آمدند تا مانع آن حضرت شوند. امیرالمؤمنین عليه‌السلام دفاع فرمودند. بعضی زخمی و بعضی به درک واصل شدند، در این اثنا هبّار بن اسود به هودج هاشمیات حمله کرد و نیزه ای حواله هودج زینب دختر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نمود.

امیرالمؤمنین عليه‌السلام حمله ای به هبّار کردند و او را فراری دادند. زینب در این حمله ترسید و چون ششماه حامله بود، هنگامی که وارد مدینه شدند بعد از زمانی بچه سقط شده و از دنیا رحلت کرد. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «خون هبّار بن اسود مهدور است»، و هر کس هر جا او را دید بکشد.

ابن ابی الحدید به استادش می گوید: پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به خاطر ترساندن زینب و سقط جنین او، ریختن خون هبّار را جایز دانست. اگر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم زنده بود، آیا ریختن خون آن کس را که فاطمه عليها‌السلام را ترسانید، جایز نمی دانست!! (1)

21 ماه رمضان

### 1. شهادت امیر المؤمنین عليه‌السلام

امام المتقین امیرالمؤمنین عليه‌السلام در شب بیست و یکم ماه رمضان مقارن طلوع فجر به شهادت رسید، در حالی که از سن مبارک حضرتش 63 سال گذشته بود. (2) در بیستم ماه

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحارالانوار: ج19 ص351. بیت الاحزان: ص 153. شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید: ج14 ص193. تاریخ طبری: ج2 ص164. مستدرک حاکم: ج4 ص42.

2. کافی: ج1، ص 452. اعلام الوری: ج 1، ص 309. کشف الغمه: ج 1، ص 436. العدد القویة: ص 235.

رمضان اثرات سم در پاهای مبارک امیرالمؤمنین عليه‌السلام ظاهر شد و پاهای مبارک ورم کرد. (1) در شب بیست و یکم اثر زهر بر بدن مبارک امیرالمؤمنین عليه‌السلام بسیار شد. حضرت فرزندان و اهل بیت خود را جمع کرد و با آنها وداع نمود و وصیت های خود را فرمود. در آن شب هر چه خوردنی و آشامیدنی آوردند تناول نفرمود، و لب های مبارکش به ذکر خدا حرکت می کرد، و مانند مروارید عرق از پیشانی نازنیش می ریخت و با دست مبارک خود آن را بر طرف می کرد.

به امام مجتبی عليه‌السلام فرمود: تو را به برادرت حسین عليه‌السلام وصیت می کنم. به فرزندان دیگر که از فاطمه زهرا عليها‌السلام نبودند، فرمود: شما را وصیت می کنم به اطاعت از حسن و حسین عليهما‌السلام. سپس فرمودند: «خداوند شما را بر صبر نیکو کرامت فرماید. امشب از میان شما می روم و به حبیب خود محمّد مصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ملحق می شوم چنانچه مرا وعده داده است». صدای گریه از اهل بیت بلند شد. آنگاه دستوراتی در مورد غسل، کفن، نماز و محل دفن به امام مجتبی عليه‌السلام فرمودند و با امام حسین عليه‌السلام و حضرت زینب عليها‌السلام کلماتی از کربلاء فرمودند.

بعد از وداع با همگان دست و پای مبارک را به طرف قبله کشیدند و فرمودند: «اشهد ان لا اله الا اللَّه وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله»، و چشمان مبارک را بستند و بهشت را به قدوم خویش مبارک فرمودند.

صدای شیون و گریه از خانه آن حضرت بلند شد. اهل کوفه که با خبر شدند، صدای شیون و ناله از تمامی شهر بر خواست، مانند روزی که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از دنیا رفتند. در آن شب آفاق آسمان متغیر گشت و زمین لرزید و صدای تسبیح و تقدیس فرشتگان از هوا شنیده شد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

بحارالانوار: ج42، ج 95 ص 196. روضة الواعظین: ص132. مسار الشیعة: ص10. تاج الموالید: ص 16. توضیح المقاصد: ص 24. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. تقویم المحسنین: ص 12. منتهی الآمال: ج 1، ص 183. تاریخ الخلفاء: ص 175. مناقب (خوارزمی): ص 284. ذخائر العقبی: ص 115. ینابیع المودة: ج2 ص32.

1. الوقایع و الحوادث: ج1 ص265.

سپس مشغول غسل آن حضرت شدند. بعد از غسل و کفن، امام حسن و امام حسین عليهما‌السلام پشت سر تابوت را همانطور که حضرت فرموده بودند برداشته، جلو تابوت خودش حرکت می کرد، تا در مکانی فرود آمد.

بعد از نماز بر آن حضرت توسط امام مجتبی عليه‌السلام، مقداری از زیر تابوت را کندند و قبری آماده یافتند که داخل آن لوحی مسی یا سفالی بود و بر آن نوشته شده بود: «بسم اللَّه الرحمن الرحیم، این قبری است که نوح پیامبر برای بنده صالح خدا علی بن ابی طالب عليهما‌السلام حفر نموده است». (1) بدن مطهر آن حضرت را دفن نمودند و حسب وصیّت آن حضرت، قبر مطهرش را مخفی نمودند تا در زمان هارون بر همگان معلوم شد.

فرزندان آن حضرت از همسران مختلف 28 دختر و پسرند. (2) 5 نفر آنها اولاد حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا عليها‌السلام هستند که عبارتند از امام حسن و امام حسین و زینب کبری و امّ کلثوم و حضرت محسن عليهم‌السلام که در دوران حمل در شش ماهگی توسط منافقین در ماجرای هجوم به خانه امیرالمؤمنین عليه‌السلام به شهادت رسید. حضرت عباس عليه‌السلام و جعفر و عثمان و عبداللَّه در کربلا به شهادت رسیدند، که مادرشان امّ البنین است. بقیه اولاد حضرت از همسران دیگر هستند.

وقتی خبر شهادت امیرالمؤمنین عليه‌السلام به عایشه رسید چنان خوشحال شد که بی اختیار شعری خواند و سپس گفت: چه کسی علی را کشت؟ جواب دادند: ابن ملجم. گفت: خاک بر دهانش مباد (کنایه از اینکه خوب کاری کرد). (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. فرحة الغری: ص 64. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج2 ص388. بحارالانوار: ج 42 ص216، 236. الغارات: ج2 ص846.

2. ارشاد مفید: ج 1، ص 355 - 354. اعلام الوری: ج 1، ص 396 - 395. تاج الموالید: ص 18.

3. الهدایة الکبری: ص 197. الجمل (شیخ مفید): ص 84. الجمل (ابن شدقم): ص26. بحارالانوار: ج 32 ص341. تذکرة الخواص: ابن جوزی: ص 165. مقاتل الطالببین: ص26. جواهر المطالب: ج2 ص104. طبقات الکبری: ج3 ص40. تاریخ طبری: ج4 ص 115. انساب الاشراف: ص 505.

در شب 21 ماه رمضان اوصیاء پیغمبران رحلت کردند و حضرت عیسی بن مریم عليه‌السلام به آسمان برده شد؛ و در همین شب حضرت موسی بن عمران عليه‌السلام رحلت کرد و یوشع بن نون عليهما‌السلام رحلت نمودند. (1)

### 2. بیعت با امام مجتبی عليه‌السلام

در این روز پس از شهادت امیرالمؤمنین عليه‌السلام با امام حسن عليه‌السلام بیعت کردند. (2)

### 3. قتل ابن ملجم

در این روز ابن ملجم با یک ضربت شمشیر به جهنم فرستاده شد، سپس ام الهیثم دختر اسود نخعی جنازه او را گرفته آن را به آتش کشید. (3) بعد از کشته شدن ابن ملجم مردم به سوی قطام ملعونه فاسقه هجوم آوردند و او را شمشیر به درک فرستادند و جثّه اش را بیرون کوفه سوزانیدند. (4)

ابن بطوطه متوفی سال 779 هـ گفته است: هنگامی که به کوفه مسافرت کردم، در غربی جبّانه کوفه در زمینی سفید، زمینی بسیار سیاه دیدم و علّت را پرسیدم. گفتند: اینجا قبر ابن ملجم است. عادت اهل کوفه این است که در سال هیزم زیادی می آوردند و 7 روز در این مکان می سوزانند. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. امالی صدوق: ص 397. بحارالانوار: ج13 ص376، ج42 ص201، 202، 302. العدد القویة: ص 235. مسار الشیعة: ص 9. توضیح المقاصد: ص 24. روضة الواعظین: ص 138. مصباح کفعمی: ج2 ص599. اختیارات: ص 38. ینابیع المودة: ج2 ص31.

2. ارشاد: ج2 ص9. کشف الغمة: ج1 ص538. بحار الانوار: ج 43 ص362. تاریخ دمشق: ج13 ص262 - 261، 273.

3. ارشاد: ج1 ص22. روضة الواعظین: ص134. بحار الانوار: ج42 ص232، 246، 298. انوار العلویة: ص 370. نفائح العلام: ص 410. ینابیع المودة: ج2 ص32.

4. بحار الانوار: ج42 ص298. انوار العلویة: ص 390. کلمات الامام الحسین عليه‌السلام: ص154. نفائح العلام: ص 410.

5. انوار البهیة: ص 82. نفائح العلام: ص 409. رحلة ابن بطوطة: ص 147.

23 ماه رمضان

### 1. نزول قرآن

شب نزول قرآن است (1) و به قولی در شب 24 ماه رمضان بوده است. (2)

24 ماه رمضان

### 1. مرگ ابولهب

در این روز و به قولی در 25 ماه رمضان ابولهب به درک واصل شد. (3)

تتمه ماه رمضان

### 1. بدعت نماز تراویج توسّط عمر

در این ماه در سال 14 هـ عمر نماز نافاه به جماعت خواندن را بدعت گذارد سپس مردی را برای مردها و مردی را برای زنها به عنوان امام جماعت قرار داد. (4)

او نامه ای به شهر ها نوشت و مردم را ملزم به این کار کرد. (5) خودش این عمل را بدعت نامید و گقت: چه خوب بدعتی است!!! (6)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج2 ص 629. مسار الشیعة: ص 10. بحار الانوار: ج 95 ص 198.

2. تفسیر عیاشی: ج1 ص80. بحار الانوار: ج 94 ص25، ج 95 ص 199.

3. نفائح العلام: ص 463. تاریخ دمشق: ج 67 ص 173. سر السلسلة العلویة: ص 3.

4. بحارالانوار: ج31 ص12 (پاورقی). تاریخ طبری: ج3 ص277. طبقات کبری: ج3 ص281. عمر بن الخطاب: ص100.

5. النص و الاجتهاد: ص 250. تاریخ بغداد: ج8 ص51.

6. صحیح بخاری: ج2 ص252. کتاب الموطّأ: ج1 ص114. تاریخ المدینة: ج2 ص714. سنن کبری (بیهقی): ج2 ص493. تاریخ بغداد: ج8 ص50.

### 2. دعای باران توسّط پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

در ماه رمضان سال ششم هجری قحطی شدیدی در مدینه رخ داد، که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم طلب باران کردند و باران آمد. (1)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج 20، ص 376. تاریخ طبری: ج2 ص286. عیون الاثر: ج2 ص357. التنبیه و الاشراف: ص 222.

10 شوال المکرّم

ماه شوال شامل رحلت بزرگانی و وقوع جنگهائی است. کما اینکه چند نفر از بزرگترین دشمنان اهل بیت عليهم‌السلام نیز در آن به درک واصل شده اند. روزهای 1، 3، 4، 5، 6، 8، 14، 15، 17، 20، 25 را که شامل این وقایع هستند مرور خواهیم کرد.

عید فطر اولین روز این ماه و جشن روزه داری است.

شهادت امام صادق عليه‌السلام، حضرت حمزه عليه‌السلام، وفات اباصلت هروی و حضرت عبدالعظیم عليه‌السلام روزهای غم در این ماه اند، که ویرانی قبور ائمه بقیع عليهم‌السلام نیز بر این مصیبتها افزوده است.

مرگ عمرو بن عاص، قتل متوکل و مرگ عبدالملک بن مروان شیرین ترین روزهای این ماه اند که دشمنان اهل بیت عليهم‌السلام در آن به درک واصل شده اند.

از وقایع جنگی این ماه جنگ خندق، حنین، قرقره الکدر، حمراء الاسد، بنی قینقاع و حرکت به سوی جنگ صفین را می توان نام برد، و ورود حضرت مسلم عليه‌السلام به کوفه نیز از همین قبیل به شمار می آید.

رد الشمس برای امیرالمؤمنین عليه‌السلام و توقیع امام زمان عليه‌السلام برای حسین بن روح وقایع مهم دیگری هستند که در این ماه رخ داده اند.

1 شوال

### 1. عید فطر

اول ماه شوال روز عید فطر است. قبل از نماز عید، خوردن مقداری از تربت سیّد الشّهداء عليه‌السلام و نیز زیارت آن حضرت مستحب است. (1)

### 2. مرگ عمرو بن عاص

در سال 43 - 41 هـ عمرو بن عاص خبیث در سن 90 سالگی به درک واصل شد. (2) مادر او نابغه، کنیزی بود که عبداللَّه بن جذعان او را خرید و آزادش کرد. او به کار خلاف روی آورد، و چون قیمتش نسبت به سایر زنان خلافکار ارزانتر بود مراجعه کننده بسیار داشت. لذا آبروی عبداللَّه بن جذعان را برده بود. از جمله در طهر واحد، ابولهب و امیة بن خلف و هشام بن مغیرة و ابوسفیان و عاص بن وائل با او زنا کردند و عمرو عاص به وجود آمد.

هنگامی که وضع حمل کرد هر یک از آنان مدعی او شدند. آخر الامر قضاوت را بر عهده خود نابغه گذاشتند، و او هم عاص را انتخاب کرد. به او گفتند: چرا عاص را انتخاب کردی با اینکه بچه به ابوسفیان شبیه تر است؟ گفت: ابوسفیان بخیل است و عاص بهتر نفقه می دهد! (3) این عاص ملعون کسی بود که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را «ابتر» خطاب کرد و خاطر شریف حضرت را مکدَّر نمود، تا آنکه سوره

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. من لا یحضره الفقیه: ج2 ص174. مسار الشیعة: ص 13. توضیح المقاصد: ص 25. الحدائق الناضرة: ج10 ص273. بحارالانوار: ج 57 ص163، ج 88 133.

2. مسار الشیعة: ص 15. الغدیر: ج 2، ص 175. قلائد النحور: ج شوال، ص 6. فیض العلام: ص 61 - 62. وقائع الشهور: ص 189. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 213. تتمة المنتهی: ص 41. مروج الذهب: ج 3، ص 32. تاریخ یعقوبی: ج2 ص222. تاریخ طبری: ج4 ص137. البدایة و النهایة: ج8 ص27.

3. الغدیر: ج2 ص125 - 121. الایضاح: ص 87. احتجاج: ج1 ص411. بحارالانوار: ج33 ص230، ج44 ص80. جامع الشتات (خواجوئی): ص191. تذکرة الخواص: ص 186. شرح نهج البلاغة: ج6 ص283، 296. ربیع الابرار: باب القرابات و الانساب.

مبارکه کوثر نازل شد (1) (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ \* فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ \* إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ). یعنی یا رسول الله دشمن تو عمرو عاص ابتر است. یعنی دین و نسب ندارد. (2) لذا امیرالمؤمنین عليه‌السلام در نامه ای که به عمرو عاص نوشته بودند آن ملعون را «ابتر بن ابتر» نامیدند. (3)

با این نسب و نژاد تعجبی ندارد که او دشمن پیامبر و علی بن ابی طالب عليهما‌السلام باشد، عُمری با معاویه خون به دل امیرالمؤمنین عليه‌السلام کنند. واقعه صفین و قرآن بر سر نیزه کردن و شهادت مالک اشتر و واقعه حکمین و کارهای دیگر آن ملعون روشن است.

او در وقت مرگ می گفت: چنان است که کوه رضوی را بر گردن من نهاده اند و درون من پر از خار است و مرا از سوراخ سوزنی بیرون می کنند! (4)

### 3. جنگ قرقره الکدر

در این روز در سال 2 هـ جنگ قرقرة الکدر به وقوع پیوست. (5) این نام مربوط به آبی متعلق به بنی سلیم در سه منزلی مدینه است. سبب این جنگ آن شد که به سمع مبارک پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم رسانده بودند که جمعی از بنی سلیم و بنی عطفان در قرقرة الکدر اجتماع کرده اند تا به مدینه شبیخون بزنند. لذا آن حضرت پرچم اسلام را به دست امیرالمؤمنین عليه‌السلام دادند و حضرت را با دویست نفر به آنجا فرستادند. هنگامی که

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الغدیر: ج 2، ص 123 - 120. بحارالانوار: ج16 ص312، ج17 ص203، 210، ج33 ص219. فیض العلام: ص 62. اسباب النزول: ص 307. الدر المنثور: ج6 ص401. طبقات الکبری: ج3 ص7. تاریخ دمشق: ج3 ص128 - 125. اسد الغابة: ج4 ص188. زاد المسیر: ج8 ص321.

2. تفسیر قمی: ج2 ص445. بحار الانوار: ج17 ص209.

3. الغدیر: ج2 ص120، 121، 130. بحار الانوار: ج33 ص225. نهج السعادة: ج4 ص256. شرح نهج البلاغة: ج16 ص163.

4. نهج السعادة: ج8 ص360. فیض العلام: ص62. مستدرک: ج3 ص455. طبقات الکبری: ج4 ص260. تاریخ دمشق: ج46 ص192.

5. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص206. وقائع الشهور: ص190. کتاب المحبر: ص11. تاریخ طبری: ج2 ص174.

امیرالمؤمنین عليه‌السلام به آنجا رسیدند دیدند که آن جماعت از آنجا گریخته اند و تا آن حضرت آنجا بودند کسی بر نگشت. در این ماجرا 500 شتر از آنها غنیمت گرفته شد که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آن را تخمیس نمودند و بقیه را بین اصحاب تقسیم فرمودند. (1)

3 شوال

### 1. قتل متوکل

در سال 247 هـ در شب چهارشنبه متوکل عباسی ملعون، به دستور فرزندش به قتل رسید. مدت خلافت او 14 سال و ده ماه و عمر نحسش 41 سال بود. (2)

متوکل بعد از واثق، در سال 232 هـ به خلافت نشست. در ایام او لهو و لعب و طرب، مخصوصاً در مجلس او بسیار بود. او مردی خبیث السیرة بود و چنانچه امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرموده بود، کافرترین آل عباس بود. (3) عمرو بن فرج را والی مدینه و مکه کرد، و او به مردم دستور داده بود که کسی به آل ابی طالب عليه‌السلام احسان نکند، و اگر کسی کوچکترین احسانی کند سخت عقوبت خواهد شد، به حدی کار بر علویین تنگ شده بود که لباسهای زنان علویه کهنه و پاره شده بود و پیراهن سالمی را برای نماز به نوبت می پوشیدند، و نخ ریسی می کردند، تا متوکل به درک واصل شد. (4)

از اعمال زشت و پست متوکل این بود که همیشه و در همه جا امیرالمؤمنین عليه‌السلام را به بدی یاد می کرد، و به آن حضرت جسارت می کرد. او چندین بار قبر مبارک حضرت

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج20 ص2، 8، ج30 ص620. الصحیح من السیرة: ج6 ص7. موسوعة التاریخ الاسلامی: ج1 ص231. منتهی الآمال: ج1 ص58. طبقات الکبری: ج2 ص31.

2. توضیح المقاصد: ص 26. تتمة المنتهی: ص 322. بحار الانوار: ج 50، ص 210. فیض العلام: ص 65. تاریخ سامراء: ج 3، ص 324. البدایة و النهایة: ج 10، ص 385. تاریخ بغداد: ج 2، ص 119 - 118.

3. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج2 ص311. بحار الانوار: ج41 ص322.

4. الکنی و الالقاب: ج3 ص144. مقاتل الطالبیین: ص 396.

سیّد الشّهداء عليه‌السلام را خراب کرد، ولی دوباره بنا شد. متوکل در راه زیارت آن حضرت دست قطع می کرد و زوار را می کشت. تا جایی که تعداد کشتگان را 70 هزار نفر نقل کرده اند. (1) در زمان ما هم بعد از سقوط حاکم ظالم عراق صدای ملعون و حرکت شیعیان به سمت کربلای معلی برای زیارت، جمعی از زائرین به طرق مختلف در مسیر به شهادت رسیدند.

به خاطر جسارت هایی که متوکل در مجلسی به امیرالمؤمنین عليه‌السلام کرد، منتصر پسرش در شب چهارشنبه سوم یا چهارم ماه شوال چند نفر از غلامهای خاص پدر را مأمور کشتن وی کرد، و آنها در حالی که متوکل مشغول شرب خمر بود، خونش را ریختند و به درکات جحیم شتافت.

در همان روزی که متوکل به دستور پسرش منتصر کشته شد مردم با او در قصر معروف جعفری بیعت کردند. منتصر مردی به ظاهر رئوف و مهربان بر اهل بیت پیامبر بود، و بر عکس پدر خود به آل ابی طالب احسان می کرد و به هیچ وجه متعرض ایشان نمی گشت.

او زیارت امام حسین عليه‌السلام را آزاد کرد و مانع احدی نشد، و دستور داد فدک را به اولاد امام حسن و امام حسین عليهما‌السلام رد کنند، و اوقاف آل ابی طالب عليه‌السلام را آزاد کرد و دستور داد کسی متعرض شیعیان علی عليه‌السلام نشود. همچنین برای علویین و علویات مدینه اموالی فرستاد تا در میانشان تقسیم شود. او در روز 25 ربیع الاول سال 248 هـ بیمار شد و در پنجم ربیع الثانی هنگام عصر در گذشت و مدت خلافتش 6 ماه بود. گفته شده که او مسموم شد به زهری که در شاخ حجامت ریخته بودند. (2)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. رساله فیروزیه، میرزا عبد الله افندی رحمه‌الله.

2. تتمة المنتهی: ص 332 - 330. فیض العلام: ص 66، 65، 227. تاریخ الخلفاء: ص 357. مروج الذهب: ج4 ص134 - 133.

4 شوال

### 1. جنگ حنین

در این روز در سال 8 هـ بعد از 15 روز از فتح مکه، غزوه حنین به وقوع پیوست. (1) تعداد لشکر اسلام 2 هزار نفر از مکه و ده هزار نفر از مدیته بودند. در این جنگ چهار نفر شهید شدند، و تعداد 300 نفر از کفار «هوازن» کشته شدند.در این جنگ امیرالمؤمنین عليه‌السلام جنگجو ترین اصحاب رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بودند که قتال می کردند. (3) یکی از موارد فرار ابوبکر و عمر در همین جنگ بوده است. (4) تاریخ این جنگ را ماه رمضان، و 3 و 5 و 10 و 11 و 15 شوال هم نقل کرده اند. (5)

5 شوال

### 1. حرکت به سوی جنگ صفین

در سال 36 هـ در چنین روزی امیرالمؤمنین عليه‌السلام برای رفتن به صفین آماده شدند؛ و

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 65. وقائع الشهور: ص 192.

2. توضیح المقاصد: ص 26. بحار الانوار: ج 21، ص 185 - 146. الموسوعة الکبری فی غزوات النبی الاعظم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج 5، ص 73.

3. کنز العمال: ج10 ص458. مجمع الزوائد: ج6 ص180. مسند ابی یعلی: ج6 ص290. سبل الهدی و الرشاد: ج5 ص 324.

4. بحار الانوار: ج21 ص185 - 146. الزام النواصب: ص 188. الصحیح من السیرة: ج5 ص164. الغدیر: ج5 ص209 - 205. احقاق الحق: ص 206، 233، 271. شرح احقاق الحق: ج3 ص228، ج8 ص474، ج16 ص221. فیض العلام: ص 73. صحیح بخاری: ج5 ص101. فتح الباری: ج8 ص29 - 22. تاریخ یعقوبی: ج2 ص62. شرح نهج البلاغة: ج10 ص182، ج12 ص179، ج13 ص278، ج15 ص106. شرج القصائد العلویات السبع: ص 108.

5. توضیح المقاصد: ص 26. فیض العلام: ص 67. تاریخ خلیفة بن خیاط: ص53. کتاب المحبر: ص 115. البدایة و النهایة: ج4 ص369. طبقات الکبری: ج2 ص150. تفسیر قرطبی: ج8 ص66. تاریخ ابن خلدون: ج2 ص46. فتح الباری: ج8 ص21. معجم قبائل العرب: ج3 ص1232.

ابو مسعود عقبة بن عامر انصاری را در کوفه جانشین خویش قرار دادند. (1)

### 2. ورود حضرت مسلم عليه‌السلام به کوفه

در سال 60 هـ در چنین روزی حضرت مسلم عليه‌السلام وارد کوفه شدند. (2) مردم کوفه به خدمتش شتافتند، و نامه امام حسین عليه‌السلام را استماع کردند و هیجده هزار نفر با آن حضرت بیعت کردند. جناب مسلم عليه‌السلام نامه ای به امام حسین عليه‌السلام نوشت و بیعت کوفیان را اطلاع داد، و تشریف فرمائی آن جتاب را به کوفه خواستار شد.

6 شوال

### 1. توقیع برای حسین بن روح

روز یکشنبه سال 305 هـ اولین توقیع امام عصر عليه‌السلام در دوران غیبت صغری، برای جناب حسین بن روح رحمه‌الله صادر شد. (3)

8 شوال

### 1. ویرانی قبور ائمه بقیع عليهم‌السلام

در این روز در سال 1343 (1344) هـ قبور ائمه بقیع عليهم‌السلام و نیز قبر حضرت حمزه عليه‌السلام در اُحد به دست وهابیون تخریب شد. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج 32 ص 421. تتمة المنتهی: ص 23. فیض العلام: ص 69. وقعة صفین: 131. مروج الذهب: ج2 ص384. تذکرة الخواص: ص 85.

2. الشهید مسلم بن عقیل عليهما‌السلام: ص 151. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص214. فیض العلام: ص 69. فرسان الهیجاء: ج 2، ص 70. شرح احقاق الحق: ج33 ص649. قلائد النحور: ج شوال، ص 17. وقایع الشهور: ص 193.

3. بحار الانوار: ج51 ص356. الغیبة (شیخ طوسی): ص372. وقایع المشهور: ص 193.

4. مستدرک سفینة البحار: ج6 ص66. رد عقائد الوهابیة: ص22. الوهابیون و البیوت المرتفعه: ص88.

علت و انگیزه تخریب این قبور مطهّر در کتب مختلفی که بر ردّ عقائد ضالّه وهابیّت تألیف شده، بیان گردیده است.

آنان اضافه بر قبور مطهّر ائمه معصومین عليهم‌السلام، دیگر قبور را هم تخریب نمودند که عبارتند از: قبر منسوب به فاطمه زهرا عليها‌السلام، قبر مطهّر فاطمه بنت اسد عليها‌السلام مادر امیرالمؤمنین عليه‌السلام، قبر مطهّر حضرت امّ البنین عليها‌السلام، قبر ابراهیم پسر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، قبر اسماعیل فرزند حضرت صادق عليه‌السلام، قبر دختران پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، قبر حلیمه سعدیه مرضعه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، و قبور شهدای زمان پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم.

وهابیّان در سال 1343 هـ در مکه گنبدهای قبر حضرت عبدالمطلب عليه‌السلام، ابی طالب عليه‌السلام، خدیجه عليها‌السلام، و زادگاه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و فاطمه زهرا عليها‌السلام و «خیزران» عبادتگاه سری پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را با خاک یکسان کردند. در جدّه نیز قبر حوا و دیگر قبور را تخریب کردند.

در مدینه گنبد منّور نبوی را به توپ بستند، ولی از ترس مسلمانان قبر شریف را تخریب نکردند. در شوال 1343 با تخریب قبور مطهّر ائمه بقیع عليهم‌السلام اشیاء نفیس و با ارزش آن قبور مطهّر را به یغما بردند.

قبر حضرت حمزه عليه‌السلام و شهدای احد را با خاک یکسان کردند، و گنبد و مرقد حضرت عبداللَّه و آمنه پدر و مادر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، قبر اسماعیل پسر حضرت صادق عليه‌السلام و دیگر قبور را هم خراب کردند.

در همان سال به کربلای معلی حمله کردند، و ضریح مطهّر را کندند و جواهرات و اشیاء نفیس حرم مطهّر را که اکثراً از هدایای سلاطین و بسیار ارزشمند و گران بها بود، غارت کردند و قریب به 7000 نفر از علما، فضلا و سادات و مردم را کشتند. سپس به سمت نجف رفتند که موفق به غارت نشدند و شکست خورده برگشتند. (1)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کشف الارتیاب: ص 77. شهداء الفضیله (علامه امینی): ص 388. مدینة الحسین عليه‌السلام. خاطرات مستر همفر. مرآة الوهابیة. الدلیل علی الحرمین الشریفین. اخبار المدینه. منتخب التواریخ. هذه هی الوهابیة.

### 2. جنگ حمراء الاسد (1)

در این روز در سال 3 هـ جنگ حمراء الاسد اتفاق افتاد. «حمراء الاسد» نام مکانی در اطراف مدینه است.

14 شوال

### 1. مرگ عبدالملک مروان

در سال 86 هـ عبدالملک بن مروان سفاک بخیل، در دمشق به هلاکت رسید (2)، و بعضی 15 شوال را ذکر کرده اند. (3) این در حالی بود که 21 سال و 6 ماه خلافت را غصب کرده بود. او پیش از سلطنت پیوسته ملازمت مسجد را داشت و تلاوت قرآن می نمود و او را حمامة المسجد می گفتند! وقتی خبر سلطنت به او رسید قرآن را بر هم نهاد و گفت: «سلام علیک هذا فراق بینی و بینک»: «خداحافظ، این آغاز جدایی بین من و توست».!!

بیماری او که سخت شد طبیب گفت: اگر آب بخورد می میرد. ولی تشنگی بر او غالب شد و از پسرش ولید آب طلبید. او گفت: اگر آب بیاشامی خواهی مرد! عبدالملک به دخترش التماس کرد که آب بدهد، اما ولید پسرش مانع شد. عبدالملک گفت: بگذار به من آب بدهند، وگرنه تو را از ولیعهدی خلع می کنم، ولید اجازه داد و عبدالملک آب خورد و مُرد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 66 - 65. بنا بر قولی که جنگ اُحد را در هفتم شوال نقل کرده است.

2. تتمة المنتهی: ص 105. فیض العلام: ص 73. مستدرک سفینة البحار: ج 5، ص 216. تاریخ دمشق: ج 36 ص164، 166.

3. قلائد النحور: ج شوال، ص 94. تاریخ طبری: ج5 ص211. طبقات الکبری: ج5 ص235. تاریخ دمشق: ج37 ص129.

از بزرگترین جنایات او به شهادت رساندن امام زین العابدین عليه‌السلام و مسلط کردن حجاج ثقفی بر شیعیان امیرالمؤمنین عليه‌السلام بود. (1)

15 شوال

### 1. جنگ احد و شهادت حضرت حمزه عليه‌السلام (2)

در سال 3 هـ در روز جنگ احد، حضرت سیّد الشّهداء عليه‌السلام و 69 نفر از مسلمانان به شهادت رسیدند. (3) بعضی جنگ احد را در 7 (4) و 17 شوال نقل کرده اند. (5)

در این جنگ مسلمانان هزار نفر بودند که به نوشته عده ای سیصد نفر در بین راه برگشتند، و برای جنگ 700 نفر باقی ماند. کفار 3000 نفر بودند، و 2000 نفر و 4000 نفر و 5000 نفر هم گفته اند. تعداد کشته های کفار 22 یا 23 یا 28 نفر، و تعداد شهدا 70 نفر بود. در این روز دندان و پیشانی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را شکستند. (6)

### فداکاری های امیر المؤمنین عليه‌السلام در اُحد

در این روز بر اثر فداکاری ها و شجاعت هایی که امیرالمؤمنین عليه‌السلام در دفاع از وجود شریف خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و حفاظت از آن حضرت نشان داد جراحت های زیادی بر بدن

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. منتهی الامال: ج 2، ص 39. تتمه المنتهی: ص 106.

2. بحار الانوار: ج 20، ص 147 - 14. الصحیح من السیرة: ج6.

3. مسار الشیعة: ص 16 - 15. بحار الانوار: ج 20، ص 18. توضیح المقاصد: ص 27. تقویم المحسنین: ص 12. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص207. الموسوعة الکبری فی غزوات النبی الاعظم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج 2، ص 110. سیرة النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم (ابن هشام): ج 3، ص 615. تاریخ طبری: ج2 ص189. البدایة و النهایة: ج4 ص11.

4. بحار الانوار: ج 20 ص125. التنبیه و الاشراف: ص 211.

5. بحار الانوار: ج 97 ص168، 383. اختیارات: ص39.

6. بحار الانوار: ج20 ص18، 31، 71، 74. امالی طوسی: ص 142.

مبارکش رسید. و تمامی کشته شدگان کفار، به دست امیرالمؤمنین عليه‌السلام بود و پیروزی دوباره و بازگشت مسلمانان به خاطر مقاومت و جنگ امیرالمؤمنین عليه‌السلام بود. (1) امام صادق عليه‌السلام می فرماید: «اصحاب پرچم در روز احد در لشکر کفار نُه نفر بودند که امیرالمؤمنین عليه‌السلام همه آنها را کشت». (2) این در حالی بود که دیگران فرار کرده بودند، و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: یا علی، آیا می شنوی که از آسمان مدح تو را می کنند. یکی از ملائکه به نام رضوان می گوید: «لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی». امیرالمؤمنین عليه‌السلام می فرماید: از خوشحالی گریستم و خداوند سبحان را بر این نعمت حمد کردم. (3)

در این جنگ پیروزی در ابتداء از آنِ مسلمانان بود، ولی مقداری که به تعقیب دشمن رفتند و میدان خالی شد، بازگشتند و مشغول جمع غنایم شدند و اکثر نگهبانان مخالفت دستور پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نمودند، و محل نگهبانی خود را رها کردند و مانند بقیه مشغول جمع غنائم شدند.

خالد بن ولید - که از سر دسته های کفار در این جنگ بود - از همان قسمت با کفار حمله کردند. تعداد اندکی از نگهبانان دره که نرفته بودند شهید شدند و کفار از پشت سر به مسلمانان حمله کردند. فراریان کفار هم تا این وضع را دیدند باز گشتند و حمله به مسلمین شدّت گرفت. جراحت های فراوانی بر بدن مبارک پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم رسید و شیطان فریاد بر آورد که محمّد (صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم) کشته شده است! مسلمانان با شنیدن این ندا فرار کردند، و فقط چند نفری از وجود مبارک پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم محافظت می کردند که عبارت بودند از

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ارشاد: ج 1، ص 90. کشف الیقین: ص476. بحار الانوار: ج20 ص88. الصحیح من السیرة: ج6 ص148، 284.

2. ارشاد: ج1 ص88. بحار الانوار: ج20 ص87، 144. حلیة الابرار: ج2 ص431. الصحیح من السیرة: ج6 ص148. الغدیر: ج2 ص59. اختصاص: ص149. مناقب امیرالمؤمنین عليه‌السلام: ج1 ص495. شرح احقاق الحق: ج5 ص84، 284. غایة المرام: ج5 ص27. ذخائر العقبی: ص68. مجمع الزوائد: ج6 ص113. تاریخ طبری: ج2 ص197. کنز العمال: ج13 ص 143. جواهر المطالب: ج1 ص91. المعجم الکبیر: ج1 ص318.

3. ارشاد: ج1 ص87. حلیة الابرار: ج2 ص430. اعلام الوری: ج1 ص378. بحار الانوار: ج20 ص73، 86. کشف الغمة: ج1 ص195.

امیرالمؤمنین عليه‌السلام و ابودجانه که شهید شد و زنی به نام نسیبه و انس بن نضر که تازه از مدینه رسیده بود.

### ابوبکر و عمر و عثمان در جنگ احد

عمر بن خطاب می گوید: در اُحد با پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بیعت کرده بودیم بر اینکه کسی فرار نکند، و هر کس از ما که فرار کند ضال و گمراه است، و هر کس از ما کشته شود شهید است. (1)

احمد بن حنبل می گوید: ابوبکر و عمر در این جنگ فرار کردند. هنگامی که امیرالمؤمنین عليه‌السلام در تعقیب فراری ها بود، عمر در حالی که اشک چشمانش را پاک می کرد برگشت و به امیرالمؤمنین عليه‌السلام عرض کرد: مرا ببخشید!! امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود: «آیا تو نبودی که صدا زدی: محمّد کشته شده است، به دین قبلی خود برگردید»؟!! عمر گفت: این کلام را ابوبکر گفته است! امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود: شما و کسانی که از شما دو نفر پیروی کنند وارد جهنم می شوید.» در اینجا بود که این آیه نازل شد: (إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ)! (2)

امام صادق عليه‌السلام می فرماید: در جنگ احد امیرالمؤمنین عليه‌السلام در حال دفاع از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بودند، و دیگر اصحاب فرار می کردند. آن حضرت همچون شیر غضبناک از قفای گریختگان رفت و اول به عمر بن خطاب رسید که به اتفاق عثمان و حارث بن حاطب و عده ای دیگر به سرعت فرار می کردند. حضرت فریاد بر آورد: ای جماعت، بیعت شکستید و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را تنها گذاشتید و به سوی جهنّم می گریزید؟

عمر بن خطاب می گوید: علی را دیدم یا شمشیر پَهنی که مرگ از آن می چکید و چشمانش از خشم مانند دو قدح خون بود، یا مانند دو کاسه روغنی که آتش در او

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج2 ص134. تفسیر قمی: ج1 ص114. بحار الانوار: ج 20، ص 54، 53، ج41 ص73. مدینة المعاجز: ج2 ص81.

2. سوره آل عمران: آیه 155. اثبات الهداة: ج 2، ص 365 - 364. الصراط المستقیم: ج2 ص59.

افروخته باشند می درخشید، و فهمیدم که اگر به ما برسد به یک حمله ما را خواهد کشت. این بود که جلو رفتم و عرض کردم: «یا اباالحسن، تو را به خدا سوگند می دهم که دست از ما برداری، که عرب را عادت است که گاهی می گریزد و گاهی حمله می کند. زمانی که حمله می کند تلافی گریختن را می نماید». پس آن حضرت ما را رها کرد؛ و به خدا قسم چنان ترسی از آن حضرت در دل من افتاد که تاکنون از دلم خارج نشده است. (1)

در این جنگ بر بدن مبارک امیرالمؤمنین عليه‌السلام هنگام حمایت از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 90 جراحت بر صورت، سر، سینه، شکم، دست و پای مبارک رسید. جبرئیل نازل شد و عرض کرد: «یا محمّد، به خدا قسم این عمل علی بن ابی طالب مواسات است». پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «این بدان جهت است که من از اویم و او از من است. جبرئیل عرض کرد: و من از شما دو بزرگوارم». (2)

### بانویی به نام نسیبه در جنگ احد

در این روز یکی از کسانی که جانفشانی کرد فرار نکرد، بلکه مانع از فرار دیگران نیز شد، بانویی به نام نسیبه دختر کعب بن مازنیه بود و به او امّ عماره می گفتند. او با شوهر و دو پسر خود در جنگ احد شرکت داشتند. نسیبه مشک آبی به دوش داشت و سقایت لشکر اسلام را می نمود. هنگامی که موقعیت را چنان دید که مسلمین در حال فرار هستند، مشک را به کناری انداخت و خود را پیش روی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم سپر کرد، به گونه ای که جراحات زیادی بر او وارد شد، که مداوای یکی از آنها تا یک سال بعد ادامه داشت.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل طالب: ج2 ص134. تفسیر قمی: ج1 ص114. بحار الانوار: ج 20، ص 53 - 54، ج 41 ص73. مدینة المعاجز: ج2 ص81. قلائد النحور: ج شوال، ص 77.

2. الکافی: ج8 ص321. بحار الانوار: ج 20، ص 54، 69، 71، 108، 112، ج 31 ص 319. تفسیر قمی: ج1 ص116. خصال: ص 556.

این زن فداکار دست به شمشیر برد، و چنان ضربه ای بر ابن حمیه - که قصد کشتن پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را داشت - زد که او فرار کرد. عبداللَّه فرزند نسیبه خواست فرار کند که مانع او شد و او را تشویق به جنگ و دفاع از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نمود و او قبول کرد. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به نسیبه فرمود: «بارَکَ اَللَّهُ عَلَیکِ یا نَسیبه». در این حال پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دید یکی از مهاجرین فرار می کند در حالی که سپرش را به پشتش بسته است. آن حضرت فرمودند: «ای صاحب سپر، سپرت را بیانداز و خودت به جهنم برو». سپس آن حضرت به نسیبه فرمود: «سپر او را بردار». او آن را برداشت و مشغول جنگ با مشرکین شد. در این هنگام حضرت فرمود: «مقام نسیبه از مقام فلان و فلان و فلان افضل است»، (1) چه اینکه آنان فرار کردند.

### شهادت حضرت حمزه

در این روز جناب حمزة بن عبدالمطلب عليه‌السلام عموی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به شهادت رسید. آن حضرت برادر رضاعی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بود، چون هر دو بزرگوار از زنی به نام «ثویبه» شیر خورده بودند. (2)

آن حضرت مردی شجاع و با هیبت بود و در این جنگ به دست وحشی و به دستور هند همسر ابوسفیان کشته شد. هند به خاطر کشته شدن پدر و برادر و عمویش در جنگ بدر، ابتدا قصد نبش قبر مادر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را داشت، ولی کفار قریش از ترس نبش قبور امواتشان مانع شدند. این بود که او وحشی را با وعده هائی به کشتن پیامبر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم یا علی مرتضی عليه‌السلام و یا حمزه تحریک کرد. وحشی گفت: «از کشتن پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و پسر عمویش علی عليه‌السلام عاجزم، ولی برای کشتن حمزه عليه‌السلام کمین می کنم».

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج20، ص54، 133. الصحیح من السیرة: ج6 ص205. شرح نهج البلاغة: ج14 ص266. طبقات الکبری: ج8 ص413.

2. بحار الانوار: ج 15، ص 281، 384. العدد القویة: ص122. الصحیح من السیرة: ج2 ص71. شرح الاخبار: ج3 ص227. اسد الغابة: ج1 ص15.

او در میدان جنگ با نیزه ای بر سینه و یا شکم مبارک آن حضرت زد و آن حضرت را شهید کرد. وقتی خبر به هند دادند، آن خبیث دستور داد سینه آن حضرت را بشکافد و جگر مبارک آن حضرت را بیرون آورد. وقتی خواست به جگر حمزه دندان بزند دندان های نحسش کارگر نشد. همچنین هند با خنجری گوشها، بینی و... آن حضرت را جدا کرد و به گردن انداخت.

پیامبر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم هنگامی که حمزه را با آن وضع دیدند، گریستند و عبای مبارک را روی او کشیدند که خواهرش صفیه او را به آن حال نبیند و فرمودند: «یا عم رسول اللَّه و اسداللَّه و اسد رسوله... یا فاعل الخیرات، کاشف الکربات...». امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا عليهما‌السلام و صفیه و دیگران بر آن حضرت گریستند. (1)

پیامبر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بر بدن مبارک او نماز خوانده و او را در احد دفن نمودند. بعد از چهل سال که معاویه خواست نهری از احد عبور دهد با قبر حضرت حمزه برخورد نمود و سر بیلها به پای حمزه رسید و فوراً خون جاری شد!

حضرت رضا عليه‌السلام به نقل از رسول خدا پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «بهترین برادران من علی عليه‌السلام و بهترین عموهای من حمزه است.» (2)

### 2. رد الشمس

در این روز سال 7 یا 8 هـ بازگشت خورشید برای امیرالمؤمنین عليه‌السلام به وقوع پیوسته است. (3) به قولی این واقعه در 17 شوال بوده است. (4) بار دیگر در 6 شوال سال 36 هـ

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. حمزه سید الشهداء: ص 29 - 28. بحار الانوار: ج 20، ص 55. ذخائر العقبی: ص 181. ینابیع المودة: ج2 ص215.

2. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج 1، ص 66. بحار الانوار: ج22 ص274. ریاحین الشریعه: ج4 ص350. ینابیع المودة: ج2 ص92.

3. مصباح کفعمی: ج2 ص600. مستدرک سفینة البحار: ج6 ص66. قلائد النحور الشریعه: ج4 ص350. ینابیع المودة: ج2 ص92.

4. بحار الانوار: ج 95 ص188، ج97 ص384. اختیارات: ص39.

بازگشت خورشید برای آن حضرت اتفاق افتاده است. (1)

لازم به یادآوری است که رد الشمس برای امیرالمؤمنین عليه‌السلام دو بار اتفاق افتاده است: یکی در زمان پیامبر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در نزدیکی مسجد قبا، و دیگری پس ازرحلت آن حضرت در سرزمین بابل در نزدیکی حلّه. (2)

علاّمه امینی رحمه‌الله به تفصیل احادیث رد الشمس را به طرق مختلف و همچنین کسانی را که در باره رد الشمس کتاب تألیف کرده اند در الغدیر بیان فرموده است. (3)

### 3. جنگ بنی قینقاع

در این روز بعد از بیست ماه از هجرت نبوی غزوه بنی قینقاع واقع شد، و بنابر قولی این جنگ در صفر به وقوع پیوسته است. (4)

### 4. وفات حضرت عبدالعظیم عليه‌السلام

در سال 252 یا 255 هـ حضرت ابوالقاسم عبد العظیم حسنی فرزند عبداللَّه بن علی بن حسن بن زید بن علی بن ابی طالب عليه‌السلام وفات یافته است. (5) ایشان از مشاهیر علما و از ثقات و فضلای محدثین است که در زهد و ورع زبانزد خاص و عام بوده و از امام جواد و امام هادی عليهما‌السلام روایت نقل کرده است. کتاب خطب امیرالمؤمنین عليه‌السلام و کتاب الیوم و اللیله از آثار آن بزرگوار است. (6) جلالت و عظمت شأن

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 212.

2. فیض العلام: ص 76.

3. الغدیر: ج 3، ص 141 - 126.

4. بحار الانوار: ج 20، ص 5. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج1 ص242. الصحیح من السیرة: ج6 ص59. التنبیه و الاشراف: ص 206.

5. الذریعه: ج7 ص169، 190، از نور الآفاق. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج4 ص451 - 450. مستدک سفینة البحار: ج6 ص66. وقایع الشهور: ص 201. مراقد المعارف: ج2 ص52. سبل الرشاد الی اصحاب الامام الجواد عليه‌السلام: ج1 ص157.

6. سبل الرشاد الی اصحاب الامام الجواد عليه‌السلام: ص 157. مراقد المعارف: ج 2، ص 54.

آن بزرگوار از عرضه عقائدش خدمت امام زمانش حضرت هادی عليه‌السلام و تأیید آن حضرت در باره آنها به وضوح پیداست. (1)

آن حضرت به طور ناشناس وارد ری شد و از ترس بنی عباس در ساربانان در خانه یکی از شیعیان زندگی می کرد. (2) تا هنگام وفات کسی متوجه نشد آن بزرگوار کیست، تا اینکه بعد از وفات خواستند آن بزرگوار را غسل دهند نوشته ای در لباس او یافتند که نسب شریف خود را در آن نوشته بود. مرقد مطهرش در شهر ری مشهور است.

پدر آن حضرت عبداللَّه مشهور به «عبداللَّه قافه» است. «قافه» نام مکانی بود که جناب عبداللَّه از طرف پدر بزرگوارش جناب حسن بن زید حاکم آنجا بود.

همسر حضرت عبدالعظیم، خدیجه دختر قاسم بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب عليه‌السلام است. (3) بعضی امامزاده قاسم شمال تهران را پدر خدیجه همسر حضرت عبد العظیم می دانند. (4)

دختر آن حضرت سلمی است که حضرت عبدالعظیم عليه‌السلام او را به عقد محمّد بن ابراهیم بن ابراهیم بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب عليه‌السلام در آورد و ثمره این ازدواج سه پسر به نامهای عبداللَّه و حسن و احمد بود. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. امالی صدوق: ص 419. صفات الشیعة: ص 48. کفایة الاثر: ص286. بحارالانوار: ج3 ص268، ج 36 ص 412، ج66 ص1.

2. سبل الرشاد الی اصحاب الامام الجواد عليه‌السلام: ص 157. مراقد المعارف: ج 2، ص 54.

3. المجدی فی انساب الطالبیین: ص 21. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج4 ص451. ریاحین الشریعة: ج4 ص197.

4. ریاحین الشریعه: ج 4، ص 197.

5. عمدة الطالب: ص97. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج6 ص357. ریاحین الشریعه: ج 4، ص 332.

16 شوال

### 1. جنگ حمراء الاسد

در این روز در سال 3 هـ جنگ حمراء الاسد اتفاق افتاد. «حمراء الاسد» نام مکانی در اطراف مدینه است.

بعد از جنگ احد و آمدن مسلمانان به مدینه، پیامبر برای آنکه مبادا قریش مراجعت کنند و به مدینه حمله نمایند امر نمود تا بلال ندا دهد: امر خداوند متعال است که باید آنان که در احد حاضر بوده اند و جراحت دیده اند به تعقیب دشمن بروند. اصحاب کار معالجه را رها کردند و لباس رزم پوشیدند.

امیرالمؤمنین عليه‌السلام هم با اینکه بیشتر از 80 جراحت برداشته بود و بعضی آنقدر عمیق بود که فتیله داخل آن قرار داده می شد، لباس رزم پوشیدند و رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در حالی که به او نگاه می کرد و می گریست پرچم را به آن حضرت داد و مسلمین حرکت کردند.

بعد از تعقیب و تاخت بر کفار، مسلمانان سه روز در حمراء الاسد ماندند و آنگاه به مدینه مراجعت کردند. (1)

17 شوال

### 1. جنگ خندق

در این روز در سال 5 هـ غزوه خندق (احزاب) و کشته شدن عمرو بن عبدود به

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج20 ص146 - 1. الصحیح من السیرة: ج5 ص311-301. منتهی الآمال: ج1 ص64. موسوعة التاریخ الاسلامی: ج2 ص349. تاریخ طبری: ج2 ص212.

2. بحار الانوار: ج20 ص281 - 186، ج 39 ص7 -1. کنز الفوائد: ص 137. الصحیح من السیرة: ج9. فیض العلام: ص 76 - 77.

دست امیرالمؤمنین عليه‌السلام به وقوع پیوست، و این جنگ در زمستان به وقوع پیوست. (1)

وقوع جنگ خندق را بعضی در 8 ذی القعده (2) و بعضی در 15 شوال گفته اند، (3) و استبعادی ندارد که شروع جنگ در 15 شوال باشد. همچنین به قولی غزوه خندق در سال 4 هـ اتفاق افتاده است. (4)

در این جنگ مسلمانان تعداد مسلمانان 3000 نفر و تعداد شهدای مسلمانان 6 نفر بود. تعداد کفار 10000 نفر بود ولی تعداد مقتولین کفار ذکر نشده است.

در این جنگ مسلمانان داخل مدینه در اطراف شهر خندقی کندند. مشرکین 25 روز مدینه را محاصره کردند و از هر طرف که خواستند خندق بود. در اثنای این کار منافقین جسارتها به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نمودند و عمرو بن عبدود مبارز طلبید ولی کسی جرأت نکرد. عمر بن خطاب از شجاعتهای عمرو سخن گفت، و در مردم ایجاد ترس کرد.

عمر که از شجاعت عمرو به عبدود شخن می گفت و رعب و وحشتی در دل مسلمانان انداخته بود به عبد الرحمن بن عوف و طرفدارانش گفت: «اگر عمرو بر ما چیره شود همه ما را خواهد کشت. بهترین راه این است که محمّد را دست بسته تحویل آنها دهیم؛ و خودمان به قوممان ملحق شویم»!! (5) اینجا بود که آیاتی از سوره احزاب نازل شد!! (6)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. فیض العلام: ص77 - 76. قلائد النحور: ج شوال ص 107. وقائع الشهور: ص 202.

2. کشف الغمة: ج 1، ص 150. الموسوعة الکبری فی غزوات النبی الاعظم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج 3، ص 58.

3. توضیح المقاصد: ص 29. مستدرک سفینة البحار: ج6 ص66. وقائع الشهور: ص201.

4. بخاری: ج4 ص1504. البدایة و النهایة: ج3 ص297، ج4 ص86. تفسیر قرطبی: ج 14 ص128.

5. کتاب سلیم بن قیس هلالی رحمه‌الله: ج2 ص701. نفسیر قمی: ج2 ص183، 188. بحار الانوار: ج20 ص 225، 232، ج30 ص324، 332. المختصر: ص 58.

6. (إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا \* هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا \* وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا... \* يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا).

در چنین شرایطی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «چه کسی به مبارزه عمرو می رود تا من بهشت را برایش ضمانت کنم»؟ آیا دوستی هست که شر این دشمن را کفایت کند؟ آقا و مولایمان اسد اللَّه الغالب علی بن ابی طالب عليه‌السلام فرمود: «من به مبارزه او می روم». پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم سکوت کردند، و تا سه بار این کلام را فرمودند، و هر سه بار امیرالمؤمنین عليه‌السلام برای مبارزه اعلام آمادگی نمودند.

آخر الأمر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم اجازه فرمودند و امیرالمؤمنین عليه‌السلام حرکت کردند. در این هنگام پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «برز الایمان کله الی الشرک کله»: (1) به تحقیق تمام اسلام در مقابل تمام کفر ایستاد.

بعد از آن که عمرو بن عبدود اسلام اختیار نکرد و دست از جنگ برنداشت، امیرالمؤمنین عليه‌السلام او را به یک ضربت از پا در آورد. در این حال صدای تکبیر مسلمین بلند شد و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «مبارزه علی بن ابی طالب عليه‌السلام در روز خندق از اعمال امت من تا روز قیامت افضل است». (2)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کنز الفوائد: ص 137. بحار الانوار: ج20 ص215، 273، ج39 ص3، ج41 ص89. الطرائف: ص 60. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص161. کشف الغمة: ج1 ص205. غایة المرام: ج4 ص274. رسائل المرتضی: ج4 ص118. اعلام الوری: ج1 ص381. شرح احقاق الحق: ج6 ص9، ج16 ص404. الصحیح من السیرة: ج9 ص334. شرح نهج البلاغة: ج13 ص261، 285، ج19 ص61. ینابیع المودة: ج1 ص281، 284.

2. الغدیر: ج7 ص206. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص163. کشف الغمة: ج 1، ص 150. بحار الانوار: ج 20، ص 181 - 286، ج41 ص96. الطرائف: ص 514، 519. الصراط المستقیم: ج2 ص72. الصحیح من السیرة: ج 9 ص358. شرح احقاق الحق: ج6 ص8 - 4، ج16 ص 405 - 402. مستدرک حاکم: ج3 ص32. تاریخ بغداد: ج13 ص19. شواهد التنزیل:ج2 ص14. المناقب (خوارزمی): ص 107. الفردوس ابن شیرویه: ج3 ص455. مقتل الحسین عليه‌السلام (خوارزمی): ج1 ص 78. ینابیع المودة: ج1 ص282، 284، 412. نزل الابرار: ص76. کنز العمال: ج11 ص623. به عبارت دیگری هم نقل شده است: کشف الیقین: ص 83. مشارق انوار الیقین: ص 365. عوالی الئالی: ج4 ص86. الصحیح من السیرة: ج9 ص358. شرح تجوید: 408، 421. مجمع البیان: ج8 ص132. النجاة فی القیامة: ص162. کنز الفوائد: ص137. بحار الانوار: ج20 ص205، ج39 ص2. شرح احقاق الحق: ج3 ص228، ج16 ص405. نهایة العقول فخر رازی: ص 104. شرح المواقف: ص 371. شرح نهج البلاغة: ج19 ص61.

### 2. وفات اباصلت هروی

در این روز در سال 207 ه ثقه جلیل اباصلت عبدالسّلام بن صالح هروی که اهل هرات بود پس از آزادی از زندان مأمون از دنیا رفت.

اباصلت از اصحاب امام رضا عليه‌السلام و از خواص شیعیان بود، و کتاب «وفاه الرضا عليه‌السلام» تألیف او است. در ایران دو قبر منسوب به آن بزرگوار است: یکی در بیرون شهر مشهد، و دیگری در دروازه ری قم (2)، که قبر منسوب به او در قم طبق تحقیق اعتبار بیشتری دارد. بنا بر قولی دیگر وفات او در 24 شوال سال 236هـ است. (3)

20 شوال

### 1. دستگیری امام کاظم عليه‌السلام

در این روز هارون ملعون به مسجد النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به ظاهر برای زیارت و در حقیقت برای دستگیر نمودن حضرت موسی بن جعفر عليه‌السلام آمد و آن حضرت را از مدینه با خود به حج برد، سپس به سمت بصره حرکت کرد و آن وجود مبارک را نزد عیسی بن جعفر زندانی کرد و بعد از یک سال آن بزرگوار را به بغداد نزد سندی بن شاهک فرستاد. (4)

25 شوال

### 1. شهادت امام صادق عليه‌السلام

امام صادق عليه‌السلام در سال 148 هـ در چنین روزی وفات یافت. (5) در شهادت حضرت،

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص224. کرامات رضویه عليه‌السلام: ص75.

2. مراقد المعارف: ج1 ص108 - 107.

3. تاریخ بغداد: ج11 ص52. تهذیب الکمال: ج18 ص81.

4. کافی: ج 1، ص 476. بحار الانوار: ج 48، ص 206. تاریخ قم: 199. وقائع الشهور: ص 203.

5. قلائد النحور: ج شوال، ص 139. جنات الخلود: ص 29. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 66.

نیمه رجب (1) و نیمه شوال (2) و 25 رجب (3) را هم گفته اند. اکثر قریب به اتفاق شهادت آن حضرت را در ماه شوال می دانند. (4)

شهادت آن حضرت به سبب انگور زهر آلودی بود که منصور به آن حضرت خورانید. مدت امامت آن حضرت 34 سال و عمر شریفشان 65 سال بود.

دوران امامت آن حضرت همزمان با هفت نفر از زمامداران غاصب بود که عبارتند از: هشام بن عبد الملک، ولید بن یزید بن عبد الملک، یزید بن ولید، ابراهیم بن ولید و مروان حمار از بنی امیّه و سفّاح و منصور دوانیقی از بنی عباس.

فرزندان آن حضرت هفت پسر و سه دخترند: حضرت موسی بن جعفر عليه‌السلام، اسماعیل، عبداللَّه، محمّد دیباج، اسحاق، علی عریضی (علی بن جعفر مدفون در قم)، عباس، امّ فروه، اسماء، فاطمة. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. تاج الموالید: ص44. اعلام الوری: ج1 ص514. روضة الواعظین: ص 212. بحارالانوار: ج47 ص1، ج97 ص210، ج99 ص25.

2. شرح احقاق الحق: ج 28، ص 507. مستدرک سفینة الحبار: ح6 ص66. بحار الانوار: ج97 ص210، ج99 ص25.

3. جنات الخلود: ص 29.

4. کافی: ج1 ص472. ارشاد: ج2 ص180. تهذیب الاحکام: ج6 ص78. تاج الموالید: ص 44. ینابیع المودة: ج3 ص160.

5. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 4، ص 280. بحار الانوار: ج 47 ص241.

11 ذی القعده الحرام

ماه ذی القعده از یک سو با چند ولادت یاد آور سرور است، و از سوی دیگر با وقوع چند شهادت و اتفاق دیگر یادآور ایام حزن است. روزهای 1، 9، 11، 23، 26، 30 در بردارنده روزهای مهم این ماه است.

ولادت امام رضا عليه‌السلام، ولادت حضرت معصومه عليها‌السلام اخبار خوش این ماه اند که با ضمیمه مرگ اشعث بن قیس این سرور دو چندان می شود.

شهادت امام رضا و امام جواد عليهما‌السلام روزهای اندوه در این ماه است.

جنگ بدر صغری، جنگ بنی قریظه، صلح حدیبیه، حرکت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم برای حجه الوداع صفحات مهمی از تاریخ اسلام است.

1 ذو القعده

### 1. ولادت حضرت معصومه عليها‌السلام

در این روز در سال 173 هـ دخت گرامی موسی بن جعفر عليه‌السلام، حضرت فاطمه معصومه عليها‌السلام به دنیا آمده است. (1)

پدر بزرگوار آن حضرت امام موسی بن جعفر عليه‌السلام، و مادر مکرمه آن حضرت جناب نجمه عليها‌السلام مادر امام رضا عليه‌السلام است. نام مبارکش فاطمه، لقب آن حضرت معصومه و در خانواده امام هفتم عليها‌السلام حضرت معصومعه عليها‌السلام را «فاطمه کبری» می خواندند. (2)

شیخ صدوق از سعد بن سعد روایت کرده است که از امام رضا عليه‌السلام درباره فاطمه دختر موسی بن جعفر عليهما‌السلام سؤال نمودم. امام رضا عليه‌السلام فرمودند: «هر کس او را زیارت کند بهشت برای اوست». (3) در روایتی دیگر امام رضا عليه‌السلام می فرمایند: «هر کس معصومه را در قم زیارت کند مانند کسی است که من را زیارت کرده است». (4) در روایت دیگری فرمودند: «هر کس او را در حالی که شناخت به حقش دارد زیارت کند بهشت بر او واجب می شود». (5) در روایت دیگر امام جواد عليه‌السلام می فرمایند: «هر کس عمه ام را در قم

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. (زندگانی حضرت معصومه عليها‌السلام و تاریخ قم: ص 34. مستدرک سفینة البحار: ج8 ص261. فاطمة بنت الامام موسی الکاظم عليه‌السلام: ص 14. وقائع الشهور: ص 212 به نقل از تقویم حاج اسماعیل نجم الممالک. تقویم الائمة عليهم‌السلام: ص79. وسیلة المعصومیة: ص 65. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج8 ص594. صد و یک منبر (چاپ سنگی): ص 177.

2. حیاة الست عليها‌السلام: ص11. بحار الانوار: ج 48 ص288، 303.

3. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج1 ص299. کامل الزیارات: ص 536. بحار الانوار: ج48 ص316، ج57 ص228، ج99 ص26. ینابیع المودة: ج3 ص165.

4. ناسخ التواریخ: ج3 ص68. الفاطمة المعصومة عليها‌السلام: ص 64. ریاحین الشریعة: ج5 ص35.

5. بحار الانوار: ج48 ص317، ج99 ص266. مستدرک الوسائل: ح10 ص368. صحیفة الرضا عليه‌السلام: ص 236.

زیارت کند بهشت برای اوست». (1)

### 2. جنگ بدر صغری

در این روز در سال 4 هـ جنگ بدر صغری واقع شد، و به آن «بدر الموعد» و «بدر الثالثة» هم می گویند. (2)

### 3. مرگ اشعث بن قیس

در شب اول ذی القعده سال 40 هـ اشعث بن قیس کندی به درکات جحیم شتافت. (3)

امام صادق عليه‌السلام می فرمایند: «اشعث بن قیس در قتل امیرالمؤمنین عليه‌السلام شریک بود، و دخترش جعده امام مجتبی عليه‌السلام را مسموم کرد، و محمّد پسرش در قتل امام حسین عليه‌السلام شریک بود». (4)

اشعث در سال دهم هجرت با جمعی از قبیله خود اسلام آورد، و بعد از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مرتد شد. ابوبکر او را دستگیر کرد و خواهر کورش را به شرط همسری به او داد. از این زن جعده و محمّد به دنیا آمدند، که جعده قاتل امام حسن عليه‌السلام و محمّد جزء لشکر عمر سعد در کربلا شد، و در دستگیری جناب مسلم بن عقیل عليه‌السلام نیز نقش بسزایی داشت. (5)

محمد بن اشعث در روز عاشورا به سبب جسارتی که به حضرت امام حسین عليه‌السلام کرد هنگامی که برای قضای حاجت به کناری رفته بود، عقرب او را نیش زد و در

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کامل الزیارت: ص 536. وسائل الشیعة: ج14 ص576. بحار الانوار: ج48 ص316، ج99 ص265. موسوعة الامام الجواد عليه‌السلام: ج2 ص12.

2. ناسخ التواریخ: جلد هجرت، ص 197. بحار الانوار: ج 20، ص 182. الصحیح من السیرة: ج8 ص364. طبقات الکبری: ج2 ص60.

3. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج 1، ص 688. تاریخ دمشق: ج9 ص144. اسد الغابة: ج1 ص98. الاصابة: ج1 ص240. تهذیب الکمال: ج3 ص294.

4. کافی: ج8 ص167. بحار الانوار: ج 42 ص228، ج44 ص142، ج45 ص96.

5. ریاحین الشریعة: ج 3، ص 59. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج 1، ص 688.

حالی که عورتش پیدا بود به آتش جهنم وارد شد. (1)

11 ذو القعده

### 1. ولادت امام رضا عليه‌السلام

در روز پنجشنبه سال 148 هـ امام رضا عليه‌السلام در مدینه طیبه به دنیا آمد. (2) در ولادت آن حضرت 11 ذی الحجه (3) و 11 ربیع الاول نیز ذکر شده است. (4)

پدر آن حضرت موسی بن جعفر عليه‌السلام، و مادرشان امّ البنین نجمه عليها‌السلام (5) است. نام مبارکشان علی است، و کنیه آن حضرت ابوالحسن است، و کنیه خاصشان ابوعلی است.

القاب حضرت سراج اللَّه، نور الهدی، قره عین المؤمنین، مکیده الملحدین، کفو الملک، کافی الخلق، رب السریر، رئاب التدبیر (به معنای مصلح)، فاضل، صابر، وفیّ، صدیق، رضیّ. (6)

هنگامی که آن حضرت به دنیا آمد پدرشان حضرت موسی بن جعفر عليه‌السلام دستور دادند فرزندشان را بیاورند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. امالی صدوق: ص221. بحار الانوار: ج 44، ص 317. مدینة المعاجز: ج3 ص475. العوالم: ج الامام الحسین عليه‌السلام: ص166.

2. اعلام الوری: ج 20، ص 40. تاج الموالید: ص48. جلاء العیون: ص 544. فیض العلام: ص 90. بحار الانوار: ج 49، ص 3، 9، 10، ج99 ص43. روضة الواعظین: ص236. انوار البهیة: ص209.

3. کشف الغمة: ج2 ص297. بحار الانوار: ج49 ص2. فیض العلام: ص 119.

4. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج2 ص28. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص397. فیض العلام: ص212. بحار الانوار: ج49 ص10، 304. کشف الغمة: ج2 ص297.

5. اعلام الوری: ج 2، ص 40. بحار الانوار: ج 49، ص 10-6. ارشاد: ج 2، ص 246.

6. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج4 ص397. بحار الانوار: ج 49، ص 10.

آن حضرت را در پارچه سفیدی پیچیده و به خدمت پدر بردند. آن حضرت در گوش راست حضرت رضا عليه‌السلام اذان و در گوش چپ آن حضرت اقامه فرمود، و آب فرات به کام مبارک آن حضرت ریخت و سپس او را به مادر مکرمه اش نجمه عليها‌السلام برگردانیدند. (1)

12 ذوالقعده

### 1. نامه حضرت مسلم به امام حسین عليه‌السلام

در این روز از سال 60 هجری حضرت مسلم عليه‌السلام 27 روز قبل از شهادتش نامه ای برای امام حسین عليه‌السلام نوشت و به آن حضرت خبر داد که اهل کوفه بر طاعت شما اجتماع نموده اند و منتظر آمدن شما هستند و در قسمتی از نامه چنین نوشتند: «18000 نفر با او بیعت کرده اند. هنگامی که نامه من به شما رسید در آمدن تعجیل کنید، و السلام علیک و رحمة الله و برکاته».

جناب مسلم عليه‌السلام به همراه نامه، نامه ای از اهل کوفه هم فرستادند که در قسمتی از آن چنین نوشته بودند: «یابن رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در آمدن عجله کنید که در کوفه صد هزار شمشیر دارید. پس تاخیر نفرمایید». (2)

23 ذو القعده

### 1. شهادت امام رضا عليه‌السلام

بنابر قولی در این روز در سال 203 هـ حضرت رضا عليه‌السلام به شهادت رسیدند. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج2 ص30. بحار الانوار: ج49 ص9.

2. نفس المهموم: ص 84. مقتل الحسین عليه‌السلام: ص72. ارشاد: ج2 ص71. بحار النوار: ج44 ص370. الشهدید مسلم بن عقیل عليه‌السلام: ص87. وقایع المشهور: ص 213.

3. مسار الشیعه: ص 16. العدد القویه: ص 275. بحار الانوار: ج49 ص293، ج95 ص198. فیض العلام: ص 97. تقویم المحسنین: ص13.

سید بن طاووس عليه‌السلام در این باره می نویسد: در بعضی از مصنفات اصحاب عجم رضوان الله علیهم دیدم که مستحب است زیارت نمودن مولایمان امام رضا عليه‌السلام در روز 23 ذی القعده - از دور یا نزدیک - به زیارات معروفه یا به چیزی مانند زیارت. (1)

### 2. جنگ بنی قریظه

در این روز در سال 4 هجری غزوه بنی قریظه به وقوع پیوست. مسلمانان 3000 نفر بودند و یک نفر به نام خلاّد بن سوید شهید شد. کفار 900 نفر بودند که همه آنها کشته شدند. (2) بنابر قولی این جنگ در شوال به وقوع پیوسته است. (3)

25 ذو القعده

### 1. حرکت امام رضا عليه‌السلام از مدینه به سوی مرو

در این روز در سال 200 هجری حضرت رضا عليه‌السلام از مدینه به سوی مرو حرکت کردند. (4)

مامون رجاء بن ابی صحّاک را برای آوردن حضرت عليه‌السلام مأمور کرد و به او دستور داد که حضرت را از راه اهواز بیاورد و از طریق کوفه و قم عبود ندهد.

هنگامی که خواستند حضرت را به طرف خراسان حرکت دهند داخل مسجد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شد تا با آن حضرت وداع کند و این کار را چند مرتبه انجام داد و هر بار کنار قبر شریف می رفتند و بر می گشتند صدای مبارک به گریه و ناله بلند بود. جلو رفتم

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. اقبال: ج2 ص23. بحار الانوار: ج 99 ص43.

الموسوعة الکبری فی غزوات النبی الاعظم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص192. التنبیه و الاشراف: ص 217. طبقات الکبری: ج2 ص74.

3. بحارالانوار: ج19 ص170. البدایة و النهایة: ح3 ص296.

4. مستدرک سفینه البحار: ج 8، ص 556. وقائع الشهور: ص 217.

و سلام عرض کردم. حضرت عليه‌السلام فرمود: فلانی! مرا زیارت کن چه اینکه من از جوار جدم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به طرف خراسان می روم و در غربت می میرم و در جنب هارون دفن می شوم.

من هم به طرف طوس حرکت کردم تا اینکه حضرت به شهادت رسیدند و در جنب هارون دفن شدند. (1)

حضرت رضا عليه‌السلام می فرمایند: هنگامی که خواستم از مدینه خارج شوم خانواده ام را جمع کردم و آنها را امر کردم که بر من گریه کنند به گونه ای که صدای آنان را بشنوم.

بعد 12000 دینار بین آنان تقسیم کردم و گفتم: همانا من نزد زن و فرزندم باز نخواهم گشت. (2)

### 2. روز دحوالارض

یعنی روز پهن شدن زمین از خانه کعبه بر روی آب. شب و روز آن مبارک و با ارزش است که رحمت خدا در آن نازل می شود و قیام به عبادت در شب و روز آن اجرا بسیار دارد. (3)

حسن بن علی وشّاء می گوید: من کودک بودم که با پدرم در خدمت حضرت رضا عليه‌السلام در شب 25 ماه ذی قعده شام خوردیم. امام عليه‌السلام فرمود: امشب حضرت ابراهیم و حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیهما السلام متولد شده اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است، و ثواب های زیادی برای روزه آن ذکر فرمودند. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج2 ص217. بحار الانوار: ج49 ص117.

2. عیون اخبرا الرضا عليه‌السلام: ج1 ص235. دلائل الامامة: ص349. مدینة المعاجز: ج7 ص82، 179. بحار الانوار: ج49 ص52، 117.

3. مصباح المتهجد: ص611. توضیح المقاصد: ص28. وسائل الشیعة: ج10 ص449. اقبال ج2 ص30-22. مفاتیح الجنان.

4. من لا یحضره الفقیه: ج2 ص89. ثواب الاعمال: ص79. بحار الانوار: ج94 ص122.

26 ذو القعده

### 1. حرکت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از مدینه برای حجه الوداع

در این روز در سال 10 هـ پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم با اصحاب از مدینه برای حجة الوداع و غدیر حرکت کردند. (1)

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم با غسل از مدینه خارج شدند در حالی که از روغنی مخصوص برای مو و صورت استفاده نموده بودند و دو لباس مخصوص احرام را همراه برداشتند. خروج آن حضرت در روز شنبه چهار یا پنج روز مانده به آخر ذی قعده بود.

همسران پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و زنان وابسته همراه آن حضرت در هودج ها بودند. مخصوصاً حضرت صدیقه طاهره عليهما‌السلام و اسماء و ام سلمه و نیز عایشه و حفصه حضور داشتند. اهل بیت آن حضرت و نیز مهاجر و انصار و مردم دیگر نیز ایشان را همراهی می کردند. (2)

با اینکه قبل از خروج پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از مدینه عده زیادی از مردم مدینه مبتلا به بیماری شده بودند و نتوانستند با آن حضرت به مراسم حج بروند، ولی با این حال تعداد همراهان پیامبر تنها از مدینه را تا 124 هزار نفر هم نقل کرده اند. با حساب تعداد کسانی که در مکه مقیم بودند یا از اطراف و اکناف در مراسم حج آن سال شرکت کرده بودند تعداد حاجیان بیش از این مقدار می شود، مانند کسانی که با امیرالمؤمنین از یمن آمدند و همچنین با ابوموسی و غیر ایشان در بازشگت از سفر به کاروان بزرگ حج ملحق شدند. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج 4، ص 248. الغدیر: ج1 ص9. تفسیر عیاشی: ج1 ص89. بحار الانوار: ج21 ص390، 395، چ96 ص88. السرائر: ج3 ص522. وسائل الشیعة: ج13 ص199. علل الشرائع: ج2 ص412. وقائه الشهور: ص218. قلائد النحور: ذی القعده، ص272.

2. طبقات الکبری: ج2 ص173. امتاع الاسماع (مقریزی): ص510. ارشاد الساری: ج9 ص426.

3. الغدیر: ج1 ص9، به نقل از السیرة الحلبیه: ج3 ص257. سیرة احمد زینی دحلان: ج32 ص143. تاریخ الخلفاء ابن جوزی ج4. تذکرة خواص الامّة: ص37. دائرة المعارف فرید و جدی: ج3 ص542.

### آغاز بیان ولایت در مراسم حج

در عرفات دستور الهی رسید که علم و ودائع انبیاء عليهم‌السلام را به امیرالمؤمنین عليه‌السلام تحویل دهند و امر ولایت او را به مردم تبلیغ نمایند.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بسیار گریست به طوری که محاسن مبارک از اشک تر شد، و حضرت خواستند خداوند ایشان را از شر منافقین محافظت فرماید. (1)

در مِنا دو بار خطبه ایراد فرمودند که اشاره کلی به ولایت امیرالمؤمنین داشتند. در مسجد خیف بار دیگر جبرئیل نازل شد که خداوند می فرماید: «ولایت علی عليه‌السلام را به مردم برسان»، ولی وعده محافظت از شرّ دشمنان را بری آن حضرت نیاورد.

به «کُراع الغُمَیم» در نزدیکی جحفه که رسیدند باز جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: (فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ). (2) «شاید تو ترک کننده باشی بعضی از اموری را که به تو وحی می شود، و سینه تو به خاطر آن گرفته باشد».

این بار هم در امر ولایت تاکید نمود، ولی آیه ای دالّ بر محافظت آن حضرت از شرّ دشمنان نیاورد.

### سفر ولایت

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مطالبی دالّ بر شرّ منافقین نسبت به امیرالمؤمنین به جبرئیل فرمود و بعد از آن کوچ نمودند. به غدیر خم که رسیدند اوایل روز بود. جبرئیل نازل شد و آیه 71 سوره مائده را آورد که شامل تاکید بر ابلاغ امر ولایت و در امان بودن حضرت از شرّ منافقین بود: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) (3): «ای پیامبر، تبلیغ کن به مردم آن امری را که درباره علی عليه‌السلام از جانب خدا بر تو فرستاده شد، و اگر این کار را انجام

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج37 ص127.

2. سوره هود: آیه 12.

3. سوره مائده: آیه 67.

ندهی رسالت الهی را تبلیغ نکرده ای، و خدا تو را از مردم حفظ می نماید؛ خداوند کافران را هدایت نم کردند».

آخر ذو القعده

### 1 - شهادت امام جواد عليه‌السلام

در این روز در سال 220 هـ امام جواد عليه‌السلام به زهر معتصم به شهادت رسیدند، و هنگام شهادت از سن مبارکشان 25 سال و سه ماه و 12 روز گذشته بود. (1) در شهادت آن حضرت 5 ذی القعده (2)، 11 ذی القعده (3)، 5 ذی الحجه سال 219 هـ (4)، 6 ذی الحجه (5)، آخر ذی الحجه هم گفته شده است. (6)

بعد از شهادت حضرت رضا عليه‌السلام، مأمون جواد الائمه عليه‌السلام را به بغداد طلبید و دخترش امّ الفضل را به آن حضرت تزویج نمود. پس از مدتی که آن حضرت از سوء معاشرت مأمون بسیار ناراحت بودند برای حج به مکه تشریف بردند. سپس به مدینه رفاتند و در آنجا بودند تا مأمون به درک واصل شد و معتصم برادر او خلیفه شد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج1 ص492. تهذیب الاحکام: ج6 ص90. ارشاد: ج 2، ص 295. اعلام الوری: ج 2، ص 106. توضیح المقاصد: ص 29. کشف الغمة: ج 2، ص 370. روضة الواعظین: ص243. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج4 ص411. تاریخ قم: ص200. بحارالانوار: ج50 ص1، 2، 7، 13، 15. قلائد النحور: ج ذی القعده، ص 279. تتمة المنتهی: ص300. فیض العلام: ص 103. ینابیع المودة: ج3 ص127.

2. شرح احقاق الحق: ج 12، ص 416.

3. بحار الانوار: ج50 ص15. الدروس الشرعیة: ج2 ص15.

4. بحار الانوار: ج 50، ص 11، 12. تاریخ قم: ص200. کشف الغمة: ج2 ص345. تتمة المنتهی: ص 300. شرح احقاق الحق: ج33 ص873.

5. کافی: ج1 ص497. تاریخ الائمة: ص13. روضة الواعظین: ص243. بحار الانوار: ج50 ص7، 12، 17. شرح احقاق الحق: ج12 ص416-414.

6. کشف الغمة: ج2 ص345. بحار الانوار: ج50 ص11.

معتصم حسادت خاصی نسبت به آن حضرت داشت، و آن امام معصوم عليه‌السلام را به همراه امّ الفضل به بغداد احضار کرد. آن حضرت در حضور اکابر شیعه و ثقات اصحاب خود در مدینه امام هادی عليه‌السلام را امام بعد از خود معرفی کردند و ودایع امامت را تسلیم ایشان نمودند و در 28 محرم سال 220 ه وارد بغداد شدند. (1) ام الفضل به تحریک عمویش معتصم و به قولی جعفر بن مأمون، امام عليه‌السلام را در سن 25 سالگی مسموم کرد. (2)

فرزندان امام جواد عليه‌السلام این بزرگوار هستند: امام هادی عليه‌السلام، موسی مبرقع، ام کلثوم (3)، حکیمه، خدیجه (4)، اَمامه، فاطمه (5)، ابو احمد حسین، ابوموسی عمران، زینب، ام محمد، میمونه. (6)

تتمه ذو القعده

### 1. صلح حدیبیه

در سال ششم هجرت در ماه ذی القعده پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم برای اعمال عمره قصد مکه فرمودند. (7) تعداد مسلمانان همراه با آن حضرت 1220 یا 400 نفر بودند، و برای قربانی 70 شتر به همراه خود بردند.

آنان از مسجد شجره احرام بستند، و در یک منزلی مکه در محلی به نام حدیبیه بر سر چاهی توقف نمودند. آب چاه به اندک زمانی تمام شد و چون به آن حضرت خبر دادند، به معجزه نبوّت آب چاه آن قدر زیاد شد که مثل چشمه می جوشید.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ارشاد: ج2 ص295. بحار الانوار: ج50 ص8.

2. خلاصه ای از قلائد النحور: ج ذی القعده، ص 279.

3. تاریخ الائمة عليهم‌السلام ص21.

4. تاریخ سامراء: ج3 ص302. تاج الموالید: ص54.

5. ارشاد: ج2 ص295. بحار الانوار: ج50 ص8، 13.

6. منتهی الآمال: ج2 ص350، از «تحفة الازهار فی نسب ابناء الائمة الاطهار عليهم‌السلام» و «تاریخ قم».

7. کافی: ج4 ص252، ج8 ص322. بحار الانوار: ج20 ص324. البدایة و النهایة: ج4 ص188. استعیاب: ج4 ص1917. التنبیه و الاشراف: ص221.

کفار از حرکت با خبر گشته مانع ورود حضرت به مکه شدند. آن حضرت بیعتی دیگر به نام «بیعة رضوان» از اصحاب گرفتند. قرار شد آن حضرت سال بعد حج و عمره را قضا کنند و قراردادی بین مسلمین و کفار منعقد شد، که طبق شروطی تا ده سال جنگ بین آنان نباشد. گروهی از صحابه از این صلح دلتنگ شدند، و عمر بن خطاب گفت: «در نبوّت محمّد شک نکردم مانند روز حدیبیه» (1)، به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم می گفت: ما چگونه به این خواری گردن نهیم و به این مصاله رضایت دهیم!!

حضرت فرمودند: من پیامبر خدایم و کاری جز به حکم خداوند نمی کنم. عمر گفت: تو به ما گفتی به زیارت کعبه می رویم و عمره انجام می دهیم، پس چه شد؟ پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: آیا گفتم امسال این کار انجام می شود؟ عمر گفت: نه! فرمود: پس چرا مجادله می کنی... ؟!!

در بازگشت از حدیبیه سوره فتح بر آن حضرت نازل شد. (2)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. التعجب (کراجکی): ص 60 (141). مؤتمذ علماء بغداد: ص133. مواقف الشیعة:ج3 ص108. المسترشد: ص541-539. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج3 ص93. مناقب اهل البیت عليهم‌السلام: ص337. دعوة الی سبیل المؤمنین: ص106. فلک النجاة: ص145. نیل الاوطار: ج8 ص200. فتح الباری: ج55 ص254. عمر بن خطاب: ص70. المغازی (واقدی): ج2 ص607-606.

2. بحار الانوار: ج 20، ص 317، 316، 335، ج 18، ص 37، ج 86، ص 111. النص والاجتهاد: ص181. منتهی الآمال: ج 1، ص 76. الدر المنثور: ج6 ص68، 74.

12 ذوالحجة الحرام

ماه ذی الحجه بسیار پر حادثه و پر خاطره است. روزهای ماندگاری از شیرین ترین روزهای تاریخ اهل بیت عليهم‌السلام، در کنار وقایعی جانسوز در این ماه جمع شده است.

روزهای 1، 5، 6، ،7 8، 9، 10، 11، 13، 14، 15، 18، 22، 24، 25، 27، و روز آخر این ماه حامل این اتفاقات هستند که آنها را مرور می کنیم.

عید غدیر، ولادت امام هادی عليه‌السلام، عید قربان، خلافت ظاهری امیرالمؤمنین عليه‌السلام، روز مباهله، روز خاتم بخشی امیرالمؤمنین عليه‌السلام، نزول سوره هل اتی ایام سرور شیعیان در این ماه است.

شهادت امام باقر عليه‌السلام، بردن امام کاظم عليه‌السلام به زندان بصره، شهادت حضرت مسلم و هانی در کوفه، شهادت عبداللَّه محض و جمعی از آل حسن عليه‌السلام، شهادت میثم تمّار، وفات علی بن جعفر عليه‌السلام روزهای حزن آل محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در این ماه به شمار می آید.

مرگ پدر ابوبکر، مرگ هند مادر معاویه، قتل عمر، قتل عثمان، انقراض دولت هزار ماهه بنی امیّه، مرگ منصور دوانیقی روزهائی است که برائت از دشمنان اهل بیت عليهم‌السلام را در دلها تجدید می کند.

روز عرفه، شق القمر، ازدواج امیرالمؤمنین و حضرت زهرا عليهما‌السلام، جنگ سویق، نامه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به پادشاهان بزرگ، بیعت عقبه، بخشیدن فدک به

حضرت زهرا عليها‌السلام، عزل ابوبکر از تبلیغ سوره برائت، روز سد ابواب به مسجد پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، افشاء سر ولایت توسّط عایشه، توطئه ترور امام حسین عليه‌السلام، دعوت عمومی حضرت مسلم عليه‌السلام در کوفه حرکت امام حسین عليه‌السلام از مکه به عراق، روز نوشتن دعای صباح، اولین نماز جمعه امیرالمؤمنین عليه‌السلام، آغاز نامه ها برای جنگ صفین، واقعه حرّه، خروج ابراهیم بن مالک اشتر برای جنگ با ابن زیاد، هر یک فرازهای مهم و بیاد ماندنی از تاریخ اسلام است.

1 ذی الحجه

### 1. عزل ابوبکر از تبلیغ سوره برائت (1)

در این روز در سال نهم هجرت، ابوبکر از تبلیغ سوره برائت عزل شد. سپس پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم امیرالمؤمنین عليه‌السلام را روانه فرمود که آیات برائت را از ابوبکر بگیرد و خود بر اهل مکه قرائت فرماید. (2)

آغاز ماجرا این بود که در سال 9 هـ پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ابوبکر را به مکه فرستاد تا آیات اوائل سوره برائت را بر کفار بخواند. پس از رفتن او جبرئیل نازل شد: «یا رسول اللَّه، ادای این امر باید به دست شما یا به دست مردی که از شماست انجام شود». به روایت دیگر: «باید علی عليه‌السلام از جانب تو تبلیغ کند». (3)

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم امیرالمؤمنین عليه‌السلام را که به منزله جانش بود معین کردند و فرمودند: شتاب کن و آیات را از ابوبکر بگیر و در موسم حج بر مردمان قرائت کن.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج2 ص144. بحارالانوار: ج21 ص276 - 264، ج30 ص427 - 411، ج 35 ص313 - 284. الغدیر: ج6 ص350-338. غایة المرام: ج5 ص51-39. شرح احقاق الحق: ج3 ص440-427، ج7 ص426-419، ج22 ص436-409، ج31 ص44-35. مناقب امیرالمؤمنین عليه‌السلام: ج1 ص346، 484، 499، 474 - 471، ج2 ص23، 446. نهج الایمان: ص 251-246. مسند احمد: ج1 ص151، ج3 ص212، 283. سنن ترمذی: ج4 ص339. مستدرک حاکم: ج3 ص51. انساب الاشراف: ص 107، 155. مجمع الزوائد: ج7 ص29، ج8 ص239، 241. فتح الباری: ج8 ص242 - 239. مسند ابی یعلی: ج5 ص413. خصائص امیرالمؤمنین عليه‌السلام (نسائی): ص 91. تاریخ طبری: ج2 ص383. تاریخ دمشق: ج42 ص117، 349-347. شواهد التنزیل: جج1 ص318-305. کنز العمال: ج2 ص432- 417. الدر المنثور: ج3 ص209. المعجم الکبیر: ج11 ص315. الاحادیث المختارة: ج6 ص171. مسند الشاشی: ج1 ص126. المصنف (ابن ابی شیبة): ج7 ص506.

2. مصباح المجتهد: ص 613. توضیح المقاصد: ص 29. مصباح کفعمی: ج 2، ص 60. بحار الانوار: ج 35 ص286، ج 97، ص 384. شرح احقاق الحق، ج 7ص 422. اقبال: ج2 ص36. اختیارات: ص39. فیض العلام: ص 106 - 107. منتخب التواریخ: ص 61. مستدرک سفینة البحار: ج1 ص315.

3. بحار الانوار: ج21 ص273، 274، ج35 ص295، ج95 ص190.دعائم الاسلام: ج1 ص340. تفسیر عیاشی: ج2 ص73. غایة المرام: ج5 ص48.

### فرستادن امیر المؤمنین عليه‌السلام و بازگشت ابوبکر

آن حضرت ناقه عضباء (غضباء) را به امیرالمؤمنین عليه‌السلام داد و آن حضرت همراه جابر بن عبداللَّه حرکت فرمود، و در روز دوم به ابی بکر رسید و آیات برائت را از وی گرفت و اختیار آمدن یا برگشتن را به خود او واگذار کرد.

ابوبکر به مدینه بازگشت و به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم عرض کرد: «مرا برای کاری لایق دانستی که دیگران مشتاق آن بودند، ولی مقداری که رفتم مرا معزول نمودی؟» حضرت فرمود: «من تو را معزول نساختم بلکه خدا تو را معزول ساخت».

### تبلیغ سوره برائت توسّط امیر المؤمنین عليه‌السلام

امیرالمؤمنین عليه‌السلام آیات را در سه روز در ایام تشریق منی که مجمع کفار و مشرکین بود و از بغض و عداوت علی عليه‌السلام آکنده بودند، هر صبح و شام همراه با فرمایشات پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بر مردم قرائت می نمود و سپس به مدینه مراجعن فرمود.

از هنگامی که علی عليه‌السلام به مکه رفته بود، از فراق او آثار حزن بر صورت مبارک پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ظاهر گشته بود. صحابه با خود می گفتند: شاید خبر فوت آن حضرت از آسمان رسیده، یا از ما دلتنگ شده باشد.

ابوذر رحمه‌الله نزد پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دارای مقام و منزلتی بود و لذا او را نزد آن حضرت فرستادند. ابوذر کلمات اصحاب را عرضه داشت، و آن حضرت فرمود: «حزن و اندوه من برای مفارقت علی عليه‌السلام است».

### بازگشت امیر المؤمنین عليه‌السلام از تبلیغ برائت

ابوذر برای اطلاع از حال علی عليه‌السلام از مدینه به استقبال آن حضرت حرکت کرد، و در اثنای راه به امیرالمؤمنین رسید و با آن حضرت دیدن کرد و عرض کرد: پدر و مادرم فدای شما باد، آهسته تشریف بیاورید تا من پیشتر بروم و بشارت آمدن شما را به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بدهم.

ابوذر به سرعت خود را به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم رسانید و آمدن علی عليه‌السلام را به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بشارت داد. آن حضرت با اصحاب به استقبال علی عليه‌السلام آمدند و چون به آن جناب رسیدند، پیاده شده آن حضرت را در آغوش گرفتند و صورت مبارک خود را بر شانه علی عليه‌السلام گذاشتند و از شوق دیدار گریستند و امیرالمؤمنین عليه‌السلام نیز گریستند. پس پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به علی عليه‌السلام فرمود: «پدر و مادرم به قربانت، در مکه چه کردی»؟ امیرالمؤمنین عليه‌السلام از آنچه انجام داده بود به آن حضرت خبر داد. (1)

مجلسی رحمه‌الله از تاریخ طبری نقل می فرماید: هنگامی که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در سال ششم هجرت نظر مبارکش بر این قرار گرفت که به طرف مکه برای ادای عمره حرکت کند، عمر را طلبید و به او فرمود: به مکه برو و اشراف قریش را از حال ما با خبر کن. عمر گفت: من بر جانم از اشراف قریش می ترسم! (2)

### 2. آغاز نامه ها برای جنگ صفین

چون دو روز از ورود امیرالمؤمنین عليه‌السلام به صفین گذشت، در اول ذی حجه حضرت برای معاویه نامه نوشتند و او را موعظه فرمودند، ولی آخرالامر قرار بر این شد که روز اول صفر بعد از ماه حرام جنگ شروع شود و روز لول صفر جنگ شروع شد. (3) به نقلی ورود آن حضرت در 22 محرم بوده است. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. فیض العلام: ص 107.

2. بحار الانوار: ج35 ص287. اقبال: ج2 ص38. عین العبرة: ص 24. الصحیح من السیرة: ج3 ص185. مسند احمد: ج4 ص324. تاریخ طبری: ج2 ص278. سیرة النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم (ابن هشام): ج3 ص780. البدایة و النهایة: ج4 ص191. تفسیر ثعالبی: ج5 ص254. عمر بن الخطاب: ص 161.

3. توضیح المقاصد: ص 5. بحار الانوار: ج32 ص 458. تتمة المنتهی: ص 24. وقغة صفین: ص214. شرح نهج البلاغة: ج4 ص29. فتح الباری: ج13 ص75.

4. بحار الانوار: ج32 ص434. سفینة البحار: ج3 ص93. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 303. شرح نهج البلاغة: ج3 ص215.

5 ذی الحجه

### 1. جنگ سویق

در این ماه در سال 2 هـ غزوه سویق به وقوع پیوست. ابوسفیان بعد از واقعه بدر نذر کرد که با زنی نزدیکی نکند و روغن به خود نمالد تا انتقام خویش را از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بگیرد. به این منظور همراه دویست نفر به عریض از نواحی مدینه رفتند و دو خانه و چندین نخل را آتش زدند و دو نفر از بزرگان انصار را در آنجا کشتند تا او به نذر خود عمل کرده باشد.

چون خبر به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم رسید ابولبابه را در مدینه گذاشته همراه با دویست نفر از مهاجرین و انصار و در رأس آنها امیرالمؤمنین عليه‌السلام به سوی عریض حرکت کردند. ابوسفیان چون با خبر شد که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم با عجله به آنجا می آید، به لشکر خود دستور داد تا انبانهای سویق را که برای آذوقه با خود آورده بودند ریخته و سبکبار فرار کنند. مسلمانان وقتی رسیدند آنان گریخته بودند. لذا انبانهای سویق را برداشته مراجعت نمودند. به همین دلیل این غزوه را «ذات السویق» گویند. (1) قول دیگر در این باره 24 ذی القعده (2) و 23 ذی الحجه (3) است.

6 ذی الحجه

### 1. ازدواج امیر المؤمنین و حضرت زهرا عليهما‌السلام

در این روز در سال 2 هـ، آقا و سرور ما خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، امیرالمؤمنین عليه‌السلام را به سیّده

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص 206. الصحیح من السیرة: ج6 ص9. بحار الانوار: ج 20، ص 2 - 3. منتهی الآمال: ج1 ص58. موسوعة التاریخ الاسلامی: ج2 ص220. اعلام الوری: ج1 ص172. نور الابصار (شبلنجی): ج 1، ص 82. طبقات الکبری: ج2 ص30. سبل الهدی و الرشاد: ج4 ص174.

2. مستدرک سفینة البحار: ج8 ص556.

3. تاریخ طبری: ج2 ص175.

نساء عالمیان فاطمه زهرا بتول عذراء عليها‌السلام تزویج فرمود. (1) این ماجرا بعد از رجوع از جنگ بدر در روز سه شنبه 6 ذی الحجه واقع شده است. (2)

امام صادق عليه‌السلام فرمود: «اگر خداوند متعال امیرالمؤمنین عليه‌السلام را خلق نمی کرد، در تمام زمین انسانی که کفو و شایسته همسری با حضرت فاطمه عليها‌السلام باشد یافت نمی شد؛ از آدم ابوالبشر و بعد از او». (3)

### خواستگاری از فاطمه عليها‌السلام

هنگامی که سن مبارک بتول عذراء حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا عليها‌السلام نه سال کامل شد، از اطراف و اکناف اهل مدینه و عظمای قبائل و رؤسای عشایر و صاحبان ثروت و مکنت به خواستگاری حضرت آمدند. عده ای از منافقین نیز این جرئت را به خود دادند که با کمال بی شرمی به خواستگاری آن حضرت بیایند.

هنگام خواستگاریِ بعضی از آنها رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بسیار ناراحت شدند، و به عده ای از منافقین که اعتراض کردند، فرمودند: «من شما را رد نکردم، بلکه خدا شما را رد کرده و امر فاطمه عليها‌السلام از جانب خداوند متعال معین می شود». آنان غافل از این بودند که این گوهر گرانبها را خداوند در سایه عزّت و حراست خود حفظ فرموده و او را در خور استعداد ابناء دنیا از ملوک و رعایا و ارباب فقر و غنا قرار نداده است؛ بلکه او را برای

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مصبالح المجتهد: ص 613. امالی طوسی: ص 43. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص398، 405. تتمة المنتهی: ص 137. بحار الانوار: ج 43، ص 6، 92، 96، 110. بشارة المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم لشیعة المرتضی عليه‌السلام: ص 267. مصباح کفعمی: ج2 ص600. اللمعة البیضاء فی شرح خطبة الزهراء عليها‌السلام: ص237.

2. امالی طوسی: ج 1، ص 42. بشارة المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص267.

3. کافی : ج1 ص461. من لا یحضر الفقیه: ج3 ص393. امالی شیخ طوسی: ص43. خصال: ص 414. تهذیب الاحکام: ج7 ص461. دلائل الامامة: ص80. کشف الغمة: ج1 ص472. بحارالانوار: ج43 ص10، 97، 107، ج100 ص375. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص129. بشارة المصطفی: ص 267. امالی صدوق: ص 688. المحتضر: ص 126، 138. روضة الواعظین: ص 148. وسائل الشیعة: ج20 ص74.

وصی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم علی بن ابی طالب عليه‌السلام ذخیره فرموده است. (1)

از امام حسین عليه‌السلام روایت شده که فرمود: روزی حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در خانه امّ سلمه بود. فرشته ای با هیبت خاصی بر آن حضرت نازل شد که با لغات گوناگون که به یکدیگر شباهتی نداشت مشغول تسبیح و تقدیس خداوند بود. او عرض کرد: من صرصائیلم. خداوند مرا نزد شما فرستاده که به شما بگویم: «نور را با نور تزویج کن». حضرت فرمود: «چه کسی را با چه کسی»؟ گفت: «فاطمه را با علی بن ابی طالب». لذا پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فاطمه عليها‌السلام را در حضور جبرئیل و میکائیل و صرصائیل به عقد علی عليه‌السلام در آورد و این عقد در زمین بود.

در این هنگام پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به میان شانه های صرصائیل نگریست و دید نوشته است: «لا اله الااللَّه، محمّد رسول اللَّه، علی بن ابی طالب مقیم الحجة». فرمود: ای صرصائیل، از کی این جمله بین شانه های تو نوشته شده؟ گفت: دوازده هزار سال پیش از آنکه خداوند متعال دنیا را بیافریند. (2)

### مراسم عروسی

هنگامی که حضرت فاطمه عليها‌السلام را در شب ازدواج به خانه ئ علی عليه‌السلام می بردند، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از جلو ایشان، برئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ ایشان، و هفتاد هزار

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج1 ص 64. کافی: ج5 ص568. عوالم العلوم: ج11 ص142-141. دلائل الامامة: ص84، 90، 100، 143. بحار الانوار: ج 43، ص 41، 104، 111، 119، 120، 145، 214. ریاحین الشریعه: ج 1، ص 80. شرح احقاق الحق: ج 17 ص94-83، ج19 ص 147-123، ج12 ص 494-471. شرح الاخبار: ج2 ص211، 376. ذخائر العقبی: ص 32-30، 136. ینابیع المودة: ج2 ص72-62، 125-122، 209، 314، 39. نظم درر السمطین: ص 186. معجم الکبیر: ج3 ص57، ج10 ص156، ج22 ص408. المناقب خوارزمی: ص209، 336. تاریخ دمشق: ج42 ص131-125. کنز العمال: ج11 ص600، 606، ج13 ص 684. اسد الغابة: ج4 ص42. مجمع الزوائد: ج9 ص 204. روض الفائق: ص 256.

2. بحار الانوار: ج43 ص111، 123. مائة منقبة: ص35. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج 3 ص398. مشق الغمة: ج1 ص352. المحتضر: ص133. المناقب: (خوارزمی):ص 341.

فرشته پشت سر حضرتش حرکت می کردند و در آن حال خدا را تسبیح می گفتند و تقدیس می کردند، و این تقدیس و تسبیح آنها تا طلوع فجر ادامه داشت. (1)

جبرئیل زمام ناقه ای که آن حضرت را می بردند و اسرافیل رکاب و میکائیل دنبال آن را گرفته بود، و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم جامه های فاطمه عليها‌السلام را منظم می کرد، و هفتاد هزار ملک با دیگر فرشتگان تکبیر می گفتند، اما به حسب ظاهر سلمان زمام ناقه را گرفته بود و حمزه و عقیل و جعفر عليهم‌السلام از اهل بیت از قفای حضرت فاطمه عليها‌السلام و بنی هاشم با شمشیرهای کشیده می آمدند، و همسران پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از پیش روی می آمدند.

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آنها را به مسجد طلبید و دست فاطمه عليها‌السلام را در دست علی عليه‌السلام نهاد و فرمود: «بارک اللَّه فی ابنه رسول اللَّه»، و نیز فرمود: «هذه ودیعتی»، و بعد از مراسمی مخصوص، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در حق آنها و نسل ایشان دعا کرد. سپس فرمود: «مرحباً ببحرین یلتقیان و نجمین یقترنان».

سپس پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از نزد ایشان بیرون آمد و چهار چوب در را گرفت و فرمود: «طهّرکما اللَّه و طهّر نسلکما، انا سلم لمن سالمکما و حرب لمن حاربکما، أستودعکما اللَّه و أستخلفه علیکما». (2)

آنگاه همه به منازل خود رفتند و از زنان جز اسماء کسی نزد فاطمه عليها‌السلام نماند، و این به خاطر وصیت حضرت خدیجه عليها‌السلام بود که هنگام وفات گریست و از اسماء عهد و پیمان گرفت که در شب عروسی حضرت فاطمه عليها‌السلام آن حضرت را تنها نگذارد. اسماء هم به عهد خود وفا کرد، و چون ماجرا را برای پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نقل کرد، آن حضرت به یاد خدیجه عليها‌السلام کرد و گریست و در حق اسماء دعا فرمود. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص402. اقبال: ج3 ص92. بحار الانوار: ج43 ص92، 115، 124. روضة الواعظین: ص147. کشف الغمة: ج1 ص353. ذخائر العقبی: ص 32. تاریخ بغداد: ج5 ص211. ینابیع المودة: ج2 ص129. جزء الحمیری: ص 28. المناقب (خوارزمی): ص342.

2. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص403. بحار الانوار: ج43 ص117-114. الخصائص الفاطمیة عليها‌السلام: ج2 ص 343. المناقب (خوارزمی): ص 352.

3. کشف الغمة: ج1 ص366. کشف الیقین: ص 198. بحار الانوار: ج43 ص116، 138. الخصائص الفاطمیة عليها‌السلام: ج2 ص346 - 345. فیض العلام: ص 161.

### مهریه حضرت زهرا عليها‌السلام

در مقدار و نوع مهریه آن حضرت روایات مختلفی وارد شده است:

- یک لباس مشکی بلند و یک پوست گوسفند و مقداری عطر. (1)

- یک لباس نرم و ملایم و یک زره و زیر اندازی از پوست قوچ. (2)

- یک لباس نرم و ملایم مشکی بلند و یک زره حَطَمی. (3)

- چهار صد و هشتاد درهم. (4)

- چهار صد مثقال نقره. (5)

- پانصد درهم، که علاّمه مجلسی و ابن آشوب رحمه‌الله می فرمایند: اصحّ اقوال همین قول است. (6)

- زره حَطَمی که ارزش آن سی درهم بود (7)

- درع حَطَمی و پوست قوچ یا میش. (8)

- یک شتر. (9)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج 43، ص 113. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 3، ص 400.

2. کافی: ج 5، ص 377. بحار الانوار: ج 43، ص 144. 3. کافی: ج 5، ص 378. بحار الانوار: ج 43، ص 144. وسائل الشیعه: ج 15، ص 251. 4. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 3، ص 399. روضة الواعظین: ص146. بحار الانوار: ج 43، ص 112، 113. کشف الغمه: ج 1، ص 368. ذخائر العقبی: ص29. المناقب (ابن مغازلی): ص 350. الریاض النضرة: ج2 ص180. کنز العمال: ج13 ص 684. مجمع الزوائد: ج9 ص175. طبقات الکبری: ج8 ص19.

5. بحار الانوار: ج 43، ص 112، 119. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 3، ص 399. روضة الواعظین: ص147. مکارم الاخلاق: ص 207. کشف الغمة: ج 1، ص 349. ذخائر العقبی: ص 30. ینابیع المودة: ج2 ص62، 65، 123. کفایة الطالب: ص 298. درر السمطین: ص 187. المناقب (خوارزمی): ص336.

6. دلائل الامامه: ص 18. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 3، ص 399. روضة الواعظین: ص148. ارشاد: ج2 ص284. بحار الانوار: ج 43، ص112، ج 50، ص 76. الهدایة الکبری: ص 115. مدینه المعاجز: ج 7، ص 351.

7. قرب الاسناد: ص 173. کافی: ج 5، ص 377. تهذیب الاحکام: ج6 ص364. بحار الانوار: ج43 ص105. وسائل الشیعة: ج21 ص250. 8. مناقب آل ابی طالب عليه‌السلام: ج 3، ص 399. بحار الانوار: ج 43، ص 113. 9. افحام الاعداء و الخصوم: ص47. اعلام النساء: ج3 ص1119. الثغور الباسمة: ص 30. طبقات الکبری: ج8 ص19. کنز العمال: ج16 ص305.

- درع حَطَمی. (1)

- یک پنجم زمین. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «در آسمان معین شده که مهریه آن حضرت عليها‌السلام یک پنجم زمین است. پس هر که در زمین راه برود در حالی که با او و فرزندانش دشمن باشد، قدم زدن او تا روز قیامت در زمین حرام است». (2)

امام باقر عليه‌السلام فرمود: مهر فاطمه عليها‌السلام یک پنجم دنیا و دو سوم بهشت است، و در زمین چهار نهر فرات، نیل، نهروان و بلخ برای حضرت فاطمه عليها‌السلام است. خداوند به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «ای محمّد، تو فاطمه را به پانصد درهم به ازدواج علی در آور تا سنّتی در بین امّت تو باشد». (4)

در روایت دیگر: «یک چهارم دنیا و بهشت و جهنّم است، که دوستان خود را داخل بهشت می کند و دشمنان خود را به جهنّم روانه می نماید». (5) در روایت دیگر مهریه آن حضرت نصف دنیا ذکر شده است. (6)

### ولیمه عروسی

اثاث منزل و ولیمه عروسی حضرت زهرا عليها‌السلام چنین بود که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج5 ص377. بحار الانوار: ج 43، ص 108. مناقب امیرالمؤمنین عليه‌السلام: ج2 ص185، 212. طبقات الکبری: ج8 ص20، 22. مسند حمیدی: ج1 ص22. مسند احمد: ج1 ص80. سنن ابی داود: ج1 ص472. دلائل النبوة: ج3 ص160. الفقه الاکبر: ج3 ص6. اصابة: ج8 ص 263. تاریخ دمشق: 42 ص124.

2. بحار الانوار: ج 43، ص 113. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص400. الغدیر: ج2 ص316. روضة الواعظین: ص 147. شرح احقاق الحق: ج7 ص279.

3. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص400. بحار الانوار: ج43 ص113. اللمعة البیضاء: ص 257.

4. بحار الانوار: ج43 ص113. دلائل امامة: ص 92. مستدرک الوسائل: ج15 ص65. الهدایة الکبری: ص378.

5. امالی طوسی: ص668. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص400. بحار الانوار: ج43 ص 105، 113. مجمع النورین: ص 34، 40.

6. دلائل الامامة: ص 92. نوادر المعجزات: 90. مدینة المعاجز: ج 2، ص 336. عیون المعجزات: ص49.

امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود: «زره خود را بفروش». آن حضرت زره را فروخت و پول آن را خدمت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آورد. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مقداری را جهت تهیه غذای عروسی به امّ سلمه دادند. بنابر بعضی روایات نصف از لوازم غذا را پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و نصف دیگر را امیرالمؤمنین عليه‌السلام تهیه نمودند.

### جهازیه حضرت زهرا عليها‌السلام

مقداری را هم به بلال و عمار دادند که از بازار لوازم خانه را خریداری کنند. یک پیراهن، یک عدد روسری، قطیفه سیاه خیبری یا عبای سیاه، پرده نازک پشمی، یک عدد حصیر از بافته های قریه هَجَر، آسیای دستی، یک عدد طشت مسی، مشک برای آب آوردن، کاسه ای سفالین، مشکی مخصوص خنک کردن آب، ابریقی که طرف بیرونش رنگ شده بود، کوزه ئ سفالین، پوست گوسفند. (1)

امیرالمؤمنین عليه‌السلام می فرماید: در آن شب که دختر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به خانه من آمد، بسترمان جز یک پوست گوسفند نبود. (2)

در جای دیگر از آن حضرت نقل شده که فرمود: من با فاطمه عليها‌السلام در حالی ازدواج کردم که جز یک پوست گوسفند چیزی نداشتیم که شب بر روی آن می خوابیدیم و روز علوفه شترمان را بر روی آن می ریختیم و خدمتگزاری در خانه نداشتیم. (3)

در روایتی دیگر می فرماید: پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به خانه ما آمد در حالی که ما بر روی خود قطیفه ای انداخته بودیم که اگر از طول آن را به روی خود می کشیدیم، پهلوهایمان خالی

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بیت الاحزان: ص 57.

2. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج2 ص12. بحار الانوار: ج40 ص 35، 323، ج43 ص88. طبقات الکبری: ج8 ص22. تاریخ دمشق: ج42 ص376. سنن المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج2 ص538. المصنف (ابن ابی شیبة): ج8 ص156. کنز العمال: ج13 ص179، 682. مسند ابی یعلی: ج1 ص363.

3. ذخائر العقبی: ص 35. طبقات الکبری: ج8 ص22. صفوة الصفوة (ابن جوزی): ج2 ص10. کنز العمال: ج13 ص682. تاریخ دمشق: ج42 ص376.

می شد و اگر از عرض می انداختیم سر و پاهایمان بدون روپوش می ماند. (1)

بعضی از اهل سنّت نقل کرده اند: هنگامی که فاطمه عليها‌السلام به خانه علی عليه‌السلام رفت، در خانه آن حضرت چیزی جزریگ پهن شده، کوزه سفالین، بالش و ظزفی برای آب نیافت. (2)

بنابر نقلی دیگر دو کوزه کوچک، ظرف مخصوص شیر که از چوب می تراشیدند، سبوئی سبز رنگ که روغن یا آرد در آن می ریختندچهار بالش یا متکا یا پشتی با رویه ای از پوست پر از گیاه خشک شده سبز رنگ، از اثاثیه منزل بود. (3)

### عروسی و شرکت کنندگان

در بعضی روایات آمده است که بعد از خرید 29 یا 30 روز بعد از خرید، امیرالمؤمنین عليه‌السلام صبر کرد تا اینکه جعفر و عقیل عليهما‌السلام به آن حضرت گفتند: از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بخواه که همسرت را به خانه بیاوری. بعضی از همسران پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم گفتند: ما از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم خواهش می کنیم که شما همسرت را بیاوری.

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «ما انتظار داریم خود او بیاید و از ما درخواست کند». امیرالمؤمنین عليه‌السلام می فرماید: عرض کردم «حیا مانع من می شود». پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم اجازه مجلس عروسی و ولیمه را فرمودند، و به امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمودند: «هر کس را دوست داری دعوت کن». زنان به کار زنها و امیرالمؤمنین عليه‌السلام و عمار و بلال و چند نفر دیگر به کار مجلس مردها که در مسجد بود، می رسیدند.

اصحاب با هدایای خود در جشن عروسی آن دو نور الهی شرکت کردند، و از ولیمه عروسی که به دساور پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فراهم آمده بود، میل کردند. در آن مجلس 4000 نفر

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ذخائر العقبی: ص 49، 106. فتح الباری: ج11 ص102. سنن نسائی: ج5 ص373. کنز العمال: ج15 ص449. امالی المحاملی: ص172.

2. فاطمة الزهراء عليها‌السلام بهجة قلب المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص 477 (674)، از المناقب احمد بن حنیل (خطی).

3. بحار الانوار: ج 43، ص 94. امالی طوسی: ص 41. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص401. بیت الاحزان: ص 49. اللعمة البیضاء فی شرح خطبة الزهراء عليهما‌السلام: ص259.

از آن طعام خوردند و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم غذایی برای امیرالمؤمنین و فاطمه عليهما‌السلام فرستاد، در حالی که چیزی از آن غذا کم نشد و همچنان به جای ماند، با وجود اینکه سه روز از آن تناول می کردند.

شب با مراسمی مخصوص، حسب الامر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آن دو بزرگوار را به حجره امّ سلمه آوردند. امّ سلمه می گوید: هنگامی که خورشید غروب کرد، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «فاطمه را بیاور». من رفتم و دست فاطمه عليها‌السلام را گرفته در حالی که لباسش بر زمین کشیده می شد و از خجالت و شرم عرق از چهره اش جاری بود، آن حضرت را نزد پدر بزرگوارش آوردم. هنگامی که خدمت آن حضرت رسید، از شدت خجالت پایش لغزید. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «خداوند تو را از لغزش های دنیا و آخرت نگه دارد».

هنگامی که پیش روی آن حضرت قرار گرفت، چادر را از صورت فاطمه عليها‌السلام کنار زد تا علی عليه‌السلام چهره او را ببیند. سپس دست او را در دست علی عليه‌السلام قرار داد و این گونه بود که این زندگی نورانی آغاز شد.

### ثمره ازدواج نورانی

ثمره این ازدواج مبارک و نورانی و الهی پنج فرزند بود. دو امام معصوم عليهما‌السلام، آقا و مولایمان حضرت مجتبی عليه‌السلام و سرور شهیدان حضرت اباعبداللَّه عليه‌السلام، دو دختر حضرت عقیله بنی هاشم زینب کبری و جناب امّ کلثوم عليهما‌السلام و که این فرزندان در زمان حیات پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در مدت نه سال به دنیا آمدند. آخرین فرزند ایشان حضرت محسن عليه‌السلام بود که بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به مدت چند روز به وسیله ضربه های بین در و دیوار و کتک های منافقین و ظالمین به شهادت رسید. (2)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج 43، ص 95-96، 114. امالی طوسی: ص 42. بیت الاحزان: ص 51. الخصائص الفاطمیة عليها‌السلام: ج2 ص351. اللعمة البیضاء فی شرح خطبة الزهراء عليها‌السلام: ص269.

2. دلائل الامامة طبری: ص 104، 134. تاریخ الائمة عليهم‌السلام: ص16.

حضرت فاطمه عليها‌السلام نه سال و 75 روز یا 95 روز در منزل امیرالمؤمنین عليه‌السلام زندگی کرد تا آنکه بعد از شهادت حضرت محسن عليه‌السلام به شهادت رسید.

### ازدواج آسمانی

بین ازدواج آن حضرات در آسمان و تزویج آنها در زمین چهل روز فاصله بود. (1) در اول یا ششم ذی الحجه (2) در حالی که طرف ایجاب عقد خداوند متعال و طرف قبول جبرئیل و خطبه خوان راحیل بود. شاهدان حاملان عرش و 70 هزار نفر از فرشتگان بودند. نثار کننده نقل این عروسی رضوان خزانه دار بهشت، و آنچه نثار شد درّ و یاقوت و مرجان، و حجله دار این زفاف اسماء یا ام ایمن بود و در نتیجه این ازدواج ائمه اطهار عليهم‌السلام. (3)

### اقوال در روز ازدواج حضرت

اقوال در ازدواج چنین است: عقد در صفر و ازدواج در ذی الحجه (4)، یا بعد از بازگشت از جنگ بدر (5)، عقد بعد از یک سال از هجرت و ازدواج بهد از آن نزدیک به یک سال (6)، عقد در ماه رمضان و ازدواج در ذی الحجه (7)، عقد در رجب قبل از جنگ بدر و ازدواج در ذی الحجه (8)، عقد در رجب و ازدواج بعد از بازگشت امیر المؤمنین عليه‌السلام

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. دلائل الامامة: ص 93. بحار الانوار: ج43 ص110.

2. بحار الانوار: ج 43، ص 110. مصباح المتجهد: ص 613. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص398.

3. بحار الانوار: ج 43، ص 98، 99، 102، 107، 128. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج2 ص208. مجمع النورین: ص 43.

4. بحار الانوار: ج 19، ص 192. موسوعة التاریخ الاسلامی: ج2 ص97. الذریة الطاهرة: ص 63. ذخائر العقبی: ص 27. نظم درر السمطین: ص189.

5. بحار الانوار: ج43 ص9. مقاتل الطالبیین: ص 30.

6. الثغور الباسمة: ص 27. البدء و التاریخ: ج5 ص20.

7. کشف الغمة: ج1 ص364. بحار الانوار: ج43 ص136. الصحیح من السیرة: ج5 ص269. اللعمة البیضاء فی شرح خطبة الزهراء عليها‌السلام: ص237. سبل السلام: ج3 ص149. تفسیر قرطبی: ج14 ص241.

8. نظم در السمطین: ص 189.

از بدر (1)، عقد در ربیع ذل اول و ازدواج هم در ربیع الاول (2)، عقد در اول ذی الحجه و ازدواج در ششم ذی الحجه بعد از جنگ بدر (3)، عقد در چند شب باقی مانده از صفر و ازدواج در ذی الحجه (4)، عقد در محرم و ازدواج در ذی الحجه. (5)

عقد در اول ذی الحجه سال دوم هجرت (6)، یا در 25 ذی الحجه (7)، یا سه روز مانده از ماه صفر سال 2 هـ (8)، یا در 15 رجب پنج ماه پس از هجرت. (9) ازدواج بعد از بازگشت از بدر در اوایل شوال یا در روز سه شنبه ذی الحجه (10)، یا در 19 ذی الحجه (11) یا در 21 محرم سال 3 هـ (12) یا دو روز مانده از ماه صفر؛ چهار ماه بعد از بدر. (13)

### 2. مرگ منصور دوانیقی

در این روز در سال 158 هـ، منصور دوانیقی بخیل بی رحم، در سفر حج به هلاکت رسید و در حجون دفن شد. (14) منصور در بنی عباس شباهت تامی به هشام بن

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج 19، ص 193. طبقات الکبری: ج8 ص22. المنتخب من ذیل المذیل: ص 90. تاریخ دمشق: ج3 ص157. الاصابة: ج8 ص264. 2. بحار الانوار: ج 19، ص 193.

3. بحار الانوار: ج 43، ص 6. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص405. 4. بحار الانوار: ج 19، ص 193-192.

5. شرح احقاق الحق: ج10 ص351. الشرف المؤبّد: ص55.

6. مسار الشیعة: ص 17. مصباح المتهجد: ص 613. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص398، 405. توضیح المقاصد: 29. اختیارات: 40. تقویم المحسنین: 13. فیض العلام: ص106. مصباح کفعمی: ج2 ص600.

7. بحار الانوار: ج35 ص261. 8. تاریخ دمشق: ج3 ص128، ج12 ص128.

9. مسار الشیعه: ص 35. مصباح المجتهد: ص 742. تقویم المحسنین: ص 17. اختیارات: ص37. مصباح کفعمی: ج2 ص600. فیض العلام: ص 106. 10. امالی طوسی: ص43. بحار الانوار: ج43 ص97. وسائل الشیعة: ج20 ص240. فیض العلام: ص 109.

11. تقویم المحسنین: ص 14. وقائع الشهور: ص 239. 12. مسار الشیعة: ص 26. بحار الانوار: ج95 ص197.

13. نظم درر المسطین: ص 189. مقتل الحسین عليه‌السلام (خوارزمی): ج1 ص128.

14. تتمة المنتهی: ص 160. فیض العلام: ص 109. مستدرک سفینة البحار: ج 5، ص 220. تاریخ دمشق: ج32 ص347. تاریخ طبری: ج6 ص347.

عبد الملک در بنی امیّه داشت، و از او تقلید می نمود. او مردی خونریز بود، و بر خلاف برادرش سفاح عداوت و ظلم تمام نسبت به آل ابوطالب عليه‌السلام داشت. از آن بزرگواران افراد زیادی را کشت و بزرگترین جنایت منصور به شهادت رساندن امام صادق عليه‌السلام بود. عبداللَّه محض و حسن مثلث و بسیاری از بنی الحسن را نیز او شهید کرد.

زمانی که در 6 ربیع الثانی 146 هـ شروع به ساختن شهر بغداد کرد، دستور داد سادات از اولاد حضرت زهرا عليها‌السلام را زنده زنده در ستون ها و دیوار ها قرار دهند و دیوار را روی آنها بنا کنند. (1)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم روایت شده است که فرمودند: برای جهنم هفت در است هر کدام مربوط به هفت فرعون است: نمرود بن کنعان فرعون حضرت ابراهیم عليه‌السلام« مصعب بن ولید فرعون موسی، ابوجهل بن هشام، اولی و دومی، یزید قاتل اولاد من، و مردی از نسل عباس که ملقب است به دوانیقی و نامش منصور است. (2)

7 ذی الحجه

### 1. شهادت امام باقر عليه‌السلام

در چنین روزی مصادف با دوشنبه، در سال 114 هـ امام باقر عليه‌السلام توسّط هشام بن عبدالملک مسموم و شهید شد. (3) در شب شهادت به امام صادق عليه‌السلام فرمودند: «من امشب جهان را بدرود خواهم گفت. هم اکنون پدرم علی بن الحسین عليه‌السلام را دیدم که شربتی گوارا نزد من آورد و نوشیدم و مرا به سرای جاوید و دیدار حق بشارت داد». در روایت دیگری فرمودند: «ای فرزند گرامی، مگر نشیندی که حضرت علی بن

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. وقائع الشهور: ص 84.

2. بحار الانوار: ج30 ص419، ج47 ص309.

3. توضیح المقاصد: ص 29. الدروس الشرعیة: ج2 ص12. بحار الانوار: ج46 ص217، ج97 ص210. تثبیت الامامة: ص 70. فیض العلام: ص 110.

الحسین از پس دیوار مرا ندا کرد: «ای محمّد بیا، زود باش که ما انتظار تو را می کشیم». (1)

آن حضرت چندین روز و به قولی سه روز در حالت درد از سم به سر می بردند تا به شهادت رسیدند. فردای آن روز بدن مطهر و پاک آن دریای بیکران دانش خدائی را در خاک بقیع کنار مزار امام مجتبی و امام سجاد عليهما‌السلام به خاک سپردند. (2)

آن حضرت هشتصد درهم برای تعزیه و ماتم خود وصیت فرمود. (3) حضرت صادق عليه‌السلام فرمودند: پدرم فرمود: «ای جعفر، از مال من مقداری وقف کن برای ندبه کنندگان که ده سال در منی در موسم حج بر من گریه کنند، و مراسم ماتم را تجدید نمایند». (4)

آقا و مولایمان حضرت باقر عليه‌السلام در کربلا شرف حضور داشت. شب یازدهم، بازار کوفه، کنار سرهای مطهر، اسارت شام و مجلس یزید را دیده است و هر زمان که متذکر شهادت حسین بن علی عليه‌السلام و اسارت عمه هایش می شد، اشک از چشم مبارکش مانند درّ جاری می گشت.

### 3. خطبه حضرت عباس عليه‌السلام در مکه

در این روز در سال 60 هـ یک روز قبل از خروج مولانا ابو عبدالله الحسین عليه‌السلام از مکه به کربل حضرت قمر بنی هاشم عليه‌السلام بر فراز خانه خدا رفت و خطبه ای قرّاء ایراد فرمود. شروع خطبه چنین بود: حمد مخصوص پروردگاری است که این خانه را به قدوم پدرم (امیرالمؤمنین عليه‌السلام) شرافت بخشید.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج 1، ص 260. بصائر الدرجات: 502. بحار الانوار: ج46 ص213. مدینة المعاجز: ج4 ص437.

2. فیض العلام: ص 111-110. انوار البهیة: ص 69.

3. کافی: ج 3، ص 217. من لا یحضره الفقیه: ج1 ص128. وسائل الشیعة: ج3 ص238. بحار الانوار: ج46 ص215، ج79 ص72.

4. کافی: ج5 ص117. بحار الانوار: ج46 ص220. الغدیر: ج2 ص21

سپس در عظمت و بزرگی و علوم مقام حضرت سید الشهداء عليه‌السلام و پیروی از آن حضرت، و اینکه اگر اجازه دهند همینجا مانند باز شکاری عصبانی در بین گنجشکان قرار می گرفتم و تکلیف را روشن می کردم...

در ادامه فرمودند: چه کسانی را از مرگ می ترسانید؟ کسانی که در کودکی مرگ بازیچه آنان بوده چه رسد به بزرگی...!

آنگاه فرمود: قریش خواستند رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را به قتل برسانند ولی ممکن نبود چون امیرالمؤمنین عليه‌السلام بود. چطور می خواهید اباعبدالله الحسین عليه‌السلام را بکشد مادامی که من زنده هستم؟ بیایید مرا بکشید تا مرادتان حاصل شود.. در پایان فرمود: لعنت خدا بر شما و بر اجداد شما. (1)

### 3. بردن امام کاظم عليه‌السلام به زندان بصره

در این روز امام کاظم عليه‌السلام را در حالی که در غل و زنجیر بسته بودند، به بصره بردند و مدت یکسال نزد عیسی بن جعفر بن ابی جعفر منصور محبوس کردند و سپس حضرت را به بغداد بردند.

عیسی آن حضرت را در یکی از حجرات خانه خود که نزدیک به دیوانخانه بود محبوس کرد و مشغول فرح و سرور گردید. از یکی از کاتبان او که نصرانی بود نقل شده که می گفت: «این عبد صالح و بنده شایسته خود - یعنی موسی بن جعفر عليه‌السلام - در ایامی که در این خانه محبوس بود چیزهائی از لهو و لعب شنید که گمان ندارم هر گز بر خاطر شریف آن حضرت خطور کرده باشد».

آقا و مولایمان حضرت کاظم عليه‌السلام مدت یکسال در بصره محبوس بودند، و بعد از یکسال آن حضرت را به بغداد بردند و نزد فضل بن ربیع حبس کردند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. خطیب کعبه، از علی اصغر یونسیان، به نقل از مناقب السادة الکرام عین العارفین هندی.

2. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج2 ص82. الغیبة (شیخ طوسی): ص29. الامام مویس بن جعفر عليهما‌السلام فی بحار الانوار: ص 207، 219. فیض العلام: ص 111.

8 ذی الحجه

### 1. توطئه ترور امام حسین عليه‌السلام

در این روز در سال 60 هجری به دستور یزید لعین سی نفر از شیاطین بنی امیّه از شام برای دستگیری و یا کشتن امام حسین عليه‌السلام به بهانه حج وارد مکه شدند. (1)

### 2. دعوت عمومی حضرت مسلم عليه‌السلام در کوفه

در این روز در سال 60 هـ روز سه شنبه حضرت مسلم عليه‌السلام دعوت خود را برای امام حسین عليه‌السلام در کوفه آشکار کرد و از طرفی کوفیان نفاق خود را نمودار کردند. (2)

### 3. حرکت امام حسین عليه‌السلام از مکه به عراق

در این روز در سال 60 هـ امام حسین عليه‌السلام از مکه متوجه عراق شدند، و این قول مشهور بین محدثین و ارباب مقاتل است. (3) بنابر قولی آن حضرت در روز نهم از مکه به طرف عراق حرکت فرمودند. (4)

9 ذی الحجه

### 1. روز عرفه

در شب و روز عرفه (5) زیارت امام حسین عليه‌السلام مستحب است، چه اینکه خداوند ابتدا

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج45 ص99. لهوف: ص 127. وقائع الشهور: ص 225. قلائد النحور: ج ذی الحجه، ص 375. فیض العلام: ص 113. ینابیع المودة: ج3 ص59.

2. ارشاد: ج 2، ص 66. اعلام الوری: ج 1، ص 445. مسارالشیعة: ص 17. بحار الانوار: ج 44، ص 363. فیض العلام: ص 112.

3. ارشاد: ج 2، ص 66. اعلام الوری: ج 1، ص 445. مسار الشیعة: ص 17. بحار الانوار: ج 44، ص 363. مقتل الحسین عليه‌السلام (ابی مخنف): ص 61. فیض العلام: ص 112.

4. بحار الانوار: ج 44، ص 366. اختیارات: ص40. مروج الذهب: ج3 ص70.

5. مصباح المجتهد: ص 658. مسار الشیعة: ص 18. توضیح المقاصد: ص 30. مصباح کفعمی: ج 2، ص 600.

به زوار امام حسین عليه‌السلام نظر می کند زیرا همه حلال زاده اند، و بعد به زوار با معرفت خویش در عرفات نظر می کند. (1)

### 2. شهادت حضرت مسلم عليه‌السلام و هانی رحمه‌الله

در این روز در سال 60 هـ محمّد بن کثیر و پسرش در کوفه به جرم مهمانداری و طرفداری از مسلم بن عقیب عليه‌السلام به شهادت رسیدند. در شب عرفه جناب مسلم بن عقیل عليه‌السلام به منزل طوعه رفتند. در روز عرفه سال 60 هـ که چهارشنبه بود جناب مسلم بن عقیل و هانی بن عروه را در کوفه شهید کردند. (2)

### خاندان حضرت مسلم عليه‌السلام

نام مبارکش مسلم و پدرش عقیل، و مادرش عَلِیّه، و همسر آن حضرت رقیه دختر امیرالمؤمنین عليه‌السلام است. (3)

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «چشم مؤمنان بر او گریان است، و ملائکه مقرب الهی بر او درود می فرستند». سپس رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم گریست تا اینکه اشک های چشم حضرت بر سینه مبارمش ریخت، و فرمود: به خدا شکایت میکنم از آنچه عترتم بعد از من می بینند. (4)

امام حسین عليه‌السلام هنگامی که آن حضرت را به سوی کوفه فرستادند، در قسمتی از نامه به اهل کوفه چنین فرمودند: «برادرم و پسر عمویم و فرد مورد اطمینان از اهل بیتم را نزد

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کامل الزیارات: ص 317. من لا یحضره الفقیه: ج2 ص580. ثواب الاعلام: ص 90. تهذیب الاحکام: ج6 ص50. مصباح المجتهد: ص 658. وسائل الشیعة: ج14 ص462. مستدرک الواسائل: ج10 ص283. زاد المعاد: ص 223. بحار الانوار: ج 98 ص85.

2. ارشاد: ج2 ص66. اعلام الوری: ج 1، ص 445. مصباح کفعمی: ج 2، ص 600. بحار الانوار: ج 44، ص 363. الشهید مسلم بن عقیل عليهما‌السلام: ص 151. مسار الشیعة: ص 18. فیض العلام: ص 115-113. اختیارات: ص 40. مروج الذهب: ج 3، ص 69 - 70.

3. مراقد المعارف: ج 2، ص 307، 316. منتخب التواریخ: ص 292 - 293. فرسان الهیجاء: ج 1، ص 72، 62.

4. امالی صدوق: ص191. بحار الانوار: ج22 ص288، ج44 ص288. الشهید مسلم بن عقیل عليه‌السلام: ص162.

شما فرستادم». هنگامی که امام حسین عليه‌السلام خبر شهادت آن حضرت و هانی را شنید، چند بار فرمود: «انا للَّه و انا الیه راجعون». سپس فرمود: «خیری در زندگی بعد از آنها نیست». از جمله وصایای آن حضرت به ابن سعد این بود که کسی را به نزد امام حسین عليه‌السلام بفرستد که آن حضرت به سوی کوفه نیاید.

### شهادت و دفن بدن حضرت مسلم عليه‌السلام

در غربت و مظلومیت آن حضرت همین بس که از پشت بام ها دسته های نی را آتش می زدند و بر سر آن حضرت می ریختند. همچنین زمانی که چشم ابن زیاد بر آن حضرت افتاد، زبان به جسارت امیرالمؤمنین و امام حسین عليهما‌السلام و عقیل گشود. در بالای دار الاماره با لب تشنه سر از بدن نازنیش جدا کردند و بدنش را از بالای قصر به پائین انداختند. بعد از شهادت ریسمان به پای مبارکش بسته و در میان بازار کوفه می کشیدند. سپس بدن مبارکش را به دار زده و سر مطهرش را به دمشق فرستادند.

در دفن بدن مطهر دو نظر است: یکی اینکه جمعی از قبیله هانی آمدند و بدنهای مطهر مسلم بن عقیل و هانی را دفن کردند. (1) دیگر اینکه نیمه شب زوجه میثم تمّار به همراهی چند نفر از جمله همسر هانی بن عروه، بدنها را در کنار مسجد اعظم کوفه دفن کردند. (2)

### هانی بن عروه

اما جناب هانی که پدرش عروه است، از اصحاب پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و از بزرگان و خواص شیعه و مخلصین در محبّت امیرالمؤمنین عليه‌السلام بود، و در جنگ های صفین، جمل و نهروان در خدمت آن حضرت بود. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مراقد المعارف: ج 2، ص 318. فرسان الهیجاء: ج 2، ص 106.

2. وسیلة الدارین فی انصار الحسین عليه‌السلام: ص 209، از ثعلبی.

3. مراقد المعارف: ج2 ص318، 359، 361. منتخب التواریخ: ص295-294. فرسان الهیجاء: ج2 ص143-139. وسیلة الدارین فی انصار الحسین عليه‌السلام: ص209-208.

جنابِ هانی بزرگِ طایفه مذحج بود و در قبیله خود دارای نفوذ فراوانی بود. هنگامی که اهل کوفه عهد و پیمان خود را شکستند و بی وفائی خود را نسبت به اهل بیت عليهم‌السلام و مسلم بن عقیل ثابت کردند، جناب هانی بن عروه آن حضرت را پناه داد. پس از آن محمّد بن اشعث حبیث جناب هانی و عده ای از شیعیان را دستگیر کرد.

بعد از شهادت مسلم بن عقیل و شکستن سر و بینی جناب هانی توسّط ابن زیاد ملعون، آن خبیث دستور داد سر جناب هانی را در بازار گوسفند فروشان از بدنش جدا کردند و با طنابی که به پای آن بزرگوار بسته بودند همراه با بدن جناب مسلم بن عقیل عليه‌السلام در بازار کوفه روی زمین کشیدند و سپس به دار زدند، و سپس بدن هانی همراه با بدن مسلم دفن شد.

### 3. روز سد الابواب

در این روز به امر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم همه درهای منازل اصحاب به طرف مسجد پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بسته شد، جز در خانه امیرالمؤمنین عليه‌السلام که به دستور خاص الهی آن را نبستند. (1)

عده ای ار اصحاب عرض کردند: یا رسول اللَّه، چرا همه درب ها را جز در خانه علی عليه‌السلام بستید؟ حضرت فرمودند: «من تابع وحی پروردگار هستم» (2)، و در روایتی دیگر است که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم خطبه ای ایراد فرمود و در ضمن آن فرمود: «ای مردم، خداوند متعال به موسی و هارون امر فرمود خانه هایی بنا کنند، و امر فرمود که جُنب در آن خانه ها بیتوته نکند و زنها داخل آنها نشوند مگر هارون و ذریّه هارون. علی بن ابی طالب عليه‌السلام برای من به منزله هارون است برای موسی. پس برای احدی حلال نیست

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. توضیح المقاصد: ص 30. بحار الانوار: ج 95، ص 188، ج 97، ص 384. مصباح کفعمی: ج 2، ص 600. وقایع المشهور: ص 226. تقویم المحسنین: ص13. اختیارات: ص40.

2. امالی صدوق: ص143. بحار الانوار: ج39 ص35-19. الغدیر: ج3 ص202. مسند احمد: ج4 ص369. مستدرک حاکم: ج3 ص125. ینابیع المودة: ج2 ص169، 233، 398. المناقب (خوارزمی): ص 327. مجمع الزوائد: ج9 ص114. تاریخ دمشق: ج42 ص138. کنز العمال: ج11 ص598.

نزدیک زنان شود و یا با حالت جنابت داخل مسجد من شود مگر برای علی و ذریه علی عليهم‌السلام ».

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ایستادند و فرمودند: «عده ای رضایت قلبی ندارند که علی بن ابی طالب عليه‌السلام در همه وقت و هر حالتی ساکن مسجد باشد، در حالی که آنها بیرون شده اند و به خدا قسم که من آنها را بیرون نکرده ام و علی عليه‌السلام را من ساکن مسجد قرار نداده ام، بلکه خداوند آنها را بیرون نموده و علی عليه‌السلام را ساکن مسجد قرار داده است، و منزلت او نزد من مانند منزلت هارون نزد موسی عليه‌السلام است. سپس در فضائل علی عليه‌السلام کلماتی فرمودند، تا آنجا که فرمودند: «هر کس از این موضوع ناراحت است برود آنجا»، و اشاره به طرف شام کردند. (1)

10 ذی الحجه

### 1. عید قربان

روز عید اضحی است، و در این روز حجاج بیت اللَّه الحرام برای رمی جمرات و قربانی کردن در منی به سر می برند. (2)

### 2. شهادت عبداللَّه محض و جمعی از آل حسن عليهم‌السلام

در این روز در سال 145 هـ جناب عبداللَّه محض بن حسن مثنی بن امام حسن مجتبی عليه‌السلام در سن 57 سالگی همراه با جمعی از برادران و پسر عموهای خود در زندان

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. علل الشرایع: ج 1، ص 201. وسائل الشیعة: ج2 ص208. بحار الانوار: ج25 ص235، ج39 ص22. غایة المرام: ج2 ص114. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج2 ص221. شرح احقاق الحق: ج5 ص587-540، ج16 ص374-332، ج21 ص257-243. الغدیر: ج3 ص215-202. نفحات الازهار: ج18 ص199. ینابیع المودة: ج1 ص259. تذکرة الخواص ابن جوزی: ص 46. الدر المنثور: ج3 ص314. تاریخ دمشق: ج42 ص141.

2. توضیح المقاصد: ص 30. مسار الشیعه: ص 18.

منصور دوانیقی لعنه اللَّه علیه به شهادت رسیدند. زندان آنان به گونه ای بود که روز و شب در آن مشخص نبود.

برادران عبداللَّه محض حسن و ابراهیم بودند، مادر این دو بزرگوار فاطمه بنت الحسین عليه‌السلام بود. فرزندان عموی عبداللَّه محض، یعقوب، اسحاق، ابوالحسن علی العابد، عباس و عبداللَّه بودند.

بعضی از این بزرگواران مثل ابراهیم بن حسن زنده دفن شدند. بعضی دیگر هنگامی که داخل خانه بودند سقف را روی آنها خراب کرد و شهید شدند. مرقد آل حسن عليه‌السلام در هاشمیه نزدیک بغداد است، که مشهور به قبور سبعه است. (1)

منصور به خاطر عداوت خاصی که با اهل بیت عليهم‌السلام داشت، مدتی قبل از شهادت آن بزرگواران، در سال 144 هـ دستور داد آل حسن عليه‌السلام را با غل و زنجیر بر گردن و پا، بر مرکبهای چموش و بدون روانداز سوار کرده به ربذه ببرند. آنان را با این حال در مقابل آفتاب با بدن برهنه در مقابل منصور نگه داشتند. عبداللَّه محض خطاب به منصور فرمود: «آیا ما در روز بدر با اسرای شما چنین کردیم»؟ این کلام بر منصور گران آمد و برخاست و رفت.

هنگامی که آن بزرگوار را با این حال از مدینه بیرون می بردند، امام صادق عليه‌السلام از پس پرده ای به آنان نگاه کرد و آنقدر گریست که اشک بر محاسن شریفش جاری شد و فرمود: «به خدا قسم بعد از این جماعت حرمتی برای خداوند حفظ نکرده اند.» (2)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مراقد المعارف: ج 2، ص 15. کتاب المعقّبین من ولد الامام امیرالمؤمنین عليه‌السلام: ص 123 - 124. سفینة البحار: ج5 ص219.

2. مراقد المعارف: ج 2، ص 19. بحار الانوار: ج47 ص305. مقاتل الطالبین: ص 144، 149، 196، 205. تاریخ طبری: ج6 ص174.

### 3. نماز عید امام رضا عليه‌السلام در خراسان (1)

در این روز (2) یا در عید فطر (3) آقا و مولایمان حضرت ثامن الحجج عليه‌السلام به خواهش مأمون، در خراسان برای نماز عید تشریف فرما شدند. مأمون با دیدن ازدحام مردم برای شرکت در نماز به امامت حضرت، دستور داد از نیمه راه باز گردند، چرا که ترسید مردم بر او شورش کنند. در مراجعت از این نماز بود که حضرت رضا عليه‌السلام از خداوند تقاضای مرگ فرمود.

11 ذی الحجه

### 1. روز نوشتن دعای صباح

در این روز در سال 25 هـ امیرالمؤمنین عليه‌السلام دعای شریف صباح را - که تعلیم پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بود - به دست مبارک خود نوشتند. (4)

### 2. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 1«ابطح»، 2«تنعیم»، 3 «صفاح»

در این روز حضرت امام حسین عليه‌السلام به منزل اول؛ ابطح رسیدند و یزید بن ثبیط بصری و چند نفر از فرزندانش به همراه جمعی از شیعیان به آن حضرت ملحق شدند. سپس حرکت نموده به منزل دوم یعنی «تنعیم» و بعد از آن به منزل سوم یعنی «صفاح» نزول اجلال فرمودند. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج1 ص489. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام: ج1 ص161. بحار الانوار: ج49 ص134، ج78 ص360. مسند الامام الرضا عليه‌السلام: ج1 ص64.

2. قلائد النحور: ج ذی الحجه، ص 383.

3. وقایع الشهور: ص 189.

4. بحار الانوار: ج 91، ص 247. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج2 ص190.

5. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص155-154.

12 ذی الحجه

### 1. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 4 «وادی عقیق»

در این روز حضرت اباعبدالله الحسین عليه‌السلام به وادی عقیق رسیدند. (1)

13 ذی الحجه

### 1. شق القمر

در شب 14 ذی الحجه واقعه شق القمر به اعجاز پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در مکه رخ داد. (2) بعضی این واقعه را در شب 18 این ماه گفته اند. (3)

قریش از آن حضرت معجزه طلب کردند، و حضرت با انگشت اشاره به ماه کردند، و به قدرت الهی دو نیم شد و باز به هم پیوست، و آیه نازل شد: (اقْتَرَبَتِ السّاعَهُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ). (4) ابوجهل گفت: «این سحر است! بفرستید از شهرهای دیگر هم بپرسند که آیا آنها هم دیدند که ماه دو نیم شد. چون از اهل شهرهای دیگر پرسیدند: آنها نیز خبر دادند که نیمی از ماه پشت خانه کعبه و نیمی بر کوه ابوقبیس افتاد. (5)

2. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 5 «وادی صفراء»

در این روز امام حسین عليه‌السلام به وادی «صفراء» رسیدند که سرزمینی بود دارای زراعت و نخل های فراوان. در این منزل مجمّع و عبّاد و همراهانش به حضرت ملحق

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص 158. مثیر الاحزان: ص 42.

2. بحار الانوار: ج 17، ص 352. فیض العلام: ص 120.

3. وقائع الشهور: ص231.

4. سوره قمر: آیه 1.

5. حق الیقین: ص 28. بحار الانوار: ج 17، ص 358-347. ریاحین الشریعة: ج2 ص357.

شدند و آن دو بزرگوار در کربلا شهید شدند. (1)

14 ذی الحجه

### 1. بخشیدن فدک به حضرت زهرا عليها‌السلام (2)

در این روز یا شب آن در سال هفتم هجرت، فدک به حضرت زهرا عليها‌السلام بخشیده شد، و حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بر این بخشش شاهد گرفتند. (3) قول دیگر در این باره 15 رجب است. (4)

### فتح فدک

پس از فتح خیبر در سال هفتم هجرت، حدود چهار سال قبل از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم جبرئیل نازل شد، و دستور فتح فدک توسّط پیامبر و امیرالمؤمنین عليهما‌السلام را آورد. آن دو بزرگوار در تاریکی شب با اسلحه لازم به سرزمین فدک آمدند، و حسب دستور پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، امیرالمؤمنین عليه‌السلام بر کتف پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم قرار گرفت و آن حضرت برخاست و امیرالمؤمنین عليه‌السلام را با خود بلند کرد. به معجزه الهی مولی الموحدین عليه‌السلام در حالی که

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص 158-159.

2. کافی: ج1 ص543. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج1 ص186، 330. اللعمة البیضاء فی شرح خطبة الزهراء عليها‌السلام. احتجاج: ج1 ص119. بحار الانوار: ج29 ص215-105. المستر شد: ص 509-501. بیت الاحزان: ص 157 - 133. التعجب: ص 51 (128). الطرائف: ص274 - 247. الصراط المستقیم: ج2 294- 282. الغدیر: ج7 ص197- 191. غایة المرام: ج3 ص289-284. احقاق الحق: ص 228-223، 241، 306-297. شرح احقاق الحق: ج10 ص305-296، ج25 ص546-531، ج33 ص370-350. ماذا تقضون؟: ص 545. السیدة فاطمة الزهراء عليها‌السلام: ص 150 - 138. الدر المنثور: ج4 ص177. شرح نهج البلاغة: ج16 ص286-208. شواهد التنزیل: ج1 ص445-438 معجم البلدان: ج4 ص240-238.

3. بحار الانوار: ج 95، ص 189. مستدرک سفینه البحار: ج 2، ص 216. وقائع الشهور: ص223.

4. مسار الشیعة: ص35. مصباح المجتهد: ص742. مصباح کفعمی: ج 2، ص 598.

شمشیر رسول اللَّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم همراهش بود، از دیوار قلعه فدک بالا رفت و بالای دیوار صدای مبارکش را به اذان بلند کرد.

یهودیان فدک گمان کردند که مسلمین حمله کرده اند و روی دیوارها هستند. خواستند از در قلعه فرار کنند، ولی بیرون قلعه مقابل در آن پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را در برابر خود دیدند و از طرفی امیرالمؤمنین عليه‌السلام پائین آمد و با آنان درگیر شد و 18 نفر از بزرگان آنان را کشتند، و بقیه تسلیم شدند.

زنان و فرزندان آنان را اسیر کردند و غنائم را همراه خود آوردند. امر بر این قرار گرفت که هر کس از اهل فدک مسلمان شود، خمس اموال او را بگیرند و هر کس بر دین خود باقی ماند همه اموالش را بگیرند. این گونه بود که بدون لشکرکشی و کوچکترین دخالت مسلمین قلعه فدک فتح شد. و طبق آیه مبارکه سوره حشر (1) سرزمین هایی که بدون لشکرکشی مسلمین فتح شود، حتی اگر اهل آنجا خودشان به عنوان تسلیم نزد پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بیایند، این مناطق و غنایم و اسرای آن مِلک خاص حضرت است و مانند اموال شخصی خود می تواند هر تصمیمی در باره آنها بخواهد بگیرد، و مسلمین هیچ حقی در آنها ندارند.

### اعطای فدک به فاطمه عليها‌السلام

بعد از این ماجرا جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: (وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ): «حق خویشان را به آنان بده» (2) پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پرسید: منظور چه کسانی هستند، و این حق کدام است؟ جبرئیل از طرف خداوند عرضه داشت: فدک را به فاطمه عليه‌السلام عطا کن. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به حضرت زهرا عليها‌السلام فرمود: «خداوند فدک را برای پدرت فتح کردو چون لشکر اسلام آن

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. سوره حشر: آیه 6 - 7: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (6) ما أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (7)»

2. سوره اسراء: آیه 26.

را فتح نکرده مخصوص من است. خداوند دستور داده آن را به تو بدهم. از سوی دیگر مهریه مادرت حضرت خدیجه عليها‌السلام بر عهده پدرت مانده و پدرت در قبال مهریه مادرت و به دستور خداوند فدک را به تو عطا می کند. آن را برای خود و فرزندانت بردار و مالک آن باش».

حضرت زهرا عليها‌السلام عرض کرد: «تا شما زنده اید بر من و مال من صاحب اختیار هستید». پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: ترس آن را دارم که نااهلان تصرف نکردن تو را در زمان حیاتم، بهانه ای قرار دهند و بعد از من آن را از تو منع کنند. حضرت صدیقه عليها‌السلام عرض کرد: آن گونه که صلاح می دانید عمل کنید. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم امیرالمؤمنین عليه‌السلام را فرا خواند و فرمود: «سند فدک را به عنوان بخشوده و اعطائی پیامبر بنویس و ثبت کن». علی عليه‌السلام آن را نوشت و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و یکی از غلامان رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و امّ ایمن شهادت دادند و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: امّ ایمن زنی از اهل بهشت است، و تا زمان حیات رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم وکلای حضرت زهرا عليها‌السلام در آن سرزمین بودند. (1)

### درآمد فدک

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مردم را در منزل حضرت زهرا عليها‌السلام جمع نمود و به آنان خبر داد که فدک از آن فاطمه عليها‌السلام است و از درآمد فدک به عنوان اعطائی فاطمه عليها‌السلام بین مردم تقسیم کرد.

درآمد فدک را سالیانه از هفتاد هزار سکه طلا تا صد و بیست هزار سکه نوشته اند. هر سال چشمان بسیاری از نیازمندان منتظر سر رسیدن درآمد فدک بود.

### غصب فدک

بعد از رحلت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مأموران ابوبکر به دستور او نماینده حضرت صدیقه عليها‌السلام را از فدک اخراج کردند و ملک آن را غصب نمودند و درآمد آن را به طور کامل برای مخارج حکومت غاصبانه خود صرف کردند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج1 ص543. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج1 ص187. بحار الانوار: ج 29، ص 110، 115، 118، ج48 ص 157. نهج الحق و کشف الصدق: ص357.

حضرت صدیقه عليها‌السلام همان نوشته و سند فدک را که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمودند و آن حضرت ثبت کرد، عیناً نزد ابوبکر آورد، ولی ابوبکر نه سند را قبول کرد و نه شاهدان را. (1)

بعد از 15 روز که از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم گذشته بود، حضرت صدیقه شهیده عليها‌السلام همراه با جمعی از زنان بنی هاشم به مسجد تشریف بردند و خطبه ای ایراد فرمودند که دریائی از معارف، حقایق بلاغت و فصاحت و شرایع اسلامی در آن است.

ابوبکر نامه ای دال بر بازگرداندن آن به حضرت نوشت، ولی هنگامی که فاطمه زهرا عليها‌السلام آن سند را در دست داشت و به منزل باز می گشت با عمر روبرو شد و او نوشته ابوبکر را با جسارت به ساحت ملکوتی حضرت از او گرفت.

### 2. افشاء سر ولایت توسّط عایشه و حفصه (2)

در این روز در سال دهم هجرت در حجة الوداع پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به حفصه سرّی را بیان فرمود و به او تذکر داد که اگر این سرّ را با کسی بازگو کنی، لعنت خدا و ملائکه و تمامی مردم بر تو باد.

عایشه بلافاصله آن سِر را به حصفه گفت. و هر کدام آن سِرّ را به پدرانشان بازگو کردند، و ابوبکر هم عمر را در جریان قرار داد. کار به جایی رسید که آن چهار زن و مرد تصمیم گرفتند پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را مسموم کنند. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج29 ص105.

2. الغدیر: ج5 ص342. تفسیر قرطبی: ج5 ص172. مجمع الزوائد: ج5 ص178، ج7 ص126. الدر المنثور: ج6 ص240. المعجم الکبیر: ج12 ص92. صحیح بخاری: ج3 ص106. طبقات الکبری: ج8 ص184، 187، 190. تفسیر الجلالین: ص 751. سنن الداقطنی: ج4 ص88.

جبرئیل پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را با خبر کرد و آن حضرت آنها را از توطئه و افشاء سرّ خبر داد. سپس حفصه را طلاق دادند، ولی بعداً به اصرار بعضی رجوع فرمودند و آیات سوره تحریم نازل شد. (1) به قولی افشاء سر در دوازدهم این ماه واقع شده است. (2)

این دو زن چه کرده بودند که خداوند در سوره تحریم آنها را به زن نوح و لوط عليهما‌السلام تشبیه نموده است؟ (3) در آخر آیه 4 این سوره آمده است: اگر شما دو زن یاور هم شوید برای قتل آن حضرت، خداوند و جبرئیل و صالح المؤمنین - یعنی امیرالمؤمنین عليه‌السلام - و ملائکه یاور پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم هستند. (4) «تظاهروا» در آیه شریفه خطاب به عایشه و حفصه است، و معنایش این است که آنان تعاون بر اذیّت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نموده سرّ آن حضرت را فاش کردند و زنان آن حضرت را اذیت نمودند. عمر می گوید: مراد از این دو زن که در اذیّت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم هم پیمان بودند عایشه و حفصه است. (5)

### 3. منزل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 6 «ذات عرق»

در این روز که دوشنبه بود، امام عليه‌السلام با اهل بیتش عليهم‌السلام به منزل ذات عرق رسیدند. (6)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. «وَ إذْ أسَرَّ النَّبِیُّ إلی بَعْضِ أزْواجِهِ حَدیثاً فَلَمّا نَبَّأَتْ بِهِ وَ أظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَیْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَ أعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمّا نَبَّأَها بِهِ قالَتْ مَنْ أنْبَأَکَ هذا قالَ نَبَّأَنِیَ الْعَلیمُ الْخَبیرُ إنْ تَتُوبا إلَی اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُکُما وَ إنْ تَظاهَرا عَلَیْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْریلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنینَ وَ الْمَلائِکَهُ بَعْدَ ذلِکَ ظَهیرٌ». (سوره تحریم: آیات 3و 4).

2. وقائع الشهور: ص229.

3. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً لِلَّذینَ کَفَرُوا امْرَأتَ نُوحٍ وَ امْرَأتَ لُوطٍ کانَتا تَحْتَ عَبْدَیْنِ مِنْ عِبادِنا صالِحَیْنِ فَخانَتاهُما فَلَمْ یُغْنِیا عَنْهُما مِنَ اللَّهِ شَیْئاً وَ قیلَ ادْخُلاَ النّارَ مَعَ الدّاخِلینَ». (سوره تحریم: آیه10). ریاحین الشریعة: ج 2، ص 382 - 383. به نقل از تفسیر خازن بغدادی، فخر رازی، زمخشری. بحار الانوار: ج 22، ص 232-228، ج28 ص97.

4. تفسیر برهان: ج 4، ص 352 - 353. بحار الانوار: ج 22، ص 232، 240، 500، ج36 ص27. الغدیر: ج1 ص394. غایة المرام: ج4 ص83. شرح احقاق الحق: ج3؛ ج14؛ ج20؛ ج30.

5. بحار الانوار: ج4 ص352-353. ریاحین الشریعة: ج2 ص383-382. به نقل از تفسیر خازن بغدادی، فخر رازی، زمخشری. صحیح بخاری: ج6 ص69، ج7 ص46. صحیح مسلم: ج4 ص189. مسند احمد: ج1 ص48. جامع البیان: ج28 ص207. مسند ابن راهویة: ج4 ص21. کنز العمال: ج2 ص533. طبقات الکبری: ج8 ص185. تفسیر قرطبی: ج1 ص26، ج18 ص189.

6. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص158.

15 ذی الحجه

### 1. ولادت امام هادی عليه‌السلام

امام هادی عليه‌السلام بنابر مشهور در چنین روزی از سال 212 یا 214 هـ، در قریه صریا نزدیکی مدینه به دنیا آمد. (1) ولادت آن بزرگوار در 27 جمادی الاخر (2) و 2 و 3 و 5 و 8 و 13 رجب (3) و 27 و 29 ذی الحجه (4) هم نقل شده است.

نام مبارک آن حضرت «علی»، نام پدرشان جواد الائمه عليه‌السلام، و نام مادر آن حضرت سمانه مغربیه معروف به سیده است.

کنیه شریفش ابوالحسن ثالث است. القاب حضرت: نجیب، مرتضی، هادی، نقی، عالم، فقیه، امین، مؤتمن، الطیب، عسکری، فقیه عسکری و ابن الرضا بود. (6)

### 2. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 7 «حاجر» (7)

در این روز که پنجشنبه بود، حضرت امام حسین به منزل «حاجر» رسیدند، (8) و در اینجا بود که برادر رضاعی خود عبدالله بن یقطر یا قیس بن مسهر را با نامه ای به سوی حضرت مسلم فرستاد که در قادسیه توسط حصین بن نمیر دستگیر شد. (9)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج1 ص497. تهذیب الاحکام: ج6 ص92. توضیح المقاصد: ص 30. ارشاد: ج2 ص298. اعلام الوری: ج 2، 109. فیض العلام: ص 121. بحار الانوار: ج 50، ص 116 - 117. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج 4، ص 433. تاریخ قم: ص201. تاج الموالید: ص55. روضة الواعظین: ص246. 2. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج 4، ص 433.

3. بحار الانوار: ج 50 ص 114، 117، ج99 ص79. منتخب التواریخ: ص 789. تاریخ قم: ص201. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج 4، ص 433. تقویم المحسنین: ص 17. اختیارات: ص36.

4. مصباح المتهجد: ص 712. مسار الشیعة: ص23. تاج الموالید»: ص55.

5. کافی: ج1 ص498. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج 4، ص 433. ریاحین الشریعه: ج 3، ص 23.

6. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص432. 7. «حاجز» غلط است.

8. الامام الحسین و اصحابه: ج1 ص161.

9. بحار الانوار: ج44 ص369. الارشاد: ج2 ص70. لهوف: ص136. مثیر الاحزان: ص 30.

16 ذی الحجه

### 1. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 8 «فَید»

در این روز حضرت امام حسین عليه‌السلام به منزل «فید» رسیدند. (1)

17 ذی الحجه

### 1. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: ج9 «اجفُر»

در این روز حضرت اباعبدالله الحسین به منزل «اجفُر» که 36 فرسخی مکه بود رسیدند. (2)

18 ذی الحجه

### 1 - عید غدیر

در این روز در سال دهم هجرت واقعه غدیر در بازگشت از حجة الوداع به وقوع پیوست (3)، و طی سه روز - که کاروان صد و بیست هزار نفری حجاج در غدیر خم توقف

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص162.

2. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص163.

3. الغدیر: ج1 ص10، 33، 231، 236، 268، 280، 286، 296، 392. کافی: ج4 ص149. توضیح المقاصد: ص 31. العدد القویة: ص 166. مصباح کفعمی: ج2 ص601. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص37. مصباح المجتهد: ص 754. بحار الانوار: ج35 ص150، ج37 ص108، 150، 159، 189، ج94 ص110، ج95 ص189، 298. عیدالغدیر فی الاسلام علامه امینی. فیض العلام: ص 125. تذکرة الخواص: ص 37. تاریخ دمشق: ج42 ص233، 234. شواهد التنزیل: ج1 ص200، 203. ینابیع المودة: ج2 ص283. تاریخ بغداد: ج8 ص284.

داشتند - پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در بلندترین خطبه خود علی بن ابی طالب و یازده امام عليهم‌السلام بعد از او را به عنوان امامان مردم تا روز قیامت معرفی کردند و از همه آن جمعیّت بیعت گرفتند.

### عید بزرگ آل محمّد عليهم‌السلام

این روز بزرگترین عید آل محمّد عليهم‌السلام به شمار می آید، چرا که واقعه ای مهم و عظیم بعد از زحمات انبیاء و اوصیاء و اولیاء است، و طی آن به دستور الهی اعلان عمومی به وصایت بلافصل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عليه‌السلام شده است.

این روز عید مبارک آسمانی است.

روزی است که خداوند متعال حضرت ابراهیم عليه‌السلام را از آتش نجات داد.

روزی است که توبه حضرت آدم عليه‌السلام قبول شد.

روزی است که خداوند متعال حضرت موسی عليه‌السلام را بر ساحران غلبه داد.

روزی است که حضرت موسی عليه‌السلام در حضور امّت خود یوشع بن نون را وصی خود گردانید.

روزی است که حضرت عیسی عليه‌السلام شمعون الصفا را جانشین خود گردانید.

روزی که حضرت سلیمان عليه‌السلام رعیت خود را بر جانشینی آصف بن برخیا گواه گرفت.

در این روز کشتی حضرت نوح عليه‌السلام روی زمین قرار گرفت. (2)

روز عقد اخوت بستن پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بین اصحابش است. (3)

در این روز پیامبران جانشینان خود را معیّن می نمودند، (4) و زیارت امیر المؤمنین عليه‌السلام در این روز وارد شده است. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مسار الشیعه: ص 22. الاقبال: ج2 ص265. وسائل الشیعة: ج10 ص445. فیض العلام: ص 125. زاد العماد: ص267. تقویم المحسنین: ص 14.

2. امالی صدوق: ص 190. بحار الانوار: ج45 ص203.

3. مصباح کفعمی: ج 2، ص 125. تقویم المحسنین: ص 14. تقویم الائمه عليهم‌السلام: ص 14.

4. توضیح المقاصد: ص32.

5. بحار الانوار: ج 97، ص 358، 359، 372. فرحة الغری: ص136.

### شرکت کنندگان در مراسم غدیر

ماجرای غدیر چنین بود که در روز شنبه، چهار یا پنج روز مانده به آخر ذی القعده سال 10 هـ، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم غسل نمودند و همراه با 120 هزار نفر از مسلمانان از مدینه خارج شدند.

در این سفر حضرت علیا مخدره صدیقه طاهره فاطمه زهرا عليها‌السلام، امّ هانی خواهر امیر المؤمنین عليه‌السلام، فاطمه بنت حمزه امّ سلمه و سایر همسران پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از جمله عایشه و حفصه حضور داشتند. امیر المؤمنین عليه‌السلام هم از یمن با عده ای وارد مکه شدند. (1)

### دستور الهی برای مراسم غدیر

بعد از انجام اعمال حج دستور الهی رسید که علم و ودایع انبیاء را به امیر المؤمنین عليه‌السلام تحویل دهند و امر ولایت آن حضرت را به مردم تبلیغ نمایند.

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بسیار گریست، به طوری که محاسن مبارکش از اشک تر شد. حضرت از خداوند خواستند که ایشان را از شر منافقین محافظت فرماید. (2) در منی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دوبار خطبه ایراد فرمودند، و اشاره کلّی به ولایت امیر المؤمنین عليه‌السلام فرمودند. در مسجد خیف جبرئیل نازل شد که خداوند می فرماید: «ولایت علی عليه‌السلام را به مردم برسان ولی وعده محافظت از شر دشمنان را برای آن حضرت نیاورد. در کُراع الغُمَیم، بار دیگر جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد که «فَلَعَلَّکَ تارِکٌ بَعْضَ ما یُوحی إلَیْکَ وَ ضائِقٌ بِهِ صَدْرُکَ»: «شاید تو ترک کنی بعضی از اموری را که به تو وحی می شود و سینه تو به خاطر آن گرفته باشد». (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج 4، ص 248. مناقب ابن شهر آشوب: ج 3، ص 25. الغدیر: ج1 ص9. طبقات الکبری: ج 3، ص 173. ارشاد الساری: ج 9، ص 426.

2. بحار الانوار: ج 37، ص 129-127.

3. سوره هود: آیه 12.

باز این بار هم امر ولایت مورد تأکید قرار گرفت، ولی آیه ای دال بر محافظت آن حضرت از شر دشمنان نیامد. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مطالب منافین را به جبرئیل فرمود و کوچ کردند.

اوایل روز 18 ذی الحجه به غدیر خم رسیدند، و بار دیگر جبرئیل نازل شد و آیه 67 سوره مائده را آورد که شامل تبلیغ ولایت مولی الموالی امیر المؤمنین عليه‌السلام و در امان بودن آن حضرت از شر منافین بود: (یا أیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ إنَّ اللَّهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرینَ): «ای پیامبر تبلیغ کن به مردم آن امری را که در باره علی عليه‌السلام از جانب خدا بر تو فرستاده شد و اگر این کار را انجام ندهی رسالت الهی را تبلیغ نکرده ای، و خدا تو را از شر مردم حفظ می نماید. خداوند کافران را هدایت نمی کند». (1)

### پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بر فراز منبر غدیر

قبل از ظهر، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بعد از دو رکعت نماز جماعت عید غدیر، بالای منبری - که زیر دو درخت کهنسال بود و توسّط سلمان و ابوذر و مقداد و عمار ساخته شده بود - رفتند و امیر المؤمنین عليه‌السلام را بر فراز منبر یک پله پایین تر قرار دادند، در حالی که عده ای از منافقین مقابل منبر بودند.

بعد از بیان کلمات دُرربار خویش در توحید و صفات کمال حق تعالی و بیان قسمت عمده ای از احکام حلال و حرام دین خدا، گذشته عرب و زندگی و عقائد آنان و زحماتی که آن حضرت کشیده اند را بیان داشتند. سپس فرمودند: «بین قرآن و اهل بیت عليهم‌السلام اتصال ناگسستنی است و از یکدیگر جدا نمی شوند تا روز قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. سوره مائده: آیه 67.

سپس قسمتی از فضائل و مناقب امیر المؤمنین عليه‌السلام را بیان فرمودند، و در باره امامت و ولایت آن حضرت و اولادشان تا حضرت مهدی عليه‌السلام چند بار تأکید کردند. آنگاه فرمودند: بر من وحی شده است: «بسم اللَّه الرحمن الرحیم یا ایها الرسول بلِّغ ما اُنزِل اِلَیک مِن رَبِّکَ...».

سپس فرمودند: ای مردم، من در تبلیغ آنچه خدا بر من نازل کرده کوتاهی نکردم و من سبب نزول این آیه را بیان می کنم. جبرئیل دوبار بر من نازل شد و از جانب خداوند متعال به من امر کرد که در این مکان به هر سفید و سیاهی از هر قبیله ای اعلام کنم که علی بن ابی طالب عليهما‌السلام وصی و جانشین و امام بعد از من است. او بعد از خدا و رسولش ولی و صاحب شما و اولی بر همه شما از خود شماست. در این باره خداوند بر من آیه ای نازل نموده است. در این باره خداوند بر من آیه ای نازل نموده است: (إنَّما وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذینَ آمَنُوا الَّذینَ یُقیمُونَ الصَّلاهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ راکِعُونَ). (1)

سپس فرمودند: من از جبرئیل خواستم که از خداوند بخواهد مرا از تبلیغ این امر معذور بدارد، چون به کمی مؤمنین و زیادی منافقین و استهزاء کنندگان به اسلام آگاهم. آنگاه فرمودند: معاشر الناس و هو الامام المبین، روی بر مگردانید از ولایت او. فهو الذی یهدی الی الحق و یعمل به. اوست که هدایت به حق می کند و عمل به آن می نماید. او را فضیلت دهید که خدا او را فضیلت داده و او را قبول کنید که خداوند او را منصوب نموده است. ای مردم، او امام از طرف خداست. منکر ولایت او آمرزیده نخواهد شد و توبه اش قبول نمی شود. بعد از من افضل از همه، زنان و مردان علی عليه‌السلام است. ملعون و مورد غضب الهی است کسی که قول مرا رد کند و موافق آن نباشد. بدانید جبرئیل خبر داد که خداوند متعال می فرماید: هر کس با علی عليه‌السلام دشمنی کند و او را دوست نداشته باشد لعنت و غضب من بر او باد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. سوره مائده: آیه 55.

بعد فرمودند: خداوندا، تو شاهد باش. من رسالتم را ادا کردم. من رساندنم آنچه فرموده بودی. من بر همگان واضح نمودم. آگاه باشید، غیر از برادرم علی بن ابی طالب عليه‌السلام دیگری امیرالمؤمنین نیست. امارت مؤمنین بعد از من برای احدی جز علی بن ابی طالب عليه‌السلام حلال نیست.

### معرفی علی بن ابی طالب عليه‌السلام

در اینجا بازوی علی عليه‌السلام را گرفتند و در همین حال علی عليه‌السلام دستان مبارکش را به طرف آن حضرت بلند کرد. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آن حضرت را بالا برد به حدی که پاهای مبارک حضرت تا سر زانوهای پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم رسید. سپس فرمود: «اَلَستُ اولی بِکُم مِن اَنفُسِکُم»؟ همه گفتند: «اللهم بلی». فرمود: «هذا علی اخی و وصیی، من کنت مولاه فهذا علی مولاه و هو علی بن ابی طالب. هر کس که من مولی و صاحب اختیار او هستم این علی مولی و صاحب اختیار اوست. مکان و منزلت او مثل مکان و منزلت من نزد شماست. بار الها، دوست بدار هرکس او را دوست بدارد، و دشمن بدار هرکس او را دشمن بدارد، و کلماتی دیگر برای تأکید فرمان الهی و اقرار مردم بیان نمودند. سپس فرمودند: خبر غدیر را حاضرین به غتئبین و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

### بیعت لسانی و عملی

همین که آن حضرت از منبر پائین آمدند، مردم با صدای بلند با زبان و دست بیعت کردند و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم می فرمود: «هنِّئونی هنِّئونی» (1) به من تبریک بگوئید.

بعد دستور دادند تا چادری جداگانه برای امیرالمؤمنین عليه‌السلام زدند و فرمود: همه بروند و به آن حضرت سلام کنند و بگویند: «السّلام علیک یا امیرالمؤمنین». عمر آمد

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الغدیر: ج 1، ص 274، 284، 375. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج3 ص45. شرح احقاق الحق: ج2 ص472. الروض النضیر فی معنی حدیث الغدیر: ص87.

و سلام کرد و گفت: «بخٍ بخٍ یَابنَ ابی طالب، أَصبَحتَ مَولای و مولی کُلِّ مؤمنٍ و مؤمنةٍ». (1)

ابوبکر نیز در این تهنیت با عمر شریک بود. (2) بیعت سه روز طول کشید و در این سه روز نماز ظهر و عصر را با هم می خواندند. بعد از نماز بیعت تا غروب ادامه داشت، و نماز مغرب و عشاء را نیز با هم می خواندند.

### بیعت زنان

برای بیعت زنان، ظرف آبی زیر پرده ای قرار دادند، به طوری که نصف ظرف در طرفی و نصف دیگر آن در طرف دیگر پرده قرار داشت. یک طرف امیرالمؤمنین عليه‌السلام دست مبارک خود را داخل ظرف آب قرار داده بودند، و طرف دیگر زنها دست خود را می گذاشتند و ضمن تبریک می گفتند: «السّلام علیک یا امیرالمؤمنین». حضور حضرت صدیقه طاهره عليها‌السلام زینت بخش مراسم بود.

از سوی دیگر بیعت عایشه این سابقه او را در اذهان ثبت کرد تا روزی که جنگ جمل را برپا کرد، و در مقابل صاحب غدیر صف آرائی نمود و با خواری و ذلّت از لشکر ولایت شکست خورد. (3)

بعد از اعلام ولایت در غدیر، جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: (الْیَوْمَ أکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَ أتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ اْلإِسْلامَ دیناً) (4):«امروز برای شما دینتان را کامل نمودم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین شما راضی شدم».

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الروضة فی المعجزات و الفضائل: ص129. بحار الانوار: ج 37، ج38 ص 344. الامام علی فی آراء الخلفاء: ص62. شرح احقاق الحق: ج6 ص469. بحار الانوار: شرح احقاق الحق الحق: ج2، ج6 ج21، ج30. الغدیر: ج1، این مطلب را از 60 منبع اهل سنّت نقل کرده است. غایة المرام: ج1 ص268. خلاصة عبقات الانوار: ج7، ج8، ج9. الامام علی فی آراء الخلفاء. تاریخ دمشق: ج42.

2. الغدیر: ج1 ص11، 273، 281، 282، 303، 309، 354. فیض لعلام: ص 123، به نقل از دار قطنی و عاصمی.

3. بحار الانوار: ج 21، ص 38. عوالم: ج 15/3، ص 309.

4. سوره مائده: آیه 3.

### 2. قتل عثمان

در این روز در سال 35 هـ عثمان بن عفان بعد از محاصره خانه او توسّط مسلمین، در سن 81 یا 90 سالگی به دست مردی از اهل مصر کشته شد. (1) عثمان را بعد از کشتن از خانه اش بیرون آوردند و در یکی از مزبله های مدینه انداختند. جسد او متغیر شد و از هم پاچید و سگ ها یکی از پاهایش را خوردند. (2)

از ترس مهاجرین و انصار کسی او را دفن نمی کرد، تا بعد از سه روز با نیرنگ او را به مقبره یهودیان مدینه به نام «حُشّ کوکب» بردند که مزبله ای برای قضای حاجات یا مقبره یهودیان بود و دفن کردند. معاویه در دوران خلافتش خانه های بین این قبرستان و بقیع را خراب کرد، و آن را به قبرستان مسلمین متّصل کرد! (3)

### خلافت غاصبانه عثمان

عثمان بعد از عمر بن خطاب به جای او نشست. عمر در زمان حیات خود بارها گفته بود که بعد از من خلافت از آن عثمان است (4)، ولی به ظاهر امر خلافت را به شوری گذاشت، و آن را به گونه ای پیش بینی کرد که سرانجامش خلافت عثمان شود.

### بدعت های عثمان

عثمان در ایامی که حکومت را به دست داشت خلافهای بزرگی انجام داد:

1. منازلی وسیع و زیبا از سنگ و آجر و ساروج و درب هایی از چوب های هندی و

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مسار الشیعه: ص 22 - 21. توضیح المقاصد: ص 32. العدد القویة: ص166. مصباح کفعمی: ج 2، ص 601. بحار الانوار: ج36 ص493، ج 95، ص 189. منتخب التواریخ: ص6. فیض العلام: 125. تاریخ الخلفاء: ص 162. اسد الغابة: ج3 ص382. مستدرک حاکم: ج3 ص96.

2. بحار الانوار: ج31 ص 168. وقائع الشهور: ص240، از الفتوح ابن اعثم کوفی: ج1 ص430.

3. مسار الشیعة: ص21. بحار الانوار: ج31 ص167، 257. الغدیر: ج9 ص131، 213 - 208. فیض العلام: ص 125. مروج الذهب: ج2 ص341، 355. تهذیب الکمال: ج19 ص458. استیعاب: ج3 ص1048. شرح نهج البلاغة: ج2 ص158. تاریخ مدینة: ج1 ص112. معجم البلدان: ج2 ص262.

4. تاریخ دمشق: ج 39، ص 188 - 189. کنز العمال: ج5 ص736.

خوشبو و گران قیمت ساخت. باغ ها و زمین ها و چشمه های زیادی را مالک شد، و اموال بسیاری را در خزانه خود جمع آوری کرد. هنگامی که کشته شد صد و پنجاه هزار دینار و یک میلیون درهم نزد خازن او بود. اضافه بر زمین های اطراف حنین که صد هزار دینار قیمت داشت، و گاو و گوسفند و شتر فراوانی که از او بر جای مانده بود. (1)

2 - به گروهی چون عبدالرحمن بن عوف و زبیر بن عوام آن قدر مال و باغ و زمین داد که آنها هم خانه های سنگی و آجری و گچ کاری شده بنا کردند. فقط زبیر بعد از مرگ پنجاه هزار دینار، هزار غلام و هزار اسب از خود بر جای گذاشت. (2)

3 - عبیداللَّه بن عمر را به خاطر قتل سه مسلمان قصاص نکرد. بعد از دفن عمر بن خطاب، عبیداللَّه پسر عمر چون دسترسی به ابولؤلؤ پیدا نکرد، بر در خانه او دختر کوچکش را کشت. هرمز عجمی مسلمان و جفینه غلام سعد بن ابی وقاص را هم کشت، به جرم اینکه چند روز قبل از کشته شدن عمر آن دو نفر را دیده بود با فیروز در حال گفتگو هستند.

سعد وقاص عبیداللَّه بن عمر را زمین زد و شمشیرش را گرفت و به غلامانش دستور داد او را حبس کردند تا امر شوری تمام شود. عثمان که خلیفه شد، علی بن ابی طالب عليه‌السلام و دیگران گفتند: «او را قصاص کن». عثمان او را آزاد کرد و گفت: دیروز پدرش کشته شده، امروز پسرش را بکشم؟ من به عنوان خلیفه مسلمین، عبیداللَّه را بخشیدم. (3)

4 - حکم بن ابی ال عاص پدر مروان را که دشمن خدا و رسول بود با احترام به مدینه آورد. او عموی عثمان بود که به عداوت با پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و اهل بیت عليهم‌السلام مشهور بود. حکم به

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مروج الذهب: ج 2، ص 341.

2. مروج الذهب: ج 2، ص 341.

3. الغدیر: ج 9، ص 260. دانستنیهای تاریخ: ج 3، ص 223.

خاطر جسارت هایی که به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نموده بود، از طرف آن حضرت به طائف تبعید شد. بعد از شهادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ابوبکر و عمر شفاعت عثمان را برای حکم قبول نکردند. همین که حکومت به دست عثمان رسید، عموی خود حکم و مروان را با اطرافیان آنها به مدینه آورد و مخالفت صریح با امر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نمود.

دیری نگذشت که به جای حَکَم، ابوذر را بعد از ضرب و شتم بسیار تبعید کرد. از سوی دیگر صد هزار درهم از اموال مسلمین را به حَکَم داد. همچنین خمس افریقیه را که صد هزار دینار بود و همه مسلمین در آن شریک بودند، با فدک به مروان داد! و نیز مروان را برای وزارت و کتابت اسرار خود انتخاب کرد و حال اینکه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مروان و حکم را بارها لعنت فرموده بود. (1)

5. ولید بن عقبه را که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرموده بود: «اهل آتش است»، والی کوفه کرد. ولید مردی فاسق و شارب الخمر بود و شبی تا صبح با کنیزان و مغنیه ها مشروب خورد و صبح با همان حال به مسجد رفت و نماز صبح را چهار رکعت خواند و گفت: دوست دارید بیشتر بخوانم! او در حالتی که سجده را طول داده بود می گفت: «اشرب و اسقنی». (2)

### قتل عثمان به دست مردم

آخر الامر تعداد زیادی از مردم کوفه و مصر و بصره به عنوان اعتراض نزد عثمان آمدند و چون او اوضاع را خطرناک دید با واسطه قرار دادن امیرالمؤمنین عليه‌السلام، وعده داد که به درخواست آنها عمل کند، و حکّام را تعویض و حسن سیره و عدل را پیشه کند. امّا هنگامی که معترضین به شهرهای خود باز می گشتند، پیک مخصوص عثمان را دیدند که از بیراهه می رود. او را گرفتند و نامه ای از طرف عثمان دیدند که به والی مصر نوشته است: به محض آمدن اینها، یکی را بکش، و دست دیگری را قطع کن... آنان

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور: ج 1، ص 221.

2. بحار الانوار: ج31 ص155-153. الغدیر: ج8 ص122-120. تاریخ یعقوبی: ج2 ص165. مروج الذهب: ج 2، ص 343 - 344. الاصابة: ج6 ص481.

برگشتند و افراد زیادی در مسیر همراه آنها به مدینه آمدند و حدود پنجاه روز خانه او را محاصره کردند.

عثمان در ایّام محاصره، از امیرالمؤمنین عليه‌السلام آب طلبید. حضرت سه مشک آب سرد بردند، ولی آخر الامر معترضین به منزل او ریختند و مردی مصری عثمان را کشت. گرچه بنی هاشم مانع شدند، و بنابر نقلی امام حسن عليه‌السلام جراحت مختصری برداشت و سر قنبر زخمی شد. (1)

### 3. خلافت ظاهری امیر المؤمنین عليه‌السلام

در روز قتل عثمان در سال 35 هـ مردم با امیرالمؤمنین عليه‌السلام بیعت کردند. (2)

### 4. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 10 «خزیمیه»

در این روز امام به منزل «خزیمیه» رسیدند. (3) یک شب و یک روز در این منزل ماندند، و صبح هنگام حضرت زینب عليها‌السلام فرمود: برادر! دیشب صدایی شنیدم که گوینده ای می گفت:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الا یا عین فاحتفلی بجهد |  | و من یبکی علی الشهداء بعدی |
| علی قوم تسوقهم المنایا |  | بمقدار الی انجاز وعد |

امام به عليه‌السلام خواهرشان فرمودند: ای خواهر هر چه مقدّر باشد انجام می شود. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الغدیر: ج9 ص237-236. مروج الذهب: ج2 ص353. تاریخ دمشق: ج39 ص418. تاریخ المدینة: ج4 ص1304.

2. مسار الشیعة: ص22 -21. بحار الانوار: ج31 ص493، ج95 ص194. فیض العلام: ص25. تتمة المنتهی: ص 16. مستدرک سفینة البحار: ج5 ص212. تذکرة الخواص: ص60.

3. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص164.

4. بحار الانوار: ج44 ص372. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام: ج4 ص103. کلمات الامام الحسین عليه‌السلام: ص342. لواعج الاشنان: ص 83.

20 ذی الحجه

### 1. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 11 «شقوق»

در این روز امام حسین عليه‌السلام به منزل «شقوق» رسیدند، و گفته شده در اینجا بود که فرزدق امام حسین عليه‌السلام را ملاقات نمود. (1)

21 ذی الحجه

### 1. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 12 «زرود»

در این روز حضرت به «زرود» رسیدند، (2) در این منزل زهیب بن قین بجلی امام حسین عليه‌السلام را ملاقات کرد. (3)

22 ذی الحجه

### 1. شهادت میثم تمّار

در این روز در سال 60 هـ میثم تمّار به دلیل وفاداری به امام حسین عليه‌السلام به دست ابن زیاد به دار آویخته شد و به شهادت رسید. (4) تاریخ شهادت میثم 19 ذی الحجه و روز عاشورا نیز نقل شده است. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص166-165.

2. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص166.

3. کلمات الامام الحسین عليه‌السلام: ص 342. مقتل الحسین عليه‌السلام (ابی مخنف): 73، 75. تاریخ طبری: ج4 ص298. اخبار الطوال: ص246.

4. میثم التمار رحمه‌الله: ص74. اعلام الوری: ج 1، ص 343. قلائد النحور: ج ذی الحجه، ص 416. منتخب التواریخ: ص 131. مراقد المعارف: ج 2، ص 340. وقایع المشهور: ص 240.

5. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 214.

ابوسالم میثم بن یحیی التمار عجمی، چون خرما فروش بود ملقب به «تمار» شد. از یاران و صحابی با وفا دوستان و شیعیان حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام بود، صاحب علم منایا و بلایا بود، و دارای علم تفسیر، و ایمانی کامل بود. او زاهد و عابد بود، و شب ها به قیام و روز ها را به روزه می گذراند. دارای بیانی فصیح بود و نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مقامی جلیل داشت.

هنگامی که قصد حج داشت ام سلمه به او گفت: خیلی از اوقات در دل شب رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به علی بن ابی طالب عليهما‌السلام سفارش شما را می فرمود.

منزلت میثم در نزد امیرالمؤمنین عليه‌السلام مانند منزلت سلمان بود در نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بود. ابن زیاد ملعون این بزرگوار را به شهادت نرساند مگر به خاطر مصاحبت و ولای امیرالمؤمنین عليه‌السلام. آن حضرت نیز علاقه و افری به او داشت، حتی گاهی اوقات از مسجد جامع خارج شد و در مغازه میثم می نشست و با او صحبت می کرد. و گاهی که حضرت عليه‌السلام میثم را برای کاری فرستاد و برای میثم خرما می فروخت. (1)

میثم از امیرالمؤمنین و از امام حسن و امام حسین علم را فرا گرفته بود، تا اینکه آن بزرگوار را گرفتند و به دار زدند، با اینکه دست و پای او را قطع کرده بودند اما فضائل و مناقب امیرالمؤمنین عليه‌السلام را می گفت تا او را به شهادت رساندند.

7 نفر از خرما فروشان کوفه شبانه او را از دار پایین آورده، بدن او را درمحلی فعلی قبر شریف دفن نمودند. (2)

### 2. خروج ابراهیم بن مالک اشتر برای جنگ با ابن زیاد

هنگامی که کوفه را جناب مختار رحمه‌الله از قتله سیّد الشّهداء عليه‌السلام پاک کرد، در این روز

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مناقب آل ابی طالب: ج2 ص367. میثم التمار: 19. بحار الانوار: ج41 ص268.

2. ارشاد: ج1 ص325-323. رجال کشّی: ص80، 83، 86. بحار الانوار: ج41 ص268، ج42 ص 124، 138. اعیان الشیعة: ج10 ص198. نفس المهموم: ص 127. میثم التمار رحمه‌الله. سفینة البحار: ج4 ص337. اختیار معرفة الرجال: ج1 ص292. شرح نهج البلاغة: ج2 ص292 -291.

ابراهیم بن مالک اشتر با 12000 یا به روایت ابن نما با کمتر از 20000 نفر برای جنگ با ابن زیاد از کوفه خارج شد و مختار به مشایعت او رفت.

لشکر ابراهیم تا کنار نهر خازر در پنج فرسخی موصل رفت، و آن مکان را لشکرگاه کرد. عبیداللَّه به موصل آمد و آنجا را با سی هزار یا هشتاد هزار سواره تصرّف کرد و آماده جنگ با لشکر ابراهیم شدند.

شبی که فردایش جنگ شروع می شد، خواب به چشمان ابراهیم بن مالک نیامد و این کلمات را بارها برای لشکرش تکرار کرد: «ایها الناس، شمائید انصار دین و شیعه امیرالمؤمنین عليه‌السلام، و این است عبیداللَّه بن مرجانه قاتل حسین بن علی عليه‌السلام. این است که پسر فاطمه زهرا عليها‌السلام را از جرعه ای آب منع کرد در حالی که عیالات و اطفال او فریاد «العطش» می زدند. او بود که مانع شد که پسر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به جائی برود، و اطراف او را گرفتند تا با لب تشنه شهیدش کردند و عیالات او را مانند کنیزان بر شتران سوار کرده به شام بردند. به خدا قسم فرعونیان با بنی اسرائیل نکردند آنچه این ملاعین با ذریّه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم کردند».

سپس ابراهیم دعا کرد که خداوند نصرت و پیروزی را نصیب ما فرماید، چون ما برای خونخواهی اهل بیت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم غضب کرده ایم.

صبح قسمتهای مختلف لشکر و پرچم ها را بازدید نمود و جنگ آغاز شد. سرانجام بعد از چند روز جنگ، و فرار لشکر عبیداللَّه بن زیاد در روز عاشورای سال 67 هـ عبیداللَّه به دست ابراهیم بن مالک اشتر نخعی به درکات جهنّم شتافت و سر او را برای مختار فرستادند. (1)

### 3. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 13 «ثعلبیه»

در این روز امام حسین به همراه اهل بیت و اصحابشان به منزل «ثعلبیه» رسیدند

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج 45، ص 384-380. فرسان الهیجاء: ج 2، ص 239-235. تاریخ طبری: ج4 ص548. البدایة و النهایة: ج8 ص307، 310.

که یکی از دهات مخروبه بود. (1) بنابر نقلی در این منزل عبدالله بن سلیم و مذری بن مشهل که هر دو از بنی اسد بودند از مکه به طرف امام حسین می آمدند که کسی را ملاقات کردند که خبر از شهادت جناب مسلم و هانی داد. این دو نفر خبر شهادت جناب مسلم و هانی را در ثعلبیه به امام حسین دادند، امام چند بار فرمود: انا الله و انا الیه راجعون، صدای گریه و ناله بلند شد. (2) ولی مشهور این است که خبر در منزل زباله به حضرت عليه‌السلام رسیده است.

23 ذی الحجه

### 1. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 14 «زباله»

در این روز حضرت ابا عبدالله الحسین با اهل بیت و یاران خود به منزل «زباله» رسیدند. (3) شیخ مفید و علامه مجلسی رحمه‌الله می فرمایند: در این منزل خبر شهادت جناب مسلم بن عقیل و هانی و عبدالله بن یقطر به امام حسین رسید، و صدای گریه و ناله بلند شد و آنهایی که ایمان نداشتند از اطراف حضرت رفتند. (4)

24 ذی الحجه

### 1. روز مباهله

این روز از یک سو روز مباهله اهل بیت عليهم‌السلام با نصاری نجران است و از سوی دیگر نزول آیه تطهیر در شأن اهل بیت عليهم‌السلام. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص166.

2. ارشاد: ج2 ص74. بحار الانوار: ج44 ص373. کلمات الامام الحسین عليه‌السلام: ص344. تاریخ طبری: ج4 ص299.

3. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص172.

4. ارشاد: ج2 ص75. بحار الانوار: ج44 ص373. مثیر الاحزان: ص 32.

5. مسار الشیعة: ص 23 - 22. العدد القویة: ص 307 - 308. مصباح کفعمی: ج 2، ص 601. توضیح المقاصد: ص32. بحار الانوار: ج 21، ص 345، ج78 ص22، ج95 ص198، ج97 ص168، 210، 384. فیض العلام: ص 129 - 127. زاد المعاد: ص 287. تقویم المحسنین: ص 14. اختیارات: ص40.

هنگامی که این آیه نازل شد پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم علی و فاطمه و حسن و حسین عليهم‌السلام را فرا خواند و فرمود: «اللهم هؤلاء اَهلی (اَهل بیتی)» «بار الها اینان اهل من هستند». (1)

### نامه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به نصارای نجران

در سال دهم هجری پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نامه ای به نصارای نجران فرستادند، به این مضمون که خداوند یکتا را عبادت کنند و مسلمان شوند، یا به مسلمین جزیه بدهند و به مذهب خود باشند وگرنه آماده جنگ باشند.

بنی نجران در کلیسای بزرگ خود به مشورت پرداختند، عده ای مانند «سید» که از بزرگان قوم بود و «عاقب» که اسقف نجران بود مخالفت خود را با تسلیم در برابر خواسته پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم اعلام کردند. در مقابل عده ای مانند «ابوحارثه» اسقف اعظم نجران که 120 سال عمر داشت و در باطن مسلمان بود با امر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم موافق بودند. بعد از دو روز مشورت قرار شد کتاب «جامعه» را که صفات پیامبر بعد از حضرت عیسی عليه‌السلام را ذکر کرده بود، و صحیفه حضرت شئت عليه‌السلام را بخوانند. در حضور جمع مسیحیان و فرستادگان پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فصلهای جامعه قرائت شد و با اذعان به آنچه در جامعه آمده بود تصمیم گرفتند هفتاد نفر از جمله سیّد و عاقب و ابوحارثه را برای تحقیق به مدینه بفرستند.

### نجرانیان در مدینه

آنان به مدینه آمدند و خدمت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شرفیاب شدند. هرچه آن حضرت دلیل و

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج35 ص237-206، 265. مناقب امیرالمؤمنین: ج1 ص157، ج2 ص132، 152، 159، 162، 502. شرح احقاق الحق: ج2، 3، 9، 14، 18، 22، 24، 30، 33. غایة المرام: ج3 ص230 - 173. مسند احمد: ج1 ص185، ج4 ص107، ج6 ص292، 304. مستدرک حاکم: ج2 ص416، ج3 ص108، 146، 147، 150. صحیح مسلم: ج7 ص121. شواهد التنزیل: ج1 ص1161، ج2 ص139-28. تاریخ دمشق: ج13 ص206-203، ج14 ص145-138، ج42 ص114-112. جامع البیان: ج22 ص12-10. تاریخ الخلفاء: ص169.

برهان آورد آنان قبول نکردند و امر به مباهله واگذار شد. جبرئیل عليه‌السلام نازل شد و این آیه را آورد: (فَمَنْ حَاجَّکَ فیهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أبْناءَنا وَ أبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أنْفُسَنا وَ أنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَی الْکاذِبینَ) (1) «اگر کسی با تو مجادله کند بعد از علمی که نزد تو آمده، بگو بیاید تا فرا خوانیم پسران خود و زنهای خود و کسی که به منزله جان ماست. آنگاه نفرین کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

لذا قرار بر مباهله شد و سیّد و عاقب به محل ارروی خود در خارج مدینه رفتند. آنان با یکدیگر مشورت کردند و بعضی از علمای آنها گفتند: «اگر فردا محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم با اصحاب و جمعی کثیر برای مباهله حاضر شود این روش پادشاهان است و ترسی به خود راه ندهید. ولی اگر خواص اهل بیت خود را آورد این کار انبیاء است».

### مراسم مباهله

روز دیگر هنگام بالا آمدن آفتاب، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دست علی بن ابی طالب عليه‌السلام را گرفت و از حجره بیرون آمد. امام حسن و امام حسین عليهما‌السلام را پیش رو روانه فرمود و حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا عليها‌السلام از پشت سر آمدند، تا بین دو درختی که قبلاً تعیین شده بود رسیدند. قبلاً به دستور حضرت زیر آن دو درخت را جارو زدند، و به عنوان سایه بان عبای سیاهی بالای درخت قرار دادند. مسلمانان مدینه هم آمدند، بنی نجران هم با فرزندان خود آمدند. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم کسی را نزد سیّد و عاقب فرستاد که ما آماده ایم.

اسقف با همراهان آمد و گفت: به چه کسانی با ما مباهله می کنید؟ پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «با بهترین اهل زمین و نیکوترین جهانیان نزد خداوند متعال زیرا که از طرف خداوند متعال امر شده ام که آنها را بیاورم»، و اشاره به آل عبا عليهم‌السلام فرمودند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. سوره آل عمران، آیه 61.

سید و عاقب و اسقف همین که چشمشان به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و آل عبا عليهم‌السلام افتاد، وحشت کردند به حدی که چهره هایشان زرد شد. ابوحارث که میل به اسلام داشت فرصت را مغتنم شمرده، پا پیش گذاشت و دست سید و عاقب را گرفته پس کشید و آنها را نصیحت کرد و از عواقب این مباهله مطلع کرد و گفت: صفات او و اهل بیت او را در کتاب ها خوانده اید. این محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم همان پیامبر است، مگر نمی بینید ابرهای سیاه را، و دگرگونی آفتاب را، و شاخه های درختان را که خم شده، و صدای مرغان، و دود سیاه اطراف و آثار زلزله را که در کوه ها نمودار شده است. آن بزرگواران منتظرند که دست به دعا بردارند. به خدا قسم اگر سخنی گویند از ما نشانی نمی ماند. برویم و با او صلح کنیم.

### پرهیز نجرانیان از مباهله

بنی نجران ابوحارث را فرستادند و او مسلمان شد و عرض کرد: مردم نجران پشیمان شده اند. حضرت فرمود: اسلام بیاورند. گفت: قبول نمی کنند. فرمود: آماده جنگ باشند. گفت: قدرت این کار را ندارند، ولی حاضرند جزیه را قبول کنند.

پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمودند: «شرایط ذمّه و مقدار آن را به آنها بگویید». بعد از معیّن نمودن جزیه و شرائط آن، امیرالمؤمنین عليه‌السلام آنها را نزد پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آوردند، و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «اگر با من و این جماعت اهل بیت من مباهله می نمودید، به صورت میمون و خوک می شدید و این وادی بر شما آتش می شد و یک سال نمی گذشت که تمامی نصاری نابود می شدند». (1)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. اقبال: ج2 ص350-309. بحار الانوار: ج21 ص 278، 281، 345، ج35 ص259، 261. تفسیر برهان: ج 1، ص 287 - 288. روضة الواعظین: ص164. قلائد النحور: ج ذی الحجه، ص 438-427. تاریخ المدینة: ج2 ص582. الدر المنثور: ج2 ص39. جامع البیان: ج3 ص409.

### 2. روز خاتم بخشی (1)

در این روز امیرالمؤمنین عليه‌السلام در مسجد پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم انگشتر خود را در حالت رکوع به سائل بخشید، و آیه مبارکه (إنَّما وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذینَ آمَنُوا الَّذینَ یُقیمُونَ الصَّلاهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ راکِعُونَ) (2) در شأن آن حضرت نازل شد. (3)

امام صادق عليه‌السلام درباره معنای این آیه شریقع از پدرشان از جدّشان عليهم‌السلام نقل می کنند که فرمودند: (یَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ یُنْکِرُونَها) (4): «نعمت خداوند را می شناسند و سپس آن را انکار می کنند». حضرت فرمودند: هنگامی که آیه مبارکه «انما ولیکم اللَّه...» نازل شد عده ای از اصحاب پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در مسجد مدینه جمع شدند. بعضی به بعض دیگر گفتند: در باره این آیه چه می گویید؟ بعضی گفتند: اگر منکر این آیه بشویم سایر آیات را هم باید منکر شویم و اگر ایمان به این آیه بیاوریم و قبول کنیم برای ما ذلّت است، زیرا علی بن ابی طالب عليه‌السلام بر ما مسلّط می شود. عده ای از منافقین گفتند: ما می دانیم که محمّد (صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم) در آنچه می گوید صادق است. او را به ظاهر دوست داریم، ولی از علی (عليه‌السلام) در آنچه امر می کند اطاعت نمی کنیم.

حضرت فرمودند: در این هنگام این آیه نازل شد: (یَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ یُنْکِرُونَها)، یعنی: ولایت علی بن ابی طالب عليه‌السلام را می شناسند و حال اینکه اکثر آنها که آن را می شناسند نسبت به ولایت آن حضرت کافرند. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. قلائد النحور: ج ذی الحجه، ص 426. اکابر اهل سنّت اتّفاق دارند که آیه «انما ولیکم اللَّه...» در شأن امیرالمؤمنین عليه‌السلام نازل شده است. مانند فخر رازی، محمّد صدر عالم، ابن مردویه، خطیب بغدادی، ابن عساکر، محمّد بن اسماعیل الامیر، ابن مغازلی، ابواللیث سمرقندی، سبط ابن جوزی، شهاب الدین احمد، ابن صباغ، ابونعیم، ملاعلی قوشجی، سمعانی، واقدی، بیهقی، نسائی، خوارزمی، طبری، کلبی، حموینی و... 2. سوره مائده: آیه 55.

3. مسار الشیعة: ص23. مصباح المجتهد: ص703. السرائر: ج1 ص418. العدد القویة: ص308. بحار الانوار: ج35 ص190، ج95 ص384. توضیح المقاصد: ص32. اختیارات: ص40. وقائع الشهور: ص242. قلائد النحور: ج ذی الحجه، ص426. انوار العلویة: ص125. 4. سوره نحل: آیه 83.

5. کافی: ج1 ص427. بحار الانوار: ج42 ص63، ج35 ص191. تفسیر برهان: ج 1، ص 479. غایة المرام: ج2 ص15. تفسیر نور الثقلین: ج1 ص644.

بعضی از مخالفین گفته اند: برای کسی اتّفاق نیفتاده که در یک زمان جمع بین دو عبادت مالی و بدنی بنماید مگر برای علی بن ابی طالب عليه‌السلام، و برای احدی نیامده از فضائل مثل آنچه برای علی عليه‌السلام آمده است.

### 3. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 15 «القاع»

در این روز امام حسین عليه‌السلام به منزل القاع رسیدند. (1)

25 ذی الحجه

### 1. نزول سوره هل اتی

در این روز سوره «هل اتی» در شأن امیر ال مؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین عليهم‌السلام نازل شده است. این مهم بعد از سه روز روزه آنان و اعطای افطارشان به مسکین و یتیم و اسیر بود که آن طعام بهشتی نازل شد. (2)

امام صادق عليه‌السلام فرمود: آن کاسه ای که طعام از بهشت آوردند و آن بزرگواران میل کردند نزد ماست و حضرت صاحب الامر عليه‌السلام آن را ظاهر خواهد کرد، و طعام بهشتی از آن تناول خواهند فرمود. (3)

### 2. اولین نماز جمعه امیر المؤمنین عليه‌السلام

این روز مقارن است با اولین جمعه ای که امیرالمؤمنین عليه‌السلام بعد از بیعت مردم با آن حضرت نماز جمعه خواندند. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص178.

2. مسار الشیعة: ص23. مصباح المتهجد: ص 712. العدد القویه: ص 315. مصباح کفعمی: ج 2، ص 601. توضیح المقاصد: ص 32. بحار الانوار: ج35 ص242، 255، ج95 ص199، ج97 ص210. تقویم المحسنین: ص14. زاد المعاد: ص 301. اختیارات: ص40. فیض العلام: ص 128.

3. زاد المعاد: ص 304. بحار الانوار: ج43 ص31، 63.

4. بحار الانوار: ج32 ص8. منتخب التواریخ: ص 159. تاریخ طبری: ج3 ص457، 468. الفتنة و وقعة الجمل: ص95، 111. مستدرک حاکم: ج3 ص114.

### 3. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 16 «عقبه»

در این روز حضرت سید الشهداء عليه‌السلام به منزل عقبه رسیدند. (1) امام صادق عليه‌السلام می فرماید: هنگامی که حضرت عليه‌السلام بالای وادی عقبه آمدند به اصحاب فرمودند: «نمی بینم خود را مگر آنکه به دست دشمن کشته می شوم». عرض کردند: چرا یا اباعبدالله؟ فرمود: «رؤیایی دیدم که سگ هایی چند بر من حمله می کنند و یکی از آن سگ ها که موذی ترین آنها بود سگی پیس بود». (2)

26 ذی الحجه

### 3. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 17 «شراف»

در این روز حضرت ابا عبدالله الحسین عليه‌السلام با اهل بیت و اصحاب به منزل «شراف» رسیدند. (3) این منزل دارای آب زیادی بود و امام عليه‌السلام به جوانان امر فرمودند که آب بردارند.

از این منزل به بعد بود که عبدالله بن زیاد لشکر برای مانع شدن آن حضرت از ورود به کوفه فرستاد. (4)

27 ذی الحجه

### 3. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 17 «ذو حُسُم» (5)

در این روز امام حسین به منزل «ذو حُسُم»، ذو حُسی، ذو خشُب، ذو جشمی

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص180.

2. کامل الزیارات: ص157. بحار الانوار: ج45 ص3، 87.

3. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص181، 187.

4. ارشاد: ج2 ص76. بحار الانوار: ج44 ص375. مقتل الحسین: ص81. تاریخ طبری: ج4 ص302.

5. نام این منزل را «ذو حُسی»، «ذو خشُب»، «ذو جشمی» نیز گفته اند.

رسیدند. (1) روز یکشنبه بود که امام عليه‌السلام امر فرمودند خیمه ها را بر پا کنند. در این هنگام لشکر حر بن یزید ریاحی با قریب هزار سرباز در گرمای ظهر رسیدند. امام عليه‌السلام به جوانانش دستود داد تا آنان را با اسب هایش سیراب کنند. جوانان و اصحاب همه را سیراب کردند و ظروف و طشت ها را پر آب می نمودند و نزد چهارپایان می بردند و صبر می کردند تا سه، چهار پنج بار سر از طشت بر می داشتند و سیراب که می شدند به نزد حیوان دیگر می بردند. (2)

### 1. مرگ مروان

در این روز در سال 133 هـ مروان بن محمد بن مروان بن حکم معروف به مروان حمار آخرین خلیفه بنی امیّه کشته شد، و دولت هزار ماهه بنی امیّه منقرض شد. (3)

بعد از قیام بنی عباس به ریاست سفاح، عبداللَّه بن علی عموی خویش را برای جنگ با مروان فرستاد. مروان به بوصیر که نواحی فیوم در مصر بود گریخته بود، در طول مسیر هر کس از بنی امیّه را که می دیدند می کشتند. در کنار نهر اردن جماعت بسیاری را کشتند و روی آنها سفره انداختند و غذا خوردند. عبداللَّه عموی سفاح گفت: «هرچه انجام دهیم تلافی روز شهادت حسین بن علی عليه‌السلام نمی شود».

از آنجا عده ای را همراه با عامر بن اسماعیل برای دفع شر مروان فرستاد. در بوصیر مروان را در کلیسایی سر بریدند و زبان او را قطع کردند و زبانش را گربه ای خورد. جالب اینکه روز قبل مروان زبان غلامی را بریده بود و همان گربه خورده بود. سپس زن و بچه او را اسیر کرده نزد سفاح فرستادند. بعضی این واقعه را در 21 این ماه ذکر کرده اند (4) و عده ای در هفدهم. (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص183.

2. ارشاد: ج2 ص80-70. بحار الانوار: ج44 ص376. نفس المهموم: ص188. ذریعة النجاة: ص59.

3. اقبال: ج3 ص115. تتمة المنتهی: ص 146. زاد المعاد: ص 304. فیض العلام: ص 131. وقائع الشهور: ص243. التنبیه و الاشراف: ص283. تاریخ طبری: ج6 ص97.

4. جنات الخلود: ص64. قلائد النحور: ج ذی الحجه، ص 413.

### 3. واقعه حرّه

در چهارشنبه، 27 ذی الحجه سال 63 هـ به وقوع پیوست، که تعبیر رواین سه روز به آخر ذی الحجه مانده 27 یا 28 است. (6)

در این روز بود که به امر یزید ملعون قتل و غارت اهل مدینه صورت گرفت و پس از کشتن بیش از 4000 نفر، مسرف (مسلم) بن عقبه اموال و زنان اهل مدینه را تا سه روز بر لشکر خود مباح کرد. اینواقعه مشهور به واقعه حرّه است و دو ماه و نیم قبل از مرگ یزید ملعون اتّفاق افتاده است.

### 4. وفات علی بن جعفر عليه‌السلام

در این روز در سال 210 هـ علی بن جعفر عليه‌السلام وفات کرد. (7) امامزاده جلیل القدر جناب علی بن جعفر الصادق عليه‌السلام سیّدی بزرگوار، شدید الورع، کثیر الفضل و عالمی عامل و یکی از بزرگترین روات موثق شمرده شده است. او امام صادق و حضرت موسی بن جعفر و امام رضا و حضرت جواد عليهم‌السلام را درک نموده است.

جناب علی بن جعفر عليه‌السلام از سایر برادران خود کوچکتر بود، و پس از فوت پدر بزرگوارش همواره ملازمت برادر خود حضرت موسی بن جعفر عليه‌السلام را اختیار کرده بود. معالم دین و احادیث بسیاری از آن حضرت اخد نموده و روایت می کرد که از جمله آنها کتاب «مسائل علی بن جعفر» است. همچنین «مسائل الحلال و الحرام» و «المناسک» منسوب به آن بزرگوار است. (8)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

5. بحار الانوار: ج95 ص357.

6. بحار الانوار: ج 18، ص 126 - 125. قلائد النحور: ج ذی الحجه، ص 448. فیض العلام: ص 132. تاریخ خلیفة بن خیاط: ص192. تاریخ دمشق: ج27 ص19، ج34 ص287.

7. قلائد النحور: ج ذی الحجه، ص 448. سبل الرشاد الی اصحاب الامام الجواد عليه‌السلام: ص 175.

8. سبل الرشاد الی اصحاب الامام الجواد عليه‌السلام: ص 175.

### احترام علی بن جعفر عليه‌السلام به مقام امامت

محمّد بن حسن عمار می گوید: مدت 2 سال در مدینه طیّبه محضر علی بن جعفر عليه‌السلام را درک کرده احادیثی را که از برادر خود موسی بن جعفر عليه‌السلام اخذ نموده بود شنیده و می نوشتم. روزی خدمتش بودم که حضرت جواد عليه‌السلام وارد مسجد پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شد. علی بن جعفر عليه‌السلام تا آن حضرت را دید از جای برخاست و بدون کفش و رداء به خدمتش شتافت و دست او را بوسید و او را تعظیم و تکریم نمود. آن حضرت فرمودند: عمو بنشین، خداوند تو را رحمت کند. علی بن جعفر عليه‌السلام فرمود: آقای من، چگونه بنشینم با اینکه شما ایستاده اید.

هنگامی که آن حضرت به او اجازه فرمودند، به جای خود باز گشت و در مجلس مشست. اصحابش او را سرزنش کردند که تو عموی پدر او هستی! چگونه با وی این سان معامله می کنی؟ علی بن جعفر عليه‌السلام فرمود: ساکت شوید! پس دست را بالا برد و محاسن خود را گرفت و فرمود: حق تعالی مرا با این محاسن اهلیّت امامت نداده، ولی این جوان را اهلیّت بخشیده و امامت را به او تفویض فرموده، با این حال چگونه فضل او را انکار کنم و چگونه به او احترام نگذارم. با اینکه من بنده او هستم؟ (1)

از این روایت پیداست که آن جناب تا چه حدّی نسبت به امام زمان خود معرفت داشته و از جمله رواتی است که تمامی علماء رجال ایشان را ستایش بلیغ نموده اند.

### مسافرت های علی بن جعفر عليهما‌السلام

مسکن آن جناب در قریه عریض در چهار میلی مدینه طیّبه بوده است، و از این جهت به آن حضرت عریضی مدنی گویند، و فرزندان او را عریضیون می خوانند. نسل آن حضرت از چهار پسرش محمّد و احمد و حسن و جعفر است.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کافی: ج1 ص322. بحار الانوار: ج47 ص266. سبل الرشاد الی اصحاب الامام الجواد عليه‌السلام: ص 179.

علی بن جعفر عليه‌السلام در عریض یا مدینه بود که اهل کوفه از ایشان درخواست کردند در کوفه نزول اجلال فرمایند. آن حضرت قبول فرموده و چندی در کوفه به نشر معالم دین و احادیث سیّد المرسلین و ائمه هدی عليهم‌السلام پرداخت. بعد از چندی مردم قم از ایشان خواستند به قم تشریف فرما شوند. آن بزرگوار از کوفه به قم مهاجرت فرمود و در قم ماند تا به رحمت الهی پیوست و در خارج قم نزدیک دروازه جنوبی (قدیم) دفن شد.

در دو مکان دیگر قبری منسوبه ایشان وجود دارد: یکی در عریض یک فرسخی مدینه و دیگری در خارج شهر سمنان. (2)

مسعودی روز وفات آن حضرت را 27 ذی الحجه و سال وفات را 233 هـ و عمر آن حضرت را 72 سال می داند. (3)

28 ذی الحجه

### 1. منزل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 19 «عذیب الهجانات»

در این روز امام حسین به منزل «عذیب الهاجانات» رسیدند. در این منزل مجمّع و طرمّاح و نافع بخ امام حسین ملحق شدند و حرّ بن یزید ریاحی قصد داشت آنها را بگیرد یا برگرداند که امام عليه‌السلام فرمودند: «آنها اصحاب من هستند»، و حرّ مانع نشد.

به قولی در این منزل بود که خبر شهادت قیس بن مسهّر صیدوای را به آن حضرت عليه‌السلام دادند. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. اقتباس از کتابهای انوار المشعشعین، فصل الخطاب، عمدة الطالب: ج 1، تاریخ انجم فروزان، ریاض الانساب رجال کبیر، رجال کشی، منتخب التواریخ.

2. منتخب التواریخ: ص 226.

3. مروج الذهب: ج 4، ص 127.

4. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص185.

29 ذی الحجه

### 1. منزل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 19 «قطقطانیه»

در این روز حضرت ابا عبدالله الحسین عليه‌السلام با اصحابشان به همراه لشکر حرّ به «قطقطانیه» رسیدند. (1)

بنا بر روایتی امام صادق فرمود: هنگامی که در قطقطانیه نزول اجلال فرمودند چشم حضرت به خیمه ای بنا شده افتاد، و پرسید: این خیمه از آن کسیت؟ عرض کردند: از آن عبدالله بن حرّ جعفی است... (2) و گفته شده که در قصر مقاتل عبدالله بن حر الجعفی با امام ملاقات داشته است.

آخر ذی الحجه

### 1. مرگ پدر ابوبکر

در آخر سال 13 هـ ابوقحافه عثمان بن عامر، پدر ابوبکر، در سن 97، یا 99 یا 104 سالگی از دنیا رفت. ابوقحافه در روز فتح مکه اسلام آورد، و در زمان عمر، بعد از ششماه و چند روز از مرگ ابوبکر مُرد. (3)

### 2. مرگ هند جگرخوار

در سال 13 هـ در روز مرگ ابوقحافه، هند جگرخوار همسر ابوسفیان و مادر معاویه بدرکات جحیم شتافت. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه: ج1 ص186.

2. امالی صدوق: ص219. بحار الانوار: ج44 ص314.

3. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 210. التنبیه و الاشراف: ص249. مروج الذهب مسعودی: ج 2، ص 307. طبقات الکبری: ج3 ص211. تاریخ طبری: ج2 ص617. تاریخ دمشق: ج30 ص461.

4. تتمه المنتهی: ص 43. بحار الانوار: ج18 ص17. التنبیه و الاشراف: ص249. اسد الغابة: ج5 ص563. فتح الباری: ج9 ص419. البدایة و النهایة: ج7 ص60. استیعاب: ج4 ص1923.

هند به ظاهر همسر ابوسفیان و مادر معاویه و عتبه و یزید بود (1)، اما از صاحبان پرچم بود که مردها به او مراجعه می کردند، و میل زیادی به غلامان سیاه داشت، ولی هرگاه بچه سیاهی را می زائید او را می کشت.

معاویه را به چهار کس نسبت می دهند: مسافر بن ابی عمرو، عماره بن ولید بن مغیره، عباس و صباح که این ملعون مغنی عماره بن ولید و جوانی خوش سیما بود و کارگری ابوسفیان می نمود. هند با او الفتی خاص داشت، و لذا علمای انساب عتبه بن ابی سفیان را هم از صباح می دانند.

هنگامی که هند به معاویه بارور شد مایل نبود او را در خانه بزاید. لذا کنار کوه اجیاد آمد و آنجا وضع حمل کرد و به این دلیل است که حسان می گوید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| لمن الصبی بجانب البطحاء |  | فی التراب ملقی غیر ذی مهد (2) |

فرزندی که در کنار بیابان مکه بدون گهواره روی زمین رها شده از آن کیست؟!!!

### سوابق سوء خاندان معاویه با اسلام

از این زن و شوهر و فرزندش معاویه و نوه اش یزید، اذیت ها و جسارت ها به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین عليهم‌السلام رسیده که در کتب تاریخ و روایات به تفصیل ذکر شده است.

از آن جمله در مسیر حرکت کفار قریش به طرف احد برای جنگ با پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، هند قصد داشت قبر مادر آن حضرت جناب آمنه بنت وهب عليها‌السلام را نبش کند و جسارت کند، چه اینکه پدر و مادر و عموی هند در بدر کشته شده بودند. ولی کفار قریش

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. تتمه المنتهی: ص 50. بحار الانوار: ج 20، ص 549. حمزه سیّد الشّهداء عليه‌السلام: ص 26 - 28. منتخب التواریخ: ص 51.

2. بحار الانوار: ج33 ص201. الغدیر: ج10 ص170. النصائح الکافیة لمن یتولّی معاویة: ص144. تتمة المنتهی: ص47-46. شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید: ج1 ص336.

مانع شدند و گفتند: «این رسم می شود و مرگان ما را هم این چنین می کنند». هند گفت: باید محمّد یا علی یا حمزه را بکشم! این بود که وحشی را بر این کار گماشت و وعده هائی به او داد. وحشی گفت: «قادر به کشتن پیامبر و علی نیستم ولی برای حمزه کمین می کنم »، با این مقدمه بود که آن بزرگوار را حسب دستور هند ملعونه به شهادت رساند.

به دستور هند وحشی سینه مبارک حضرت حمزه عليه‌السلام را شکافت، و جگر آن بزرگوار را خارج کرد و مانند سگ به دندان گرفت ولی جگر مانند سنگ نقره ای رنگ شد و دندانش کارگر نشد، و آن را روی زمین انداخت و از آن روز ملقب به «آکلة الاکباد» شد. بعد خودش با خنجر گوش، بینی و... حضرت حمزه را برید و به گردن آویخت. با این جنایت، دل مبارک پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را آزرد و آن حضرت و امیرالمؤمنین عليهما‌السلام و فاطمه زهرا عليها‌السلام و صفیه عمع پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و خواهر حمزه و دیگران گریستند. با این همه جنایت، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم اسلام هند و همسرش را - که با اکراه مسلمان شده بودند - پذیرفت.

ابن ابی الحدید: می گوید: هند با عده ای از زنهای قریش خدمت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آمدند در حالی که نقاب زده بود و خود را پوشانده بود به خاطر کارهائی که بر ضد پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم انجام داده بود، مخصوصاً شهادت جناب حمزه عليه‌السلام، و می ترسید که آن حضرت او را مؤاخذه فرماید.

حضرت عهد و پیمان از آنها گرفت که به خداوند متعال شرک نورزند و مطالبی دیگر را نیز شرط فرمود و آنها قبول کردند. هند کلامی گفت که معلوم شد همسر ابوسفیان است. حضرت فرمودند: آیا تو هندی؟ گفت بله و به ظاهر شهادتین را بر زبانش جاری نمود و تقاضای بخشش نمود. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: دیگر نباید زنا کنی. هند گفت: مگر زن حرّه زنا می کند؟ پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: و نباید بچّه ها را بکشی! هند گفت: به جان

خودم سوگند من بچه ها را بزرگ کردم و شما آنها را در بدر کشتید. اینجا هم عمر چنان خنده ای کرد که بر پشت افتاد. (1)

تتمه ذی الحجه

### ولادت با سعادت حضرت کاظم عليه‌السلام

بنا بر فرمایش امام حسن عسکری عليه‌السلام، حضرت موسی بن جعفر عليهما‌السلام در ماه ذی الحجه سال 127 هـ در «ابواء» بین مکه و مدینه بدنیا آمد. (2)

اسم شریف آن حضرت موسی و کنیه مشهورش ابوالحسن و ابوابراهیم است. القاب آن حضرت: کاظم و صابر و صالح و امین است، اما لقب مشهور آن حضرت همان کاظم است یعنی خاموش و فرو برنده خشم. (3)

پدربزگوارش حضرت امام جعفر صادق عليه‌السلام و مادر آن حضرت عُلیا مخدّره حمیده مصفّاة است.

حضرت صادق عليه‌السلام فرموده اند: «حمیده» تصفیه شده از هر دنس و بدی مانند شمس طلا است، و پیوسته ملائکه او را حراست و پاسبانی می نموند تا به من رسید؛ به سبب آن کرامتی که از حق تعالی است برای من و حجت بعد از من. (4)

کمال الدین شافعی درباره حضرت موسی بن جعفر عليهما‌السلام می گوید: او است امام کبیر القدر، عظیم الشأن، کثیر التهجّد، مُجدّ در اجتهاد، مشهور به عبادت، مواظب بر

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مجمع البیان: ج9 ص457. بحار الانوار: ج21 ص98. تاریخ طبری: ج2 ص338. تاریخ دمشق: ج70 ص181. طبقات الکبری: ج8 ص9، 237.

2. دلائل الامامة: ص 303.

3. تاریخ موالید الائمة عليهم‌السلام: ص35. بحار الانوار: ج48 ص11.

4. کافی: ج1 ص477. دلائل الامامة: ص 308. بحار الانوار: ج48 ص6.

طاعات، مشهور به کرامات. شب را با سجده و قیام به روز می آورد، و روزی را با تصدق و صیام به آخر می رسانید، و سبب حلم بسیار و گذشتش از جرم تقصیرکنندگان در حقش «کاظم» خوانده شد. آن حضرت در مقاب کسی که به او بدی کرده بود احسان می کرد، و کسی را که به او جنایتی کرده مورد عفو قرار می داد. به جهت کثرت عبادتش «عبد صالح» نامیده شد و به «باب الحوائج الی الله» معروف شد، زیرا که هر کس متوسل به آن جناب شده به حاجت خود رسیده، کراماته تحار منها العقول. (1)

دلائل ولادت آن حضرت در ماه ذی الحجه:

1. روایت حضرت عسکری عليه‌السلام که فرموده اند: امام کاظم در ابواء بین مکه و مدینه در ماه ذی الحجه سال 127 هـ به دنیا آمدند. (2)

2. ابوبصیر نقل می کند در سالی که حضرت کاظم متولد شدند من در خدمت حضرت صادق عليه‌السلام به سفر حج رفتم (ماه ذی الحجه ایام حج) چون به منزل ابواء رسیدیم حضرت برای ما چاشت طلبید، و غذای بسیار و نیکو آوردند. در اثنای خوردن طعام پیکی از جانب «حمیده» عیال حضرت به خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد که حمیده می گوید: فرمودید چون اثر ظاهر شد شما را خبر کنم... پس حضرت شاد و خوشحال برخاست و رفت و بعد از اندک زمانی شکفته و خندان برگشت، در حالی که آستین های خود را بالا زده بود. عرض کردیم: خداوند دهان شما را همیشه خندان و دل شما را شاد گرداند، حال حمیده چگونه است؟ حضرت فرمود: حقتعالی پسری به من عطا کرد که بهترین خلق خداست.... (3)

3. منهال قصاب می گوید: در ایام حج از مکه به قصد تشرف به مدینه بیرون رفتم. هنگامی که به ابواء رسیدم دیدم خداوند مولودی به حضرت صادق عليه‌السلام عطا فرموده

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. کشف الغمة: ج2 ص212. الانوار البهیة: ص179.

2. دلائل الامامة: ص 303.

3. کافی: ج1 ص385. المحاسن: ج2 ص314. بحار الانوار: ج48 ص3. بصائر الدرجات: ص460.

است. من زودتر از آن حضرت به مدینه وارد شدم و آن حضرت یک روز بعد از من وارد شد و سه روز مردم را اطعام کرد. (1)

4. (اگر چه احتمالی بیشتر نیست): در 15 ماه ذی الحجه بنا بر مشهور ولادت حضرت هادی عليه‌السلام است، و حال اینکه از امام زمان عليه‌السلام این دعای شریف منقول است: اللهمّ اِنّی اَسئلک بالمولودین فی رجب محمد بن علی الثانی وابنه علی بن محمد المنتجب... (2)

پس کلام امام عصر عليه‌السلام دلالت بر ولادت حضرت جواد و حضرت هادی عليهما‌السلام در ماه رجب دارد، و بنابر روایت ابن علاش ولادت حضرت هادی عليه‌السلام در 2 یا 5 رجب واقع شده است. (3)

از طرفی کنیه مشهور امام کاظم عليه‌السلام ابوالحسن سپس ابوابراهیم است و کنیه امام هادی عليه‌السلام هم ابوالحسن است. شاید مطالبی که در مورد ولادت ابوالحسن عليه‌السلام در ذی الحجه ذکر شده مراد امام هادی عليه‌السلام نباشد، بلکه حضرت موسی بن جعفر عليهما‌السلام باشد چرا که روایت ولادت حضرت کاظم عليه‌السلام در ذی الحجه و ولادت امام هادی عليه‌السلام در ماه رجب است.

### 1. نامه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به پادشاهان بزرگ

در این ماه در سال 6 هـ پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نامه هایی به عنوان دعوت به اسلام و یکتاپرستی به پادشاهان کشورهای مختلف نوشته، همراه با نمایندگانی برای آنها فرستادند. (4)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. المحاسن: ج2 ص418. وسائل الشیعة: ج21 ص401. بحار الانوار: ج48 ص4. منتهی الآمال: ج2 ص183.

2. مصباح المجتهد: ص 805. بحارالانوار: ج 50، ص14، 116، ج95 ص394. اقبال: ج3 ص215.

3. مصباح المجتهد: ص804. بحار الانوار: ج50 ص116.

4. بحار الانوار: ح20 ص382. تاریخ طبری: ج2 ص288. البدایة و النهایة: ج4 ص206، 298. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج1 ص182.

### 2. رحلت حضرت ابوذر رحمه‌الله

در این ماه در سال 32 هـ جناب ابوذر رحمه‌الله در ربذه رحلت نمود. (1) او سوم یا چهارم یا به قولی پنجمین کسی بود که اسلام آورد و سپس به قبیله خود مراجعت نمود. لذا در بدر و احد و خندق حاضر نبود. بعد از این سه جنگ به خدمت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم رسید و در کنار آن حضرت بود تا زمانی که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به شهادت رسید.

مکان و منزلت ابوذر نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم زیاده از آن است که ذکر شود. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ابوذر را صدیق امت و شبیه عیسی بن مریم عليه‌السلام در زهد می دانست. آنچه از اخبار خاصه و عامه استفاده می شود آن است که بعد از رتبه معصومین عليهم‌السلام در میان صحابه کسی به جلالت قدر و رفعت شأن سلمان فارسی و ابوذر غفاری و مقداد نبوده است.

امام کاظم عليه‌السلام می فرماید: در روز قیامت منادی از جانب رب العزه ندا می کند: «کجایند حواریان و مخلصان محمد بن عبداللَّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم که بر طریقه آن حضرت مستقیم بودند و پیمان او را نشکستند»؟ سلمان و ابوذر و مقداد برمی خیزند. (2)

هنگامی که عثمان خلافت را غصب کرد، ابوذر در مدینه بود، او در مسجد رسول خدا می نشست و مردم دورش را می گرفتند و حدیث در طعن عثمان می گفت. وقتی به عثمان خبر رسید که ابوذر درباره اش سخن می گوید و تغییر و تبدیل در سنت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را برای مردم بیان می کند او را به شام فرستادم. ابوذر در شام هم ساکت نماند و همان سخنان را در شام بازگو می کرد و مردم را به ولایت خلیفه بر حق پیامبر حضرت امیرالمؤمنین فرا می خواند و مناقب آن حضرت را برای اهل شام بیان می کرد، به نحوی که بسیاری از ایشان را به تشیع مایل گردانید

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الغدیر: ج 8، ص 332. تتمة المنتهی: ص 15 البدایة النهایة: ج 7، ص 185. تاریخ طبری: ج3 ص354. تاریخ دمشق: ج66 ص217.

2. اختصاص: ص61. بحار الانوار: ج22ص342. نهج السعادة: ج8 ص128. الشیعة فی احادیث الفریقین: ص 518. الدرجات الرفیعة: ص 432.

معاویه احوال ابوذر را به عثمان گزارش داد. عثمان در پاسخ او نوشت که ابوذر را بر مرکبی تندرو همراه با راهنمایی تندخو با شتاب به سوی مدینه روانه کن. معاویه ابوذر را که پیرمردی لاغر و بلند قد بود به ترتیبی که عثمان گفته بود روانه مدینه کرد.

هنگامی که ابوذر به مدینه رسید از شدت راه و بی جهازی شتر، دو پایش خونی شده بود و با بدنی کبود بر عثمان وارد شد و عثمان به او جسارت ها کرد و به کسی که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم او را راستگو خطاب نموده بود (1) نسبت کذب داد.

سرانجام دستور تبعید او را به ربذه صادر کرد. در ضمن گفت: ابوذر حق ندارد احکام دین را برای مردم بیان کند، و هنگام خروج از مدینه کسی حق ندارد او را همراهی یا با او تکلم کند.

این خبر به امیرالمؤمنین عليه‌السلام که رسید آن قدر گریست که محاسن شریفش از اشک چشم مبارک خیس شد و فرمود: «آیا با صحابی رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم چنین می کنند؟ انا للَّه و انا الیه راجعون»!

سپس حضرت همراه دو نور دیده خود امام حسن و امام حسین عليهما‌السلام و عقیل و عمار یاسر به مشایعت ابوذر رفتند و هنگامی که ابوذر امیرالمؤمنین عليه‌السلام را دید، به سوی آن حضرت عليه‌السلام رفت و دست مبارک آن حضرت را بوسید و گریست، سپس ابوذر گفت: من هرگاه شما و فرزندان شما را می بینم یادم از کلام رسول خدا در مورد شما می آید و نمی توانم گریه خود را نگه دارم. سپس هر یک با کلماتی ابوذر را دلداری می دادند، اگر چه مروان می خواست مانع شود ولی امیرالمؤمنین عليه‌السلام او را دور کردند.

به این صورت ابوذر به همراه خانواده خود به ربذه رفت، و در آنجا فرزندش و همسرش که دختر عموی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بود وفات کرده و به دخترش خبر از وفات خود داد که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در بازگشت از تبوک به او فرموده بود.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج22 ص329، 398، 405، 427، ج31 ص177، 186، 271. الغدیر: ج8 ص250، 294، 306، 312، 353. مستدرک حاکم: ج3 ص342، ج4 ص480. مسند احمد: ج5 ص197، ج6 ص442. طبقات الکبری: ج4 ص228. المصنف (ابن ابی شیبة): ج7 ص526، ج8 ص184.

بعد از رحلت ابوذر، کاروانی از عراق آمد و عبداللَّه بن مسعود بر او نماز خواند، و به دست مالک اشتر کفن و دفن شد. (1)

ابوذر از کسانی بود که ایام غضب خلافت امیرالمؤمنین عليه‌السلام ، در مسجد در مقابل ابوبکر و مردم ایستاد و از امیرالمؤمنین عليه‌السلام دفاع کرد. (2)

### 3. مرگ ابوموسی اشعری

در ماه ذی الحجه سال 44 هـ (و به قولی سال 42 و یا 52) عبداللَّه بن قیس مشهور به ابوموسی اشعری به درک واصل شد. او بعد از هجرت، در سال های آخر عمر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به ظاهر اسلام آورد، و آن قدر در نفاق و همدلی با عمر مشهور بود که او را جزء حزب عمر شمرده اند.

ابوموسی در لیلة المبیت در شب هجرت و در لیلة العقبة در جنگ تبوک و نیز در بازگشت از غدیر در عقبه هرشی، جزء کسانی بود که قصد قتل پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را داشتند و اقدام کردند، ولی خدا پیامبرش را حفظ کرد. (3)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. الغدیر: ج8 ص308 - 292. منتخب التواریخ: ص32. ابوذر غفاری: ص30-40. منتهی الآمال: ج1 ص117-118. مراقدالمعارف: ج 1، ص 102 - 101. تاریخ دمشق: ج 66، ص 223-174.تاریخ یعقوبی: ج2 ص70. شرح نهج البلاغة: ج3 ص52، ج8 ص252. اسد الغابة: ج1 ص302، ج5 ص188.

2. رجال برقی: ص 150-149. احتجاج: ج1 ص100. خصال: ص463. بحار الانوار: ج28 ص196، 211. الیقین: ص339. مواقف الشیعة: ج1 ص426، 434. اربعین قمی: ص240. الدرجات الرفیعة: ص237. نهج الایمان: ص581. مجمع النورین: ص86.

3. الایضاح: ص 61. ارشاد القلوب: ج2 ص332. امالی طوسی: ص182. خصال: ص499. الهدایة الکبری: ص79. المسترشد: ص597. بحار الانوار: ج21 ص223، ج28 ص100، ج31 ص632، ج33 ص306، ج82 ص276. الصراط المستقیم: ج3 ص44. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ج1 ص602، ج603، 604، 605، 607. سفینة البحار: ج4 ص671. الدرجات الرفیعة: ص263، 286، 299. اختیارات: ص17. انوار العلویة: ص74. منتخب التواریخ: ص63. اغتیال النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص75. کشف الهاویة: ص289. الغارات: ج2 ص922. شرح نهج البلاغة: ج13 ص315-314، ج14 ص21. کنز العمال: ج13 ص608، ج14 ص86. تاریخ دمشق: ج32 ص93. استیعاب: ج3 ص980. المصنف (ابن ابی شیبة): ج8 ص588. مسند احمد: ج5 ص391. الکامل: ج2 ص362. صحیح مسلم: ج8 ص123. تفسیر ابن کثیر:ج2 ص387. تاریخ طبری: ج3 ص501.

او اولین کسی بود که به عمر «امیرالمؤمنین» خطاب کرد. عمر هم به خاطر اعتمادی که به ابوموسی داشت او را چهار سال والی بصره قرار داد، با اینکه بیش از یک سال کسی را در رأس کاری قرار نمی داد. ابوبکر به او مسئولیتی نداد و عثمان او را از حکومت بصره عزل کرد.

او در واقعه جمل مانع از رفتن مردم برای یاری امیرالمؤمنین عليه‌السلام می شد تا آنکه امام حسن عليه‌السلام آمده مردم را به یاری حضرت دعوت کردند و مردم هم اجابت نمودند.

سرانجام در ماجرای حَکَمین در دومه الجندل با عمروعاص تبانی کرده امیرالمؤمنین عليه‌السلام را از خلافت خلع کرد. بعد از آن از ترس اصحاب امیرالمؤمنین عليه‌السلام به مکه گریخت. (1)

### 4. وفات زراره رحمه‌الله

در این ماه در سال 148 هـ، دو ماه بعد از شهادت آقا و مولایمان حضرت صادق عليه‌السلام جناب زراره بن اعین وفات کرد. او در روز شهادت امام صادق عليه‌السلام در بستر بیماری بود. (2) بعضی وفات زراره را در سال 150 ه گفته اند. (3)

او از اصحاب امام باقر و امام صادق و امام کاظم عليهم‌السلام بود، و نزد آن بزرگواران دارای منزلت و مقام خاصی بود.

مردی فقیه، متکلم، شاعر و ادیب بود، و مشهور است که آن بزرگوار از اولین فقهای اصحاب ائمه عليهم‌السلام بود.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. بحار الانوار: ج33 ص324-297. منتخب التواریخ: ص63، 166، 214. اغتیال النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ص78-72. تتمة المنتهی: ص31، 41. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج13 ص315-303. تاریخ دمشق: ج32 ص100-14. تذکرة الحافظ: ج1 ص24.

2. رجال کشی: ص 142. مسند زرارة بن اعین رحمه‌الله: ص24-23. معجم رجال الحدیث: ج8 ص228، 241.

3. رجال کشی: ص 175. مسند زرارة بن اعین رحمه‌الله: 26.

اسم آن بزرگوار عبد ربه، و لقب او زراره، و کنیه اش ابوالحسن و گاهی نیز ابوعلی خوانده می شود. پدرش اعین بن سنسن نام دارد. اولاد زراره حسن، حسین، رومی، عبید، عبداللَّه و یحیی هستند.

او مردی خوش سیما و جسیم بود، که آثار عبادت از پیشانی او ظاهر بود و هیبتی خاص و نیکو داشت. مردم برای دیدن او جمع می شدند و انتظار می کشیدند، و گاهی چنان ازدحام بود که زراره به خانه باز می گشت. (1)

ابن ابی عمیر که از بزرگان شیعه است، می گوید: زمانی که از محضر جمیل بن درّاج رحمه‌الله استفاده می کردم به او گفتم: «چه نیکوست محضر تو و چه زینت دارد افاده از مجلس تو»! جمیل گفت: «امّا به خدا قسم ما نزد زراره به منزله اطفال مکتبی هستیم، که نزد معلّم خود باشند». (2)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. مسند زراره بن اعین رحمه‌الله: ص 29. الفوائد الرجالیة: ج1 ص232. منتهی الامال: ج 2، ص 171.

2. رجال کشی: ص134. الکنی و الاقاب: ج1 ص283. معجم رجال الحدیث: ج8 ص231. تهذیب المقال: ج5 ص14. منتهی الآمال: ج 2، ص 171.

منابع

1. ابصار العین فی انصار الحسین عليه‌السلام، شیخ محمد سماوی، مکتبة بصیرتی، قم 1408 ق

2. ابوبکر بن ابی قحافة، علی خلیل

3. ابوذر الغفاری رحمه‌الله، کمال السید، مؤسسه انصاریان، قم

4. ابوطالب عليه‌السلام حامی الرسول و ناصره، نجم الدین شرف عسکری، الآداب، نجف الأشرف

5. الاتحاف بحب الأشراف، شبراوی شافعی

6. اثبات الوصیة، مسعودی، دار الأضواء، قم، بیروت

7. اثبات الهداة، محمد بن حسن حر عاملی

8. اجساد جاویدان، علی اکبر مهدی پور، مطبوعات حاذق، 1377 ش

9. الآحاد و المثانی، ابن ابی عاصم، دار الدرایة، ریاض، 1411 ق

10. الأحادیث المختارة، ابی عبدالله حنبلی مقدسی، مکتبة النهضة الحدیثة، مکه، 1410ق

11. الاحتجاج، شیخ طبرسی، انتشارات دار النعمان، نجف اشرف، 1386ق

12. احقاق الحق وازهاق الباطل، قاضی نور الله حسینی شوشتری مرعشی

13. الأحکام، ابن حزم اندلسی، ناشر: زکریا علی یوسف، مطبعة العاصمة، قاهره

14. احکام القرآن، جصاص، دار الکتب العلمیة، بیروت، 1415 ق

15. احیاء علوم الدین، ابوحامد محمد غزالی

16. الأخبار الطوال، دینوری، دار احیاء الکتب العربیة، 1960 م

17. اختران تابناک، ذبیح الله محلاتی، انتشارات اسلامیة، ج1349:1 ش، ج1361:2 ش

18. الاختصاص، شیخ مفید، النشر الاسلامی، قم 1418 ق، مکتبة بصیرتی، قم

19. اختیارات، علامه مجلسی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، الثالثة

20. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، مؤسسه آل البیت، 1404 ق

21. الأخلاق الحسینیة عليه‌السلام، جعفر البیاتی، نشر انوار الهدی، 1418 ق

22. الأربعین، شیخ ماحوزی، تحقیق سید مهدی رجائی، 1417 ق

23. الأربعین، محمد طاهر قمی شیرازی، ناشر: محقق، 1418 ق

24. الارشاد، شیخ مفید، مؤسسه آل البیت عليهم‌السلام، قم 1416 ق

25. ارشاد الساری شرح صحیح البخاری، احمد قسطلانی، دار صادر، بیروت 1403 ق

26. ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، انتشارات الشریف الرضی، قم، 1412 ق

27. از مدینه تا مدینه، سید محمد جواد ذهنی تهرانی، نشر پیام حق، تهران 1379 ش

28. ازواج النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و بناته، نجاح طائی، دار الهدی لا حیاء التراث، بیروت 1422 ق

29. اسباب نرول الآیات، واحدی نیشابوری، مؤسسه الحلبی و شرکائه، قاهره 1388 ق

30. الاستغاثة فی بدع ثلاثة، ابی القاسم علی بن احمد کوفی

31. الاستیعاب، ابن عبد البر، دار الجیل، بیروت 1412 ق

32. اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ابن الأثیر، اسماعیلیان، تهران 1380 ق

33. اسرار الامامة، عماد الدین الطبری، آستان قدس رضوی، مشهد

34. اسرار الشهادة، ملا آقا دربندی، انتشارت اعلمی، تهران ذوی القربی، قم

35. الأسرار الفاطمیة عليها‌السلام، محمد فاضل مسعودی، مؤسسه زائر، قم، 1420 ق

36. اسرار فدک، محمد باقر انصاری وسید حسین رجائی، نشر الهادی، قم 1375 ش

37. اسعاف الراغبین، محمد بن صبان مصری، در حاشیه نور الأبصار، مصر

38. آسیاب تبری، سید مجتبی عصیری 39. الاصابة، ابن حجر عسقلانی، دار الکتب العلمیة، 1415 ق

40. اضواء علی السنة المحمدیة صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، محمود ابو ریة، دار الکتاب الاسلامی

41. اضواء علی الصحیحین، شیخ محمد صادق نجمی، مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم 1419 ق

42. الاعتقادات، شیخ صدوق

43. الأعلام، خیر الدین زرکلی، دار العلم للملایین، بیروت

44. اعلام النساء، عمر رضا کحالة، مؤسسه الرسالة، بیروت

45. اعلام النساء، المؤمنات، محمد حسون، ام علی مشکور، دار الأسوة، 1411 ق

46. اعلام الوری، امین الاسلام طبرسی، مؤسسه آل البیت عليهم‌السلام، قم 1417 ق

47. اعیان الشیعة، سید محسن امین عاملی، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت 1406 ق

48. اغتیال ابی بکر، نجاح طائی، دار الهدی للتراث، بیروت 1419 ق

49. اغتیال النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، نجاح طائی، دار الهدی للتراث، بیروت 1419

50. آفتاب کعبه، محمد باقر انصاری، نشر مولود کعبه، قم 1376

51. افحام الأعداء والخصوم، سید ناصر حسین موسوی هندی، مکتبة نینوی الحدیثة، تهران

52. الاقبال بالأعمال الحسنة، سید ابن طاووس، مکتب الأعلام الاسلامی، 1414، دار الکتب الاسلامیة، تهران

53. الزام النواصب، شیخ مفلح بن حسین بن راشد، 1420 ق

54. القاب الرسول وعترته عليهم‌السلام، بعض قدماء محدثین، ضمن مجموعه نفسیة، قم 1396 ق

55. الأم، محمد بن اردیس شافعی، دار الفکر، بیروت 1403 ق

56. الامامة و السیاسة، ابن قتبیة، انتشارات الشریف الرضی، قم، 1413 ق، تحقیق شیری

57. ام البنین سیدة نساء العرب، سید مهدی سویج، المکتبة الحیدریة، قم 1377 ش

58. الأمالی، شیخ صدوق، مؤسسه بعثت، قم 1417 ق

59. الأمالی، شیخ مفید، مؤسسه النشر الاسلامی، قم

60. الأمالی، ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، دار الثقافة، قم 1414 ق

61. امالی المحاملی، حسین بن اسماعیل ضبی محاملی، المکتبة الاسلامیة دار ابن القیم، اردن، 1412 ق

62. الامام حسن العسکری عليه‌السلام، حاج حسین الشاکری، الهادی، قم 1420 ق

63. الامام الحسین عليه‌السلام فی احادیث الفریقین، سید علی محمد ابطحی، ناشر: المؤلف، 1418 ق

64. الامام الحسین عليه‌السلام و اصحابه عليهم‌السلام، فضل علی قزوینی، مطبعة باقری، قم

65. الامامة و التبصرة من الحیرة، والد شیخ صدوق، مدرسة الامام المهدی عليه‌السلام، قم

66. الامام علی عليه‌السلام فی آراء الخلفاء، شیخ مهدی فقیه ایمانی، مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم 1420 ق

67. الامام علی عليه‌السلام من حبه عنوان الصحیفة، شیخ احمد رحمانی همدانی، منیر، تهران 1417 ق

68. الامام موسی بن جعفر عليهما‌السلام فی بحار الأنوار، سید علی اشرف، المکتبة الحیدریة، قم 1425

69. الامام المهدی عليه‌السلام من المهد الی اللحد، سید محمد کاظم قزوینی، بیروت

70. الامام الهادی عليه‌السلام، حاج حسین شاکری، ناشر: المؤلف، قم 1419 ق

71. الامام الهادی عليه‌السلام من المهد الی اللحد، سید محمد کاظم قزوینی، قم، مرکز مشر آثار شیعه

72. امتاع الاسماع، مقریزی، دار الکتب العلمیة، بیروت، 1420 ق

73. الأنساب، عبدالکریم بن محمد سمعانی، دار الجنان، بیروت، 1408 ق

74. انساب الأشراف، بلاذری، مؤسسه اعلمی، بیروت 1394 ش

75. انصار الحسین عليه‌السلام، محمد مهدی شمس الدین، الدار الاسلامیة، 1401 ق

76. الأنوار البهیة، محدث قمی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم 1417 ق

77. الأنوار الساطعة من العذراء الطاهرة خدیجة بنت خویلد عليها‌السلام، شیخ غالب سیلاوی، ناشر: مؤلف، 1421 ق78

78. انوار الشهادة، محمد حسن یزدی

79. الأنوار العلویة، شیخ جعفر نقدی، المطبعة الحیدریة، نجف اشرف 1381 ق

80. انوار المشعشعین، شیخ محمد علی نائینی، کتابخانه آیة الله مرعشی، قم 1381

81. الأنوار النعمانیة، سید نعمة الله جزائری، مطعبة شرکت چاپ، تبریز

82. الایضاح، فضل بن شاذان ازدی نیشابوری، تحقیق سید جلال الدین حسینی

83. ایمان ابی طالب عليه‌السلام، علامه امینی

84. این دفن النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، محمد علی برو مؤسسه نشر اسلامی، قم

85. بحار الأنوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت 1403 ق

86. البدایة و النهایة، ابن کثیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت 1408 ق

87. البدء والتاریخ، مطهر بن طاهر مقدسی، دار صدار، بیروت

88. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، اسماعیلیان، قم

89. بشارة المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، ابوجعفر محمد طبری امامی، مکتبة حیدریة، نجف اشرف 1383 ق

90. بصائر الدرجات، بوجعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار، مؤسسه اعلمی، 1362 ش

91. بلاغات النساء، ابن طیفور، مکتبة بصیرتی، قم

92. البلد الأمین، کفعمی، مکتبة الصدوق، تهران

93. بنات النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ام ربائبه، سید جعفر مرتضی عاملی

94. بیت الأحزان، محدث قمی، دار الحکمه، قم 1412 ق

95. بیت الأحزان، عبدالخالق بن عبد الرحیم یزدی، چاپ سنگی

96. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی زبیدی، مکتبة الحیاة، بیروت

97. تاج الموالید، علامه طبرسی، ضمن مجموعة نفسیة، مکتبة بصیرتی، قم 1396 ق

98. تاریخ الأئمة عليهم‌السلام، عدة من علماء الشیعة، مکتبة بصیرتی، قم 1396 ق

99. تاریخ الاسلام، ذهبی، دار الکتاب العربی، بیروت

100. تارخ الأمم و الملوک، محمد بن جریر طبری، مؤسسه اعلمی، بیروت

101. تاریخ ابن خلدون، ابن خلدون، دار احیاء التراث العربی، بیروت

102. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، دار الکتاب العربی، بیروت

103. تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان 104. تاریخ الخلفاء، سیوطی، دار القلم، بیروت

105. تاریخ خلیفة بن خیاط، خلیفة بن خیاط عصفری، دار الفکر، بیروت 1414 ق

106. تاریخ الخمیس، حسین دیاربکری، مؤسسه شعبان، بیروت، مصر 1383 ق

107. تاریخ سامراء، ذبیح الله محلاتی، اسلامیة، 1388 ق، انتشارات الشریف الرضی، قم 1426 ق

108. التاریخ الصغیر، بخاری، دار المعرفة، بیروت 1406 ق

109. تاریخ العلوم عند العرب، بیروت 1390 ق

110. تاریخ قم، حسن بن علی بن حسن قمی، انتشارات توس، تهران 1361 ش

111. تاریخ المدینة، ابن شبة نمیری، دار الفکر، قم 1410 ق

112. تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر، دار الفکر، 1415 ق

113. تاریخ الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت عليهم‌السلام، قم

114. تأویل الآیات الظاهرة، سید شرف الدین علی حسینی، مطبعة امیر، قم 1407 ق

115. تتمة المختصر فی اخبار البشر، ابن الوردی، دار المعرفة، بیروت

116. تتمه المنتهی، محدث قمی، داوری، قم 1397 ق

117. تثبیت الامامة، هادی یحیی بن حسین زیدی یمنی، دار الامام السجاد عليه‌السلام، بیروت 1419 ق

118. تحریر الأحکام، علامه حلی، مؤسسه آل البیت عليهم‌السلام، چاپ سنگی

119.تحفة الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار عليهم‌السلام، عماد الدین الطبری، مشر میراث مکتوب

120. تحفة الأحوذی، مبارکپوری، دارالکتب العلمیة، بیروت 1410 ق

121. تحفة الزائر، علامه مجلسی، چاپ سنگی، تهران

122. التحفة العسجدیة، یحیی بن حسین بن قاسم، ابو ایمن للطباعه، صنعاء، الیمن

123. تحقیق درباره اول اربعین سید الشهداء عليه‌السلام، سید محمد علی قاضی طباطبائی، بنیاد قاضی طباطبائی، 1368 ش

124. تدریب الراوی، عبدالرحمان سیوطی، مکتبة الریاض الحدیثة، ریاض

125. تدوین القرآن، علی کورانی، دار القرآن الکریم، قم، 1418 ق

126. تذکرة الحفاظ، ذهبی، مکتبة الحرم المکی، دار احیاء التراث العربی

127. تذکرة الخواص، سبط ابن جوزی، انتشارات الشریف الرضی، قم 1418 ق

128. تذکرة الشهداء (المترجم)، ملا حبیب الله کاشانی، ترجمة سید علی اشرف، نشر مدین، قم 1426 ق

129. تذکرة الفقهاء، علامه حلی، مکتبة الرضوییة لاحیاء آثار الجعفریه

130. تراجم اعلام النساء، محمد حسین اعلمی، حائری، بیروت مؤسسه اعلمی، 1407 ق

131. ترجمة الامام الحسین عليه‌السلام من تاریخ دمشق، ابن عساکر، مؤسسه محمودی، بیروت 1398 ق

132. ترجمة الامام الحسن عليه‌السلام من طبقات ابن سعد، سید عبدالعزیز طباطبائی، مؤسسه آل البیت عليهم‌السلام، قم، 1416 ق

133. ترجمة الامام الحسین عليه‌السلام من طبقات ابن سعد، سید عبدالعزیز، طباطبائی، مؤسسه آل البیت عليهم‌السلام ، قم، 1416 ق

134. تشیید المطاعن، سید محمد قلی موسوی نیشابوری کنتوری، چاپ سنگی

135. التعجب من اغلاط العامة، ابی الفتح کراجکی، مکتبة المصطفوی، قم 1410 ق، طبع و تخریج: فارس حسون کریم

136. تعجیل المنفعة، ابن حجر عسقلانی، دار الکتاب العربی، بیروت

137. التعدیل و التجریح لمن خرج عنه البخاری، سلیمان الباحی

138. تفسی الثعالبی (الجواهر الحسان)، عبد الرحمان ثعالبی مالکی، دار احیاء التراث العربی، بیروت 1418 ق

139. تفسیر الجلالین، جلال الدین محلی، جلال الدین سیوطی، دار المعرفة، بیروت

140. تفسیر الصافی، فیض کاشانی، مکتبة الصدر، تهران، 1416 ق

141. تفسیر العیاشی، محدث جلیل ابو انضر محمد بن مسعود بن عیاشی، مکتبة العلمیة الاسلامیة، تهران

142. تفسیر فرات، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم کوفی، وزارت ارشاد اسلامی، 1410 ق

143. تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر دمشقی، دار المعرفة، بیروت 1412 ق

144. تفسیر القرطبی (الجامع لأحکام القرآن)، محمد بن احمد القرطبی، دار احیاء التراث العربی، بیروت 1405 ق

145. تفسیر القمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی، مؤسسه دار الکتاب، قم 1404 ق

146. التفسیر الکبیر، فخر رازی

147. تفسیر کنز الدقائق، میرزا محمد مشهدی قمی، مؤسسه نشر اسلامی، قم 1407 ق

148. تفسیر نور الثقلین، حویزی، مؤسسه اسماعیلیان، قم 1412 ق

149. التفضیل، ابو الفتح کراجکی، مؤسسه اهل البیت عليهم‌السلام، بنیاد بعثت، تهران، 1403 ق

150. تقریب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، دار المکتبة العلمیة، بیروت 1415 ق

151. تقریب المعارف، ابوالصلاح حلبی، تحقیق: شیخ فارس تبریزیان، ناشر: محقق

152. تقویم الأئمة عليهم‌السلام یا روز شمار دینی، محمد رضا شریعت زاده طالقانی، تارخ الکتابة 26 رجب 1381 ق

153. تقویم المحسنین، فیض کاشانی، چاپ سنگی

154. تقویم الواعظین، سید حسن میر حافظ، نشر الف، 1416 ق

155. تلخیص الحبیر، ابن حجر عسقلانی، دار الفکر، بیروت

156. التمهید، ابن عبدالبر، وزراة الاوقاف و الشؤون الاسلامیة، مغرب 1387 ق

157. التنبیه و الاشراف، مسعودی

158. تنقیح المقال، علامه شیخ عبداالله مامقانی، المکتبة المرتضویة، نجف 1352 ق، انتشارت جهان، تهران

159. تنویر الحوالک، جلال الدین سیوطی، دار الکتب العلمیة، بیروت 1418

160. تهذیب الاحکام، ابو جعفر طوسی، دار الکتب الاسلامیة، تهران 1365 ش

161. تهذیب الاسماء، محیی الدین نوری، دار الفکر، بیروت 1996 م

162. تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، دار الفکر، 1404 ق

163. تهذیب الکمال، ابو الحجاج مزی، مؤسسه الرسالة، بغداد 1406 ق

164. تهذیب المقال فی تنفیح کتاب الرجال، سید محمد علی موحد ابطحی، قم 1412 ق

165. التوحید، شیخ صدوق، مکتبة الصدوق، 1398 ق، نشر اسلامی، قم 1387 ق

166. توضیح المقاصد، شیخ بهاء الدین عاملی، ضمن مجموعه نفیسه، مکتبة بصیرتی، قم 1396 ق

167. الثاقب فی المناقب، ابن حمزة طوسی، مؤسسه انصاریان، قم 1412 ق

168. الثغور الباسمة، جلال الدین، سیوطی، مرکز الدراسات الاسلامیة، بیروت 1408 ق

169. الثقات، ابن حبان تمیمی، مؤسسه الکتب الثقافیة، حیدر آباد دکن، هند، 1393 ق

170. ثمار القلوب، ثعالبی

171. ثمرات الأعواد، سید علی بن الحسین هاشمی، انتشارات شریف رضی، قم

172. ثمرات الحیاة، سید محمد امامی اصفهانی، مؤسسه افتخاریان، مطبعة علمیة، قم 1383 ق

173. ثواب الأعمال، شیخ صدوق، انتشارت شریف رضی، قم 1386 ش

174. جامع احادیث الشیعة، با اشراف آیة الله بروجردی، العلمیة، قم 1399 ق

175. جامع الأحادیث الکبیر، سیوطی، دار الفکر، بیروت

176. جامع الأخبار، منسوب به شیخ صدوق

177. جامع الأصول من احادیث الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، ابن اثیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت

178. جامع البیان، طبری، دار الفکر، بیروت 1415 ق

179. جامع الشتات، محمد اسماعیلیان خواجوئی، تحقیق سید مهدی الرجائی، 1418 ق

180. الجامع الصغیر، سیوطی، دار الفکر، بیروت 1401 ق

181. جزء الحمیری، علی بن محمد حمیری، دار طحاوی، ریاض 1413 ق

182. جلاء العیون، علامه مجلسی، انتشارات علمیه اسلامیه

183. الجمل، شیخ مفید، مکتبة داوری، قم 184. جنات الخلود، خاتون آبادی، مکتبة ادبیة، تهران 1378 ق

185. الجنة العاصمة، میرجهانی، مکتبة صدر، تهران

186. جواهر التاریخ، علی کرواین، دار الهدی، قم 1425 ق

187. الجواهر السنیة فی الأحادیث القدسیة، محمد بن حر عاملی، مکتبة المفید، قم

188. جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، دار الکتب الاسلامیة، تهران 1367 ش

189. جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب عليه‌السلام، محمد بن احمد شافعی، احیاء الثقافة الاسلامیة، قم 1415 ق

190. الجواهر النقی، عماد الدین ماردینی، دار الفکر

191. حاشیة الدسوقی، محمد بن عرفه دسوقی، دار احیاء الکتب العربیة

192. حبیب السیر، غیاث الدین خواندمیر

193. الحدائق الناضرة، شیخ یوسف بحرانی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم

194. حدیفة الرضویة، شیخ محمد خسن هروی (ادیب هروی)

195. حدیقة الشیعة، مقدس اردبیلی، انتشارات گلی، تهران 1377 ش

196. الحسین عليه‌السلام، خیر الله طلفاح، داذ العروبة، بغداد

197. الحسین عليه‌السلام، علی جلال حسینی، المطبعة السلفیة، قاهره 1349 ق

198. حضرت رقیه عليه‌السلام، شیخ علی فلسفی

199. حضرت رقیه عليه‌السلام چاووش کربلا پاسدار ولایت، سید مجتبی موسوی زنجانرودی، مؤسسه شاکر، 1376 ش

200. حق الیقین، علامه محمد باقر مجلسی، الاسلامیة، تهران 1357 ش

201. حلیة الابرار، علامه سید هاشم بحرانی، مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم 1411 ق، العلمیة، قم

202. حلیة الاولیاء، ابونعیم اصفهانی، دار الکتاب العربی، بیروت 1405 ق

203. حمزة سید الشهداء عليه‌السلام، کمال السید، انصاریان، قم

204. حیاة الامام الحسین عليه‌السلام، باقر شریف قرشی، ناشر الادب، نجف اشرف، 1394 ق

205. حیات الحیوان، دمیری

206. حیاة الست عليه‌السلام، مهدی منصوری، صحفی، قم

207. حیاة القاسم بن الامام الکاظم عليهما‌السلام، محمد علی ناصری بحرانی، نجف اشرف، 1391 ق

208. خاتمة مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل البیت، قم 1415 ق

209. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، مؤسسه الامام المهدی، قم

210. خصائص الأئمة عليهم‌السلام، شریف رضی، مجمع البحوث الاسلامیة، آستاان قدس رضوی، مشهد 1406 ق

211. خصائص امیرالمؤمنین عليه‌السلام، نسائی، مکتبة نینوی الحدیثة

212. الخصائص الزینبیة عليها‌السلام، سید نور الدین جزائری، مطبعة مهین، 1401 ق، مسجد مقدس جمکران، 1383 ق

213. الخصائص العباسیة عليه‌السلام، محمد ابراهیم کلباسی النجفی، المکتبة الحیدریة، قم 1378 ش

214. الخصائص الفاطمیة عليها‌السلام، للشیخ محمد باقر کجوری (ترجمة سید علی اشرف)، انتشارات الشریف الرضی، قم 1380 ش

215. خصائص الوحی المبین، شمس الدین یحیی بن الحسن (ابن البطریق)، دار القرآن الکریم، قم 1417 ق

216. الخصال، شیخ صدوق، مؤسسه النشر الاسلامی، قم 1403 ق

217. الخطط المقریزیة (المواعظ و الاعتبار)، مقریزی، مکتبة المثنی، دار صادر، بغداد، بیروت

218. خطیب کعبة، علی اصغر یونسیان، انتشارات منیر، تهران 1423 ق

219. خلاصة الأقوال، علامه حلی، المکتبة الحیدریة، نجف 1381 ق

220. خلاصة عبقات الأنوار، سید حامد نقوی، (تخلیص میلانی)، مؤسسه البعثة، قم 1406 ق

221. الخلافة المغتصبة، ادریس حسینی مغربی

222. خلفیات کتاب مأساة الزهراء عليها‌السلام، سید جعفر مرتضی عاملی، دار السیرة، بیروت

223. دائرة المعارف، فرید وجدی

224. دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، سید حسن الأمین، دار التعارف، بیروت

225. دائرة المعارف تشیع، ج8، نشر شهید سعید محبی، 1379 ش

226. دارالسلام، شیخ محمود عراقی، ناشر: ایران نگین

227. الدر المنثور، سیوطی، دار الفکر بیروت، (مطبعة الفتح، جده) 1365 ق

228. الدرجات الرفیعة، سید علی خان، مکتبة بصیرتی، قم 1397 ق

229. الدروس الشرعیة، شهید اول، مؤسسه النشر الاسلامی، قم 1412 ق

230. دریای سخن، سقازاده تبریزی

231. دعائم الاسلام، قاضی نعمان مغربی، در المعارف، قاهره، 1383 ق

232. دعوة الی سبیل المؤمنین، طارق زین العابدین، مجمع البحوث الاسلامیة، آستان مقدس قدس رضوی، مشهد 1418 ق

233. دلائل الامامة، ابوجعفر محمد بن جریر طبری امامی، مؤسسه البعثة، قم 1413 ق، مکتبة الحیدریة، نجف 1383

234. دلائل النبوة، اصبهانی، دار طیبة، ریاض 1409 ق

235. الدمعة الساکبة، محمد باقر بن عبدالکریم، مکتبة العلوم العامة، منامه 1409 ق

236. الدیباج علی صحیح مسلم، عبدالرحمان سیوطی، دار ابن عفان، سعودی 1416 ق

237. ذخائر العقبی، احمد بن عبدالله طبری، مکتبة القدسی، 1356 ق

238. الذریة الطاهرة، دو لابی، الدار السلفیة، کویت 1407 ق

239. الذریعة الی تصانیف الشیعة، علامه آقا بزرگ طهرانی، دار الأضواء، بیروت 1403 ق

240. ذریعة النجاة فی مقتل الحسین، میرزا رفیع گرمرودی، چاپ سنگی، تبریز، 1302 ق

241. ذکر اخبار اصبهان، ابونعیم اصبهانی، المطبعة بریل 1934 م

242. ذوب النضار، ابن نما حلی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم 1416 ق

243. ربیع الأبرار ونصوص الأخبار، زمخشری، انتشارات رضیري، قم، 1410 ق

244. رجال البرقی، شیخ ابوجعفر احمد بن خالد برقی، مؤسسه قیوم، قم

245. رجال صحیح البخاری، احمد بن محمد بخاری کلاباذی، دار المعرفة، بیروت 1407 ق

246. رجال الطوسی، شیخ طوسی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم 1415 ق

247. رجال الکشی، شیخ کشی، دانشگاه مشهد، مشهد 1348 ش

248. رجال مسلم، ابن منجویه اصفهانی، دار المعرفة، بیروت 1407 ق

249. رجال النجاشی، شیخ ابوالعباس احمد بن علی نجاشی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم 1416 ق

250. رحلة ابن بطوطة، محمد بن ابراهیم اللواتی، دار بیروتريال بیروت 1405

251. رد عقائد الوهابیة، شیخ محمد جواد بلاغی

252. رسائل المرتضی، شریف سید مرتضی، دار القرآن، قم 1405 ق

253. رسالة حول حدیث نحن معاشر الأنبیاء لانورث، شیخ مفید، دار المفید، بیروت 1414 ق

254. رسالة حول خبر ماریة، شیه مفید، دار المفید، بیروت 1414 ق

255. الرسالة السعدیة، علامه حلی، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، قم 1410 ق

256. رسالة فیروزیة، میرزا عبدالله افندی، نسخه عکسی مرکز احیاء التراث الاسلامی، قم

257. روضات النجات، میرزا محمد باقر موسوی خوانساری، اسماعیلیان، قم

258. روضة الصفا، محمد بن سید برهان الدین خاوند شاه معروف «میر خواند»

259. الروضة فی المعجزات والفضائل، یکی از علمای شیعه، چاپ سنگی در آخر علل الشرائع

260. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محمد تقی مجلسی، المؤسسة الاسلامیة الثقافیة کوشانپور، قم 1406 ق

261. روضة الواعظین، فتال نیشابوری، انتشارت الرضی، قم 1386 ق

262. الروض الفائق، شعیب بن عبدالله حریفیش

263. الروض النضیر فی معنی حدیث الغدیر، فارس حسون کریم، مؤسسه امیرالؤمنین عليه‌السلام، قم 141 ق

264. ریاحین الشریعة، ذبیح الله محلاتی، دار الکتاب الاسلامیة، تهران

265. ریاض الأنساب ومجمع الألقاب، معروف «بخر الأنساب»، چاپ سنگی

266. ریاض العلماء وحیاض الفضلاء، میرزا عبدالله افندی، کتابخانه آیة الله مرعشی، قم 1410 ق

267. ریاض القدس، صدر الدین واعظ قزوینی، الاسلامیة، 1376 ش

268. ریاض المصائب، سید محمد مهدی بن سید محمد جعفر، چاپ سنگی

269. الریاض النضرة، محب طبری، دار الکتب العلمیة، بیروت، المکتبة القیمة، قاهره

270. زاد المسیر، ابن جوزی، دار الفکر، بیروت 1407 ق

271. زاد المعاد، علامه مخمد باقر مجلسی، چاپ سنگی، تهران

272. زندگانی چهارده معصوم عليهم‌السلام، عماد زاده

273. زندگانی سیدة نفیسة عليها‌السلام (گوهر خاندان رسالت)، عزیز الله عطاردی، انتشارات عطارد، 1373 ش

274. زندگانی کریمه اهل بیت عليهم‌السلام، علی اکبر مهدی پور، نشر حاذق، 1380 ش

275. زینب الکبری عليها‌السلام، شیخ جعفر نقدی، المکتبة الحیدریة، قم 1378 ش

276. سبعة من السلف، فیروزآبادی، دار الهجرة، قم 1375 ش

277. سبل الرشاد الی اصحاب الامام الجواد عليه‌السلام، عبد الحسین شبستری، المکتبة التاریخیة، قم 1421 ق

278. سبل السلام، محمد کحلانی صنعانی، مکتبة مصطفی البابی الحلبی، مصر 1379 ق

279. سبل الهدی و الرشاد، محمد بن یوسف شامی، دار الکتب العلمیة، بیروت 1414 ق

280. سبل النجاة فی تتمة المراجعات، شیخ حسین راضی

281، ستاره درخشان شام حضرت رقیه عليها‌السلام، علی ربانی خلخالی، انتشارات مکتب الحسین عليه‌السلام، 1426 ق

282. سحاب رحمت، عباس اسماعیلی یزدی، مسجد جمکران، قم 1377 ق

283. السرائر، ابن ادریس حلی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم 1410 ق

284. سر السلسة العلویة، ابونصر بخاری، انتشارات شریف الرضی، قم 1413 ق

285. سر العالمین، ابو حامد غزالی

286. سعید بن جبیر، کمال السید، مؤسسه انصاریان، قم

287. سفینة البحار، محدث قمی، مجمع البحوث الاسلامیة آستان قدس رضوی، مشهد 1416 ق

288. سفینة النجاة، فاضل سرابی تنکابنی، ناشر محقق، قم 1419 ق

289. السقیفة ام الفتن، دکتر جواد جعفر خلیلی، ارشاد بیروت - لندن

290. السقیفة وفدک، جوهری، شرکة الکتبی، بیروت 1413 ق

291. سعد السعود، سید ابن طاووس، انتشارات رضی، قم 1363 ش

292. سلمان بن الاسلام، کمال السید انتشارات انصاریان، قم

293. سنن ابن ماجة، محمد بن یزید قزوینی (ابن ماجة)، دار الفکر، بیروت

294. سنن ابی داود، سلیمان بن اثعث سجستانی، دار الفکر، بیروت، 1410 ق

295. سنن البیهقی (السنن الکبری)، ابوبکر احمد بیهقی، دار الفکر، بیروت

296. سنن الترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، دار الفکر، بیروت 1403 ق

297. سنن الدارقطنی، ابن عمر دارقطنی بغدادی، دار المعرفة، بیروت 1386 ق

298. السنن الکبری، نسائی، دار الکتب العلمیة، بیروت 1411 ق

299. سنن المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، ابن ماجة قزوینی

300. سوگنامه آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، محمد مهدی اشتهاردی، 1372 ش

301. السیدة زینب الکبری عليها‌السلام، من المهد الی اللحد، سید محمد کاظم قزوینی، معهد العترة

302. سیر اعلام النبلاء، زهبی، مؤسسه الرسالة، بیروت 1413 ق

303. سیرة الأئمة الاثنی عشر، هشام معروف حسنی، دار التعارف، دار القلم، 1397 ق

304. السیرة الحلبیة، علی بن برهان الدین حلبی، دار الفکر، بیروت

305. السیدة زینب الکبری عليها‌السلام، علامه سید محمد کاظم قزوینی، دار الایمان، قم

306. السیدة سکینة عليها‌السلام، سید عبد الرزاق موسوی مقرم، انتشارات شریف رضی، قم 1371 ش

307. سیرة النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، ابی عبدالله مطلبی، تهذیب: ابن هشام، مکتبة محمد علی صبیح واولاده، مصر 1383 ق

308. السیرة النبویة صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، ابن کثیر، دار المعرفة، بیروت 1396 ق

309. السیرة النبویة صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، احمد زینی دحلان، دار احیاء التراث العربی، بیروت 1416 ق

310. السیف و السیاسة، صالح وردانی، دار الجسام، قاهره 1415 ق

311. شاخه طوبی، محدث نوری، نسخه عکسی

312. الشافی فی الامامة، سید مرتضی، مؤسسه اسماعیلیان، قم 1410 ق

313. شبهای پیشاور، سلطان الواعظین شیرازی، عطر یاس، 1386 ش

314. شجرة طوبی، شیخ مهدی حائری، مازندرانی، شریف رضی، قم 1374 ش، المکتبة الحیدریة، 1385

315. شرح احقاق الحق وازهاق الباطل، آیة الله مرعشی نجفی، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، قم

316. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم‌السلام، قاضی نعمان مغربی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم

317. شرح اصول الکافی، مولی محمد صالح مازندرانی

318. شرح التجرید، علامه حلی، تحقیق زنجانی، نشر شکوری، 1373 ق

319. شرح الزرقانی و علی موطأ، محمد بن عبد باقی زرقانی، دار الکتب العلمیة، بیروت 1411 ق

320. شرح زندگانی و شهادت حضرت سلطانعلی بن محمد باقر عليهما‌السلام، عبد الرسول مدنی کاشانی، مرسل، کاشان 1376 ش

321. شرح الشفاء، خفاجی

322. شرح القصائد العلویات السبع، ابن ابی الحدید

323. شرح مسلم، نووی، دار الکتاب العربی، بیروت 1407 ق

324. شرح معانی الآثار، عبد الملک بن سلمة ازدی، دار الکتب العلمیة، 1416 ق

325. شرح المواقف، قاضی عضد الدین ایجی، مطبعة السعادة، مصر 1325 ق

326. شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، مکتبة آیة الله مرعشی نجفی، قم 1404 ق

327. الشرف المؤید، نبهانی، بیروت 1409

328. الشفا بتعریف حقوق المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، قاضی عیاض یحصبی، دار الفکر، بیروت 1409 ق

329. شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، ابوالفضل تهرانی، مطبعة امیرالمؤمنین، 1370 ق

330. شواده التنزیل لقواعد التفضیل فی آیات النازلة فی اهل البیت، حاکم حسکانی، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، 1411 ق

331. شهداء الفضیلة، علامه امینی

332. الشهید مسلم بن عقیل، سید عبدالررزاق موسوی مقرم، مؤسسه بعثت، تهران 1407 ق

333. الشیعة فی احادیث الفریقین، سید مرتضی موحد ابطحی، ناشر: مؤلف، 1416 ق

334. صبح الأعشی، قلقشندری، دار الکتاب، قاهره، 1333 ق

335. صحیح البخاری، بخاری، دار الفکر، بیروت 1401 ق، دار الطباعة العامرة باستانبول

336. صحیح ابن حبان، علاء الدین بن بلبان فارسی، مؤسسه الرسالة، بیروت 1414 ق

337. صحیح مسلم، مسلم قشیری نیسابوری، دار الفکر، بیروت

338. الصحیح من سیرة النبی الأعظم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، سید جعفر مرتضی عاملی، دار الهادی، بیروت 1415 ق

339. صحیفة الامام الحسن عليه‌السلام، جواد قیومی اصفهانی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم

340. صد و یک منبر، حاج امین الواعظین اردبیلی، چاپ سنگی

341. الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، علی بن یونس عاملی، المکتبة المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة

342. صفات الشیعة، شیخ صدوق، نشر عابدی، تهران

343. صفة المنافق، جعفر بن محمد فریابی، دار الخلفاء، کویت 1405 ق

344. صفوة الصفوة، ابن جوزی، دار المعرفة، بیروت 1399 ق

345. الصوارم المهرقة فی جواب الصواعق المحرقة، قاضی نورالله تستری، مطبعة نهضت، تهران 1367 ق

346. الصواعق المحرقة، ابن حجر عسقلانی، ط عبداللطیف، مصر

347. طبقات الحفاظ، سیوطی، دار الکتب العلمیة، بیروت، 1403 ق

348. الطبقات الکبری، ابی عبدالله ابن سعد بصری، دار صادر، بیروت 1388 ق

349. طبقات المحدثین باصبهان، عبدالله بن محمد، مؤسسه الرسالة، بیروت 1412 ق

350. الطرائف، سید علی بن طاووس، چاپ خیام، 1399 ق

351. الطراز المذهب فی احوال ام المصائب زینب، عباسقلی خان سپهر، اسلامیة، تهران

352. طریق الارشاد (ضمن الرسائل الاعتقادیة)، خاجوئی، دار الکتاب الاسلامی، قم

353. عبدالله بن سبأ، سید مرتضی عسکری، نشر توحید، 1413 ق

354. العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان عليه‌السلام، شیخ علی اکبر نهاوندی، کتابفروشی دبستانی، تهران

355. العدد القویة، علی بن یوسف بن مطهر حلی، کتابخانه آیة الله مرعشی، نجفی، قم 1408 ق

356. العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، مؤسسة اعلمی، بیروت 1409 ق

357. العقد الفرید، ابن عبد ربه، دار الکتاب العربی، بیروت، مکتبة النهضة المصریة

358. عقیلة بنی هاشم، سید علی هاشم، المکتبة الحیدریة، قم 1377 ش

359. العقیلة و الفواطم علیهن السلام، حاج حسین شاکری، ناشر: المؤلف، قم

360. علل الدارقطنی، ابن عمر دار قطنی بغدادی، دار طیبة، ریاض 1405 ق

361. علل الشرائع، شیخ صدوق، انتشارات شریف رضی، قم 1379 ش، مکتبة الحیدریة، نجف اشرف 1386 ق

362. علی الأکبر عليه‌السلام، سید عبد الرزاق موسوی مقرم، انتشارات شریف رضی، قم 1372 ش

363. علی عليه‌السلام ولید الکعبة، محمد علی اردوبادی، انتشارات بعثت، قم 1417 ق

364. العمدة، ابن بطریق، مؤسسه النشر الاسلامی، قم 1407

365. عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب عليه‌السلام، جمال الدین ابن عنبة، المکتبة الحیدریة، نجف اشرف، 1380 ق

366. عمدة القاری، عینی، دار احیاء التراث العربی، بیروت

367. (من حیاة الخلیفة) عمر بن الخطاب، عبد الرحمان احمد بکری، ارشاد، بیروت، لندن

368. عوالم العلوم (فاطمة الزهراء عليه‌السلام)، شیخ عبدالله بحرانی، مدرسة الامام المهدی عليه‌السلام، قم

369. عوالم العلوم (الامام الحسین عليه‌السلام)، شیه عبدالله بحرانی، مدرسة الامام المهدی عليه‌السلام، قم 1407 ق

370. عوالی اللثالی، ابن ابی الجمهور، مطبعة سید الشهداء عليه‌السلام، قم 1403

371. عون المعبود شرح سنن ابی داود، محمد شمس الحق عظیم آبادی، دار الکتب العلمیة، بیروت 1415 ق

372. عید الغدیر فی الاسلام، علامه امینی

373 عین العبرة فی غبن العترة، سید احمد آل طاووس، دار الشهاب، قم

374. عیون الأثر، ابن سید الناس، مؤسسه عز الدین، بیروت 1406 ق

375. عیون اخبار الرضا عليه‌السلام، شیخ صدوق، مؤسسه اعلمی بیروت، 1404 ق. حیدریه، نجف اشرف 1390 ق

376. عیون المعجزات، حسین بن عبد الوهاب، حیدریه نجف اشرف 1369 ق

377. الغارات، ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، مطبعة بهمن، بتحقیق سید جلال الدین محدث

378. غایة المرام وحجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص والعام، سید هاشم بحرانی، تحقیق سید علی عاشور

379. الغدیر، علامه امینی، دار الکتاب العربی، بیروت 1397 ق، دار الکتب الاسلامیة، تهران 1374 ش

380. الغیبة، محمد بن ابراهیم نعمانی، مکتبة الصدوق، تهران

381. الغیبة، شیخ طوسی، مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم 1411 ق

382. الفائق فی غریب الحدیث، زمخشری، دار الکتب العلمیة، بیروت 1417 ق

383. فاطمة بنت الامام موسی الکاظم عليه‌السلام، محمد هادی امینی، المطبعة المهدیة، 1405 ق

384. فاطمة الزهراء عليها‌السلام، بهجة قلب المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، احمد رحمانی همدانی، انتشارات بدر، 1373 ش

385. فاطمة المعصومة، محمد علی معلم

386. فتح الباری، ابن حجر عسقلانی، دار المعرفة، بیروت

387. فتح القدیر، شوکانی، الناشر: عالَم الکتب

388. الفتنة ووقعة الجمل، سیف بن عمر ضبی اسدی، دار النفائس، بیروت 1391 ق

389. الفتوح، ابو محمد بن اعثم کوفی، دار الندوة الجدیدة

390. فتوح البلدان، احمد بن یحیی بلاذری، مکتبة النهضة المصریة، قاهره 1379 ق

391. فدک فی التاریخ، سید محمد باقر صدر، مرکز الغدیر، قم 1415 ق

392. فرائد السمطین، ابراهیم بن مجد جوینی، مؤسسه محمودی، بیروت

393. فرج المهموم، سید ابن طاووس، انتشارات رضی، قم، 1363 ش

394. فرحة الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی عليه‌السلام، سید بن طاووس، مرکز الغدیر، قم 1419 ق

395. الفردوس بمأثور الخطاب، شیرویه بن شهردار دیلمی، دار الکتب العلمیة، بیروت، 1986 م

396. فُرسان الهَیجاء، ذبیح الله محلاتی، مرکز نشر کتاب، تهران 1390 ق

397. فصل الخطاب فی تاریه قتل بن عمر بن الخطاب، شیخ ابو الحسین انصاری

398. الفصول المختارة، شیخ مفید، دار المفید، بیروت 1414 ق

399. الصفول المهمة، علی بن محمد مالکی، المکتبة الحیدریة، نجف اشرف، 1381 ق

400. الفضائل، شاذان بن جبرئیل قمی، حیدریه، نجف اشرف 1381 ق

401. فضائل امیرالمؤمنین عليه‌السلام (ابن عقدة الکوفی)، جمع و ترتیب: عبدالرزاق محمد حسین فیض الدین

402. فضائل الصحابة، نسائی، دار الکتب العلمیة، بیروت

403. فضائل زیارة الحسین عليه‌السلام، ابو عبدالله محمد بن علی شجری، کتابخانه آیة الله مرعشی، قم 1403 ق

404. الفقه الأکبر فی التوحید، ابوحنیفه، مکتب قباء، بغداد 1990 م

405. فقه الرضا عليه‌السلام، منسوب به امام رضا عليه‌السلام، کنگره جهانی امام رضا عليه‌السلام، مشهد 1406 ق

406. فلک النجاة، علی محمد فتح الدین حنفی، مؤسسه دار السلام، 1418 ق

407. فهرست ابن ندیم، ابن ندیم بغدادی، تحقیق: رضا تجدد

408. الفوائد الرجالیة (رجال السید بحر العلوم)، سید محمد مهدی بحر العلوم، مکتبة الصادق، تهران 1363 ش

409. فیض العلام، محدث قمی، مرکز نشر کتاب، قم 1375 ش

410. فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، محمد عبدالرؤوف مناوی، دار الکتب العلمیة، بیروت 1415 ق

411. قاموس الرجال، شیخ محمد تقی شوشتری، مرکز نشر کتاب، تهران

412. قرب الأسناد، ابوالعباس عبدالله حمیری قمی، مؤسسه الهادی، قم 1418 ق

413. قصص الأنبیاء، قطب الدین راوندی، مؤسسه الهادی، 1418 ق

414. قلائد النحور، ذبیح الله محلاتی، انتشارات کتابخانه صدر

415. قمر بنی هاشم عليه‌السلام، سید عبدالرزاق المقرم، المطبعة الحیدریة، نجف اشرف 1369 ق

416. قمقام زخار، قرهاد میرزا، الاسلامیة، تهران

417. الکاشف فی معرفة من له روایة فی کتب الستة، ذهبی، مؤسسه علوم القرآن، مطبعة دار القبلة، 1413 ق

418. الکافئة فی ابطال توبة الخاطئة، شیخ مفید، دار المفید، بیروت 1414 قپ

419. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، دار الکتب الاسلامیة، تهران 1388 ق

420. کامل بهائی، عماد الدین طبری، مصطفوی، تهران

421. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، دار صادر، بیروت، 1402 ق

422. کامل الزیارات، ابن قولویه، مؤسسه نشر الفقاهة، قم 1417 ق

423. الکامل فی ضعفاء الرجال، عبدالله بن عدی جرجانی، دار الفکر، بیروت 1409 ق

424. کتاب الله و اهل بیت عليهم‌السلام فی حدیث الثقلین، مدرسة الامام باقر العلوم عليه‌السلام، قم، نشر دلیل ما

425. کتاب الأم، شافعی، دار الفکر، بیروت، 1400 ق

426. کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق محمد باقر انصاری، مؤسسه الهادی، قم 1415 ق

427. کتاب المحبر، محمد بن حبیب بغدادی، مکتبة الدائرة، 1361 ق

428. کتاب المعقبین من ولد الامام امیرالمؤمنین عليه‌السلام، کتابخانه مرعشی، قم

429. کتاب المنن (لطائف المنن)، عبدالوهاب شعرانی

430. کذبوا علی الشیعة، محمد رضی رضوی

431. کرامات رضویة، شیخ علی اکبر مروج الاسلام، انتشارات ولایت (جعفری)، مشهد

432. کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، السید محسن امین، مکتبة الحرمین، قم، 1382 ق

433. کشف الخفاء ومزیل الألباس، اسماعیل عجلونی، دار الکتب العلمیة، بیروت 1408 ق

434. کشف الغمة، ابوالحسن اربلی، مکتبة بنی هاشمريال تبریز 1381 ق

435. کشف المحجة لثمرة المهجة، سید رضی الدین علی بن طاووس، حیدریة، نجف اشرف 1370 ق

436. کشف المراد، علامه حسن یوسف حلی، مکتبة مصطفوی، قم

437. کشف الهاویة (در تاریخ و وقائع ایام حکومت معاویه)، شیخ ذبیح الله محلاتی، مرکز نشر کتاب، تهران 1385 ق

438. کشف الیقین، علامه حلی، تحقیق حسین درگاهی، 1411 ق

439. کفایة الالثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر عليهم‌السلام، خزاز قمی رازی، انتشارات بیدار، قم 1401 ق

440. کفایة الطالب، کنجی شافعی، دار احیاء تراث اهل البیت عليهم‌السلام، تهران، 1404

441. کفایة الموحدین، سید اسماعیل طبرسی نوری، العلمیة الاسلامیة، تهران

442. موسوعة کلمات الامام الحسین عليه‌السلام، مؤلف: معهد تحقیقات باقر العلوم، دار المعروف، قم، الثالثة 1416 ق

443. کمال الدین، شیخ الصدوق، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1416 ق

444. کنز العمال، متقی هندی، مؤسسه الرسالة، بیروت

445. الکنز المدفون و الفلک المحشون، سیوطی

446. کوکب دری، شیخ مهدی مازندرانی، المکتبة الحیدریة، نجف اشرف 1374 ق

447. کنز الفوائد، ابو الفتح محمد بن علی کراجکی، مکتبة مصطفوی، قم 1410 ق

448. الکنی و الألقاب، محدث قمی

449. گوهر خاندان امامت یا زندگانی السیدة نفسیة، عزیز الله عطارد، نشر عطارد، تهران 1373 ش

450. لسان العرب، ابن منظور، نشر ادب حوزه، قم 1405

451. لسان المیزان، عسقلانی، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390 ق

452. لطائف المعارف، ثعالبی، دار احیاء الکتب العربیة، بیروت

453. اللعمة البیضاء فی شرح خطبة الزهراء عليها‌السلام، محمد علی قراچه داغی تبریزی، نشر الهادی عليه‌السلام، قم، 1418 ق

454. لواعج الأشجان فی مقتل الحسین عليه‌السلام، سید محسن امین، مکتبة بصیرتی، قم

455. اللهوف، سید ابن طاووس، دار الأسوة، قم، 1417 ق

456. مؤتمر علماء بغداد، مقاتل بن عطیة، دار الکتب الاسلامیة، تهران، 1377 ش

457. مائة منقبة، شیخ محمد بن احمد حسن بن شاذان قمی، مدرسة الامام المهدی عليه‌السلام، قم 1407 ق

458. مآثر الانافة فی معالم الخلافة، قلقشندی، کویت، بیروت

459. ماذا تقضون؟، شیخ قاسم اسلامی، تهران

460. مأساة الزهراء عليها‌السلام، سید جعفر مرتضی عاملی، دار السیرة، بیروت، 1417 قپ

461. المبسوط، شمس الدین سرخسی، دار المعرفة، بیروت 1406 ق

462. مبکی العیون، محمد حسین گیلانی شیرازی

463. مثالب العرب، کلبی، دار الهدی، بیروت، لندن

464. مثالب النواصب، ابن شهر آشوب مازندرانی

465. مثیر الأحزان، ابن نما حلی، مکتبة الحیدریة، نجف اشرف، 1369 ق

466. المجازات النبویة، شریف رضی، مکتبة بصیرتی، قم

467. مجالس المؤمنین، قاضی نور الله شوشتری، دار الکتب الاسلامیة، تهران

468. المجدی فی انساب الطالبیین، علی بن محمد علوی نسابة، کتابخانه آیة الله مرعشی، قم، 1409 ق

469. مجلة تراثنا، مؤسسه آل البیت لا حیاء التراث، قم، 1405 ق

470. مجمع البیان، امین الاسلام طبرسی، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1415 ق

471. مجمع الزوائد، هیثمی، دار الکتب العلمیة، بیروت 1408 ق

472. مجمع النورین وملتقی البحرین، ابو الحسن مرندی

473. المجموع فی شرح المهذوب، نووی، دار الفکر

474. المحاسن، ابوجعفر احمد بن محمد خالد برقی، دار الکتب الاسلامیة، تهران

475. المحاسن و المساوی، بیهقی، مکتبة النهضة، مصر

476. محاضرات فی الاعتقادات، سید علی میلانی، قم، 1421 ق

477. محاضرة الأوائل، علاء الدین سکتواری

478. المحتضر، حسن بن سلیمان حلی، المطبعة الحیدریة، 1370 ق

479. المحلی، ابن حزم اندلسی، دار الفکر، بیروت

480. المختار الثقفی، کمال سید، مؤسسه انصاریان، قم 1417 ق

481. مختصر بصائر الدرجات، حسن بن سلیمان حلی، المطبعة الحیدریة، نجف اشرف، 1370 ق

482. مختصر تاریخ دمشق، ابن منظور، دار الفکر، بیروت

483. المدونة الکبری، مالک بن انس، السعادة، مصر

484. مدینة الحسین عليه‌السلام، سید محمد حسن مصطفی آل کلید دار، تهران، 1368 ق

485. مدینة المعاجز، سید هاشم حسینی بحرانی، مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم، 1413 ق

486. المراجعات، سید عبدالحسین شرف الدین، الجمعیة الاسلامیة، 1402 ق

487. مرآة العقول، محمد باقر مجلسی، دار الکتب الاسلامیة، تهران، 1404 ق

488. مراقد المعارف، محمد حرز الدین، مکتبة سعید بن جبیر، قم، 1371 ش

489. مروج الذهب، مسعودی، دارالفکر، بیروت

490. المزار، شیخ مفید، مدرسة الامام المهدی، قم

491. المزار، شیخ محمد مشهدی، نشر القیوم، قم، 1419 ق

492. مسائل علی بن جعفر عليهما‌السلام، علی بن امام جعفر الصادق، کنگره جهانی امام رضا، 1409 ق، قم

493. مسار الشیعة، شیخ مفید، ضمن مجموعه نفیسه، مکتبة بصیرتی، قم 1396 و دار المفید، بیروت، 1414ق

494. المسانید، محمد حیاة بلتستانی باکستانی

495. المستجاد، علامه حلی (ضمن مجموعة نفسیة)، مکتبة بصیرتی، قم 1396 ق

496. مستدرکات علم رجال الحدیث، علامه شیخ علی نمازی شاهرودی، 1421 ق

497. مستدرک سفینة البحار، علامه نمازی شاهرودی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم 1419 ق

498. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، دار المعرفة، بیروت 1406 ق

499. مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، 1408 ق

500. المسترشد فی امامة امیرالمؤمنین عليه‌السلام، محمد بن جریر طبری امامی، مؤسسه الثقافة الاسلامیة

501. مستمسک العروة الوثقی، سید محسن حکیم، کتابخانه آیة الله مرعشی، قم، 1404 ق

502. مسند ابن راهویه، اسحاق بن ابراهیم حنطلی، مکتبة الایمان، مدینه منوره، 1412 ق

503. مسند ابی عوانة، ابو عوانة اسفرائینی، دار المعرفة، بیروت، 1998 م

504. مسند ابی یعلی الموصلی، احمد تمیمی، دار المأمون للتراث، دمشق

505. مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل؛ دار صادر، بیروت

506. مسند الامام الرضا عليه‌السلام، شیخ عزیز الله عطارد، کنگره جهانی امام رضا، مشهد 1406 ق

507. مسند البزار، ابوبکر بزار، مؤسسه علوم القرآن - مکتبة العلوم و الحکم، بیروت، مدینه، 1409 ق

508. مسند الحمیدی، عبدالله بن زبیر حمیدی، دار الکتب العلمیة، بیروت، 1409 ق، مکتبة المتنبی، قاهره

509. مسند زرارة بن اعین، بشیر محمدی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم 1413 ق

510. مسند الشاشی، میثم بن کلیب شاشی، مکتبة العلوم و الحکم، مدینه 1410 ق

511. مشارف انوار الیقین فی حقائق اسرار امیرالمؤمنین عليه‌السلام، حافظ رجب برسی، انتشارات شریف رضی، 1422 ق

512. مشاهیر علماء الأمصار، ابن حبان، بیروت، 1411 ق

513. مصائب رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، شیخ محمود شریفی، انتشارات مکتبه حیدریه، قم، 1380 ش

514. مصارع الشهداء ومقاتل السعداء، سلمان آل عصفور، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، قم 1422 ق

515. المصباح، کفعمی، منشورات رضی، قم

516. مصباح البلاغة (مستدرک نهج البلاغة)، سید میرجهانی، 1388 ق

517. مصباح الحرمین، مولی عبد الجبار شکوئی

518. مصباح الزائر، سید ابن طاووس، مؤسسه آل البیت عليهم‌السلام، قم

519. مصباح المتهجد، شیخ طوسی، تصحیح و نشر: اسماعیل الأنصاری، قم

520. المصنف، ابن ابی شیبة، دار الفکر، 1409 ق

521. المصنف، عبدالرزاق، صنعانی، مجلس علمی

522. مطالب السؤول فی مناقب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، محمد بن طلحة شافعی، نجف اشرف

523. معالی السبطین، شیخ محمد مهدی حائری مازندرانی، انتشارات شریف رضی، قم 1367 ش

524. المعارف، ابن قتیبة دینوری، دار احیاء التراث، بیروت

525. معالم الزلفی، سید هاشم بحرانی، مؤسسه انصاریان، قم، 1424 ق

526. معالم المدرستین، سید مرتضی عسکری، مؤسسه نعمان، بیروت 1410 ق

527. معانی الأخبار، شیخ صدوق، النشر الاسلامی، قم 1361 ش

528. معجم احادیث الامام المهدی عليه‌السلام، شیخ علی کورانی، مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم، 1411 ق

529. معجم البلدان، شهاب الدین یاقوت حمودی، دار احیاء التراث العربی، بیروت 1399 ق

530. معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خوئی، الخامسة 1413 ق

531. معجم الرجال والحدیث، محمد حیاة انصاری

532. معجم قبائل العرب، عمر رضا کحالة، دار العلم للملایین، بیروت، 1388 ق

533. المعجم الکبیر، طبرانی، مکتبة ابن تیمیة، قاهره، الثانیة، مطبعة دار احیاء التراث العربی

534. معرفة الثقات، احمد عجلی، مکتبة الدار، مدینه، 1405 ق

535. المعصومة عليها‌السلام، محمد علی معلم، قم، 1402 ق

536. المعقبین من ولد الامام امیرالمؤمنین عليه‌السلام، ابوالحسین یحیی بن حسن علوی، کتابخانه آیة الله مرعشی، قم، 1422 ق

537. المعیار و الموازنة، ابو جعفر اسکافی، تحقیق» محمد باقر محمودی

538. المغازی، محمد بن عمر بن واقد واقدی

539. مفاتیح الجنان، محدث قمی

540. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، المکتبة الحیدریة، نجف اشرف، دار الکتاب قم، 1385 ق

541. المقنعة، شیخ مفید، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1410 ق

542. مقتل الحسین عليه‌السلام، ابومحنف لوط بن یحیی ازدی غامدی، کتابخانه آیة الله مرعشی، 1398 ق

543. مقتل الحسین عليه‌السلام، خوارزمی، دار انوار الهدی، قم، 1418 ق

544. مقتل الحسین عليه‌السلام اَو حدیث کربلاء، مرحوم سید عبدالرزاق المقرم، انتشارات شریف رضی، قم

545. مقتل و مصرع العباس عليه‌السلام، بحرانی، انتشارات شریف رضی، قم، 1411 ق

546. مقدمة فتح الباری، ابن حجر عسقلانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1408 ق

547. مکاتیب الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، علی بن حسینعلی احمدی میانجی، دار الحدیث، قم، 1419 ق

548. مکیال المکارم، شیخ محمد تقی موسوی اصفهانی، مدرسة الامام المهدی، قم، 1404 ق

549. المناقب، خوارزمی، تهران، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1411 ق

550. الملل و النحل، شهرستانی، مصطفی البابی الحلبی، قاهره، تحقیق گیلانی

551. مناظرات فی العقائد والأحکام، عبدالله الحسن، دلیل ما، 1421 ق

552. مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام، ابوحعفر ابن شهر آشوب، ذوی القربی، 1379 ش

553. مناقب الامام علی بن ابی طالب عليهما‌السلام، ابن المغازلی، المکتبة الاسلامیة، تهران 1394 ق

554. مناقب الامام امیرالمؤمنین عليه‌السلام، محمد بن سلیمان کوفی، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، قم، 1412 ق

555. مناقب اهل البیت عليهم‌السلام، مولی حیدر علی بن محمد شیروانی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم 1414 ق

556. المنتخب، شیخ فخر لدین طریحی، مکتبة الحیدریة، نجف اشرف 1385 ق

557. منتخب التواریخ، ملا هاشم خراسانی، الاسلامیة، تهران 1376 ش

558. المنتخب من ذیل المذیل، محمد بن جریری طبری، مؤسسه اعلمی، بیروت

559. من لا یحضره الفقیه (الفقیه)، شیخ صدوق، مؤسسه النشر الاسلامی، قم 1404 ق

560. منتهی الآمال، محدث قمی، الاسلامیة، تهران 1338 ش

561. منتقی الجمان فی الأحادیث الصحاح و الحسان، حسن بن زین الدین، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1403 ق

562. منهاج الکرامة، علامه حلی، مؤسسه عاشورا، مشهد، نشر تاسوعا قم

563. موارد الظمآن الی زوائد ابن حبان، هیثمی، دار الکتب العلمیة، بیروت

564. مواقف الشیعة، علی بن حسینعلی احمدی المیانجی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1416 ق

565. موسوعة الامام الجواد عليه‌السلام، مؤسسه ولی العصر، قم 1419 ق

566. موسوعة الامام علی بن ابی طالب عليه‌السلام، محمد ریشهری، دار الحدیث، قم 1421 ق

567. موسوعة التاریخ الاسلامی، محمد هادی یوسفی غروی، مجمع الفکر الاسلامی، قم، 1417 ق

568. الموسوعة الکبری عن فاطمة الزهراء عليها‌السلام، حاج اسماعیل انصاری زنجانی، نشر دلیل ما، قم

569. الموسوعة الکبری فی غزوات النبی الأعظم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، محمد محسن فقیه، مؤسسه الفقیه، 1417 ق

570. (موسوعة) کلمات الامام الحسین عليه‌السلام، پژوهشکده باقر العلوم عليه‌السلام، انتشارات اسوه، قم 1425 ق

571. الموطأ، مالک بن انس، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1406 ق

572. مولد العلماء ووفیاتهم، ابن زبر ربعی، دار العاصمة، ریاض، 1410 ق

573. مهج الدعوات، سید علی بن طاووس، دار الذخائر، قم 1411 ق

574. المهدی عليه‌السلام، سید صدر الدین صدر، دار الزهراء عليها‌السلام، بیروت 1978 م

575. المهدی المنتظر عليه‌السلام، محمد حسن آل یاسین، المکتب العالمی، بیروت

576. مهیج الأحزان، حسن بن محمد علی یزدی، الاسلامیة، تهران

577. میثم التمار، شیخ محمد حسین مظفر، المکتبة الحیدریة، النجف 1385 ق

578. میزان الاعتدال، ذهبی، دار المعرفة، بیروت، 1382 ق

579. ناسخ التواریخ، عباسقلی خان سپهر، الاسلامیة، تهران

580. النجاة فی القیامة فی تحقیق امر الامامة، علامه میثم بن علی بحرانی، مجمع فکر اسلامی، قم، 1417 ق

581. نزل الأبرار بما صح من مناقب اهل البیت الأطهار، بدخشانی حارثی، مکتبة الامام امیرالمؤمنین عليه‌السلام، 1403 ق

582. نزهة المجالس، صفوری شافعی، مکتبة مصطفی محمد، مصر

583. النصائح الکافیة لمن یتولی معاویة، سید محمد بن عقیل العلوی، دار الثقافة، قم، 1412 ق

584. نصب الرایة، جمال الدین زیعلی، دار الحدیث، قاهره، 1415 ق

585. النص علی امیرالمؤمنین عليه‌السلام، سید علی عاشور

586. النص والاجتهاد، سید عبدالحسین شرف الدین، الناشر: ابومجتبی، مطبعة سید الشهداء، 1404 ق

587. نظم درر السمطین، محمد بن یوسف زرندی حنفی، (مکتبة الامام امیرالمؤمنین العامیة) 1377 ق، مکتبة نینوی، تهران

588. نفائح العلام، مروج الاسلام، آستان قدس رضوی، 1373 ش

589. نفحات الأزهار فی خلاصة عبقات الأنوار، سید علی میلانی، الناشر: مؤلف، قم، 1414 ق

590. نفحات اللاهوت، محقق کرکی، مکتبة نینوی الحدیثة، تهران

591. نفس الرحمن فی فضائل سلمان رحمه‌الله، میرزا حسین نوری، مؤسسه الآفاق، 1411 ق

592. نفس المهموم، شیخ عباس قمی، مکتبة بصیرتی، قم 1405 ق

593. نقد الرجال، سید مصطفی تفریشی، مؤسسه آل البیت عليهم‌السلام، قم 1418 ق

594. نهایة العقول فی درایة الأصول، فخر رازی

595. النهایة فی غریب الحدیث، ابن اثیر، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1364 ق

596. نهج الایمان، علی بن یوسف بن جبر، مجتمع امام هادی عليه‌السلام مشهد، 1418 ق

597. نهج البلاغة، شریف رضی

598. نهج الحق، علامه حلی، مؤسسه دار الهجرة، قم

599. نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، محمد باقر محمودی، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، 1396 ق

600. نوائب الدهور، سید میر جهانی، مکتبة الصدر، تهران

601. نوادر المعجزات، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، مدرسة الامام المهدی عليه‌السلام، قم، 1410 ق

602. نور الآفاق، جواد بن مهدی مازندرانی، چاپ سنگی

603. نور الأبصار فی موالید الأئمة الأطهار عليهم‌السلام، جمع من العلماء، شریف رضی، قم، 1413 ق

604. نور الأبصار، شبلنجی شافعی، المطبعة الیوسفیة، قاهره

605. نور العین فی مشهد الحسین عليه‌السلام، ابو اسحاق اسفراینی، المنار، تونس

606. نور العین فی المشی الی زیارة قبر الحسین عليه‌السلام، محمد حسن اصطهباناتی، دار المیزان، بیروت، 1425 ق

607. نیل الأوطار، محمد بن علی شوکانی، دار الجلیل، بیروت 1973 م

608. الوافی، فیض کاشانی، مکتبة الامام امیرالمؤمنین عليه‌السلام، اصفهان، 1406 ق

609. الوافی بالوفیات، صلاح الدین مقدسی، 1401 ق

610. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البیت عليهم‌السلام لا حیاء التراث، قم، 1414 ق

611. وسیلة الدارین، موسوی زنجانی، مؤسسه اعلمی، بیروت 1402 ق

612. وسیلة المعصومیة، میرزا ابوطالب بیوک حسینی تبریزی، مکتبة السعادة، تهران 1402 ق

613. وصول الأخیار الی اصول الأخبار، شیخ عبد الصمد عاملی، مجمع الذخائر الاسلامیة، قم 1401 ق

614. وضوء النبی، سید علی شهرستانی، ستاره قم، 1415 ق

615. السیدة فاطمة الزهراء عليها‌السلام، محمد بیومی مهران، سفیر، اصفهان، 1418 ق

616. وفیات الأئمة عليهم‌السلام، من علماء البحرین و القطیف، دار البلاغة، بیروت، 1412 ق

617. وفیات الأعیان، ابن خلکان، دار الثقافة، بیروت

618. وقائع الأیام، خیابانی، مکتبة قرشی، تبریز

619. وقائع الشهور، مجتهد بیرجندی، اخوان کتابجی، تهران 1352 ق

620. وقائع عاشوراء یا نهضت حسین عليه‌السلام، سید محمد صدرائی اشکوری

621. الوقائع والحوادث، محمد باقر ملبوبی، مکتبة فرد، قم 1341 ش

622. وقعة الجمل، ضامر بن شدقم حسینی، الناشر: سید تحسین آل شبیب موسوی، 1420 ق

623. وقعة صفین، نصر بن مزاحم منقری، المؤسسة العربیة الحدیثة، 1382 ق

624. ولید الکعبة، لحسینی جلالی، المکتبة الحیدریة، قم

625. الوهابیون والبیوت المرتفعة، شیخ محمد علی همدانی سنقری، 1418 ق

626. الهجوم علی بیت فاطمة عليها‌السلام، عبدالزهراء مهدی، برگ رضوان، قم، 1425 ق

627. الهدایة الکبری، حسین بن حمدان خصیبی، مؤسسه البلاغ، بیروت، 1411 ق

628. هدیة الأحباب، شیخ عباس قمی

629. هذه هی الوهابیة، محمد جواد مغنیه

630. هکذا رأیت الوهابیین، عبدالله محمد، مکتبة السعادة، تهران، 1402 ق

631. الیقین باختصاص مولانا علی عليه‌السلام بامرة المؤمنین، سید علی بن طاووس حسینی، مؤسسه دار الکتاب، قم، 1413 ق

632. ینابیع المودة لذوی القربی، قندوزی حنفی، دار الأسوة، قم، 1416 ق

فهرست

[1. محرم الحرام 11](#_Toc523136631)

[1 محرم 15](#_Toc523136632)

[1. آغاز ایام حسینی 15](#_Toc523136633)

[2 - ماجرای شعب ابی طالب عليه‌السلام (2) 15](#_Toc523136634)

[3 - جنگ ذات الرقاع 16](#_Toc523136635)

[4. اولین جمع آوری زکات 17](#_Toc523136636)

[5. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 21 «قصر مقاتل» 17](#_Toc523136637)

[6. کلام عاشورایی امام رضا عليه‌السلام (4) 17](#_Toc523136638)

[2 محرم 18](#_Toc523136639)

[1. ورود امام حسین عليه‌السلام به کربلا 18](#_Toc523136640)

[2. نامه امام حسین عليه‌السلام برای اهل کوفه 19](#_Toc523136641)

[3 محرم 19](#_Toc523136642)

[1. ورود عمر بن سعد به کربلا 19](#_Toc523136643)

[4 محرم 20](#_Toc523136644)

[1. فتوای شریح قاضی به قتل امام حسین عليه‌السلام 20](#_Toc523136645)

[5 محرم 20](#_Toc523136646)

[1. ورود حصین بن نمیر به کربلا 20](#_Toc523136647)

[6 محرم 20](#_Toc523136648)

[1 - یاری طلبیدن حبیب بن مظاهر از بنی اسد 20](#_Toc523136649)

[2. بازار آهنگران کوفه 21](#_Toc523136650)

[3. تراکم لشکر یزید در کربلا 21](#_Toc523136651)

[7 محرم 21](#_Toc523136652)

[1. ملاقات امام حسین عليه‌السلام با ابن سعد 21](#_Toc523136653)

[2. منع آب از امام حسین عليه‌السلام 22](#_Toc523136654)

[8 محرم 22](#_Toc523136655)

[1. قحط آب در خیمه های حسینی 22](#_Toc523136656)

[9 محرم (تاسوعا) 22](#_Toc523136657)

[1. محاصره خیمه ها در کربلا 22](#_Toc523136658)

[2 - آمدن امان نامه برای فرزندان امّ البنین عليه‌السلام 23](#_Toc523136659)

[3 - درخواست تأخیر جنگ از سوی امام حسین عليه‌السلام 23](#_Toc523136660)

[4 - آمدن لشکر تازه نفس به کربلا 23](#_Toc523136661)

[5. خطابه امام حسین عليه‌السلام برای اصحابش 24](#_Toc523136662)

[شب عاشورا 24](#_Toc523136663)

[1. سخنان امام عليه‌السلام با اهل بیت و اصحابش 24](#_Toc523136664)

[2. سخنان زینب کبری عليه‌السلام با امام حسین عليه‌السلام 24](#_Toc523136665)

[10 محرم (عاشورا) 25](#_Toc523136666)

[1. شهادت امام حسین عليه‌السلام 25](#_Toc523136667)

[2. شهادت حبیب بن مظاهر اسدی کوفی. (3) 26](#_Toc523136668)

[3. شهادت مسلم بن عوسجه. (4) 26](#_Toc523136669)

[4. شهادت حر بن یزید ریاحی. 26](#_Toc523136670)

[5. شهادت جون مولی ابی ذر الغفاری. (5) 26](#_Toc523136671)

[6. شهادت همسر وهب،به دست رستم غلام شمر. (6) 26](#_Toc523136672)

[7. شهادت شبیه ترین مردم به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، علی اکبر عليه‌السلام فرزند بزرگ سیّد الشّهداء عليه‌السلام 26](#_Toc523136673)

[8. شهادت قاسم بن الحسن عليه‌السلام. (1) 27](#_Toc523136674)

[9. شهادت عبداللَّه بن الحسن عليه‌السلام. 27](#_Toc523136675)

[10. شهادت قمر منیر بنی هاشم حضرت عباس بن علی بن ابی طالب عليه‌السلام. 27](#_Toc523136676)

[11. شهادت مولانا الرضیع باب الحوائج علی اصغر عليه‌السلام. 27](#_Toc523136677)

[12. آمدن ذوالجناح با یال و کاکل خونین 27](#_Toc523136678)

[13. ماتم و ناله و گریه پردگیان حرم 27](#_Toc523136679)

[14. غارت اموال از خیام امام حسین عليه‌السلام. 27](#_Toc523136680)

[15. فرار فاطمیات و علویات در بیابانها 27](#_Toc523136681)

[16. غارت کردن لباس و زره و... از بدن مطهر شهدای کربلا. 27](#_Toc523136682)

[17. جدا شدن سرهای مطهر امام حسین عليه‌السلام و اهل بیت و اصحاب آن حضرت. 27](#_Toc523136683)

[18. به آتش کشیدن خیمه های آل اللَّه، فرزندان رسول خدا و علی مرتضی و فاطمه زهراء عليهم‌السلام. 27](#_Toc523136684)

[19. شهادت دختران کوچک در کنار خیمه ها. 27](#_Toc523136685)

[20. گریه و ماتم بر سیّد الشّهداء عليه‌السلام 27](#_Toc523136686)

[21. رأس مطهر امام حسین عليه‌السلام در کوفه 28](#_Toc523136687)

[22. خونین شدن ریشه هر گیاهی که از زمین می کشیدند، از مصیبت عظمای آن روز. (3) 28](#_Toc523136688)

[23. قتل ابن زیاد 28](#_Toc523136689)

[24. قیام حضرت مهدی عليه‌السلام 29](#_Toc523136690)

[25. وفات امّ سلمه 29](#_Toc523136691)

[شب یازدهم محرم 32](#_Toc523136692)

[1. شام غریبان کربلا 32](#_Toc523136693)

[2. سر امام حسین عليه‌السلام در تنور خولی 33](#_Toc523136694)

[11 محرم 34](#_Toc523136695)

[1. حرکت کاروان اسرا از کربلا 34](#_Toc523136696)

[2. تشکیل مجلس ابن زیاد 34](#_Toc523136697)

[3. حرکت اهل بیت امام حسین عليه‌السلام به سوی کوفه 34](#_Toc523136698)

[12 محرم 35](#_Toc523136699)

[1. دفن شهدای کربلا 35](#_Toc523136700)

[2. ورود اهل بیت عليه‌السلام به کوفه 35](#_Toc523136701)

[3. روز شهادت حضرت سجّاد عليه‌السلام 36](#_Toc523136702)

[13 محرم 36](#_Toc523136703)

[1. اسرای اهل بیت عليه‌السلام در مجلس ابن زیاد (3) 36](#_Toc523136704)

[2. اسرای اهل بیت عليه‌السلام در زندان کوفه 37](#_Toc523136705)

[3. خبر شهادت امام حسین عليه‌السلام در مدینه و شام 37](#_Toc523136706)

[4. شهادت عبداللَّه بن عفیف 37](#_Toc523136707)

[15 محرم 38](#_Toc523136708)

[1. فرستادن سرهای مطهر شهدا به سوی شام 38](#_Toc523136709)

[19 محرم 38](#_Toc523136710)

[1. حرکت کاروان کربلا به سوی شام 38](#_Toc523136711)

[20 محرم 38](#_Toc523136712)

[1. دفن بدن جون در کربلا 38](#_Toc523136713)

[23 محرم 40](#_Toc523136714)

[1. ویران نمودن حرم عسکریین عليهما‌السلام 40](#_Toc523136715)

[25 محرم 41](#_Toc523136716)

[1. شهادت امام سجّاد عليه‌السلام 41](#_Toc523136717)

[26 محرم 42](#_Toc523136718)

[1. شهادت علی بن الحسین المثلث 42](#_Toc523136719)

[28 محرم 43](#_Toc523136720)

[1. وفات حذیفه بن یمان 43](#_Toc523136721)

[2. تبعید امام جواد عليه‌السلام به بغداد 45](#_Toc523136722)

[3. ورود اسرای اهل بیت عليه‌السلام به بعلبک 45](#_Toc523136723)

[29 محرم 45](#_Toc523136724)

[1. رسیدن کاروان اسرا به شام 45](#_Toc523136725)

[تتمه محرم 46](#_Toc523136726)

[1. نوشتن صحیفه ملعونه 46](#_Toc523136727)

[2. وفات ام المؤمنین ماریه قبطیه رضوان الله علیها 46](#_Toc523136728)

[2. صفر الخیر 49](#_Toc523136729)

[1 صفر 53](#_Toc523136730)

[1. وارد کردن سر مطهر امام حسین عليه‌السلام به شام 53](#_Toc523136731)

[2. ورود اهل بیت عليه‌السلام به شام (2) 53](#_Toc523136732)

[3. شروع جنگ صفین (2) 54](#_Toc523136733)

[2 صفر 55](#_Toc523136734)

[1. مجلس یزید 55](#_Toc523136735)

[2. شهادت زید بن علی بن ال حسین عليه‌السلام 55](#_Toc523136736)

[5 صفر 56](#_Toc523136737)

[1. شهادت حضرت رقیّه عليه‌السلام 56](#_Toc523136738)

[7 صفر 57](#_Toc523136739)

[1. شهادت امام مجتبی عليه‌السلام 57](#_Toc523136740)

[نسب شریف آن حضرت عليه‌السلام 58](#_Toc523136741)

[بعضی از صفات آن حضرت عليه‌السلام 58](#_Toc523136742)

[عمر شریف آن حضرت عليه‌السلام 59](#_Toc523136743)

[شهادت آن حضرت عليه‌السلام 59](#_Toc523136744)

[8 صفر 61](#_Toc523136745)

[1. وفات حضرت سلمان رحمه‌الله 61](#_Toc523136746)

[9 صفر 62](#_Toc523136747)

[1. شهادت عمار و خزیمه رحمهما‌الله 62](#_Toc523136748)

[2. جنگ نهروان 63](#_Toc523136749)

[11 صفر 63](#_Toc523136750)

[1. لیله الهریر در جنگ صفین 63](#_Toc523136751)

[12 صفر 64](#_Toc523136752)

[1. حکمین در صفین 64](#_Toc523136753)

[14 صفر 66](#_Toc523136754)

[1. شهادت محمد بن ابی بکر 66](#_Toc523136755)

[15 صفر 67](#_Toc523136756)

[1. ابتدای بیماری صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم (3) 67](#_Toc523136757)

[17 صفر 67](#_Toc523136758)

[1. شهادت امام رضا عليه‌السلام 67](#_Toc523136759)

[20 صفر (اربعین) 68](#_Toc523136760)

[1. اربعین سیّدالشّهداء عليه‌السلام 68](#_Toc523136761)

[2. زیارت جابر از کربلا 68](#_Toc523136762)

[3. بازگشت اهل بیت عليه‌السلام به کربلا 68](#_Toc523136763)

[4. ملحق شدن رأس مطهر امام حسین عليه‌السلام به بدن مطهر 69](#_Toc523136764)

[24 صفر 69](#_Toc523136765)

[1. طلب کتف توسّط صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 69](#_Toc523136766)

[25 صفر 75](#_Toc523136767)

[1. دستور پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به پیروزی از ثقلین 75](#_Toc523136768)

[26 صفر 75](#_Toc523136769)

[1. تجهیز لشکر اسامه (2) 75](#_Toc523136770)

[28 صفر 76](#_Toc523136771)

[1. شهادت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 76](#_Toc523136772)

[وصایای پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 77](#_Toc523136773)

[غسل و نماز بر بدن صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 77](#_Toc523136774)

[دفن بدن مبارک صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 78](#_Toc523136775)

[خلاصه ای از زندگی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 78](#_Toc523136776)

[2. آغاز امامت امیر المؤمنین عليه‌السلام 79](#_Toc523136777)

[3. آغاز غصب خلافت 80](#_Toc523136778)

[4. اجباری مردم بر بیعت کردن (2) 80](#_Toc523136779)

[5. شهادت امام حسن مجتبی عليه‌السلام 80](#_Toc523136780)

[مسمومیت حضرت 81](#_Toc523136781)

[تشییع جنازه حضرت 81](#_Toc523136782)

[آخر صفر 83](#_Toc523136783)

[1. شهادت امام رضا عليه‌السلام 83](#_Toc523136784)

[آزارهای مأمون نسبت به حضرت 84](#_Toc523136785)

[دفن بدن مبارک حضرت 84](#_Toc523136786)

[3 ربیع الاوّل 87](#_Toc523136787)

[1 ربیع الاول 90](#_Toc523136788)

[1. دفن بدن مطهر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 90](#_Toc523136789)

[2. لیله المبیت 92](#_Toc523136790)

[3. هجرت صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 93](#_Toc523136791)

[4. ابتدای وضع تاریخ هجری قمری 93](#_Toc523136792)

[5. هجوم به خانه وحی 94](#_Toc523136793)

[5. مسمومیت امام عسکری عليه‌السلام 95](#_Toc523136794)

[3 ربیع الاول 96](#_Toc523136795)

[1. احتجاج سلمان فارسی رحمه‌الله بر مردم 96](#_Toc523136796)

[2. تخریب کعبه توسط یزید 97](#_Toc523136797)

[5 ربیع الاول 97](#_Toc523136798)

[1. وفات حضرت سکینه عليه‌السلام 97](#_Toc523136799)

[8 ربیع الاول 98](#_Toc523136800)

[1. شهادت امام عسکری عليه‌السلام 98](#_Toc523136801)

[9 ربیع الاول 100](#_Toc523136802)

[1. آغاز امامت حضرت ولی عصر عليه‌السلام 100](#_Toc523136803)

[2. قتل عمر بن خطّاب 101](#_Toc523136804)

[ماجرای قتل عمر 101](#_Toc523136805)

[عمر در بستر مرگ 102](#_Toc523136806)

[بدعت عمر برای آینده خلافت 103](#_Toc523136807)

[شورای بعد از مرگ عمر 104](#_Toc523136808)

[3. قتل عمر بن سعد 107](#_Toc523136809)

[10 ربیع الاول 107](#_Toc523136810)

[1. ازدواج صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم با حضرت خدیجه عليه‌السلام 107](#_Toc523136811)

[2. مرگ داود بن علی حاکم ظالم مدینه 109](#_Toc523136812)

[3. مرگ مالک بن انس 110](#_Toc523136813)

[4. اولین روز خلافت غاصبانه معاویه 110](#_Toc523136814)

[12 ربیع الاول 110](#_Toc523136815)

[1. ورود پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به مدینه 110](#_Toc523136816)

[2. انقراض بنی امیه 111](#_Toc523136817)

[3. مرگ معتصم عباسی 111](#_Toc523136818)

[4. مرگ احمد بن حنبل 112](#_Toc523136819)

[14 ربیع الاول 112](#_Toc523136820)

[1. مرگ یزید بن معاویه 112](#_Toc523136821)

[2. مرگ موسی خلیفه عباسی 114](#_Toc523136822)

[17 ربیع الاول 115](#_Toc523136823)

[1- ولادت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 115](#_Toc523136824)

[معجزات ولادت حضرت 116](#_Toc523136825)

[خصوصیات حضرت 117](#_Toc523136826)

[معجزات حضرت 117](#_Toc523136827)

[2. ولادت امام صادق عليه‌السلام 118](#_Toc523136828)

[22 ربیع الاول 119](#_Toc523136829)

[1. جنگ بنی النضیر 119](#_Toc523136830)

[23 ربیع الاول 119](#_Toc523136831)

[1. ورود حضرت معصومه عليه‌السلام به قم 119](#_Toc523136832)

[25 ربیع الاول 120](#_Toc523136833)

[1. جنگ دومه الجندل 120](#_Toc523136834)

[2. صلح امام حسن عليه‌السلام 121](#_Toc523136835)

[تتمه این ماه 122](#_Toc523136836)

[1. زیارت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم قبر مادرش را 122](#_Toc523136837)

[2. غارت خیمه امام حسن عليه‌السلام 122](#_Toc523136838)

[4. ربیع الثانی 123](#_Toc523136839)

[1 ربیع الثانی 127](#_Toc523136840)

[1. قیام توابین 127](#_Toc523136841)

[2. شهادت امام باقر عليه‌السلام 128](#_Toc523136842)

[3 ربیع الثانی 128](#_Toc523136843)

[1. سفر امام حسن عسکری عليه‌السلام به جرجان 128](#_Toc523136844)

[4 ربیع الثانی 130](#_Toc523136845)

[1. ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی عليه‌السلام 130](#_Toc523136846)

[6 ربیع الثانی 130](#_Toc523136847)

[1. مرگ هشام بن عبدالملک 130](#_Toc523136848)

[8 ربیع الثانی 131](#_Toc523136849)

[1. ولادت امام حسن عسکری عليه‌السلام 131](#_Toc523136850)

[2. شهادت حضرت صدیقه طاهره عليه‌السلام (3) 132](#_Toc523136851)

[10 ربیع الثانی 132](#_Toc523136852)

[1. وفات حضرت معصومه عليه‌السلام 132](#_Toc523136853)

[2. حمله روس به حریم سلطان طوس عليه‌السلام 134](#_Toc523136854)

[12 ربیع الثانی 134](#_Toc523136855)

[1. آغاز وجوب نماز 134](#_Toc523136856)

[13 ربیع الثانی 135](#_Toc523136857)

[1. شهادت حضرت زهرا عليه‌السلام 135](#_Toc523136858)

[14 ربیع الثانی 135](#_Toc523136859)

[1. قیام مختار رحمه‌الله (2) 135](#_Toc523136860)

[22 ربیع الثانی 137](#_Toc523136861)

[1. وفات موسی مبرقع 137](#_Toc523136862)

[25 ربیع الثانی 138](#_Toc523136863)

[1. خلع معاویه بن یزید خود را از خلافت 138](#_Toc523136864)

[آخر ربیع الثانی 139](#_Toc523136865)

[1. مرگ خالد بن ولید 139](#_Toc523136866)

[5 جمادی الاوّل 143](#_Toc523136867)

[5 جمادی الاولی 147](#_Toc523136868)

[1. ولادت حضرت زینب عليه‌السلام 147](#_Toc523136869)

[ماجرای ولادت حضرت 148](#_Toc523136870)

[6 جمادی الاولی 149](#_Toc523136871)

[1. جنگ موته (2) 149](#_Toc523136872)

[شهادت سه فرمانده 149](#_Toc523136873)

[سوابق جعفر 150](#_Toc523136874)

[10 جمادی الاولی 151](#_Toc523136875)

[1. جنگ جمل 151](#_Toc523136876)

[2. تحویل پیراهن امام حسین عليه‌السلام به حضرت زینب عليه‌السلام 153](#_Toc523136877)

[13 جمادی الاولی 153](#_Toc523136878)

[1. شهادت حضرت زهرا عليه‌السلام 153](#_Toc523136879)

[22 جمادی الاولی 154](#_Toc523136880)

[1. وفات جناب قاسم بن موسی بن جعفر عليهم‌السلام 154](#_Toc523136881)

[27 جمادی الاولی 155](#_Toc523136882)

[1. وفات جناب عبد المطلب عليه‌السلام (1) 155](#_Toc523136883)

[2. تخریب دو گلدسته حرم عسکریین عليهما‌السلام 155](#_Toc523136884)

[آخر جمادی الاولی 156](#_Toc523136885)

[1. وفات محمّد بن عثمان عمری رحمه‌الله 156](#_Toc523136886)

[6 جمادی الثانی 157](#_Toc523136887)

[3 جمادی الثانی 161](#_Toc523136888)

[1. شهادت حضرت زهرا عليه‌السلام (1) 161](#_Toc523136889)

[روزهای حزن فاطمه عليه‌السلام 162](#_Toc523136890)

[مدینه در شهادت فاطمه عليه‌السلام 163](#_Toc523136891)

[اقوال در شهادت حضرت زهرا عليه‌السلام 164](#_Toc523136892)

[4 جمادی الثانی 168](#_Toc523136893)

[1. مرگ هارون الرشید 168](#_Toc523136894)

[12 جمادی الثانی 168](#_Toc523136895)

[1. حرکت به سوی خیبر 168](#_Toc523136896)

[13 جمادی الثانی 168](#_Toc523136897)

[1. وفات حضرت امّ البنین عليه‌السلام 168](#_Toc523136898)

[19 جمادی الثانی 169](#_Toc523136899)

[1. ازدواج حضرت عبداللَّه و آمنه عليهما‌السلام 169](#_Toc523136900)

[20 جمادی الثانی 170](#_Toc523136901)

[1. ولادت حضرت زهرا عليه‌السلام 170](#_Toc523136902)

[انعقاد نطفه فاطمه عليها‌السلام 170](#_Toc523136903)

[دوران بارداری خدیجه عليها‌السلام 172](#_Toc523136904)

[فاطمه عليها‌السلام به دنیا آمد 173](#_Toc523136905)

[22 جمادی الثانی 174](#_Toc523136906)

[1. مرگ ابوبکر 174](#_Toc523136907)

[27 جمادی الثانی 176](#_Toc523136908)

[1 - شهادت سلطان علی بن محمّد الباقر عليه‌السلام 176](#_Toc523136909)

[28 جمادی الثانی 177](#_Toc523136910)

[1. سپردن صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به حلیمه سعدیه 177](#_Toc523136911)

[29 جمادی الثانی 177](#_Toc523136912)

[1. وفات حضرت ام کلثوم عليها‌السلام 177](#_Toc523136913)

[2. وفات حضرت سیّد محمّد فرزند امام هادی عليه‌السلام (2) 178](#_Toc523136914)

[تتمه این ماه 179](#_Toc523136915)

[1. جنگ ذات السلاسل 179](#_Toc523136916)

[2. نزول آیه تطهیر 179](#_Toc523136917)

[3. شهادت ابراهیم بن مالک اشتر 180](#_Toc523136918)

[7 رجب المرجب 181](#_Toc523136919)

[1 رجب 185](#_Toc523136920)

[1. زیارت امام حسین عليه‌السلام 185](#_Toc523136921)

[2. ولادت امام باقر عليه‌السلام 185](#_Toc523136922)

[2 رجب 186](#_Toc523136923)

[1. ولادت امام علی النقی عليه‌السلام 186](#_Toc523136924)

[3 رجب 186](#_Toc523136925)

[1. شهادت امام هادی عليه‌السلام 186](#_Toc523136926)

[5 رجب 188](#_Toc523136927)

[1. شهادت ابن سکیت رحمه‌الله 188](#_Toc523136928)

[علت شهادت 188](#_Toc523136929)

[7 رجب 189](#_Toc523136930)

[1. طلب امام رضا عليه‌السلام برای ولایتعهدی 189](#_Toc523136931)

[10 رجب 189](#_Toc523136932)

[1 - ولادت امام جواد عليه‌السلام 189](#_Toc523136933)

[2 - ولادت حضرت علی اصغر عليه‌السلام 190](#_Toc523136934)

[12 رجب 191](#_Toc523136935)

[1. مرگ معاویه 191](#_Toc523136936)

[نسب معاویه 191](#_Toc523136937)

[حکومت معاویه در شام 193](#_Toc523136938)

[دشمنی معاویه با امیر المؤمنین عليه‌السلام 193](#_Toc523136939)

[ماجرای مرگ معاویه 194](#_Toc523136940)

[2. ورود امیر المؤمنین عليه‌السلام به کوفه 194](#_Toc523136941)

[13 رجب 195](#_Toc523136942)

[1. ولادت امیر المؤمنین عليه‌السلام 195](#_Toc523136943)

[القاب امیرالمؤمنین عليه‌السلام 195](#_Toc523136944)

[والدین امیر المؤمنین عليه‌السلام 197](#_Toc523136945)

[نور امیر المؤمنین عليه‌السلام در اصلاب پدران 198](#_Toc523136946)

[محل ولادت امیر المؤمنین عليه‌السلام 198](#_Toc523136947)

[پیشگوئی از ولادت امیر المؤمنین عليه‌السلام 199](#_Toc523136948)

[انعقاد نطفه امیر المؤمنین عليه‌السلام 200](#_Toc523136949)

[مادر امیر المؤمنین عليه‌السلام در کعبه 201](#_Toc523136950)

[روز ولادت امیر المؤمنین عليه‌السلام 202](#_Toc523136951)

[سخنان امیر المؤمنین عليه‌السلام پس از ولادت 203](#_Toc523136952)

[سه روز در کعبه 204](#_Toc523136953)

[طلوع نور علی عليه‌السلام در آغوش پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: 204](#_Toc523136954)

[کودکی علی عليه‌السلام با پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 206](#_Toc523136955)

[15 رجب 206](#_Toc523136956)

[1. زیارت امام حسین عليه‌السلام 206](#_Toc523136957)

[2. وفات حضرت زینب عليها‌السلام 207](#_Toc523136958)

[نام گذاری حضرت: 207](#_Toc523136959)

[3. تغییر قبله 208](#_Toc523136960)

[4. خروج از شعب ابی طالب عليه‌السلام 208](#_Toc523136961)

[5. شهادت امام صادق عليه‌السلام 208](#_Toc523136962)

[16 رجب 209](#_Toc523136963)

[1. خروج فاطمه بنت اسد عليها‌السلام از کعبه 209](#_Toc523136964)

[17 رجب 209](#_Toc523136965)

[1. مرگ مأمون 209](#_Toc523136966)

[18 رجب 209](#_Toc523136967)

[1. وفات ابراهیم فرزند پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 209](#_Toc523136968)

[2. اول خلافت شوم یزید 210](#_Toc523136969)

[19 رجب 210](#_Toc523136970)

[1. مرگ معتمد عباسی 210](#_Toc523136971)

[21 رجب 211](#_Toc523136972)

[1. شهادت حضرت زهرا عليه‌السلام 211](#_Toc523136973)

[22 رجب 211](#_Toc523136974)

[1. فرار ابوبکر در جنگ خیبر 211](#_Toc523136975)

[23 رجب 212](#_Toc523136976)

[1. حمله به امام مجتبی عليه‌السلام در مدائن 212](#_Toc523136977)

[2. مسموم شدن موسی بن جعفر عليه‌السلام 213](#_Toc523136978)

[3. فرار عمر در جنگ خیبر 213](#_Toc523136979)

[24 رجب 213](#_Toc523136980)

[1. فتح خیبر به دست امیر المؤمنین عليه‌السلام (4) 213](#_Toc523136981)

[انتخاب علی عليه‌السلام برای فتح خیبر 214](#_Toc523136982)

[میدان جنگ خیبر: 215](#_Toc523136983)

[2. بازگشت جعفر طیّار از حبشه 215](#_Toc523136984)

[25 رجب 216](#_Toc523136985)

[1. شهادت موسی بن جعفر عليه‌السلام 216](#_Toc523136986)

[خلفای ظالم در دوران امامت حضرت: 216](#_Toc523136987)

[غسل و تدفین حضرت: 217](#_Toc523136988)

[26 رجب 217](#_Toc523136989)

[1. وفات حضرت ابوطالب عليه‌السلام 217](#_Toc523136990)

[نسب حضرت ابوطالب عليه‌السلام 218](#_Toc523136991)

[ایمان حضرت ابوطالب عليه‌السلام 218](#_Toc523136992)

[پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در وفات ابوطالب عليه‌السلام 220](#_Toc523136993)

[27 رجب 221](#_Toc523136994)

[1. بعثت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 221](#_Toc523136995)

[28 رجب 224](#_Toc523136996)

[1. خروج امام حسین عليه‌السلام از مدینه به سوی مکه 224](#_Toc523136997)

[2. اولین اقامه نماز در اسلام 225](#_Toc523136998)

[آخر رجب 225](#_Toc523136999)

[1. مرگ ابوحنیفه 225](#_Toc523137000)

[2. مرگ شافعی 225](#_Toc523137001)

[3. غزوه نخله 226](#_Toc523137002)

[تتمه رجب 226](#_Toc523137003)

[1. هجرت مسلمانان به حبشه 226](#_Toc523137004)

[2. وفات نجاشی پادشاه حبشه 226](#_Toc523137005)

[3. شهادت مالک اشتر نخعی 226](#_Toc523137006)

[8 شعبان المعظم 229](#_Toc523137007)

[2 شعبان 233](#_Toc523137008)

[1. آغاز وجوب روزه 233](#_Toc523137009)

[2. مرگ معتز عباسی 233](#_Toc523137010)

[3 شعبان 233](#_Toc523137011)

[1. ولادت امام حسین عليه‌السلام 233](#_Toc523137012)

[القاب امام حسین عليه‌السلام 234](#_Toc523137013)

[پیامبر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در ولادت امام حسین عليه‌السلام 235](#_Toc523137014)

[دوران زندگی امام حسین عليه‌السلام 235](#_Toc523137015)

[2. ورود امام حسین عليه‌السلام به مکه 236](#_Toc523137016)

[4 شعبان 237](#_Toc523137017)

[1. ولادت حضرت عباس عليه‌السلام 237](#_Toc523137018)

[5 شعبان 238](#_Toc523137019)

[1. ولادت امام زین العابدین عليه‌السلام 238](#_Toc523137020)

[9 شعبان 240](#_Toc523137021)

[1. عقیقه برای امام حسین عليه‌السلام 240](#_Toc523137022)

[10 شعبان 240](#_Toc523137023)

[1. توقیع امام زمان عليه‌السلام برای شیعیان 240](#_Toc523137024)

[11 شعبان 240](#_Toc523137025)

[1. ولادت حضرت علی اکبر عليه‌السلام 240](#_Toc523137026)

[15 شعبان 241](#_Toc523137027)

[1. ولادت حضرت بقیه اللَّه الاعظم صلوات اللَّه علیه 241](#_Toc523137028)

[ماجرای شب ولادت 242](#_Toc523137029)

[امام زمان عليه‌السلام در آغوش پدر 243](#_Toc523137030)

[القاب امام زمان عليه‌السلام 244](#_Toc523137031)

[اوصاف امام زمان عليه‌السلام 244](#_Toc523137032)

[مادر امام زمان عليه‌السلام 245](#_Toc523137033)

[ایام پس از ولادت امام زمان عليه‌السلام 246](#_Toc523137034)

[غیبت صغری: 246](#_Toc523137035)

[پایان غیبت صغری: 251](#_Toc523137036)

[وظائف زمان غیبت کبری: 252](#_Toc523137037)

[2. وفات علی بن محمد سمری نائب امام زمان عليه‌السلام 253](#_Toc523137038)

[18 شعبان 253](#_Toc523137039)

[1. وفات حسین بن روح نوبختی نایب امام زمان عليه‌السلام 253](#_Toc523137040)

[19 شعبان 254](#_Toc523137041)

[1. جنگ بنی المصطلق 254](#_Toc523137042)

[تتمه شعبان 254](#_Toc523137043)

[1. مرگ حفصه 254](#_Toc523137044)

[2. جنگ پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم با بنی سعد 256](#_Toc523137045)

[3. شهادت سعید بن جبیر 256](#_Toc523137046)

[4. مرگ مغیره بن شعبه 257](#_Toc523137047)

[9 رمضان المبارک 259](#_Toc523137048)

[1 ماه رمضان 263](#_Toc523137049)

[1. ولایتعهدی امام رضا عليه‌السلام 263](#_Toc523137050)

[2. احتجاج اُبیّ بن کعب بر ابوبکر 263](#_Toc523137051)

[3. مرگ مروان 264](#_Toc523137052)

[4. جنگ تبوک (3) 265](#_Toc523137053)

[5. وفات حضرت نفیسه عليها‌السلام 267](#_Toc523137054)

[3 ماه رمضان 268](#_Toc523137055)

[1. شهادت حضرت زهرا عليها‌السلام 268](#_Toc523137056)

[4 ماه رمضان 268](#_Toc523137057)

[1. مرگ زیاد بن ابیه 268](#_Toc523137058)

[6 ماه رمضان 270](#_Toc523137059)

[1. ضرب سکه به نام امام رضا عليه‌السلام 270](#_Toc523137060)

[10 ماه رمضان 271](#_Toc523137061)

[1. آمدن نامه های اهل کوفه برای امام حسین عليه‌السلام 271](#_Toc523137062)

[2. وفات حضرت خدیجه عليها‌السلام 271](#_Toc523137063)

[12 ماه رمضان 273](#_Toc523137064)

[1. مراسم عقد اخوت 273](#_Toc523137065)

[13 ماه رمضان 274](#_Toc523137066)

[1. مرگ حجاج ثقفی 274](#_Toc523137067)

[14 ماه رمضان 275](#_Toc523137068)

[1. شهادت مختار رحمه‌الله 275](#_Toc523137069)

[15 ماه رمضان 276](#_Toc523137070)

[1. ولادت امام حسن مجتبی عليه‌السلام 276](#_Toc523137071)

[2. حرکت حضرت مسلم عليه‌السلام به سمت کوفه 277](#_Toc523137072)

[16 ماه رمضان 277](#_Toc523137073)

[1. ورود محمّد بن ابی بکر به مصر 277](#_Toc523137074)

[17 ماه رمضان 278](#_Toc523137075)

[1. معراج پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 278](#_Toc523137076)

[2. جنگ بدر 279](#_Toc523137077)

[3. قتل عایشه 281](#_Toc523137078)

[4. وفات پسر برادر ابولؤلؤ رحمه‌الله 282](#_Toc523137079)

[اشاره ای به احوال ابولؤلؤ رحمه‌الله 283](#_Toc523137080)

[مذهب آن بزرگوار 283](#_Toc523137081)

[قتل هرمزان، جفینه، دختر ابولؤلؤ (لؤلؤة)، پسر و همسر ابولؤلؤ 284](#_Toc523137082)

[ابولؤلؤ رحمه‌الله در مدینه 285](#_Toc523137083)

[قبر شریف آن بزرگوار در کاشان 286](#_Toc523137084)

[5. بنای مسجد جمکران 286](#_Toc523137085)

[19 ماه رمضان 286](#_Toc523137086)

[1. ضربت خوردن امیر المؤمنین عليه‌السلام 286](#_Toc523137087)

[20 ماه رمضان 288](#_Toc523137088)

[1. فتح مکه 288](#_Toc523137089)

[21 ماه رمضان 290](#_Toc523137090)

[1. شهادت امیر المؤمنین عليه‌السلام 290](#_Toc523137091)

[2. بیعت با امام مجتبی عليه‌السلام 293](#_Toc523137092)

[3. قتل ابن ملجم 293](#_Toc523137093)

[23 ماه رمضان 294](#_Toc523137094)

[1. نزول قرآن 294](#_Toc523137095)

[24 ماه رمضان 294](#_Toc523137096)

[1. مرگ ابولهب 294](#_Toc523137097)

[تتمه ماه رمضان 294](#_Toc523137098)

[1. بدعت نماز تراویج توسّط عمر 294](#_Toc523137099)

[2. دعای باران توسّط پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 295](#_Toc523137100)

[10 شوال المکرّم 297](#_Toc523137101)

[1 شوال 301](#_Toc523137102)

[1. عید فطر 301](#_Toc523137103)

[2. مرگ عمرو بن عاص 301](#_Toc523137104)

[3. جنگ قرقره الکدر 302](#_Toc523137105)

[3 شوال 303](#_Toc523137106)

[1. قتل متوکل 303](#_Toc523137107)

[4 شوال 305](#_Toc523137108)

[1. جنگ حنین 305](#_Toc523137109)

[5 شوال 305](#_Toc523137110)

[1. حرکت به سوی جنگ صفین 305](#_Toc523137111)

[2. ورود حضرت مسلم عليه‌السلام به کوفه 306](#_Toc523137112)

[6 شوال 306](#_Toc523137113)

[1. توقیع برای حسین بن روح 306](#_Toc523137114)

[8 شوال 306](#_Toc523137115)

[1. ویرانی قبور ائمه بقیع عليهم‌السلام 306](#_Toc523137116)

[2. جنگ حمراء الاسد (1) 308](#_Toc523137117)

[14 شوال 308](#_Toc523137118)

[1. مرگ عبدالملک مروان 308](#_Toc523137119)

[15 شوال 309](#_Toc523137120)

[1. جنگ احد و شهادت حضرت حمزه عليه‌السلام (2) 309](#_Toc523137121)

[فداکاری های امیر المؤمنین عليه‌السلام در اُحد 309](#_Toc523137122)

[ابوبکر و عمر و عثمان در جنگ احد 311](#_Toc523137123)

[بانویی به نام نسیبه در جنگ احد 312](#_Toc523137124)

[شهادت حضرت حمزه 313](#_Toc523137125)

[2. رد الشمس 314](#_Toc523137126)

[3. جنگ بنی قینقاع 315](#_Toc523137127)

[4. وفات حضرت عبدالعظیم عليه‌السلام 315](#_Toc523137128)

[16 شوال 317](#_Toc523137129)

[1. جنگ حمراء الاسد 317](#_Toc523137130)

[17 شوال 317](#_Toc523137131)

[1. جنگ خندق 317](#_Toc523137132)

[2. وفات اباصلت هروی 320](#_Toc523137133)

[20 شوال 320](#_Toc523137134)

[1. دستگیری امام کاظم عليه‌السلام 320](#_Toc523137135)

[25 شوال 320](#_Toc523137136)

[1. شهادت امام صادق عليه‌السلام 320](#_Toc523137137)

[11 ذی القعده الحرام 323](#_Toc523137138)

[1 ذو القعده 327](#_Toc523137139)

[1. ولادت حضرت معصومه عليها‌السلام 327](#_Toc523137140)

[2. جنگ بدر صغری 328](#_Toc523137141)

[3. مرگ اشعث بن قیس 328](#_Toc523137142)

[11 ذو القعده 329](#_Toc523137143)

[1. ولادت امام رضا عليه‌السلام 329](#_Toc523137144)

[12 ذوالقعده 330](#_Toc523137145)

[1. نامه حضرت مسلم به امام حسین عليه‌السلام 330](#_Toc523137146)

[23 ذو القعده 330](#_Toc523137147)

[1. شهادت امام رضا عليه‌السلام 330](#_Toc523137148)

[2. جنگ بنی قریظه 331](#_Toc523137149)

[25 ذو القعده 331](#_Toc523137150)

[1. حرکت امام رضا عليه‌السلام از مدینه به سوی مرو 331](#_Toc523137151)

[2. روز دحوالارض 332](#_Toc523137152)

[26 ذو القعده 333](#_Toc523137153)

[1. حرکت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از مدینه برای حجه الوداع 333](#_Toc523137154)

[آغاز بیان ولایت در مراسم حج 334](#_Toc523137155)

[سفر ولایت 334](#_Toc523137156)

[آخر ذو القعده 335](#_Toc523137157)

[1 - شهادت امام جواد عليه‌السلام 335](#_Toc523137158)

[تتمه ذو القعده 336](#_Toc523137159)

[1. صلح حدیبیه 336](#_Toc523137160)

[12 ذوالحجة الحرام 339](#_Toc523137161)

[1 ذی الحجه 343](#_Toc523137162)

[1. عزل ابوبکر از تبلیغ سوره برائت (1) 343](#_Toc523137163)

[فرستادن امیر المؤمنین عليه‌السلام و بازگشت ابوبکر 344](#_Toc523137164)

[تبلیغ سوره برائت توسّط امیر المؤمنین عليه‌السلام 344](#_Toc523137165)

[بازگشت امیر المؤمنین عليه‌السلام از تبلیغ برائت 344](#_Toc523137166)

[2. آغاز نامه ها برای جنگ صفین 345](#_Toc523137167)

[5 ذی الحجه 346](#_Toc523137168)

[1. جنگ سویق 346](#_Toc523137169)

[6 ذی الحجه 346](#_Toc523137170)

[1. ازدواج امیر المؤمنین و حضرت زهرا عليهما‌السلام 346](#_Toc523137171)

[خواستگاری از فاطمه عليها‌السلام 347](#_Toc523137172)

[مراسم عروسی 348](#_Toc523137173)

[مهریه حضرت زهرا عليها‌السلام 350](#_Toc523137174)

[ولیمه عروسی 351](#_Toc523137175)

[جهازیه حضرت زهرا عليها‌السلام 352](#_Toc523137176)

[عروسی و شرکت کنندگان 353](#_Toc523137177)

[ثمره ازدواج نورانی 354](#_Toc523137178)

[ازدواج آسمانی 355](#_Toc523137179)

[اقوال در روز ازدواج حضرت 355](#_Toc523137180)

[2. مرگ منصور دوانیقی 356](#_Toc523137181)

[7 ذی الحجه 357](#_Toc523137182)

[1. شهادت امام باقر عليه‌السلام 357](#_Toc523137183)

[3. خطبه حضرت عباس عليه‌السلام در مکه 358](#_Toc523137184)

[3. بردن امام کاظم عليه‌السلام به زندان بصره 359](#_Toc523137185)

[8 ذی الحجه 360](#_Toc523137186)

[1. توطئه ترور امام حسین عليه‌السلام 360](#_Toc523137187)

[2. دعوت عمومی حضرت مسلم عليه‌السلام در کوفه 360](#_Toc523137188)

[3. حرکت امام حسین عليه‌السلام از مکه به عراق 360](#_Toc523137189)

[9 ذی الحجه 360](#_Toc523137190)

[1. روز عرفه 360](#_Toc523137191)

[2. شهادت حضرت مسلم عليه‌السلام و هانی رحمه‌الله 361](#_Toc523137192)

[خاندان حضرت مسلم عليه‌السلام 361](#_Toc523137193)

[شهادت و دفن بدن حضرت مسلم عليه‌السلام 362](#_Toc523137194)

[هانی بن عروه 362](#_Toc523137195)

[3. روز سد الابواب 363](#_Toc523137196)

[10 ذی الحجه 364](#_Toc523137197)

[1. عید قربان 364](#_Toc523137198)

[2. شهادت عبداللَّه محض و جمعی از آل حسن عليهم‌السلام 364](#_Toc523137199)

[3. نماز عید امام رضا عليه‌السلام در خراسان (1) 366](#_Toc523137200)

[11 ذی الحجه 366](#_Toc523137201)

[1. روز نوشتن دعای صباح 366](#_Toc523137202)

[2. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 1«ابطح»، 2«تنعیم»، 3 «صفاح» 366](#_Toc523137203)

[12 ذی الحجه 367](#_Toc523137204)

[1. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 4 «وادی عقیق» 367](#_Toc523137205)

[13 ذی الحجه 367](#_Toc523137206)

[1. شق القمر 367](#_Toc523137207)

[14 ذی الحجه 368](#_Toc523137208)

[1. بخشیدن فدک به حضرت زهرا عليها‌السلام (2) 368](#_Toc523137209)

[فتح فدک 368](#_Toc523137210)

[اعطای فدک به فاطمه عليها‌السلام 369](#_Toc523137211)

[درآمد فدک 370](#_Toc523137212)

[غصب فدک 370](#_Toc523137213)

[2. افشاء سر ولایت توسّط عایشه و حفصه (2) 371](#_Toc523137214)

[3. منزل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 6 «ذات عرق» 372](#_Toc523137215)

[15 ذی الحجه 373](#_Toc523137216)

[1. ولادت امام هادی عليه‌السلام 373](#_Toc523137217)

[2. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 7 «حاجر» (7) 373](#_Toc523137218)

[16 ذی الحجه 374](#_Toc523137219)

[1. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 8 «فَید» 374](#_Toc523137220)

[17 ذی الحجه 374](#_Toc523137221)

[1. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: ج9 «اجفُر» 374](#_Toc523137222)

[18 ذی الحجه 374](#_Toc523137223)

[1 - عید غدیر 374](#_Toc523137224)

[عید بزرگ آل محمّد عليهم‌السلام 375](#_Toc523137225)

[شرکت کنندگان در مراسم غدیر 376](#_Toc523137226)

[دستور الهی برای مراسم غدیر 376](#_Toc523137227)

[پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بر فراز منبر غدیر 377](#_Toc523137228)

[معرفی علی بن ابی طالب عليه‌السلام 379](#_Toc523137229)

[بیعت لسانی و عملی 379](#_Toc523137230)

[بیعت زنان 380](#_Toc523137231)

[2. قتل عثمان 381](#_Toc523137232)

[خلافت غاصبانه عثمان 381](#_Toc523137233)

[بدعت های عثمان 381](#_Toc523137234)

[قتل عثمان به دست مردم 383](#_Toc523137235)

[3. خلافت ظاهری امیر المؤمنین عليه‌السلام 384](#_Toc523137236)

[4. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 10 «خزیمیه» 384](#_Toc523137237)

[20 ذی الحجه 385](#_Toc523137238)

[1. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 11 «شقوق» 385](#_Toc523137239)

[21 ذی الحجه 385](#_Toc523137240)

[1. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 12 «زرود» 385](#_Toc523137241)

[22 ذی الحجه 385](#_Toc523137242)

[1. شهادت میثم تمّار 385](#_Toc523137243)

[2. خروج ابراهیم بن مالک اشتر برای جنگ با ابن زیاد 386](#_Toc523137244)

[3. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 13 «ثعلبیه» 387](#_Toc523137245)

[1. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 14 «زباله» 388](#_Toc523137246)

[24 ذی الحجه 388](#_Toc523137247)

[1. روز مباهله 388](#_Toc523137248)

[نامه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به نصارای نجران 389](#_Toc523137249)

[نجرانیان در مدینه 389](#_Toc523137250)

[مراسم مباهله 390](#_Toc523137251)

[پرهیز نجرانیان از مباهله 391](#_Toc523137252)

[2. روز خاتم بخشی (1) 392](#_Toc523137253)

[3. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 15 «القاع» 393](#_Toc523137254)

[25 ذی الحجه 393](#_Toc523137255)

[1. نزول سوره هل اتی 393](#_Toc523137256)

[2. اولین نماز جمعه امیر المؤمنین عليه‌السلام 393](#_Toc523137257)

[3. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 16 «عقبه» 394](#_Toc523137258)

[26 ذی الحجه 394](#_Toc523137259)

[3. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 17 «شراف» 394](#_Toc523137260)

[27 ذی الحجه 394](#_Toc523137261)

[3. منازل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 17 «ذو حُسُم» (5) 394](#_Toc523137262)

[1. مرگ مروان 395](#_Toc523137263)

[3. واقعه حرّه 396](#_Toc523137264)

[4. وفات علی بن جعفر عليه‌السلام 396](#_Toc523137265)

[احترام علی بن جعفر عليه‌السلام به مقام امامت 397](#_Toc523137266)

[مسافرت های علی بن جعفر عليهما‌السلام 397](#_Toc523137267)

[28 ذی الحجه 398](#_Toc523137268)

[1. منزل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 19 «عذیب الهجانات» 398](#_Toc523137269)

[29 ذی الحجه 399](#_Toc523137270)

[1. منزل امام حسین عليه‌السلام تا کربلا: 19 «قطقطانیه» 399](#_Toc523137271)

[آخر ذی الحجه 399](#_Toc523137272)

[1. مرگ پدر ابوبکر 399](#_Toc523137273)

[2. مرگ هند جگرخوار 399](#_Toc523137274)

[سوابق سوء خاندان معاویه با اسلام 400](#_Toc523137275)

[تتمه ذی الحجه 402](#_Toc523137276)

[ولادت با سعادت حضرت کاظم عليه‌السلام 402](#_Toc523137277)

[1. نامه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به پادشاهان بزرگ 404](#_Toc523137278)

[2. رحلت حضرت ابوذر رحمه‌الله 405](#_Toc523137279)

[3. مرگ ابوموسی اشعری 407](#_Toc523137280)

[4. وفات زراره رحمه‌الله 408](#_Toc523137281)